

MÜNŞE'ÂT-I LATÎFE



SÜHEYLÎ

UMΔY YΔYINEVÎ

Münşe'ât-ı Latîfe

Süheylî

UMAY YAYINEVİ

MÜNŞE'ÂT-I LATİFE

SÜHEYLÎ, Ahmed bin Hemdem Kethuda

Kütüphane Kartı/*Catalog in Publication*

1. Basım, 1700; Umay Yayınevi'nde 1. Basım, 545 s., Dizin yok, Kaynakça yok, Samsun, 2025.

Anahtar Kelimeler/*Key Words*

1. Münşeât, 2. Fıkralar, 3. Süheylî

YAYIN NU/Nu.: 07

TIPKIBASIMLAR/*Facsimiles*

Series: 01

**T.C. KÜLTÜR ve TURİZM
BAKANLIĞI SERTİFİKA NU:**

78536

ISBN: 978-625-97320-4-6

KAPAK/*Cover*:

Original Cover, 16. Century, Umay Yayınevi

Web Sitesi:

<https://umayyayinevi.com>

E-Posta/*E-mail*:

umayyayinevi@gmail.com

iletisim@umayyayinevi.com

Adres/*Adress*:

55200, Atakum/SAMSUN

Kitabın bütün yayın hakları Umay Yayınevi'ne aittir. Yayınevinden yazılı izin alınmadan, kaynağın açıkça belirtildiği akademik çalışmalar ve tanıtım faaliyetleri haricinde, kısmen veya tamamen alıntı yapılamaz; hiçbir matbu ve dijital ortamda kopya edilemez, çoğaltılamaz ve yayımlanamaz.

Kitabın bütünü benzerlik tespit yazılımıyla taranmıştır.

Atıf/*Cite*: Süheylî, Ahmed bin Hemdem Kethuda (2025). *Münşe'ât-i latîfe*. Umay Yayınevi.

در القاب سلاطین
عظام و شهزاده کان
نظام و ناصورت
نامها و بروات

در القاب و زرای
عظام و سور بروات
ایشان

مکه مکرمه و مدینه
منوره به منعلق اولان
بروات و مکاتیب در

القاب و زرای کرام
و علمای عظام و سایر
مشایخ و اعیان

در حسن مریت عدالت
و زور ظلم و جهالت

در تجسس احوال و برش
و تفقد از مال حال

شهر منبر عرض و انشاء
حال ما فی السال

در بیان حمد خدای
معین و شکر جهان آفرین

در شکر گذاری از سال
مکتوب در این اوقات

در شدن نکایت فراق
و ادر و محسن تلاق

در شکایت روزگار
و از ابتای زمانه غدار

در تسلیت اخوان از
کدورات زمان

در طلب اسرار
و عرض خلوصیت
و محبت

در عرض عبودیت
و انشاء دعا و دولت

در مرثیت آریاب حقد
و حسد در مدح صاحب
فتوت و نسب

در دعوت احباب
عالم احباب

در استدعای غفوکاه
و در جای مغفرت

در تهنیت اخوان جمیل
السیر و در جای حسن نظر

در تعریف مردان شجاعت شعار	در تعریف اجاب مصلحت زده	سورت تهنیت نامهای متنوعه
در تعریف مردان شجاعت شعار	در احتیاج دعوات	سورت فتح نامهای تلاعی

بومجموعه لطیف جمع و ترتیبه باعث و تحفه شاهی طوطی و اسلوبی وزن
ترکیب و زحمه سبب حادث بود در که اول محمد و و مکر و اشراف نوع نبی اد و و مکر
حافظ دبار مصر و ولان مصطفی پاشای جلیل الهام حضرتک دیوان کتابی خند
اولان خالصی محمد افندی توگردید لری و ولان هسلی بند لریه اسلوب مزبور و جمع
و تحریر و ماسنی اشارت بیورد قلری وزن یکرمی و چ فصل او و جمع و ترتیب ادب
خدمت شریف لریه و یرلیدی و تسوید اولنان منشآت لطیفه بر بردن نفع و مزین

نثار دند که تحریر اولمش در

که المفضل احمد بن همدیه کتبخدا

الشهر نسلی شاهی تحریر

فی سنة الف و خمس و ثلاثین

۱۰۴۰

کمر

شول عمر و تن مقصود که جمله از لعل جلوه نما اولیه و سادّه شهود کلمه منیر
دکل و اول نصرت دولت که کارخانه قدیم خامه تقدیر ایله نحریر اولیه سز و حه
ظهور ده صورت پزیر اولی مقصود کلد

بنای صبر مه سبیل غمک جاننا خلیل و بر دی
بلم بوکدی شحمل باری تن دیواری بل و بر دی

من عبد الذلیل الی جناب الفضل الفهیم المحیی طریق السع القوم ناصر الصراط مقصدی السلف
مفقدی الخلف زاهد زمانه عابد اوانه عزیز الاعصار شریف الامصار منبع العلم علم الهدی
جامع الکلمات نایب التکرامات کاشف المستورات مبرز المعصنات فاهم الاشادات
مظهر الکفایات حایز الحقیقه معزز الشریعه لازال کماله مانوسه و بالملاکه عروسه
فان فی غایه انعطش الی رؤیاته

قصه
در القاب سلطین عظام نظم و نثر

در بیان مدح پادشاه عالمشاه

نصف دوم

که ملک و دولت از وی سبب مور
ملک را بوسه که نم سمنند
جهان از قصه اقبالش رواقی
زین از فیض رای اوست گلشن
دری از فیض بر عالم گشوده
بر وحش خان روشن ز اختر او
که کرده آبله کفایت یاش
میرال لمعه ز انوار جمالش
مترقیدلی از کاشانه او
بصد حاجت در شب بوسیده از دور
چو او شاهی بدل و داد و اخلاص
که افکند از جهان اوانه جور
چنین باشد زهی ظل خدا جی
زیر و تنی غلام کس نباشد
هزاران یاد شاه ماسند مقور
بدولت یاد کارشهن ران
فلک در پیش در کاشی شب و روز
کهی از محو سعل بر فروزد
همه این جور از دور بروداشت
رفته ظلم شاهین بر کون

ز خلق عالمی را نازده دارد
 ز عدلش باز بآیه و شوقش
 از ان اقبال کورا دور داده
 شای کونا ابر مسند نشین است
 خود بی مستغرق حکم الهی
 بختک چرخ تا باشد نشانش
 جهان را روغنی از رای او باد
 ایاشاهی که کشت از بخت فیروز
 ز جین تاروم در دفع نامست
 ز کمره و نادرست آن قدر راه
 سکندر کز روی از اینده لاف
 هم از خود عقل دول سنگ دای
 اگر از جام می شد مطلع جم
 ترا اینده دل آن چنان است
 در ایوانت فلک خلوت سرای
 جهان زنده باین صاحب قرآن است
 الا تشرق باشد مطلع نور
 قمر مشعل فروز خرگشت باد

ز عدلش ملک بی اندازده دارد
 بیجا اب خرد کوه با مش
 نشان جهان عشرت قناده
 بشاهی حس و روی زمین است
 با مرش بنده کان در کار شباهی
 کشدار که کشتان تمغارش
 فلک را سر بر پای او باد
 ترا هر روز نور و روزی جو نوروز
 سکندر جا کو و دارا غلامت
 که از سطح زمین تا منزل ماه
 ترا باشد دلی از اینده صاف
 هم از الهام غیبی کج دای
 بر احوال جهان از پیش و از که
 که احوال جهان بر نوعیان است
 پیام رفعت کیوان کیا فی
 درین ملک نیست کوجان جهان است
 ز خاک استانت چشم بد دور
 فلک خاشاک روپ در کشت باد

مطیع حکمت از مه تا عیالی
بفرمانت سفیدی تا سیاهی
همیشه بر سر مملکت جایست
فلک را چون زمین سر ز بر پایست
زمانه تابع حکم راوست
سلاطین خاکبوس استانت

دگر

بود سایه رحمت ذوالجلال
ولی سایه گونه بیند زوال
فلک قدر و حجاب و کتی پناه
شده اسما نخت الخیم سپاه
شده و شهریان زمین و زمان
سکندر سر و پیمان مکان
بود همش جاوخی و سپاه
همش که ترن شاطری در صف
بود رستم بنده در پناه
فرو زنده تاج و تخت کیان
جیش که ترن بنده در نظر
زاینه رای کیتی نمایی
فروزنده تاج و تخت کیان
ز بازوی او ملک شد استوار
جهان افروز تا جهان افروید
سز و کر بگویند پیر و جوان
چنین شهر باری نیامد بدید
تویی افتاب سلیمان سرب
بد و کای شه شاه عالی مکان
هم افلیم بخش و هم افلیم کین
سز و کر بگویند پیر و جوان
تویی آنکه خاقان و افرا سیاب
یکجی بوسدن پاک دگر یک رکاب
ز شاهان پیشین تویی یادگار
همه عالم انداز نوامید وار
کسی را که لطف کند یا ورع
نهد پای بر خرق نیلوفری

فروزان بود ماه و نایب و مهر

الانبار اوان کردن سپهر

خداي جهانش نکه دار باد

همیشه جهان را جهان دار باد دیکو

وز وقایع ملک را انصاف و حصین

از حوادث در که او خلق راسته دید

وز بر احسان و شفقت شهریارانش

از منعمین او مفت پادشاهانش رهج

طو و انعامش کند در کردن طافان

داغ احسانش دهد بر چینه جبال هند

خرمن جود ترا صد چون عطار خوشه

ملک احسان ترا صد چون سحاب در رخسار دیکو

جهان قدر کا می ندارد وجود

کرمی که بیشش بختکام خود

ز رفت بگردن و روان کرده خوش

جهان کبر شاهنشاه ملک بخش

بر جنت دهد هر چه گیرد بقهر

بقوت کند هر چه خواهد بر مهر

ز خام که گوید بدوران او

بر افلاک شد صیانت احسان او

محیط احسان او مکران

خف جودش بر بیت کوهستان

بهر کار دولت بود یا ر او

بود مهر گردون هوا دار او

که هم ملک بخش است و هم ملک گیر

فروزان و خورشید گردون سر بر

نوالش دم از هفت دریا زند

چار و نطق علم بر زبان زند

کزان هست سر سبزی ماه و مهر

ز تاج زرشک زمره سپهر

بخورشید حل کرده نامش نوشت

دیر فلک کا حرامش نوشت

همه عالم از نور او بهره مند

به رایتش آفتاب بلند

بخوبند خبر سایه او پناه

بلند آفتابی که خورشید و ماه

فلک نیز از خاک درگاه او است

جهان روشن از ماه و خورشید او است

زحل با سبانی بر او ان او
زهر فخور همه ماه و سال
فلک با چنان لشکر بی حساب
فلک فلکه خیمه جاہ او
مکش قبه بر قبه مہ زده
چگونیم در او صاف نظر نواز
خدای جهان آفرین با ورث
فلک مندره و افتابش غلام
چو کشت از عدالت تعالم علم
ز عالم بر انداختن سم ستم

چوروی چمن اعتدال بهار

چنان خوش بعدش زین و زین
ز فیض جهان تان همچو بهشت
چنان عدلش اباد کرخه جهان
چنان سایه انداخت بر عالمی
ز نیروی آن شاه عاجز نواز
جهان کهن سال شد نو جوان
شده روشن از نور عدلش جهان

عدلش که از لطف

قرمشعلی در شبستان او
زحل دیده در شانر حدی مال
بگاه سوارش کبر و کباب
قرعکشی از ماه حرگاه او
سر برده بر هفت خر که زده
که هست آفتاب از صفت بی نیاز
همه خسروان جهان چاکش ثوب
زمانه مطیع و بھاش بکام
ز عدلش بصد آذین روزگار

دگر

که هنگام کل ببل اندر چمن
دگر کو میا فصل ارد بهشت
که دیوان شمع جعفر را خان مان
که زالی نیندیشد از سخی
خبر امانه رود کبک در پیش بار
ز عدلش شور زین و زین
رقعای منشور او هر زمان
جهانراست از فتنه حوز امان

برشاهد که غبار موکب معلا ^{بی} سر به دبیره روشنان افلاک و قراک
 عز و علوی مستعصم ساکنان کوه اولسه سزا و نعل سمندی خلقه
 کوش تاجداران تخت نشین و نم کمندی طوق کردن کردن
 کشان صاحب کین اولسه روادور
 نظم

خسر و خسروان با نیکین . رفته حکمت ز روم تا حد چین
 عظمی علی سر بر آسمان برده . سایه بر آفتاب کسند ده
 جبرج در حدیث رضا جوشت . بر روز در کفش دعا کوشت
 ناسر ای رضای او کرد . کرد دولت سرای او کرد
 هم سپاهی ز لطف او شادان . هم رغبت ز عدلش آبادان
 همه اسوده در حمایت او **نشر** عالمی در دعای دولت او
 داور و الا افسر سلیمان شان . پادشاه عالیهام چشید نشان
 خاقان دار اشکوه فریدون فر . خسرو کسری شست سکندر ظفر
 مهند قواعد صفت و بختیاری . موسس قوانین انبث و کامکار
 سلطان اعدل کامکار . مظهر انار . بخلق مایشتا و بختار
 حافظ بلاد الله . ناصر عباد الله . الی الی لیس له فی العدل عدل
 و لا فی الملك بدل . ناصب اعلام الفع المبین . ناصر الویه
 الغر و التکن . قانع انار الکفر و الضلوان . رافع رباب
 الرفاه و الرحمة الی غایة الرأب و نهایت الکمال .

شاه کا مران خسرو شیرگیر بدولت جوان و به تدبیر پیر
ز تدبیر صایب جهانش لکام نر نیز وی دولت سپهرش غلام
شهری کا سمان بردش کاه بار ز پروین و جونا فشانند شار
صفانش در اندیشه پیش از کمال نوالش با اندازه پیش از خیال
همه عالم از جان شاه خوان او **نثر** جهان فی پر از فیض احسان او
زی شوکتی که سعت مملکتش چون عرضه ملک امکان از حین
انعام بیرون و وسعت همت عالی نفقش چون ساحت لامکان
از احاطه عقل دور اندیش افزون است سجای که افتاب
اشا از پروانارش افطار افاق روشنست و افتابی که سحاب
وار از فیض ادرارش عرصه هاموش کلش اشجار جویبار معدن
از باران احسان بی کرانش سرسبز و سیراب و کلزار جمن
انصاف از قطرات امطار عاطفتش با طراوت و تاب
شاهی که بضرر الهی **نظم** بنشسته و از تخت شاهی
بر طارم مرغ نیکه گاش اسایش خلق در پناهش
شاهی که ز ظلم عاردارد از عدل و کرم شعار دارد
ناصر جنود الهی و کاسر وفود العصاة رافع الیه الاسلام
منکن دوس الکفر و میاکل الاضام قانع بنیان الکفر و الاثام
المحقق بخصایع المواعین عند الله الملك الزمان
الموفق على تبارک من حوائج المعص والاولاد

76 زهی نامه نامی که حلیه دقایق ابله اداسته و پیرایه حقایق افاضل ابله
پیراسته آثار فصاحت کامله مطالع الفاضلین طالع و انوار بلاغت
شامه مقاطع کلماتندن لامع در

اول سرمایه افتخار و اشتباه و پیرایه تاج اشتباه اولان نامه نامی
بادگاه غیبیدن ظهوری و جلوگاه لاریپیدن صدوری و جهت
صدوری مستجلب نباشت و شادمانی و سمت ظهوری مستجذب
بشارت و کامرانی اولری

اول صحیفه انبی قدسی سمانک فحوائی مغرآسندن لاینا سوا من روح
و ذریعه فردوسی جهاتک معنای رعنا سنده برید هدا من
فضل الله علینا کوش جان و صماخ جنانه یتشوب رایات افتخار
اوج برینه و علم اشهراری فرق فرق دینه ایر کوردی

برنامه گرامی در که دیاجه سی اصناف حب و لا ابله معنونه و خاتمه
وحاشیه سی انواع حقیقت و وفایرله منین اولوب نقایض ریب
و ریادن آزاده و عوارض شایه ظنون و مرادن ساده هر حرف
عنبر بینندن و اوج اطورداد خالص استتمام اولنما غیله مطالع
سندن منام دل و جان معطر و هر سطر غایله امیزی معانی دلاویز
مطالع سندن سواد دین عمه دیده منور اولمشدر

مهیج نایره مروت و داد و مروج دایره محبت و اتحاد اعنی فلم مشکا
فصاحت شعار ابله مرقوم مخاطبه روح پرور و رفیع درر شان لا

انار ايله مرقوم مفوضه روح كستر كتاب كريم واجب التكرم و خطا
مستطاب لازم التعظيم برید سعادت نوید مسرت تأیید ايله وارد
و صادر اولوب شرف مشاهده سندن دیدیه غمزدیدیه نور مرور
و لذت مطالعه سندن سینه بی کینیه به سرورنا محصور حاصل اولد

نوردیده پیداری و سرور سینه بختیاری اولان صحیفه لطفه ثامکاری که
هر سطر بلاغت شطری کلاسته حدیقه حکم و هر لفظ انجازه حصری مانند
جوامع الکلام

سزایم حبت و ولایله معنون و دبیاجه مهر و وفا ايله محلی و خیرین صحیفه
مرغوبه عنبرین شمایل و ورقه بدیعہ نسرین جمایل وارد اولدیکه هر
حرف مشک امیزی مطالعه سنده مشام دل و جانہ انواع رواج
مودت حاصل و هر لفظ غایله بینی ملاخصم سندن کام روح
روانہ اصناف فوایح خلعت صالحه متواصل اولدی

بروقت یمین و بر ساعت سعادت متضمن ده نامه نای لری و صحیفه لری
وارد اولوب مضمون لطیفه مند در ۲ انواع کلمات نصحت بینی
و اضاف نکات معرفت امیزی متیید ارکاء خلعت و مؤسن بنیاده
مودت اولمشده

براه لطف مرت رساه و بر وقت شریف نزهت اقتراذه انواع زیور حبت
ولایله معنون و اضاف حلیه و دبی ریایله مزین نامه لطف کوه بار
وضع کلک کوه رتار اولان نامه نای مصافات انادر و ملطف کرای موالان

شعار لری اصدار پور یلوب شرف وصوله منظور نظر قدر و اعتبار
اولوب مضمون بر فسون انجاز قرین و کدبات انجاز رهینه مطالع
اولد قدر و رودندن اول مرتبه ایتهام و مرور و سیاحه وری
تلقی محبت ذات جلیل الشعور اولدوغندن خاطر بر فتور اولد کلو
انبساط و جهور حصوله باعث اولمشدر که وساطت خامه واسطی
بر له عشر و غیر نیک تحریر ممکن تعیین دکلدر افضای مرام بودر که و
طور خوب و لفریب ایله عامل و اثر ثمال ستوده خصای لری مزول
و شامل پور مفیده محب راسخ الوالربن شاد کام ایتمدن خایه اولمه لر

نکاه بردم خرم و بر وقت بخت توامده مانند هدهد فرخنده قدم نامه
نابی مسرت غازی و اصل و مثال کبوتر حرم کتاب سعادت غازی نازل
اولنجه بیل بال کثیر البلبال اولهای هایون بال اوج عز و قبالة
از کجا میر سحای هدهد فرخنده قدم ای تو باغ سر حلقه مرغان حرم
دیو اقبال و استقبال ایدوب ایینه خورشید معادل اول طوطی شیرین
شمالیه متعایل اولچق استفسار حال مخلص اخله من شعار مشعر و نوازش و تلیف
محبت محبت اناردن مخبر کفایت شیرین و سخن سحر فزین ایله شکر تار اولد قدر
اشیام کلام و سلاست الفاظ بلاغت نظمایی طویله فصاحتی حصر و اطراف
واقطاری رشک شکر ستاره مصر تیشدر حقا که اول طومار سیم عیار متفح
معانی کونیده اولغله بر غنائشکر و یا خود فقیله سطور جالبه السرو ری
هامل نور جهور اولغله بر رفع کافوری ضیا کسرا و لشددر مطم
سواد نقطه هایش حامل نور بیان مردمان دبد خور

حالا ابن زمان و احسن و امن و مده اید سید ارتفاع و عظم فلک
اتساع و بونخل مرد و لت جوی و صداقت خویش بنده ائمه قلم بلاغت
شیم منشیان فصیح اللسان و نشانم کلک براعت سلک دبیران بلیغ
البیان اولان نامه مخالفت شامه و معاوضه خلعت معاوضه
شرف و رود و عین و فود بولوب مضمون مکرمت مقرونی استقام
احوال ملک دولتداری محتوی و خجای بهجت احتیاجی سلامت ذات
سیرمال سعادت متقبلدین منطوی اولدوغندن دل بی غل و جان
ناوانه منطوی اولان سرور و جورک تقریری خامه سنگنه زیانه
تکلیف مالا یطاق و درون اخلاص مخربین استقرار بولان سلوت و
شاد مانی نک تحریری فوق طاقت اقلام و اوراق اولما غله بلبل جاه
خوشنوا بو ترانه سکر و ثناء ایلانغ سر اولمشدر جو کل بخند در اید لب
امل ز نشاط و طوی شیرین ادای لسان جنان بو سرور معذرت غایله
سکر خا اولمشدر س غنچه لطف تو مکر لطف تو خواهد و ادنی
توت ناطقه را طاقت این معنی نیست

بکر

حالا عینه علم سما سیمای شاد یاری و ستن سینه فلک اعتلای خداوندگار
حفت بعون الله الملك الباری به که قبله کاه ملوک عالیمجاه و فرسود دجیاه
سلاطین معالی دستگاه در اشرف اوقات و ابرک سعادت نامه نای
و سلطف گرامی لری شرف و ورود و سعود و فود بولوب خروف جرفنده
موضوع و آوایی معانی سنده مودوع اولان در رغر مخالفت ذات
البین و جواهر زواهر مصادقت طرفین اطباق حسن تعبیر و زرای
اصف رای و اتفاق لطف تقریر و کلای مشکل کشایله پایه سرین خلافت
مصره

مصیبت‌نار و تاکید بنیان موالات و تشدید ارکان مصافات باینده
 تحریر اولنان فحای خلت و داد ماسمع جلال خسروانی به القوا و اشعاع
 اولنوب لازمه قوام مهام صلح و صلاح و قاعده دوام نظام نور و فلاح
 ده حسب المقدور صرف جهد نامحصور قلمشده و بوفتحلمن نیکوایه و دوری
 بی اشتباه لرینه اصدار بیورلان کتاب ملا طفت نصاب و خطاب مکرمت
 نقابلری داخی عید و نوروز ایله مسارات و قدر و برات ایله محازات
 آیدن اسعد ازمان و اطیب احیان ده حمائم حرم و عیامه ارم کپی وصول
 بولوب سواد سطور بی انتظام امورد و لیکرین محتوی و ادای بیقصور
 استقامت وجود بهبود لرن منظوی اولدو بی مشاهده اولنقد لسان
 حال بونعمون ایله متصدی مقال اولمشده **ب** فاصدر سید وخت معطر شام
 درجین نامه داشت مکرنامه ختن خصوصاً انواع پیرش و نفقد شاهانه
 واصناف نوارش تلطف ملوکانه لرله تشریف و استان رفیع المکان خداوند
 کاردین مأمول اولان مهمات لازم الارالینیک تشییتی تکلیف بیور لمخله و
 مخلص لرینیک کلاه کوشته ابتهماچی فریق فرقدانه همسر و تادک قدر و اعتبار
 ذروه اسمانه همسر برابر اولوب بلیل جان نغمه شکر خدا ایله ترغ و طوطی
 جنان سرود حمد و ثنایله متکلم اولمشده و غیر رشحات سبحان کحارم والطاف
 لرله کشت زار امال اخلاقی بی ریب و ریای تازده و تر و اشراق افتاب
 مراح و الطاف لرله کاتانه خواطر احباب بی عیب و عرا منور اولقدن
 خالی اولیه

لطف ارحیاء و اشرف ازمانه از خانه سکتی اتمام (یعنی صحیفه لطیفه)
عنبرین از قامای و زر و زولون مسخوذه خجسته فاح و خورای لطیفی را عن
از خانه نظر اولند فقه مطالعه فحادی و لکش و ملا خط معاذ فیه بخشنه و
مهره تحری و تعبیل و فیه زیاده جبر و مرتبه توصیف و تقریر و فیه خارج شرح
نامحسوس حاصل از لوب

بر حین سعادت قریب بوبند پیوجو و وورده خاکه لولوبینه نامه
یما یوه سرته مقرونای و زر و زولوب نموده و روی و فیه جمیع عمل الله
تعالی از فاضله روح و خیر خیر و صوله سرخ شمع فتح باب فتوح ایرود
مزه فیه بالکلیه و فیه و از زله و اطفاء از عشق اشتیاق موجب
از احتراق از حبه باله پر ملاله زلاله و صاله اساله از سیدی

بر وقت مینت مقرون و بر ساعت سرست مکنون و دیباچه بی اصناف حب
و دلایله معنون و خانه و حاشیه بی انواع حقیقت و وفایله منین
اولوب نقایض ریب و ریادن ساه و عوارض شایسته ظنون و مرادن
ازانه مکتوب مرغوب عنبرینه التفحات و اثر خانه عبریه التفحات وارد
اولدیکه هر حرف عنبرین نزن رویح الطوار و داد خالص استقام اولمفل
مطالعه سندن مشام دل و جانم معطر و هر سطر غالیه امین نیک معاذ
دلاویزی ملاخص سنده سوار و وین غمید غمید و زولوب مخصوصا
مسخوذه و لیزینه سبب از ویار قول غمید و باعث از زولوب
مصافحه علی لولاه اخوت سابق مرستی رعایتیه کما که تقید
و رابطة الیتام رسته موون و خلعت اولاده ضابطه الفت ضمیمه میات
ایله و ریا تعهد روز زولوب مابین شکفته لولاه از بار حیه و ولد

اولکسده پنجه حریت زبانی شکفته و خنداره و سبزه زار صدق و صفا
 انواع ریاحین مهر و وفا ایله غوغه روضه رضوانه اولمغیا مأمولر
 لاله انوار منور لاله و معرور و صوره بکه بارنه ایل غزله لیکور میوه
 یوناقیو تازده و ریانه و سیر و خضر اولمغه سبغ خیا نریل نره و حی
 مأمولر که جاده حقیق و محبت رخ و مع و ثابت قدم اولوب آیه
 و روضه ایلم بوجایه نخریکن قدم لیکر کانی نیای صحت و اخبار مریح انار
 لرجه رشکار مکتور صفا انار ایلم خاطر ناشا و مری فرح و رشک الفاظ
 عطر شعار لر یله و له پندره مری مانند باغ لرم ریتیم و در لاله نهار
 بند و معروف سوریه

دیگر

بر وقت مبارک حلونده مکتوب مرغوب بمنیت موصولی و حی اسمانی
 و برید نوید عمر حادانی کی وصول بولوب اوج برج ماکرمت و اقبال
 نزول ایتدکه ابتدای پناه مطالع صبح کامرانی و سرنامه رساله سرت
 و شادمانی اولان سلامت ذات سعادت عنوانی مطالع سندن
 سبب نشره صدر و موجب ارتفاع قدر در اول قدر حیات تازه و سرت
 بی اندازه حاصل اولشد که تحریر و ملاسی و تعبیر و اداسی فایده
 و همدار دایره امکان اولور دکدر فلاجرم دکاه قاضی الحاجان
 اقصای نیات و منتهای امنیات اولور که دایع الاوقات مسامع دل و
 جانز جواهر اخبار صحت ذات بمنیت شعار لر یله مشفق و ضعیف قلب
 ناواقف ذکر انار عافیت مل لر یله مشرف اولدن خالی ولیه امین بقا بعد

بر آن لطیف مسرت رسان و بر وقت شریف نزهت اقترازد و عذرا ماجد
اعیان و ملاه اغاید ندرن انواع زیور حب و لا ایلله معنون و اضاف
حلیه و دج ریا بر له مزین اثر خامده لطیف عنبر بار و وضع لطیف ملک کوهر
نثار اولان نامه نامی مصافات انار و ملاطف کرمی موالات شمار ی
اصدار یور بلوب شرف وصوله منظور نظر اعتبار ایلله ~~مطلوب~~ اولوب
مضمون بر فسون انجاز قرین و غنونه اعتبارات کنایات و مجاز رهینه
مطالعه اولند قله در و ندرن اولقدر استهزاء و سرور و بنما صدوری
ملقی صحت اخبار ذات جمل الشعور اولدوغندن خاطر بر فتور اول
دکلو انبساط و جور حصوله باعث اولشد که وساطت خامه واسطی
جامه ایلله مقام عشره شریف خیر و رقای قابل اعلام اولنور دکلدز
مرجود که منبع دخی افصای مرام اولدر که علی الدوام بوطور خوب
دلفریب ایلله عامل و اثر ثنائیل ستوده خصایلدری مبدول و شامل یور لعل
حبت رانج اولالون شاد کام انجمن خالی اولمیه لر

بر وقت لطیف فرخنده نوال و بر آن شریف شرف اشمال ده مایه آرام دل بی قرار
و پیرایه ضمیر پر انگیار اغبی نو بهار گلزار شادمانی و جویبار چمنزار بهجت جاودانی
برنامه فرخنده مال پر معاینه در شریف ایندیک لطافت مضمون کوثر غوار ذری
زالال مشاهده جمال مذهب ایلله تشذیب بادیه دوری اولان محبتی دیالرب
سیراب و دریان و بلاغت سطور براعت مکنونی حسن تعبیر انجاز قرین ایلله
سبح حلال تسخیر اول و جان ایدوب انعکاس نکات جان بخشی غایده خاصیت میجا
وسلاست استعدادات دلکشایی ایلدری قاعده اب حیات اجرا معنونه ماصرف
و جلوه غما اولوب مطالعه اولند قله ایلله اولنان مرام خلوص بی ریاستدن خاطر
و دانتایم جور بی استهزاء حاصل اولدوغندن ماعد انجذاب نعم الما باریه اولان صفای
عقیدت و صدق طوئیر فی حد و پایان ایکن حالما تقریر و بیان مرتبه سنون گذران
ایدوب اولکه مرتبه نوه نسبت صدچندان اولشد

۱۱ درگاه فلک احتشام بوالبری بردن سزاه اجلال واعظام و در پناه و
صحیفه توقیر و احترام اولان اثر خاتم باهر الاحترام و براعت لطیفه
نزهت انجالی و ارد اولوب معنون سعادت اختتام برون اولان
نکات بی غایات نیده نوازی والطف المقات ایات خاطر پردازی
ماعد

این اوقات ده سزاه حب و ولایله معنون و در پناه مهر و وقاله
محل و مزین صحیفه مرغوبه عین شمایل و ورقه بدیعہ نسرين تخایل
وارد اولدیکه هر حرف منک امیزی مطالعه سندن مشام دل و جان
انواع و رایج مودت خالص حاصل و هر لفظ غایله بیزی ملاخص
سندن کام روح روانه اصناف فوایح خلعت صالحه متواصل اولوب
بالجمله و رودی سبب غیبت جاودانی و باعث طلوع انوار صبح شادمانه
اولسدر امید در که عواره بو طور خوب و طرز لطیف الاسلوب رعایتیله
خواطر اجبای رایج الولای شاد قلوب امده قای و اثق الاعتقادی
مسرور الفواد ایتکدن خالی و ملیه لر

اینی اونه سرت پیام و احسان منه نزهت ایتسام ده برید حمامه خجسته
قال و قاصد فروغ نوید فرخنده مهال ایل اثر خاتم براعت مثال و ریح
براعت سبیل اتصالدی و ارد اولوب معنون لطیف صفات انجالی
مطالع اولوب دقایق خوی بلاغت احتوالی ملحوظ طبع خلوص اتقا
اولوب جناب مایلونیک اول اراغی سدره مقامه صد و بریدن اوضاع
حسنه ملکي خصا لدرندن فوق الحدس و بالبال اولوب خصوصاً بوجانیه
اولان حسن توجه لدرندن نمایان مرئیه شادان و زان مکادم صفات لدر
اعتقاد و اتحاد من صد خندان اولسدر

بر وقت صفا اقبال و بر آن سرست نوال ده حمامه اوج اجلال و همای هایون فال
اغنی نوید صبح شاد مای و برید بهجت جاودانی اولان نامه نامی بدیع المعانی
لوی افق آسمان کا مرتبه دن بند صادق الجنان لورین وارد و نادل اولوب مطالع
و مغاطی مطالعه اولند قد سر یا اول مبتشر بر عنوانک عبارات دلنری
علق الطاف بی غایه ایله محلی و اول صحیفه صفا اینک مقدمات مکرر متجرب
مصقله خامه اعطاف بی غایه ایله محلی اولوب قانجه قانجه فتح البانی کسانید
ابواب مهتری و خاتمه جامعه فصل الخطای غایت لطایف بند پروری
اولدوغندن ماعدل خاطر پردازلق اموری رعایتند و دلنوازی صیانتند
جو یار نصیب لطف و کرم و امطار سحاب خلق و شیم اولان اناد علو حمیری
قوتدن فعله و نیتدن عمله کتور لکه نمل ذات بی مثال جو یار اداب علم
و عرفان ایله نشو و نما و سروازاد قامت باعده ای رنجات ماء و معین
صدق ایقان ایله بادور و بالای فواضل الطاف شامه بی غایه لورین مهر
واقع اولوب بهر مند پورلدی تضا عاف لواحق عبودیت قدیمه و توالف
سوابق صدقت میهمه اولشد

بک

حال اعدامان ثریا نظام و ملازمان ذوی الاحترام بر سر و اسطه سباجانب مخلص
بی ریا رینه نامه نامی و صحیفه کرامت لری و صول بولوب ابتدای دیباچه سندن
انتهاء مقصود و آرنجه تکرار تکرار معانی نظر و کنه معانی سنده و صول ایمن
صرف نور بطرا و لنوب مطالعه سندن فایده جدید حاصل و هنر بر مذکر بی
سندی سبب انکشاف صد مشکل اولشد خدای قدس جمیع امور کرده معین
و ضهر و یار و دستگیر اولوب اعدای بد مریعا و دشمناء مختلفه الادعا و غیره
غالب مطلق و انواع فی و ظفر برله موفق ایله امین

بر وقت نخبه بیام و بر ساعت میمنت فرجام ده انواع ذیور حسن واد ایله
محلی و اضاف حلیه لطافت معنا ایله پر زیب و بها بر صحیفه لطیفه بی بها

احسن اوقات نجسته ایامه مکتوب فحاصت انجا مکنز وارد اولوب
 تطیب خواطر فقرا یله تعقید ایتک خصوصه اقدام کن و بوجا بنابر دن
 ارسال و ایصال اولمان ذخایری بحسب استحقاق هم ادبانه ایصال
 باینده تعدیل معیار ایتکنه و افع اولان حسن اهتمام کنه ایله سعادت یلو
 یاد شاهر حضرت لرنیک توقیر بیتین محنت مین معظمین شرفها الله فی الدن
 انجون احسان بور د قلندر اسباب فاضله و ادوات جلیله معتبر
 د زحرم ماکرم اولان منبر جلیل القدر اچون تعین اولمان تاج
 و علم جماله دن مقدم محله وضع اولوب و میراب رحمت یله تمهید
 اساس جدار اچون اختراع اولمان کمر بند بر لطافت محله وضع اولمان
 اسکله لرتبینه محتاج اولوب حجاجل ز دحاجی زمانده متعذر اولوب
 طوافد نضکره انعام امر مباشرت اولمان بی تقیم اولندغن و سایر احواله
 هر نه که تحریر و ترقیم اولندی لیه بی قصور ملحوظ خاطر اخلاص ضمیمه اولند
 بالجملة اول اراضی جلیلیه متعلق اموره که جناب بیعت نصا بدین و ابسته
 حسن اقدام و اهتمام مکر موجود

دگر

بود و خواه بی اعتبار وارد اولان مکتوب مرغوب مضوی نکرده بونیده بی علت
 انظار علیه دافت دناد لورده هر بار نصایح رشت اعتبار لورین دریغ بور
 وسیله دولت دارین و واسطه سعادت نشأتین اولان حرمین شریفین محنت
 صانعا الله عن شوائب الشین ایله مقید اولمان باینده بیوریلان نصایح دلپذیر
 لری اوینر کوش هوثر قبول و اعتبار و تقیم بازوی استظهار قلبوب نور دیده
 بیداری و سرور سینه بختیاری اولان صحیفه لطیفه کامکاری لورن که هر سطر لاف
 شطری کلدسته حدیقه حکم و هر لفظ اعجاز حصری که مانند جوامع الکلم در مطالع
 اولند بی مضمونیه سوانح امور و مصالح جمهوره هر روز صد مقاصد و مال و شهرت مهتا
 ایام و ایال

اشرف اعیان و اسعد ازمانه شرف ورود بولوب بوسیدم و بر مرد مکیده نهادم
مغنون ادا و شرف مطالعه سینه معارفت سبادیق هویدا اولوب ایفاء حمد و
شکری ایچون دست نیاز و استدعا جناب کبریایه رفیع و القا و جمله نواہج و احبا
و علما و صلحا برله ارتفاع خستیت شهرادی و ثبات عزت صدارت مداری ایچون
فی القدر و الاصل ادعیه اجابت ماله مداومت و اشتغال اوز یوز کن بونوع
جمعیت مبارکه یمینت اشتغال و سور سرور انجام صدر عید المثلان جان و باش
ایله سعی و اهتمامه قادر و سایر بنده لری کچی شب و دون خدشده قایم و حاضر
اولاماد غمزدن تقدیم مقدمات اعتذاره شروع اولنسه ادا سنده زبان بیان
قامه و تحریر ننه نوک قلم مشکین رقم دن عرق حجاب و انفعال متقاطر و لغین
بنده الطاف عالم کبری لری عذر پزیر اولوب روی عبودیتدن انار کرد حجابی
استین مکمل تکریمه دور و قصور نامحصور غر معفو و معذور و سپور ملو شان
سکارم نشان لرنه مربوط در حضرت حق علی مطلق در که بو قول لری دایما جاده
عبودیت لرنن ثابت قدم و راه امل و صداقت و راسخ دم اولوب خصوصاً
مکتوب عزت مصحوب بلرنده لطف پور لای بنده نوازی مرسمی تضاعف عبودیت
و اخلاص بادی و کوردن رقیق و خیر خواهیده فرض و زمت همت و قرض و
دعای دولتری از دیادنه سبب عادی اولمشدر خدای جلیل ظل ظلل سعادت
دلیل لرنی اوز در فردن خایه انیم امین

دیکو

اشرف اوقات نزہت آیات و الطف ساعات یمینت سمانه زیور مصافات
خالص ایله مغنون و حلیه دیباجه موالات نامتناهید ایله مزین مکتوب
مرغوب دلپذیر کوز و ارد اولوب مغنون مسرت اثر ننه توفیق نسیم صدارت
دیانه قریب و برید خضر نجسته طریق غنایت صدارتی رهین و معاون اولوب
بود ریای مردم ربای جان فرسا و کرد اب موج هولناک عمر پیماد ننه نیت

قلب و صفای باطن و یله ساحل امن و سلامته و مقام دولت و سعادت و وصول
میسرا و لدو غی اعلام سور مشا حق اول اجساد مسرت انان استماعندن ددگاه
بلند بادگاه خدای مستعانه محامد فراوان و مدایج بی پایان اولمشدر که
قابل تحسیر و ممکن بیان و تقدیر دکلدرا میدرد که چاهر امورده خدای قدر
معین و ظہر و یار و دستگیر کز اولوب معجزات انبیا رضاکر و ارواح طیبہ و
کرامت انقاد هر و پیشوا کرا و لا

دکدر سر

امن اوان و الطفا ازمانه بر پامه نای مودت دسان و صیغه کرای محالست غم
لری وارد اولدیکه هر لفظ عنبر شمعندن رواج صدق و صفا فایح و سرختم نماز
کوثر شمعندن دلایل مهر و وفاتر شیخ اولوب بالجله اول نامه صفا امتدادک
سواد مدادی مردم دیدنیه باعث جلا و پیاپی صفت براعت نمادی منظر دل
و جانه افواج نور و ضیا ویر و ب هر وجه و درودی سب سرور و صدوری
باعث جهور نامحسوس اولدو فی محل ریب و کمان دکلدرا

دکدر سر

ایمن اوقات سعادت انجام و اشرف ساعات بمن ارتسامده رسته خامه عنبر
ارقام اولان صیغه لطیفه مسکینه اتمام لری وارد اولوب بیانی نمایند
مزید صباح کامکاری و سواد مسرت استهانی نور دین و بختیاری در مطالعه
اولند قدر مزاج لطافت امتزاج لرنیک صحت و سلامتی پابند اولدو غنی
غایند اولدو غندن قلب اخلاص شعور فزاینده جهور موفور و خاطر
غم محصوره رسانند سرور نامحسوس اولمشدر امیدد که دایما محبت اخلاص
پیشه لری بی منوال مشروح اوزر یاد ایتک شمار لری و ددو تجوی مودت
اندیشه لری بی بوقاعده مرضیه اوزر دلشاد ایتک دتار لری اولمندن
خالی اولمیه

از دیاد صفای قلوب و باعث انتفای هوای اتار کروب اولان مکتوب
مرغوب و صحیفه غصه روب نزهت مصحوبی از سالدن خالی اولماق
باینده اتار هم والا شیمالین در یغ پیور میده لر

دنگر

بر وقت لطیف سعد انجام و بران شریف بیعت فرجام انواع حب و لایله
محلی و زیور کمال صدق و صفا و معدن حقیقت و وفا اولان نامه ناجی مسرت
استیفاری وارد و اصل اولوب مایه بخش نزهت جاودانی و نوید طلوع
صبح شادمانی اولان مضمون مودت سالدنینه مطالعه اولندقره بوندن
اقدام امر مقرر

دنگر

این اوقات و احسن ساعاته مکتوب شریف مودت ایاتکن وارد اولوب
ورودندن قلب ناتوانمزه انواع سرور و بهجت و اضاف جهور و نزهت حاصل
اولوب خصوصاً تحت اخبار ذات جمیلری استماعندن خاطر و بر نغمه اولمزه
مسرت و نباشت متواصل اولمشدر که امداد خامه دوزبان و اسعاد بر اع
بلاغت و بیان بر له مدار دایره تحسین و عیان اولنور دکلدن و نور الطاف
قراولندن دجا و امتنان اولنور که بومحبت و اتق الجنانندن خاطر فیض رساننده
اخراج پیور میوب نصیحه صیانت و فایده حوالینی صاحب سعادت و بی نقص
اغاضه ندرینه ترک کردن خالی اولوب هر چند سلطان حضرت لایله باینندن اولان
رابطه اخوت و واسطه خلافت مودت لازمه بی اوزر و مخلص فی عللندن
فراموش پیور میوب تغیر شریف فکر فهم اولنور خلافتی احتمال بعید در

دنگر

این اوان و الطفا احیانن نامه ناجی مودت دسان و بلاغت بنیاندی وارد اولیکه

هر لفظ بهر شمع فواح صدق و صفایح و هر حرف کوثر تسنید ذلال مهر و فائز
 اولوب با جمله سواد میرادی مردمک دیدن به باعث جلا و پامض صفحه برایت نمای
 منظر دل و جان انواع نور و ضیا و یزدکنه ریب و ریاد کلدر و هر چند مقدما
 جناب والا نصا بلرینک فاضی عسکرک شغلدن اخبار فراغ لری استماعدن مرات
 دل و جان مکدر و صحیفه خاطر لری اختیار لری ساعده مغیر اولوب و لکن صحیفه
 لطیفه تنیک خاتم مشکین خامه لرزه بوا میرد بع نورک و قوی و سیمای شیفه
 و مولویت ایمانیه عرلو و رفعلو افند مز مولای اعظم حضرت لرزه اولدوغنک
 و اندن ماعد اجناب جلالت نصا بلرینک برچ کون شغل انام دن آرا ملری
 بعضی پرده قدرده مستوره اولان امورک الیقام ایچون اولدوغندن کیو
 خاطر لری ارامه سبب حصول اسایش و آرام و سر رشته قلب کیه موجب ارتباط
 و انتظام واقع اولدی امیدد که خدای ذوالجلال و الاکرام خانی علمتری
 عن قریب لوامع اقباب عز و دولتری ایله مغتنم و مشرف و ازان حقیقت لری
 درادی اجناد سرت شعار لرله مشف ایتمه دن خالی اولمیه بنده وجوده و نیت

دکتر

سیمای سرت حاودانی و بر تو اقباب سج نورانی اولان نامه حمامه مودت
 جناب لری مرده رسد دل ناتوان اولدقچه خاطر غوم اقتدر غم سرور شان
 اولوب روز و شبان سبب رفاه عالمیان و باعث امن و امان کافه جهات
 سایه بزدان و پیاپی زمین و آسمان اولان سعادت لو پادشاه مالکستان حضرت
 اشعه شوخ خلاقلری معارق بنده کان دعا گو یان و علامه ساکنان دایره
 کون و مکان اوزر نیه تابان و درخشان اولق دعوائی و رد زبان و زکر
 جنان اولدوغندن ماعد اجناب صداقت عنوان لریک دخی و جود پروردی

الجب انقراض الدودان محایف ایام و ضعیف شهر و اعوامه پایدار و بردوام
اولوب غنیمت ذات واجب الاحترام لری نشین صدر عزت زیب افزای
پیشگاه عزت و وجود جلیل الاحتشام لری انجن قدر و رفعت نزع بخشای
ارامگاه ختم اولوب باب بخت لری مرجع اعیان دولت و مدار کافه ارکان
سعادت اولی دعواتدن خالی اولدو غم طبع صاف و ضعیف بر تنویر و شرف
لرینه واضح و هویدا پوربله

دکتر

بروقت یمنت ایامه انواع خلوص و اتحادی شامل و اضاف حسن و اعتقادی مشتمل
مکتوب بلاغت ثمال لری وارد اولوب معنون صداقت اقترا اند هر که تفصیل
و عیدان و خامه مشقوق اللسان ایله خبر و بیان اولمشق لبه بنامه ادعان اولدی

دکتر

بروقت خوشنوم و بران صفا نوم ده نوید حیات جاودانی و برید فرات
زندگانی اولان نامه نابی پر معانی لری وارد اولوب اول و او اخیری
و بواطن و ظواهری مطالعه اولدوقده اول صحیفه منتشر حکمت امین
اول لطیفه بلاغت انگیز که سراپا عبارات دلکشایی میزان حقایق تراکین
و کنایات ایله بنجیده و استعدادات جان فزا و ضیاء بخشایی فهم قاصر
حایر و عقل عاشر عشر عاشری امعاننده قاصر اولان خیالات بر کمالات ایله
ورزین اولدو غندن ماعد اول وثیقہ عطر امین که آثار اقلام مشکلات
روایح بوی اخلاص و وفاداری لایح و شعار ارقام عبسرتارند فواج
اختصاص و حقیقت کذاری فواج اولوب بالجملة محب نوازلق شریطه سی
رعایتندن و خاطر پرد ازلق لازمه سی صیانتندن بر ملازمه فوت و لغد
غندن ماعد رعایت مساعد امنیت و مالز ایله مقید اولق باینده سکام

لا بعد لري قوت دن فعله و نيت تد عمله كنو ديلوب جمله دن بري نماذرات
 بي مناي جو پيار ادا ب علم و عرفان ايله پرورده و سروازاد با اعتدالي
 چشمه سار كوثر حكم و ازعان ايله براورده اولوب جبين عدالت
 مبینده انوار رشاد و نجابت پيدا و ناصه صداقت ايپينده اين
 صداقت و استقامت هویدا اولوب مغاخر و ماشي بي بهاده عديم الاكفا
 و صبح اقبال و اعالي نماينده يديضا با الفعل مدد كاري بهمت بي نظير
 و دستياري مكرمت عديم التنظير ليله مرقضا سي توجيه بوريلان
 جناب فضائل انتما مولا نا يحيي قدري داعباري حد ذاتده بعضي علاقي
 قريبنه الاتصال ايله جناب و الانصاف بلرینه تعلق و ارتباطي اولدوغدن
 غميري دوروديرين و عهد پيشين دن برود و ليجري صداقت تمكين
 ايله اولان اختصاص لري واضح و بين اولمبله بو وجهه رحسار اختتام
 بروزايدن سمو الطاف حقيقت انتظام و علو اعطاف صداقت ابتسام
 خارج حيطه تخمين اولنان امتنانني متضمن اولدوغني طبع دوربين لرينه
 بين در همواره حربي مكلين و بابي كسور خواهر ارباب فضل و يقيني اولده
 خالي اولميه نر

دك

الطف و اوقات شرف هال و اشرف ساعات سعداقباله بودايي بي داعي و تاني
 بي تاني جانينه برنامه ناجي بديع الخيال و صحيفه كرايي فصيح المقال وارد اولدكيه
 هر حرف طرف طرفي قالب جواهر معاني و هر سطر كنش الشرفي مرده ده سرت
 جاوداني اولوب سواد مديدي مانند سواد شب قدر و پياض ما فوري نمايدي

مثال زکاء ماه بدر اولوب مضامین مصادفت ایستیجی جن زارود
دیرینه یه رونق تازه و خاوی دلکش و ایداری مطالع اولدوق
مزارع زمین دل الفت ضمیمه مورت نصاب بی اندازه اولشد

دیگر

واجب ارای تبستان خیال و جن پیرای بوستان لطف مثال اولان
نامه نایب بلاغت اختصار لوج محفوظ عوایه معانی و نسخه جامعه
علوم ربانیه اولان طبع نقاد ارجحه لوندن بداهت موقع صدور
کلوب تادیق واقع اولان مصرع لطیف دلپند لونیکی الفاظ صفا افی
بلند و معانی دلکشایی صفا پیوند اولوب خلاصه فکر لوندن صادر و
مضمون بکد اولمغله کوشواره عرایس لیا و ایام و قلاده تمیز کردن
شهر و اعوام اولمغله مزاولایق اولمغین استماعندن کوش جاغز بر زبور
و فرق تابع استهارج مجوهر اولوب اولبا بدین مخلص دولخی و محض
کوبدینه حاصل اولان حفظ اوفر خارج منان محصر ایدوکنه دیب و کمان
بور میوب همواره بو مقوله جواهر برضیا اظهار ایدوکنه دیب و کمان
و حدیقه طبعیه حصار لوندن شوغما اولان دیاجین مضامین غزل منظر
شریف اصلها ثابت و فرعها فی السماء اولوب دایمادی خاطر کوهر
لوندن صادر اولان جواهر الفاظ بلند معنای شجرای دینه اهل دانش
و مرآت جمال اصحاب پیش او لمقدن خالی اولمیه

دیگر

وارد اولان نامه بلیغه منظومه لریکه مطلع دیباچه ام الکتاب منبع رحمت
فصل الخطاب در تتبع جواب مستطابی رتبه عقل هیولا نیدن برتر و قسط
معانی لطافت استیعابی درجه ادراک انسانیدن بالاتر اولوب هر

بستند انواع ضایع بدیع مرعات و هر مصرع بلاغت ربطنده اضاف
 لطایف ترصیع مضافات اولوب هر ادای دلپذیری نوادر علوم
 معقول و مقبولی منظوی و هر نحوی فضیلت سمیری دقایق فروع
 و اصولی محتوی بر نظم شریف دلکشا و بر شعر لطیف کجبتا و ارد اولده
 عقد بروین کبی اویره کردن عروض سپهر برین اولغه نزا و حلقه هلال
 سیمین کبی کوشواره چرخ زمردین اولغه الیق و احری اولدوغندن
 غیري حد ذاتده اول لؤلؤ منشور ورق مطور که ظاهر ی ضیا صفا
 افزای بلاغت و فصاحت ایله پر زیور و باطنی بهادری بهای لطاف
 حسن عبادت ایله سلک پیانده جلوه کرا اولمشدر حسیه تیر ایله اوراق
 شهر و اعوامه تزهیب و تصویر و اثر خامه مانی نقش ایله صحیف
 لیا و آیامه تحریر اولغه لایق و جدید در خصوص خلاصه مضمون
 و دایتلاف و نتیجه فوای صداقت اتصاف لری که چشم چراغ اهل
 دانش و شع نرم آرای محافل بینش در مطالعه اولدو و هر بیت بر لغت
 ایتمی مانند بیوت جنت انواع ابکار معانی لطافت غایت ایله
 پر زیب و بهجت و هر مصرع صفا افزای ملاحظه اولدو و ازان
 سامعین خدا مالایعین رات و لا اذن سمعت نحوانی اصفا ایدر
 ایله ورودندن حاصل اولان صفا و مسرت و صدورندن متواصل
 اولان نزهت و نباشت قابل تعییر کلد هر چند اول نظم بی عدل
 تحریر جوانیه جرات محض جساد حق مفیض ایکن مالاید که کله لایق
 کله مضمون به عملی مایع اولوب فصور مقاله اعتراف و جویبار اغندادن

اغتیراف ایله سلسله جنبان و دادخلوص اتصاف اولوق ملاحضه
برنج ایبات شکت اختراع اجتر اولمشدر سهو وقصور نه
نظردن اغماض و معایب و مناقضه التفاتدن اعراض پورلق
امایله ارسال اولنوب محفل قبولن جلوه نما اولماسی موجود

دیگر

فوندن اوزم ارسال پوریلان نامه نای منظوم مقال اثر خاتمه مرغوب مال
اولحق اسعد وقتده واصل اولدی انواع مسرت حاصل دل پناز شفا بخیر اولدی
قلب شفته مرمن بولدی بالجه اول مایه ادم دل پی ارام اولان نامه
بلاغت اختتامه نظر اولدوقده مطلع دیباچه ام الكتاب مبداء
سرنامه فصل الخطاب بر نظم لطیف دلکشا وبر کلام بلوغ دلراد که صری
بیستده اصناف صنایع بدیهیه خرج وهر مرغنده انواع لطایف ترصیعه
درج اولنوب ادای دلیریری ناسخ سخنان صحیحان و الفاظی بصری
دشک نظم ظهیر و سلمان اولوب اول نامه عنبر الینک سواد مدادی
غازه نوعروس نظم غرا و سلسله سطور مشکین نهادی طرطرج
شاهد معنا اولغیله چشم چراغ دیده اهل بصائر و شمع بزم ارای
مخاض ارباب مشاعر اولوب وحد زاتندن اول درجی همتا عثمان لای
معانی و محیط دراری نبل امافی اولان طبع کوه زارندن سلک پیانه
جلوه نما اولغیله بر جوهری بهادر که قیرم حکمتدن صادر ویا بر غیبه
زمردین قبادر که روضه گلستان حقیقتدن ظاهر اولمشدر و بالجه اول
معدن کان بلاغت و درج جواهر فصاحت که نور افزای دیره ارباب
عرفان و سواد پانفی عیون اصحاب کمالات و از عاقل نظر کمال از عاقله

مطالعہ و امعان اولند فی اول نولو مشور و رق مطود که ظاهر ع
ضباء یرینضاء بلاغت و فصاحت پر زیور و باطنی دقایق لطایف حسن
عبادت سلک عبانہ جلوه کرا و سدر خبر براهله اوراق شہور و اعوامہ تزییب
و تصویر و اثرخانہ مابخ نقش بلہ صحایف لبالی و ایامہ نخبہ را و لطف جدر
و باخود اول در غین و جوهر نظم بحر قرین عقد یر و بن دد که او نیزه کردن
عروس سپهر برین و لمعہ سزا و قرط حلال یمین کی کو شوارہ جرح زمرہ بنی الموع
اولمغہ الیق و احری اولوب بالدر فعات اول سرنامہ نامہ نخت و اقبالہ مطالع
اولند فی هر بیت براغت ایچی مانند قصور خضبان انواع ابحار معانی ایله منقش
بر مصرع معجز غایتی مثال دوضہ رضوان اصناف ازهار مضامین غیر متناهی
ایلم غودار صفای دوضہ کاشن اولمغیلہ ملاخصم نکات صفا افزا سندن
چشم جہان بینش منور و خاطر ویراغز ایاد و معرا ولوب و هر چند اول نظم
بی عدل و قرینک تتبع جواب مستطابی نکتہ پیوند حقایق اشیا و رصد بند
دقایق اجرام ارض و سما اولان رتبہ ادا رک عقل هو لا یندن برتر و تجرع
زالال معانی کوثر نصای کوزہ خرم خرده دانی ید کنجایش بریر اولمہ ک
افزون ترا و لمغیلہ نخبہ جوانبہ اجترام قد و بر سر اولان مرتبہ دن نخبہ دد
بالایکن ما لا یدرک کلمہ لایترک کلمہ مضمونہ عمل اولنوب بحرک سلسلہ
حب و لا اولمق اما لی ایله قصود مقالہ اعتراف و سرجشہ اعتذار دن اعتراف
ایله شکستہ بندہ برقع ایبات مودت ایات نخبہ و املا اولند کی میندر که منظور
انظار علیہ صفات اولدقہ واقع اولان تفصیل و صفوات و صفواته نامر اولوب
معایب و مناقصہ دامن غفوا غاضب ایله ساترا و ملق بایند همت مکرم متاع
لرین بی درج و میزول پیور لر فہما بعد

بر وقت سجد بنارت افروز و بران لطیف مسرت اندوزد و چشمه
کوثر افضال کوهر پیرایه بدایع کمال دره التاج صنایع معانی
و صندوق جواهر کج نایکایه مطلع صباح شادمانی مفتاح ابواب
خزاین معانی اغنی سرنامه نایف فصاحت مباینیدی وارد اولدیکه
مطالعه سلاست الفاظ ابداری چمن زار و داد صمیمیه رونق
تازه و ملاحظه معانی کوهر تباری مزارع اتحاد قدیمیه مورث
نصاب پی انداز اولدوغندن غیر یحالیار رونق شکر منشآت
خوجه جهان وانتش زین اوراق و صافان منشیان بلاغت و بیان
اولان بر مجموعه مطبوعه و بر جریده مقبوله مصنوعه ارسال بولمیش
که د پیاچه بلاغت د پیاچه سته نظر اولنزدن مطلع دیباچه ام الکتاب
منبع سرچشمه فصل الخطاب مضمونی ماصدق ماصدق اولوب اول
صحیفه مکرمه مرفوعه محترمه نک سواد مدادی غازه نوعروس نظم
و سلسله سطور مشکین نهادی طر پرچم شاهد معنا اولمغیله چشم
چراغ دیدار اهل ^{دانی} بینش و شمع بزم افروز محافل اصحاب بینش در
خصوصا اجل مقاصد اولان قصاید فرایدینک کویا هر بری عقد پروین
در که اوینزه کوش عروس سپهر برین اولمغه سزا و قرط هلال سیمین
یکی کوشواره چرخ زهر دین اولمغه احری اولدوغندن ماعدل غزلیات
پی بد لالرنیک خود هر بیت براعت نکاری مانند قصور خیابان انواع البکار
معانی ایله مزین و هر مطلع الانواری مثال روضه رضوان اصفاف زهار
معنی دار ایله نمودار صفای حدیقه کلشن اولسندر حق بودر که ملاحظه

نکات ایات روح بختا سندن چشم جهان بنور منور و مطالعة عبارت
استعارات لطافت ناسندن قلب صفا آینه سرایت پی مر حاصل
اولمستدر موجود که دایما بطور نادره شعار اوزر اثر برد از خا
سحر فرین و نو طرز کار خانه نامه معجز قرین ایله فسون ساز و
اضهار ضیاء ید بیضا و تسخیر قلوب اجبا و صدق ایتمکدن خلایق و
حق بود که بوی دی قطعه قصاید سینه فرایدا منتظا فکر که هر بر لفظند
انواع صنایع بدیعیه خرج و هر پشند اضاف لطایف صوریه و معنی
درج اولغفیه هر بری مانند قرط سیمین هلال کوش سپهر بلاغته
حلقه و رونق شکن بازار اعتبار سبعة معلقه اولغفیدن ماعدا
غزلیات

دیکو

اسعد ساعات و این اوقات و انرف ارمان و احزاج اندر محصل قوله موصول
اولدی حماکه تشعشع خورشید رخشان و مهر تابان کی سطور لایح النور ی
و ضیاء انوار و صاف اشرف اسلا قدن مقتبس هر سطر ی پنجه بیت مکتوبه
معهود اولان شاه نامه نای و ملاطفه کرا پی نک نظم بدیع الانشطای کهت
روضه فردوسی و حالت عالم انسی محتوی فی الحقیقه عباد اتند انواع
مجاز و استعاراتند اضاف نکات و کنایات منظوم در حروف سطور
غونه صفوق جوهر و صحیفه د پای کافوری سیمای نشانه صفح ملاء ساینه
بضاد بدایتدن تا نهایت خواتمی مانند ذلال سلایل صافی واقع اول
د بر عطاء و نظیر کجیه صبر دن سلک تقرب و نظم و بحر ایتدی و جم تشبیه
و حسن توجیه اوزر اولان مغمون بلاغت غمونی مکنون در مشغولی متول
علوم عالی و ملحوظ انظار دسینه نواب غما اولدوقه مطاوی ادای دنگین لطافت

[Faint, illegible handwriting covering the page]

غیب ذات بحر ز خاد عاصفت خابی موج خیز و ابر در دربار مکرمت خاقانی
 که درین اولوب دق زده منشیان سحرافین و قلم کشیده دبیران
 فصاحت قرین اولان نامه عباسی عمامه عنبر بن شمامه که
 حرفش چو زلف بتان چکل هم جای جااست و ماوی دل معاینش در
 زیر حرف سیاه در حشند چون مهر روشن خواه افشار الامراء و الکام
 جامع جمیع المحامد و المفاخر بر دلی بیک دام علوه سفار نیله این ازمان مشو
 الاوانه برید سعادت نوید شاد کای کی وارد و واصل اولوب کوشوان
 کوش قبول قلند در سبت اب حیوانی که اسکندر بناد کی نیافت در سواد
 خط آن مکتوب مضحک یافتیم

این اوقات و اشرف ساعات نامه نای فصاحت اتار و صحیفه کرای بیشت
 دنار کوز وارد اولوب مبادیستند خواننده و رنجبه شیوه زرو و اخلاص
 ایله متجلی و مطلعندن مقطعنه و رنجبه عشوه و شمیمه اختصاص ایله
 متجلی هر حرفند اتار حب و ولا لایح و هر سطرند رواج استقامت
 صدق و صفا فایح اولوب هربار حفرده تمام اتار لطف و تنبلی استقام
 اولناه دار السعاده اغایی حضور نریفلند اختصاص محامد و محاسن
 و هر مورد مشکله مرده سبب رواج و تمکین و لایح خصوص صالده لطفکو
 اولدو و بی شمار پوریش هیم مسند عزت سر بلند و بالش صحت و سعادت
 ختمات روز افزون ایله ارجمند و لمقدن خالی اولیم

بانی چون عرض عرض محبت و اخلاص در بومقدار ایله گفتا اولونوب اظناب
واسهاب دن احتراز واجتناب اولندی عجم دولت دارین و سعادت
نشایتن میسر باد بر بلعبار **دگر**

بایخ ایام دولت و کامکاری و هنگام سعادت و نختیاری لبردار ایله
پایدار و برقرار باد **دگر**

بایخ توشن سپهر در روم زبدره سعادتمند در روم و ریلو بریلو
لیان و ایام بومرور و بروفق کاه باد بر بلعبار **دگر**

بایخ عواره مسند نشین سجاده اقبال و متمکن ایوان احتشام و اطلال
اوله ده اولیه بوم خایه **دگر**

بایخ موقف رفیع جلالت در لرزی مریع دلان و رعایه و محجم مکام
ومعایه اولمقد زولیه بوم خایه **دگر**

بایخ رفتاب عمر و دولت از افق اسمان سعادت تابان و درخشان
باد بالوده و لصل **دگر** بایخ جن زار وجود بانمال ذات معبود منزه باد

عنه اسباب دولت منزایل المقداد و اساس عز و رفعت استوار اولوب
مستدام عمر و دولت و مسند عز و رفاهیتده خرم و خندان و جمایه اخوان
صفاء اعیان با وفایه عین عنایت و نظرحایت برله نکران اولمقدن خالی
اولیه منزه بالقی و قدره العایه **دگر**

بوندن زیاده تطویل مقال موجب تصدیع و اختلال اولماعین
بومقدار ایله گفتا قلندی عواره عمر و دولت برقرار باد **دگر**

عنه اساس دولت و کامرانی و بنای خیمت و جود فی بار ارتفاع مباح عزت
واجتماع معایه رفعت مستند و مخلص باد بومنفق منون و الصلا

همیشه بنیاد عمر و دولت از تند باد ریب المون محفوظ و مصون
باد بالنون والصلاد والقلم و ما یسطرون

دیگر
همواره ابواب فیض و ارشاد و اسباب صلاح و سداد لری کافه عالمیا
و انراف و ادباب عرفانه کشاد اوله دن خالی اولیه بمن وجوده یاغ میست
ایام عمر و دولت در سجاده خلافت و طریقت دایم باد بخی النون والصلاد

دیگر
بافی همیشه اشعه اقبال دولت و عنوان از مطلع افق سعادت تابان
و در رخسان باد

دیگر
بافی ارباب فایزنده فلم مثال علم و اصحاب خلافت و حکم نظرند قدر حلی ایله
ممتاز و مسلح اوله دن خالی اولینز

دیگر
سلاطین یار و دولت هفتین بال جنبین خود هست نایاد اجنبن بال

دیگر
بافی تفصیل حاصلی تحیل و بلاطایل تطویل اولعین کلام محبت انجام انتها
و دعایه ابتدا اولندی همیشه ساحه پر سماحه لری نیک کرد فنا بی کرد فنا
مکسوس و مأمون و حوای اعیالی اولان حرم خرم پر کرم لری تند باد حوادث
مصون اوله

دیگر
همیشه نواب منون ایله مکرر الحال اولان رجاله استان عید المتال لری
مقر و ملجا و مصایب کردون دون ایله منکر الفواد اولان عباد نامراده
مدا ر شد و سداد اولان جنب لری مقر و ملجا اولقدن تا اید بر دم
اولیه خایه بالنون و قدره العالی

تجاشاعنی الاطالة فی الکلام المغنیة الی الملل والایرام قصر کلام دعا
انجام اولندی **بسم** نه حاجت در دیک مهر منیر **که** بخششون قل خال حقیر
د رافتا لقمه ابرو بهاری **چند** استغفر باد و زاری **با** فی پیوسته
امیر بخدای متعال انت که در مستدر عز و قبال ابن باشی زافت
عین الکمال **ع** هرگز نرسد بدانت کرد ملال

حضرت رب متعال وجود و اهب الامل استنان رفیع القدر فلک مثال
رب مئوذن مئوذن و جناب رفعت ماب لازم الاجلال للرب مکاه
دهردن مامون اوله لو فلوب **دایما** سده سما آسا **اوله** اد باب عز و جاهه تمام
اوله لر غرق بحر انعامک **جمله** زمر خواص و غوام

چون اصل اصیل و مطلوب جلیل سلامت ذات عیدم العبد الی الی در
اُطباب اُطباب خیمام کلام دعا انجام مقصور و زبان اقلام سریع
اللسان مکسور قلندی مایه باشی الهی بردوام

بجوارد سایه انداز مفارق ادانی و اعالی و مسند نشین صدر اراهی
اولمقدن بردم خالی اولمیر لر

با **چون** مکالمه اجابین **طریقه** اُطباب مرا **ع** قدم و سنت حسنه موسی
کلید ربو مقدار تصدیع **انکون** ارتکاب اولندی العذر عند کرام الناس قبول
جبه بنیاد عمر و دولت **ارشد** یار رید المنون محفوط و مصون بالنون و العف و السیرون

جوز عرض عرض عبودیت و اخلاص و اظهار رقت و اختصاص در
زباده الطناب کلام اولینوب دعای خیر الیه احسان اولدی

لا زال جنابه العالی معراج علی معارج العز والاقبال وخطوات همت قاطعه
لمسافات المد والجلال وما برح الزمان محضه لما رب فواده ولا دارت
الافلاك الاعلی وفق مقصوده ومراده

همیدون ساعد سعادت مساعد وعضد دولت معاضد اولوب کما فیض
الهی وسرهام هم نامتناهی برله اعراض اغراض حکم انداز و میدان سباق
صاحب نظران افاده و شأوا شأوه لم یدر کوه نشانیله شان مکارم نشانی
سابق و ممتاز و صدای زه و زمزمه تحسین دن عرصه جهان پراوان اولو

لا زال جنابه المعالی معراج علی معارج العز والاقبال وخطوات همت قاطعه
لمسافات المجد والجلال وما برح الزمان محصل لما رب فواده ولا دارت
الافلاك الاعلی مقصوده ومراده

همیشه جناب عالی دری ملاذ اصحاب فضل و هنر و معین و دستگیر مهر و کهر
اولمقدن خالی اولیه امین بحر قه ایتیم و اما السایل فله تنه
بانه همیشه اقباب سعادت از مشرق عز و اقبال تابنده و ساینه عاطفت و مکرمت برفاق
ارباب فقر پاینده باد بالنون والصلوات

باد همواره وجودت باقی در مراقب سعادت رافی باقی چون اطناب
مصدع اصحاب جاه و جلال و منفرد طباع اقبال ذوی الاقبال در طی جمل مقال
و ترک اسام و املا اولدی

همته آفتاب محمود و نندری مفارق عالمیانه نور افشان و سایه جود و رفقای ملاز
اکابر و اعیان اولوب شجره طیبه و جود لری ماء الحیات خلود الیه نادایه و یران
و غمره حصول مقصود الیه کامیاب و کامران اولامین
باد هواره خاک درگاهت . کل عین بصیرت اجباب

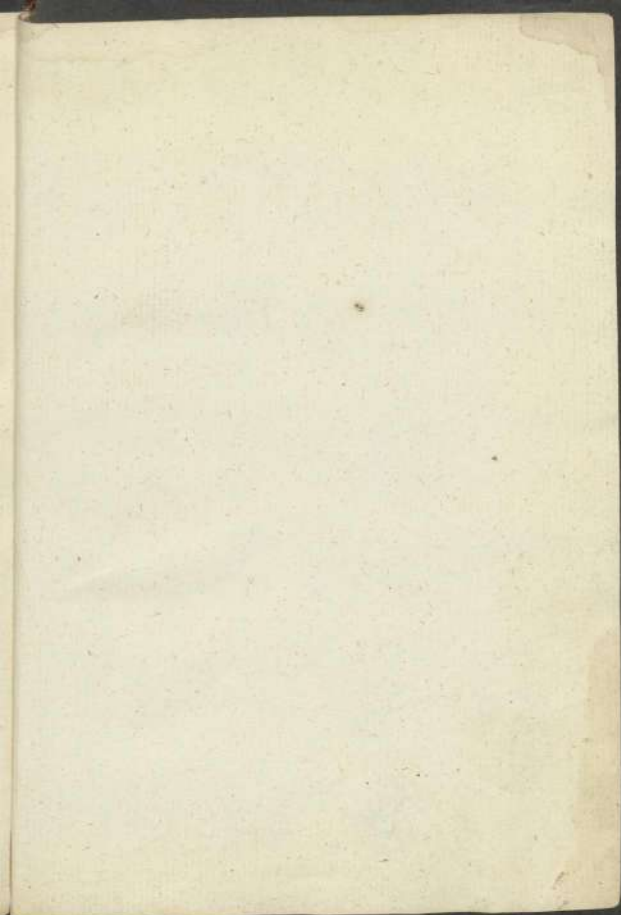
همته سایه سعادت سینه لری کافه انام لایستجا جمهور علاء اعلام اوزرینه
مردود و الطناب خیام خلافت بیمه لری او تاد خلوده معقود اولوب تدبیر منیر
عالمنا بکزه انوار معدلت زاهره لری مشارق و مغاربده لامع و انار ایالت
باهره لری بسیط عالمه شایع اولامین علیک توکل و بک نستعین

ماحجان باد عز و جاض باد بالینی و اله الامجاد یاغ نهال حدیقه دولت
و افضال ریان و میراب و چمنزار نزهتگاه محبت و افضال سرسبز و
نادر اب اولمقدن خایه اولیه بالینی و اله العالی

ناباید باشی الهی کامکار و کامران بر سر رشاد مانی کامنجی و کامیاب
جاه و حشمت بر عین و از و نعمتین سار فتح و نصرت بر عنان و و دولت درگاه
جناب حضرت حق و درگاه فیاض مطلقدن انواع خضوع و خشوع بوله نصیر اولوره
اول سده سینه و عینه علیه به التجا و انکایدن مخلصه فی استباه و دعا
گویان دولت خواه لرین مسرور البال و اسوده حال ایدوب اعداء رو سپاه هرگاه
کمره و رایه خزلده بپاه اولال

هواره که کار ساز قضا شمع خورشیدی اناده و ساقی تقدیر ساغر ناهیدی اداره
اوزره اوله بزم سعادت و اقبال اسباب کامرانی برله مالامال اولمقدن خالی اولیه

في هذا اليوم من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٤ هـ
في مدينة مكة المكرمة



سفر خضره حضرت خضر هجرت
اوله و میدان معوله پر خضره مشعایی
و مشعان نام و یار و یارکن اوله اسد و دم
که زخم کند ز رخته مبدل و عسکر تکرار عشره نه تحول
و خرج و خسارت اگر کو غنا و قنایه منزل و تعب تصعب فی نمایه
نیمه مناصب و مکافات ایاه محسنات خضر و راحت کرمی مکمل اوله

ترویج ایدن دولتولوه نهفت نامه در

25
نهفت

از مصلحت بی زواله در کمال است و در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 من آنکسای بیغیر بود و به سیم یا ماره در حین نزدیک یا ماره و در فیه در زواله
 از جوع منور در زواله که منور در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 نصیر در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 در ارض حاکمانی ظاهره و کبریا در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 از تفتیت و از فساد المصککه المونه لک لک فساد بی خانگی اما طلبا که
 در فساد مبارک که از کجای از زرع کلمه فساد بی خانگی اما طلبا که
 جمع در زواله لطف مجاوره در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 در موجب زفافین لک لک در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 در لک لک در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 منور لک لک در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 در موجب سادت در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 بزرگتر که منور لک لک در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 حاکم غیری زواله در حین صمدی فساد بی خانگی اما طلبا که
 منور لک لک در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که
 در لک لک در زواله فساد بی خانگی اما طلبا که

نهفت نامه
 در زواله فساد
 بی خانگی اما طلبا که

فانضى عليك
فانضى عليك
فانضى عليك

اكون ابن دولو
مغني

نلبه سرور و منبرج اولمقد خالی لرلجه ولادت نام و دیگر
 بکوره حالینتور دوزده انبار فرخ خزل و بارت توخ زولار عین
 حال و وجوده کلاه معصومه و پاکیزه و مقبول و غفران و
 معقول و یار قهر و سرلوب سرور توخ بهر و بی لطف و
 حقون حق نقیض و رحمان کاه و کولکدر برین و سحر و اهل و
 سرور و صفا و دیوار و جبر و وفا و اهل و کلاه و مشایخ
 و دیوار و ناله فرخ و کور و دخی و تیر و نیک و کلاه و
 دیگر حال و رجب و بند و مخلصین و سر و ریش و
 ارلوب مهر و اعصار و امصار و کائنات و زرب و کلاه و
 صیغه و روزگار و یار و دل و دل و بزم و دریا و دیوار و
 و سدرت غایه و ایل و کلاه و و دل و غم و خوش و
 متر و بند و و نیک و بی و بیایه و دل و با و
 نام و لبتا و ج و با و رف و ارب و اینه و لبتا و رف و اینه و
 و غم و جانه و دل و دیگر و کلاه و اول و فرخ و کرم و رف و کلاه و

نلبه و ولادت
 اولمقد و غفران و دوز و
 نلبه و ولادت

اصحاب و اولمقد و کلاه
 نلبه و نیک و جبر و

نلبه و فرخ و کلاه

نلبه و سرور

باز در این فصل در این

مجلسه اول

[illegible]

ترا بمان زمین ترنیت نیام گفت که عقل را بود اینجا بختی **بسی** و هرگاه که در
 تری نازند بسیط خاکی چه باشد که تو بدان نازی **فطوه** و **دی** بجز الله و الله که
 شد دارای عالم را مستخر عرصه کیتی بعون خالق اکبر بیفراید کون بخت یا را یک کون نشه
 یا ساید کون حاتم یا را یک کون منبر **قطعه** **بیک** شکر خدا که کهر اقبال و دروغ **دی** پای
 دولت تو سعادت نشا کرد **دولت** عنان ملک بدست تو باز داد **اقبال** بوق مرآت سواد کرد
 خرو دوم باد شاهک الدن کردن ملک کنوا که نور کرد باز رفتن تا بند

لحدقه علی لسان قد رجع الخیال مکانه بکلمه اذا سبقت العناية فی البیدیه خطر حق الیکان فی الایه
 بر دهم و رقی زتاب جانتاب دولت و کامه **دی** در دهم مطالع نماه فرای **دی** در دهم در دهم
 گرین عالم افزور کند و بنیابین در لقا ز عظم و جفا **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم
 در دهم در دهم بنای صبح بخاج مطالع بنما **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم
 کلتن عظم و اجدر لره مش **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 آخره و ملک و او کرد کرد **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 بر سبزه چتر مدیکان جهان **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 حضرت و دلداره و سینه نقد و در بناله **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم
 در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 کمانه مملکت در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 وجه عام **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 رخشان شد از سپهر امید اختر مراد **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 مطالع امید بر مید **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم
 اختر نورین رفی کامکار بدن تا بند **دی** در دهم در دهم در دهم در دهم در دهم

وچهارم روز خستند و اولی **ع** آخر مرد ملایک رو کرد کرد کار
اقبال را بر بعد و فکر کرد روزگار هر شاد که فتنه زمانه کرده بود
از باینک لطیفه قصه کرد روزگار **ع** ای ملایک براسای که
کار تو براید **ع** سبب غم ظفر باز بدم زد آمد **ع** رجب الحلی ای منزله
کو قول الشمس الی برج الحمل **ع** خدا بر چه توان گفت شکو و فضل و کرم
بدین نظر که در باره کرد در عالم **ع** در کشف ملایک باردیگر **ع** لاهوت
ظفر کشاد شمس **ع** الحمد لله علی انعامه قد رجب الحلی ای مقامه
قطعه **ع** ایوم اضحنا الزمان و البها من بعد ما اقصی العیون و انجحا
فالیوم بنی محقق و مبشر **ع** بل از غدوت الملتح و الملتح **ع** قطعه
البشر فقد نلت ما ترجو تنظر **ع** و قد جری بالذی تحتار القدر **ع** رساء و تار
الایام اربعة **ع** الا و المصور لا قبلا و النظر **ع** رجب کبدر و بروز
میرسد آواز که آمد آبخلاف فوجی دولت بان **ع** مالک باردیگر شد
بهشت آسا خوش و خرم **ع** زرق خسر و عاد لخدیه خطه **ع** عالم **ع** صدق دیگر
ع ترا منصب از غیر فی اندکیست **ع** هنوز این که هست از هزاران
یک است **ع** بحمد الله منه المنه که بر مقتضای احکام ان الله اصطفاه علیکم
طرای جهان داری و منشور کشور ستانی دیوانه کان ذلك فی الکتاب
مستور و نه نام نجسته فحاج سلمان اسلام الیه شرف قبول بولدی
و در حیات منابر و صفحات دنانیر اسم و لقب های نو نه صدف تربیتی و تمت
تحلیله پذیرد و لدی **ع** سرور از ذروه منبر و وصف رفعتش **ع** رخ نور و
سیم و زرقانام **ع** الیخوش **ع**

تدارک ذیاب و جرایم چون فاعترفا بذنوب و کار بدکردارند بوجه
عجز و اضطرار تقدیم مراسم استعذار و تنجیم لوازم استنباه و استغفار
المیوب استدعای رافت و شفقت و ارتجایی مرحمت و مکرمت غایت
تفرغ و اعتذارند و تذلل و انکسار به ترحم اولیوب دیده ادرکن
الحاظ و عقل در آگهی ایضا چون مکتوب بدیع الأسلوب رسال
اولیوب شبیه که بر دخی گنزد و حالند او تور و ب اغاف و مخالفت و
خود رایی ایتمیوب اطاعت و فرمان رویی ده دامن در میان
اوله سک کلیا سهو خطای غفوید و ب کناهلر که رخ غفو حکم
مقرر در دیوانه نضایح جامعه و اصناف مواظب نافع عیان و

دگر در استعدای مجرم و گناه

عنون جو یا مجرم و گناه و حریق انش تقصیر و لغله حالی نباه اول
افکنده خاک را دحقنه سمع شریفه ایصال اولنان کلاهی قول بدخواه
و دروغ بی استنباه اولدوغنه عین بالله ایدوب برسبیل تسلیم
خلق کرم و کرم عیم لرینه التجا و نضاب و حساب الطاف عیمه لرینه
ر شحه قلیله رجا ایدوب امید غفور محمد لرندن بو محب و یکنکه
مراجعت ایدوب تلاطم امواج بحار ز اخوه الطاف و اثره و تراجم
افواج عواطف متکاثره لرندن تفرغ اولنور که اول فقیر بر تقصیر
جواید سیتا تنه رخ غفور مرحمت جکوب و مزارع امانی و امانه
بزور لطف موفور اکوب احسان نامحصور ابله خاطر مکور و مجبور
بوزریه **فقط** شنیدم که در روز امید و بیم
بنا ترابه نیکان بخشد کرم تو نیز از بری بیخیالی نیک رایی
ذبد بکوز و سویی نیکی کرای خداوند بخشنده دستگیر

کرم خطا بخش یوز تو پذیر نه عذر او را نوا براند بخور
 نه کردن گشاورا بگوید بفرور اگر بر خطا پیشه بست تافتی
 که از دست مهرش امان یفتی

دگر

کظم غیض و عفو ذنوب بر امر مستحسن و مندوب اید و یکی حج غیر زی
 عوج ایله معلوم و مفهوم اولوب عفو جرایم و نیات و التجاوز عن
 المعاصی و الزلات جمله صفات ربانیه و اخلاق صدائیه دن اولوب
 و من یشفع شفاعته حسنه یکن له نصیب منها مضمونیک قوله دخول
 رجا سیده سلطان حضرت لایک ذات شریف عفو اندیش کرم پیشه
 موجود که حق عقی واصل فاجره علی الله ایله عمل پورب سواد بی
 مغفور و قصوری معذور سوریله

در اسناد عای عفو و جای

دگر

ارسال اولمان نامه نامی بمن ملاحظه و شرف مطالعه اولند قد تقائق
 عباد اتدن ساحت سطور صبح صادق صفای نیت طالع و قعر جراتنا
 راستدن حاصل ظهور جواهرن و هر صدق طوبیت واقع اولوب خلاصه
 کلام بلیغ النظام و ملخص پیام محبت انجام ان الله عفو مجتبت العفو
 مضمون سعادت مقرونی او زده کظم غیظ و عفو معصیت سنت
 سنیه اهل مرحمت اولوب مشار الیم اید و یکی قبا حجه پشیمان اتی
 تبیت الان کلام شریفی و یرد زبان ایدوب واقع اولان خطائون
 ندامت و کناهلربینه تو یرد و انایت اید و یکی ایچون صحیفه اعمالندن
 صورت یرید اولان خطیاتی مصفوح و جریم افصالنده جایکین و
 احوالی قبا حقی طرف داعیلربنه بخشش و عفو پس بترند ان اذ دل جان غمور و محظوظ

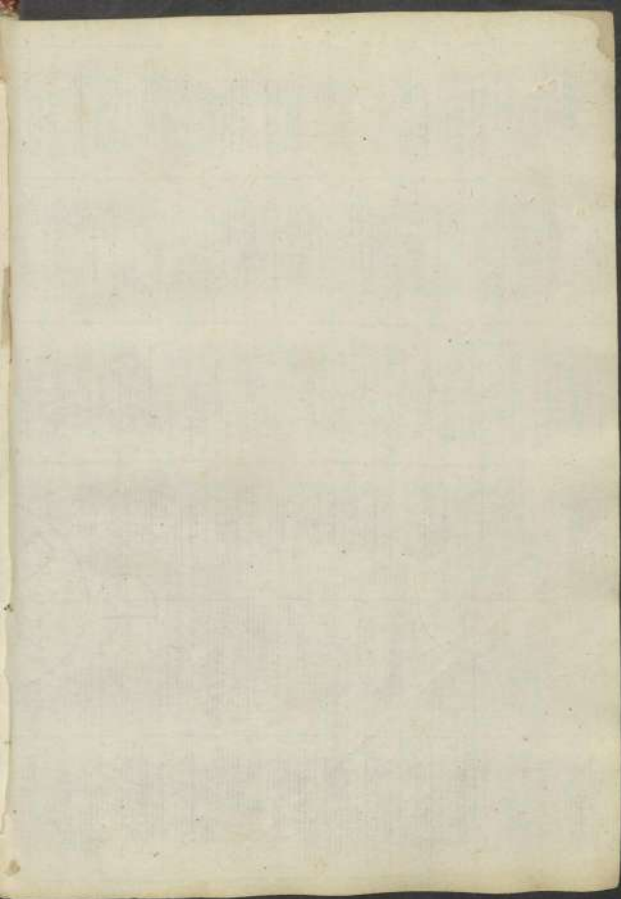
نشان نرفی عالیشان سلطانی و طغرای غریبیتی سنان خاقانی نغد بعون الوافی
و المزلجانی حکمی و لدر که چون خداوند مالک الملک عزت عزته دست قدرت
علیه سیده **بید الله فوق ایدیم** اکلیل جلیل القدر **ان الله اصطفانی تادک**
مبارک هایونم اوزره قویوب و ذات نریغی فیض فضل فی منتهای سید که **فان**
الفضل بید الله یوتیه من یشاء مسند نشینان **کتتم خیر امه اخوت للناس**
تامرون بالمعروف بیائند مختار و سرفراز قلوب و فور فر و شوکت و فرط
اسباب و عدت و کثرت سیاه و خشم و وفرت خیل و خدم و کمال قدرت
و عطمت و غام بسطت و قدر تله فروده کریم **و کذلک یحبیک ربک** منصف
سلطانی ذوالقدر و خواقینی نامدار و ابی الامار اسنده مشب و مستسا
المشدر و خصوص نبی نوع ادم بل عجوم خلق عالم اوزره احکام سلطنت
و اوا مخلصه ساری و جاری اولق **ایچون عنوان فرامیر و دیاجه**
مناشیر معدلت تصویر بری کاه نوبیع رفیع السلطان ظل الله فی الارض
و کاه طغرای منبع **و اولی الامر منکم** ابله مجلی و مجلی قلندر لاجرم بونعت
عظمی و موهبت کبرانک ستمامتی و استزادتی شدان سنه که بالکنز دوم
النعم **و احفظ جنابک من اتبعک من المؤمنین** موچینه شیه جیه بادشاهان
جهانگیر و عادت حسنه خسروان تابع و سریر و اسایب ضوابط جهانباز
و فواین مناجی کتور ستانی محفوظ و مضبوط اولوب حربی محترم منتهای الله
و عظمها و سایر مالک محبه مصریه ده عمر الله تعالی فاطن و متوطن و وارد
و عاید اولان کافه دعاها و عامه بر ایا سابه محبت شامله و ظل عنایت
کامله ملوکا غده اسوده حال و مرغه الیال اولما لری **ایچون** و احکام قواعد

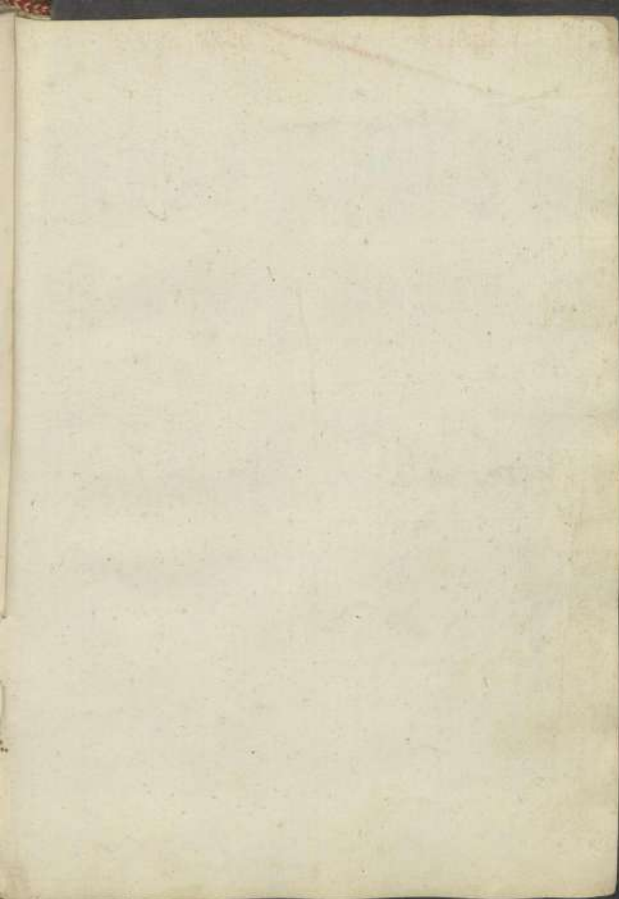
تواعد او امر واحكام و تمهید اساس سلطنت و تشبیه بنیان خلاف و فحش
اطراف و انفاذ او امر و نواهی و تنظیم قلاع و بلاد و ترفیه احوال عباد و اصلاح
فاسد و ارغام حاسد و قمع مانع و قهر منارع و ضبط عساکر و ربط متناظر
اینگل بچون و اوج العزم فی القرون الاولین سلکته منسلک و توفیق مستدعیه
وزراء عظام عالی مقامدن برسی دیار جلیل الاختیار مصره ارسال
اولئح و اجبات مزایع شهر یاری و مفترضات سنن ناجداری اولدوغی
اجلدن حالبا استودارنده مثال بی مثال واجب الامتنال و ناقل منشور
مشهور مرت مقال دستور مکرم منبئ فخر نظام العالم مدبر امور الجمهور
بالرای الثاقب منم همهم الانام بالفکر الصائب مؤسس قواعد الدوله والدنيا
والدین المحفوظ بصوف عواطف الملک الاعلی و زبرم مصطفی پاشا ادام الله
تعالی معالیه که فکر مبتنی بله امور ممالک منظم و رای درستی بله رخصه ظلم
و عدوان ملتئم امر سیاستده ایت و کار دیاستده صاحب در ایندیر محو
مزبور و محافظتی خدمتده ارسال الی بوب الله استوفیران علی الشان و حلی
البرهان و یردم و یورد مکده امر شرف و اوزر و محو و مزبور و اکام متعلق
اولان بلاد و امصادری حفظ و حراست قلوب شوکه و ضایف قسطاس
نزع قوم و مبعاس قانون مستقیم در کمال عدالت و نصف اوزر و محو
طوبی ۲۱ اخره **دکر** صورت برات میر میرانی مهر باحمد پاشا داده

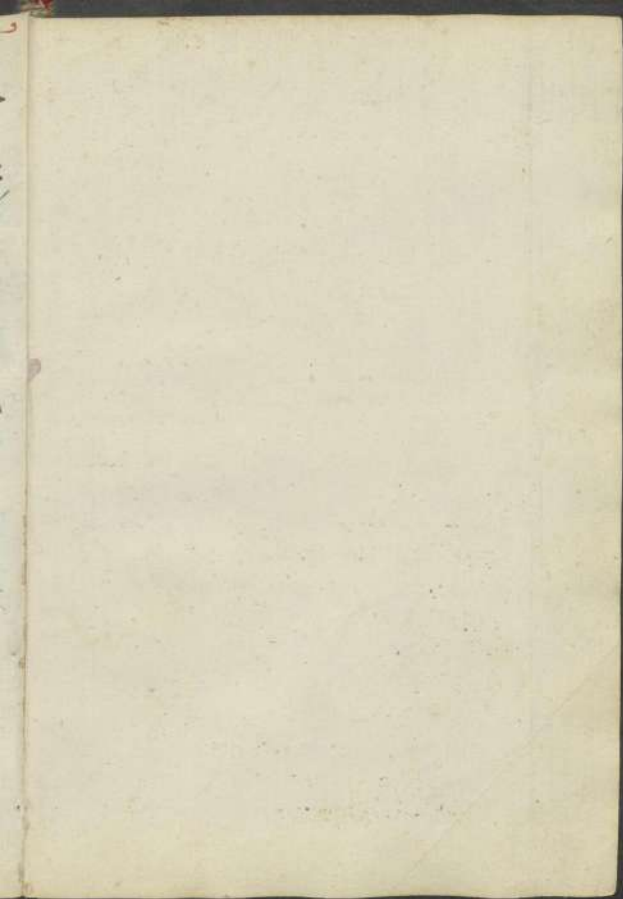
هوالمیسر رب اشرف کی صدری و قیصری امری و احلال عقد من لسانی یفهمه اولی
نشان شریف عالیشان سلطانی و طفرای عزای کتیستان خافانی لا ذال ناقدا
مطاعانی الاطراف و الکناف بعون الخیر النجافی حکمی اولدر که چون خداوند

33 خلاق و مالک ملک علی الاطلاق عزت عزته و جلّت قدرته بادگاه محدث
و پیکاه الوهیندن که محل احسان منشور بر نور **توقی الملک من تشا** و ماخذ
بر لیغ و طغری **ما یفتح الله للناس من رحمة فلا یسک لها** و د حکمت بالغه و
قدرت نامله بی ایلله ابواب خزاین لطف بی نهایت و عنایت بی غایتی جز
ایام دولت و غرّه غرّاء سلطتمه فتح ایدوب و منافع و مقالید احکام
ملک و ملتی انامل اختیار و ابادی اقتدار مه تسلیم و تعویض البشدر و لطیف
عواطف جلیله و بدایع صنایع جمیله بی مقایض بله جل ذکره و عه شکره پایه
لوا بی ظفر بیکرم میامن فتح میان ایلله اوچه علیینه ایرشوب و نهان جبر سادت
کسترم **نعم من الله** ایلله کنده طارم افلاک اوزر پروان فلندر و اوامر
نواهی خسروانه و احکام مناسبت پادشاهانم دخی عون عنایت زلی و غیضات
لم یزلی برله قضاء مبهرم اسمانی کی قضاء زمین و زمان اوزر نفاذ بولور
وصیت و صدای داد کستری و ذکر عدل بروری ملوکاغ افطار و امصار
بر و مجرده نجات بنیم صبا ایلله بمعنان و دوان اولشدر و ذلک بفضل الله
علینا و علی الناس **والله ذو الفضل العظیم** لاجرم مصدوقه فرموده کریم
قدیمه **واما یعمل ذک فحدث** موجهه بوجوب سنیه و عطایای
علیه نک ستمامت و استزادتی شکرانه سنه که بالشکرندوم انعم کلها
زمت همت بلند رتبه واجب و لازم و مناسب و متحکم اولدی که ایما
مرام جهان داری و ابقای لوازم شهر یاری و غمخواران سلطنت و تشدید
نبیان خلافت و محافظت اطراف و نواهی و انفاذ اوامر و نواهی باید
که بونوع معانی محکمه البیانی نک موجب استحکام قواعد دین و دولت در
و باعث انتظام قوانین عدل و رافدر بدل سبی نام و صرف اهتمام عام الیم

بناء علی هذا دلالت دولت هایون بلاد شاد سعادت میمون ایله اولی الامر
فی الاولین سلکته منسلک اولوب **واجعل لی لسان صدق فی الاخرین** ^{تسلی}
ایالت و حکومت دیار عزیز الاعتبار مصری سبوسنه تسع وعشرین و تسعایه
رمضان المبارک کنک البتجی کوفی دافع توفیع رفیع بی مثال فرخنده قال و ناقل
یرلج بلیع مسرت مقال واجبا لامتنال دستور مکرم منیر منج مکل مصال العالم
بالرای الصائب الرزین و مدیر امور الجمهور الامم بالفکر الناقب الملتین مؤس
قواعد الدین والدولة والدنیا المحفوف بضوف لطایف عواطف الملک الاعلی
و وزیرم احمد پاشا ادام الله تسالی معالیله که ناصیه سعادت غا و جره مسرت
فراسندن شواهد مکرم اخلاق و دواعی وفور استحقاق ظاهر و باهر
و دلایل دولت و عزت و خصایل خمت و شوکت و اصی و لایح اولوب شمار
حسن سیرت متقدمین مرتدی و اتاد الطاف و اعطاف سلاخه مقتدی فکر
نافی ایله امور محالک منتظم و تدبیر صابی ایله رخنده ظلم و عدوان ملتقم
فتون بخافت ایله معروف و ضوف نهامتله موصوف در سوانی ابامذخات
بما یوغم جانیندن ضبط اولنان اسکندریه و رشید و دیماط و برلسا سکه
لرندن غیر کافه توابع و لواحق و عامه مرافق و طرایق و بلاد و امصار
و تلال و انباری ایله توجیه و تفلید ایلوب و زمام حل و عقد و امور
جمهوری قبض و بسطنه و نظم جمهور امور کف قدرت و قبضه ارادتنه تسلیم
و تقوی قلوب داخی استو برات خمت ایات و سعادت سعادی و بردم و سودم
که بعد الیوم محروسه مصر و لایتنک و اکانات و اولان اقطار حجازیه نک بالبت
و حکومتی تخت یدند و کف کفایتنده اولوب دجی اوامر و نواهی حصر و اندن
هره صادر اولور سه عن صمیم القلب طاعت و امتثال کو سروب هر حاله شوکه







خاطر همان بکشد و طبع مکارم دریا بفضا نهد که غرق و غور نه غایت و حجه
و غور نه نهایت بود قدر دگر

خاطر دور بین دقیقه شناس و طبع صواب در پیش حکمت استینا سرینه که فکر شکل
کشی نوقیع منشور اکاهی و هر رای اصابت از ناسی عنوان صحیفه شاهی در دگر

رای صایب و تیر بر مستطابری بود و جلاله جاری اولدیکم اولافنی ستمه
دارلق صایب در و نه دیار کفح و تخیر نه مباشرت اولفق مناسبدر دیو
جمله امرا و ایمان عسک و از مودکان تجارب سفرایله نسا و نه اولندرقه

اسدی صور حقایق استیایه بجلی اولان قلب پاک و ذهن دراک فیض ماثور لینه دوش
و مبرهن اوله که دگر

صور استیایه بجلی اولان طبع پاک و خاطر دراک لینه دوش و غایب اندر که دگر
صورت غای حقایق اشیا اولان ضمیر منیر مبرج لارینه ظاهر و هوید اوله که دگر

علم عالم ادا و ذهن ذکا ضالارینه دوش و هوید اوله که دگر ذهن بیضاضالارینه
هویدا و نقش نیکین سوید اوله که دگر علم عالم ادا و ذهن شکل کشا لارینه حق پوریکه

لا ضمیر منیر عالم آرایه احوال عالم و مشکوة آمال نی ادم در ظاهر و روشن پوریکه دگر

ضمیر منیر خورشید بنظر که فی الحقیقه مخزن اسرار معارف الهی و مظهر انوار عوالم
ناقصی در دگر ضمیر منیر منیر تصویر و خاطر عاطر فر تابان لارینه که مرا یکتی غیا
و مشکوة مبرج لارینه مستور و نهاده و پوشیده و پنهان پوریکه

ضمیر من من تنویر لری که مرآت صور مخالفت و مسکاة انوار مصادق در خی و کینه
ضمیر منیر آفتاب نظیر که فی الحقیقه صباح سعادت و مصباح کنوز سیادت در خی

مرفوع ضمیر منیر بر جمیع احتشام و معروف و مخاطب عاظم نا هید احترام که مشکوف بمصاف
نور علی انور و مرآت کنوز جانب الطور بود که مرفوع ضمیر عقد کنای
و مشکوف رای و ملک آرای اولد که ضمیر منیر عقد کنای و رای فی نظر ملک آرای

ضمیر منیر فی نظیر و خاطر خطیر منیری تدبیر که فی الحقیقه مرآت جان فزا و جهاد مادد پویا
و منور یوریه که ضمیر منیر خورشید شانه و خاطر عاظم شری
عنوانه که مدار الطاف و عروت و مرکز اعطاف و معتدله عرض محبت
و اعلام دایمی پراختصاص بود که

لکن ضمیر منیر ضمیر کنای و خاطر عاظم خواطر انبایه که نور و صفاده و ضیاء اخلاص
غیرت انداز دل خورشید و روشن افکن خاطر جام جمشید در خی یوریه که
ضمیر منیر خورشید تنویر و خاطر خطیر عطار د نظیر و روشن تدبیر که فی الحقیقه
جام جهان نمای اسکندری انور کنایت در پوسید و همان یوریه که

ضمیر منیر من نظیر و منیری تدبیر لریه معروف و انخواه بی استنباه بود که
ضمیر منیر خورشید تنویر خبی و ستیز یوریه که قاعد حسد کویه لری متفصیح
قلزم اعطاف و الطاف لری جوش و خروش و یوریه بود و انخواه بی استنباه
صوبیدن زرق استجماره استعاده التفات علیه لری اولور

38 اگر بوعبد قلیل الاعتبار که اوصاف خلوص را تصافند استکشاف پور یلوریه

اگر قاعده وفاداری و ایمن صفاکاری او زره بود روح مجروح و دل
بی فتوح جانبیده که شتم عناینگزایه التفات و رغبت ایدوب صورت
احوال بر ملا نماز ارتسام پور یلوریه دامن حیات کشتا کند ستاجلدن
مصون اولوب لیل و نهار نمان و آشکار از دیاد عمری دولت و ارتفاع
قدر و عزت ادعیه استغاثه ایله رطب اللسان و عذب البیان ملاحظه
پور یله

اگر ذات حقیقت تصاف لری موصیحه اولان تفقد احوال دوستان قدیم و تعهد
مجاهد عن مجیم قاعده سی بود فو دخی مخلص لری حقنه مرغی پور یلوریه جانب
وائق القواد لری طر فنده استخبار پور یلوریه

بوجا اگر که حقیر خدمت اخلاصند ارتضا پرستن حاله تطیب خاطرین اقتضا ایدر سه
الحاله هن عرضه وجود غبار فندان پاک و خلوت ساری بدن شمع روحه تابناک
اولوب نغمت ایام دهر که تنشی غنچه خاطر فاتر که باعث تبسمی املق دن خالی دکلر

از دلک صبا ی جانفزی احسان ایله دریای لطف و کرم جوشان اولوب بونیده لری
حالمند سوال لایحه بال زبی بال اولور سه
اگر نسیم خلق کرم و هوای لطف عیم بود ای خالص البالک کلش امانه تنسم
ایله غنچه مرآه دل بی آرام تبسم ایتک جایز و بوقول لری اول سعادته جایز
اولور عن الله الباری سینه

اگر عجم مکرمت و شمول موهبت لری مقتضا بنجه که عادات السادات
سادات العادات در بند نوارلق پور یلوریه طرف دعا گوینان مخلص

و طایفه ها را که از آن متخصصان استعلام مافی الیال سوریلور لب

اگر بنیم خلق کرم و لطف جمیع بخواهی الیالک کائنات مالیه تنسم اینکله غنیمت مرام
دل به ارام تبسم اینکله جایز و بود اعیاری اول دولت فایز اولور لب
منو که باشم که بران خاطر عالم گذرم لطفها میکی ای خاک درت تاج سرم عن الله
الیاری شمد بیک سفینه وجود خاک الود در پای عافیه موجود و شند یاد
علل و اعراضدن سالم اولوب وظیفه تطیف مز اولوب دعا ی دوام عمر و دولت
واحدی ملری رقبه رق مرتبه مز لازم بلوب حضرت قادر مجنون و خداوند
کاف و نون نهال امال سعادت غولدر نی اسیب دهره من مضمون و مخطوط الیه

اگر بحار دافت جو بیار لری غوج ایدوب بموجب شاکار و مخلص هوادار
لری کیفیت احوالندن امر استخبار تجویز سوریلور لب

اگر چنین زار خاطر نزهت اتاد لرند ثابت اولان امتنان و اتحاد لری
با و را اولوب مخلص عز تجوی بی ریالری احوالندن استقصا سوریلور لب

اگر این مکرمت سازی فحمان صداقت نشان و قوانین بنده نواری
مخلصان ضعا کیشان اصراف الطاف طبایع بحر بی کراند لری کوهر فشان
اولوب محبت قلند خالص الجنان لری احوالندن استخبار سوریلور لب

اگر حقوق سابقه و لاحق بر مضایات بر مقتضای مناسبات رایق و فایقه هو
سوریلور لب بغایت الله تعالی تمذیک فلک تن کما رحمت و کشتی بدن لیمان
سلامند فورتنه اعراضدن الارغم در لکن تلاطم امواج اشقیاق و تراکم افواج
افتراق قطرات بحار دن فزون و رشحات انهار دن یار و نذر

اگر چنانچه از خاطر نزهت مآثر لرند ثابت اولان نهال و داد صداقت اعتیاد لری
سربلوز تو و حریقه ضلالت بهجت شعار لرند ثابت اولان امتنان و اتحاد لری

صورت طغرل افشار سلطان مصر طومان بای و فتح قاهره مصر 39

فتح نامه مصر صورت انوار سلطان طومان بای

حضرت پادشاه علیه فضل الصلوة روح مروح فتوح بخشنیدن استعانت بدو
مصر سلطان غورنیک و ستمه یور یوب بولند قدغه فانسو غوری منوب حریق
شور غنا و غریق بجه بلا اولوب حاتم ملکي نکشت دولدن مطروح و
طومار غری بد فخر ایل مطوی و لشکر بد بعضی قلعه کجوب و بعضی بحرو
کجوب بندخی عسکر طغرل اثر لاه تعقیب یور ب شام و ارنج ملازمه دن
ناغزه دکن فتح اولدی و بغیمه السوف اولان طایفه جرکس خاد و خس
صرا و کندن نوحه کیرانه اولور سه اقامه و خیزان فاجوب مصر حایه
کجوب افکار فاسده ایله اچلدن دن طومان بای نام بهادری سلطان نص
ایدوب اول دیار ده جرکس و جندی و عرب و هندی طایفه سی یانده
جمع اولوب حالیا انلرک وجود نابا کلر دن اول دیاری نظیر و بنیاه
سلطنتکرن بن تغیر ایتک نیتنه یرموجب فحوی فاذا اعزمت فتوکل علی الله
حق تعالی نوکل و سید کائبات علیه السلام معجز اتنه نوکل ایدوب
اعلام ظفر د تار و الویه سعادت شعار و عساکر خنک جوی و صافقه
خوی و اهن خای و شصت کشای و تازی سوار و خضم نکار
ایله عزیمت هدایت فرجام و نوحه سعادت انجام مصر حایه منقر
قلوب اول دجی شام ملک الامراسی جانبردی غزالی بعضی عسکر ایله
ارسال ایدوب عزیمه کلجک فدوقه الوزرا القطام عمده الکبر العمام
الغازی فی سبیل الله وزیر اعظم سنان پاشا اند بولنوب کلز عسکر
لرنیک اوزر یور یوب جنگ و جدال و حرب و قتال اولوب سنان

یا شاغال و اندر مغلوب محذول و منکوب و ادب مصرده اولان عسکر
وصول بولوب بندجی سعادت و اقبالله یوریوب غزه ده اولان
عسکره ملا فی اولوب اندن جمله عسکرایله برینه دخول ایدوب متارل
بعیده و مراحل شیرین طومار عمر اعلای کی طی ایلوب غایت حق ایلر
ایله شهر مصرک اولمز دیدارینه وارد قدره اولدن شهرده و قلم لرند اولان
طوبلری محل مزوره ده قوروب اوکنده خندق لر قازوب مترسل
ایدوب و سایر آلات و حریرین مهیا ایدوب ناره و محرک کسل طغوز
بوز بکرچی ایکی سالنک ییغینه کوی قوشلق و قشده بندجی فرواجلا لیلله
نزول ایدوب ایلدرینه مقابل صحرا ده ایلمر بیا یوب صول و صاغ
جناحلارا استه قلوب مقابل اوچو عسکر طفر دهریم دجی قوج قوج
مانند عمان پر موج جوش و خروش ایدوب صاغ قولده فخر الغزاة
قامع العصاة و ذیراعظم سناه یانا و صول قولده سنور مکرملک
قله و غا نمنک جئه هیجا و زبرم یوشن یا شا طوروب طوبلر او تفنار
اتلوب جنک و اشوب اولاشوب برنقی و تفکر اندر لن یینغلم الفر
ان قمر تم خبر بن ابنا و شمشیر باد فعل و اب شکل اتش نهاد خاک
نژاد و انزلنا الحدید فییه باس شدید ایتن انما قلوب لندر جبار
فتح اثار اندرک طوب و تفنگه با قایوب کجی حسام خون اثار و کجی شان
نعبان اتش فشانله هجوم ایدوب تیر و تفنگ باراه کجی یاغوب
طوبلرک دودی عتیقه صعود ایدوب و کرد معرکه کردون کرده
ایر شوب خروش جیو شدن طبور و خوشک هوغی کیدوب

عین و بسیار ده نایره حرب و قتال اشتغال بولوب قوشوب و زیرم
 سنان پاشا صاع فولده اوزر لرینه کلز جمهوری صوب دوندرو
 خا کله یلسان آیتد کدنصره اول اتاده کندویه دخی دخی هممال ایش
 صول فولده بونس پاشا دخی بوردوب شیرانه و مردانه حمله کرایدوب
 اول طرف منوجه اولاده عسکر لرین قروب طاعدوب بین الصلوانین
 اولنج عظیم جنگ و لوب اخرا الامر بر مقتضای الا ان حزب الله هم
 الغالبون عسکر طفره هیدرم غالب و منصور و اندر ک لشکری مغلوب
 و مغرور اولوب این المقر کویان فرار اختیار ایدوب نجیبی فجدن
 کجوب و نیم بکری و سردار لری دوش و اول فاجوب کدنلری
 دخی عسکر طفره هیدر تعقیب ایدوب علمدن معکوس و بعض بنام لرین مفید
 و مجبوی حضور لامع النور کماتوروب هدف تیر و علف شمیر ایدوب
 اث وادم کشته لردن پشته ل و اولوب بر اکی کوز اقامت و لنوب قالتوب
 مصره متقل بن کاندنه بولاق د بکله معروف محله فونلوب بغنه البوق و لیل
 فاجوب مصر ایچ کیروب اسواقنده خندق و متر سار ایدوب نهری حصار
 ایدوبوب صعبا و لره و محله لره التجا ایدوب جنگه مباشرت ایتک استیجک
 علی الصبا عسکر منصور نک بر مقداری واروب جایجا احاطه ایدوب
 او حقی کوز خمیس کون عسکر نصرت شعارم یاب و بسیار احاطه ایدوب و هر طرف
 بین وینار پیاده و سوار تیر و تفنگ حواله ایدوب ناله نای روی
 و صدای کوی گیکایس این دن دماغ فلک بر طنین اولوب لشکر جوار

هر طرفند هجوم ابدوب باران نضال و سهام و دندان قهر و انتقام ابدوب
 يوم يفسهم العذاب من فوقهم ومن تحت ارجلهم فحوا من معانيه كوشن
 بصاد قلدي خند قلدي و من سكري و النجا ايند و كلري اولرك بعضي اوراق
 اولوب اينجند بولنان عذاب الهم خرقه و فاجوب كبد قلدي بول بولايوب
 نيله دوكلوب ال فرعون كي بلاي غرقه مبتلا اولوب و نبي بو حالي كور حيد
 امان طلب ايلوب قطعا النفاق اولوب اوج كون پايي غرقه غراي صايد
 طره مطري زواحه دكين حيد اولوب اخر حمله بي فلجند كجوب بايال
 و شهر ك انوا في كنه ايلامال اولدي و هر برينك رخت و نچتي تارومار
 ولاشه لري طير و مور و مار اولوب سلطان لري اولان طومانباك حيد
 حياتله ثاني نامعلوم اولوب صكره صعيد ايلنه كجوب بيقبه السيف اولان
 لر بانه جمع اولوب فنه و ضاده ميا شراولدي خيل الذنق لبت الوغاروم
 الي بكر كبسي مصطفى يانا ارسال اولوب عقيد بنده اير شوب جاد و ناچار
 مغايه و مقابله ايدوب طايفه مغروره نك كنزي فلجند كجوب باي فالالدي
 سلطان لري اولان طومانباي ايله طولوب دست بسته و باسكنه ركا
 هايونجه وصول بولوب عرقلري فقطع دابر القوم الذين ظلموا حنجه
 منقطع اولوب شر و شور لري عجزه مساكين اقبال عرب اوزرندن
 دفع اولوب ملا طه دن ممر و بالجه مالك عرب بعيانه الله الملك الرب
 توابع و لواحق ايله بي قصور مفتوح و منخر اولوب مضافات مالك
 محروسيه ملحق اولوب كلياحرمين زرينين و ساير اطراف و جوانب
 مالك عرب اهرابي و شايخي ريقه رقيت و طاعني كردن اخلاص لره عقد
 صدق ايله خدام نمرت انجام سلطنة مستلكا و لري ايد الحمد لله الذي هدانا لهذا

بسر مینه لشکر گزار کارزاره اول هر بر میدان کارزار نمک میدان دریای
مردانکی و وفار بجاعت باب شوکت نصاب سنان پاتا و جانب میسر و میسر
ببر بادیه دلاوری و وفات تمام روز و شب با بخت نصاب حسن
باتای تعب ایروب جانبین دن جنگه آغاز اولنوب الحق بر خیلک و لشکر
داستان رستم داستان اکاشیت یا ریحی طفلانه مانند اگر دیری از جنگ اسفندار
نگردی دگر کارزار اختیار
نوه و نوه و نوه
طهرانه و منون
دگر نامی زاده جعفر طریقی

طایفه و نزدیک لعینک نصر فلند اولان بلاد و حصون دن حصص متون که
مناات مراخل و صعوبت متعاقلی شرحده زبان اندیشه عاجز و قاصر
در بروج مشید سی اوج اسمانه حماس اولوب اساسی بقعه مهندسی
مرکز دایره عالمه حماس بولشدر و هر گوشه سی جفون عیون ملاه
کبی بر مردم ناوک انداز و هر طرفه طر از خلیع العذار لری
بی حد کفار حیلله ساز استخارصه لشکر یشمار و اولیة نصرت شمار
له عزیمت ایروب مدت مدید منازل و مراحل کطی السجل ملکیت
طی اولند قد نصکره بر روز فبروزده قلعه مزبور قلعه مباشرت
و مبادرت اولنوب بریر طویلر قوریلوب دود و دخانی ایرصاعقه
بار اولوب کوکله اغدی و هر طرفدن جبر و آشوب اولانوب
ناوک جوخ و زنه که حصار ایچنه بغور کبی یا غدی و امطر باعلیم
مطر افانظر کیف کان عاقبتهم بحر میں بوموال و زر حرب
و قالده اکزن ناگاه طونهای هما بونغم کمباری که وله الجوار الشما
في البحر كالاعلام حسب حال لری دلاهر بر سی دلیران دزم ازما

ودلاوران لشکر کشایی و جریتن بهم بریح طیبه و فرجوا بهما
در یاوزندن ظهور ایدوب او جو زیاره سفینه کردون
بیکر قمر لنگر سحاب بادیان سحاب رنسمان احاطه ایدوب
غازیلر که آن لهم قدم صدق غدر هم بحر بردن و خشک
و تر دن محاربه غاز قلوب بر خطه بر آتی و تو فکد بر کردار
لن ینفعکم الفرار ینامن ایلوب پیاپی بکان سهام اهالی قلعه
ایمانکو نواید رکلم الموت ولو کنتم فی بروج متبیده بیامن انما المرد
بوانتاده کافر یکلدی دخی قلوب سفاین اهل اسلام ایله مقابل اولوب
جانبیدن حرب و قتال اشتعال بولدی اخر نسایم فتح فیروز
لقد نصرکم الله فی موطن کثیره مهیدن تنسم ایدوب ای ماهونه
بری مالامال ادمری ایله القوب بر فی دخی در بایه عرق اولوب بعضی
دخی انسه یا قوب جهنم کلد بعضی عذاب الیم حرق و بعضی الفرعون
کی عرق اولوب بر مقدار دخی هدف نیر و طعمه شیر و بر مقدار
توفار و اسیر او اولوب و مابقی سهم من بخار سه فقد رج معلوله
عامل اولوب فرار اختیار ایلدیلر از یاده و امد و بر باد هوز
بوقوع مسرت فرامیسا و لد قد نصرکم بر بنجه کون کجوب روین تن
لشکر شکن سنک دل قوی هیاکل منار قامت بر صلابت التشنایه
صاعقه کردار خصم شکار نصرت نکار ظفر هیز از دها بیکر طویل
ایله در و دیوار نه زبر و زبر بر بر قلوب همان اول ساعت یوریش
اولوب ساکنانه ملاه اعلا فالووم یعد بهم الله بایدکم و یخرم و یصیرکم

عليهم وينشف صدور قوم مؤمنين ابله دروازه سامع جنود موصوف
 بر اولوب علم الرجو ذلوب نقاره لرد و كلوب دلاوران عدو كش
 و كسور كشاه كوشه دن بسم الله الرحمن الرحيم دبو عزم رزم ابله
 جايحالسان حربه حربه اغاذ ايدوب سینه عدوي بخذولده
 الم تشرح لك صدرك ايتن تلاوت و ذبح و شمير و تين خصم سلاخ
 بر اقدرب و وضعنا عنك و ذرك حالتن روايت و كرز كا و بيكر
 مهره پشت اعداي شكست ايدوب الذي نقض ظهر ك ظاهر
 و درود مؤمنين عيوق چقبوب سرور فعنا لك ذكر ك كوني زهر
 و باهر اولوب غروب اقبال عالمايه دكن مقابله اولوب عاقبت
فان مع العسير يسر مقتضا سخر بلذ مذكوره النوب و بر حسب
 فاذا فرغت فانصب و الي ربك فارغب قله سنه رايات فتح ايات
 نصب و لندي بار معالي جاتينه سكرو سپاس و محاري قياس و لري
الحمد لله كه بر موجب الصلوة انما جزاء الذين يحاربون الله و رسوله
 و يسعون في الارض فسادا ان يقتلوا كفره شك ذكوري مقبول و اناني
 مغلول اطفال و عياله اسارا و معابد راهبين مساجد مجاهد بر و زوايا
 و كنائسي صوامع و جوامع مؤمنين فلنوب اين باطل كفار دن بدل اجوا
 اولمان توانين شرايع احمدري و او اي ناقوس برينه استماع اولمان
 زمزمه پنجه نوبت محمدي در و قله قرون كه قتل منيعي رفعتن قتلان
 افلاكه فاند رماه مدكور ك و قله منجي كوي مضاحل بر نور و ب ابقاد كوشن
 دليل اعلام و امك جوده قله كوندلري حرر ۱۷ محرم الحرام ۹۰۶

اندرم فافوغوری سلطان سلیم طرینک بالار لایه تار نامه فتح در

دکمر انعام غوری و فتح حلب ایچون
ادونه فاضی سینه یار مشهور

فافوغوری جمیع کلماری و عسکرینک دلاور لری قرقالبیک نغراهن یوش
اولوب ایلدیر یاغلا یوب صفرد ووزب قلب و جیاجی راسته ایدوب
قوشلق و قنده کلوب عسکر نمرت ماتن مقابل اولوب متعالمه مباشرت
ایدوب جنگ و اشوب تا اکندویه دکن نوایر حرب و قتال استعمال
ولوا یج جنگ و جدال استمداد بولوب ساکنان ملاء اعلا قانلوم بعدنم
الله بایدیگ و مجرم وینصر کم علیهم وینف صدور قوم مؤمنین و اوده
سیله سامع جو د طفر رهبری پر قلدی جابجا بنه لر لاسه حاله انشراح
لک صدرک ایتن تلاوت ایدوب و زرم تمیز ویر خصه سلاح بر اقدروب
و وضعنا لک دکلک عنک و زرک حالن حکایت ایلوب مابین ده
اولان کشته لرا یچون ناخن نعال مطایادن زمین یوزن یرتوب چشم
زرم قان اغلیدی و کرد سپاه معرکه دن جرم اسمان اکتنه قبا یی نیلی
الیدی مدد مدید طرفین دن قوشمه و دروندر شه اولوب شیران کارزار
ود لیوان خنجر کذار هر طرف دن هجوم ایدوب طوبلرک دود و دخانی
ابر صاعقه یار اولوب کوکلره اغدی و تیرو تفنگ اوزر لرینه یغوری
یاغدی و امطرنا علیهم مطر افانظر کیف کان عاقبة المجرمین و تخمینا تنقضا
و شان ثعبان نشان قطعاً کوزاجدر میوب لن ینفعکم الفرار بیعاً من لسان
حاله انشا ایلدی و پیای بیکان سهام اینخا تگونیایدر کم الموت پامر انما
ایلدی اخر نسایم فتح فیروزی لقد نصرکم الله فی موطن کثیره مهیندن
تسع ایدوب اول معرکه ده سلطان مرده و شب و اولو بکلر دن سودون

عجمی و نام حاجی سببای و سایر بکارند بی نهایت کتب بازاری کسب و
 و افلا قلیل مهرزم و قشعر و آنکس را بیه کوناری بوم بفراموشی
 و امه و آیه اولوب اول حالتده نقاب توقیفی یوزلرندن کوتروب
 و سر اخذ الذین ظلموا الصیحة فاصبحوا فی دارهم یا غیبی اوزماید
 یوز کو ستر دی الحمد لله الذی هدانا لهذا هم اعدای دین و دولت معرو
 و اولیای غر و شوکت سرور و علام اسلام آبی بوم الشور و شور و لا ایل
 اوله نری سرور و ندادان و میترج و خندان ایملک یحون فخر الامام و الاکارم
 جانشینکرم مضطرب سال اولدی اشانه العزیز و اردن سنکرم و نداد لقلاید
 اطراف بوجیه سرت اثری فشا و اعلام ایلله سرینله بالسر ۹۲۲
 سحر ترا ۲ او اخر رجب المرجب

حضرت قاور بنحوه و خداوندگار کاف و نون تعالیه تعالیه الطاف
نهال حال سالار بنموده این اسباب و هر دو و ده و غولیر سید ملک و نون محفوظ
و مصوبه لر و بر می می و غولیر و متعلق بالفرع اول الیوم و ساعت الفی
چشم بر و غولیر حید و دور و خاندان غولیر ان شریک با و ده و غولیر
سروا فیه نهال دولین سر سبز اوله
ابومیه عمل کلینه تا ابد عین زوال

نہنبہ و لادت

روضه لطافتد بر غنچه تان و رعنا و حدیقه نظافتد
بر شکوفه پاکیزه و زینبا کویا بوج سرفدن بر شمع باغ
و مهر و خشان و دبیج صدقین بر در و خشان ظهیر و شمش
حق سبحانه و تعالی قدوم شریفین مبارک و بهیمن قلبی به
دولتک بنیادی طور شون منیر عالم کبی
عزمتک انواری طوغشون علم ادم کبی

وعاء لفر

هذه شجرة بطيئة وجوهر عروقها ماء الحياة خلوه ليلتها ولبها وورقها
لونها ابيض معانقة وغرونها غمرجا ويرزله كما يبارك الاولاد

تغریف وزرا و غیره

وعلم و مشایخ و اشراف

لا یقین دینی ناد اولی الحفظ و النفس
شواله دعا و دولت اندر علی الدولام

الحفظ ارفاع با برکت وزیر تغریف و غیره

حيط به سر كانه ارباب نهج واور كاهه ولفرونه ووراي به احصاه
مركاه لفر كاهه كهي بيرونه اورد زبانه فلج و فلج زبانه تفريرنق صر
ونفلكه بجا يوالحي به ضبطن هاب نكه ياب عاجزو حاسرور
دكاه صورت برات قضا دكر علما الجحش

والجبه لقايلع العلم والكمال حاويين قولين الفضل والافضل البعير الخبير
العالم الجنيذ الفاضل الفاضل بي الحق والبطش القاضي الماضي
حكمه على العالم والعامل المتفهم بنبأه الملك الاول مولانا
فضائل وفواصله فيبروه وشماير وخضيرة وجب عصر اولوب
هو بار بابه اذ استظها ري وماه اذ قنري تسلكه فوه فضائل
وسبب جميع خاير في نوره وحى وباطل اولوب قضا ياب
اجناس حقوق الناس وه نايب حق اولوغه احو وقاب مقام
رسول خدا اولوغه فتح بالجملة مدينه به وند حاكم وشهره عن ناظم
اولوغه اليق اولوغه الحق ويسطل الباطل ولو كره الجبر من
اشعار علوم شريعات ابرور تابيع احكام الله اذ ابر اولوغه
نظر عدالتهم ولحي به رعاشد على السوء اولوب صفوة حكمه مشيخه
اذا حكمتم بين الناس ان يحكموا بالعدل اليه عمن حقوق عباده
ارباب غنا فوه قورناروي مرارتن رسا و سراروي سوارين رشن

وكرورة وضارة بآه وصفر اليه نظام لصوله رعاياه
 وفصر وعادي وقضاياه واحكم بين الناس الحق ولا تتبع
 الهوى ومن لم يحكم بما انزل الله فادليك هم الظالمون
 وعبد بدنة فسد وعشيرة يلبس حكم بدم ولا يرحم
 ولا تلبسوا الحق بالباطل وتكتموا الحق وانتم تعلمون صفار ورواي
 رولوب خصميت وعور كرس جاسنر مزرع كرس مخفي لبالصاف
 رمقنض في نوراي فاحكم بين الناس بالقسط وبروجب حدين
 عدل في نورين اذا اختصم اثنان فسويهما في اللفظ والخط
 عقد مكرمين وه حدسرين رعين رولوب مقام انضاف وانضاف
 عبادة قرب وضعف وضعف وتريف ببس وتريف ريب وغرب بركا
 وفوش نوانك دوروش براب رولوب وفصر خصمون وظلم
 سارعا وه احد جانيه فبر ومجا باليوب استماع وعادون
 وقطع نزل في سمع فبر سمع رضاي الحق وصوب صولب سرورين
 حضر رسالتي يانهي شنع وسحر اولار ومن يتعد حد ودانه

فأولئك هم الظالمون فحاسبناهم لبدونين ان يكن عينا او فقيرا
 قاله اوليها وكنت سخلات وفصر خصومات ونزوي صفار وضاير غزل
 ونصب وصي ونائب ومصالح انعام وادمل وغايب وبرا مور شرعية دبا انعام الكمال
 على وجه المقدر والاقال متصرف ومباشر اول ونوام تولم دعاه اشتغال كوسنة

وذر لاکوه

انار رسد و صلا در جیبی میستند متظاهر و لغب در خور و خور
چرخ بر بهی که منقش شود از نور

شند لاکوه

کوهی بکنایه عظمه و کامکاری لغز نور فزونی از این و کجایی
غریبانه لطیف و فرقه دولای قیامی با صبیح خورده و کسرتی

بارت لاکوه

سری ساری مصیر لطیف و شادمانی و کجایی بکنایه خورده
و کجایی در خود و از نور خورده کامکاری لایه زین و زین
و صبیحها و لایه فزونی ز این عظمه و کامکاری لایه زین و زین
برخیزد و از نور خورده و در لایه فزونی و زین و زین
اولین صبر خیل نربا و سهیل از نور خورده و زین و زین
در یک سکو و از فاق جهان و نه طاق ز سماء نیلکوه صبیح و صلا در
چرخ بر بهی که منقش شود از نور

علما لاکوه

نقشه فضا در لایه فزونی و کجایی و کجایی
من کل کشتی کف عقد من کل لایه فزونی و کجایی
عوضه بهوضه لایه فزونی و کجایی

شمشاهی که آمد چون لیمان
 فراز عروج چارم نیکه کاوش
 نعل بالایی چو شایبانی
 به عالم خون احسان کشیده
 سخن کوتاه بنود هیچ جای
 در قصه رفیع او در ایام
 کمران سحر در میان جلیل بودی
 چو ذاتش مایه امن و امانت **نثر** دعایت حزن جان انس و جانست
 ناصب لواء الاسلام ماحی ثار الکفر عن صفحات الایام شهراری که
 رایغی قضا و قدر زمام اقتدار ابلق بن کام ایام را بدست قدرت و اختصار
 او داده یکران هست عالی همش کام جز در تحصیل کام مرام عاجزان
 نهاده شهر یاری که ناکبت خوش همتش در میدان جهان بینی و جهان زاری
 جولان نموده
 مطاع اعظم السلاطین کفیل مصالح الاسلام و کفیل الملکین
 حافظ بارود الله عن حکایة الکفار حارس مبانی الاسلام
 عن الضرر والاضرار سلطان ملک قدر و کرد و وفار
 حاکم انصاف سلیمان اقتدار

همه روی زمینش زیر فرمان
 فزون از هر چه گویم غر و جاش
 زحل بر بام قصر شب پایبانی
 از آن هر که بخط خود کشیده
 کس از خون نوالش بی نوابی
 بود سندی میان کفر و اسلام
 جهان را چشم راحت کی غنودی

تعالی الله ای شاه فرخنده رای که رای تو در جهان را به پای
توان شهر یاری که در غزل وجود عدالت نیاید در کرد و وجود
قانع آثار الشریک والطغیان رافع الوتر العدل والاحسان
حارس ناموس الاسلام کاسر ناقوس الکفر و هابط الاضام لازال
موتدا لتایدات الجلبه من عند الله الملك للنان وموفقا
بالتوفقات العلیه من الله المعین المستعان

شهر شاه عادل دل نیک رای	ز سر تا بیا محض لطف خدای
فراز تر چو ظل اللفی	فوز تر نرم شا هوشی
بنیروی دولت قوی پشت او	نکستی سعادت در انکشت او
ندیده بصد دیده دور سپهر	نظیرش در اینده ماه و مهر
بر کاهشی از بنده کان کهن	چه فغفور و فیض چه فاقا فحین
های که بر جت او کرده جای	شده فرع از سایه او های
درم کو خطاش بر اراست مهر	سزد کافتا بی کند بر سپهر
سپهر افرین نامش این کار کرد	که خوشید بر شکل دینار کرد
غلامیست کیوان در ایوان او	عطار د دبیوی ز دیوان او
ز بی شاه مجاهه کردن سر بر	هم اقلیم بخش وهم اقلیم گیر
همه دوز خوشید با تاج زر	به پیش تو بندد چو جوزا کمر
چو برکت کرد جهان روزگار	ز شش پادشه ماندش یادگار
کلاه از کیمر شان تحت کیمر	ز چشمد شمع از فیرون سر بر

ز کجسروان جام کبیتی نمای
 که احکام انجم درو یافت جای
 فروز زنه اسنه و کوهری
 نمودار اسنه با سگندری
 ششم از سلیمان جهان نمائی
 که بودش بزرگین عالمی
 بدین گونه شش چیز در ظرف است
 کواه بخن نام شش حرف است
 خسروی که دیباجه دیوان زمان دهی
 و جهاندارای و بطغرای غرای
 اتیناه حکما و علما محلی و مزی است
 و طراز خلعت سلطنت و کامکار
 بشریف شریف و اتیناه **ملک اعظم**
 مشرف و موشح سلطان للولک
 و ملک الدلایین خاقان اعظم الخاقانی
 الموبد البغایان الابریه
 المشرف بالشریفان السعیدی

شه حضرت رای و کدر ضحیر
 فریدون ششم خسرو جم سریر
 نه خسرو که سلطان خسرو
 نه سلطان که شاه سلیمان
 فلک اقتداری که روی زین
 بود چو دیباجه اندر رنگینی
 چو خسرو و کین بنده بر درش
 چو خاقان و فقیر صیدا کرش
 کین هند و یقینیت راضی بران
 که خاقان جنیش بود با سبان
 ز بخش فلک سر بلندی گرفت
 ز بخش زین از جندی گرفت
 سعادتا ازودیده اقبال و نخت
 ساهی با قباله او نای و نخت
 بچود و جواهر دی و مردی
 زما در نژاده جواد و ادبی
 فریدون کراید بسند کشت
 بزمکان بروید حیرم رشت
 شه صبح سخن مه نجم خیل
 طلب کرده یمن از پیش سبیل

ز کرم سپاهش تو کوی که خاک
جنان را به شاهی از وی بلند
سربار کاوش فرا رسد
در ایوان اقبال فرخنده شاه
جه فرخنده شاهی ها و نرکاب
اگر فیض عاشق نماند
و کر لعه نور خواهد کسی
نباشد ز خورشید تابنده دور **نور** که بر خاکان افکند فیض نور

پیام از سمن برده سوی سماء
که چرخش در آورده سرد کند
زده بایه تخت برفی مهر
بر اوج سعادت درخشنده ماه
چه ماهی درخشنده تر افتاب
همان به که رو سوی دریا کند
عجب بود از فیض عاشق بسی
مهمند ساید السلطنة الکبری مشید مباحی الدولة العظمی

المختص بالوهاب العلیه من عند الله الوهاب الشرف بکرامه نعم العبد
انه اواب رفیع مرتبتی که ستره قصر رفیعش تا فی ذلک الافلاک است
و عبته قدر منیعش محاذی اوج سماء عالی منزلی که باز بلند
بر اوج همت و الانمشی را با عقاب جریج دعوی هم سر نیست
و با شهرهای شهر و طایر رزین جناح مهر هوای بر آری
سکندر رفعتی که آینه ضمیر منیر مهر تویش در اصابت رای
عالم ادای اینی سکندری را بتجدید میان عالم و عالمیان
تا نه ساخت سلمان حشمتی که تا زکی آثار قدرت و شوکت
بی اندازه اش عهد حشمت حافظی و صیبه صولت سلیمانی را

بعدل و سیاست باحسان و قواد
 خوب و عجب کسی زو نیاید کوتند
 سعادت قرین شاه صاحب قرات
 توبی ای شهنشاه کشور گشای
 لشکری و شهری از و بر مراد دیکر
 سنجرا کو خورد بنوب غرور
 نوبت نیست اینکه بیانک بلند
 کی سخن از عدل افتد در میان
 عدل بود باعث ذکر جمیل
 کو مثل آن شه عادل نهاد
 چون حضر از عمر اید مهر و ور
 باز همان شیوه رعایت کند
 عاقبت از دعوی خود شسار
 شکری که ان شاه عدالت کرای
 قاعده عدل بجای رساند
 کار تو حوائی خلاف هوا
 یار بازین شیوه که دارد شعار
 شاه ملک قدرن فلک اقتدار
 در ره او مهر کجائی فقیر
 شاه ملک بنده دربان او
 فزون از کیومرث و از کیکاو
 کزندش نباید زخرج بلند
 جهان پر فیض کنان تا کوان
 که از داد و عدل افروزی خدای
 لشکری از دولت و شهری زاد
 نوبت او بانک دهل بد ز دور
 غلغله در کیند کودون فکند
 تا نرسد قصه بنوش و ان
 عدل جمیل است و ثوابش جزیل
 زنده شود از اثر عدل و داد
 دامن دولت بگشاید در
 سحر را این عدالت کند
 بنده کی شاه کند اختیار
 واسطه رحمت خلق خدای
 کز صفتش عقل و خرد باز ماند
 کام تو تحصیل رضای خدا
 حس و هم قدرن فلک اقتدار
 خس و مجاه زبون شعاع
 بر در او بر غلغله منیر
 مشعل شمع شبستان او

فتح و طغر تاج فرمان اوست
شاه قوی طالع فیروز جنگ
ای کز فتنه ز ببع مسکون باج
حسرو تاج بجخت تخت نشان
هر چه از بنده را بران دستیت
همه عالم مطیع فرمانش
چرخ باشد مطیعش از تدبیر
بر سرت حیرت سلطنت جاوید
ای فلک خشن سنا سیه
کی سکندر برابرش باشد
هر کرا هوش باشد و فرهنگ
کیست هوشنک غاوی بدرفت
بنده کانت همه فیروز قهر
تو اباعنجد از ملوک جهان
از کیومرث ماند شاهی کمر
لیک کاری نکرد او بجحان
در زمان تو کشته روی زنی

دولت و اقبال نگهان اوست
کلی این روضه فیروز زینت
همه عالم بر رکعت محتاج
بر سر تاج و تخت کج نشان
بیش قدر بلند است
چرخ در زیر بار خاست
تاج امر او صغیر و کبیر
قطعه ابریت بر سر خورشید
ای جهان داور سلمان جاه
کیست حاکمان که چاکرت باشد
کی کند نسبت تو با هوشنک
کیست جمشید بنده و کوف
چو کاوه هزارت آهنگر
پادشاهی و پادشاه نشان
عدل و انصاف و داد و فرست و قهر
غیر اصطخر فارس با داف
همه آباد همچو خلد برین

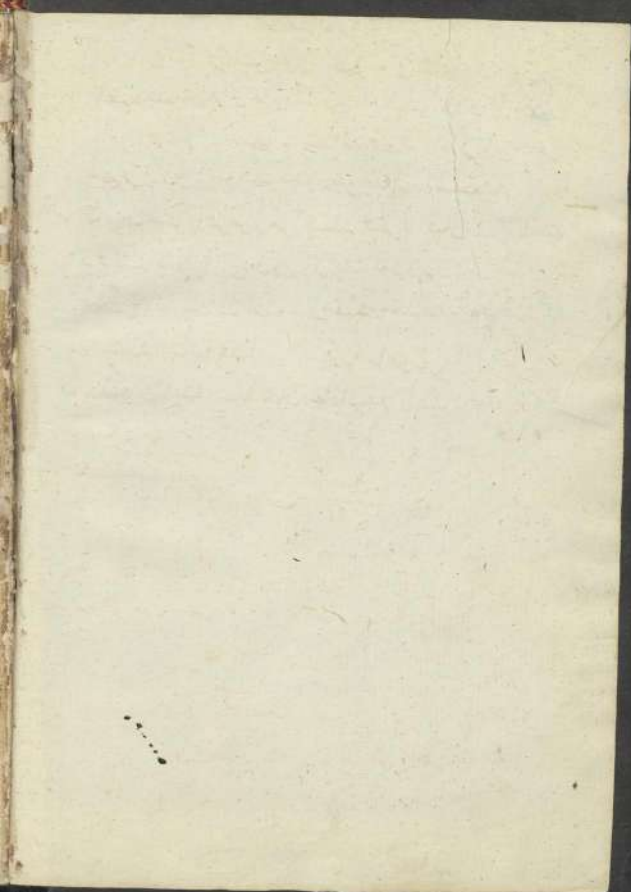
بلند ادازه کرد آیند

سلیمان سر بری در ابوان بزم
 عدالت شکاری که در عدل و داد
 همایی که از هفتش دیده فر
 ز هفت چنان ساخته نزد بان
 اگر زده را بخشد از مهر تاب
 چو افکند عدلش صدادر جهان
 بدورش چنان شد که بر جای خار
 چو دریای جودش در ایند موج
 بود بحر عمان بان آب و تاب
 اساس کرم کرم چنان کرده نجیب
 سکندر شکوهی که در حمله ساز
 زهی عالمی شاد از احسان تو
 چنان عالم ارای کشی ز داد
 فلک را بکف کشی از هلاول
 تو پاینده قدر پائنده باد
 چنین تو تو ملک جهان خرم است
 کدر شکوهی بهنگام رزم
 زند طعنه بر سر و و کعبه داد
 کشد بسنه آسمان ز بر تو
 که بر رفته قدوش هفت آسمان
 دهد پایه بالا تر از افتاب
 فراموش شد عدل نو شوی آن
 مغناون کل سوری ارد بیار
 رسد کوه موج او تا باوج
 ز دریای جود کفش یک حباب
 که خاتم بساط سخا کرده طیب
 شکوه سکندر با و کشت باز
 جهان سر برش ز فرمان تو
 که شد ملک را عدل شاهان زیاد
 کدایی کند از تو دریا مثال
 سپهر برینت مکن بنده باد
 اگر سال عمرت بود صد گشت

بر افتاب مگردد که لمعات شواق عنایات بی غایتند عرصه عالم منور
و نفحات نسیم مرهم عاطفند دماغ جهانان معطر اولشدر
بر سجایر محمد که رختان معدلتند ایام انام ناز و نر و فطرات
نظام انعام عامندن ربا ضامید خاص و عام سیر و محض

پادشاه سیر بر جاه و جلوه	نیر اوج دولت و اقبال
نخل چترش بنام اهل جهان	صیت عدلی نوید امن و امان
باد خلقش کو وزد چون نسیم	روح بباد از عظام ربیم
بی بدل در بکارم اخلاق	مهر اساسر آمد افاق
لطفش از ذره را خطاب کند	در زمان کار افتاب کند
ای تو اسند سلیمانی	کرده لطف خدای از زانی
از تو این عدل نام گرفت	کار دهر از تو انتظام گرفت
که در این عدل و شیوه داد	کس ز نو شیروان نیارد یاد
چرخ عالی مقام خالک رخت	اسمان استان بار کشت
قص قدرت فراز چرخ برین	در هوایت های سده نشین
کوهر عقل مملکت را تاج	همه عالم بدر کشت محتاج
ای بلند اخترها یون فال	وی جهان دار و هم همه حصا
جلسه عالیت فلک تزیین	محفل سامیت بهشت برین

پادشاه و وزیرای کاشن روی . شکر خوای شکر خوی . انوشنوش .
 ناهید عشرت . پلاش پاش مشتری موهبت . کاوس کاس خوشید
 جام . اردشیر ششیر بهرام انتقام . تمعاج تاج قمر نیکین . مهرب
 مهر مرغ کین . منوچهر چهر زهر جبین . اسفندیار دیار
 ثوابت حشر . فرامرز مرز سیار سفر . اقبال اقبال ناهید
 دولت . دارا یارای . قدر قدرت . نودر در فلجنا ب
 کیخسرو و شهاب شتاب . مقتدر مقدار . ربیع اقتدار
 رشید رشد . عطارد اختیار . مأمون امان . شمال یمین
 مکتفی کفایت . قضا کمین . خاقان عدل اعتیاد . سلطان مراد



دعای مزید اقبال خانی واستدعای استمرار جلال و کامرانی ادایی
 ایله مراسم اخلاص جانی و اختصار و خجانی ایفا قلوب انماء مخلص
 خیر اندیش صداقت گش بودر که

دکتر

صاحب قلب سلیم مالک صراط مستقیم معزز لطف عظیم سلطان خضر لیک جناب ملک
 مظفر دینه سخن بنده قدیم بودر که

ص

ذمام مصالح اکابر و ایمان زمان و نظام مناجح اماجد دوران بن رای رؤین
 منوط و حصول مقاصد و مطالب عین غایت و هیلو هیلو مربوط اولوق دعای
 بالحق و الیکار نکیر و اکثار قلند قد نصکر

وزرای صاحب جهاد

ص

بجه دعا و عیت ای سایه الطاف خدای یارب این سایه بی بر سر اسلام بیای
 مایه غن و جلال و پیاپی دولت و اقبال مهر بر سعادت بدر سعای عظمت
 صاحب غن و تمکین ناصیر ایات مجاهدین شیدا ساس نیاد دین قاهر جنود
 معاندین سلطان خضر لیک انامل دریا نوال شفاء اعظام و اجلال ایله فصل
 و دعوات عزت و اقبال الله ضرعت و استمال ایله تلووت و ترنیل اولند قد نصکر
 عرض حقین بخندار ذره وار اولدر که

دکتر

عزیز (مؤید)

فی الحقیقه صدر مجالس دینی وجود شریف ایله ترنیل اولمان مخدوم کزن
 و فاضل صاحب تمکین خضر لیک همت مجتهد اقبال الدین سخات الطاف ملک تعال
 ایله خندان و کشاده و هوارد کلین اجلا لدی کمال طراوت ایله خنط و امان
 خداده اولوب کلزار معارف رسحات قلندرین تروی تازه و کونش
 صدای عدالت دین پر وازه اولوق ادعیه بی تقدیر نصکر اول مبط
 انوار فضل و کمال و خورشید علی و افضل اولان سانه زشت طالع و اسانه کورون
 منوال صوبه عنین مرام یال بو و جلاله اعلام اولور که

دینار
دینار
صغای طبع بالی اینده عالمای نجل و ضیای زعفران را کی خورشید
جهان ادای منفعل قلون عرلو سلطان حضرت نیک هینه بنان قلدری عقد
ای مسائل دین و هوار سواد در قلدری منبع مال حیوة یقین اولوب
ساخته عرود و قلدری بوسه کاه فضل و عرفان و سایه جود و رافتدری
ملجا پر مرده کان بادی حرمان اولوق ادعیه سی تفرعید نصیگره
غواص خیال صاحب فطنت قلزم اخلاص و محبند و اصل ولد و غی لای تو
واکرام و جوهری عقل تیز فکرت کان اختصاص و ارادت دست رس
بولد و غی جواهر تعظیم و احترام تشار نادای نثر با استظام و اپتار مجلس
سای فلک اختتام قلوب عرض و اعلام اولنورکه

حقا که اول فاضل بیکانه و کامل بی بهانه نک فضایل جللیه و مکارم علییه
عد و احصا و کتب و املا ده محاسب خیال حیران و وهنک و خامه بلاغت مال
نالان و کویان چاکدر لاجرم وادی اطباب و اکثاردین کذار و عرض استیافت
بوبرایکی بیت ایله تخفیف تصدیع اختیار اولندی **شعر** الشوق اعظم حمله یاسیدی
مزان پچله یسیره بکتاب و کواج البرحاء اعظم کسرت مزان محیط بهابلیغ خطاب

دیگر

هر چند طایر خیال و مرغ و هم تیزبال سقف رفیع آسمانی آشیان و فضای وسیع امکان
و فوق بال و مقتضای امایی اوزره جولان ایتک داخل مجال دایره احتمال در فاما اول
کامل ملک خصا لک طاق فضل و کماله ارتقا و اول فاضل عیدم المثلک و سعت چمنزار
جود و افضل الخ احاطه و استیفا زهی تصور باطل زهی خیال محال بنا علی هدی برید خامه
اول وادیلر ده نک و پودن استعفا و حمامه نامه بطوق تطویل و اطنابدن ایا قلوب
عرض عبودیت و عاده بوییت بلاغت غایله اکتفا اولندی

۵۲
اعلیٰ خباب سلطنت شعار نصفت دنار احوت ماب خلافت قباب علی شاه
معانی نشان نمال برون در وضع خلافت غرض تجر معدلت و رافت شمس شهر
کامکاری شمشه نسخه شهرداری در دوح شاهی در پی برج پادشاهی
مطلع انوار است و فیروز می منع انواع مکرمات و پیروزی الفایز
بعواطف الملک الصد نظام العدالة والذین سلطان احمد دفع الله
الویه جلالة و ابینیه اقباله شاه عباس نامه

مرسهر سلطنت و شهر باری در بحر معدلت و کامکاری مالک مالک جمعا
بنایی سالک سالک فرمان رانی خاقان جمشید سپاه سلیمان خورشید
کلاه رافع دایات مروی جامع ایات مهتری فارس مضمار موالا
حار و حصار مصافات مجده لباس الف واستیناس حضرت شاه عباس
و فوق المافی خالق الجن والناس مجلس نریغ خلداس و محفل لطیف است فاس
نوبه جواهر زوهر تجبات صافیات شمشه الشعاع که شایسته خورشید
خورشید و لالی غولی تبلعات و ایفات قرینه الاتعاع که بایسته صدور
دایب قصور غلبین اولاد دست قبول بردانی ابله فرشتی و ساحه
اجابت سیما نره پاستیده فلند قد بضا که

نهار پادشاهی شمس الله خان
قلیل یا شاطر قدق مدحی اندی انشا الله
مادامکه شهر بار معدلت انار بهار غنچه نوسکفته کلزار ایله پیرایه بخش ملک
جن و خد کلکون ازهار ایله رونق افروز بخش کلشن اولوب خسرو خاود
کردون نکاور اسپر رهوار جمله سوار اولوب خند شتای بغا و نادج ایچ
ترکناز و یکان اشعه نابدار ایله عسکر سر مای سهام حمام آماج اشکه
انغاز ایلیم اول خان زی شان سعادت نشان خد بو فیروز بخت خراوند

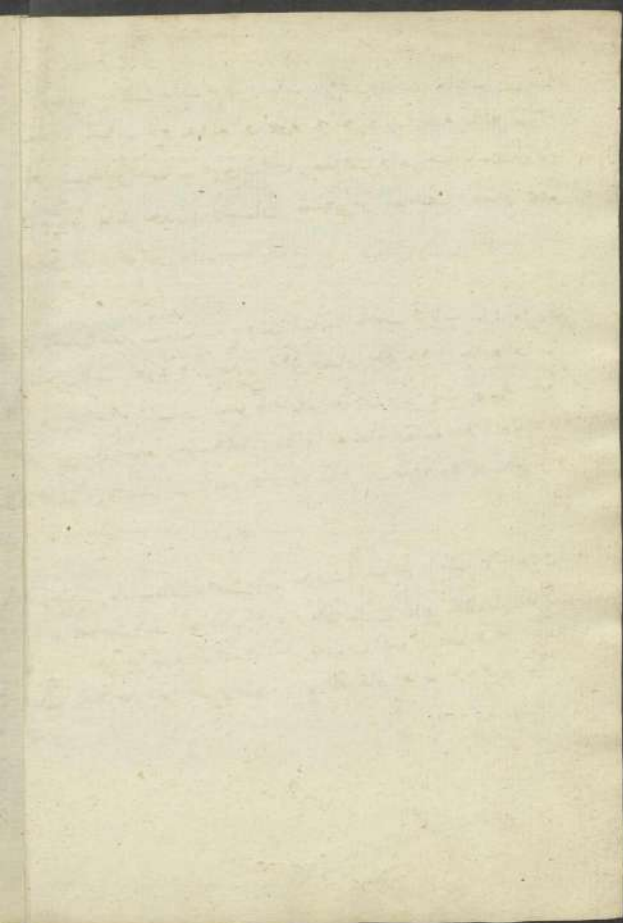
آسمان تخت دارای فرخ نهاد داور عالی نژاد **ب** کماکاری
که در موایک او صد جو نوشین روان روان باشد انکه بر تخت هروی
حکمر کار فرمای انس و جان باشد جمشید بزم ناهید بزم داور
خورشید فر جهاندار بلند اختر **ب** شه عادل خدیو عالم ادا
خداوند سمرقند و بخارا المحفوظ بصفوف عواطف الملك المنان عبد الله
بهادرخان لازالت آیات احسانه مکتوبه علی صفحات الزمان حضرت نیک
دایما افسر تادک جاه و جلالتی تاج خسرو طارم چادمه برابر و تبر مرغوش
عز و اقبالی های مایون چرخه سایه کسرت و لوب نسیم عدل و رافتی
ایله مشام عالمیان خوشبو و اوازه انعام مکرمتی ایله گوش هوش جهانیان
مملو اوله تادر طبایع انس و یادت مختلف تادر مزاج باد بهار است اعتدال
باد احد و دملک توأمین ز اختلاف باد امزاج امر تو خالی ز اختلال غیب
ذا **دکتر**

حالی با سلطان مطهر کماکار خاقان مؤید ظفر شعار پادشاه کردون شکوه
شهنشاه انج کروه تاج فرق خسروی سرمایه فرو شکوه خانم دست سعادت
سایه پروردگار نتیجه مقدمه شهر یاری خلاصه مقاله بختباری
معدل بهار عدالت مکتب بهار جلالت مجرا احسان و مروت معدن صدق و صفا
جوهر عدل و سماحت عنصر لطف و کرم مصدر آثار جلالت فطر انوار سعادت
ناصیب ریایات اسلام راقم ارقام العدل علی صفحات الایام سلطان البین
و البحرین خاقان المشرقین و المغربین خادم الحرمین الشریفین سخی رسول
التعالین سلطان مراد خان لازالت غنینه العلیه محط الرجال رجال العیب
وسده السبته عالیته عن شواهد النقص و العیب حضرت نیک

والاخبار سلطت مآب غرت نصاب رفعت مناب سعادت الكتاب
سيادت انتساب ذوالدولة الراشخه والعزة البازخه جامع احسن
الغريب حايز قصبات السبق في مضمار المناقب والمراتب باسط الامن
والامان ناسر العدل والاحسان المستغني عن التوصيف والبيان المحفوف
بصوف لطايف عواطف الملك المستان **القاب عبيد خان از جانب قبا سلا**

والاخبار سعادت نصاب دولت انتساب ناصب رايات الدولة والاخال
صاحب ايات العزة والاجلال ملكي الخصال ملكي الجلال جامع احسن
الغريب حايز قصبات السبق في مضمار المناقب والمراتب المحفوف بصوف
عواطف الملك المستان عبيد خان ادام الله تعالى معاليه سلام موفور وبام
نامحصوره محض غمايت فايض النور باد شاي دن صدور وظهور ابد راسخ
وانهاد بصكره **القاب حاكم بصره امير راشد**

والاخبار امدت مآب رفعت مناب مكرمت انتساب ناصب رايات الدولة
الزاهر صاحب ايات السعادت الباهر ملكي الزات ملكي الصفات الفايز
بالقدح المعلي من قلاح الرفعة والعلي المحفوف بصوف لطايف عواطف
الملك الاحد حاكم بصره امير راشد ادام الله تعالى معاليه سلام موفور



وزیر اعظم طرفین بحکم شاہی فتح و صلاح خصوصاً
یاز لای نام جو ایڈر مراد پات طرفین یاز لای

خادم اولان محمد انشا سید
محمد انشا سید

سایم صدق و صفای و زان اولد قیچ کلین کستان مهر و وفا غنچه ریخته
و بوستان الفده اچیلان تازه کلارک زینج بهاسی صد خندان اولوب نیمی
و شحات شایر مشام دوستانی قوطیلریده و دریاچ ارساچ که سپور ایلد کوعا
ارواحد مسرت و افراح کلزاری نمونه باغ جهان و کشاینده ازما بر سره دار فرخ
اولوب فوانج زکریه و رواج مکیه سی دماغ عالمیا فی تحفه ایزه سلسه جهان
ایستلاف و برک ریزان خزان اختلاف اولوب اراقل سالیق وزیر و نور ارمه
عالمی تزیین و نگه دهنه آشتی ایزه جانیا فی سله احد قرین اندکجه حیوای السعاده
صفای دروند خندان اولان رعنا کلار و صبا بی سرت فرای ایزه جی جند
چمان اولان زینک بلبلر تحفه شاهین و هدیه سینه عزت پناهی قلنوب اولک کاهان
و غور از خسروان ایزه نوران فرمان ان کشور خراسان حارس قلمرو کلان
نتیج شاهان کزیده ناهید اران و چشم شاه حجه با انتباه ارشد الحق
جناب بیگانه کشف از و قعد مان محمد شتاباز و ضمیر عزت حمیده اولان
ایز اولنوب غرایس عاکویدین رفیع نبات و محکمیان سخا خیر جویدین
احجاب قیلنوب انما اولنور که بوخیر اندیش صد اقد کیشلر که فی حق جمیع
و تدبیر شفا ایچون حرکت مفر البرکی آیامنده و ساق لسان و
عینتی شکامنده فخر المعقدین شمس الدین غای رومای مساحطه ایل عاذه صلاح
واطفانایر جند کفاح بابنده متغی از روی نور و فلاح اولان ایل
کرامی خلیفه کلام پناه پاوشه و کلر کاهه ملایک پناه ایچم کوه سلیمان کوه
کرد ملی بطت کیوان خفت برجی سعادت بهرام حصولت خورشید طلعت
عطار و قحطت قمر صحت ثریا منزلت بهر درباری ملک پاوشای
عزیز از تخت عین پناهی شهریار کشور جهان پناهی خداوند کار ملک مسلمان
فرارنده رایت تاج و تخت فروزنده افرجه و تخت کاسر الاکاسر قاهر القبا
خادم الحرمین ترفین حافظه المسجونین و المغربین پاوشه عیال شاه نشان

و شهنشاه فرمایند خسر و ان زمان مؤتمر زمان اقله ایام را بعد از آن
 خلیفه رحمان و ظفر نژادان سعادتمند و جلالت و جاه بگو و صلوات بر او
 اعز از تو جمع انصاره و ضاعف از قدره حضرت یکصد مدار یکصد شاهی اولان درگاه
 سامیله ری بیکانه واصل و خدمتند اطلاع همایون عالم شوالتر جماعی و لوب
 جواب صوابی بود خیر خواه درگاه سعادت مستحکم و معدلت پناهدی و لوب پروردگار
 نعمت داری و برآورده عنایت همایون اولان بنده درین حال سورت شعله جو اگر توفیق
 استخبار اید حرف من و چود دشمن سوزان و ما هیچ توغ پر فروغ نصرت ظفر و فرزندان
 او لوب بخورده ای ملک محروسه در کیناسته جو در شتاب منکوسه و زو او لوب ری شرفا
 افسر لوبی که چاه کنوسه ری بیکانه و لوب لعلسانان شاک ایل و لوب و درگاه
 ظلام ظلمتند و ملک طاعتند یار او لوب راه هلاکت و لوب در ستم استا عتد
 بی یار او لوب از ترک بی ادراک اکثر طغیان شتابان و مقدماتی لوب ری زرخا لوب
 بقیده السیوفی خوفه بی وخی و مرزبان و شیران عرصه و غا او کنج کران لوب ری زرخا
 او لوب بخوان درگاه و از قیلبوب تماکان یا مسکویشا شجف بالظفر لوب
 وجود خباثت اود و شقایق و خرمات از عه غایتند منتهی اولد قتل صکره
 فرمایند خیرایان سلطانی او زده ارزن اقوم و وانی خشتا و بیست زار بایه و غا
 ایدوب اولان بها مهینت اثارده و لا تنقصوا الایمان بعد توکید ما کرید چیلند
 منتهی اولان انقض عهد و پیمان و قطع سلسله ایمان ایل غضب لسان تبریز و زو
 و روان کنجه و بخوان لوب تحلیص نامورایکن محمل سلسله صلح و قانع
 باب نوز و فلاح اولان تا محال صحت کجابه جواب صواب تحریری درگاه بیکانه
 سلطان عالیجناب ملک قبا به یوز سوز منبری اقتضای تکلیف بابا کا محمد ریحانه
 یوز سوز ملک و اصلاح باینی مصلحتی کورک در رعایت عرض سلطنت
 و حمایت موسی دولت ایل که مات طرفین یوز ملک و میان عامیانه بی تعزیت
 کلشیه ارادین کتور ملک امر مهم او لوب بر حده و قار ایل ما مورایکن ناچار در
 دولت به اریوز سوز یلوب و لاند شاهی و سایر خامه کرامی منظور نظر مخلص
 صافی ضمیر و منقو و طبع ناقل ضمیر اولد قد به بیکانه سر بر عالم مصیرده

تقریر در مزار اولان بعضی مقدمات مصلحت افزای تقریر و احیای جبهه (مکه منوره)
عزمند و مقبوله قیونوب هم ستور غازیان لستان و لشت فیله شانه دار اولان
دار و دیار ملک و عقد صلح و صلاح اولان قدح جوهر حکومت و ضبط مملکت این
قائم است و تقریر قلنان مدن و امصار که بجز رافضی و خیر او کما و یکی از اخص خطبه
ممالک محروسه قلناییه مقتضای ضای بارش است و مستغنی خواهی باشد اولان معلوم
و مجاری اطوار بهجت یا نارند و یکی بر وجه رضای همایون و مدعی و معلوم این
و غیر یک مطلق تنقیص اولان حد شد تری منظور و احتمال مصلحت دایره امکان
دو تا یک طرفه بر طرف اولان جوعی بقیه فراموشکاری و عروسی ممالک اولان
که محسوس عجمی در ایامال اسکر طرفی و مغلله تار و مار لنی ملا حظ اولان و ناسخ
غضب کر اطفایه و صلح و صلاح قدیمی ابتایه سوس یوغایه اولان و خیر خواه دولت و
انکار و جمع جلیه بری اولان بنده لرینه عرض مملکت در مزار اولان و جوار
عده رضا و منشور الماری طنز و غری لطیف الیه ضایع بیورمه لرینه اسکانه نمایان
اولی بجای اولان و کن معلوم خرد خرد داسا بی و عرسوم طبع ایستوم
دولت پناهی در کوه مود امر عظیم محمد داسا و نیمی قلم ایله قرین شمس اولان و
خامه ایله بوکونه شکامه و انجام بولماز بر و طایفه لایق و ادای حرام است لایق
بنده کوزایله محمد و ارجا نامیر کوه ملک و بیگانه که که دو عکله دشمنان غلبه و
کوه ملک لازم که مراد و مصلحت کوه ریل و فتنه و فضا و طوماری و ریل نامه لطافت
عنوانکر و ملا طیز و لشتان عثمان برز و مقدم باشد مان جوهره ملا میان و
عالمیایه ظاهر در دو حقه اعتراف و ترک طریقه اعتساف اولمشد بی کوه ملک
و بو مقدمه که صلح و طایفه بیضه است و کمر و جبهه و طلب و توجه خاطر عاقل
بر وجهی اظهار رغبت و تقاضا این براسم جهاد در جبهه واجبه و فریضه غزوات
معنا و اولان غزوات اسلام لقا و مواد تواد کمال و داد ایله تالیف فواد و غزوات
است که مقتضای این ملک لایعیه دلی و ملق ادعایه در طرف خلافت اولی جهان
رضای ایله ایستد شهر و شاهی و انشا الله الملك المتعال برال فرخنده فالک و
انبوه کوه شکوه ایله اول طرفه تو جه مقرر در و حمایت ناموسی سلطان و وزیر حرکت

مختار و امارت به باذن خالق القوی ذو العز و استخلاف محاکم مخصوصه
 و مجد دانند و دست قدر در خطا بهین و نصب کینه دوقه قاهره اولان فاعده
 حاندان دولت بهین و سلاطین خاندان عزت زاهر خادمان نشان جناب باریت
 ثاب و شهادت نصاب و جلالت کتب شجاعان است کتب کتب کتب کتب کتب
 دام فی رضای الرحمن و رضای خیر السطان و رضی عنک آثار صبار فاعده اید و
 او زینب ایلخان و اول یار سکا فی اولان عجز کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 و اخراج ملک تا دایمک او زینب و اید عانی کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 و در بیت کتب و کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 بایده دایمک و کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 و مفهوم ضمیر برنا و پیر در دست نشان عثمانیان کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 لغنه باعث و ملحق ملک کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 عزیت و سفر عظیم بیت اید و بوال مینت ایل کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 مال اند بر کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 عکس کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 صحت و رفو مجادله به عزیت و در پیمان عانی کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 دست کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 عجم و بسط بساط اتلاف و طریطو مار اختلاف قلعه کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 فرد و کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 صلح کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 نوازه نامت جناب الانه و شرمی مبانی کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 و رعای جمعوت مصافاته راضی اولان کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 و مفهوم و در و زیند کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب
 المومن حجر واحد رتق معناسی توبه کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب کتب

[illegible]

خواجه رشید امیر ارشد
اولاد و غنی اطفال و غنی
حال و متوال و زرا و مکن

انعتاد صلح در مسکن اول طرفه مراجعت یارب و داوود و اسحاق
 حمایت و صیانت صلح و صلاح و علمند و انعتاد و صلح و صلح و صلح
 مابین در که هنوز دفع صدور و قطع حد و داوود و اسحاق
 نایب یک و حکم و نوابند و خودی اجتناب از زره اولوب استان دولت
 نشان صوبه و عوین و شتاب یارب و رسول و اسحاق و اسحاق در
 سلطان مراد و و پیشکش ایلیو و حاجی و منقزل ایلیک و نایب
 پیمان قبول اخذ سی قریب حصول و ایلیو و بالکله تحسینی و منقزل
 کوریلو و نایب خطیب ایلیو در حکومت و منقزل صلاح طریق و نایب
 نامه اصلاح کوریلو و نایب قصد ایلیو مابین دارا و نایب و نایب
 احمد ادا و نایب لری ایلیو و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 احسن و نایب تصور و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 تعویذ و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 اولور و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 بر خطومه و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 حروج ده اولفله دفع خری لازم و کل ایلیو و نایب و نایب و نایب
 و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 امیر و اما نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 الضیف و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 پیمان و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 عدم و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 متوجه و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 پیشکش کرده و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب
 شفا و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب و نایب

اولما بطور فضیلت بیان **نیم کن** اولما زال عثمان **نور خرب**
 قطعۀ نهان و نه تجلی فی طیف غیب و اساسا شے استحقاق مندریکه تقدیر
 و اسلام و مفتوح حکما کرام علیهم رضوان الله الملک العالم **اولان** تمام
 مبارکه خوار بر بابائیکه و تحف ایدر که منعم طبع لطیف و حکمی
 و اندر محصور شکند اولان بر قایم بی زور و زور قدر و مقدار بی اولاد بی
 بلکه مقتضای کمالی و در وسط بازرگده اولان قطع خرمی مور و بابا و خدی
 اولاد عبا و غایت عینا و معنا و پاشا هر بهر العلی ایزد شاد و الملک ایدی
 در و نر نه اولان غایت و طینت بیذ که غیثات و طبعیست نه خجاست
 اولان بر قایم خجارد زوار و تجار دفعه باری و خلافت ضایع بی اولان
 اعمار دفعه باری مدار متوضوع و عود و کفادشان و شایان شرم ندر عید کبی
 بر قایم خط عطر نیک خلافت و اوضاعی و ساعی الفاد اولان طبع
 او اوج حکما مدد متناعی و سید منا فرست طینی و اضا عتباع و کوی
 اولنق محض صفا چو لند و همد و اولان می اید کفر خداد و ایتاد و کفر
 تا یسر افاد و وجود بی سودوری و ماد و خاک برین بر بار اید متروک و کفر
 بی یوب و صدق نیک که فرمان جها خط عا صدار اولد و ن کشید و بی حیات
 نایوب و لغو مهربی و لم اری و لوب عقیف و بی غی و غایر ایه اولد
 چراغان اید ای سادات و مالک مح و سر بر خیار اید مکر نه مود و کوی بی ساریه
 و کج اخلا و جزایر بی ایدر و بی ساریه و ایدل ایدل اول مقول بقیاس
 و بی تفکر و حق و حق و عوق و ایدر و اندر و اوضاع عجیبه و اضمال فضیحه بی یاد
 اولغوری و اولد جمله بی جان بی بهانه بی بنو می و غما سحره حیال اولد
 و عدم تعب و میکه ظهور بولم ظاهر اختیار و حیسان و اثار و کما غنیا
 و اشاعه رسوم بی و عروان ایدل لومی و بقدره اندر و کما بولر ایدن
 بی طینی سلطان غزا اعتیاد و دن کشید و کما کلام خوش و کما بقدره شافه
 رفی افاد و لیان معانی و سیدر انهدام بیانه صلح قلنا حق و دای و بود
 و بیای عود و بی مقتدر و اولور و انظار خلوص و اهدا و اثار خصوصه

متعلق رسول سالک نه سائل کے اقرب کلمہ کہ انکے ویاہر و غیر
 طویق ایچون ملکوں چاہو کہچے بلکہ انکے کا فرستائی تحریر کیا ایچون
 واروب عرض گفت ہدایا و پور و دست علیہ خیر خواہند متعلق طریق
 رجای سالک آدو شو اول بایدہ دامن سلطان کفر الفوائد قول و عرض ایچ
 خراج منہو الا بتناجی متعلق انکے قرائد و کفر نامہ لریہ اعلام اولوب
 اعلام نظر اعلام انکے قرائد و کفر نامہ لریہ اعلام اولوب
 اولد و غی معلوم و تجارتی اطوار زردنی منہو اولمشکن و اقا
 مریم جہا دریندہ اولان فقرات مجاہد بنہ قصد نکایت قیلند و غی شیع
 بولمشکن بنہ بومعول خامکار لغہ زرتجہ اعتبار اولدیندہ صلح و صلح
 معایر و ضوع رضا و تقض عہدی ارتضا احتمالہ ایچ بولمشکن
 شرعاً و عقلی جواب متوجہ و مل کفر ایلاف غیر متعلق اولوب بلکہ
 مستحق و وجہ و اگر کورن اقصای محاکم متعلق کستانہ اولدو ندر و
 انکھار و دادر و کھار حال انکھار ایچندہ دنیا و الاخرت فضیلت
 ظاہر و دلی ایچی مرحوم سلطان کیمیا خان جنت متروم انکھار
 ایچندہ و طرندہ جند بزرگوار کوز دفع خاطر ایچون ایچ ایملہ کفر و
 ادبیت و دینہما انکھار جند راید رایتی سز طریق خلافت و کفر و
 بلوک ایچ دعوی خلافت و کفر و جی اختصار و محکوم ایچندہ کفر و
 وفاق تویر طریق و شفاعت و سلوک ایچندہ کفر و کفر و کفر و
 معلوم اولوب کفر و بونردی غماض و مقام دوستی و انتہا غی و کفر
 انتہا ز فحش و لہما غلہ و بوجہ غلہ غلہ غلہ ایچی و اعتدال کفر
 و فحش و کفر و غصبت کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 عیب اولان جہاد مریم تطبیق کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 عقیم اید و معلوم انکے کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر و کفر
 عدواندن عدواندن بولمال و بولمال و بولمال و بولمال و بولمال و بولمال

بمعنايه الله تعالى اين جهاد كما بينغي ويرايد وقوع تمام اوزره اتمام
وفيق و ظفر بر سر انجام بولوب قبل انقاع الصلح زير حكومت سبطانيه
اولان قلاعه و بلاد و دن زياره بخر قلاعه و بلاد كيقه انقاع ايله تمام
تماما مح و سنايه طلي و اكثره و قنبره كني ايكه عظيم مملكت محمد را
داخل خبطه حاكم مح و سنايه و افلا اسلام ايلد ايله اولوب انقاع شاف
ايله كوي كند و ر غمر نافع و بو طرفه موصل منافع اولدي بالاخره
سلطان اسلاميه دن كبر و شين بايولوب بخت غرور و محسن بخت كردن
اخراج و التزم باج و خراج ايلوب بغداد اخلاق و امارت و معمار
باسر هم عود و سنايه تاج ايلد ايله و هر سكي المجلدي و خراج ايله و عرض
پيچكاه بر سر سلطان و دار و دار ايله كني قلم و ايمان و لغوي و جانيه
خاطر هم و اشقياي شر اكر شراره خادي دغي دفع اولوب عكر
غنه سرف ايله برق خاطر كني اول طرفه دغي مابان اولمعه با زانقه
تكا عطف عنان اولمعه قائل الدن بولوكم الكفار اوز ايله ايتار
تقدي لازم اولان كار ايله ايتار اولوب كحل بايه لسخا ص ملايه
ايله و مقرر و بزار و ديمرا اذن غير مراد قلاما دغي ظاهر و ظاهر
نعمت قنبره ضاعت و رسم و رنج اخاف اولان ضمني شاعت مناسب
كورنيز اول بايك اصلاحي لبيح صافي ضمه با حلي ايله اولد و غنه بولوك
اصلاحي ساطع اصد و ر و منافع شني ظهور ايله باينه فعال امو
و محمد عليه الميكر ايله رجانه امو كور كور بختياره متصا صبور بايش
سعي و ميز و دار و بو مقرر در كج محمد و نامه و خاصه ايله ترك و سوز و شكار
و محمد عليه الميكر و ليفه ترتيب اولان قدمات نتيجه ايله بولار مصافا
قدريه و مواسات قوفه مراسمي مراعات اولوب طرقي تفقيه ايتار
رضاي الحلي اولان خاطر خواه پادشاهي بر اقد اولتوسه بوضه خواه
دولت ارايكير و بدين و سنايه مملكت ملايه جهاد اوزره خديت
والا يان اولد الملك القهار اول ايله حجه امار و ديمر شير ايله و محمد

مقرر در والسلام بیت انچه خیرست مقدم باد راحت سیر میسر باد
 هر روزی قریب مجتمع العالم اواسط شهر ذی القعدة الحرام عام الحرام
 من الایام من جمیع کتبات الانام علیه وعلى له واصحابه العظام الامم
 صلاة المصلو علیهم والسلام

سلامت کرامی خانه باز بمان
 نامه کن مورثه

الحاله بنی سنه سنه سنه و عتیبه علیه جهان ناپه که عادی
 خورشید کلاه و معاذ خواجین این سپاه دکنو مصاف و قوت ضو کمن
 وارد اولوب ضموننده دایما معصا و شرف و د و خیز یار ملا د
 اولان قزاق طایفه یمندن خیلی ملا غیر او تو زیار کشفه اید او زیار
 طوبی بالقلای فی قلعہ خبرت احراق و انقادی شرف و شقایق حادی
 اید که طرغون جناب شایسته بکر قبل الوقوع رای کس و انقا زمام
 نماید و کن معلوم اید بنوب خبر دار او کمنده دفع و قطری تار کمن رو ب
 عا کونا آرد و کنا ردن کفایت مقدار برار و لا و ادم انحالیه و
 کوند رو ب هنوز او کنا خیار طایفه و دیار شقایق و بن جنای
 اذیت مسکین ایچون فرصت کمنکاهند مکن و مته و قریب جنای
 اولوب شور و شر لری اید و دیار اهل طایفه میرایت و کمن تعقیب و خاور
 بر خور و صاحب ایچون بزرگ ارسل الله انشیران لشکر تار و هر بزرگ
 دشمن کنا محققده و او و بی بی شوب غنایت هدایت جناب العالمین
 و اعداد و اعانت حضرت شهید المکرر علیه السلام اول قیم شوم ضلالت سوک
 جمیت باطله لوب پریشان و وجوه ضرت الوده لوب پریشان اید و
 بر قاضی یو کنا خاک و کمن شمشیر اید و بر مقدارین حق کمن و کمن
 اسیر و کفر قار قلند و قلم و اعلام و اشعار و انا و اخبار این حق و کمن
 ماعد اید و انکاران طرظرنده و کمن و کمن و کمن و کمن و کمن و کمن

لوحی مرقوم محمد احمد
 انشا لودن دل در

تصدیق این طایفه تا ارغاد کای بودند تا قدم ایصال و دان نامه
 بهما بفرستد امتثالاً تا اندروب قیرم و بار نه کچور ملک کارکن کوروب
 سق سعادست بجزدن و زی مصونه کوندیدن تا در غدر و واروب
 و اصل اولد و غی کیه برای سباعت تاخیر و توقف آید و ریبوت و ریبوت
 وجهه او زده جمله سن قادر رفق مقرر در دیو عنقی آنها و علم اخلاص
 عبودیتی تکبیل و احیا ایلدین و بودند غیری و ولی علیه مزخیر خواسته
 و سایر سوا اصل راده واقع اولان قری قصبه کیم تکلیف یابنده ظهور
 کتوریلدی و اهما نه متفرغ هرگز مخصوص شرح و بیان و تفصیل و بیان
 اولمقانی است حکم علیه علم و جاهل علم شریف عالم ارام و محیط و شامل
 معانی تا نبوده مطلع و واصل و کثرت حقا ذات کسم کما کوندن تا محول
 دخی و مقوله اظهار شجاعت شهادت و نام و ناموس و لیس سباعت
 اینک کیم و فوق کما هم او زره و جوده کتوریلدی و خیر خواه دین
 دولت اید و ککزی در حقیقت و ثبوت نورش صبح صادق و افتاب
 بارق کیه یوز کزاق و ملیک کیم و برقی او لب بکیم و می یولده و ثبوت
 ادا و خدمت و احیای راجس متابعت و موافقت بکند نهال دات
 داریند بر خور دار و موقف خیر خواهی رضا جوید و باسقم و کتور
 اولان و خدمت نبور و نبی اید و کیم در و ککزی کما تا را اطاعت و دار
 و بجا و رای شجاعت کیم و فی یوز لایق و کیم کیم و کما کتور
 تأثیر بری همیشهد و کیم کتور و یول و لسون **ایندی** چنار صداقت
 ناکیز بالواجبه انظار علیه خسروان و منظر حسن توجه و التفاسخ و
 مظهر واقع اولمش اختصاص یافته حسن قبول و احسان و بالذات نصیب
 کرده و دست نشان او لد و ککزی کتور و حضور و غایب انور و کتور
 و حینه اعتبار کسایه مانا و پیشین و متناوت و متناوب و کیم و کیم
فلهذا سندن دخی اولان بود که رایما و معنای جلال کتور و کتور
 دیده ایقانی از عاکثر قبول و مانا و دولت و زافرون و کتور خلافت

معروم و نود بر وجهه می گوشتی و حرکت چشمتی ایله سکرکه از غنمه ماضیه ده
 خا تا بن اندر ن ابا و اجداد عظامندون بریندن ان شریفند و اجماع الملمه اولو
 بندرو اکثر راجع طفرند و اولان طفره تا ماسر دفع و دفعه بایند و وجوده طفره
 خدایت جلیله الماسر که موافق رضای خاطر عاظمه و مطابق مقتضای
 ضمیمه اخلاص ظاهر می آید و کی مقرر و در ایام قدری مملکت تعدی نکا و از اوز
 اولدو قلمی مسعویه التا و مختار حکام و لایط طفره ندرت مکرر
 عرض و انها و لغا غله مخصوص فریور کره بعد اولا و مکره بعد از هر طرف
 قرین الشریکه نامه بها یوکار در معروم غزله ایام فیض و مدکور در
 دفع و از اندر ای جانب اخلاص فریکر حواله و متوفض اولین ایام انشاه
 ایست و کفر جدا و زمره قدره در معنی بودند اقدم تدارک و لغز که در
 شتد فکری با عی و ع و تا خیر اولان جوهر حال اولدو غی ظاهر و با هر ایام
 حالیا و فی خصوص فریور ایچون نامه بها یون عزت و کفر و طفره اولو
 ارسال و ایصال تلفت و کرد و وصول اولدو قریب ایام ابدن نشان
 مملکت الکران و شتد شتد مشید انبیا غم اولان و فرصد اقب اخلاص
 و حصر عقیده و اخلاصا سکر مقتضای اخبار اعلام و لغا رایت و مکرر و وجه
 طایفه فریور دن بندرو اکثر مان متلرند و بیچ احد البیوموب حکم کن
 مکرر اصلری اولان قریب دیار که تور دلب لازم کلن خدمات بن و نود
 استمد لم و بو بایند رضای بن اقتضا فرخصیده حسن اتمام بلور و بلبل
 دقت همت ملوک و حکام واجب الاحترامه ضبط و ربط امور سکره بل
 اتمام ایلمد ضرورت رایت رفته دناید و کی محتاج و بیان کله ادا مکرر
 عسکر دایره ضبط و بطر داخل و الوالامرو و حاکمری فرمانده راضی و قابل
 اولمیدر مملکتی بعینه و فرایغ حال و زکاد با امری مستغ و محال و با نای
 استراحت نایاب عیدم الاحتمال در باد علی هذا ایلمتکر در مکرر طفره
 مر بوز اولان غیرت حمیت و شجاعت شهادت دن اولان بود در حفظ و
 خلوت ولایت و تدبیر و تدارک لمر و مکرر و رعیت ایچون در وجهه می وقت

کوسته مشکه ایام خلافت ظاهر و حکام سلطنت ظاهر مزده اگر قرب
جوار کند و وقوع اولاد نکاح و سه عزای این و اگر نکاح و حکومت و شغل
ایل و ولایت عاییه خانان ساله زمانند و یاوه امن و امان و حکومت ایل
و حضور و رفاهیت و اورده اولاد و احوال و عین حق و مزو و
صحن ذکر و اوقات امارت ایضا نکاح و غور خنده و در جملگی و اتمام الخ
و عراق طایفه سکنتیه السوف اولاد و احوال و عین حق و مزو و
اندو و غنم و استیصال و در مرتبه تدارک و در و کن سائر احوال و
اخبار و اثری ایضا مفصل یا زو و سکنتیه سدرت معارضه و غرض و
و آنها و افهام ایضا و مسو و عین حق و جعفر

• مرحوم سلطان ایمان جلوس ایندکده •

• شریفہ کوئٹہ ریڈیو •

هذا الله سبحانه وتعالى وشأنه عظيم ولا ينبغي لعلمه الكريم أن الذي يسلط
 المعظم والخان المعجل المفتح خادم بيت الله والحرم فاح تحاكم العرب
 العرب أسعد الحيات شهيد الممات المرحوم المغفور السلطان
 أسكنه الله فوجي في علا فرايس الخمان واللب بطنه لباس الكرامة واخرو
 قد أمثل خطاب بار بها النفس المطمئنة ارجع إلى ربك خضبة مرسية
 واستعمل في الارادة الربانية والمنية الصمدانية من الرافض المغمور
 الر مقام الانس والصور في مقعد صدق عند مليك مقتدر ذلك قد عز
 العليم والمحكم لله العلي العظيم آتاه وانا اليه راجعون ولما كان الحال
 على هذه المآل صارة العناية عليه اربانية قريب احوانا والهداية
 الجلية الصمدانية ربه امانا بجلنا على سيرة السلطنة مستقر الخلافة
 يوم الاحد اربع عشرين من شهر شوال الكرم المختار في سنة ثور
 سنة ثمان وثمانين وشرنا ميا من معدتنا الشريفة بين الامم
 ومحاسن مكرمتنا العلية على الخواص والعوام وجددنا مراسم اجال الدين

وابطلنا فو اعدا نظم والطمة اجمعين فكانت الرعية على ما كانوا في طاعة
 وسائر الناس بحسب عادتهم تحت كنف الحماية والعناية محفوظين في كنف الامن
 والامان محفوظين بحال الرفاهية والاطمئنان وقرى الخليفة الشريفة وخرين
 اللطيفة على اسمنا الشريف العلي في جميع البلدان النواحي فلما يدان في حبل الجبابرة
 صلوة جنازة والدنا السلطان المشاوي في الحول المحترم المنيف والمدينة المنورة
 بمقتضى الشرح الشريف ولا ينام من الدعا الخبز المنجاب لروحه المروح اللطيف
 ولا يد ايضا ان ياخذ جناب الكرم من جلاوسنا المباركة على سر السلطنة كمال الخط
 والبشرى وفجهر العذار العالم باستقرار سلطتنا الشريفة وتزيين سكتة اللطيفة
 باسمنا الشريف بلاتخاذ وتسيوف ولا يكون خفي على علم جناب الكرم بان علمنا الشريف
 محيط بصدق محبة واخلاصة وكما صدقته واخصاصه نحو اعتناج الذي
 السلطان المشاوي رحمه الله وغفر له وفروعه وديانته فخصوص الرعية و
 فرسته وكنت في فرسته الولاية تكون على كمال الطاعة حين ما يدور عليه من الحكم
 المطاعة واهتمام التام في تنفيذ الاوامر العلية بين الانا فالمرحوم من الله
 بقاء الجبابرة الكرم على تلك المحبة القربة والصدقة للجميع واستمر اخلاصه
 وشان لخصاصه اكتمال الى مقامنا الشريف الاعلى اعلاه انه تعالى وتعالى
 في صيانه لما كلف البلاد وتامين ملك العباد وتزايد الامن والافان وترقى الرفا
 والاطمئنان وسيلتنا رباب الشناعة والفاد وقهر اصحاب البغي والطاعة
 يكون عامه الرعايا الله هن وادراج من خلاف البرايا على كمال المشورة والخصومة
 عاريا من النفرة والفتور احسن من زمان الذي السلطان المشاوي لم يسمع انه من الجنة
 عليه في كمال الايام عدالتنا الباهية بولتنا رعوام خلافتنا الزاهرة ولا تخطو الجبابرة
 من اخبار اخبارنا سلامه لوفيه وادباءنا جمة الكفا في موقعنا حيل حوادث تلك الجبابرة
 من اباعد والاقارب للعتق فاته مع حرس جناب الكرم عن انواع الكفارة الامم
 ويريد على منه الغزاة الكرام الى قيام الساعة وساعد القيا انه خذ حذرا وهو اكرم
 والحمد لله والاجل والكرم وصلى على نبيه المبعوث الى الامم على الدوام والحمد لله
 والجود والحمد والكرم وفي تحرير بامرنا الخليفة في واسط شهر شوال المكرم سنة ثمان مائة

مكتوب
 محمد

سید علی بن ابی طالب

۲۵. بیچ قرآنہ باز بیان نامہ ایک صورتیدر سلطان احمد خان فرقد

[illegible]

اولی

این سلطان یارید خان این سلطان محمد خان بنایه اقدیه الملک الحسینان عیان
 سمنه سعادتمندان صاحبقرانی قبضه قدرت مقور و صولجان ساجد کشتی
 و کشتی ستانی کف کفایت بخند مقور و مسود اولوب غرضه روی بین لسان شیر
 تاثیرم ایلمه بانه مقور و جمله ربع مکون و هفت اقلیم زمام و اقدیه رزم و مخ
 اولوب و باجمه تخت عالی تخت سعادت و نو تکلیفی بایرینه نسبت قصه
 بر قصور و رکن موروث معدن منشور مکن قبضه سی ملک کل کند رزم مقور
 و خاتم ملک جهان شایسته انکشت جهان بنایه اولوب صحایب بین زیر یکین معدن
 و سعادت قرینم اولمشر و انکشته العیدم الکرم حالا سکندریم خلق کند کریم
 و آل ماله چه و اصلون و خروآت و بعض مجار طایفه سکندر و فی بیج و
 نیجه بوکمل امثال مملکت و ولایت کراکیم بر علی طوری و چارای افتخار
 الامراء العظام العیسویه مختار اکبره الختام فی المئه المسیحیه
 مصالح حمایه الطایفه النهرانیة صاحب ابال العثمیه و الوقار صاحب
 دلازل الجود و الافتخار راد و لغوش ختمه عواقبه بالخیر نوذرند اقدم عاکر
 نصرت شانز من سردار اولاد مقور کرم مکمل مونس السلطنة العظمی مرتب
 مراتب الخلافه الکبری بزرگ سال همایون ثانی بهرام جدها فاتح ابوالنجم
 کاسر شوکت ارباب غیاث الفنازی فی ضعیف ابد المجاهد لوجه الله الخشوف
 بصنوف عواطف الله الملک الاعلی مبارک الله و الله و الدین و الدنیا نظام الملک
 وزیر اعظم مراد کشتا ادام الله قوی احلاله و ضاعف اقداره مقدمه بدون
 سرحدند خدمت همایون غوره ایچون المپی که کوندرو بیل بیند حمله و صلح اولمکه
 ایچون ایکی طرف که کلاسه بر طرفه وار و جمع اولمکه موقوف اولمکه موی ایله
 وزیر اعظم دخی امر همایون سعادت مقور و نما یله مصالحه بر رضا و بر یکین
 طرف کز در مور لادی بیادوش و ادوات الحیات و طور ز و کور کشتی و اولمکه
 و قولین شتوروش و باکانه فریخ و اردوس فریخ و کور و کور کز از وقت
 اندیشی همایون واقف و کیلک و کزی تعیین المپیوب جده و بونانی نام
 کوندرو و وار و دلاکمی و جمعی استخوانک و جمعی کور کز و جانیر نون الجلس

و اما شیخ تاجی التوان او ندر کار و صوبه نور میخان و سوسنبله کور نام مدبر و
 وکیل در دخی محل مرز بزرگ کلوب چالاب و در محافظه سنده اولان دستور حکم و وزیر
 علی پاشا ادم الله تبار اجلا در کت خور عقل و خیرت و کمال تدبیر و کسب و داری
 رزین و فکر متینند هر چه صلا عمارت بهما یوزر و کلوب و مولیت مله بدون قاضی
 اولان اخضر فیضه المسلمیه الی اخره بایل زیدت فضایل اهل علم اولدوغی و غیره
 سرحد که قلمند اولوب جمل احوال و قوت و شعوری اولدوغی و موصلیه و وزیر
 جانشین دخی منار ایه علی پاشا بد و یکله یکسکی کن موصلیه بایل زیده فضایل
 اول محله کوند ریلوب اردو بزرگ برون وکیلدر مله جمع اولوب صلح صلاح
 و عهد و امان احوال علی التفصیل سولیشلوب مملکت و لایتنرینه و رعایا و
 برابریه انفع و موالات مصافاته اوفقی بعض شرط و عهد و ایدلانه ساد
 اشیا غنی نقد یاد کار اکیوز یک غرض کوند رمل و زره ان الله تعالی یومر
 بیلدکن مابین صلح اولغیر مرز برون وکیلدر برباد و بوجانبه هر دو صلح کاغذی
 و یروب و موصلیه وزیر اعظم دخی اول منوال اوزر صلح کاغذی و یروب
 طرفینه تمام شغای صدر و اعتماد و اطمینان قلب اعتماد حاصل اولوب صلح
 صلح محقق و عهد و امان مقرر و صدق اولغیر باینده منعقد اولان عهد
 امان و صلح و پیمان معتضاجه مقدما وکیلدر مله اولدوغی اوزر عهد نامه یک
 افغانان قندهار کاردن ایکوز یک غرض و شدیم ذالکی بیکن قد و الامواله
 المسخیه تاجی برکنام و غرض جابغی نام و لایتنر یکی اولان هر یکتا کلمه
 و لغزش و مانع و دیونا سن نام قلمه ترک و لایتنر رسته تک سلسله کن و ارفی
 و غزیه داری و عای نام مدبر صلح و محترم البیاری نامه کلام لسان د و لکلیان
 و خاندان عدالت غوغا غوغا اربال الی یروب صلح و امان کان مقرر اولوب محدود
 عهد نامه بهما یوزر عنایت احسان و کلام اعلام اولندی اعیان **دخی بخانه**
 فضل و حایه اید ما وی لاطین ذری الاحباب و ملجأ خواقین شرافت
 الانساب اولان باب مالیه الاغبانه و غرض صداقت و اخلاص و فرط صداقت
 اختصاص و زره اولندن رعایت احسان و اخلاص و مضافه اولدوغی اجلا

[illegible]

منع او لنوب مرید چہ یو رعیتہ و اولی السلام سرقدندہ اولان و لایتنہ
 ضرر ایدر عرازا دہ فی بنم حاکمہ نمز طوتا رایہ اول سرقدندہ امرہ تابع
 اولان قیودان بلدر یلوبک ل حاکمہ اندن ادم وار و بلک ل خصوص نمز عملہ
 کور یلوب ہرنہ لازم کلورہ اجرا اولنہ و انوک کہ عرازا دہ فی مٹا نا ایہہ
 تابع اولان قیودان کردن طوتا لیر بنم سرقدندہ حاکمہ خبر و سرتہ مختلفہ
 احوالہ نقیش اولنوب شرعیہ لازم کلان اجرا اولنہ و اکثرہ کلان
 او غور توکلبا صاحب لیرہ ہیریلہ و بوسیہ ایچندہ ایکی طرفدن قلعہ لرا و غور
 و جیلہ ایلمہ التیمہ و قور قلعہ و اخو و جیلہ قلعہ سرہ ضرر اولیدہ بر طریق الکر
 مقبول اولمہ و اولنہ کہ پوجا کیلتوان حاکمہ ویرشد ریخی بتورلد و
 اوزرہ و کلکندر ضلعیدہ قائمشد دیو یا زلیوب و جیلہ اولد و غی بیان
 عمان اولمہ اش اگر محاکمہ و سرحد سرحد لہ و اکثر اجداد عظامہ قوت
 قائم ایدر فتح است و کلری رولہ لایتنہ و اکا تابع اولان کلان دخل
 اولنقی لازم کلیمہ و یو و دوتمن ضرری رعیتہ و عہد و امانہ بقایر اولیمہ
 با بنمزدہ فتنہ و فساد اختیار با عت اولمایہ مقتدا جانب عہد و
 اردل و مجار حاکمی نصیب انان مرزور چپای کیلتوان ایہ اکا تابع اولان
 حجاز ملتی ایلمہ سابقہ پیچیدہ بتورلد و کہ اوزر قالہ و ایکی جانبہ اولان
 دوتا قرد و ک تاشق اولنچہ دکن اکو ہا سہ کلش و ارایہ ہا سہ ویر
 چقدندہ و با شتلق تاریخنہ کلنجہ دکن ہا سہ کلش و ک بدیہ دوتا قیودان
 بنیدیل اولنہ و ہم ہا سہ کلش و ک بدیہ دوتا قیودان و تلمیہ کور طریق ایلمہ
 اندی ایسہ اندن لنوب ہا سہ ازاد اولنہ و دوتا سہ ایکی چلندر جماعت
 اولنہ و کلش و اولنہ و کوری فقیرہ و ہا سہ سرحد لہ و صلحہ عفا پر فساد
 اولور ایسہ حاکمہ بلد و لہ اندر دخی حتی اجرا ایلمہ لہ اجرا ایلمہ بیون
 بکلر یکسندہ بلدر یلوب و یو بکلر یکسی محمدیہ باش اولوب حتی اجرا ایلمہ
 اگر بہ اصل فساد اگر یکہ سرقدندہ اولور سہ یا نقی قرآنہ و کلونہ ک
 او نہ یکسندہ اولان قیودان لہ و ضرورت با نکرینہ بلدر یلوب حتی اجرا ایلمہ

کینه فاضل علیه و دخل و تفرق قلمه و نذر لاند و لایله نیا جبرری و تر جمه کله
 و نیا را دلمری و ریادن و قهر دن محاکم و محو و سحر کلو بیج و شرا ایلیو عبادت قانون
 او زره رسوم عاید این ویر و کله نذر و کله شکر و کینه شکر قبول اندون و دریا
 یوریا ن ریشدن و غنییدن و عسکر خلقندن کینه مانع اولمیه و کینه ویرنه و او قهر
 و لیبای طوار ایند قاضیل و غیره دخل و تفرق قلمه لری و اگر شدت درو کار
 اولمیه در با کیدین قهر به اتره بکله و قاضیل و غیره معاونت اید و ب قهر و کله
 لیبای کیه و کینه ویرنه ویریلوب بیت الما کیدیل و غیره دخل و تفرق ایلیه و نذر لاند
 بری مدیولسه دین و جلودن طلبه لغوب الله کفیل اولما حی اضر کینه طوبی
 طلبه لغوبه و اگر مرد اولمیه لیبای اموال کینه و صیت ایدر لیه و کینه و صیت
 مرد اولمیه قهر کله و مر فستاد اولمیه ویریلوب کینه ویریلوب کینه و نذر لاند
 و لایله نیا نیا اولان بر لری و کله باز کانه لری و قهر کله و تر جمه نیا محاکم و سحر
 بیج و شرا و تجارت و کثالت خصوص لاند و کله امور شرعی و قاضیه و وار و
 ثبیت و سجن ایدر و بیج یا حجت الارضه نزع اولور و حجت و سجن نظر اولور
 موجب عمل اولور و لایله نیا کینه ویریلوب مجرد اخذ و جلیب ایچون ایدر کله
 دعوای استماع اولمیه و او کله قاضیلدن حجت ایلیه و سجنه و سجنه ویریلوب
 خلاف اضر دعوای استماع اولمیه و بعض کینه لری کینه ایدر کله ویریلوب ایلیو
 حید و خدعه ایله مجرد اخذ و جلیب ایچون ایدر کله دعوای و حجت استماع اولمیه
 اول و جله خلاف شرع شریف رکنیه اولمیه ویریلوب منع اولمیه ویریلوب ویریلوب
 اولمیه ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب
 نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند
 ایدر و کله ظاهر اولمیه و نذر لاند ویریلوب و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند
 محاکم و سحر و کله ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب
 اندون و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند
 کله و کله و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند و نذر لاند
 و کله ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب ویریلوب

و نذر لاندۀ بد تابع اولاً فیکلر و قلیونلر قبر سده و مما لک حر و سده اولاً
اچچ ایل سائر ملک لردوغی نزع اوزده حرا و ایدن قدری طویر تحمیل ایدن
کسنته مانع اولمیه و نزعدن زیاده اچچ لری لقمیه و ریخته اولمیه لری و چرنی و چرن
ککیلر صنوبری ایچون طویر کولونه اول طویر سائر طویر لری اولمیه و بعضی ایچون طویر
الکمر مرعربینه یقینی بر اچچ ویر و کلیلر نذر لاندۀ قالیونلری و کیمیلری و اوزده قن
اول طویر اولوب ککیلرینه صغیر برینه قود قلیونلر اول کلیلر و قن اوزده هر عریته و
اچچ لاندۀ زیاده لقمیه بو خصوصیه قاضیلر و امینلر سائر اهل عرف قالیونلری کین
رمیده ایدن لرد و مما لک حر و سده نذر قلیونلر قورشون و قنای و دور و چک
و سائر خرده متاعه مانع اولمیه لرد و دخل و تعرض قلمیه لرد و عهد نامه های و نذر
اوزده یوزده اوج اچچ کولر انور زیاده طلب لقمیه و من بعد زیاده لقمیه
و نذر لاندۀ بد تابع اولان قالیونلر و کلیلر دیماط و کلیلر سائر کلیلر و بعضی
کند و رضا لری کلیلر متاع تحمیل ایدوب کلیلر و ایزمما لک حر و سمن قلیونلر
مانع اولمیه و نذر لاندۀ بد تابع کلیلر تحمیل اولمیه زیاده کولر کلیلر و لقمیه سائر
مسلمانان لردن اندوغی اوزده کملری لاندۀ قلیونلری و کیلری هر قن لرد
تمام کملرین عهد نامه های یون و جینی ویر و کدن صغر بعضی لقمیه ایچون قلیونلر
و لقمیه کلیلر ایلمه لرد و باز کلیلر نذر لردی متاع ایزمما کلیلر مسلمان اولوب کلیلر
و قن کلیلر معرفت ایل و لای کلیلر باز کلیلر نذر لردوغی کلیلر و نذر لاندۀ لرد
ایچچ لردن تسلیم اولن لرد ضاحیه لرد کونده دملر کسنته حقیق اوزده قالیونلر
دخی قاضیلر دن و حال کلیلر و غیره یون کسنته دخل و تعرض لقمیه لرد نذر لاندۀ لردن
بریندن مسلمان لردیو خلاف شرع شریف بکنیده ایدر لرد عمل اولمیه اگر ایمان
او کسنته اختیار لردی مسلمان اولدم لرد ایزمما قلیلر کلیلر بکنیده لقمیه لرد
اما تر جمیلر و حصر ایدر لرد و نذر لاندۀ بد تابع اولان قلیونلر و کلیلر کلیلر
کملر لرد اولان معصر لرد حصار سلب لرد کسنته زیاده تحمیل ایدر لرد کملر معاصر
اولور سده اولمیه متاع لاندۀ اچچ طلب لقمیه و قالیونلری و کلیلر کلیلر متاع
اطلاعت لرد اولمیلر لرد ایچون چوب کلیلر لرد لرد شمع کلیلر لرد اولور سده

[illegible]

قور ووب صیانت علیه لکه ضرر روزیاد و لمیه و لازم اولان ادا و زواری
 بولان بر کرده انچه لریله المقده معا و نرید ووب ولسا بلین تحمیل ایچون کج
 عرب طوقی لسته کفر نه شویله که اخرون ملو کشتی و لمیه کسنه مانع اولمیه
 و اول جانبار دن کستانو که کور دکلی متاع عدل ما و امله صانع ایچون اخرون
 چهار میده لر لستاینبول کچنجه لکه کمرک النیوب بونده کله که چتار و قرقی عدل
 کمرک النیوب این کالم تجاری علیه زچهار مد قری متاع عدل النیوب و کشتاینبول
 متاع عدل دن بوزده اوج انچه کمرک لریله زیاده النیوب لکرو کرا و ناسر لکرو
 ماد امله صد اقسامه اخلاص ثابیت قدم ورا سیخ ادم اولار بوندی و سلسله
 قبول ایوب عهد و عینه ایوب عهد بیریری و کورکلی خلق لری خدای معین اند
 خلق جللاه و عم نواله و لا اله عینم خلق ایچون و اجداد عظامم و بابا امانه
 قویچه بر ایهینهم ارواح شریفه لری ایچون بو طرفدن یغی خلافت عهد و عینی
 و معاری عهد و اتفاق ایش اولنیوب لکرو عهد نامه شهامیون
 سعادت معروفتی مضمونی شریفی بلر عمل اولون
 شویله بلر علامت شریفه
 اعتقاد قلار

يوم القيمة اهل عالم را از عروج و عجم با ملاقات خواهد معاشرت روشن نموده اند
و طوائف اهل عالم را بپنداری خویش از این اصلاح دارالبعین شریف من شعبد کبریا
بشارت داد بر کزیده که از غایت علو قدر و سمو منزلت در بارگاه احدیت
محرمتی اختصاص داد که دولتی بای بوس محاسن و مهر این همایونش
سایه را از نا محرمی دست انداخته است امی تقی کرانی انبیا اعلم بود

احمد نام کی سرور عالم بود زاد سایه با وجود همه راه بود محم جلایه که سایه نام بود
بدر عالم افروز و کنت نیا و ادم بین الما و الطین افکار بجهان تاب و کن
رسول الله و خاتم النبیین مکتب دران و علمک عالم تعلم روشن بیان انا افصح المر

و الیم سلطان بریز دنی فتیله صد نشین فکان قاب قوسین و ادنی حبیب
خانی کبر شعبد عرصه محشر امین محرم اسرار شیخا و الدی سری ابوالقاسم محمد
اکبر دست نو که بلند در جنت سرائی انبیا را قبله و ملجأ انا الله ملائکه یصلون
علی النبی یا ایها الذین امنوا احدلو علیه و کملوا نیلما حسافی ترین زلالی بادیه

پیمایان کعبه اعجازا موافق مزاج اعتقادند سلسبیل مدحت مغیبت پنهان
دریا ناله است که در تسم قطره از قلم جود و احسان است صاحب لایحه که شرف
انوار اقاما و لیکم الله از محجبه رایت فیروزه ای بینش طالع و لعله امان که پیشگاه
فرزاد علی مولا از جبین پیشش لامع است مهر مندی که عرفات نورانی آنگاه

مهر محبتش شستایست نیر و بیضا و صحیح که انچه الامون بر روی عالمی است
واضح و هویدا ذات یکی اوست از نور الهی پرتوی کا مده در فیض غنی امان مصطفی
شهرسوار معار که لاف می زینده اور که انت می بمنزلت هر دو من بوی محراب

مخاطب ملایقی مشرق و منطوق انا مدینه العلم و علی بابها شاه نجف و میر عرب
خسرو افاق سلطان سربلر دله ایوان تفضل بار و جلایه علی عالمی دریا
کان عطا کوه تحمل صلوات الله و سلامه علیه و علی الائمة الاطهار و اولاده
المعصومین الافخار الذی نزل فی شانهم انما یرید الله لیسب علیکم الرجس افضل
و طهرکم نظم میرا و بعد میا من نیکی که ستار بصفای آن بشوایم خارج و مهر تیر
نمشور و مواهب عیا که مشایخ ادبش نغمه ارض اخضر و عمر میل نکرد

موضع حال

باروانت دعواتی که مسند نشینان خطای جبروت را غفوه و اسیلا خور جان
و خلوت گزینان صوامع ملکوت را بکثرة و عشیا و روزبان بکثرة منضم
بایدای تحایکه از روحان از راه ریاض موافقت در ارتجاع اید و از نسیم
عبر بر تپائی افوار اغصان موافقت انواع اهتزاز روی نماید بخت جمال
سده و الا و احسن علی علی حضرت کرد و بطلت بهر منزلت قریضت
تا بهید عشرت افتاب شملت بر جیس و در عطار فطنت بهرام صولت کوان
رفت قان بگویند رای جم قند از خاقان کرد و بگویند بهر وقار سلیمان
سکندران کسری و او در افر منوچهر فرید و حاج خسرو کام جم افر نصفت
کسری از مطالع مکرمتش هر القطع لامر اقد تابان و از سحاب مرتضی
باران الشفقه عالی خلق بارانست چتر آسمانی جلالتی اقباب نشین
و بارگاه رفیعش و جلالتی طیب و ملک کفین تبارق مشارق و غروب
کامکاری که کعبه عود مطالع خلقت در جهان داری مننداری تخت ملکوتی
زینت افزای تاج کعبه و تاجت را بار العدل الانصاف ما عی آثار الجبروت
والاعتساف سلطان البرین و خاقان البحرین خادم الحرمین الشریفین خاقان
اسکندریه و القونین و ازالت سده السنیة موقبل شاه الانام و عقیة العلیة
الحواقر الانام میرساند و بیک صداقتیم و حاشا عین شامه خلقت رحم نکاست
صحیفه و داد و رقرده کلکار ایامیکردانده بنمای حکم راع و کلام منور عن عقیة
هرابینه مقصد اصلی از امور جهان داری و مطلب کلی از امور کشور شاهی انبیا
کافه نگاریا و قاطبه بر ایاک و رابع بدایع حضرت افریده کار جل شانه و علم
در ظل ظلیل افسامتنا و ساء فکدایه جمیع احسان از تابان
حوادث محن و حرارت خورشید فرائد فائق محفوظ و ناموری بوده و رابع
احوال و کشت نادر مال زیرستان از غنای سال شور و خیزند و قیام
نکرد و باینفنی در غایت وضوح و ظاهریست که تا خط را به خط غنای
هر رانی از شحات سحاب موافقت و تمام مصداقت فرمان فرمان کردن
توان نازل و متناظر نکرد و نشوئی نهال سوده که بر سر و رطلین

و حسن و رنج و زبردستان عظیم الاحتمال بلکه غیر ممکن و محالست و کما شریفی را
 الهزار روشن و میوه ها است که کثیر یک سلسله خدمت و عباد را غیر از ترضیع عباد و غیر
 بلاد نتیجه و یک نیست و لا شک این ناعده غیر مرضیه نزد خالق و خلایق مذموم
 تا پسندیده است اگر شیوه انصاف مرعی شود قطع نظر از نقصان خود را با آنجا
 نکرد و انهدام بنیان مملکت کشور محقق و معلوم میکرد و درین مدت
 از عمر نرگ و مکا و حمت و در هکذا خلاف و عداوت مابین چه قسم فتنه و فساد
 از جور و اعتساف و شکنجه و سب و زور را بر احرار بر بندد کما فی حدای تبارک
 تعالی واقع شد و فی الحقیقه دنیای فانی که طرار ناپایدار و از نازکی از ثبات
 و نوبه از وفات قایم آن نیست سبب و روز دولت و سلطنت بی پای
 آن چهره حال بجا نشد بنا حق الم خراشید شود چه جای آنکه زور و حق را بر حق
 بیه اندازد از طوفان صدمه سپاه حوادث غریب کرد این طبع نیست و فتنه
بیت و فاجوی زدن که هر یک کشید هیچ دور طرار در هر روی فتنه ای نای
 چه اعتبار با حضرت خیر المیزان و خاتم النبیین و سید الاولین و الاخرین
 کدوات مقدس بسیار کجاست و کفونات و علت نماید جمیع موجودات بود باقی غایب
 دیگر از وجه چشم و فاطمه و طبع بقا توان داشت هر که انگیخت و اهل فتنه خواهند
 آنکه پاینده و باقیست خدا خواهد بود و بی شایسته تکلف حقیقت این معیار بر آن
 خاطر غیبی بر این پادشاهان عظیم ایشان خلد مکان سلطان علیهم السلام و نه بانا
 شاه طرابلس تا الله بر ما نهاد که تا آخر تعبیر ایشان بنور هدایت از این
 و قریب سعادت لم یزده بی تعبیر و مینا بود صورت ارتسام داشت که بتدلیس
 صلابت و افکار ثاقبه و رفع غبار رفتار و مهابت را پیش نهاد و تمنا لا اله الا الله
 بنای دین و محبت ایسا که کارکان و از خلل قصور خالی بود و حکم و دین
 و از نبره کات عیایان مصالحت و موافقت اجر جزیل و ذکر جمیل حاصل کرده
 هم ملک معزز و هم رعایا مسرور و هم فتنه در حجاب متوراند و چون بز
 فحوائی الولد الحریقند و بابایه النعم هموار و احیای بن رسوم حسنه نصیب
 خاطر صلاح اندیش بود که لهذا همگی همت و مملکت نیست بر این معروضی بدست

تا این شمع نزع و کشف منطقی گردد و ابواب فوز و نجاح مفتوح شود و صدق افعال
بر مقتضای آن و مستجاب در کمال کمال نشان از ان روشن گشت که کمال صداقت
سکنت و تحریر و بیان سطری از ان بردارد و همانا امرای هر چند پادشاهان
و بیکجریان و سوار عساکر گردون توان پادشاهی هر که در پادشاهی باشند و در
و عبور داشته اند بفرع شمس از ان مبارک و جبار و غفور و مکی و قهار
چهاراداری همانون غوره باشند که تاجیه عایت ساکنان و مصافات و کمال
و طالب مطالب مواخات و رخص یکجا کنی بوده و هست عالم السرا و تحقیات
شناهد و مطلع است که مقصدی و طلبی غیر ازین در شمع مصلحت پذیر نیست
ضمعا و مکنیز ازین کلم افواج رنج و غنا و غنا و غنا و غنا و غنا و غنا و غنا
سالم بوده و پادشاهان هم تنور عساکر طرفین کردند و بی کلفت و مشقت در عباد
امن و امان و مضامین راحت و عزت اسوده و غنوده و غنای و غنای غیر
برود کار فرخنده آثار عاید گردد تا درین وقت که بوجب الحاکم غنی و غنی
الامور و رهون و قارها از کلبین بوستان محرومان باده و کمال کمال و غنای
توجه باین مهم خیر امارت استقام و استنشا و رفت و از طرفین نیم اقبال
بر ساحل و نیکو گرفت و چون تمام در استحصا و استکمال ارباب و غنای
که منضم مصالح حال خواص و علوم است از امور غنی میدانست و اراده
خاطر خیران ماز بود که بجهت رضای خالق انس و جان و بسط طرافت
امتنان نیست بحال همانان ازین مهم و مهمت فرجام باری غرضید اعتد
و تدبیر فرضیای علمی شریعت این و فضیلت حقیقت تزیین منفعت و منظم گردد
که بی رغبت و این شمع و پیمان که در محافل فیض شامل اصحاب علم و بیان
بصیق امان مگو که کرد تا انراض عالم از رنگ تغییر و تبدل حصول محسوس
خواهد بود چه کشف مصلحت سابق اینجهت که از فیضان بحر احاطه فیض
علما و فضیلتی شریعت انما سر نیزه بر آید و مانند کمان از بهوب باخ
خزان خلاف بیایه و رنگ دید لاجرم بنا بر تائید در لغز و استعداده
مشید و صرح نموده صلاح کمداد سیادت و صدارت پناه هدایت و نجابت و نگاه

وحتایق و معارف کما: جلالات الیه و الصدرة و الذی فی قاضیات
که از اعظم سادات واجل اهل شرع میسر بود از پنجاب فرستاده شد که
از انجانب نیز مفتیان و اخراج البرهان و قضاة و فقهای قاضی البیان و
فصلاً منیع انسان شرع مستقیم و دین توهم باطل این مهم مصلحت خواست نامور
مترکشته با اتفاق یکدیگر نظر خجسته بر اصلاح حال مسلمانان و کائنات کما
اسکن فلک کس صلح و صلاح و بنای غیر اضای فوز و فلاح بخوانق هموین
و سمره بمانند آن دو خاقان فرعون مرمی میشتد گردانیده در مقام نصیحت
ان بنی اهل اقبال و بعد از غنایند که مرغ اندیشه قصور بنیال بر خیال احتمال اضمحلال
آسمان درجه اش نواند رسید و سیاح بقصور فتور بدید که کان امکان نزول را از
سناخته البنیان مناشش نیارودید و ناظروران الساعه اتیلا رب فیها
استوار و برقرار بود کماکان افکار فواید خاص عالم را شامل و آثار غرض
بر و زکار صفار و کتار اقامه و اصلاح مواصل کرد و چون بتوفیق آید که مناسبت
مواضعت و مشارب موافقت از غشاک که در ورت و مغایرت مستفاد کرد
و هر منیر دقتی و والا از مطالع و فاق و فواید طالع و لا می شود ثمال و انسی
سرشته این امر عظیم که مقتضی مصلحت و نیاز دین و مستلزم صلاح حال است
از نظر فیه بایا دی خلوت و امانل بود مضبوط و مویک گرد که بطول آید
و انصراف شهر و اعوام کسب و موقوف نشود غنای قاضی الصانع
اناران زیبایا صیای روزگار و زینت عنوان صفای لیل و نهار
و در زبان اجرا و ابرار گردد و چون ازین طرف بعد از انعقاد و انیام
معاهدت فحوی فیض انسانی او فواید همدم ازا عاهدتم منظور نظر قضا
ارسلت و انانان از جویبار حس العهد من لایمان حضرت بخش گلستان میسر
مخالفست خواهد بود رجاء و اثنی و اصل صادق است از انظر نیز مضنون
خیر مشحون آن العهد کان متولاه مطهر انظار فرخنده و آثار گردید حیات
خصوصیت بنوعی از ترشح غما و دوام و ثواب و رمانی که از فواید
و رذیة النیسات ربا حین چمن ارم تزیین ان بوی منیع هموین بدماغ جا

و مشاهیر جهان اهل عالم از عرب و عجم رسیده بر طبقات انسان از هر ملی
امیان شعاع ابروی حق بر توند اخسته ارتباط اتحاد و انقباض و اعتد
عطوفت و ووداد پادشاهان اسلام بر عالمیان ظاهر گردید **سم**
همیشه تا که بود باد و خاک و آتش و باد • قوام عالم کون فساد را در خود
بقا و با وجود خاک و جو و آتش و باد • ندیم تخت و قریه و ملت معین داد

ه شاه عباس و انتشار خانی بیگستان پاشا که کوثر و قیاس

جناب وزارت و ابانت پناه شکست و شربت و جلال و شکوه ابنت و نصرت
عالیها معدلت شمار اقبال و اجلال آثار متبوع اعلاظ الامر و الوزار
في الاتفاق مستخدم افافخ الولايات بالاحتیاق کنیل و هم الملکین و امور
ناظم منظم الامور با ترائی الصائب کافل مصالح الجمهور و الکائنات
السلطنة العلیة العالیة مؤتمن الدولة البتیه الباهر وزیر ذی شجاعت و کمال
عشر صایب تبیین عدالت پیا دستور اعلاظ الوزراء فی العالم صدر و نظم
رضع الله فی عهده و وثیه بنیان اجلال بصنوف تعظیمات بلاغیا شامک
و وفور و ازادشات بلاغیات پادشاهانه معزز مخصوص کشته و جفا و مکتو
ناظر اشرف بارتقا و شرف و اعتدال مرتبه مکان خود با جلی مدارج کمال خود
معطوف شاند بعد از اینها اما صایب انما انکه چون از بد و ایجاب
تقوین که اراده از این بمقتضای و بعد کرمانی آدم خلقت وجود کثیر الجود
انسانی تعلقی پذیرفته خلیان پاک و دایع مدایح حضرت رب العزت شاد و دخل
و سایر معدلت سلاطین کمال کار و پادشاهان ذی الاقدار که مضمون صدق
مشکون السلطان العادل ظفر الله مصداق حال نجسته لال شاکست حای
و وجود فایض الجود ایشان را باعث انتظام مهام عالمیان و رفاه احوال
کافه آدمیان گردانیده و حصول بقدرت و وصول بدین طلب اعلی جز نمید
قواعد صلاح و نایب مبانی اصلاح که موجب رفاه نامربوط مطالب
کافه نام است صورت پذیر نیست و قطعه انوار این احوال بر پیشگاه خیر

علی حضرت خاقان چغتای که آن عیسی بن مریم بود و آنرا اوصاف بخوار
 رحمت الله که الله المستعان ابو البقا سلطان مراد خان که الله تعالی
 فی خدایم الجنان نافعه بود و فرمودی آنها وزیر و سعادتمند و غیر اینها
 امینان دولت از حمزه باقری و یارانش و اسامی صلیح و صلیح و صلیح و صلیح
 جهت رفیع احوال کافران و فراغ بال اهل اسلام و غبار طغی و کدورتی که
 در سوابق انیم بواسطه بعضی امور فیما بین ارباب باختر بود از بهر بیایم
 عواطف احسان محو گردانیده بودند و تا چیز حیات آن اعلی حضرت فرمود
 عزلت شیوه مرضیه و مصداق دفع و موافقت و طریقه حق و الفیت و
 خصوصیت فیما بین من و من بود و بین آن عهد میانه و بیکت و بیکت
 محرم اهل عالم و طایفه شیادیم در هر در رحلت و بیکت رحلت نمود و ماکت
 ماکت از نقد و تصرف مصون و محفوظ بود و چون آن اعلی حضرت فرمودی
 و الله یدعوالی دار السلام را الیک اجابت کتبه در روضه رضوان شریف
 در دار السلطنة قزوین که معتد طغیان بر خاندان خلافت مکانت این
 طالت اند و از کشته و وقوع این حادثه تا ایام افعال تحت غم و بدل اهل
 یا فیه کمال کلفت و پریشانی و فشار بر طریقه غم و غم و غم و غم و غم
 خلعت نصرت و درویشی طاعت پادشاه جمجمه ملائیکه خاقان که کتبه
 فرمودن بیکر که و از شجاعت و دینداری و طراز منته خلافت و جمجمه انانی
 سلطان و کتبه و سلطانین نشان خسر و کتبه و کتبه و کتبه و کتبه و کتبه
 بساط الامن و الامان ناشر صحابین العدل احسان ظلال الله ملک الامان
 کا لوی انازل من السماء و ارد کتبه مشفق معلوم کتبه که اگر چه ان و افعال
 تحت قوع یا فیه اما محمد کتبه و الله که سریر سلطنت شهریاری و توارسند خلافت
 تاجداری خامنه عظیم الشان عثمائی بوجود همایون صاحب قرانی زینت
 یا فیه از نور و این تبارت بجهت تبار سرور و بی و انتها دست از بهر
 مکر کتبه و عوام سپاه حضرت باری عز اسمه فیما نمود و قرار را از خاطر

این در اوصاف است
 و در اوصاف است
 و در اوصاف است
 و در اوصاف است
 و در اوصاف است

خاطر این بود که نباید استحقاق بنیان صداقت و موالات عاجل را یکی از امور
 نامدار و معتقدان درگاه را بر سر سالت بر پایه سر بر اعلیٰ خاقان و سده و بیست
 عرش سالی استقامت فرستاده و لولام تغری خاقان مغز و کمال و جلوه سعادت
 ماکون علی حضرت پادشاه حجه سکنه سپاه فریدون بیکاره تقدیم رساند
 در خلال این حال اخبار وحشت انگیز از جانب خراسان متواتر میشد
 معلوم شد که عبدالکون خان و ولد عبداللہ خان پادشاه ملک ران در کسک
 باتماچی عسکران و پادشاه اسان درآمده قلعه سنواری که در تصرف اعراف
 این درگاه بود محاصره نموده در بنحیران جد و جهد ملاکلام و معی میدارد
 تا اثر حقیقت مانده در کانون خاطر عاطر زبان کشیده قبل از خست یا بلخی
 نیکه بر عواطف بیدریغ اعلی حضرت سلطان ملاطفت نشان کرد و بیکه ختم
 عسکران که محصور بودند هد متوجه خراسان گشت و در رفع انجم
 ناکبار را پیش نهاد اہمیت الانہما ختم بر عت استیصال نام رواند
 و در اندک مانده بعون غایت اعلیٰ معین ہمت و الانہما و دناہی دفع
 قوم نموده عبدالکون خان از آوارہ موکب خبر و زنی شان را بجا داشت
 شایو درہ حبل الخال کوفت و جمیع کثیر از و زبکیم طعمہ نمشاید
 بسیاری از امر او سرداران معتبر ما و از انہر بیت عسکران ہم قدر بقدر
 و مہمات شکر ساز بر فوق حرام صورت انجا دادہ بغیر از اقبال بفرست
 حاجت واضع شد و ابالت حکومت پناہ شکوہ چشم شکستہ غم
 الامراک العظام ثمتا للایالہ و الاقبال و ذوالفقار خان فرستادہ کہ از اعلا
 امر او نامدار این سلسلہ عملیست تا کید قواعد الفت و یکای و تہ سیاف
 خصوصیت و رفع بیکای بد رکابہ کلک شال صاحب ان بے ہمال خست
 حقیقت خلاص و درونخواہی خود را مدح و ابالت شاہ تار التہ و در
 سر بر خلافت حیر گردانیدہ و معذرت تعویق و تاخیر در دست و در
 واقع شدہ بکرم مانہ و عنوایشان رجوع نمود ترقی و ترصد از اہل
 محترم است کہ ابالت شاہ مشارالہ را بشرق قبیل طہ خلافت روز افزون

شاهنشاهی مرا فرار کرد و ندیدم بنوعی که از اشتقاق و خیر اندیشی و سلامت
ان عالیجاه اقبال پناه سزد و زبید در معصنات او خود را معاف نشد
انضاری حاصل نماید و چون انجلیان به رمواد اخلاص و دولتیان نیست
مماندان و الا مکان پادشاهی نیست ازین که کوشید و میکوشد و در طریق
مصادقت و موالات را هیچ قدم و ثابت قدم است طریق است آن
وزارت و جلاله پناه عالیجاه نیز در استحکام قواعد و مصالح و روشی
و استقرار سر رشته موافقت و یکسانگی جانبداری که باعث امنیت عالم و تقویت
احوال کافیه بنیام است کوشید به هیچ وجه تجویز امری که معایر را بشکند
و نوعی نماید که بحسن اهتمام و صلاح اندیشی و وزیر عالی شان سلسله
اتحاد و دوستی مربوط و منسک بوده از انراض الزمان از قصور و قور
معصون و محروس بوده باشد و مسلمانان به فراغت خاطر در چهار راحت
استراحت غنوده نیز عواطف بیدار و خردانه و قدح الحال روزگار گذرانند
که هر ایضه نتایج ان هر روزگار فرخند اما طرفین عالی کرد

چون غرض منحصر بود زیاده اخطاب نمود در غرض عبادت
ایام وزارت و ستوکی اقبال بماناد

امام حسن علی
امام حسن علی

مرحوم سلطان سلیم میری

فتح اید که شد در سلطان اقبال که نوید که فتح نامه در

فرزند ارجمند امجد و ارشد و اسعد نو چیده شطرنج و کشور گشایی و نور جدید
خلافت و فرمان دویجی محض لطف الله عضد الدوله و الدنیا و الدین و اکمل سلیمان
طالیه و نال فی الدارین بقا و توفیق رفیع بها برون اصل و یحیی معلوم او را که
پوزنه اول جناب حق جل جلاله در کاهن و متعانت و سید ذریت بشو خلاص
حضرت رسالت علی افضل الصلو و اکمل التحیات روح مروح فتوح
مخشن و استعانت او و به معر سلطانی قاصد و غور یک و وزیر و وارث

پوشند و قد فاندو غوری صیدوب حریق تنوره عنا و غریو نجبه ملا اولو
 خانم ملکان گشت و دستند و طرح و طومار عمری بد قهر و طوی و ننگ و کس
 بعضی قلچر کجوب و بعضی مجروح قاچوب بندخی عکس طومار نرطه ایلری
 تعقیب ایدوب شقاوه واروب ملاطیبه دن تا غره نیه وار کجه انرق متعلق
 قلع و قمع و بلا و امصار و ارایسه و طلق قاهره منقضا نجبه فتح اولدی
 ایل اولسه بغیه الیوسف اولان ملا بد چرخ خار و خن بار صحر او کجه
 نه و حمله کر بزانده لورده انردخی اول جهله فان و خیزان قاچوب مصر
 جانبین کجوب افکار نکرده و ارایه کاسه لرله ایلکرده طومار ایا نام کسه
 سلطان قصب ایدوب اولن یارده دخی چرخ جندی و عرب هند طایفه دن
 نقد رکسته و ارایه اکلیاننه مجتمع اولوب و انکرده غیر بعض عرب خلیج
 ایل یوب و قوز بیک مقداری لشکر اولوب جا لیا التروک و جود نایا کلر دن اول
 دیار فی ظهیر و بنیان سلطان کن قنبر ایلک نکرده بر موجب فحای قاذغز
 فتوح علی الله حق تعالی بد توکل و شکر سائک علیه السلام مجرانه قتل
 ایدوب اعلام خلف و ثار و الویه سعادت عمار و عاکر جنگی و صاعقه خیز
 و امین خانی و شصت کاشی و تازی سوار و خیم کار ایل و غیرت بدایت جا
 و توجیه سعادت انجام مصر جانبیه منصرف و منطف قیلوب اولدیخی
 ستم ملکان لاهوریه تمیز اینه و کی جانبی غزالی بعض عکس ایل غره
 جانبیه ارسال یمن ایمق اول طرفه کلیمکت قدوة الوزر او العظام
 عمیق الکعبه و النخام الغازی فی سبیل الله المحامد لوجه الله وزیر اعظم
 سنان پاشا انده بولنوب نکر و غم جانبیه کلا و کیرکک اوزرینه بولنوب
 جنگ و جدال و حرب و قتال اولوب سنان پاشا غالب و انکر و مغلوب اولوب
 بعضی قلچر کجوب و بعضی قاچوب و ارایه صده اولان عکس لرینه وصول
 بولنوب بندخی سعادت بولنوب غره و کسان پاشا ایل اولان نکر جبار ملاقه
 اولوب انون جمله عکس لر بریه بدخول ایدوب منازل بعیده و اراکل بریه
 طومار اعمار کبی طی ایلوب حقاقت نایبیه سهولتله قطعیه بیعتوب انکر بوجا و ز

جنانی در آن ملا خطه سیل اولدن شهر ده و قلعه لرند طوبلین و انگری
 مصر لکندر رهنده و سایر برده و قلعه لرند طوبلین و قنقلون احضار ایدوب
 شهر مصر را کشته و بر دانه نام خلد و قوروب خند قنقلون و بر مصر ایدوب
 قنقلون طوبلین و قنقلین کتوردوب و سایر آلات حربین و تمام ایدوب
 تاریخ هجرت رسالت منزلدن **سنة اثنی عشرین تسلیما** در خاتمه یک
 بکرمی طقوزنجی کوئی یوم الخفیس در قوشی و قنقله بن قوروسما در نزل
 ایدوب حکم شده اول ترتیب ایدوب و کله و قنقلون و مصر لکن و ایدوب
 صحراده الایدب یسایوب صایغ و وصول جنان حلب را رسد قلوب جمله این
 اول و کلوب مقابل ایلمی عکس طفر تا شرم و خنی فوج فوج مانند غنای موج
 جوش و خروش ایدوب صایغ قورده فخر الغرات قاصع العیصات مشا را ایدوب
 وزیر اعظم سنار پاشا و وصول قورده و کتور و کرم و شیر خیم پانک قورده و غنا
 نهنگ حلب بیجا و وزیر بونس پاشا و طوروب هما بنیندن طوبلین و قنقلین
 جنگل شوبای لاشوب بر نخی و قنقلین انزلی بن یغفک الغراران فرزند فیه
 بای شدید این آنها قلوب لکن جرافخ ائرم انکرو طوبلین و قنقلین
 و سایر آلات حربین و طغی و کلبی جام خون اشام و کیمی سان شیان
 اثنی و ایدوب و کتور و قنقلین را نپایه پایان کیم یانوب طوبلین و
 عیو و صحراده ایدوب و کتور و کرم و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 طوبلین و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 قوروش و دوند و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 جبشند اول و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 اول طرفه متوجه اول و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور و کتور
 بر مقتضای فرموده الای حزب الله هم العالمون عاکر طفر زهره

غار و منصور و اندک لشکری مغلوب شد و روز اولوب این امر کو بیان فرار
 اختیار اید و ب پنج سی قلچون کجوب و پنج بکری و سردار لر و بیکی بکری
 و سایر عیالی و شوب اول فاجوب کد نری و غنی عا کر فغ قزم فقیت اید و
 علمای مکتوب و بعضی بنا ملین مقید و محوس حضور لامع النور کد و روز
 هفتم حیر و علف شمشیر اید و بارش ادم کشته کردند و بینه لرا اولوب
 ذکر اولنا خنجره اوج دورت کردن و کله اقامت اید و بینه لرا اولوب
 مصرع متصل شیر کتا رنده جزیرت بولاق و یکم معروف خنجر شرف تر و مکرر
 اولوق و کسک قلچون خدا ص بولب قیا چر کیم و جندی طایفه ای و اندک
 فولری و نوکوری و بعضی عربان یکیدن زیاده ادم جمع اولوب سلطانای
 طوما نای ایله شوب **سنة ثلث عشرین و ماه** حمر و شک التبعی کوفی یوم ثلثا کیم
 خفیه کلوب کوشه دن شهر مصر ایچنه کیر و ب اسواقده خند فخر قید
 اید و بشهری حصا اید و ب صعب اولره دشوار محله لره التجا اید
 جنگه مهارت ایتمک استیسی علی الصباح عا کر منصوره کد و مقتدر
 واروب بعضی بریرین احاطه اید و ب جنگه ایوبی و نایسه و داخی
 بریسه کون ماه محرم کوفی کفیه که جمعه کوفی برین و دولت برین
 و بر و غرت بری ر بن عز و اجلال یل واروب قایوم خلق و یکدن قیوم
 بلده جزیره احاطه و محاصره اید و ب عسکر ارم هر طرفدن کیمی یاده و کیمی
 یور یوب کیمی اندوک حصا اید و کتری و کک عضا و زید و جعفر شیر و قنبر
 حواله اید و ب و بید اولان روم ایلی و اطول عسکر و کک کک کک کک کک
 ناله های ر و برین و صدای کویکیا و ساینون و ماغ کک کک کک کک کک
 کک
 باران فسال و سها و دندان و قهر اتقا اندر یوم یفا هم العذاب قزم
 و من تحت رحمتهم فحوا لهن معاینه کوسه و بیضا و قری خند فخر و کک
 و التجا اید و کتری و کک بعضی عسکر اید و ب کک کک کک کک کک کک کک کک
 ایچنده بولنا و عدا لیم حره و فاجوب کک کک کک کک کک کک کک کک کک کک

بعض بلنقه را بچند جزوی کند را اولوب کلمی ثمنه مقادیر است ایما سکله خاقانو
 حالانکه و کالریه و شکله مغز و اولوب کبر و حرکت جمعیت در خانه اولمه قوی
 اجدن اننا و اتمه اتمه قوی کفر فخره کس کس و میر و بقیه مملکت کفر فتح
 تسخیر ایچون بر نامدار سردار عاقله اربعین اولنق مهتمای و دولت
 اولمق حالانکه اولان کسور کرم الی الاجال مرتب مراتب الخلافه الکبری
 مکمل ناموس السلطنه العظمی سیه بیته داروغا مبرز کوسا و بیجا الجایزه
 المختوف بصنوف لطایم الملک الایمن مراد پاشا ادام اتمه قوی اجلازینها
 حشمه و اقباله و سربالخره امانتک دانسته ممانه زبور شجاعه اسلحه و شاهر
 ایاتی جلایه جلالت ایل بر سر لسته اولوب و فو زکده و فرست و مرید فهم کیست
 و فرست بجایه شهاب مننه و رای صیانب و فکر ثابته اعما و هما یونم اولمق
 جمله کاکر کفر کثرت مرور ارجیل القدر و سیه سالارنا فدا القدر نصیب
 نومثال لذلک متقاله و یردوم و بیور و موشار الیه جمل ممالک و مملکت
 سیه مبارکه کده فهمای یونمه نامور اولان بکلر بکلیر و کجاق بکلرینه و بکلر
 و منفرد و جاش و زعماء و ارباب بیچاره و بکلر خلق و طوچی و عربی و سیر
 برانجه دیو بکلر انچه و ارنجه دیر کده منفرد اولان قول و مفسر و اراولوب
 عوین عنایت لایزال ممالک اعدا و دینه دخول ایل کده و کاه و هم فی الامم متعین
 کس کفر و ماثرون مقدس یا نیجه مسو سفلیوب ثمنه قار شو و ارباب ضامن
 محارب و محتان ایدوب انواع اولد لکنده و خدمته بولمنش اختیار و عوین
 قول و رم ایل و ماثرون و دخی عنایت حی ایل هر مورده و مجد و علی
 اتحاد و اتحاد کده رایلی برقرار ایل کده و کس کده و کس کده و کس کده
 مملکت یا قریب سینه باموال ارزاقی زعماء و تالان ایدوب و زواج و اطمان
 اسیر اتمه و کس کده و کس کده و کس کده و کس کده و کس کده و کس کده
 تدبیر و وجه و محتاب کس کده و کس کده و کس کده و کس کده و کس کده
 سلطان قاض و جمل اغور هما یونمه خدمته و یو کس لکنده و لوله کس کده
 و زرا و بکلر بکلیر و کجاق بکلر و منفرد و جاش و کاتب و زعماء و ارباب بیچاره

۷۶۹
 و حقیقه ده اولان
 سواد معلوم مراد یا غایت
 سر اولوب و انکس
 اولی صاحب اولمق در غفلت

و قایوم خلقی و یکتوی قوکر و دم و ساریجه بی و طوبی و جری و بالجد و
صفیه و کینه هر کس و آرایه مشارالیه بنم و وزیر اعظم و وکیل ملت و وکیل
سر عسکرم بلوب الک سورنی بنم سورنم و اعراف بنم اعراف بلوب کلان بنم قیو
اصفا ایوب سورنم مخالفند و امریه عاهدندن حذر و اجتناب ایلیه
مشارالیه دخی الیها ذابانه تعجبی سو و تدبیر ایلیه عا کوفت انتم محاکم
محو و مدبر بر محله ضرر و کزنه و نقد و تحا و اولمقدن اجتناب ایلیه مومی الیه
استنبول طر حقه قدر و صحت او غور هما بو غده خود می سولای و بر یکدیگر
بونا ناره ایضا قاریه کوره اکور و زارت توجیه ایلیه و اگر یکدیگر یکدیگر
و سخا و بلور ایضا قاریه و سایر بیوس و کوچیک مناصب و در یکدیگر و صلا
استاد سعادته عرضم محتاج اولوب کند و می توجیه ایلیه که چند مستحق ایلیه
اصلا قبولنده تردد و خلف احتمالی بو قدر و سفر هما بو غده اولند هر یک و اولو
اولسون بو خدمت ایلیه ما مور اولوب طاعت امر مقبول بها و نکاح ایلیه
عنا و مخالفت ایلیه اصلا امان و زمان ویر میوب اگر بونی و مقدر و اگر
ایکی یکدیگر و اگر صلیب یکدیگر و سایر انواع عتای ایلیه معا قیام مقدر
و بالجد بحسب الشرع و القانون هر میه مستحق اولور سه بلا تا خیره جزا و عین
ویرد کره سایر و وجوب غیرت و سبب بیضی و اقاع اولو

احمد پشایہ و بریلان قبو و اتفق برائے صوفیہ

چون حضرت کردگار ماکه الملک الذی سخرکم الفلک فخراسه مجرئای
 الله الذی سخرکم البحر تجری الفلک فیہ متفقہا نجہ سفای ظفر قریب طینت
 روزافونی مواضع شرطه مهاب فخرنا الذی سخر البحر یامرہ رخاۃ حیث
 احباب ایدہ رخاۃ ماکه در مع کوه سیمار و جناب پروردگار قال لا الہ الا
 عز وجل السراج معنای کرامت مغرای ربکم الذی یزعمکم الله فی البحر تسفون
 حسد کما نجہ زفارق مضرت شعارق خلافت ابره و فی ساعدت نما
 و مولایانہ ان یسیر السراج بمشراکات لہ عیان یجربا یبای ککوه و ما موند

وفاقیہ شیعہ مذہب کے قیام میں
مکمل ہونے کے لیے جو کچھ
کامیاب ہو گا

و مراکز صفت مجازیه و لذت و اقبال به زوالی تبار اقطار روی زمین
 صنعت مکان و افکار تجری جامع ایدلیل و تبار روان و هواد و سعادت و محار
 سنوکت و اجلال ایدی لا تصالحی قوه باوان و حملناهم فی البر و البحر علی
 وایم الجریان و شموع قمر لوع قانوس کینه فتح ما نوس خاندان دایض الهانی
 و التقریر نامه منازل سیاقی او زره بدر تبار اکتیایان و منجوق عیوق شروق
 دعاء سیندریکه و رومان رنغ البنیاعی و الشمس تجری مستقر مصداق کوه
 مانند اقبای کتاب و رخسار ایدی فلما جرم حسب القول اعجاز مدلول انیس
 بدوم النعم و منطلق مصدوق لیسکتکم لانیدیکم یووا به جلیله المزا
 و رغایب جزیریق المناجیک قطع صافه دریای کیمع الغضا یکر و اجلا لادک
 و لیسنا و حقوق نعمت قزای حمد لازم الاکتیایان انکرتی التی انفت علی و علی الدی
 کرمه کسک امتثال مضمون به مثال موجب ترخیصان نعم منعم اولد و غی لجله
 ابا و اجداد بهشته معاد و کلا فاشراف فردوسی رفادرم انار الله بر اهلهم
 و نفت بالجنات موازینهم حمایت بقصد السلامی و جبهه هیت و بر و حر و اماست
 مراسم غزای غزای قصارای منبیت ملاحظه ایلد و طری بکیمه جناب جملانیست
 الولد حر بعدی بابایه الفرمضمون نه اقتدا و من کاشبه اماه ما ظله مکنسونه
 ایدوب زمانه و قتر اندر ابواب عز و جها و کشفاده و لبا بقیال اهل علم و اماه
 اولقی و قبول السلام و التزم جزیره دلیا با و امتناع و قصد حضرت سمن و قطع
 ایدر کتا رخاک رک بقصد قدار لری ربه انقیاد و دره مندر و نه سب هم
 حور و شام غزات نجسته اعلام ایلد ماصدق حتی یعطوا الجزیه عن ید اولیخه
 دار و دیار کبیت مدار و تحریب اهرای و ضرر سیوف کات ضرر ثانوی ایلد
 دما و خبیثه لری اهرای و اهل و عیال لری بی کلمه قاق و کحلا فطت سولخل
 جزایر و حرکت مسافله بنا و زره با عن حصص حصصا و معار و جالیناس
 بعضای اقطار بسبب محاربت بلدان و امصار اولان طوائف تجار و منفعت
 انکار امن و اماقی و لایه و باد و طوق ایدون رعایا و بریا کک کون اطمینانی
 بر سر دارا صفت قانوس و کیمه لارستور و اطوار تغییر و لکله و کله بنا و

حالا وزارت پل قبول دایم اولان کسور سکرتم الی اخر الاجلال حرب مرات الحلافة
الکبری مکملنا من السلطنة العظمی رافع رايات معدل کسری جامع آیات
پروزی المربط فی سبیل الله المهاد لوجه الله المخصوص منایة الخاق الذی مختار
ما یث احمد پلک ادام لقلل الاجلاله وضاع غره واقباله کلام حکمت مسوک
خداست الملوک نصف الملوک قولنج حرم ملائک محرم نظر کیمیا ارشد و سیمین لایز
ترتیب الکیه خاصیت و نتائج خدمت صداقت منقبت یز جیست غایب نظر سید
و طیف ککیت منزلت جمع اولان و نور شجاعت و شهادت و عزت یابست و فطرا
و غیر نقیبت و حسی امانی نصیب خا طر فرخنده ثمار و مخزون منعم فیض خلاهر
اولد و غنم غیری طبع در کک جامع شمایل فضایل نا محصور منوع و قایم و
جلال امور جمهور و مرات ذهن تابان کیم کدورات غرض و تقصیدن صفای
اولد و غنه اعتقاد و مقرون و اعطاء و فوا و صابت غنم و المغیر مشا کالیه
غبار کک جبار غایت کونان مع زون و محیط سما بسط عا حلفت خسروانم
لجه اکفن اولوب علی غیر شانه قتل حال لا یوسه عمیمة المیمه و یول فرخنده
قاله اوق منیر تجرینا اولان و ننما هما فوم کیدرنه ما و لای کون نصر کیم
و جنود ظفر ایدین مشا کالیه و زیرم ادام لقلل الاجلالیه سردار کیم
نصیب یوب و بوبرات هما یون یحیت آیات حشمت سمانی و یردوم و جود
اوزره فرمان ایدیم که مقارنت دعا و خبر اجابت و هرا فقت توجه درویش
مظهر ملذذ رای جوتوب بسم الله مجربها و مریدها کلید سید کویا اولد قد نصدر فاذا
استویت انت و من حکم علی الفلک قتل الحمد لله مؤدکنه و ردایا و دیان و اذا
رکبوا فی الفلک دخول الله مخلص مد عانی ذکر کمال و مثال المربوب فاذا
عزمت فتوکل علی الله و صیغه هر نه مصلوح خیر حاکمه شروع و نه مکر غریب
رجوع الی الله لسته اولاد رکاب رتبه الی باب و بارگاه فتح الی اوجافه خلوص قلب
قالیه یوکل و روح محمدس حضرت فخر کانیات علیه افضل الصلوع و اکمل
التحیات توحید و اوج شریقه چهار تار برز کوار و یار صیابة خیار و اویا
ابراه و شایخ کرامت شارک بهم معنوی درن استعانت و لتغاث بعدن

چون ایات قدیمه ربانی و فصوص سعادت نفوس سجای تنزل عظیم و فراقیم
قتال شرکین و تعذیب کافرین ایچون مطبور و مبتین اولغین ابا و کرام واجداد
خطا ملک ناد الله براهینهم احراز ثوابات عز و جهاد ایین هدایت معتاد لری و
نمدخی ذات خلافت نصاب شاهانه هربار حقک عنایتی طهر و یاور و ریاست
جهانگشای حسروانغ مقارن فتح و ظفر در ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله
ذوالفضل العظیم بناء علی هذا حضرت و اهب العطیات و الامال در کاخانه
روی مال ایدوب فاذا عزمت فتوکل علی الله مقتضای سنجه عنایت بی غایت الهیه
عم نواله توکل و سالار دسل و هادی سبیل مقصود جز و کل حضرت محمد مصطفی ک
صلوة الله علیه و سلامه حضرتک معجزات کثیر البرکاته توکل ایدوب ان الله
یحب الذین یقاتلون فی سبیل صفاکاتم بنیان مرصوف یتنک فحوای سعادت عما
حصه دار و بهر مند و جاهد و ایا موالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم امریه امتثال اایه
دارین ده مثاب و ارچمند اولق ایچون غایر عزم و نیت ایدوب کفار فجار
و طایفه اشرار دن فرقه انک و من منحوسکه رسالت سید الکونین انکار ایلله مانوس
عراقین فتحند نصکره طرف بادنا هیدن تا نارخانه باز لان فتح نامه صوره

معلوم اوله طایفه او بان قریبان کفر باش خدایم الله تعالی و درمهم تغییر
مرام دین احمدی و تبدیل قوانین شرایع محمدی ده علیه افضل الصلوة و آتھا
قبام نام کوستروب اشتغال متاعل ظلم و فساد ایله ثالث فرعون و شداد و مالک
مالک الحاد و عناد اولغیله پیر و غرود و عاد و لولمشلوا یدری لاجرم الملک
ذکر ظلام و عدوان و ضلالت دین اینیہ روزگار دن مصقلہ شمشیر غرہ نظر
تاثر ایله تطهیر و لائق لازمه غیرت دینداری و صاحب قرانی و عارضہ
حجت کشور کبری و کیتی ستان اولغین حضرت قناح ذوالمنن تقدست الأوف

و تتابعتم نعماءه و نك علو غنايت في عتقا و معو رافت فنوح بخشالونه توكل و اعتماد
و سلطان انبيا و برهان اصفياء هر يكين رسالت خاتم الكشيتري بنو ق خواجه
كوبين و رسول ثقلين محمد مصطفي نك صلوة الله عليه و سلامه معجزات هدايت
اياتنه توسل و استناد ايدوب چهار يار ابرار و محابه يزر كوادر رسوان الله
عليهم اجمعين ادواح مقدسه لربله كوره اوليا الله سعادت انتباهكم هم طفر
قريند ريغي بينوا و رصير ايدينوب محض تهميد شعائر اسلام سعادت انجام و
تشديد دين سيد الانام ايجون عليه السلام مجاهدان كو ايك حساب و ثريا انتظام
و مبارزان حسام احتشام و مرجع انتقام ايله ديار شرق غرمت هابون اولدوق
جمله احوال سلطنت زاهر و كافه امور خلافت باهر جناب و دارت ماب
صدارت نصاب دولت كتاب سعادت انتساب واسطه عقد لدولة الابدية
رابطه عقد السعادة السرمديت فايد جيوش الاسلام صاحب لغز و الانتقام القام
الصمصام ضرغام بانك انتقام اصفا الزمان ملا زاهر الايمان حج الرحمن علي الانسان
مصدر الطاف في اشهرها مظهر عواطف الله تعالى الذي نزل الانجانب دولته نور هديت
منافق سعادت شمس الاعتلاء الغازي في سبيل الله المجاهدين لوجه الله مبارز الدولة
و الدنيا نظام الملك قاي مقام سلطنت لشكر كش ساي مرتبت وزير اعظم جناب خلافت
منقبت سرعسكر سلطان ابراهيم پاشا ادام الله تعالى اجلاله و زاد اقباله نك راجيد
طفر يدايت و افكار پسند دين نصر نهايت درينه مربوط و مفوض او لما غين ايات سعادت
سمات خسروا تمدن مقدم بعض ديوان هيجاشناس و بهادران ستاره قياس ايله مالک
شرق استخلاصه فوجه ايليوب فرمان جليل القدر پادشاه مقتضائيه و لايت ياد كره
وصول بولدوقده راي حكمت ادا ريكه انعام معظمات احوال سلطنت ده دكن ركن و نكر
فوايد نمازي كه حل مشكلات امور ملكت ده كشف يقين در سابقا مضافات مالک محمدين
اولوب و لايت كوردستانه متعلق اولان بتليس كه حاكم و اليه اولان شرف خان نام

توش بله او چورماز ايکن وزراء شجاعت شمار و مير مهران ذوي الاقدار
وامراء نامدار و عسکرا نچ شمار مک يوزلري اغ اولسون جيل تکرند
مرکوز اولان و قور جلادت و قهر شهامت مقتضا سنجه اصلا طوب
و تفنگلرينه باقايوب قور قلعيه استواردي بلا توقف حصار ايدون
طابقه نصر نينه به قوت اسلحه ميه ي بلدر مک ايچون ملا عين خاسر نيک
بو حصن حصين ده مقاومته اعتماد لري اولان ير لوک مقابله سند
مترسلر قازوب راه عدمه رهبر اولان اجدها پيکر قلعه کوب طريل
قوروب اول سنگ نراز و صاعقه کردار طريليله و امطرنا عليهم حجة
ايت کريمه سر نمودار قلوب جا بجا الغلرا و رلر قده و جعلنا عاليها سافلها
فخواسنجه قلعه و ديوار لري ماصدق دوشوب بکري کون مقدار ي مطلع
فلق بامدن مقطع شفق شامه د کين حرب و ضرب متما دي اولوب باي
و هم و خيال معبر و مهر لر نره تنک و بر يدر نيم و شماله کذر تنک اولد و عند
ماعداء بر قاج کون بيل و نمار کثرت امطار دن جنود مسلمين ياد رکل و قلعه
نک فني هر وجهه مشکل اولمشا بکن عسکر صاحب قراني زحمت کل و باراني
محض رحمت و زخا رخت يلوب متوکل على الله الملک لاکين شين نر کي روز
و شب بر قاج دفعه هجوملر و بوريشلر ايدوب بويدي حصار دن اولاي
محيطه غلظ ما ندي وادوش صوري النوب افشه و ديلوب تاينا ماه صفر المحرم
اون برنجي کوي که بوم الجمعة در اول عيد مؤمنين ده هر وجهه متين و حصين
اولان اوج قات حصار ي دنجي يعون الله المعين قوت قاهر خسر وانه و سطون
باهر خد بوانم ايله فتح و تسخير و انچنده اولان بشوالتي بيک سوار ي کفاري
طعيه شينرا و لوب بقيته السيوف اولان کفر فخر ايج قلعه لر و تحصيل يرو

و بارک الله البت که ماه مزبور که اون طوفونچی کونیدر اول روز فرشته
 مفتوح ابواب فتح مبین و مبشریت و بشر المومنین جانبندن انا فتحنا الک
 فتحاً مبیناً صدای کون جان و نصرتک الله نصرنا غیر نادای صحاح جنات
 ایرشوب قاعه مزبوره بعنایت الله تعالی بالتقام و الکمال فتح و تسخیر و
 اطراف و اکفافه اولان قلاع و قری قبضه تصرف ملوکانه داخل و لغین
 حضرت فتاح منانه حمد فر و ان اولوب بوفتوحات جمیله نیک عامه اسلام
 میانه اعلام و اعلامی لازم و مهم اولغین بورد مک حکم شریف واجب
 الاتباع و مصلوب و لوقده بونعت غلظی و موهبت کبرانک هر یکوز حمد و
 شکر ادا ایدوب بقای ذات نصرت سماء و دوام عزات ظفر ایام بون
 فی العدو و الاصل ادعیه اجابت ماله مداومت و اشتغال کوسر شرح

الحکام

صورت مکتوب سلطان سلیم خان دکر
 سلطان مصر غوری طرقة ندرکی مکتوب در

چون سلاطین نامدار و کوزین و خواقین عالی مقدار اوزنک نشین که
 حافظ دین و جاوی سنن سید المرسلین در بیس هرگاه که جبل متین سترخ
 سین ده تعرض کفاد و ملاحظه بدکردار دن نوع عقد و افیع اولینا
 رفیع و سنانله اول عقدی حل ایلم و هر وقت که دایره فیجیه عرصه
 اسلامده اعمال فیجیه ارباب بدع و کفر و ضلالتدن فی الجملة نقطه
 تغیر ظاهر اولایع سرتین و خیر خوزیرله حک ایلم سرداران ذوی
 القدر و یاد شاهان اولوالامر واجب و لازم مدرا بله اولسه مدت
 مدید در که اهالی بلاد شرق برنجیه مفسد و زندق بدکردار و لحد
 فتنه و فساد شعار ک المذنب عاجز و فرموده قالمشدر در فرق ضاله
 و کمره ایله کلامه و من الناس من یخذ انداد ایحبونهم کحب الله حسب حالک

در اول دیاره مستوی اولوب و اذا تولى سعى في الارض ليفسد فيها
ويهلك الحرث والنسل والله لا يحب الفساد قولنك هولندن
تجنب و تحرز کو ستر میوب اهل سنت و جماعته اتدوکی ظلم و تعد
یسی فرعون اسباط بنی اسرائیل و بخت نصر کان بیت المقدسه
ایلد و کی معلوم دکلدر حالیا **با ایها الذین امنوا کونوا انصارا لله**
امرینه صمیم دلدن امتثال ایدوب محضا احبای مراع شریعت غدا
واعلاي کلمه الله العلیا اچلیجون الویه طفر دنار و لشکر جوار نصرت
شعار ایله انوک قلعی و قعی اچجون دیار شرق نجیم اوردوی عاوم
اولق تقدیرده و ارایسه مقرر و محقق اولشد که عن قریب نصرت
هدایت فرجام و توجه سعادت انجام منویدر رجاء و انتقدیر که بروق
امید فرخنده نوید **وجاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القيمة**
و مقضای اشارت بر بشارت **والذین جاهدوا فینا لنهتدینهم سبلنا**
سر عزیز **وان یماتکم الادیار** ظهوره کلوب حق سبحانه و تعالی
اول ظالمک شر و شوردن عجزه مساکن سلینک و زرنندن دفع ایدوب
صغیر و کبیرن علف شمیر و لایسته لرین غداي کرک و شیر اتمکه بن بدین
سبب ظاهری قلن اولانشا الله تعالی بس بنیان رصیصل ادرکان نزع
بنونیک علی و اضع افضل الصلوات هدرنه قصد ایدن لکر شکوب و مهور
و اول طایفه مخازینی ابتفاء لوجه الله دفعه و قلعه مباشرت ایدن
غازیلر و مجاهد لکر مظفر و منصور و لمپجون جنود دعاي خیر ایله اعانه
و اعانه اتمک دین غیرت و اسلام حمیه عموما فرضدر و حضرت عالی کوز
ایله دخی ارتنا و کتبا با ما بنمزا ابوت و نبوت ددر سنه صعود ایشده
مرجودر که اوفات مستطایه ده که مظان اجابت دعوات مستجاب در ادعیه صالحه

نسخه
کتابخانه
مخطوطات
تاریخ
۱۲۸۰

ایله تذکره او لنقدن غفلت و ذهول واقع اولیه و هوامع ترفیه و اراضی
مقدسه ده منور و جلایان صلحا و فزایه تنبیه اولنه که ادد باد شوکت
الغنم سنان الملک الشاه
سليم بن بابر بدین محمد خان

دک

صورت منسوب سلطان محمد غازی بجانب شاه ترق
اورون حسن فرساده از منقش محمد بابی توفیق

مولوی

بسم الله الرحمن الرحيم

هذا کتابنا ينطق عليك بالحق انا كنا نستفتح ما كنتم تعملون اللهم مالك الملك
تؤتي الملك من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير
والسلام على من اتبع الهدى خالق كونين ورازق ثقلين جلّت قدرته
وعظمت كلمته حفر تارنيك بنكه والى البلاد حاجي العباد بحري امر الله بحجي
شريعت نبي الله عليه وعلى آله صلوات الله شاه سروران سلطان محمد باب
خان بن بابر بدین محمد خان بن غازی مراد خان بن اورخان برغمان خانم
سکاکم سردار عجم و خان اعظم کيخسرو بکانه فریدون زمانه حسن خان سنغال
شريف و کتاب لطيف و اصل او ليحق پوردم که اکاه اولان کيشي دولته
مغرور اولوب کند و حردن تنجا و زايدوب بي انصاف و حرکان ايتک
علامت انتقال دولت و امارت ذوال مملکت در پيشول و ساوس سلطانیه
که دماغک جو فني مقر ايتشدر استنشاق ماء انابت برله ابي ذایل ايدوب
عقل امامي پيشوا ايدن سن که بزم مملکت ز او الاسلام در ايا عن جد دولت
جراخي اهل کفر کي يورکي باغبيله او يارلش و قلچين دشمن قايله صوارلشدر
آلر اسلام اهلنه يا و ز قصدک و رايه اعداي دولت شريعتن بعضي
و حکامنا بيعت ايدنلر در پس بزم دنجي اول طایفه نک قم و قلچي قصدنلر انلر
ايولنلشدر و قلچي نو شالشدنر بلدم و با عاقل ايدم دبعبه سن سن يور عک جلبت

دكل سوال مبادك تحت ميانمه ده قنار ذوالمن جلت قدره در سنوره
قره حصار اوزرينه لشكره منصور ايله وارلق مقرر در شول قصدايكه
قهار وجبار تقدست اسماؤه بن بده سبي سبب قلوب سنگ جوركي مطلوب
اوز رذن كو نورم و نام و نشاني ناپيدا قلم في الجملة نطول كلام لازم
دكلدر شبلة بله سن و مثال يمونه جواب كو ندره سن والسلام
الوافي ببناء الملك المليك
محمد بن مراد بن محمد رضا

صورت نظرياته انعام سلطان مع غوري
و فتح حلب بغاضي ادونه فرستاده

افضي قضاة المسلمين اولى ولاية الموحدين معدن الفضل واليقين حجة الحق
على الخلق اجمعين الحاكم محروسة ادرنه زديت فضاياله فوقع رفيع بماون
واصل اوليى معلوم اولاكه ادر ديل اوغلي و اكا انتسابي اولان قوم فجار
احلهم الله دار البوار تغير دين واستخفاف شرع ميسر اندوكي اجلدن
مخصا احيائي دين و مرام شريعت غرا و اعلايه كلمه الله فعليا احييون انوك
وجود نابا كني صحيفه روزگار دن حكايك نيشته ديار شرقه منوجه
اولوب نين و اقبال و غر و اجل الله البستانه نزول اتد كن سلطان مصر
اولي دين ايله اتحادي و اتفاقي و اكا تقويت تمك ايجون جيع عملي
و مكل جيشيله بولمز الحق قصده حليه كلدوكي مقرر اولوب علم شريف
محيط اوليحق بر طايغه كه هتك پرده دين اسلام و هدم شرع مبين
سيد الانام و تخریب بلاد و تعذيب عباد ايدوب كفر و الحادي
مقرر اولوب كافه اهل اسلام انلك قلع و قمعك و جوبه عامه
علم و فضلا فتوا و بر دكر نصركه اندره معاونت و مظاهر ايدرن
اندرن اشد اولوب بحسب الشرع الشريف انلك حزني اول طايغه بخدو
مقدم واجب و ام اولغين بيدجي جناب مفتي الابواب كه **وعنده مفتي**
الغيب لا يعلمها الا هو توكل و سيد المرسل هادي السبل عليه الصلوة والسلام

معجزانه توسل ایدوب تمام وشوکت تامله عزیمت عالی نعمتی مصر سلطانی
 اوزرینه منصرف قلوب ماه بنحوق دایات فتح ایاتی کی کون بر برده فرار
 ایتقیوب تاریخ هجرتک سنه اثنی و عشرين و تسعایه دجنگ یگر فی بنجی کوفی
 بوم الاحده جلبدن کی منزل یرد اودنیشک علیه السلام مقام شریفی
 واقع اولدوغی صحراطل ظلیل دایات طفرکار و فتح انار الله مستعد
 اولجاق مصر سلطانی جمیع بکاري و عسکر نیک بکاري شرف الی بیک دامله
 اهن پوشی اولوب الابدین بغلیوب و صفدر بزوب و قلب و خبای اراسته
 ایدوب فوشلق و قنده کلوب عساکر نصرت ماثرمه مقابل اولوب مقاتلیه
 مباشرت اولوب جنگ و آشوب اولاشوب تا اکذوید دکن نواب حرب
 و قتال اشتعال و لوایج جنگ و جدال استعداد اولوب ساکنان ملاء اعلی
قالوهم بعدهم الله بايديكم و يخزم و ينصركم عليهم و يشف صدور قوم مبين
 اوازه سبله مسامع جنود ظفر رهبری بر قلادی جا بجا نيزه لولسان حاله
الم تشرح لك صدرك ایتق تلاوت ایدوب و زخم شنیر و نیر خصمه راخی
 برافزوب و **وضعنا عنك و ذرک** حالت حکایت ایایوب مابینده اولان
 کتله را بچون **بوك تخلصي فم مام** اوجوند کمالدر **۴۶**

دپاچه صورت فخرنامه قلعه ددوس (استاد حمود حلی)

توفیع دفع بهامون و اصل اولحق معلوم اولاکه ابتداء ظهور تباشیر سلطنت
 ظفر انجام و افتتاح صدور مناشیر خلافت نصرت اختتامدن الی هذه
 الايام تا یبید عنایت بی نهایت ملک نصیر و توفیق هدایت بی غایت فتاح
 لا نظیر الیه **بيد الملك وهو على كل شيء قدير** کافه اعانت عالی نعمت یاد شاهانم

اعلام عالی مقام دین متین مبین لا زالت منصوبه الی یوم الدین فتح و دفع
و انا در کفر و ظلم ظلمه طلعت بینی قلم و قمع ایتمه مصروف و سبذ و ل و ل و
و علی لدام صمصام جد و اجتهاد و ششیر عز و جهاد و اخی هاشم عامه اصبا
فساد نهاد کفار بد کردار اوزر مصقول و مسلول اولی عادت حسنه
ثابته و سنت مرضیه خسر و انم اولد و غی سبیدن تسخیر و استخلاص قلعه
دود و س منخوس ایچون اسباب قتال و ابطال و رجاله مال مال اهل
سلطان سلیمان خان بدون قلعه سنی فتح ایدوب آنها ایچون بارغی فتح نامه در

اقتاب سرین سپهر سای عثمایی و ماهتاب تخت فلک فرسای جهانبانی روح حج
مجاهدان نور چشم مبادان رافع اعلام ظفر نشان قاطع عروق اهل طغیان
مظہر ایات انجاز نشان مظہر انه من سلیمان المویذ بتایید الملک العزیز المغان
سلطان سلیمان بن سلیم خان بخالد بالدولة القاهرة و الشوكة الباهرة ما اضاء الموان
و تجدد الموان بجرمه محمد صلی الله تعالی علیه و سلم من بنی عدنان و الله و اصاب ذوی
الایقان **ان الله يحب الذین یقاتلون فی سبیلہ** کا تم بنیان **مقصود** ایتیک
مفہوم سعادت لزوم خصوصت و حصه ملاخصه سیکله متوکلا بغایت الملک الی القوم
و متوسلا بمجرات رسول اکرم غزای کبری و جهاد غطی نیت ایدوب دار السلطنه و
محیة قسطنطنیه دین حاکما الله تعالی عز کل لیلته اشرف ازمان و ابرک و انور اعلام نصرت
اعلائی در و افلاکه افراشته و رایات نصرت ایاتین تمه کرد و نه افراخته ایلوب
قره جانبندن پیاده و سوار نیجه یک عساکر شهر شکار و مودت و ایلله که هر بری ایام
یکار و هنگام کار دارد هزاران دستم و اسفندیاری زار و دلفکار ایدر و روزه
یوزندن و جلاله مال مال مثال جبال نیجه یوز یک طونما ایلدری ایلله که هر بری وقت
حرکت و زمان جویانده فلک فلکی تنک ایدر و مالک کفار خاکسار و اقایم قمار بد کردار

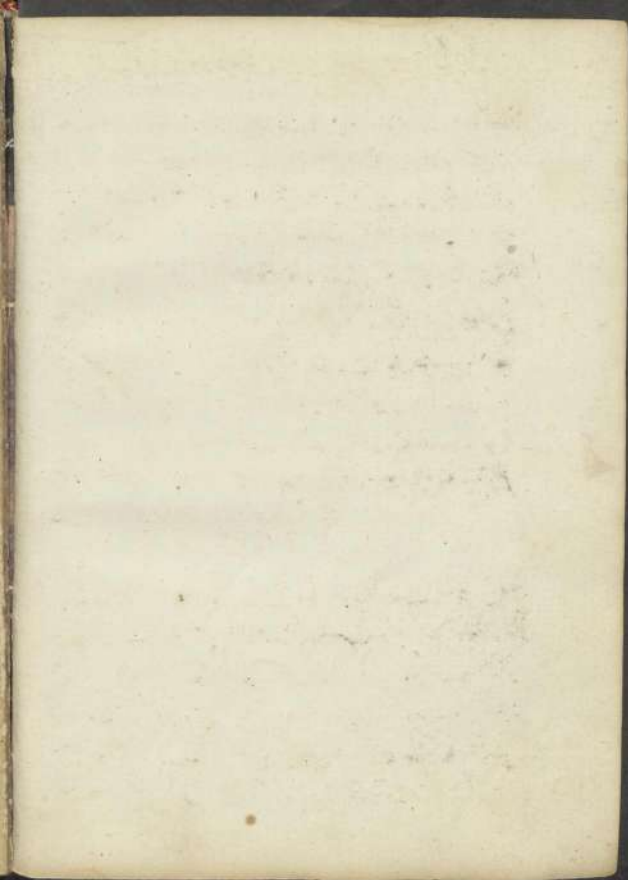
بخاد بد کرد اردن دیار هریخت دقار و کتور خسارت شهاد اکند و منجوس
 سوابق ایام و سوافا عوام بدین ضلالت و شقاوت ایله مانوس اولوب راه
 هدایت و جاده سعادت دن مایوسلرد و عزیمت عالی نعمت و توجیه سعادت
 غنیمت ظهوره کتور ووب و دستور مکرم خسر و تان و زیرین نظیر اصفی نشان
 قطب فلک شهامت و فرزانی و مرکز دایره نجاعت و مردانگی پلنک قله و غا
 و تنک جله هجما المنصور بنصره الملك الاعلی اعظم وزرا امیر الامر اولان ابریم
 پاشا اعطاء الله فی الدارین مایشا حضرت لری دوم ایلی عسکری ایله بر منزل ایرو
 یور یوب و نخل الامرا و زخرا الکبرا سمند زکی دام عزه به امر اولندی که مقصد یون
 نجاعت نمد و مکان دلاوران جلالت نژاد اشرف بلاد نصرت اباد قلعه بلفرد
 اولکدن حماها الله عن الاضداد جادی اولان صاوه صوی و زرنیه کد کثیر
 عقی قائل بجزعان و عرض مشکل بیلغ نشان بی نشان و بی پایان و بی کوان و لطف
 شبهه عارض کله ازان و مانند رخسار شیرین لبان کوشن نشان در مرور دلاوران
 کیوان غزم و عبور مبارزان بهرام دزم ایچون فلک سابر جبر و الا ترتیب
 و پیدا اولوب و زبر مساد الیه بلا تاخیر و احوال و تعویق و امثال امر حجامطاع
 و فرمان واجب الانشاء انقیاد و امتثال ایدوب ذکر اولمان قلزم مایه سفاین
 هلال مثال او زره پروین پیوند و ثریا مانند فی نظیر زنجیر الیه طاق اسنان
 عالی رواق کپی برجبر و سبوع و بریناء رفیع بنیاد الیه که غنیمت عالم کوزلو کورمش
 و وصفی استماع کرمش دکدر روین زنجیر لایله مقصد اولان هر کیمی صان زکو کوهلین
 خوبان الیه کردن بندر و مشهور عشاق کریان و بین السفینده هر کمر کویا طاق ابروی
 مهوشان و یا یشت خمیده مستقر اندر چون ام جلیل القدر بر بیه کلدی خداوند کار
 کوردون اقتدار بر وجه غرور و ترتیب مفود عساکر منصور و سپاه میرور الیه الدوله

والاقبال كلوب ذكر اولان كوي روده عساكر نمز مظاهر في الات جنك وجدال و
اسباب حرب وقبال لربله بالتام والكلال يوقلوب باغی كوتولا كدر و تقويم
نادر و خرم جن بره سرمه مرور و عبور يدوب تلال و جبال استبعاد ظلال الوبه ظفر
خصال لربله مستعد و مفتاح و كوه وادي و اصحاري و بوادي خيام ساقیام سپاه الحج
حشم ايله نعيم اولدوقده و زبر عالی ملكت الغازی فی سبیل الله و زبر اعظم خضر لری
كفار شقاوت آیینك قلاع كودون ادناعدن و ادادین نام حصن حصین كه قلل
رفیعہ سی ملائجه برین و بروج متبعه سی ملاصق فلک برین در قلع و قمع ایون
اوز دینه كوندریلوب پاشای ساز ایله دخی لوی كسور كشت سنه تابع اولان مالک
عسكر كواكب شمار ایله واروب ذكر اولان حصار فلک مداري نقطه و ادر است و چپ
احاطه ایدوب جوانیدن نواز قضا و قدر و موارد تکرک و مطرکی دعد و تطیر
و صاعقه تاثیر طوب و تفنگ و زنبک یغدر و ب اول فلک لبر و جله و ب و
اولان قلعه نك دخان عنان کشیده کی نوسنی ستونه عسر و سحاب منکین طباب
کی سر پرده كودونه برابر اولان بروج و باروسیی قره خاله عوار ایند كوه صکره فوج
فوج اول لشکر دبا موح حصار كد كمل ندن یل و ادر قیلوب شمیر استن نظیر ایل
وانزلنا المحدثین فیہ یاس خدیو مقتضا سجنه و تیر شهاب سیر ایل **فاتبعه ثمان**
تاق فحوا سجنه ماه شوالك و ن بدی كوی كه بوم الجمع در فتح ایر و با چنده بولنان
كفار خاكسادی جمله فیلدن كچیروب كنایس مشرکین جوامع موحیدین و مساجد مجاهدین
اولوب اهل ایمان جامع شریفند از المذا و قیوب و حجم غازی قلوب اوز تکیه جلیل
وز مزنه تجید و تهلیل ایله چرخ انیر و فلک مستدیری بر صلا ایتیل **الحمد لله الذي**
هدانا اندن كجوب اقبال نعمان و سعادت حدستان مقر اصحاب عقوق و مسكن
اد باب شقوق البوق نام قلعه كه بنحوق قلل مرفوعه سی عیوق سماكه طوق بولوب
عیق خندق مكل ملحق عبرت غای مخلوق در عزیمت ایدوب واروب قرو جاننیدن
خيام سماستان و صوبوزدن سفاین فلک باد بان ایله قشاد ب سی و اتمام ایله

الی دخی فتح ایدوب معابد اسلام مساجد اسلامه مبتدل و صدای نا قوس رحابینی
 کلپانک زان اهل دینه محول اولدی و اندن غیری اب تراقیم و رنجه مقدار قلعه
 شرب الی اساس و حصون شیاطین استیناس و ادایه کیلما مفتوح و منخر اولوب خیر
 مزبور دیک سرافچه میسر اولیق پادشاه عالمینا هک دای نوری قرال بد فعال کفر
 آیتک مسکن شقاوت فکینی و کشتکاه عزیمت میکنی اولان قلعه بدون اوزرینه
 و ارمغه منجر اولوب ذکر اولنان اب یح نصاب و تحان مایه دخی بر وجه گذشته
 کیلدا اوز دد مرور عسکر منصور ایچون بر جسر واسع نهاد بنیاد اولوب ایکی
 اوچ کون ایچنده اخر اولوب اول روم ایلی غازیلی یله بیر میدان بکار اورد
 یشته کار زاد وزیر اعظم ابراهیم پاشا ادام الله اجل الله کجوب بعه وزیران
 کیوان مکان و مشیران مشتری عنوان مصطفی پاشا و ایاس پاشا دامت عالمها
 و جله قیوم فولادی و یکجی دلا و لرلی یله سلطان اسلام و السالین خاقان
 الغزات و المجاهدین بنیامر سلطان سلیمان لازانه النصر فی طراز لویه کجوب
 صکوه اناطویه نهاد لر یله امیر الامراء الکرام اناطولی بکلیر کیسی بهرام پاشا کجوب
 و جله عسکر بریره جمع اولوب او نه جانبدار انکروس قراج لا و تر نام بد فعال
 دخی خداوندکار اوزرینه متوجه اولدو غندن متنبه اولدو قلعه تحت حکومت
 اولان ذمره فخره جمع ایدوب و هیبت عزیمت عسکر طغراستیناس دن فلی برحق
 و هراس متوجی اولغین سابر کافرستان بکلر ندن دخی استمداد و معاونت
 ایدوب بالجهل بدی بوزالقی بیک مقداری پیاده و سوار قشک انداز بنه یاز
 عسکر مخازیل ایله تختگاه شقاوت ینا هندن بر فی منزل قمر شوکلوب محتاج
 دیمکاله معروف بر محارده جنود جبال قاتله مقابله ایتک قصد نه طویل و فزیز
 قوروب حاضر و ممتا اولدو قد نصکره بالذریه سردار اولان غورباخ نام پایاس
 بی هر س بی حد و قیاس کما دهر جبت لباسله ایلر و کونر دوب مذکور کلوب برجا

تکذابه بحربه لرجاوب مقاومت قصد نه افامت ایلیوب انکاول مقاومت صدق
پاشای قنارالبه دوم ایلی دلیرلیله وارب مذکور بولمق صدق ایکن پاشا
نسانس اکاه اولوب افامته عدم طاقتدن ینه قراحصادت مال طرفه مراجعت
ایروب بوجانبندن پادشاه سعادت دستکاه دچی عون الهی پناه و معجزه رسالت
پناه بریدراد ایدینوب دایره احصادن تجاوز و احاطه و استقصادن نامش
عسکر قلعه نلاطم و سپاه عثمان جوشانله یوریوب غریب موکب و سهیل مرکدن
چار سوي کوي خاک و دروازه فلک لافلاکه غلغله و والوله برافردی شوکله
گروه پرشکوه کویا برکوه ایدی روان و هر فوج فوج ابنوه بردریای انشراح
ایدی جوشان **بسم** بجه لشکر قنده دوده بکزه تنور بجنده پنهان اوده بکزه
بوکوبه شاهی و بود بدیه پادشاهی برله طی منازل و قطع مراحل ایدوب سهیل
زمانه کلوب عدواندن برود ده بر منزل ده نزول ایدوب و عباد خبول
غزات غیوبه دخول ایدوب اولکون من الغلق الی الفسق مردان دلاوران
عدوانله الله شوب طرفیندن باشلر کلوب قانلرد و کلوب سینلردنلوب
بغرلر سوکلوب غازی بلر عام قانلر چون صبح اولوب اقباب جهانگیر شیر سواد
نمشیر تابدار ایله میدان آسمانی مسخر و سپاه زبکباری عرصه چرخ دوارده
سوروب دریدر ایلی خراوند کورون اقتدار فر و صولت و غر و شوکت ایله
سند طغر سوادنه سوار اولوب امر اولندیکه امرای صف ادا عسکر نظر قطاهر
ایله الای الای قوللر فوله کلوب قرار و اسباب قتال دین استوار ایدلر
بر موجب فرمان جاوشان سپاه ادا طرف طرف سکر دوب جناحین لشکر ترتیب
میمنه و میسر ایدوب کما هو المرام بالتمام صفوف اداسته و جوش پیراسته او
سلطان غزات کندی ذات کرم الصفا ندری ایله یوریوب الحمد لله صفو فخر

دلبران سبوقم بران و دینرخبر لادیان و معجز رحمن و ایستدفع عدوان



هادی و اق دکز و فره دکرک و کت قاهره مضارده عصرک و عموما
دیار عربستانک و ولایت حبش و دیکبار و عین و عدن و ضفانک
و دارالسلام بغداد و حلب و دمشق الشام و طرابلس و ذوالقدر
و سواس و قرمان و ارض روم و طره بزون و دیار بکرو و وها
و موصل و شهر ذول و کوردستان و لورستان و افلاق و بغداد
و دیار تاتار و کف و قیرم و دشت قیاق و کرچستان و غسان
و مفره قیامه تاجدار و دارالملک فروم کامکار اولان قسطنطین
و ضیت عز البلیم نک و دارالعز و الجهاد جزایر مغرب و فاس و تونس
و طرابلس و رودس و قیصریه و اماستیه و بصره و حصا و کلیار و روم الی ملک
و بوسنا و بودین و دمشق و استوار و سنورغون و قنیزه و اکری و نیجه
خارج حبشه و نجر و اولان امصار و مالک و مالک و قطار کباد
و شتهه جمنید سپاه کیمز و دستکاهی السلطان بن السلطان بر السلطان
سلطان احمد خان بن السلطان محمد خان بن سلطان مراد خان بن سلیم
خان بن سلیمان خانم و سنکی حالایم خلقنک کزیده بی و حرمین
و الامان و چه و اسلوبی و خروات طایفه سنک و بیج و نیم و لا
بتلرینک ایمراد و ری افتخار الامراء العظام العیسویه مختار
الکبراء العظام فی الملة المسیحیه مصلح مصالح مجاهیر الطائفة النضریه
ساجد بال الحشمة والوقار صاحب دلائل المجد والافتخار مائت
ختمت عواقبه بالخير سن حالایم و ن محافظی اولان د سنور مکریم سن
منعم نظام العالم به بر امور الجمهور بالفکر الناقب نهم بهام الانام بالرابی القاص

مهدي بنان الدولة والإقبال مشيد اركان السعادة والإجلال
 المحفوف بصفوف الإعلي وزيرم علي پاشا يستر الله ما يريد ويتالك
 كخدا النجى خدمته اولوب ددكاه معلوم متفرقة لرندن اولان قدوة
 الاماجد والاكادام جامع المحامد والمكادام احمد كخدا ربدن مجيد اليه
 عسبار غراحيان ابله مساد اليه ايمبرد ورك وباشا وايكني وزيرلر كن
 اولان مفاخر الامراء المسيحية ومراجع الكبراء الطائفة العيسوية
 بالفعل يبيك وتوي استون وغلم ذل قرونال اولان خنت عواقبهم
 بالخير وما يبريد وكار كذار وعاقبت اندش وكبلر وكر حمله
 بريره كلوب مقدم ووزير اعظم ايكن فوت اولان مراد پاشا ذماتش
 ريتون بوغازند طرفينك وكلاسي معرفت اليه عقد اولوب موش
 امن وفلاح اولان صلح وصلا حك تجر يد واستحكام اوزر ليضم
 عهد خصوصي على التفضل مشاوره ومكالمه اولدقد محل مزبور ده
 مقدر ما اولان شروط وعهوده حرا اتفاق اليه اون ايكي ماده دخي ضم
 والحاق اولوب حضرت عيسى علي نبينا وعليه الصلوة زما مدن بيك
 التي يوزا ونشردا بچنداره وبزم اولودنبرك عزيز ينعمين مرافق
 رسل وانبيا محمد المصطفى صلى الله تعالى عليه وعلى اله وصحبه النخبايانك
 نارنج هجرتندن بيك يكر في دورت سنه سي حمادي الاخره غربي
 كونندن يكر في يله وارنجاه ما بين صلح اولوب جانينندن مهرلو
 صلح دفترلري وبريلوب طرفينهم تمام شفاهي صدر واعتقاد والتمينا

قلب و اعتقاد و اعتماد حاصل اولوب طرفینک و کلاسی معترفدیه
منعقد اولان عهد و امان و صلح و پیمان مقتضایه امرای المسجده تک
مختار و نامردی و صاحب مجد و افتخاری و ملاه زید صدایقه نام
مدین و مصطفی و معیر الجبسن استان دولت استیاد و خاندان عدالت
عنوانه ارسال الی یوب صلح و امان علی ما کان مقرر اولوب مجد و عهد
نامه عنایت و احسان اولتقا سر رجا و التماس و التماس ابدی حق سبحانه
و تعالی تک فضل بحسابی الیه ماوی ی سلاطین ذوالاحساب
و ملجاء خوفا فی شریف الانساب اولان عنیه عالیه الاعتبار و فور
صدقت و اخلاص و فرط مصادقت و اختصاص و زره اولان سلاطین
عظام و امراء فحاش دن مشار الیه ایچیز اندوزی رعایت و احتیاج
اضاف مضاعفه اولدوغی جلدن مزید مراعات علی شاهانه و غیرت
مکارم جلیله پادشاهان دن مشار الیه ایچیز اندوزی مایه اشک استدعا
و التماسی و بود فعه اولان عهد و امانی مقبول هما یونم اولوب
اولیا بدو خط هایون سعادت مقرون الیه فرمان عالیشان صادر
اولغین وجه مشروطه اوزره مجد ابو عهد نامه هایون معدلت
مشخوفی و بردم و پیور دم که ذکر اولنور

یک یکی ایکی سنده سنده سلطان احمد خان طرفدن شاه عیسان نایب
ما بیند ننه خوبرو و لتاق صلح نامه د که خواجه زاده مفتی محمد
افندی حضرت لری انشا الهی الله د ۲ سنده

افسرنامه مسکي ختامه و زبور خانه خامه عباسي جامه حمد و سپاس
 سعادت اساس ملک ناس و شکري قیاس محمدت لباس خالق مشاعر
 و حواس اولق نرادرکه لباس عزت استیناس یاد شاهیدله دیلدوکی
 عبدین مباحی ایدوب خلغ فاخره انعام عامنی اعلاي اعلام سلام
 ایدن قولدینک قامت با اعتدالترینه راست و رعایت رضای
 رب العالمین و حمایت مقتضای شرع مبین سید المرسلین علیه
 صلوة المصلین و متابعت سیرت ال واصحاب کزین رضوان الله تعالی
 علیهم اجمعین ایلبان عبادنه مواد موایدا احسان بی کم و کاست ادب
 طینت پاکری طیب مودت خاندان نبوت بله تعطر و حمیمت نایب
 بخور محبت اهل بیت واصحاب بله تخیر ایدوب سر رشته الفتري اوتاد
 اقطاب و اوتاده بسته و تاد وجود او هام و شکوکی قواطع صلوک حسن
 سلوک بله کسم ایدوب تعبیر بله و ترفیه حال عبادي معتاد مر و کرمیه
 ان ادر الا الا صلاح ما استطعت مقصود هدایت غوثی پیش نهاد نهاد
 قلوب اصلاح حال رعایا و فوز و فلاح برایای بتغای طبع خداداد مر
 و سلوک شاهزاد عدل و دادی مراد فواد صفا اعتیاد فرایلدی ^{سب}
 فبحان من رب هدانا بعدله فبحان من مولی جنانا بفضلله محمدی خردی ^{ایک}
 شکری عذریاب اعلايه که نری سالک یتدی لطفیله شاه راه طریق تویه
 وزینت افزای سر هر ملطفه کزای و لطافت بخشای سر نامه ناجی صلوات
 و اصدات سید الانای نبی سایی رتبه جمیل الاسای رسول عالی اصول
 هاشمی تمای حبیب خدا سرور انبیا جلیل الدنری منخر اصفیا امام صفیر
 صفا اصطفای فی الصفا ^{نعم} محمدشه لاجوردی سیر بر که چشم جهان نزن و ^د

کامد حکم البدی حق دلن . که اسخلة اچدی جهان شکلن . نهناه دکاه لولال او
خوامان میدان افلاک او در . تنصیع الالم سرفراز حرم . وسیع الکرم سروریم شیم
عرب مهدی و عجم سروری . جهان مغرب شاه والایم . قریب فی محرم کبریا
حبیب خدا من به الدین تم . دلیل سبل رهنمای دل . سرفراز کل یوم نصب العلم
جلیل الاعطایا جلیل المجایا . علیه النجایا من الرب الاکرم . علیه من الصلوات سناما
ومن التسلیحات انماها قلحق رواد که خلعت یاکی مبداء ایجاد انش و باد و آب
و خاک و مقدمه ترتیب مقدمات طبقات افلاک و نتیجه یخه لولال او
شرع بین تابناکی اناره شاه راه رسالت و اصحابی کالنجوم بایم اقدیم
اخذیم ماصدقلی اولان اصحاب کرامی اعیاء طریق هدایت ایدوب
اول هادیان دین و متاعل راه یقین سنن سنن دین مبین روشن و انوار
انار حنه و انوار طور مستحسنه لریله دیاض شرع مستبیین غواد کلشن انشاد
خصوصا اقدم اصحاب ضعا انتساب یاد غار حبیب رب الادیاب نور کوار
عالمقدار جمیل الانار منظر ثانی انبیین اذهابی الغار راه هجرت خیر
رفیق و جلوت و خلوت و مونس و هم طریق صدیق جلیل القدر باهر التصدیق
جناب ابوبکر الصدیق رضی الله عنه و اعدل اجله اصحاب و اکمل ادله
شاه راه جز و ثواب زینت افزای منبر و محراب رهنمای طریق صدق و ثواب
که مراد بجه نازل اولدی کتاب اعنی جناب عمر بن الخطاب رضی الله عنه
و جامع ایات قرآن صاحب حیلا و اوار ایمان هئیه اصحاب ضعیف زینت و زین
ثالث شیخین و اقدم ختین اولان جناب عثمان ذالنور بن رضی الله عنه
و امام هدی پیشوای صفاهندی رافع علم رسول خدا منظر نامدینه العلم
و علی بابها ذوح بتول ابن عم رسول صاحب محاسن و مناقب جناب علی بری

طالب رضى الله عنه خضافي كه پيت معورد نيه جدار دكان و سقف خانه شرع مي
 كوتور ملكه هر بري عماد بخت بنياد و قوي بنيان در خلافت باهز و كرامت ظاهر
 مسندند اراده طريقه فاخره دينا و اخيه ايلوب مظهر اجور ز اخيه و معسر
 فيوض داخره اولش در رضوان الله عليهم اجمعين اما بعد عاليجرت كبوان
 رتبت بر جيس منزلت بهرام صولت خورشيد طلعت ناهيد غسرت عطارد
 فطنت قمر فطرت دولت اسان سعادت اقتباس غزت استيناس حتمت لباس
 شاه عباس دام جي هدايت رتبا لناس محض نيكو مجتبه لباس هرو و فاليه ملبس
 و اسان صدق و صفائيه مؤسس حد و قياس دن پيرون و مقباس افكار
 و حواس دن افزون سلام سلامت نماي پاد شاهانه و پيام مودت
 افزاي شاهانه اهداسي و انجذاب خاطر عاظم سلطاني و توجه باطن نما
 و ظاهر فضيلت ظاهر خاقاني اهدايي اليه انهاء مسامت انتتها و انباء مصادفت نما
 اولو كه رتب ارباب و مسبب سباب اولان حضرت حق و فياض مطلق تعالى
 كبريه و تحقق هر عمرده بر عبيد بن تايد مباني دين متين و تمهيد قواعد
 شرع مبين انكه موفق ايدوب اشاعه آيين دين حمدي و اذاعه قوانين
 مائت محمدي علي صاحبها السلام السرمدي ايتكم چون بريند سن اختيار
 و اول خدمت عالي نعمت اليه سر غزت مدارين لائق افسر افتخار ايدوب
 نمينر جهانگيري اليه مدين و امصاري فتح و تسخير و تنوير راي صايب
 التدبير اليه كفار بخاري تدمير ايدوب اباء داد اعتياد و ايجاد
 اجداد مزي ز ارحم الله تعالى ثوابا و اجرا بوسنت سنه و شيوه بهمه اجر اله
 قمر بن بكين سلطاني و ملك شهنين خاقاني ايلوب جل اوقات عليه و كل
 ساعات سنه لري عز و جبراهه معروف و غنان همت عالي نعمت دن اول صوب

با صوابه معطوف ایدوب حنات اتار لری محایف روزگار ده طبق زر
نکار نبل و نمار ده مستور و نام نامیلری و اسایی سایلری الی اقراض
الدور خیرات جلیل و مبرات جمیل لری ایله مذکور اولوب سترغور
دین بوخاندان دولت فیکین سلاطینه نقش نکیں اولوب قصاری رای
انور لری اطفا نایره نصاری بر اختر اولوب طرف اخرا یله اشتغال بومتم
لازم الی کمالدن صرفا اشتغال ایتمکله جنت مکان فردوسل شیان تحیی جلیل
البرهان حضرت سلطنت سلیمان اولان جد امجد من سلطان سلیمان خان
صبت علی مرقدہ بحال الغفران مصلحه جانب صلح و صلاحدن بجانب ولایوب
جدود و در بین با انتسابکن اولان طهماشاه دخی هازمان عنده عبده
اضام اولان غزات اسلام متوباتدن حصم دار اولق امید یله پاچه ورز
لک راهتم کربزایدوب نکهداشتی باشتی باندہ دقت و استحکام صلح و صلاح
دن حضرت کوسر مشیدی و نوبت خلافت خداداد جنت ده معاد
سعادت استناد جد امجد من سلطان مراد غزا اعتیاد صبت علی بحال الرقه
الی بوم الشاد حضرت منتهی و خاندان شہی وجود طهماشاهدن تہی
اولدوقده تاد اسماعیل ثانی نقض میانی امن و امانی ایلایوب صواب
دیدمدبران و عاقبت اندیشه منعقد اولان صلح و صلاحی رای سخیف
مدبران برکیش عقدہ تشویشہ بر اغوب عسکر وافر با فکر جانب شرف
کذر و قلم و ایران و تورانه سفر الی لری نہ بادی و سالک سالک عادی
اولمشیدی خلعت شاهی جناب عزت مایکذله مباهی اولدوقده اعمال
عقل و ادراک و اجالہ شعلہ جوالہ زهن دراک ایله بنہ اسکی راہی
سلوک و کذلک مخیر حضرت پیرایله صکوک غیر شکوکدن نقطہ شکوکی
محکوک ایدوب شعار صلح و صلاح سابق و دنار فوز و فلاح لایق ایله

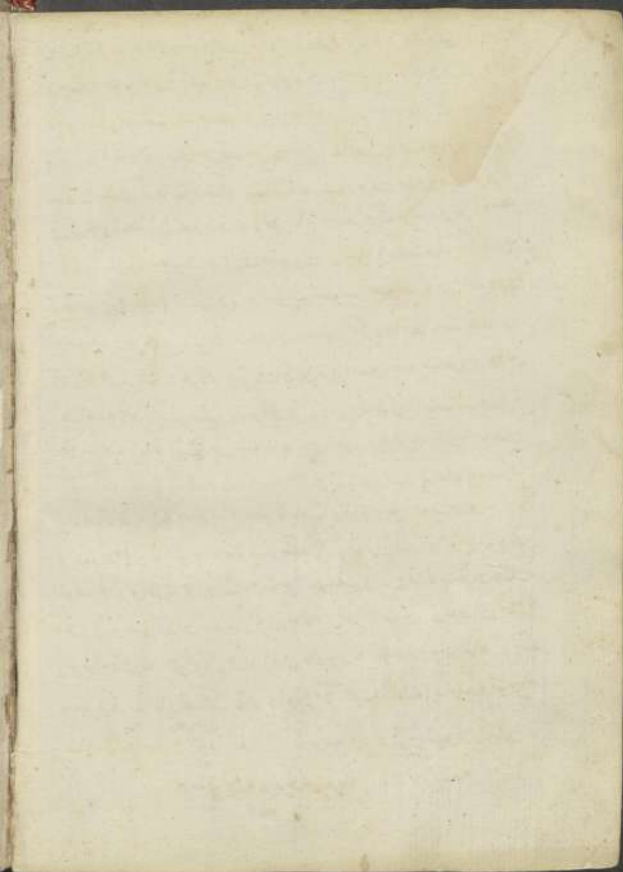
از ندایه ابتدا و ندای خیر مؤدای الصلح خیر اقتدا قلوب قرع باب صلح و صلح
 و ترتیب مقدمات فلاخ و بخاج ایچون نامه نای مصالحت عنوان و فرزند
 ارجمند بخایت نشانکدی استان راستان نواز مره ارسال و زناده و دادی
 ایفادایله آتش مجتبی اشعال یلبوب عهد و پیمان و خلف و ایمان ایله بحددا
 فتح ابواب مصالحه و سد سوراخ مکادحه ایله تشدید مینایی و داد و نمید
 قواعد اتحاد اولوب اسلوب اول اوزره مهم قدیم و کار قیوم و نتیجه بینه
 صراط مستقیم اولان غرای سابقه بوطر قد غرای لایقه اولوب کفایت کرد
 بجه منیر و استوار فلاح و حصار لری و حصون مصونه ایله مشحونه اولان
 بلاد نامدار لری ملحق دیار بهجت انار عثمانیان عالیشان اولمغه بتلیوب
 عهد خلافت عهده سلطانیه فر کرب برات خداداد سلطنت **انا جملناک**
خليفة في الارض مشکواتدن مقتبس اولان اوار خلافت عنوانی ایله قرین لطف
 باری و اقالیم علیم بال طول والعرض امر جاری اولدوقه مجاری عادات قدیم
 اوزره و لایب نجم و مجار فحاری تخیر ساکنه جاری اولوب این عزیز ابا و اجداد
 داد اینرا ایجابی سیمه خیر صفا اتمام و لشیکن منشیان قلم و شاهی اولان بعض
 خواستیدن سوء تدبیردن ناشی حال ظهور ایدوب بی سبب نقض عهد دیرینه
 میل و سلسله عهود دده معفوده اولان قواعدی نقضه تشبیر ذیل اولوب ترک
 ایلاف و سلوک راه خلاف اولمغینه و باض و داده انجا حسن اتحاد دیرینه مؤکد
 خلاف خلاف و مغبلان برک الاف بتوب فریضه جهادی اکماله پیر اشتغال و نایره
 حنک و جدال طرف طرف مجدد اشعالي باعث اولدور نامه نامیکزده ذکر اولنا
 اوزره و باله مظهر اولوب بجه مالک و مسالک سم ستور عسکرنا محصور ایله پامال
 و اراقه دماء و رجال نتیج سوء حال اولدی الحاله هذه و حقوقي اقبال
 و بدرقه طالع خجسته فال ایله این اذیال صلح قدیم توصل **و صلح ذات بینکم**

مصداقی اولان اصلاح ذات البین ایله صلاح حال رعایا و رفاه احوال
 برابری چون حسن تغافل و انوب سیاده پناه و افادت دستگاه صدر و وسیع
 الصدر کوز و خان بلند اقتدار کوز قاضی خان صداقت نشان و ساطع تیلله
 بتکاه و دکاه معلایه صفای و ورودی راوی و شمشیر دکن سنج ایدن
 احوال دین اعتدای حاوی نامه نامیکن و ملطفه کرمیکن و اصل و مضمون
 صناعتونه اطلاع کامل حاصل اولوب کلام لازم التمجیل **فاصح الصغیر الجمیل**
 ایله باب اعتداری باز و موی بسط اعتداده پرواز اولوب من بعد
 اولاجق صلح و صلاح طالبان فوز و فلاح اولان ارکان سعادت قرین
 و علمان دین و خیر اندیشان عاقبت بین عقودی ایله معقود و الطناب
 و داد او تادخلوده مستود اولوب ابواب فساد بالکلیه مسدود و
 جبهه الاف ده وجوه خلاف دست رد کلمه مروود اولوب سالف الذکر
 و مشارالیه بالبنان اولان جبراییل جنت مکان فرد و برائیان سلطان سلیمان
 ایله جد بزرگوار کوز میاننده بسته و نیجه مال و منال بلکه علی الاتصال غدا و غدا
 پیوسته اولان اشتی صوری و سرحد نشینان طرفندن صدور ایدن راستی
 اثری نبیه مقرر قلوب بوصله هما یون و بوصله بمون اید الابد بانی حکام
 سرحد مابین و جانین اسباب شب ما بیندن کو تورب حسن تدبیر ایله
 همه بوعقودی و اقی اولوب دفع شقاق و حسن اتفاق ده تشریف ساق
 اندن مراد خاطر علم کوزکی اولدوغنا شعار ایله دی لکن صلح ساین وجه موافق
 و اسلوب لایق اوزر اولدوغن و نتیجه حسن تراخی اولان افراد ماضی کما ینبغی
 برقرار اولدوغندن بوازمینه نک دخی مالی و بوعقدک دخی عاقبتی انحلال اولو
 احتمال ایله بوبابن تردد خاطر علم فیض ماثر مقرر و اینیه صفا و مروت مهر و وفا

بوجهندن مکذباتی که در کتب و زین کرم روشن ضمیر و مشیر فخر مشتری تدبیر
 دستور صاحب شعور ناقص بر سر مدار نظام امور هر چه بود اولان صدر دلی
 وزیر اعظم نصح پاشا ادام الله تعالی جلالة تک بوباید درخواستی و
 صواب دید راستی صداقت گری مرا یاری راستی ده کوی ستر مکه دوستان
 قدیم ایله الفت و دفع کلف کلفت اختیار اولوب زحمت و محنت ناخن
 محنت ایله خراشیده و اتار مودت فلاخن مخالفت ایله باشیده اولغایوب
 من بعد بوسیله جمیل متمماتی تکمیل اولغی باندن فرمان جلیل القدر مرص و قبول
 رجای جلای اخلاصه اولان سماخر صوری ظهور ایلی شول شرطه کم
 اجراء داد اعتیاد فرمای نامه لرنه درج اولندو غی و ذره منظره رضوان
 رب العالمین حامیان حمای دین و حایران سیمای یقین راویان احادیث
 خاتم النبیین اولان اصحاب کزین و ائمه مجتهدین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین
 و ام المؤمنین خلیله جلیله سید المرسلین صدیق کبری الی نزلت فی عصمتها
 آیات البراءت من السماء رضی الله تعالی عنها و عن اهلها حق قدرند شتم و لعن و
 قذف و طعن اولغوب **لا تسبوا اصحابی حدیثی و اصحابی کما لغوم بائهم**
اقتدیتم اهتدیتم حدیثی و اکرموا اصحابی حدیثی و الله الله فی اصحابی
لا تتخذوهم غرضا من بعدی فمن احبهم فحبی احبهم و من ابغضهم ابغضی
ابغضهم و من اذام فقد اذانی و من اذانی فقد اذی الله و من اذی
الله فبوشک ان یاخذ حدیثی و سایر احادیث صحاح و حسان و حدیث
صحیح لا تؤذینی فی عایشة فان الوحي لم یتثنی و ان فی ثوب عایشة
الاعایشة و انشال ذلك من الاحادیث الصحیحة الواردة فی فضلها و فضل
 الاصحاب لا یتقی یذکرها الکتاب ایله دفع محاب و تباب ایدوب جد کز

شاه طهماسب تعیین و تعهد نماید و کجی اسلوب او زر بقر ریحی سلوب و تبر ستم
فاشدری شکسته و دهن لغت پاشدری بسته او لوب فردا فریبی تکلف
نفرین و اندر بولنان اهل سنت جماعه سب قبیح تلقین اولمیه و رجال و سائل
سنت دن اراد تدری ایله بو طرفه عزیمت ابدلره رخصت و بریلوب منبع
و صدایله صورت مخالفت بولمیه و بالفعل دست تصرف بنرکان استان دولت
نشاغزده اولان قلاع و بقاع و مالک و مسالک با انتفاعه بوجه من الوجوه
اولمیه و علیین ایشان سلطان یلمان خان جنت مکان زمان غنی اقترا اندر
کسیدن ستوریش سفیدان طریفی و خیر اندیشان مابین حسی و بیرون کاردا
جانبین رسمی و زر کسلوب بالک دارالسلام بغداد نه تابع اولوب بنرکان
استاغزده نون عدولان مبارک و غلی نامبارک الله اولان مالک و معابر
و مسالک بنه تابع بغداد اولوب و اول عاصینک یدر تعدیسی باز نه بجه قوه
قاهره قریایله اول ما کندن افتاد اولنه و ابی حمایندن الچکلوب معاونت
لشکر چکله و مزارع محبت من بعد نجم کلفت اکیله و شهر زول ایالتنه معظم
بلدانته استیلا دستن دواز و باب عصبانی باز ایند هلوخان دن باز نه بجه
اول مالک استخلافی و نذر قوه ماتعتکن اولمیه و سلوب اول و زر و لایات
میخت ایامز عدل ندر محسوب و ایند دخی امداد کون سلوب اول و ولایت
ادایج شریف ایله کلن حاجیان راه حلب و شامدن روان اولوب امن و امن
اوز اولمیانلر بغداد و بصره یوللردن عبور و اول سمتلر نمرود ایدوب
طریق قدیم و شاه راه مستقیم دن امن و سلامت ایله و خط و حواست اوزره
و ادوب کله لر و قدیدن بنرکان استاغزده معدود اولان صدقات نشان
تخال و سایر حاکمان کورجستان و دیغستان بنه عیاد صدقات معناد فردن بغداد
اولوب تلنگر بنه نرض اولمیه و بو طرفه امداد تدری راهن سدر ایند راور نخج

بنا ایند کلمه بروج و بار و سی برک اولان قلعه ترک و بران اولنق اول بوشوم
 و چند میثوم اولان اشیان ترک ایدوب وادی خزان لری و بران اولنق
 قرمان اولنق کسور شاهیدن عامل و ساحل بر فرد مداخله ایلوب معاونت
 و اول کفره نجه اوزدینه فریضه غزای اجرایه فمانعت و لینه بولگره امثالی
 سلطان سلیمان زمانده عباد استان داد اعتماد فردن معدود و حدود
 مالک محروسه مزایله محدود اولانک ساینه استراحت مایه دولتمده مستفل
 اولوب حدود معدوده و مالک مقصوده الا یشغل و غشیدن پاک و سرحد
 انوار امن و آمینله تابناک اولوب اسلوب ملوب العیوب اوزره قطع حدود
 و منع صدور و ایچون یا تابان سرحدن دستور مکرم حافظ ابالت بعدا د
 اولان محمود پاشا و امیر الامرا محمد پاشا قو لکر مزی تعیین ایدوب هر بری قابل
 اعتماد اولان ریش سفیدان طرفین قرار دای ایلک مال استقامت اوزره
 قطع حدود ایدوب تعیین سنور و تبیین تغور ایلک مر بعد شوره مؤدی
 اولور اموری اولر حدن دور ایدور و پیام آور مناد ایلک حالایعوب تبیان
 دیار کوزدن سرد و ملوب و دلخواه یاد شای اولان طرز خوب مرغوب اولور
 ادا فلک قد فیهو المطلوب دیلوب رمنه لازم اولان خدمتی ایلک مؤدی
 قلوب نوازش پادشاهی و انعام شهنشاهی ایلک مغنم و مباحی قلوب مزید اعطاف
 مقرون و حسن انصاف ایلک مازون اولوب انشراح صدور و اعطاف قلب ایلک
 روبراه قلندری همواره و همفانی اقبال ماد دزاد ایلک ره روی شاهزاده و داد
 و پیروی ساکنان مسالک اتحاد دایم بل **نظم** همیشه نافلته اب و طکر و تن و باد
 بنای خانه اصلاح ایچون اعداد ایدوب و داد قربن السداد فی اباد



91
اما بعد زمان بسیار و روزگاری شمار ای که دیده استظار مشاهده حال
با کمال جانفزا و تلقای لقای فرح بخشا کوزالمه جلا و ضیا بولماق ادعیه
رایقه لسان تناغوان و رابطه چنان دعاشان قلوب غنایب دل
و جان بومعای رعنائ و رد زبان انشیدی صبح فیض از افق غیب برآید و
ناگاه بین وقت خوش و ساعت دلکش ده مکتوب مسرت معنی کن و ارد و لو
مضمون سعادت متحنند مندرج اولان اخبار سانه صحت ذات نعت
اناردن حاصل اولان سرور و جیور بر مرتبه تکاثر و وفور بولشد که
مساجی کلک شکبار ایله تحسیری میسر و ملبوب شرح و بیانده یضیق و صدای
ولا ینطلق لسانی حالانی مشاهده اولندی

دگر
استماع اخبار صحت عالی مندریکه مایه افراح کامرانی و جبرعه اقتراح علی
الحیات جاودا یندر انتضاد بی شمار و ترصد بسیار اوزر ایکن بر وقت
مسرت یاب و بر آن نزهت استیعابده بر نامه نای فرخ فال و صحیفه
کرامی لطیف المقال وارد اولدیکه عبارات شیرینی تقریرین طویلی
نفس ناطقه لال و تحریرات رنگین تصویریند خاتمه غنیرین شامه بی جمال
اولوب بالجماله لطافت عبارات دلینیری مطالعه سی دل و جانده صفای
تازه و سلامت عبارات بی نظیری ملاخصی باعث حصول نوید بی انداز
اولوب خصوصاً فحوی شریف صداقت ایننده قواعد اخلاص و صداقت
کاری رعایت و مضمون لطیف مودت ضمیمه روابط اختصاص و
حقیقت کزادی علی وجه اکمال صیانت او انوب خاطر نو از لوق شیرینی
و محب پرداز لوق عشوه سی لوازمنده زرد کل دیقه فوت او انما
رود و صدوری هر وجهه دافع کروب و مانده نگاهد باخیر بقلب

ایزوب دلی غل و خاطر غم کسله اولد رجه سرور و اولمرتیه حیو
نا تصور اولمشدر که عقل عیاش عشر عاشری پیا ننده قاصر و خواش و
مشاعر قوه متخیله و متفکره ایله شعایر ضواهر ادر اکنه بیله متحیر
امید د که دایما بو مقوله محب نواز و خاطر سازلق شعار و دنا دلری
اولمقدن خالی اولمیه لکه سبب انتظام قواعد و داد و باعث
استحکام اساس اتحاد اید و کی محل ریب دکلر

دست قلم متکین رفیع چهره مخدیه عرضة عریضه اخلاصدن بو وجهله رفیع نقاب
و شامه خامه مخبر بن عمامه رخساره عروس ضریعه اختصاصدن بو طریقله
کشف جلیاب ایدر که صباح نخاح ایله هنام اولان ^{وقت} شام میمنت انجاده وار
اولان نامه نابی که سطور فایض النوری طوره حور و لولوی منور کی منتظم
و مسل و عقد ضربا و سطر جوزا کی مرصع و مکمل و فخاوی دلکشا و معانی
روح افزای چشمه ذلال و بحر جلال ایله توامان وید بیضا و دم مسجالم
رضیع البیان اولان مشرفه شریفه و ملطفه لطیفه لری اصداری ایله
بو کمین اخلاص مکینک افسر مباحاتی فرقی قرقدان ایله هسر و کلاه استهراج
و افتخاری زرد و اسمانله برابر قلوب بیل دل بی غل بو سرود ایله نغمه
سر و طوطی جان ناتوان بو زمره ایله کویا اولمشدر ^{نظم}

هبط الی من المحل الارتفاع و دقاء ذات تعز و تمتع

ترانه نابی مودت رسان و محیفه کرامی فخالص عنوان در که هر لفظ اعتبار
تیمندن نواج صدق و صفا فایح و سرچشمه معانی کوثر نسیمندن ذلال
مهر و قفا مترشح اولوب

اول صفا امتدادک سوار مدادی مردم دیدیه باعث جلا و پیاوض صفا
روشن نمادی منظره دل و جانانه انواع نور و ضیا و بیروب

دشته خامه جبرین ارقام اولان صحیفه لطیفه مسکيه اختتام لری 92
وارد اولدی که بیاضی غایده پرتو صباح کامکاری و سواد مسرت
انهای نور دیده بختیاریدر مطالعه اولنقدن مزاج لطافت امتزاج
لرینک صحت و سعادت پائیده اولدوغنی غایده اولدوغندن قلب
اخلاص شعور فزاینده جور موفور و خاطر غم محصور رساننده سرو
نامحسوس اولمشدر

صحیفه لطیفه مسرت مقال و وثیقه انیقه نزهت اتصال لریکه سر رشته
مصافات لایزال و رابطه سلسله موالات بی زوالدر مضمون اخلاص
نموده اولان عبارات پر نکات لطافت امینری عشق غای عروس داد
واستعارات بی غایات صفایینری جلوه افزای طاوس اتحاد اولمشدر

انواع زیور حسن دایله محلی و اضاف حلیه لطافت معنایله پر زین
و بها بر صحیفه لطیفه بی بها و بر وثیقه بدیهه روح افزا وارد اولدی
سلاست الفاظ کوثر انجایی تشنه لبان باده زلال وصاله عینا
فیرها قسمی سلسبیل صفاسن آنها و لطافت معانی مسرت انجایی متعظان
ماء معین اتصاله من شرب من هالم نظم ایدا موداسن ایما ایدر بحال
دیباچه سنک دقت عبارتی بوجانبه اولان خلوص اشواق لریه دل
و خاتمه سنک لطافت کنایاتی و استعاراتی نمونه بحر حلال اولوب

طرف عین الشرف صدارت پناه لردن وارد اولان مکاتیب امر مثال
و مفاد و ضات مکرمت بخش واجب الامثال لری ع بوسیدم و بر
مردمک دین نهادم

انترخامه مکی الختام اعنی صحیفه لطیفه عنبرینار قاملری وارد اولوب
مضمون نجسته قام وخواهی لطیف براءت انجمنه نظر اولند قدر
مطالعه فحوی دلکشا و ملاحظه معانی فرح بخشا شدن دل به خوش
نخیر و تعبیر دن افزون جور و مرتبه توصیف و تفسیر بدن بدین
سرت نامحسوس حاصل ایدوب

منشور دولت بدی و طغرای رسالت سرمدی اعنی مکاتبه علیه العباد
و مخاطبه جلیله الانارات کروضه عیون را جادیه و جنة قطرها
داینه ماثربیات علیه الیه اراسته و مفاخر جلیله حایت برله یراسته
خط زیبای غرقه غرا و زطره دلکشا و لفظ زیبای سواظلماته
اب حیوان مانند جانفزا

افراد سعود اسمانی و طلایع انار و فور کامرانی اعنی لوا مع کتاب
واجب الاتباع و خطاب لازم الاستماع کاتما الکوکب الدری فی شرف
رفوم الفاظ غزایی متعایح کنوز دولت دو جهانی و رسوم مسطور
زیبای مصایح رموز سعادت جاودانی حوا قباب که از مشرق بحال براید
وارد و واصل اولدی

شایم کلزار قدیمی و شایق مسلم انبی اعنی رشحات قلم عنبرین رفیع
و نقشات رفیع مشکین قلم کاتمال اللؤلؤ المکنون و جنة وعد المتقون
ورق پیافینک ضیایی در درخشان کی درج کرامتدن تابان و حسن
الفاظک فحوی در درخشان کی برج بلوغتدن نور افشان اولوب
جراید عواید حقایق معانی و قلاید فواید سعادت جاودانی اعنی کتاب
عطریه الرقوم و خطاب مکینه الرسوم کتبسم الازهار و تنسم الازهار

مصرغته نبل امله نبل و منزله سعادتده صاحب ذیل اولماری دعای 93
تقمه اوراد لیل اید و کجا نظهار و سمیر ضمیر و لاله استواردن بر تنه اظهار
و اشعار و لوب انباء فماعتها کار و لدر که برای کون صحت دلرباده
جوکان مهر روی و کتایله کوی قلب جانی قابوب و دستیار ی عمار ی
لطفا ی امله کو کلوا خانه سن بایوب هنوز نخت مصاحبه یله سیر و ملادین
زمان سیرده سیر لری و جلالت مصر فیس لری اگر چه ذل و جان نلح کام
المشدر اما اول کزیده مالک اسلامده احکام امله کزیده حکام و مقبول
عقلا ی انام اولوب اسلاف سرتدی اولدو غی حنات اجرایه و دفع
ظلم امله توفیه حال دعا یله برای به موفق و احقاق حق و اذهاق باطل امله
مظهر فد جا الحق اولماری نیک نکر نکر امله تبریز زبان و علودهان اولنوردر
امید در که دایما فطرتا رحمنه و فطرتا طوار مستحسنة اولوب تعجب یله د
و ترفیه حال عباد کما یسعی و براد ذات نبکو نداد کوه مسلم و بو پایه رفیع و صد
عالی به ارتفاع کوه بلند پایه بر سلم اوله اختلال حال عالم و اغلال مزاج
بنی آدم تنگ اشلاف و کثرت اختلاف دن ناسخی ولوب حاکم محکومه جور و تم
و محکوم لرحکامه عدم اطاعت امله بی ادبک دایره سنه وضع قدم ایتمه
نظام و انتظام بر طرف و طمع خام و غرض نیام امله اهل و نا اهل فرق اولنویق
خوف مانند اولنل صدف اولمشدر حسن اتفاق و یمن و فاق امله فساد
طومار لری دور یلوب و صفات زمیم افاقدن کو تور یلوب بازار وفاق
بی نفاق اولسه ج اری باتفاق جهان میتوان گرفت و فقیه هر کار خیر
طهور ایتمه و هر مصلحت مهمه بشکله یا شلار ایدی الحمد لله تعالی که بوسنی
مهردی ولوب توفیق انام و تالیف قابوب خواص و عوام امله دفع منکرده
عسکرا سلامک حفظهم الملک العلام حسن تفادیرینه باعث و نیل و زایله

حجاب و پیاب اولان اراضی نیل عدلیله سیرا بیدوب بمن و برکت
تخت خادش اولمش نزل ازال کذا لک سالکافی احسن المسالک و عامر
للمالک و دافعا للمهاکک بوسیرت سنیه و بوعادت مرضیه بمالک ملوک
اولدی او هام و تسکوک نقطه لوی صکوک روز کاردن محکوک اولق
غیر مشکوک در جناب شریفی که دامن استقامتی الدن قویایه بکم اولکه
ستامتن ال یومایه سبیل که هر حاله اول مقام والایه نزل اولان
قول رضا سن کوزده نر موفق من عند الله اولوب هر یزدن مصون
و هر مکر دن مامون اولوب امرکن مطاع و مایه قوغ یرضی نکلن
قرین القناع اولاجا غنیه شیه یو قدر عدل ساعه خیر من عباده سبعین
سنه حدیث ترغیدن حصه یاب اولوب نظیر اناد حسنه اولما کوز اومارن اولما کمال
اعظم مغانی حریف محترمین فقرای کرام و امود لازم لربن غام ایدویک جای کلام دکلدر اول
خدجی بر سر و هامه سعاده افسر فوق حبس عقیدایه جریه و غلال لربن ارسلایه تعهد ایله
حالربن تفقد یوز لر خصوصاً بویامد شرفا ما بیند اولان ذنا خرات ایله نجه منکرات
ظهوری متعل در مقدمه مکتوب مخفی اولان دفع خلاف و حسن ایلاف مقدمه سنی
بوندی در کاد اولوب حسن تدبیر ایله تالیف لربن سنی لطیف و نوجه شریف لازم مدر
تور قیلور که مساعله دم محترمین محرم اولان مقالیه مؤدی اوله علاج واقعه پیش از وقوع
باید کرد معنایی طبع مؤسکافکره نهان دکلدر نهاد پاکدن سداد اوزر اولما غله حضرت کنه
اعتقاد فر و نظیر اناد اولما کوز اعتقاد فر وارد و اصل برورک و مکرم کسیر لک لازم
دخی مقرر قلوب اولد بارک اعز و علما سنه و صلحانه و اثراف و مراسته حالربنجه رعایتکن
جالب قلوب و سالی کویب اولد و غنه شیه یو قدر جمله دن سر و اجبار خواج احرار قدس سن
الغریب و لادن خواج مسعود داعیلری و مرحوم احمد صادق اوغلی بر اجم افتدی داعیاری
لازم الاعتبار اولد قلدن ماعدل غریب الدیاد اولغله هر وجهه منظر نظر حجه اثر اولما غله
تیجه بزرگواری در امدد که دعای خیر لربن جلایه حق پور نر بالذات توجیه ایند کمره
حسن و عدل پوریش ایدی الکیرم اذا و عن وفا معنایی خارج خط اعتقاد و سایه سعادت کرده

۹۴
اسوده و جای استراحتند غنوده اولیائی موجود در عوارضی ارباب غنی و پادشاهان
و ارباب معادق در محضر ضایک نیکو نگه انگار مسعود و فی الواقع معرفت کافی
و ادب و حیاء کافی خوشه ذات در ارباب استعداد میل سبب ذکر جمیل و قدر
شناسی دلدار چشمة نام نامیکز اطراف و کما فی مثل سایر کی ذکر جمیل و ذر
اوله امین عزیز مضاف اول چشمة اوله جود و سعادت سا که پیشه فساد کوی جانفرا که
نیم فضل ربانی ابریشمه اوله اقبال شهیدی نوبت چاک عدوی بزلنقاد و تن و له نیشه

دیکر نامی زاده جعفر چلی تا سیدر برادری معرب

خف بخبات غیر نسیم . و طرف نیلمات شهر نسیم . اخاف و اهدا اولند قد بکزر رای
منیر و فیل سلیمه که برنود لپری سون نور و هر خاطره سی کشاف مشکلات امور در
انها اولمان اولد که اگر بوظر فکرده جاری اولان احوالدا استفسار اولور لب بیکله
عالیانه ایدالله و ابقاه اول جابله توجه انه لری افواه ده یوق دکل اما یواید
رای جهان ارای اولکان دولت مختلف و هوای ابر فیضان اعیان سلطنت مختلف
اولماغین حضرت خله فت بنقبت دخی بوسری بولردن بروجهله اخفا ایلر که نور
دخی هیب دمبسته و حیر المردد داما کینفت احوالی بر برنود نقص بیکدن خالی اولوب
عَمَّ يَسْأَلُونَ عَنِ النَّبَاءِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ
اینی حبس حال لری دو نشندر اول سبیدن شداید بام دوری و سدید الام
صوری و تضرع عدم تیقن ملاقات صوری بویجی بخلصک ضروری طاقن طاق
ایستدر واقف ضمایر و عالم خفیات سرایر الم یخجل الارض نهادا و الجبال
اوتادا و خلقنا که از واجا مقتضا سنجه فرات صنع صمدیتی تکیز ایلر بساط
زمینی بسط ایدوب مسامین جبال سنگینه برله یر بر تمهید ایستدر و افراد جانوری
کریمه و کوانسان بقای نوع مصلحتی ایچون اول سجان جنت جنت صحرائی کون
و مکانه خفا رمشدر کاد بر نفس نفوس سایش انک ایچون ابواب قصر زجاجی
عیونه پرده منام اصوب استار شب تا ایلر طلعت منور زهاری ستر اید

وگاه تحصیل حوائج و اسباب معاش و تکلیف ادوات و معدیات حوائج معاش
اجلی چون حجاب غفلتی کوزدن کو تر و ب هر بر نانو اشینه مشغول ایدر کماورد
فی التشریل و جعلنا نومکم سباتا و جعلنا البلیل لیسانا و جعلنا النهار معاشنا
و معارف قدرت حکمت یابی ارایک سبع سمواتی تر بصصل بدروب امور تمدد انسانی
منتظم و میخون تبستان جهانی کار ساز هدایتی و پروانه ارادتی شمع تابان
آفتاب رخسانه متالف و درخشان اندوکه کلمه طیبه و یسینا فوقم سبعا
شداد و جعلنا سراجا و هاجا ناطق و باغبان عنایت سعادت اناری بآدان
بهار و قطرات امطار ابرزار ایلد هر کل زمین دن بجه جوب و ازهار و باغچه
و گلزار ظهور کتور دکنه آیت کوبه و انزلنا من المعصرات ماء نججا لخرج به
جبا و نباتا و جنات الفافا مخبر صادق در خبر و کا هد که شب هجران و روز
فرقت خوان که مشتهر ای هوم و احزان اولغین ان یوم الفصل کان میقاتا مقرون
ما صد قدر یوز کو ستی لدن برو هر نفس نای خجسته دن کلن نفیر اه و فغان عقیده
لشکر دموع مرحله دیده گریاندن منازله جبه و رخسار پیاپی ویران اولوب
معنای حکمت غای یوم یغ فی الصور فتاتون افواجا صورت بزیر اولور دسیم
حقدر ناوک دلدوز اه جگر سوز مدن ظاهر و باطنی فلاکک بان پاز اولوب
سر عزیز و فحش السماء فکانت ابوابا تمام منکشف اولمشدر و لیکن ایانا سراجیه
دلوه منظر خیال دن شاهد امید وصال عرض جمال آیند و کجه انشراح صدر و انضاح
قلب طفل قدر مبتولی و لث غماری بادیه سینه دن سور و ب هجا و مشورا بدروب
و سیرت الجبال فکانت رابا قصی ظهور غمزد کلددر اگر احتمال حصول ناله فی جسمانی
و امکان انفکاک تباعد جسدانی دستگیر و لمیدی ضربت لکد غصه ایام شد خام آله
هلاک اولوق معناییدی زیرا بر کماله فرقت حجاب و بر کمالوب منزل آیند کمال
خراب بر برد که ان جتیم کانت مرصدا صورت حالی و قد عیلمی خوشتر و غایت
و تحبیر و نان و کثرت حرص و ازاله کافه بریادن فتاز اولغین للطاغین بابا

لا تبتين فيهما احقاً بآكله سنك مصداق مقالي در خويلري ناخوشلغدن
 اتفاقاً اهالي بي لا يذوقون فيها برداً ولا شرباً الاحياء وعسا قاجاء
 وفاقاً بيع وشراده خلقتك نضا فسر لقلري بر درجه كه كاتم كانوا الايج
 حساباً وچ وعناد لري نول مرتبه ده كه في المثل وحي منزل دخی براد اولسه
 اعتقاد كوستن غزل وكذبوا باياتنا كذبا غدور لري نول قدر در كه كند و لري
 غيري كسسه نسنه فهم انظر طن ايدر لري خبر لري بوق كه وكل شي احصياه كتاباً
 خطه بر غصه سنه نزول ايدر لري بروهوم غموم يومافيا منزايد اولوب جان و لري
 فذوقوا فلن تزيد كم الاعذابا عتايه هر روز مغرور در نمانب الحديث ومحصل الكلام
 بله طيبه قسط طينه ده ساكن اولان اصحاب صدق و صفايه ان للتقين نفاذاً حدائق
 واعياناً وكواعباً تواباً وكاسادهاقا لا يسمعون فيها لغواً ولا كذاباً جراً من
 ربك عطاء حساباً رب السموات والارض وما بينهما الرحمن مغرور منه معروف
 اولدقاري جيتندن غبطه وحسد بر مرتبه به اين مشدر كه بلغا و فصحا لا
 يملكون منه خطايا غبطه وحسد فوق الحد اولوب مصاحبت روح افزاي
 ومجاست نرف بخشا لري نه استباق منجاوز الاحصاء والعدد در حليه اذ اليه
 متحالي وكلام كهمن استقام لري غيب وخطا دن بري ملايك مكات وجبريل يا
 احبا كه وجود با بركاتك به هر روز مجالس ومحافل ومجامع ومنازل يوم يقوم
 الروح والملائكة صفا لا يتكلمون الا من اذن له الرحمن وقال صواباً قولك
 مقولي وكلماتك مدلولي ايري ان الله كحضور نده بجزايام ذكر اولدي باطقه
 مدهوش وعقل سر سيمه ودهوش اولور خوش بجهان وبعالي در كاهندين استبدعا
 اولنان بود كه غلج غم الانفصال روز وصال ذلك اليوم الحق فمن اخذ
 الى ربه ما با عن قريب روزي اولوب نذير فراق دلندن سامع جان
 محب مشتاق انا اندر نام غداً با قريباً اندر في استماع ايتكدرن حلاص اوله

بود یاره هوس ایدوب کلن عزیز لردخی یوم نیظر امر ما قدرت یداه
موجبیجه ایتد کلرین کور و ب بلمش لرد ز رجا و واقدر که بو محبس
ایجدن که ایچده بر هفته طور سه و یقول الکافر یا الیتی کنت ترا با
فورنلما مره غنایب بادی و الطاف پروردکاری یتش اوله بانی
والدعا اضفاف مافی الایتدا

و غنیزن جامه و عمامه ایله نظم و ترتیب و تحریر و تذهیب و لطفه بل و التفات
 کو سترپ بسا شادیت پریشا دتاری موجب انقیاد و اطاعت اولغله سب
 بک شعرنا نکلند خاطر که خراب باشد مفهوم او زده فهرده ایله طبیعت حزن
 و ملال و فتور بال و نور ندن خاطر دن بر شی صدور ی محال ایدی لکن میامن
 نظر اقلدی ایله افق مسرتدن تبا شبر صبح بهجت طالع اولوب اول طمع دن دیدن
 غمیده جان منور و نغمه التفات دن مشام جان معطر اولوب کتب نوار بخندان
 سرانگشت کلک نوار کسیر ایله بقدر الامکان جمع و تحریر و ترفع و تصویر ندن جد
 ساق تشمیرا و لندی امیدد که عجب و قصوری زایل عفو ایله منور یوریلد

در تواضع و احترام

تواضع گشتن ثانی و فضل آن مقتضای اولان مرتبه دانانی به رضای او و
 اشرف امر و اجاره نام و علمای مخصوص بحالتی که سبب فرید سعادتی در
 تواضع زکردن فوازن نکوست کذا اگر تواضع کند خوی اوست و تواضع صغره دن
 مستقد ر صغه انسان نفسی بر مکان وضع قلبی و کذا و بی بریده قوم قدر که تحقیق
 و حقیقی تفسیری مشتمل اولد و کبر کنی نفسی مقدار دن اعلا بلک در حق
 حق بیور و واحفظ جناح المؤمنین الاله و تملک الدار لآخرة بجعلنا للدين لا
يريدون علوا في الارض ولا فساد حضرت رسول بر افضل العبادۃ التواضع
 و بریده و دخی بیور ان العفو لا يزيد العبد الا غنا عفو ايضاً که الله حضرت حق
 مری به لید السلام ویدی کبری ثانی خطاب مستطاب سخی اختیار ممل و جی در
 بلدی حضرت موسی ایدی یوق یارب حضرت کبریا جل و علا ایدی براسی حضرت
 خضوع و خشوع اوزره بولدم و غیر بولدم تواضع کردم و اعلم انیار علی
 تواضع و تعظیم ابد و بیور طویلی تواضع فی غیر منقصه و ذل من غیر مسکنة
 و زجر ایدی لر هیچ برغت بلور مسکنة صاحبی محسود اولیده و برای بی غایه و امید که صا
 رحمت و شفقت دن مطر و اوله ایدی بی آماخت تواضع کبار در و اما باره کبر صغارد
 حضرت حق جل و علا بیور ان الله لا یحب المستکبری بریده و دخی بیور الیس فی جنت شوی
للمتکبرین الاله و الیوم یخون عذاب یطون ما کنتم تستکبرون فی الارض فی حق الاله کذبا
 یطیع الله علی کل قلب متکبر حیث الاله و بعض علماء میشارد فان الکبر شوم و الذل عظیم شوم
 و جهان اوله نکوایدن شیطان در خیر البشر بیور لا بدخل الجنة من فی قلبه متعال ذرة من کبر
 و غیر الخطاب بعض متکبرینه خطاب ابد و بیور المتکبرون علی قلوبهم العقل و عدم التدبیر که
 دیشدر بذل و فضله کبودن بخل و جملله تواضع افضلدر

منسوب و ریاستند او توری بکبر و بلاد ذات عنص و عدم تدبر و
 زو اول کسه که بعد از منهای تفکر ایدر ما واسیجی بپوشد اول اندر که
 بکبر ایدر حضرت حکیم و علیم بومعنا بی بوابه فوید الله جنیه و تعلیم ایدر
 بیدر که فلینظر الانسان من خلق خلق من مایه و افغ یخرج من بین الصلب و
 القراب الآیه و قتل الانسان ما اکفره من اشی خلقه الآیه و انما
 خلقنا الانسان من نطفه امشاج بنسلیه مطرق فی عبد الله من بدن محلیه
 دیش اولد نطفه مدوره و اخلق جیفه قدره و انت تحمل فیما بین
 ذلک العذره ان الله لا یحب کل محتال خور تواضع سب رفعت
 و تکبر باعث ذلند در کله رسول الله من تواضع رفعه الله و من کبر وضعه الله
نظم در بجای تی رافع الذرجان متواضع اولانک ایدی ربیع صفت کبرای
 حیاتک متکبر اولانک ایدی وضع حکم الخیر ان الموضع اذا ارتفع بکبر
 و اذا حکم تجتبر بیت تخم بکبر من شان سینه راه جای مننه درد لخدو کینه راه بوض
 حکم ایدر تواضع سلم الشرف سب تواضع ترا از جدی دهد و روی
 ترخ می بلندی دهد خود ستای پسته شیطان بود انک خود را از مرد ان بود
 گفت شیطان من را دم بهرم تا قیامت کشت ملون لاجرم از تواضع خاله مر
 میشود هر روز را از نرگشی کوی شود و از ده شوالیس از مست بکری کشت مقبول
 آدم از مستغنی مد غریز کم جواستغفار کرد خورشید شیطان جواستبکار کرد
 و از پست تقدیر ستی کند خواسته چون سر بر کند پیش کشد مسکت یون
 کوشند و اگر نایع ایشا جهاد باشی کوک ایدی آله یوزی دیخیره و در سب
 تواضع قل الکذذ کله یوزیون که دیشلر با صغر د یکی یوز مصرع قلو که دن اول
 کسبه قله فرة التواضع الحجة سب تواضع میده د از و شیانجی بیسی بکاه
 کانا آشنای تواضع هر که دارد مر فواست روی او را بقال با زست بیت

از تکبیر میگوید و ن س . سایه را جای بر زمین خوشتر . جای سایه کی ایمان بودی .
خلاق را کی زخور مان بودی . بودن معلوم اولدی که بگو خصایص خصای و نواقص و نواقص
غضای نقصان لرخی ستر و سرور . آما فی الحقیقه قباخاری کشف و نظاره و
زیرا که آدی خور و بیقدار ایدر . و خلق اینچند بی اعتبار ایلر **س** هر که بی کبر و بی
ریا اولدی . خاصه رکاهه کبریا اولدی **س** عز و طریقه یوزد ولیمه اینچنه .
زوالید رفتنله قرینجه . چن بقا و لوب بوخی اولدی . دیمه سونلروره قدرد و دردی
تواضعه زالی اولان محبات خلل زایل کیور بوغ اولسون . و احترام و اکرام کرامله
شکست اولان قدر جام جهانمایسه دخی دنیا دن سورسون کسون **س**
زیوکان از موده اندبسی . از تواضع زیان نکر کیی . متواضع بزرگوار بود . مظهر
لطف کرد کار بود . و آما بو تواضع دکله ده کند و لرخی صدف در ویشاند خلقه
که سرب طمع خطام فانی ایله سخن خقی زیونا حقله آراسته ایدر لرنگه اول
طایفه رفقه و غیره احمیه حقه . دیشلور **نظم**
فرقی استند باچی قبه قدر . بتم ایمان دلنه حبه قدر
طبلان ولسان کذب دروغ . یوق درونند ذره دکلو فوغ
کری حک و طوقی عرق و فدا . کرمش سینه سینه صدق و صفا
حاجی حیلله مقالی قننه و آل . طوری جور و مقامی راضی و
النه عاصی عاصا اولمش . بوخا وزر ریارد اولمش
منزلی دوزخ و کایضلا . منبری شریعتی اضلا

نسخه
کتابخانه
مخطوطات
تاریخ
تبریز
۱۳۰۰
بابت

حمد بی حد و تنکد لا بعد اول شکو ری ذوال حضرتنه که بویجار خانه غم
 و داد الفتای المده داروی تلخ و لبلبونی کشی **من الخوف والجوع و**
نقص من الاموال والافض والقرات تجرعه صابر اولان بدن کان
 عالی حقی انارت بشارت **وبشر المؤمنین** ایله سرفراز و خلعت معیت
ان الله مع الصابرين برله جمله طویف بیند نماز ایله ری و فروماند
 کان محزون و اضرای و تنکته دلان کوشه خول و انکساری شراب انجبار
انا عند المنکسر قلوبهم ایله مجبور و درد مندان و درد کسان نجمانه
 محبتی و باده نونان بزم مشقتی **اذا احب الله قوما ابتلاهم** جابله
 مرور و مجبور قلندر و باعث ایجاد تکوین لوح و قلم و سبب تکوین بی
 ادم ایکن کفره خجسته قریش و طله اصل بی و طیتدن انواع تکذیب و
 اهانت و ازینلر نه نخل سیورب دفع نزول عذاب و الهاء نایره غضب
 رب الارباب ایچون عذر خوا خلق ایدوب **اللهم اهد قومی فانهم لایسلین**
 برله حسن اعتقاد و لطفا استعذار بیان ایدر لودی و زمره اصحاب
 عالینجاب و حمله وارد اولان مصایب و بلیاته حسن انقباض و کمال اعتقاد
 ایله ناتیق قلدری اجلدن شان شریفلر نه قران عظیم و فرقان کرم نطق
 اولدی **الذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا ان الله وانا الیه راجعون اولیک**
علیهم صلوة ربهم ورحمة واولیک هم المرشدون و کتب معاویونک
 برنده کلک بیانله مرقوم و سلک عیانده منظوم در که **من احب او احب یصیب**
علیه البلاء یعنی هر کیمه دعوی محبت الله اید و دست ارادتله حلقه در محبتی دیر

و یا خود حق تعالی خلعت مجنوبت کیدور و جرعه جام مقبولیت نوشا ترور و سحاب
عنادن باران بلا گشت زار حاله ریزان و سرور و نعت صاحب دل و جانندن
کوبان اولور **البلاء و البلاء کما تلأب للذهب** بود مشدر مغرور بی بوبیت معلوم
در **سب** دوست همچون زربل چون انزات و زوال خالص و دل انش خوش است
معلوم اولدیکه بلا محک نقد عالمیان و معیار تجربه ادیان در هر که دعوا محنت
ابدی انی یوتی بلا و کور و عناده انش انخانه ضرر اگر غش هوای نفس بدین و غل
از روی طمع در بدن پاک ایسه خلاص از مایشدن عیب سکه زن غایت حق چهره
دار الضرب هدایتده سکه قبول ایله ادا شده فلور و اگر مغشوش و معیوب اوله
سخت احتراقه موسوم اولوب مردود ابد قالور

د عیل خدای

لا اضحک الله شیئا الدهران ضحکت والاحمد مظلومون قد قهروا
بوعالم فانیه هیچ بر مخلوقک صحیفه حالنه دقم خلود چکلا مشدر و هیچ
بر احدک گشت زار حیاته تم ثبات اکلام مشدر
تکفید جهان کشتی پایدار اوله دار الفنا محل ثبات و قرار اوله

همارو و محمد زاده متعلق در

و محمد علی یوسف که در اردبیل در حال ایدم و روبرو نشانی قلعه در مع ملاز ایدم
 بنام ملک شهر همدان در لوقه اندک فاصله کون کجا کسب حال ایدم
 بر نامه روده قلعه ای در نزدیکی الودود امن اوله تیر حال ایدم
 بر اهل در دماچی جهان بحر بولامدم کدوم طراصه من بخنده قال ایدم
 سعی بود در د و غله شوکا فالدی که ها بخون صفت غریت دشت و جبال ایدم

شيان لو بکت الدماء عليهما عيناى حتى يؤذنا بدهاب
 لم يبلغا المعشار من حقيرهما شرح الشباب و فرقت الاحباب

مراد بن حفصه الشاعر الجاهلي و محرو

معن بن زاید

يا اكرم الناس من عجم و من عرب

اعطا ابوك ابي ما لا فاش به فاعطني مثل ما اعطا ابوك ابي
 ما حل رضا ابي تا وانوك بها الا و اعطاء قطارا من الذهب

حضرت عمر رضی الله عنه خطبه نام کلمه ی خلق هو اندر و کندن او ترو
 حبس را بد کند و جسد آن حضرت غمر باز دخی امانت در کد اطلاق ایدم

ما ذا نقول لا فراح بندي مرح خمر الحواصل لاماء ولا تجر
 القيت كما سبهم في قعر مظلمة فارحم عليك سلام الله يا عمر
 انت الذي قام فيهم بعد صاحبه القيت اليك مقاليد النمل البشر
 ما اثر و ك بها اذ تموتك لها لكن لا انفسهم قد كانت الا شر

فاعطاء قطار ذهب

ولنورون

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

و غیر ذلک من الانجار والازهار وفضل نوروز و بهار

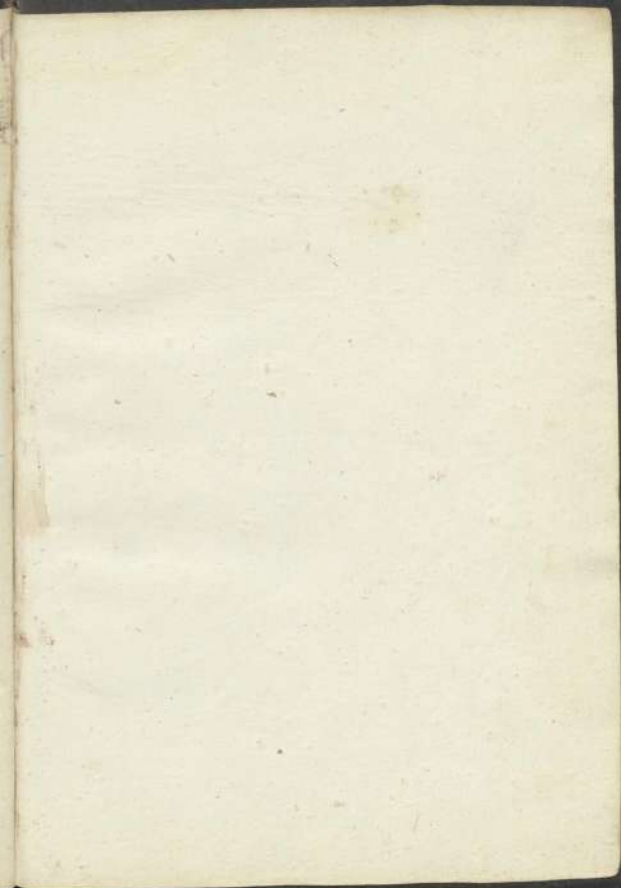
چهار سته عالم کهن دلالة ازمار و انوار لبه اریغین لاله
دلغار انجار لبه بوستانه زین و ناه مزین و در
برجای خوش و ماورای گلشن و منزل فرخ بخش و تری خوش که در غزلین
به نظیر و عین چشمه سارین و لیزیر لولاب آب کوثر دود پرور کین اریغین
جاری و عین سیر و ازس هر طرفه سلاک و کین بیت
روان هر چشمه سی چون آب حیوان چراغ لاله هر جانب فروزان
و خاکه با کیمسک و عبد و ارموط و کس و کس و سنیر و کین زارین معنیر
از مار پر لولاب کونکوه دلغار انجارین لولاله
در و انکار صحن دورکار و نقشند بولکوه بهار بر موصف فحار قانتو والی
آثار رحمة الله بنم فیض جمع و عین عطاء جمع و عین غدا آفت و عین قوه
مرح و ساعت صحران شاد و عین قوه فزیه لکن کین بخنی الارض بعد موقها
مقتضای فکین ایضا و اوراقین ان قلدین شکر حسن جمی ترین بر ماه طبع
کیم بان اموالین ایضا و لیزین اول صیف جمی چونکه بار خدای بر موصف دخله اثناء
پیر بر کین قدره نیشدین و بر و خیز و نیا و عین بطین ازین و باجمه قنبر
و فزیه و ورلین و کیمش و منشور الین کما کین جهاه سلفه نور و پیر و ز
جبار که روز ویر لکین و اولین جوده نور و سلفه کین شادمان

[illegible]

نبع عفت بخش و نطق منقش و دیوان گلشن بطایفه کج نش کایا
 درین امیزان اوله نطق مایه و درین بوفله لاجور وین بنفشه لول
 نخرمه چکوب و شیان و سمن مرغ و سفید اجنده رکن و درین لشن جایا
 رکنی منجه ل و درین نورنج ل و درین برکل و عطایه بر اقله به دیوان
 نقش بند صغ کیم نقش ایدی نطق باغی یازم یوزیر غنی جمع اوله نقاشان
 چون که در کورده شاه پیر و مبارکه دوزین باغش بر بر خور زنی تختگاه کور این مصلحت
 لیر زین مطالبه سوز و در کور خوراک و شمشاد و طوبی قیامی صفح لوزن
 خدمه طر مشد و در لیم جو وین لوزن چهار وار لوزن مشد و در کور
 لکس زر و دوزین کور لیم باب خدمه حاجی لکین هر خدمتی و لاجب
 بدین خصای زبرد مقام و یاغش لوزن بوسیده جوانه کاه مرغاه و بلبله
 طیب لاله و جامع کل کس ضایع سوز خطایه اوقیت و انوار کینه سوز
 آنچه سندن سکه سن یوریدی اطراف چمنه افرنی لوزن دوله کین جاری و مایه
 کین سارین لوزن کلک عالم مطایع و امر و ارباب لوزن بوقافه لوزن منج
 و بوزن لوزن معذر لوزن کیم توابع شمال و ج که زمره اهل هوا و
 بانگس مین قدرین ولاد خد کین هو کسین بلور بوزن و آتوب حادرمی لوزن
 کبک و غنچ کین بوزن لکچ و بنات نبات بوزن صوی بی صیغی زینت هد کین
 مین قارنجه و بلبله ناکه کانه کل سنده اونه کیمت ریاضی مسکن کس و بنفش

و بنفشه که بوزن یوز (اول) و با سهند باغی سر و قد لرین طوطی و سبیل
کمر و کلون (اول) و بنفشه که بوزن یک سبیل سبیل لرین عین زر لرین کوز
قرنیه که بوزن یک سبیل بی بهی کبی جهر صا رنیه که بوزن یک سبیل
بکوز کلشنک نوکیلری کم چمن کل دخلینه کوز ایدوب دز کوشتر
بومرود (اول) سبیل طوطی و مذکور (اول) و مومر (اول) و صاب غفور سبیل
و ثانی بی شمار (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
بهار (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
تنو نشانه عین و فاسد (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
رشته بنیه و بوزن یک سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
نکه بوزن (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
که بهی فاب و کلشنک بوزن یک سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
خاتم مس بوزن یک سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
فروغ و دخیان و جنة نغم فو لرین (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)
و لرین (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول) و سبیل (اول)

صالح مانند بهشت و پنج صبحی انعام میگردانند روزه فطره فاکه عید برشتن ادویه
 طراوت بین داریش و لطافت از بار باره (ایمان) چنه نشون و هو (ایمان) ادویه
 ایام چنه و حکم که و می شود و توفیق صفات و ادویه حکم توفیق
 و غنیمت که پدید می آید و ب (ایمان) چنه و طراوت
 لاکه من جام کفایتی در روز من و ادویه در روز لغت من و ادویه در روز
 بهشت ایمن توفیق ادویه از بار باره و ادویه در روز با کمال



فصل
چهار و بوستانه مغلق اولی بدر

~~مغلق اولی بدر~~

خیلمه یا عدله و فریطه بنفله و دونه بیرونه تار لبل اوله بزرگوار
بلنه نه و محضر و لبل بنیاده لبل اوله و

بهاره متعلق

تایستان تابستان انوار ازهار کونا کونف ایله ملووه و نطو
دین بیا دمر وین ایله مزین اولوب نهاده بهار منکشف و زقار سرما
طو و زقار کوما ایله منکشف اولوب چندشتا سیف سیف ایله منور
و بر و و سرما مزین عالمه منعم اولوق قولین میبه ترتیب سیاه
ازهار کلوز و کشر بر و سرما بهار مار
بید نیلیم عین شمع بهار لبل و ماغ باغ و درغ معطر و زقار بیا بهار خانه
عالم منور اولوب خزان صبا صحن کلشن پاک و خنجر و سوس کویا به ازهار
جاده لبر وین نیا نیا به به دنا از لبل و کمان و نور و غنچه غنچه
والله از غار و منصفه ناز لکجه بنجر و اهتر از لبل کله بلبل سید لوه
فوقه و لبل و ضو بهار اولوب و هاه فریاد و فغان باز و عکر صبر کوه
ایله هکله از غار لکجه چشم لکجه رو عاق ربش و لر کبیه تبا به اطار
و نور از قطار لبل جد اوله لبل و ما شیکار تر لبر
بلبل سید لوه کلز کلته زوال باغنا ناسه هاه بو شکر لبر و صفت
ناله نزه

في بيان المنسوخات

قال النبي عليه السلام المنسوخات اثني وعشرون شيئاً نعماً علي
 رضي الله تعالى عنه قال بين لنا يا رسول الله فقال عليه السلام الفيل
 والذئب والذئب ^{بغير} والقردة والخنزير والارنب ^{بغير} والضئب والعقب ^{بغير}
 والجرث ^{بغير} والدغوص ^{بغير} والسلفاة ^{بغير} والعنكبوت ^{بغير} والوطواط ^{بغير}
 والقنفذ ^{بغير} والكلب ^{بغير} والبيغاء ^{بغير} والزنبور ^{بغير} وابن العرس ^{بغير}
 ابن القرض ^{بغير} والعقعى ^{بغير} والزهوة ^{بغير} والسهيل ^{بغير} اما الفيل كان رجلاً
 مخدماً يدع الرجال الي نفسه واما الذئب كان رجلاً ظلاماً واما الذئب كان رجلاً
 حرامياً من قطاع الطريق واما القردة كان رجلاً يهودياً أصيب في السبب و
 اما الخنزير كان رجلاً يعمل على لوط واما الارنب كانت امرأة لا تغتسل من الحيض
 واما الضئب كان اعرابياً يسرق ثياب الحجاج واما العقوب كان رجلاً ذوالاً
 لا يسلم احد من يده ولسانه واما الجرث كان رجلاً يدوس ابدع الرجال الي
 امراته واما الدغوص كان رجلاً ثاماً واما السلفاة كانت امرأة من بني
 اسرائيل اذا اراد الزوج ان يجامعها منعته واما العنكبوت امرأة فاجرة سحر
 زوجها واما الوطواط كان رجلاً يسرق الثمن من رؤس النخل واما القنفذ كان
 رجلاً زنب شاش الحلق واما الكلب كان رجلاً فاضلاً يمنع عن الناس حقوقهم

واما البغواء كان رجلاً لا يتكر عن الفجور واما الزنبرج كان رجل في الدين واما
ابن العوس كان رجلاً مؤذياً لجيرانه واما ابن المص كان رجلاً نباشاً يسرق
الكفن واما العصفق كان رجلاً يدخل الحمام بغير ازار واما الزنبرة كانت امرأة
جميلة ذات فتنه واما السهيل كان رجلاً كاتباً يكتب عن الناس بغير حق فلما قدر
منهم هذه الاعمال الردية اجازهم الله تعالى هذا الشيخ ونرجو من الله ان يحفظنا
من هذه الاعمال السيئة الله ولي الالبغواء

سؤال ضارفي ساجد

مفتي مشکل صواب وخطا مستد آري تحفل فتوا مشكم وارغبنا بكم كلام
العلم حفر كنون استقصا فتوى كزحل ودر عقده مكر برايكيش عارض اولوي كجا
اولا حيات افواه سيدر مجلس فسق ايجده غراسا ثانيا سكر واز غماره شبیه
ثالثا برد و عيسى در طبعنا بار و يا ميسك وداوتي بدنه كي ضرر ديشن حكما
رابعا تحمل در رسايه كاسه سنيه حرام ايد الهفا اعتلا ايلسه حرام و حلال
خوشي جانينه در فقرا خامسا زم ببعث اولمقدرد هرنه مجلسه كم ايجده طسرفا
بودر شهم اول و آفو ايلزم بر بر آني استقصا هرنه كوه جوابي ظاهر ايسنه
بگاستور و اولوي نابينا خامه لطيفه كسلطان او مادم ايد سز آني اطلا

سوال ضارفي ساجد
جوابي بوشان زاده
مفتي محمد افضل نيكارا

جواب حضرت میخدا نام بوستان زاده افندی که جوانی تنگ کرده است
 و کلامی سبائل صواب و خطا . مشکل انوار خفیل علما . توه حقه ذکر اولی شرب است
 و قهقر جلای صوابی و ریای . اولاً هیئت اداره دینک . جمله دایر کلام بی معنا
 هیئت مجلس اولاد بی اگر . ذره به اعتبار شرع علما . ایچ وکله کاسه کاسه بر تلر
 جلای بی مرام اولاد بی کا . فخر عالم که جفت حق در . مخلیده قوی کیسیده نقصا
 بیغی مسطور و محبین ده . بر کون اول پادشاه در دورا . بن صافی طو لور و بر قهر
 ایندی اصحاب صفیه اسقا . سنت اولمشدر بر وضع سن . ایرالت اولان آنی اجرا
 اهل مجلس تناول المیراکن . ایسته تغیر وضع و شکل اما . بیغی سکران المیه شبیه
 کندی مزه کوی و مزه در . اکالایه مرام اولو صودنی . بیغی بدو لیجه عمر آسا
 مانیا سکری وارد دیک بوکان . قاتی لایعقلاندر بواد . بخره ایلم یقینات
 اکثری بخره بیلدر شرعا . مزه علم یقینی کلدرد . مزه جم سکری اولیه قطعاً
 بشه نالکد وکل وارد . قتی باردیم سوزدر حقا . باردو یابن اولادن برشی
 حاش لله حرام اولر نوا . کمی بارد کیسه یابن در . متساؤل اولان جمیع عدا
 توه تک نفی کی مشا در . بر انکیمن ذکر ایلم اجمالاً . اولاً بلغی ازالم ایدر
 ایدر نحو ایدر قوماز اصلاً . عینیا نیک قیسه مانع در . نفی وار اخوه دانی در عکا

قطع ایدر جمله رطوباتی هم مشاهده اولان ریاضه و آن نفی وارد در پیش بوسیله
 دفعی قولنج براسیر بلا شول باش اونیسم که انبسی و غف و شدت حرارت اولان
 یا جوب اولان کوز قباغنه قرزوب نیشکم کل عرا یر بلای رمده که آله دوا
 اولایه بر طریقه ابوا کوزین آهانه قادر اولمیه ع کوزه عالمه شویله نابینا
 متصاعدا ولوب بخار دی بور بوب قاپلایه دماغی یا کوزین آهانه عجم سبل
 الف قایتینی اید دوتا چاره سی دفعی تویه ایچکدر تویه درر اکا علاج و شفا
 تویه ایچ تویه دافع عذر ویره صیقل دماغه عقله سهره باعث اولماسی نه
 محض لطف خدا پیش صلیا تویه نکر ایکی قشمنی دخن بر دویسن ایل متصف قش
 اول که قشر در انک شانی بار دویسن اولم در طبعا اولم بونی در انک طبیعی
 حار در غایقه ایتمه اعیان دایم تیا ولنه حار اولان نافع اولان در طبعا
 باخصه صلیا طبیعی اول بونی قالمیه آنزه ذره قطره یا یغی که صاف اولم کور تون
 اولان فحان ایچینه جلوه غا بی نظیر و عیال اولر اکا شیر و غرا اولور ساده مثلا
 شیره را بک عجم کرم اولر عاقل اولان خالره شا و هم حصیله قشقی منجمده
 بوکا قهر اولم خود ایا که آهنا رانه و هم بر شنی ماعرا و حلال اولم حاشا
 مسک و عود و زباد و غیره غالباً ایچینه اولان ملحق بوکا شایسته مشاهد تر

واربوری ایتم برید دعوی . مطعم و مشرب نه هر کسبه . مؤمنه حسن ظن در آفرینی
 خاصه سارتمه باعث اولماینه . وکل اصلا مسلم الفحوی . لطف و خلیق اولن کسبه بل
 نه ایچک بر بریمه صفا . آرتورر لطیفه کورمرا بورد . لطف و احسان اولور اول اولر و نه
 جنت طبعی اولان ولی هر بار . هر نه موضوعه کم ایله ما و نه قائل اولور کلامی انک
 خیره ایچر دهن چون اژدرما . کوز یوبو کسه زیمینی ایتم . سولیم بولور و عکس علی النیم
 بودر منوزم اول و آخر . تم باطیر خدنا الفتوی

مکتوب حکمت السلوک از زبان افصح الشعراء مولانا فضولی بغدادی
 علیه رحمه الله الالهاده بحکم نشانی پاشا حفظ الله تعالی و تحفه
 ماکه ملک آرای عالم و حاکم حکمت فزای آقالم حکم معوره جهانیه وقف
 ارباب استرراق ایروب توقع ملوک عدالت شعاره و حکام مرحمت دمازه
 تقویض ایندیکه و خانقاه تنکهای عرصه عالمیه و امکانده آثار ارباب استرراق
 اولوب هر فردنه مقدارجه خواجه عیبه و وظیفه مستوره سیدکجه او مملی
 ارقام دیوان خلافتک قلم مشکبار لری مضاع کوز ارباق اصحاب استحقاق
 اولا و اول ناقل استحکام بیان سلطنتک رقم غیر نثار لرزه خداین اعداق
 ارباب نظر بصارت بولا شرح شیمه تا و رفع تیمیمه دعاقدن صکره **نظم**

عرض ایدر خاکسار بی مقدا
 بشن کمترین فضوئی ز آرد
 که مقیم مقام عزت ایکن
 ساکن گوشه قناعت ایکن
 باشوم دوشدی جاه سودا
 فوق اصل طمع قناعت
 یونس کبش شک و نام ایستد
 طلب رفعت و مقام ایستد
 استدم یکم علو قدری بولام
 مظهر لطف پادشاه اولام
 بلدم یکم شکسته حال اولورم
 حمد البینه با جمال اولورم
 طمع اشتراره خادم اولم ایشت
 سفایه ملازم اولم ایشت
 یکمکه التهودت ایبا ایلم
 در کبی غیزه انجی ایلم
 حاصلی زالت و خسارت اولور
 رخت امتدی ناسر غارت اولور

الحاصل فرق اقتدا می افسر قناعت ایلم و قالبا اعتبار می خلعت عزت
 مرین قلوب و تملیک عوالم معنایه تسبیح اقبال صورتن یکو کبیلوب
 پادشاه ملک استغنا و حکم علی الاطلاق ملک فقر و قناعت ایکن جوهر دائم
 اقتضای تکمیل ایوب و صورت سلو کردن رفت توکل کیدوب عالم حمدن
 بوسروشم مله اولدم و بو الهامی اضفا قدم که ای غافل عالم صورت مظهر

صفات الاهی در ویست انوار مخلوقات نامشایی در هر آینه ملکوت
 بهره مند اولیان سرانتر ملکوت دست رس بولاز لاجرم حکام ملکه توسل
 موجب حصول مواهب در و ملوک عصره تو قتل باعث وصول مطالب در
 وحدت صحیح در السلطان ظل الله آتدن استغنا خطا در و بضر صریح در
 لا رتبه فوق رتبه السلطان الایمی مرسل او ملک مقرب
 آتدن اخراج نادر و اخصوا بزم پادشاهن که رتبه سلطنت معینه بایم
 خلافت در و بر حکومتی حقیقت ده سند امامت در **رباعی**
 پادشاه و بزرگ سلطان سلیمان و بی اول که تخصیص عدل در ذات ولایت پروری
 خالی آتدن اولسویا رب ولایت تا ابو کم دکل خالی ولایت در صفای جوهری
 القصه بویک یک ای در گاه معلان بر نصیب طالب اولوب و ارکان دولتین
 سعادت امرا و شرف اسعاد اولوب طغوز افلا که استغنا او رکن اوقا
 طغوز ایچ و طیفیه قناعت قلوب عرضی ادم و برات ایچون در گاه عالیه
 ارسال ایدوب وصوله مرصدا اولوم حدت مرصده مقبض اولوم و ایام
 انتظار سوانجام نوالوقع مبشر که مرده حصول مقصد بتور دیر بجایر مثال
 میمون و برات همایون کنور دیر که صلیه معارفه آراسته و زیور و اطفال پرآینه

عن سواد نه صفت والليل اذا سجي وكافور باهمنه صفوة والصبح
 اذا تجلى مخيم سنده سطور سجائب انظار واجب وخطوطه افراذ نقط كواكب
 انوار طالب مشاهد در بستم لوتی سراب ایل ملودریای مکارم تجوی کساره
 ضالوب مثال نافه مشکنا بیل طوب قاید عز و اهرام ایل وارد اولمش فاحشه
 عنوان کریم هو الحق البین خاتم یاری لا عاقبة الا المسقین غایت مضمونی
 ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم ونهايت مضمونی
 انه من سليمان والله بسم الله الرحمن الرحيم **قطعه در وصف برآفت**
 زهی مثال شریف نشان عالیشان زهی راسله ذوق نجش فیض راسه
 زهی هلال بهر عواطف اشفاق زهی کلید کنوز مراحم احسان
 زهی مخیمه خال دل صفا ایمن زهی جریده عنبر نشاد مشک افشان
 حقا که اول اولوایت رحمت نزولنده خاتم فائزه بر سر و سرایت ایدی کم و ^{صف}
 خارج اعظم یکترو اول سرمای دوت و قولنده قلب منکسر بر ثروت یتدی
 و کبری ما فوق احتمال تقریر **بیت** نفسه آنو کلمه بین دو قرن اولاد آگاه
 قلت انی لک قالت هو من عند الله مجلا امیر محالم اختیار سطور دم و ابر
 حکم ایچون متولی حضوره یوز اوردم الحق متولی ملاقاته فرصت و شادی

و آنکدامین ملازمین دست نیل ایرشده اما دیوان الباعنه لایم ایندم
 چون اخس اوقافدن ضعف احوال حضور لوند کندم بر جمع کوردم حکایتی
 پریشان نه صفادق آنده اثر وارنه صدقون آنده نشان جمعیت لری دام حیل و
 حضرت خلیس لری ای لیک کالانغور لیم اصل حرکات ناموار لری مشاب
 شویان رنج کلمات پر آرا کر فاعل امواج طوفان نوح سلام ویردم رشوت و کلام
 دیوالمادیر حکم کوستردم فائز سرور دیو حلفت اولادیر اگر چه ظاهره صورت
 اطاعت کوستردیر اما زبان خالی جمع سوال جواب ویردیردیم ای آلاء
 بونه فعل خطا و چنین ابرور در دیر مقصیل نرم عادت غر بودر دیرم نیم رعایتی و حب
 کور شکر و بجا برات تقاعد ویر شکر اوقافدن همیشه لایم مند اولام و باد
 فراغله دعای سلام ویر لری سکین شک و مظالم کور شکر و سکا سرایه سرور
 ویر شکر دعای بی فائز جدالی ایله ن و نامبارک یوز کورب ناملایم سرور
 ایرشده ن دیرم بر لیک مضمون نیچون صورت بولار دیر لری نایور و صوتی ممکن
 اولار دیرم بویلر اوقف زواید نیری اولور دیر لری فوریت استدادن زیاده
 عالیه نیرن قالوری دیرم وقف مالن زیاده فقره لیک و بالدر دیر لری نیر
 ایچ مرصا تون آمشور نیر حلالدر دیرم صبا السار بوسلو ک فساد ی بولند

و دیگر حسابی قیامت انور دیدم دنیا ده دخی حسابی انور لر برین آینه شوز
 و دیگر آندون دخی بانکر نو قدر کا بکوری رافعی آینه شوز کوردیم که سوالم جوابون
 غیری سنه ویرن لر و بوبرات ایله حاجتم روا آلی ای دی واکورن لر ناچار ترک
 محاکمه قلم و ما یوس و محروم کوشه عولمه هکلم بن براندن امانت هکلم
 ایچون منفعل براتم بندن فائده سرغذاب ویردو کچون فخل اول شاهد مجروح
 بکے تعزیرن پشیمان بن مدحی کا زب کی تشیع دن پریشان اول آیت
 منسوخ کی منوع العول بن امت منسوخ کی مقطوع الامل **بیت**
 بنی اکافتنه اول بکا آفت متغیرن آندون اول بندن
 بنی اکافتنه اول بکا حنت متغیرن آندون اول بندن
 القصة شدت حرمان کماله بید که و در بای حیرتم طغیان ایند که خاطر بو
 بیدی و قلبم بو معنی سربایت ایندی که البته مطلع مکاردن طالع اولان
 آفتاب مکرمت اجتماع سحاب بیره قبول ایتم و منوع مرادن ترشح
 قیلن زلال مرعت گرد باد تزلزل دن غبار طوفان عنی قریب مانع مانع
 بولنور و رافعه رافع ظاهر اولور **بیت** حاشی که کم فرائض کنجک سکا نه
 مطر مکر اول درگاه خلافت دستگاه حاشی که کم فرائض کنجک شتاقنه

اثر بیداد اولطوائی حکم پادشاه **نور** خدا یا نجفی بیورلیه و مستور اولیه
 و اید اولان برات هایون مضمون ارسال اولنان عرضیه مطابقی اولیوب
 عبارتند لفظ زواید زاید واقع اولمشدر و لفظ زواید که انک میزان
 مقررند مقیاری بن ناقص قلمشدر فی الواقع اگر لفظ زواید بن عرض بواسطه
 کم و طایف عدم و در و اب و آخر اجابت علیق الدواب عوامل و ما یحتاج
 صغر و بنان صکره بنده بیر فائده مرتب اولابو صورت حقیقت ده
 درگاه معلان بولید اشارت اولمشدر که بنده واجب التجر فضلی
 الفقیر استعوار تقدم و استحقاق نکتم دعوی سن قبلورکن و کمذورین اکثر ارباب
 استحقاقون مقدم بلورکن مرحمت ملوکام و کمزرت حضوران طهوره کتوب
 بوبرات سخاوت آیاتی و یردم و بیوردم که من بعد رتبه اقتدارین و پایید
 اعتبارین جمیع کد اردن بلکه بهایند و طاشدن و دخی طرافدن اخسایوب
 او یام ایله بهوده تفرق برات قلمیوب مرتبه سندن خبردار اولاحقاک بود واقعه
 بن چکد و کم رنج و ابتد و کم فرج و خسارت ایچون نکل خضا کورین حضور تکوز
 چکد و کی امک ایچوندر که ضیاع اولدی بنده بن الومون نه کلور خزانه عیندن
 میسر اولاقلم قصاصتارک قیل **مشوئی حسب حال و بیان واقع**

سرور گردش سپهر گبؤد ۱ دایم اولماز موافق مقصود ۲
باغلان هر شکوفه میوه تر ۳ اکثریت بدویک پرنده یزد ۴
کوچمه انزوه و خشم چو قدر ۵ هیچ کیم دنا شکایتم یوقدر ۶
طالعدر بکا جفا یتورن ۷ هر بر آغذه بیک بلا کتورن ۸
یوحسه درگاه پادشاه جهان ۹ لطف منبع در مروت کانا ۱۰
وار امیدم که اول بلند مقام ۱۱ اولایا پاسبنده تارنان قیام ۱۲
سرفراز اول جمله اعیان ۱۳ بی تو نزل جمیع ارکان ۱۴

ترکیب بند حسب حال فضولی بعد از علیهم رحمه الله الهادی

منم که قافله سالار کاربان غم مسافر ره صحرای تحت ستم
حقیر باقی بجا کس دن صاغ غم فقیر بادشاه آساکرای محتم
سرشک تحت روان بس بجای آه علم

جفا و جور ملازم بلا و درد حشم

نه ملک مال بجا فرج و بر سره نمودن نه ملک و مال دین آواره قیل و جحزون
الرحم نفلس است و محق و دودن دمام ایله خیال ایلم که قادر و غم
کوکله نقد و فاکخی لیک پنهان
کوزم خزانة لعل و کهر و یه فایه

حیات مر فایه و بن درد قلمش حاصل سرشک آل و فرخ زرد قلمش حاصل
ضمیر کوز کوسنه کرد قلمش حاصل طبیعت سک شب کرد قلمش حاصل
ایشم قراکجه ناصح ناله و فریاد

نه و بر سر لاکاشاکر نه دیسلر اکاشاد

سرشک ریز کل اندام هوا سیل شکسته حال سیه زلف و غما سیل
زمانه ایچره غم عشق ماجر سیل همیشه تصلح اوز که لورضا سیل

نه دور گردش کردون بنم زادم ایل

نه غایت ایل حسن اعتقاد ایل

حسود صورت احوال نظر قیل
جفا قیلور من بیچاره دن حذر قیلور

صفا نور که ناله زارم اکا اثر قیلور
این زور ایل عالمه در بدر قیلور

زمانه ایچره جرت در اعتقاد زمان

همیشه بخشی بر بخشی در دایان یان

خوشم که نامه تقدیر بر ایزد متعال
وجود لوحه تصویر ایزده صورت حال

رقم قیلن اگر ایدار در اگر اقبال
اولور تغیر اکا غیر بدین بر امر حال

سعادت ازل قابل زوال اولار

کشف بر او ستمه دوشیدنی با ایل اولار

غریب حق حسد دشمنیله اولار خوار
حسود حیل سنی اقبال ایلر ایدار

اگرچه کلبنه گاه فراندن آفت وار
نذارک ایلر اکا عاقبت نیسم لبار

عرض بودر کم از لون اولور سه دولتمند

حال در رسته آثار دولتمند کونند

اگرچه بر بچ کون افتاب عالم دون
جهانده ایلوی اقبال را عینی بکون

زمانه صورت احوال ایندی دیکوون وفا خطینه قلم چکدی چرخ بوقلمون

بکون زمانه اول احوال دن پشیماندر

اگر چه کافر ایدری حالیا مسلماندر

فصلی ایله دنگه دنگه وفا قیلعل یتر شکایت ایدو شریع ماجر ایلعل

وجود کی هدف ناوکر بلا قیلعل قوجا فاله میر ایلوب دعا قیلعل

یکم اولردوست رضایه چنین سکا حاصل

رضای دوستدر اصل تمتع ای غافل

قطعه نوچی افندی

ای طوطی شیرین لب بکر زده شک قنده حسنک کلمه فر شو جان بلیلی افکند

ای جان و جهان تراوی دلبری همتا بن خود شک اما کیمک اولاسی سنده

قطعه بر آلی غدار

جاءت سلیمان یوم الوضی قبره بنصف رجل برادکان فی فیها

ترنمت بغصیح القول واعذرت ان الیاد ایا علی مقدار مهندیا

میراثه

چی کند مصطفی باین تقصیر نکتة تحفة الفقیر حقیر

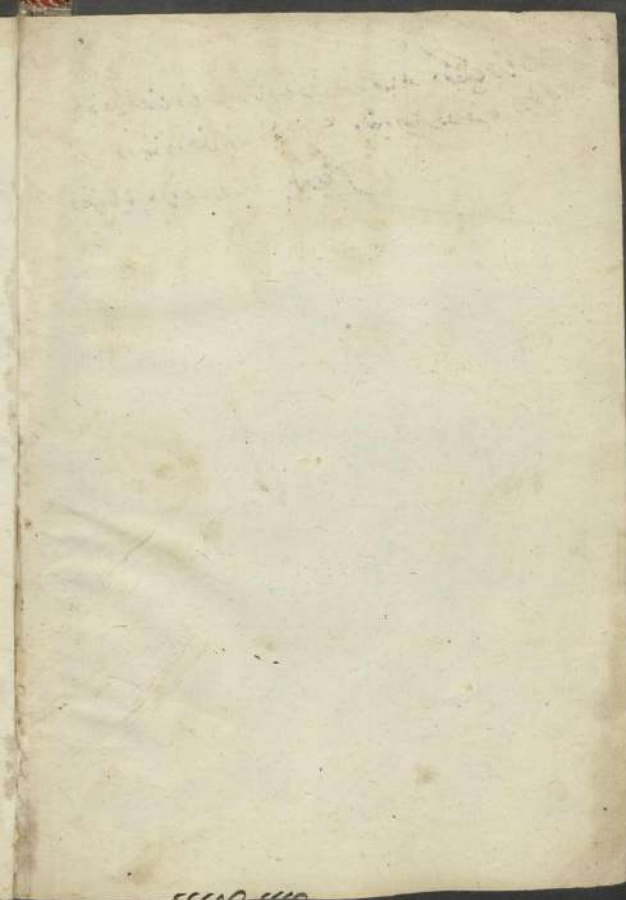
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله
والحمد لله رب العالمين

[illegible]

چون در او تکیه بر ارباب محبت و اخلاص و مقصود تشبیه و ارتباط مومن
و اخفای و بر بومندار اید کنگار اولین **و** چو غرض بخیر محسن
الطایع بی غایب و تسلط بر اوصاف بی نهایت و بر بومندار اید کنگار
اولین **و** چو غرض بخیر فانی عابد و تسلط بر این زکات و بر بومندار
و چو در او بخیر مآثر علی و تسلط بر فانی و بر بومندار اید کنگار
و چو در او غریب فراع و اولاد و مقصود تشبیه معاند موافق و بر
بومندار اید کنگار اولین **و** چو در او تشبیه بنیان محبت و دو و مقصود
غریب اگرگاه مومن و دانی و بر بومندار اید کنگار اولین **و** چو غرض
عین شد اید امثال و در او شریک مکار با اتالی و بر بومندار اید **و**
چو در او اشیاء ارباب و دو و مقصود افعال اطوار و دانی و بر بومندار
و چو در او بخیر مومن و اولاد و مخالف و مقصود غریب و افعال
و معاند و بر بومندار اید کنگار اولین **و** چو در او محسن شد
صدور فانی و مقصود و صحت صولت شد بنیان بومندار اید کنگار اولین **و**
چو در او بخیر سلاسل جذبان فانی و هیچ شراعت خدا و شد بنیان و بر بومندار
و چو در او مکار شد اید شد اید فانی و مقصود و اولین استیلا شد بنیان
بومندار اید کنگار اولین **و** چو در او قضیه بر حوض فانی و مقصود و اولین قضیه
و مقصود
ایشان

ویک
 بی عین حق عز معاد سماوی و روحانی معاد و کمال عز و دل
 و بیخ لایق و اعتدال و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی و اولی
 و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ و بیخ



[illegible]

[illegible]

و کبر همه سفارش متاع و اقبال منزلت را بر باد و کبر همه صیغه تالاف و بفرم و کبر کما فرغ

ایک بار باینی و الله در دجا و کبر الاحتیاط المظن

- ۱ سربرد دولت و اقبال نیکه گاه تو باد
- ۲ همیشه روز و شب فرخ و همایون باد
- ۳ بخت بیدار همغسان تو باد
- ۴ سعادت همیشین یار و دولت باد
- ۵ مدت بخت دولت همیشین باد
- ۶ ایام تو همیشه قرین و رو باد
- ۷ سعادت انی تا ابد قرین تو باد
- ۸ مستد قدر تو در ذروه علین باد
- ۹ رایت اقبال تو منصور باد
- ۱۰ فلک عرضه غرضه تو باد
- ۱۱ سعادت ازلی روز و شب تو باد
- ۱۲ حفظ حق با سب از لجا تو باد
- ۱۳ حایت از مال و ماله قرین تو باد
- ۱۴ مدام پایه قدرت و فراز کردون
- ۱۵ سر برد خواه آستان تو باد
- ۱۶ چنان خود هستی باد چنین باد
- ۱۷ دعا صبح خیزانت قرین باد
- ۱۸ جان تو نادمان و دولت خیر باد
- ۱۹ زمانه تابع و اقبال همیشین تو باد
- ۲۰ وین دعا را از همه خلایق آمین باد
- ۲۱ جنم بدارد دولت تو دور باد
- ۲۲ ملک داعی و شکوه تو باد
- ۲۳ خدای عز و جل ناصر و معین تو باد
- ۲۴ رخت از روی پیکر تو باد

سَمْتِ نَحْيَا لِحَنَاتِ مَرْسُوقِ

جَاهَتِ مُدَامٌ وَدَوْنِ رَانَتِ بَكَامِادِ • اِقْبَالَ بَرْدَوَامِ وَشَرَفِ مُسْتَبَامِ
رُوزِ كَارَتِ هَمَّ هَايُونِ بَادِ • عَمُرَتِ از هَرْ جِهَ هَسْتِ افْرِزَانِ
دَرُوتِ چو كَلِ نَا زَهْ وَشَادِ بَادِ • دِلِ از بَارِ چُونِ بَرُو آزَادِ بَادِ
عَمُرُو اِقْبَالَ دَرِ تَرْكِيَةِ بَادِ • بِنَبِيِّ دَالِ اَلْاَنْجَامِ
مَعَالِي وَاَقْبَالَ تَوْبُو دَوَامِ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامِ

بِهَ جِهَةِ غُصْنِ عَرَبِ وِجَا كَرِي وَرَنَ اَهْلِ اَهْلِ اَهْلِ دَرِي وَحَمِي كَسَرِ دِي وَرَنَ
اَكْثَرِ كَرِ كَرِ دَامِ فِ دَوْلَةِ وَاَقْبَالَ اَبْنَاءِ ظَلَمَةِ الْعَالَمِ
دَمْدَمِ سَاعَتِ بِهَ سَاعَتِ اِقْبَالَتِ فَرُونَ دَشَمْتِ چُونِ شَيْثِهَ سَا
هَمِيَهَ سَرِ كَوْنِ دَالِيَهَ دَكَبِ اَوِيَهَ دَالِيَهَ دَالِيَهَ دَالِيَهَ
اَتِيَهَ عَزِ وَعَزِ قِيَامِ بَعْدِ سَمَاعِ دَالِيَهَ دَالِيَهَ دَالِيَهَ
تَعْدِ دَوْبَهَ فِ مَدْرِيَهَ اِلَا اَلْاَوْطَابِ دَالِيَهَ دَالِيَهَ دَالِيَهَ
دَلِ سَابِيَهَ وَشَالِيَهَ مَحْزَلِ بَاهِيَهَ مَحْزَلِ كَبِ عَزِ مَحْزَلِ دَجَلِ مَحْزَلِ
مَطْلُوقِ تَوَلَفِ عَرُودِ دَوْرِ عَرُودِ مَحْزَلِ مَحْزَلِ مَحْزَلِ مَحْزَلِ
جَابِ جَابِ اِدِيَهَ رَجِيَهَ مَحْزَلِ مَحْزَلِ مَحْزَلِ مَحْزَلِ

اشبه ساعه مستحیل المساعه فراقده سرکردان و راحه دست سالیلا استراحه
اشتیاقده دوان و بیویان اولان بنده نالوان و مخلص فی نام و نشان طرفدن
پریشان احوال پوریلورلیه **دیگر**

اگر تفقد حال زار فقیس بمقدار خاطر عطره کنارا ایدر سه خمدیلک
نعت حیات دن حصه دار و هجوم افات دن دوکنار اولوب در جمیل
لرین نگار ابلک و زر معلوم نریقلری اوله

اگر بویحب خالص الو لا طرفدن استقصا اینه بال ذی بالکرنه چهره غا
اولورسه **دیگر**

اگر تفقد احوال مخلصین انا سنده بودعا کوی مخصص دخی اول آحاد اعدادنده
تعداد اول نمغیله تشریف و خاطر مخروبی نلطیف پوریلورلیه

اگر بویحب جانی داغ عبق دیتلری ایله موسوم و نام و نشانی چراغ استانه
سعادت اشیا نه لری اولمغیله معلوم اولان غلام دیرینی و بنده کیله احواله التقا
عین عنایت اوزانی پوریلورلیه **دیگر**

اگر بویحبند زهر قهر دهر بی هم شکار و کشفه بار عار و ان در سپر
یک زقار قبلدن استفسار قلب شریفه اخطار پوریلورلیه اول جناب نگارم
استیعابک ملازمت باب دولت نصا بلندن دوری صوری و متهوری ضروری
واقع اولدقده فکره سر بی سامانه کلن بلیده بی پایان خارج حد و بیاندر
خصوصا مهموم و محجوم وار و دیاردن محروم کوشه پین الحزنه مخزون
و مغموم و دلتنه و نشسته ملاحظه پوریلورلیه **دیگر**
اخلاقی عنها نازح و بعید اقلب لری فی الدیاد فلازی وجوه الإقبال الذین اید

دکتر
اگر بود یار جلیل الاعتبار ده شکر شکر نعم مشکاثره کوز ایله عذب البیان
و محاسن سیمیه ده اشاعه الطاف و ازاعه ایا دیکون ایله مشار الیه بالینا
اولان داعی خالص الجنان لرنیک احوالی تفقدی ایله تقید ضمیر صاف
سداد اتصافه خطور ایدر سه

اگر اول ذات نجنه صفاتک نماد نه مرکوز اولان مکارم خلق
عالیه و مراسم اشفاق و اقیه لری مستعدا سنجه بوجب قدیم و دعا کوی
مستدیم قبله ان استفاد اولور لیه

اگر رسم مالوف بزرگه و خدرو نری روزنه تفقد ایل نورش کوز شتاب بغول
مستخیز پور یور لیه

اگر خاطر خطیر بی نظیره که جام جهان غای اسرار الی و مرات بر صفای آدنا
الاستیاء کما حی در احوال داعی کثیر التقصیر خطور ایدر سه

اگر بر موجب الطاف سینه بزرگوار و مستعدای مائش مهیه کامکاری اوز
و ضایف لطف و احسان و لطایف بی کران لری بمنزول پور یوب ضمیر منیر
مهر تنویر و خاطر خطیر عطار د نظیره تفقد احوال اجابیه متوجه اولور سه

اگر اقتضای الطاف عیمه عظیمه و اسندعای اخلاق کریمه جیمه تفقد احوال
صداقت مال بنده قدیمه باعث و مورث اولور سه

اگر بر مقتضای عادات سادات کوام قنض احوال داعی صداقت انجام و پرست
خاطر کینه ناکام استعلام پور یور لیه

اگر عادت حسنه و خصلت مستحسنه لری صبیحه تفقد حال مافی البال پور یور لیه

اگر مر و تلوسلطانکد ابواب الطاف فیه الاکفادری مفتوح بورلویوب بود
اسود یاد غربت و مغمم بلاد محنت اولان بند لری احوالی تخصی و تشیع
ایتمکدن استیکاف اولمائیوب استعلام حال و استخبار مافی البالد و لوق
خاطر فیض ماثورینه حطور ایدرسه

سندینه سروری و عادت بهیه بند بروری مقتضای سابه رافتاری بو عبد
نا بود لری اوزره مدود بورلویوب

تغفر ضایر اجاب خالص البیان عادات و سادات عادات اولوب شیه
کرم و ادب و وفا و عارف مرضیه اصحاب صدق و صفا اولماین جناب فیل
الزادری دخی بو معنای خلوص قزای مراعتیه بقید ایدوب بر سن احوال مزکی
منضمین مکتوب مرغوب صفا ضمیم لری وارد اولوب مضمون محبت رهیندن هره
املا اولمقزایه ملحق مخلصی دیبا اولمشد

اگر شرایط مروت و لوازم موت دعایت اولوب بو بند ناچین و بیت زلنده
خاک این طرفندن روزگاره سوال شریف و استخبار لطیف بورلویوب

الرفیق و مر و تلوی مدول بورلویوب بو بند دیوینه و عبدکم لری طافیه
2 الحاح تغفر بورلویوب احوال و مجلس حاله احسان بورلوق خاطر صد
نشاندند خلیجان ایدرسه

اگر علت علی بزرگوار و دایمینه کامکاری اوزره قدرم عواطف بر و احسان
رخا و عان زو ادق کوم بی کران مدار اولوب ضمیر مر و تلوی مشتق تدریس و خاطر
عطیه عطارد تائیس مریخ نظیر منفرد احوال فقرایه و تعهد اجبار ضعفایه نوم بورلویوب

اگر بو کینه غریب بحر فراق و حریق نار اشتیاق قبلدن لمح زره استفسار حال بورلویوب
لب

اگر طوق عظیم و لطف جمیع مقتضایه بود محبتی دیا و صدیق با وفا طوفان
استعلام حال بود بولور لب

اگر بخانه غریبه عموم عموم فرقت اجبابه الوده و کجاست حسرت کجاست خیال
صحبت اصحاب ایله اسوده حاشیاء استعلام اولینور لب

اگر بود عاکوئی مخلص قدم و شایوی محبت محرم قبله زن استفسار احوال
بود بولور لب

اگر بود در ویش دلوش شکسته بال و فیض خیر خبر اندیش شفته حال طوفان
استفسار بود بولور لب

تا کم حکیم ازل و طیب لم یزل دار التفاء غنی و بیمار خانه لادیردن
 اقتراج افشواب و ازدواج باد و خاک ایله طینت نیل دمه و مرش
 کافه ائمه توام نام و قیام غام و یرد اول ذات شریف عالیشان و غصه
 لطیف یومرونگ و احسانک که ذریه انزاف جهان و بسندین دوراند
 کلزار مزاج شریفین حبیب دباح زدر کای برله خندان و خنودار
 عنصر لطیفی جریان اب حیات جاودائمه شاداب و یرتان اولوق
 امیدینه مدرسان عوالم تجرید و معلمان معالم توفیق و تفرید زمانه
 نعلیم و اوان تنزیم ده ورد زبان و حرز جهان ایند کلدی صحایف
 ادعیه مستطایه و وضایف انینه مستحایه اول استان فلک قیاب
 سمته صورت نیاز برله اهدا ایدوب انواع ضراعت و استمال ایله
 تقبل نامور دباوال قلندر قرضکره عجز یرد فی شبهه بود که بوند قدم
 سلطام خضر لیک مزاج نازک علاج مستقیم المنها جلدینه تبدیل هوا و تجرد
 واسطه سیله بر مقدار فتور عارض اولد و غی استماع اولغله یران غم
 منقل جاندن همچان و طوفان الم منهل دیره خون افشاندر سیلان
 ایند و کی ماغدن است مین خدای بداند نوین میدانی که اذ شنیدن
 ضعف تو حال مزجون شد روی نقرع و مسکت درگاه فی پاره اقبال
 و دست تخضع و ملکت بارگاه جاده سازه برداشته قلوب دود
 استعدای صحت جسمانی و غنای قوت روحانی اوزره بومطلع کرد
 اولندی ب ج د ه و ز ح ط ی ک ل م ن ی ر ز ح ط ی ک <

اولوب الحمد لله الذي اذهب غمنا حزنا ان ربنا الغفور شكور
شكر خدا كه شام اميد زمانه دا مهر ما را از افق غابيت دميد هزاوك
دعاه كنودند اهل راز از بازوي بنا زهر بر هرف رسيد حق عليم
وعلا مدر كه بوجي خبر انرك وجوده كلوب و روندن چشم اجبا كرد
المدن ضربا يكن دوش و قري و جسم او داده و غله جريح اكن جمجم و
ارباب ابنها جك ناج ابنها جاري اوج اسماء محازي واصحاب خضاك
باي افتد اري فري فرقوا نه مساوي اولشده است در ب بجه بنما ايندم
كوستند دي قربان ايندم باي

بوندن مقدم اولیاد فیضیه الاقطار االیسته علی وجه العموم استبداد و هجوم
 این داء و بانیغته ثانیه صورت اینا ایدر برد اعیه هایله بلکه فی الحقیقه
 بر قسوره صایله اولغین ستماع اولندیکه خنجر نایندن نیجه غنجه دلیسند که
 عمری درین و تیغ اینا بندن نیجه نعل سر بلندک پنج خیابانی برید و اولوب
 لا سیماکل نور سید کاستان دل و نخل خوش د مید با غمتان اب و کل
 اولان مخدوم ملک مشاکلک میوه وجود پاکي اول عموم بر عموم دن
 قتاده منعاک خاک و روح پرفوح عطرنایکی طاووس خطایرا افلاک اولد
 اول طایر مرغزارخانه پاره کبد و خیر خلف مادر و پدر خیشاوند قریب
 و خواهر زاده دلفریب غمتان جلیلی کی لیبی هجومک دخی مرغ رویی تمناح
 اولوب قفس قید اشباح دن عزم پرواز کاه عالم ارواح الین انا الله
 وانا الیه راجعون و خنجر بفرقه متجعون هر خید که بوباین غوطه زن در یی
 اضطراب اولوب کاه آه پر شرار الیه سپهر بنع عتاب چلکد که کاه چشم
 اشکبار الیه روی زمینی غرقاب الیدک عاقبت الامر بومبینه البلیه
 اذا غمت طابت مضمونیه تسلی فی اصابت فهم ایدوب دامن صبی نشین
 ایتشوز در میان اول ایکی دنا یاب زیر ضد و قبح تراب اولد فی حق
 سبحانه و تعالی جمیع توابع الیه سلطانک قناب وجودن لامع ایدوب
 مدالدهور و الاحقاب ساینه سعادتندن اجناسی کامیاب ایدوب

دکتر معرفت نامه صورت

حائز بنفیلندن کوثر هوشه بر خیز منکر واصل بلکه طریسرای جانم بر صافقه
 بلا نازل اولدیکه هولاستماعدن مرغان بهشتی چمن کندی نوالون و نند لیل
 و سکان عالم علوی سپهر ظلم النیرک نیجه قهر الیه دامن طوطی لیل علم الله تعالی

درون مخزنه براتش سرکش برافشدر که زبانۀ مکیفی صولجان پیچ
مهر و شراره ستیاره کورداری کوی میدان سپهر و لشکر جیفا که فرغ
نعل باستان شربت اطهار شمرات دلیر بر این دین صرف فنادن شکست و لشکر
و درینا که صیحه العید جهان سعادت وجود کماله ایروب رونق
افروز عالم اولادین قلام شام اجلد مخفی و لشکر همان سلفه از لادن
منفر عدر که ذات ملک الوفا کدرین ادراک فخره برقرار و جمله نواب علین
کشف حمایت یابد ادایله **دیگر تعزیه**

چون دلایل عقل و خواص حس و نقل الیه معلوم و مفهوم اولمشدر که دنیا
دنی دار نام و غرور در سرب فرحت و جور و مقام راحت و هر روز کار
اولی بکا و اسطیغنا آخری فنادن اقبالی ادبار الیه توامان و دولتی زینت
الیه عفا در شراب سراب حضرات محضیات کلین جنابی کلین جنای
عفا فضایی قضا فنا بی فنادن و کلیه موجب کل من خلیف با فان حقیقت
حاله دلیل ناطق و کل نفس زایقت الموت حقیقت مقاله برهان صادق
فلهدی مرحوم مغفور رحمت مکان والله یدعو الی دار السلام دعوی تیشوب
فی مقود صدق عند ملک مقتدر مقام طوعنا الله وانا الیه راجعون

دیگر
والله مکرمه لری بونکنای فنادن فضایی عالم بقایه و بخار زار عافیه
کلکشت صفا جانینه رحلت الیه و کی مکتوب او لشکر مرحوم بک خبر و فانی
هادم اساس لذات اولوب معموره وجوده براتش برافشدر که خرمین
صبر و قرار عزیزی بالکلیه یا قشدر انا لله وانا الیه راجعون دوکاه خلدی
عنا اولنور که بومصیتی خرمصایب و خاتمه نواب قلوب مقابله صبر
سرلره درجات علمیه و تکدیجات جلیمه میسر قله که فی الحقیقه بومعین
بر عین و محکمه بر خورده قرار جمال و احوال ثبات و بقا مخصوص

۱۲۹ اصحاب معرفت و دانش و ارباب تجرید و بیست غیر شریف به توغام یافتند
نظر ایدوب نویله مشاهده ایلدیلرکه بودار یوار بر فناء فنا و کلبه غنادر
سکانه کل من عیلم هافان ندای عامه و کل نفس ذایقه الموت صدای کلیه
کل شادمانی سنگ ردنی خادخ و مل کامرانی سنگ رصنی خمار الم نعمتی
عدم نعمت عزیزی محرم ذلت و فاسی فریز جفا صفایی رهین جفا
وصلتی اینس فرقت عشیقی جلیس غمت غنای عین غنا و لایبی
محض بلاه عیشی مختلط نیش رحمتی جالب زحمت کفری جاذب وحدت

ارباب البابه مخفی دکلرکه بود و ضحوشناک نشوغامی غلای اذا
ایله مکرر چشمه سار جفا و جفا ایله مغیر انمار دن اولسی اغزه
ذوی الابصاره ظاهر در و اساس بناسی علی شفا جرف هار ایدوب
انتظار اجله اولی الابصاره باهر در

اول سعید سهندک مرغ روح بر فوجی اشبان جهان دن یا ضحانه طیران
و دیار عصیان دن جوار رحمانه سیران ایدوب

مرغ روح بر فوجی بو تکلای عالم سخن و محبس نفس برندن جناحین
شهادتین ایله پرواز اینش اشبان جهان دن دیا ضحانه
قرار و حظایر قدیمی مجلس شرا و زینیه اختیار اینش

دارغودردن سرائی سروره انتقال و مقرفانی دن مقر بانی به ارتحال این
بودار پراوجاع و اسقامدن انقطاع و انقطاع و جوار حی لایموت
و لاینامدن قرار و آرام اتمش

در غایت فتحانه یدعوا الی دارالسلام صوبه دعوت و بدرقه هدایت
الی دارالنعیم فیها ما تشتهیه الانفس و تلذذ الاعین جانبیه دلالت

ارحم الراحمين جوارندن قرار طومش اتان الله وانا اليه راجعون ونحن
لنفرقه متفجعون سلام وغفران على ذلك الذي وروح وريحان على ذلك الذي
وما احذ بقي عن الموت سالما فان المنيّة قد اصاب فمحر

تعزيز

عازم نزهتگاه نعيم رهين رحمت رب رحيم والدماحد لري وديعه
حيات فرمان فرماي علم امر يه بنلم ايوب نمين فناده انحن بقاءيه
رحلت وعقد احوام حرم رحمت ايندكه اول شاه عالم احك
خورشيد اقبالك افق كمالده افوي وبرخ خاكيدده حلوي
نار مسرتمزي سلخ ومواق عيشتمزي تلخ اتعشيك مذهب نامه
عشيرني شمامه تانيت اولاده مسكين ختامه تعزيت بات تسكين
حوارت ودفع مرارتد ردم زده ملك يد ايع نكار اولاده
كنقار مصالح مدار ميلي دل غمكين ومجلكي قلب حزين اولوب
زالال مقال تسليت مالدي ايله ناردرون منطفي واندره ابوه
منتفي اولوب واقعا حوازا حواره مايل واجراي افات
اماثلي حائل اولاده تدوير فلكي نك بوكونه خارج المركز حركتي
محسوس ايكن توقع ثبات اولناجق دكل قبه افلا كده ساكنا
كره خاك مفارقه سهام حوادث التقد ومسافره مرحله وجود
هره قافله عدم قاتلقد ايكن اول سمدن ترصد نجات
اولناجق دكل مستقبله احوال ماضي از ميني ملحق اولدقيه
مسافه عمره بنجه خطوطي اولنور وطومار عمر نشر اولدقيه
جانب اخري بساط نشاط كي دوريلور خياط روزگار

ز دایع اعمار اولاده لیل و نهار ایله لباس حیات مستعار بی و چور
 بچمکه و دور خوځو و د کینه کذار کوک و ار پین و جوانک
 قانن ایچمکه ایکن قنای فزاده قرار و بقا در و سنی هوشمند
 لیدر می

در تعزیه قرص

اولدر که اول حضرت علیای رفیع الشانک ضمیر منور که مرات احوال عالم
 و مشاکات امانی ادمدر قنای شغفات عالم مقرر و مبین و انهدام
 نفوس بنی آدم معین و مبرهن اولوب هر شخص بو امره جازم و هر کس
 بو حاله عالم ایکن نفس نفیسک مقتضای و طبع لطیفک مستدعای
 بودر که اظفار منیه ذوات سیمیه به وصول بولیوب الیم اجل
 حرم حضرت قریب اولیم لکن لا یمخلص و لا مهرب من اقدار الله
 حالما افضای قضا و قدر و احباب مشیت خالق البشر اول احباب
 سعادت نصایک کاستاده سعادت ندن بر کل تازده و بر برک پاکبرده
 صریح اجل برله پرموده اولمن یعنی سلاله اصل عالیدن بر جود
 نازنین دار غور دن سرائی سرور ارتحال ایدوب جوار جنتند
 عند ملک مقتدر و طن طو تمشل البس الله لباس الجنان کویم
 بو حادته الیم و قوعندن دعا کویمکه ملائک تامه مستوی اولدی
 لکن تاخورد عالم شهو و ارادت معبود بو وجهله واقع اولوب
 هر نفس باب قنایه داخل و هر کس سرائی بقایه راحلدر و بلیه شونک
 و قعندن عقول انسانه راحلدر بو باین هاده نبلیم و رضا و صبر علی القضا
 شاه عقلا و دای علمادر پس لا خضم قوای قوله تعالی و بنیر الصابرين الذين
 اذا اصابتهم مصیبه قالوا ان الله وانا الیه راجعون الله تسکین قلوبه استرجاع
 اولندی ان الله بو مقابله ابر جزیل و نواب غمیر و بروب آخر مصابت فکمه

اولد که اول حضرت علیای رفیع الشانک ضمیر منزه که مرات احوال عالم
و منکات امال بخا دمدر فکاهی تنفات عالم محقق و بین و انهدم
لذت نفوس بنی ادم معین و میرهن اولوب هر شخص بوازه جادم و هر
کس بوحاله عالم ایکن نفس نفیسک مقتضای و طبع لطیفک مستدرعی
بود که اظفار منیه ذوات نیمییه وصول بولیوب الیم اجل حرم حق
قرب اولیه لکن لا فخلو ولا مهر ب من اقدار الله ولا بلجا ولا مذهب
من اقصیه حالیا بر مقتضای قضا و قدر و ايجاب مشیت خالق البشر
اول خباب سعادت نصایک کلستان سعادتندن بر بر تاز و توان
سیادتندن بر برک پاکیزه ملاقات باد اجل برله بزمده اولمش نفی
سلاله اصل عالیدن بوجود نازنین دارغ و ردن ساری سرور اخیال
ایروب جوار جنت ده غنر ملک مقدر وطن دوغش کرم بوحاده
عظیم و واقع الیم نک و توغندن بودعا کوبیزه و یار دعا کوی نیا جمل
ملان تامه منوب اولدی و لکن تعقل اولدی که ظرور عالم دن تریق
ارادت معبود بو وجهله جاریدر که هر نفس باب فنا به داخل و هر کس
سرافعایه راجل در و بلیئم موئک و قعنده عقول عالم راجل در بوباید
نبلم و رضا و صبر علی القضا شان عقلا و داب علما در یس ملاحظه
قوله تعالی و بشر الصابری الذین اذا اصابتهم مصیبه قالوا
انا لله و انا الیه راجعون الیه تنکین فلور جزین الیوب است
جام اولدی حق جل و علا اجر جزیل و ثواب جمیل و یروب بو مصیبه
آخر مصایب قلبیوره و اول ذات کرمی غنر علیایه ایل معزز ابروب
جمله مصاییدن مصون ایلیم

مورد دیگر

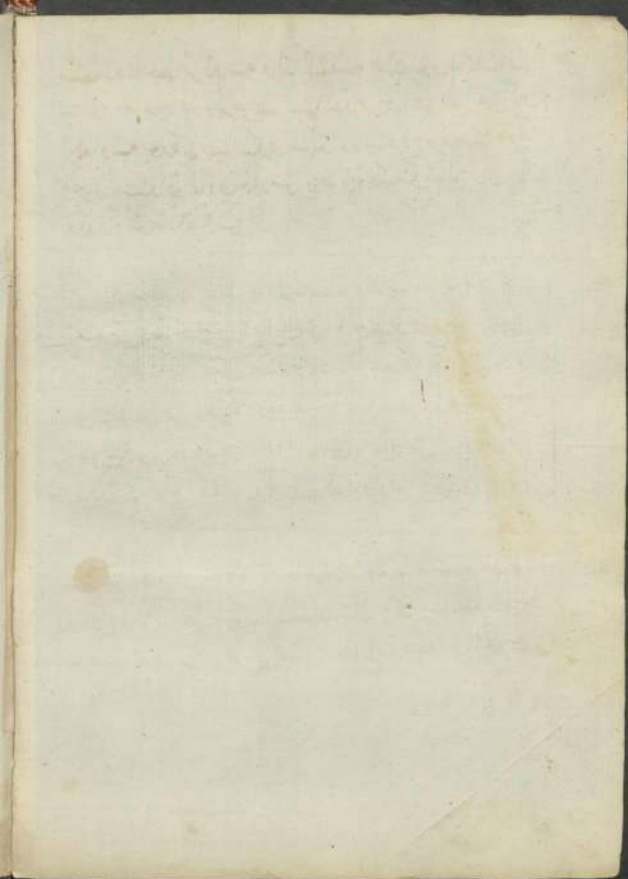
حالیا سمع جان و کوش جنا نه برخبر دلدوز و بر پیام جکر سوز و امید اولدی که

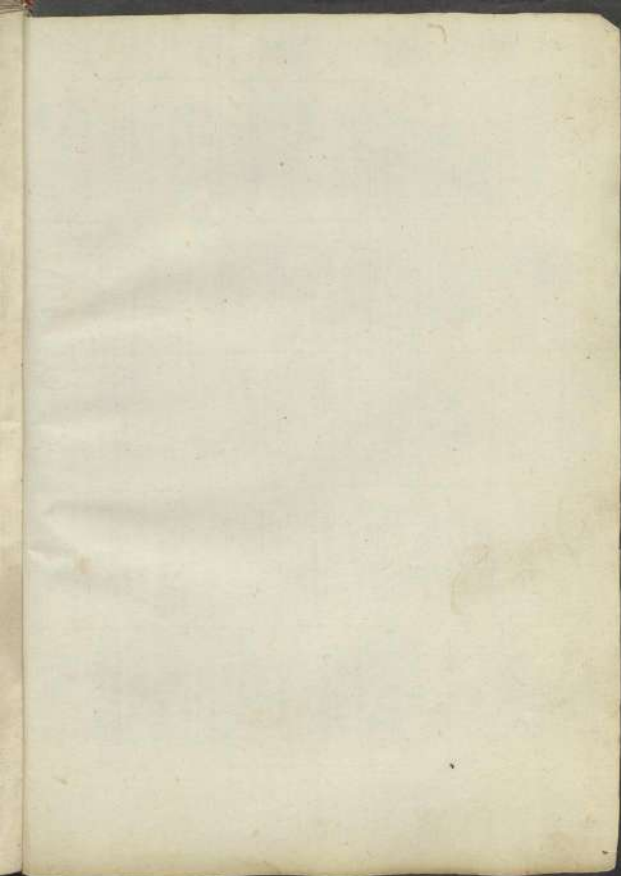
ستار دن خطایر قدسه و ارایک نسه طبرن ادوب کلستان
 جنانه مقام ایتمش الامر من الله العليم القدير و الحمد لله العلی الکبیر
 ابله اولسه بوره کله فضیه سنکدنجی ملوک و لوب روح مرقضک مغفر فی
 ابجون سندنجی غازی فله سن و حوزۀ حکومتک متعلق برلرده
 فلدره سن سنبله یار سع ۴

در معرفت دنیا و دینی

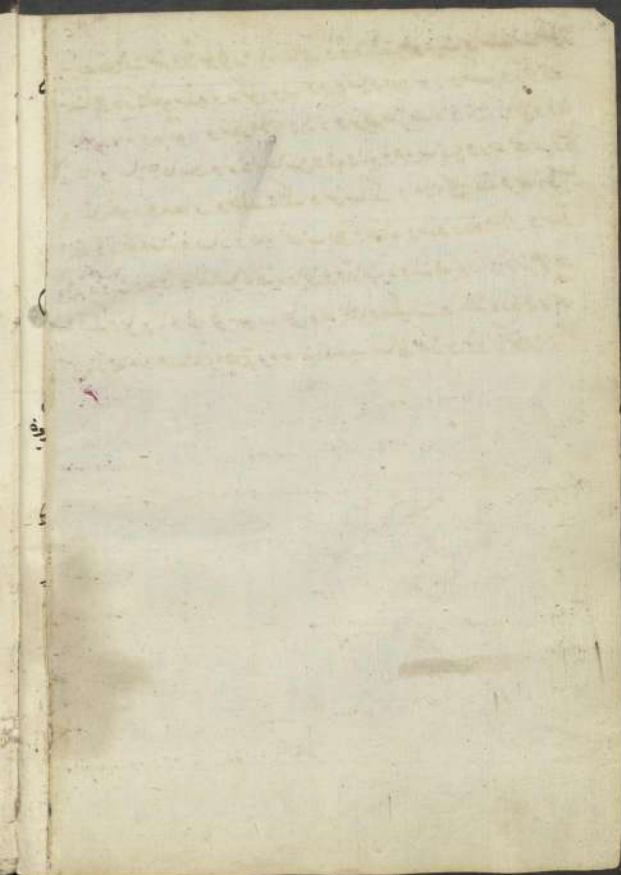
بودنای خراب که ماصدق دنیا جیفه و طالم باکلاب در کنی
 موردت دنج و عیشی باعث طیش و نونی موجب نیش راحتی
 زحمتله هم خانه محبتی محنتله هم کاشانه بالی بله و قهر باله توام
 و اثر تریاقی ضرر زهر باله هدم در **یت** متحبت دهر جور و محنت در
 رحمت دور در دوزحمت در **ع** عیشی بر غل و غش نونی نیش فری
 غم و غصه مرهی ریش **لم** عالمک لطف و قهری توام در **ه** زهری نریا کله هدم

و شامل ذکی قابل و عاقل کامله ظاهر و باهر در که بومکاد و غدار
 و خداع و غرار محول احوال و مکذب امال مکدر متارب و مسترجع
 مواهب تلذی سراب و نیمی عذاب اخلاقی مذمومه و لذتی مسومه





۴۲۵ شرایط خدمات مسروته موفوره پادشاهی و مضایف عبودیت و استغامت مشکوره
نمناهی در کما هو حقّه بر نه کنور وب و مراح حل و عقدا مور و خفض و رفه حمهور
امور در امور و مامور و تنظیم قلاع و بلاد و ترفیه حال عباد و ندادن خلل و نرازی
زلزل و اصلاح فاسد و ادغام حاسد و قمع مانع و قهر منار و ربط متجانس و مشا
و سد نفوذ و معایر و حفظ مالک و امن مالک و اعلاء کلمه الله و جهاد فی سبیل
الله و دفع مظالم و فساد و فلیه اصحاب یحیی و عماد و حفظ دماء مسلمین و ستر
نملیه دولت و دین و الحاصل کافه دقایق و مهمات دولت بعبایون اوزر و جمعی بر
دقیقه مهمل و نامرعی قوم یوب علی وجه العموم حکومت و ایالته لازم و لابد
اولان مهم و مصالحه مجتهد و مردانه اولوب مساجی جمیله من ظهور کنوره از



126
صدر الاعظم الاقدم مله وجاهير الاعظم باجماع الامم مالک اذمة المجد والجلال
ملک مالک الصدر و الاجلال الدائم بالعز القيام والقيام بالشرف الدائم
صدر بزرگ قدر که از روی فضل هست ^{دگر} هم شرع را مقوی و هم ملک را پناه
صدر معالی پناه عالی جاه ایالت دستگاه ^{دگر} متفق امور عالم پناه مظهر انوار نظامداری
مصدر آثار کامکاری و بختیاری صدر بزرگ قدر که کرد و نغلام اوست
دور سپهر و سیر کوکب بنام اوست ^{دگر}

وزیر صدر نشین صاحب سریر عز و عین معتمد سلاطین روزگار مستشار
ملوک عالیقدر صاحب ذوق معالی و مناقب عارح رتبه مفاخر و مناقب
صدر صدر و عظام ذبذ جمع کرام ^{دگر} دبیر هدی را کمال ملک جهان نظام
^{دگر} شاهان و وزیر اعظم ملوک و سلاطین

ای تو منند دیوان و کالت عالی ذات و الای تو بر جمع اعلی عالی
ماد امکه اقبال عالم تاب خارج مرکزک و سطنده دایر فلک رابع و کواکب خسه
حرکت تدویر ایله گاه مستقیم و گاه راجع اولالار عواره اول مهر سپهر صدارت
و اختیاریج و کالت فمال ریاض سعادت و غرور تجرؤ جلالت ستوده خصال و سبده
افعال جمیل الطور و جلیل القدر خاتم مهر سعادت جاودانی مظهر الطاف بزرگانی
لازال حساده محترقه ابنار الحسد و خیمه بقای زانه مشبده بطناب الابد
خضر نرنگ سماء علوقدر و اقبال ایام مدت عمر لوی غرور و وقوف و طوق و سکون
مخروط و مصون و محروس و مأمون اوله ناکه باشد ماه کرد و ن که هلال و کاه بدر
تا بود خورشید کاهی در شرف که در وبال باد هردم در وبال و نقص عمر دشمنست
ماه بدر دولت تا نبده در برج کمال

صاحب معظم دستور اعظم سلطان الوزراء في العالم بياه ونبئت ام
قهرمان بيغ وقلم جهان لطف وكرم خواج رين وزمان عماد الدولة والدين معز
الاسلام والمسلمين وزير صفارا صدر تشكركنا

ذكر الغاب دستور اعظم

جناب وزارت ماب صدارت نصاب دولت الكتاب سعادت انتساب
واسطة عقد الدولة الابدية رابطة عقد السعادة السرمدية قايد
جيوش الاسلام صاحب العز والاحتشام الصارم الصمصام ضرغام
بلنك انتقام اصف الزمان ملا ناهل الايمان حجة الرحمن علي الانسان
مظهر عواطف الملك المنان مظهر الطاف المنان الذي تلالا امن وحياتنا
دولته نور اهدي وتبين مرافق سعادته شمس الاعتقاد الفازي
في سبيل الله المجاهد لوجه الله المحفوف بضوف لطايف عواطف
الملك الاعلى مبارز الدولة والدين والدنيا وزير اعظم و سردار الكرم
ابراهيم پاشا ادام الله تعالى اجلاله و زاد اقباله

ذكر

كفيل احوال سلطنت وجهان بني و كبل امور خلافت كنور ستاني خيايب
وزارت ماب صدارت نصاب دولت الكتاب سعادت انتساب
قايد جيوش الاسلام صاحب العز والاحتشام الصارم الصمصام ضرغام
بلنك انتقام مظهر عواطف الله تعالى مصدر الطاف في انتها مبارز الدولة
والدين والدنيا نظام الملك قايم مقام سلطنت سرعكر ساي مرتبت
وزير اعظم جناب خلافت متبقيتم ابراهيم پاشا ادام الله تعالى اقباله

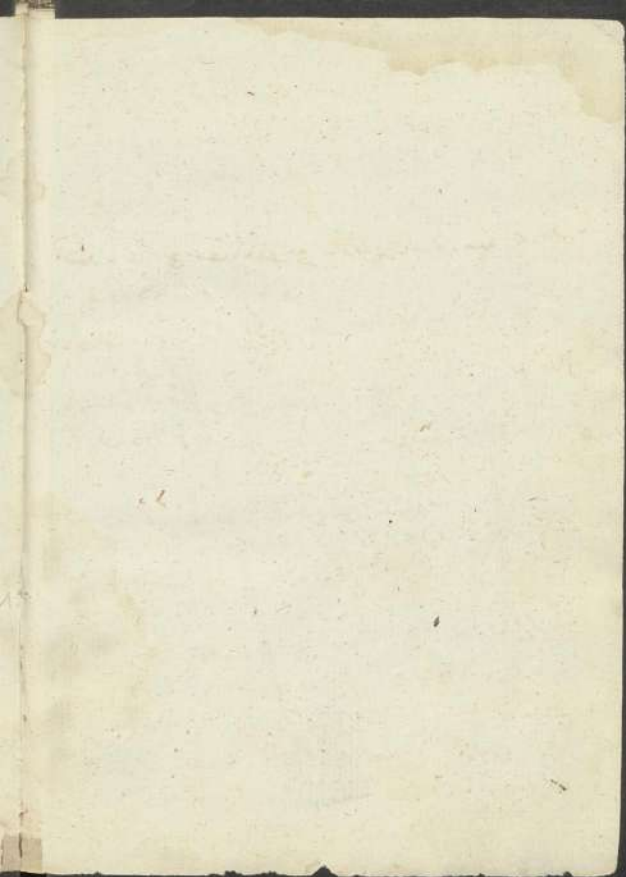
مخدوم جهانیان صاحب صاحب قرآن اصف عهد و زمان باسط الامن
والامان ناشر محایف العدل والاحسان هیه لطف تو بیایه وضع و تر
هیه جود تو سرمایه صفار و کبار غزاله و لاله والدين مولا الاسلام والسلاطین
وزیری که در کا هنر اهل جهان را جهان استانت و جان اشیانه

دگر

استاد ارای اصفی حفا باللفظ الحقی ساحة دولت مساحه سنه انهاء تخلص
دایمی بود رکه

دگر

عالمخدا سعادت نصیب مکرمت مناب شوکت قباب افتخار اصحاب العز
و التکلیف مخنار ارباب القدر والیقین منبع الصدر رفیع القدر
ناظم منایم امور الجهور بالرای الرزین کافل انجاس عموم الخلاق
بالفکر المتین منعم مهام الامم مصمم مصالح عجم حاوی محسن النعم صاحب
العر العلی شرا و ارمضون فاتخذوه و کیلا منظور انظار ملک مستعان
دستور کار دان حضرت نیک عن حضور سعادت شاندریه در کجیات
حیات احتوا و غرر تسلیمات تلی انطوا اینار مجلس زین محمد بن البف
قلند قدر نصکر



دگر

وزرای عالی رازی مالک رازی که دعایم بنیان دولت و اقبال و قوایم را
سعادت و اجلال حدائق امال و امنیت و بسایین امایی و اتمت در
هر بری تاثیر مناسبت صریح صادق کی مشارق و مخافض و کرمند ظالع
و هر برینک شوارق و وارق مکارم اخلاقی کون کی افاقه لا معدر

دگر

وزیر اعظم مشیر فخر مفسر سر میدبر بر کاشف السرایین جاسور الضاییر
مشتري فطنت کیوان منزلت آیت ظفر غایتی و رای عالم ارا سنگ
رایتی موجب فتح و نصرت و مقالید کشورستانی حلال مغالبت
اقایم و مملکت و فرمان رانی مهور قواعد رایت سلطنت الباهر و شید
معاف امور الخلافة الزاهر ناطم مناظم الحکمة العثمانیة ناجی مناجی
المعدلة الخافانیة

فاتح فسطاط سلطان محمد خان دمانند

بادلان و رادت بر تقدیر

دگر

حون لطایف ضایع ربانی و ذوارق عوارف بدایع نیردانی عالمه عبا
حقنه اول مرتبه دن تجاوز دد که قوت تقریر لسانه بیان و قدرت
تحریر دهر و صیقل صریح عیان اوله سیمایم باجمه که ایرد جلالت نعمه
و عمت موهبته ذات ترفیع عطیة **توقی الملک من نشاء** دن سهم اعلی
و اوجی و نصیب و فی و مستوفی الیه مخطوط و تماند و تاج استباج **السلطان**
ظلی الله الیه معالی و سرفراز و خلف دفعت **اولی الامر منکم** الیه محلی و فی
نیان ابد و ب محسود سلاطین کاکار و مغبوط خوافین ناجدار اندی
بر مر موجب قطعه مرضیه **ولین شکرم لادینکم** لایم و لازم اولدی که

محافظه مصالح بلاد و عباد و مراقبت حدود صلاح و فساد و استكفاء ممالك
و ملت و استيفاء مراسم دين و دولت و بسط بساط مكرمت و محور في منفذ
و نهي قاعده معدلت و تاسيس اساس نصفت ايچون باب عدل مفتوح
و طريق ظلم مسدود و اوامر خالق مرعي و امور خلائق مقضي و لا اما اينها صلوات
الله عليهم و سلامه تايد رباني ايله موند و توفيق يزداني ايله موفق ايلكر نصيب
اعمال و تدبير افعال ده طلبكار و وزير و حاجت مند متبر ايدلر كه كاه استدلاء
و جعلك وزيراً من اهل مروني ايند كلري و كاه خطاب **و تاورع في الامر**
اشيتيدلر فلذلك خصل مطالب ديني و تكييل مارب دينوي وزير صاحب
تدبير و متبر اهل توفيرك وجود نه منوط و مربوط ددكه عقل و كياستي مفيد
ابواب ملكت و فهم و فراستي مصباح صاحب دولت و انواع فضاييله متفق عليه
و فنون خصاييله متشابه و كمال ديانت و صابنتي ايله سني سني الهامي مورو
و شعائر شرايع حضرت رسالت پناهي مشهود و حرمت دين موني و فو قشرع
مستوفي و غايت رذو و نهي ايلي و اول فكر و آخر عملي تقويت دين يزداني
و تربيت نihal ايمان اوله اوله رافع نوبع جناب وزارت ماب ناصب
رايات العز و الاجلال صاحب ايات المجد و الاقبال ذوالقدر الفاخر الانعم
و الفخر الزاخر الاشهر رافع منار الاسلام كاسر اقدام الاضام المؤيد بتايد الله
تعالى الملك العللام وزيرم پاشا ادام الله تعالى اقباله الي يوم القيام
فسح و حد و فريد و عهد و غره جيهته دولت و طره ناصيه ملكك و واسط
عقد حصار و رابطه عقد مصادد و درو و رويت ناقي محقق و مفيد
ناقي مصدق و افعال و اقوال قاعده سدايه مبني و حركات و سكنات في

129 قانون رساندن مبنی و کف کفایتی مصالح ملکی به مکمل و کامل و بصیرتی
مهمات دینی و دنیوی به شامل و متناوَلد و کفایه عالم خوشه چمن خرم
کفایتی و دهات بخیر ادم ادم مقبوس اوار در اینی و رای انوری دقایق
حقایق که دکنای بند شکلات و فکد زهری سواخ مصالحه انکت نمای
حل معضلات و ذکر جمیلی خواص و عوامه مشهور و عوامدن شایع و ذایع
و دلائل خصائص چهره افعالندن ظاهر و باهر در بعد از استخاره فضل الله
و استشاره عقل با انتباه محل وزارت انگ غارت ددایت و وفور
کفایتنه تفویض و تعلید ایدوب او اهرن جاری و احکامن نافذ قلوب
و یردم و خزانه عامرمدن تقبیلند و کم التي کمره یوز بیک فیه سالیانه الله انبو
خا صلا یکن کنه و حاصلرمدن در صدقه ایدوب وزارت جهت تیماریندم
که ذکر اولور و یردم و یور دکه بعد الیوم حومه حکومتند و حوزة نصر فنده
اولوب افراد افریدن بر فرد کانیاس کان مانع و دافع و منازع و قارع اولوب
و امرا و کبرا و علما و فضلا و ختم و خدم و ابته ام و فقاة و لایة و اضاف دعیای و
واهل و برومدر و قطان مملکت و کان و لایب و وضع و دفع صیفر و کسر موجی البهر
و زبر بلوب افلاص و اطاعتی ضمیر قله را به امره

صورت برات سر کندی برایم پاشا
دیکر
پاشا جلال زاده

نسان شریف عالیشان الخ حکمی اولدر که چون بحمد الله نیاد که و تعالی حسن توفیق
بادگاه احدیت و ددگاه صمدیت دن ددکه مصدر منشور بر نور سعادت موفور
و مطلع اقیاب یرلیم و طغرای کمال قدرت و مشیت الهی و وفور موهبت و ارادت
نامشاهی دن ابواب خزاین لطف مغایح احکام ملک و ملت چهره ایام دولت روز
افزون و غره غرای سعادت مقرو عدن مفتوح اولوب انا مل سلطنت احسن

وایادی خلاف اقتدارمه سلیم اولندی **یحقق بر حجت من بینا** هر روز ظهور
عواطف بدایع ربانی و فور لطایف ضایع سبحانی جل جلاله و عم نواله پایریات
ظرف سمات نصرت قرین سلطنت **ورفعناه مکانا علیا** مقتضای سجده میا من فتح میسر الله
اوج علیته و شاهباذ چترهایون عیابر و از خلافتی دستیار نصرت عزیز الله کنکر
طارد افلاکه ایر سدر و ب او امر و نواهی باد شاهانه **اصیعو الله واصیعو الرسول و ابی**
الامر منکم سدر عا سجده بمن هدایت لم یزلی می مرققیله بسیط زمینه شامل و جادی و مریم
داد کسری و عدل پروریده صدای شاهانی اقطار امصار بحر و برده نجات نیای صبا
و جنوبه هفتان قلوب مغلفات بینات جهان ادایی و محکات متشابهاست کسور
فتی و فور فضیلتی نهاده سدن السنه سیوف بدار و اقلام نواب کا کادمه مقید و مریم
ایلدی **ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم** و مقابله تقلد امور جهان
و جهانبانی و مفاتیح اشظام اعمال عالم و عالمبانی کف کفایت و قبضه اقتدارمه منقوش
قلوب بساط مراتب شوکت و اقبالی ذروه علیای **السلطان ظل الله فی الارض** و بسط
ایلیوب سر دقات غطت و اجلال فرخنده قالی اوج معلایه **ورفعنا بعضکم فوق بعضی**
درجات اوز دینه ایلدی مصاح بخاج خلافت و کامکاری و سراج و هجای غصه و شریار
که تنذیل بدار انوار سعادت و مشکوة انار دولت و سیادت در ضیای عالم اداورد
جهان بینا سیله عرصه ملک زمینی روشن و منور قلوب فوحت غیر نکاهات نصف و
عدالت و نجات غیر نعمات رافت و عنایتله مشام دماغ برایابی معطر ایلدی الحمد لله ایلدی
هر نالهذا و ما کننا لتهتدی لولا ان هدانا الله که عرصه سلطنت جهاندارای غام فضحت
و دایره ملک و خطه اقلیم کمال و سعته در فلاح جرم میا من توفیقات الهی و محاسن تابیدت
نامشاهی روز بروز و معرض بیرو زده جلوه کرا و ملغله بو الای و الای سبحانی و تعالی
بی انتهای دبانینک **وان تعدوا نعت الله لا تحصوها** اداء مراسم شکر و ایفای لوازم
نعمت حق بلذرتتمه واجب و لازم اولشرد که ان الله یحب معالی الامور سدر عا سجده
احبای قوا بین عدالت و اقبضای آیین رافت و نصف و تنظیم امور اطراف مالک و ترتیب

وشنیده بمافی حدود مساکن و فیض و بسط و احوال ملک و ملت و عقد و ربط قضایای
 مملکت و انضباط مهم خلافت و انخطاط رسوم ظلم و ضلالت همچون برکار دادن صایبهای
 و بر مشرعان فرمای نصب و لتحق لازم و لابد در که ذمام حل و عقد احوال سلطنت
 آنکه فکاد صایبه سنه نبلم اولنه زیر که اصالیب ضوابط جهانبانی و قوانین مناج کتو
 سنایی ده شول زمره که ناج استهناج **و لقد اصطفیناه فی الدنیا** ابله مستعد و مزاج
 و حاج **واناه الله الملك والحکمة و علمه ما يشاء** ابله مشرف اولدیلر دایما خدیم
 سعادت ختمدن ناصیه امامی و مالتدینیه لوا مع اشرفات **ان الذي سبق لهم منا**
الحسنی لامع و رختشان اولوب بمن ایادی عواطف خسروانه و مکارم اصطناعات
 پادشاهانه لریله اوج مدارج سنیته به ایرشدر و **وما منا الا له مقام معلوم**
 درجاتنه ایصال ابلدیلر بنیجی بومعنای سعادت مینانک صدوری و بوقضیه
 مرضیه دولت اتقانک ظهوری اهر بار که عقل دور بین و فراست عدالت ایمنه مرجع
 ایلرکن بومانتک تمجیدنی رافع توفیق رفیع عالمطاع خسروانی و دارنده منشور شریع
 موجب السور کیستی ستای جناب وزارت ماب صدارت نصاب دولت کتساب
 سعادت انتساب واسطه عقد الدولة الایدیه دایم عقد السعادة السرمیه
 قاید جیونن الاسلام صاحب العز والاحتشام الصارم العصام فرغام پلنک انتقام
 اصفا نرمان ملا ذاهل الايمان حجة الرحمن علی الانسان مظهر عواطف الله تعالی بصد
 الطاف بی استها الذي تله الا من وجبات دولته نور الهدی و تبیین مرافق سعاده
 شمس الاعتلا العازی فی سبیل الله المجاهد لوجه الله المحفوق بعنوق عواطف
 الملك الاعلی مبارک الدولة والدين والدنيا وزیر اعظم ابراهیم پاشا ادام الله
 نعالی اجلاله و ذاد اقباله به الیق و اوی و احق و احرم کور و ب آنک حسن خدات
 سابقه لاحقه سی موجب فیضان فالزم ذخار عواطف ملوکانه و کمال تقرب

رئیت فایقله **و السابقون السابقون اولئك المقربون** سعادتیله ممتاز و سرافراز
اولوب استانه سعادت امتیازده شرف التفات و حسن قبول و تربیت کیمیا اتادم
ایله مربی و مقبول اولدوغندن محروم ماعدل دذانت عقل و فهمیله اراسته و نور
شهرامت و نجاعت و عزمله پیراسته مکارم عادات ایله موصوف و صیانت جبلت
و ذایتله معروف رأی صابپی مفاتیح مشکلات و طبع و قادی مصایح معضلات
اولوب اقبال و دولت وار و ظرف کردار مله خدمت سینیه پادشاهان اولغله
ما صدق فحوائی کلام سعادت فرجام اذا اراد الله بملك خيرا جعل له و ذیر صالحا
اذا نسي ذكره و اذا ذكره ايمانه واقع اولغین انوک حقده خورسید تابان عنایت
مشارق غرت و اجلا لدن شادق و طالع و اقتاب رخشان حمایت افاقهت و عا
عاطقتمن باردق و لامع اولوب اولدن تصرفنده اولان یکریمی کوره یوز بیک انچه
خاصلری اوزرینه اوز کوره یوز بیک انچه لق خاصلدن فی اضافت و الحاق ایلیوب
مزید عاطقتمن جمله حاصلری او توز کوره یوز بیک انچه قلعغه یتشددروب افلم سلطنت
واقع اولان مالک و مسالک حفظ و حراستی و ضبط و حمایتی و صیانتی ایچون
وزیر اعظم لکی اوزرینه سرعکیرلک تعین ایلیوب مزید عاطقتمن طوع سعادت
فر و غیله جبل و علم ارزانی قلوب بو برات سعادت و دولت اماراتی و یردم
و سپردم که بعد ایوم داخی کماکان مالک محروسه جناب جلالت مابع قبلندن سر
عسکرم اولوب و وزراء اصف نشان و مسند نشین و مروج ایلی بکلر بکسی و
عسکرم و عامه علما و فضلا و قضات و سادات و شایخ و سایر بکلر کی لرم
و عموما ارکان دولت قاهر و اعیان سلطنت باهر و نجاق بکلری و باب سعادت
ماین خدمتایدن بلوک اغالری و تحاب سر برده عظمت و کامرانی و بواب کارگاه
حکمت و کنور سنایی و متصرف لرم و بلوک کجند لری و جمله قیوم قولدری و سایر مالک

مجتهد وافع اولان اای بکله و سوباسلری و مجموع عساکر نعت مآثرم خلقی
 و سایر ارکان اکابر و فاضل و جمله اعالی و اسافل ارباب مناصب و جهات و جمهور
 انامدن قاطنان سده عرش سا و ساکنان عیبه کیتی فضا و فطان ملک و وطن
 و لایت و اهل بت و مدر و جمله صغیر و کبیر غنی و فقیر خاص و عام و کافه انام مووالله
 وزیر اعظم و هر زمانه عموماً سر عسکرم و وکیل خلافت بروم بلوب کمال تعظیم و اکرام
 ابله مغرور و مکبر و نور تعظیم و تجلیل ابله بتجلیل و فتح طوبی مبارک بقصد اقبال و تسبیح
 دقیقه فوت ایلدر هر نه در برابر و هر نه وجه کور ایه بیخ لسان در دبار مدد صادر
 اولمش کلام سعادت انجام و امر واجب الاحترام بلوب سمع تحقیقه اصفا و جز قبول
 ابله نایب بلوب دولت قاهر صاحب قریبیه متعلق جمله مهمات امور و کافه جمهور
 آمرندن تجاوز و عدول و انحراف و زهول ایلدر اگر استان سعادت اشیان و اکو
 سایر ممالک محروسه وافع اولان بکله بکلیک و بنجاق بکله و باقی اعلا و ادنی
 ارباب مناصب و مراتب کلیاً قولدرمک عز و نفی نوک رای صایبه و افکار
 ثاقبه سده مفوض اولمشدر ثولکه قوانین وزارت و سر عسکری و لوازم اصالیب
 صدارت و داد کستری در مؤدی قلوب سالک مساکل عدالت و زاهد منازع
 شرح و دیانت اولوب طبقات مخلوقات و باقی علی تفاوت درجاتهم منازله ندر ایلکه
 دقیقه فوت ایلد و هر بار که سفرهایون وافع اولوب سعادت و اقبال و عز و اجلال ابله
 جناب جلالت مایع نوجه ایتلو اولوب و با خود عسکر ظفر بیکرم اریال اولمش لازم
 کله اول وقت دخی سر عسکر لکه متعلق اولان خصوصیات کلیاً موافق الیهک ارای صایبه افاضت
 فریق نویه مفوض اولوب امره امتثال و نواهی سندن اجتناب ایلدر و بولدر تنفی و مردارگی
 ظهور ایلدر باینده اگر بکله کی لک و اگر بکلیک نوجه ایتلدر و اگر اعلا و اگر ادنی بنیاد و
 ایتلدر باجله انواع مناصب و جهات هر نه نوجه و تقلید ایلدر سه بیخ عز و حضور ایلدر محل
 قبول و مندرله ارتضاد دبلنه العباد بالله امریه و سوزنه مخالفت ایلدری کم کرکه اولمش

و بلخود خلق ترع مظهر دعبا به ظلم و تعدی بآله اصلا سده سعاد و جانیده عرض و اعلام
ایتمکه توقف ایمنوب انواع عفو بات و سبا سته نزع و قانون اوزره تاخیر انبوب
خفله دن کله که سابرله عبرت موجب اوله اول بابین هم احدا نه و افع و اولیه ترسیله
بلر علامت مرتبه اعتماد فلا لر کمره اول سده نسیاه العظم ۹۳۹

دکر صورت برات میر میرانی شام که به ایاس پاشا داده

سان نریف عالیشان سلطانی و طفرای غرای کینی ستان خافانی نقد بعون الربانی
والصون السحافی حکمی اولد که جون هنر من معمود فطرت و نفوس مقصود
خلقت اغنی حضرت مبدع بی علت و مخترع بی الت غرت الاوه و نوال تفاع
کمال قدرت علیه الشان و جمال فطرت جلیده البرهان دن انسان خاک عباد
بی مقدار دن خلق ایلد و کی **خلق الانسان من طحالب** کا **الفخار** اید او بی و قلم
مشتی برله بر موجب فرموده **فما دلک الله احسن الھالکین** ترکیب محبوب و ترتیب
مرغوب و ذره تصویر ایلد و کی **و صورکم فاحسن صورکم** و کلام قدیم فرغان
عظیمده تعظم و اکرام ایلوب محوای کرامت غای **ولقد کرمنا نوحا** د م
مقتضا سخه حیض تحول دن اوج قبوله و دار سفیدن عالم علوی به و مبط
اتضاعدن محل ارتفاعه یاشد دی علی الخصوص ذات شربی و عنصر لطیفی که
مرکز و سلطنت و مدار قرو سعاد خلعت خلافت **انا جعلناک خلیفه**
فی الارض خلیفه ایلد محلی و مختار و ناج ابتهاج **وفضلنا بعظم علی بعض**
ایله مزین و سرفراز ایلدی پس بونعای جلیل ال اعتبار که و الای جلیل المقدار که
شکری ایچون قضیه مرضیه **لین شکرم لا ذینکم** موجبی ایلد زمت علیه شاهانه
و همت سینه بلا شاهانه لاید و لازم بل واجب و متحتم اولدی که انزلوالناس
منا ذلهم حدیث شریفنک معہوم عدالت ملزومیده عمل اولوب امر اعلی المقدار
و کبر و قوی الاعتبار که حفاظ مصالح عباد و بلاد و حراس حدود صلاح و فساد

واسباب نظام احوال عالم وارباب الشطام امور جمهوری دم درلو
اندرک بابتدیه عواطف جلیله الثانی یاد شاهی و عوارض جزله الاحسان
شاهنشاهی مبذول و بی دروغ اولایما دارند مثال بی مثال لازم
التکبر و رافیه توفیع رفیع واجب العظیم امیر الامر الکرام صهی الکواء
التحام ذوالقدر والاحترام صاحب المجد والاحتشام الصادر المقام
والاسد الغمام قاید جیوش الاسلام الموبد بتایدات خالق الناس
انا طوبی بکلر کسی یاس دام اقباله نک جهره لقباله افرد ولت ظاهر صبه
احواله انوار مجد و خمت باهر و حصایل حمید بی خواص و عوامده
مشهور واعوامدن شایع و خصایص بیندیده سی بی لاتام کالتش غده
زهاب الغمام لامع و ساطع در آنک خصوص سعادت نصوصه همتای
دیت خسروان و نعمت متعالی منزلت ملوکاتم بوما فیو متوافر و انا فانا
تکاتر اولوق وارم اعطاف جزیله شهر یاری و مرایم الطاف جمیله باحدی
درفلذک انبوسنه سبع و عشرين و تسعایه شعبانک و حی کونند یکر
یشکره یوز بیک اتخلق خاصلر ایلده دیار دارالسلام شام حماها الله الملك
السلام عز خد تان الایام بکلر بیکلکنی تفویض و تقلید قلدن ولایت مر
ده اشیو یوز بیک دخی بیک و جیوز او توظفوز التون و اون باره که
هر التون بکری بشو باره شافی صاحبی وزر بکری یشکره یوز بیک دخی
او توز اوچ بیک دورت یوز سکس بشو عثمانی اتی اولور امرن بفرن او توز
اوچ بیک دورت یوز سکس بشو اتی اولور زیاده سیله ولایت کاتنی تن کس
سی موجینه لایق و اولی و نرا و ارا کورب و بر دم و سیر دکه 21 لوق

جون حضرت واهب العطايا جبل تانه و تعالى

سلطان معظم خافان اعظم مالک دقاب الام موی ملک العرب و الحم
 133 واضع مرام العدل و الانصاف هادم قواعد الجور و الاعتساف ناصر
 الدنيا و الدين عون الضعفاء و المساکین خلد الله سلطانه و اوصح بر برهانه

خداوند زمین و زمان امان اهل ایمان سلیمان تخت سکندر تخت
 فریدون فر دارادر خورشید سریر جمشید وزیر کهنه الثقلین
 ظل الله فی العالمین قاهر الفجرة و المتمردين قاتل الکفره و المحدثین
 بلند همت بسیار دان اندر کمال جهان گنای مالکستان کیتی را
 نبیات دنیا و الدین معین الضعفاء و المساکین اعلی الله تعالی شأنه
 و اید قدره و امکنه

مهر مهر سلطنت و نهتری در بحر معدن و کامکاری مالک مالک جهان بانی
 مالک مالک فرمان دانی خافان جمشید سیاه سلیمان خورشید کلاه
 رافع دیات سروری جامع ایات مهتری فارس ضمیر مولات حاری
 حصار مصافات مجتهد لباس الف و استیاس شاه عباس

سلطان سلاطین جهان خداوند زمین و زمان کسری تاج بخش و فریدون
 نصارت بخش چنی سلطانی ذبنت اقزای ایوان حکومت دانی جمشید
 رای و آیین اسکندر کیوان خشم و تمکین بهرام میخ انتظام دارای
 خورشید غلام خسرو ناهید بزم فرید و ز غطار دحرم افتاب سیان
 خدم اقزایاب ماه دایت و علم جمشید سر پریند و دولت خورشید فلک
 ملک و ملکت

فرازند رایت صاحب قرانی طرازند سر جهان بینی خداوند ناهنجش
افسر یاری جهاندار عدو بند کشور گشای مسند آرای محفل عدالت
رونق افزای کلیل سعادت نتیجه کارگاه عالم تکوین خلاصه الطاف خیر
رب العالمین این خلافت عظمی مدارا مانت کبری تو اکب خدم ملاک ختم
سلیمان شوکت یوسف ایت یوان مکان مشتری عرفان بهرام دزم
ناهید بزم عطار دقلم افتاب علم قمر خسار فلک عوار اوقاص صدقت
فادوق عدالت عثمان جیا حیدر و غا سلطان السلطان مغیر سلطان زمان
خادم الحرمين الشريفین و حارسهما عن ثواب الشیخ لاذالت اعناق
الانام متقلدة بقلاید احکامه و لادارت الاملاک الایلی مدار مراد و

حضرت خان عزت فرین و خاقان سعادت دهین مربع نشین مسند
شهر یاری معالی مکان محفل تاجداری نور حدقه سعادت نور حدیقه
عدالت سلیمان ختم فرویدون علم دار اکثر سکندر ظفر بهمن احشام
رستم انتقام قهرمان بجاعت نوشروان عدالت خداوند کار بهر است
ابوالغازی عبدالله بهادر خان ادام الله ملاذ الانام الی قیام الساعة
و ساعة القیام

حضرت کامکار معظم خدیو نامدار مفتاح مسند نشین دارا و جم مالک کشور عجم
مقوی السنن النعم و مسوی السنن النعم حاوی الخصال الحیدر و محاسن
الشیخ المختص بالطف الحقی و العون الجلی من حضرة باری النعم و داری
الانام اخوت ماب فتوت نصاب سعادت قیاب سیادت انتساب
اعنی به لاذالت فراید مناقبه منظومه بکمال البانی و الایام و صیب
مکارمه و معالیه منتشر بین البریه و الانام الوف دعوات

سلطان الاسلام والمسلمين قهرمان الطغاة والمتردين نفع الله تعالى على الارضين
قهرس كتاب عز و عزاكين نتیجه ترکیب شهر و سنین خلاصه دمان و زمین
نظم فرازند رایت علم و دین فروزند شمع شرع مبین المتمسک الجبل المبین
سلطنت او دنک خلافت بریر تخت ستانند و اقلیم کین برقد و خلعت شاهی و
بر غرض نام سلمان سرا الذي بهم في سباب غطية و اقباله العقول و الافهام
و یتیه فی فیانی شوکت و اجلاله الضون و الارهام لا یتیم بحسن اوصافه
بالخیر و لو انما فی الارض من شجرة اقلام خرد و در و صف و اشلال و اکم
ز نعش و هم تواند زنددم مالک المالحک بالطول و الاعرض المخلع علیه بخلعة
انا جعلناک خليفة فی الارض المبرک بتأید و الله یؤید بنصره من یشاء
ذاک فضل الله یؤتیه من یشاء القاهر علی عدایه بالقوة القهر مآتیه و الفایق
علی ملوک الافاق بالهزة الطاهرة السیما ینه المستغنی سانه الشریف لعلومه
عن التوصیف لا زال ذکا بقاء سلطنته من افق الدولة الابدیته طالعة

کل مکتان کامرانی نمال بوستان خسروانی تاجدار فریدون فر شهر یار بلند اختر
ز در یای دولت کوان کوهری ببرج سعادت بلند اختر کیوان مقام
بهرام انتقام خورشید صولت جمشید دولت خدا یکان ملوک جهان ته دوران
ز فرق تا قدم ار این سریر و کلاه رستم شجاعت خاتم سخاوت نور حدیقه
تاجدار ی نور حدیقه کامکاری بلند اختر آسمان پایه درخشد در کوغایه
نور چرخ روی شمع انجمن کسروی شاه جم اقبال اسکندر سرب باد دولت
یار و عون خوضر خضر تلر نیک تکاور نجت و باور غن و اقبال فی قضای رضای ملک
زو الملاله جلوه کر

عالی حضرت سانی رتبت هوشنگ هوش دارا دایت سیاوش و ش کی کایت
خسرو و سنجر جرات فریدون فوا فراسیاب فراست بالانشین او دنک داری

والانسان سریر مملکت آدابی در شاهوار دریای سروری عده
تاجدار کلزار هنر پروری شاه بیت قصیده اقبال در
التاج افسر اجل شاه عباس مکرمت این دام فی منہج الهدی والذین
طرف قرین الشرف لدری

حارس مالک فادس و عراق وفادس مسالک و دوقاق غارس نهال حسن
اتفاق فادس مراسم طیب عراق ^{بیت} رایت افروز خطه اقبال
دولت افروز خطه اجل تخت نشین کوزین ملک ایران فرمان
فرمای ایران اجل واقف اخوان حاکم ملک عجم مالک ورنک جم لایق
احسان جم شاه فریدون خشم مؤسس اساس استیناس شهامت لباس
سعادت اقباس هم نام اکرم انعام سید الناس شاه عباس حق که دارد
ز بیم و هراس بی حد و قیاس تنا و نسیم محبت بم

عالی حضرت کیوان رتبت برجیس منزلت بهرام صولت خورشید
طلعت ناهید عشرت عطارد فطنت قمر فطرت دولت اساس
سعادت اقباس عزت استیناس محبت لباس شاه عباس
دام فی رضا رب الناس محضر نیکو خبیره حیاط حد و قیاس
وخریطه افکار و خواص دن بپرون تسلیمات سلامت بخون

عالی حضرت معالی مرتبت کردون سطوت قمر محبت عطارد فطنت
ناهید عشرت خورشید افاضت برجیس سعادت بهرام صولت
کیوان رفعت کسری معدلت داداد دایت کیخسرو فطرت سلطنت
دسکاه خلافت پناه باسط امن و امان متمسک جبل المتین ان الله یامر

بالعدل والإحسان سلطان سلاطین زمان ادام الله ایام دولته وسلطنته

دیکر
عالی حضرت معالی منقبت فلک رفعت سلطنت مآب شوکت نصاب اہمیت
الکتاب حادس مالک فادس وعراق جامع منافع علو حب و عراق نیر
برج تهر یاری کوهر درج تاج تاجدار ی المحفوف بزمید عواطف خالق
الجن والناس شاه عباسی لایزال مشید الناس الود والاستیئاس منہ
مزایف دعوات

دیکر
سلطان سعادت ندرج فرمان فرمای هفت اقلیم باسط الامر والایمان
ناشر العدل والإحسان ناصر ولیا الله قاهر عددا الله عن الدنيا
والدين علاء الاسلام والمسلمین زین الله سریر العز و جوده
واقاض علی العالمین عدله وجوده

دیکر
خداوند خورشید طلعت قضا قدرت فلک مکنت کیوان رفعت
زمین بسطت حافظ البلاد ناصر العباد منیع الدینا والدين عز
الاسلام والمسلمین

دیکر
خداوند اعظم یاد شاه معظم پیاده سپاه فریدون جاه جهانگیر
اصف نظیر نضرة الدینا والدين کرم الخلاق اجمعین حجة الله
علی العالمین

دیکر
عالی حضرت معالی منقبت کردون رفعت فریدون شوکت مالک مالک
فارس و جمجم نکمت رای او زک جم حافی اقالیم فارس وعراق جامع
مکارم اخلاق حایز اکارم طیب اعراق المخصوص ببنایة الملک الخلاق
تجتم رسول مکرم از همناس سپهر گوکیه شاه صفی نسب عباس

نامارخان غازي راى سلطانه يادگار
اي ملك دل ز عدل تو بارونق و نظم اسوده در حمايت لطف تو خاص و عام
معلى كلمه الله العزيز ز بدن مثل جنگين جانسون دشمن بر كبر و
ستين و جگر گاه كفاريد كودار نامعين عرصه هيجاده پيشواي
ناكرين و سينه كينه اعداده خونريز اولان دولتي ديدين
و مدحت كوي صداقت قرين كزير خانان و پسنديدن سلطان
غازي كراي خان طال بقاء في امان دنيا المنان صوينه دعاي

دگر شاه طرفه
والاجاب معالي مناب اردن شير غزم جشيد شيدن م
داراي دار و كير اسفنديار حسن تدبير رستم ستم كداز
فريدون دون انداز سرباز بلند پر و از اوج استعداد شاهين
ترازوي نصفت و داد شهسوار مضار سهامت و سر بلند ي
شهر يار كشور بناهت و ارجندي **بسم** ديند تخت بختياري
كيونند باج تاجداري داراي زمانه شاه عباس باد برضاي خالق الناس
سمت مكارم سما نريند
دگر اوزبك ياد شاه عبداللہ شاه

جشيد سر بر خورشيد نظير غر صبح شهر ياري قره عين تاجداري
اختيار برج عزت و بختياري اقبال اوج عزت و كاركاري در
يكتاي عمان سلطنت كوهي همتاي كان حكومت فرازند راي
سروري فروزند آيت مهري عضد الدوله القاهر مويد
الملك الزاهر باعث امن و امان عالمان موجب اطمینان قلوب
جهانيان **بسم** سر ياري ملك كامگاري طراوت بخش باغ بختياري
فادس ميدان شجاعت حارث سكان ولايت آيت رحمت و حمايت

کوکب عزت نورانی مطلع خیمت و خانی نور چشمان رجا و امید
جراغ دو دمان اهل تائید سلاله خایان جنت مکان نتیجه بیخه
عدل و احسان الموبد بنایید الملک المنان المشرف من عند الله بانرف
الاسما لا زال مصونا عن صروف الحدثان وطوارق الملو ان عبد الله
خان حضرت بیک صوب صواب نفع الما بالینه تحیات

عالم حضرت جلالت منزلت سپهر مرتبت خاقان عالمی جاء عالیشان قآن
یالند قدر رفیع مکان طراز فرمان رانی نکلین خاتم کشور کشای ناصب
لواء سلطان ظل الله فی الارض حافظ بلاد الله من اهل السنه والقرن
پادشاه عدو بند قلم کشای شهنشاه کشور کین جهان ارای مربی
ارباب العلم والاعرفان مقوی اصحاب الصدق والایقان احسن
اعظم السلاطین سرقا وغریبا و احب اما جد الخواصین خلقا و خلقا
مصدق کرمین مختص بر حمته منینش فاین بدجه علیه نرفع درجا
منینش شهنشاه عادل که از عدل و رای بود سایه رحمتی از خدای
پادشاه خداوند کار اعوانه سریر الملک بوجوده و افاض علی العریب
و البعید اثار عدله وجوده

خلاصه شاهان عالمی مقدار و نقاوه پادشاهان رفیع الاقدار نور دین
خلافه و مختاری و قهر و عیون سلطنت و کامکاری مهراج عظم
و جلال نیر برح سپهر اخلاص اقباب اسمان سعادت اسمان اقباب
سیادت واسطه عقد شریاری جوهر فرد نامداری جامع اقسام
المفاخر والمفاخر ناسرا صاف الفضایل والمناش خاقان منزلت
فریدون رتبت جمشید خیمت دارد ادایت قطب فلک و قار
مرکز کدودن اقتدار خورشید اشتها عالم مدار سلاله خاقان فرد و

جداغ خاندان خانی نفع جمیع انجمن کامرانی اختر سپهر دولت جاودانی
کلیس کشن امن و امانی غیره معین اب زندگانی قرم خانی
غازی کرای خان دام بی حفظه دبه المنان ادعیه صالحی

حضرت اسد ز دار آدایت **دگر** کیوان رفعت سپهر مرتبت خروارگاه
عزت و تمکین فوشران مسند عدالت این سلطان تخت نشین سعادت
نثار قیصر جمشید مکیں خود سجد مکان کسری کاسری کردن کشان
خاقان تاج بخش کشورستان پادشاه دولت قریب صاحب قران

عالی حضرت کردن بسطت کیوان **دگر** رفعت هرام صولت برجیس طلعت
خورشید افاضت ناهید عشرت عطارد فطنت غریبیت ثریا
منزلت جمشید مکت فزیدون خشم کسری معدلت دار آدایت
کاوس هم قایق س فهم هوشنگ جنگ افراسیاب اهنک اسکندر
صفت یخچر و نصف مهر سپهر خسروی نجی ماثر کسروی شهریار
کشور جهانبانی شمسوار میدان کشورستانی اختر برج کامرانی
سریا فروز فلک شادمانی حیرت آج قلزم و هاج مسند نشین
اورنگ شهر باج وارث تخت آج و افسر تاج مالک جلال و علم
صاحب خیل و خشم وارث اورنگ حج داورد ملک عج فروز نند
تاج و تخت فوارنده رایات دولت و بخت ماه فلک شاهی
مهر سپهر شهنشاهی الفابن بنعیم المنعم الجلیل ~~سلطان~~ ابن طهمان
شاه اسمعیل خلد الله ظله الوارف و صرف عنه الصوارف

دگر الملی حضرت و الاربتت کردن رفعت عطارد فطنت نیر طایر اتمت
قصر خاتم معدلت خورشید مشارق شهر یادی جمشید سرداق ماهر یاری

داورد اراي فریدون ملک ارای کبخر و دهر بریان عصر فرین
 بر بر سلطنت شاهی صاحب اذیال الماثر صاحب اعلام المتفاخری قره
 باصرة الاياله غره ناصیر البساله مغرالدوله والاقبال

دگر

والاربتت اعلا منزلت فرزند نصرت قران خلاصه دودمان
 حضرت العثمان صاحب سند سلطنت واجلال وارث شهر غرت
 و اقبال مهر سپهر عظمت و شهر یاری نیرا و شوکت و بختیاری
 کوهر درج سعادت اختر بر و نرف در در یاری جلالت خسرو عالی تبار
 در حرم ملک و غرت کایاب و کایخز بفرز نخت و دولت کامران و کامکار

دگر

کبرم البتم والصفات سلیم النفس والذات سنی هذه الکبیم ومظهر
 اخلاقه العظیم الذی نور عیون المملکة بانوار جوده ونضریاض
 السلطنة من سلال عدله وجوده سلیم الاسم والمسی مصدوقه
 تنزل الاسماء من السما تعالی الله ذهی فرخنده شاهی
 فرزند تخت دولت پاد شاهی

فرزند پادشاه

عالمیناب دفت مناب دولت مآب غرت قباب دار انجت کسری تخت
 سکندر فطرت عطار د فطنت خسرو شوکت ناهید صحبت حمید جاه خورشید
 کلاه فریدون فرات کیکاوس کیاست نیرا و برج اقبال دره التاج عز و
 اجلال مشرق انوار ایهت مطلع انار منقبت حاوی مکارم کار مغاخر ارای
 محاسن مآثر غره جبین دولت کوهر نیکین سعادت مهر سپهر عظمت و شهر یاری
 و سپهر مهر نصفت و تاجداری ختمت بنه غرت دستکاه شاه صهی شاه
 ضاعف الله معالیم قدره و رفعة و رفع اعلام عزته و شوکت بدایع دایع
 حیات

تا بارقه ساقیه عنایت حضرت رب عزت تبارک سبحان قدر او تعالی
غما بقولون علوا کبیرا ما تندرج صادق مطلع صدور بر تو سالکان
منابع حقایق قدر باریق و رخشان و افتاب مشرق و اقبال افق عز و
اجلال و اوج رفعت و کمال دن فضایی سراسر جهان و ساحت فصاحت
حال عالمیان شارق و درخشان اولاً کو کبک بخت هایون سعد مقرون
حضرت فلک رفعت کیوان منزلت کرد و نایب است انجم اهبت
نیر اوج سر بلندی بدر عالی قدر در اجندی برج جیسی برج شرف در
سعادت صدف غم سر نامه شاهی طرّه جبهه عزت پناهی فردون فر
هایون اثر خسرو یوان سکندر مکان ارا نیده سر بر سروری زینند
تخت داوری ماه آسمان جلالت خورشید مطلع ایالت و الا ولایت
دار ادرایت کیکاووس کیاست هوشنگ فرست حاوی مغاخر کج خروا
راوی ماثور جئید نایخ مؤسس امور مملکت داری مهندس رسوم
نصف شکاری فیروز بخت و کسری تخت مکرمت قیاب سعادت
انتساب دولت ایاب عالیجناب معالی نصاب عدالت این سپهر
تمکین مهر سپهر عظمت سپهر مهر خیمت سعادت نداد شهر یار متوجّه
نژاد مستقر رای جایگاه کامران مستند جاربالتو جهانیا نایخ ارشیر
صولت و کیقباد شوکت محمدت دثار دولت مدار سلطنت منقبت
خلافت مرتبت عالیجاه جم کلاه خدیو سعادت دستگاه لازالت
شمس معالی و قدره غنم مطالع العز و السعادة طالعة و ما برحت

بروز غزه ومجده في منازل الشرف والسيادة لامعة بين الشرق
 ختمت ونهر ياري اوج برج شوكت وتاجداري دن بتوفيق
 الله تعالى رب المقادير والمشايق ساطع وبارق اولاً
 دعوات صالحات اجابت قريب

الطباب خيام رفعت اسباب قيام ختمت حضرت عالي رتب
 فلک مکت شمس دیوان عزت نیر آسمان شوکت خدیو کامکار
 شهریار مکرمت شعار جمشید خورشید طلعت خاقان کیوان
 منزلت دارای تاج و تخت داور پیروز بخت خسرو غفور
 شاه فریدون سیر واسطه عقد بختیاری نیکین خانم تاجدار
 هایون دولت مستری سعادت جم جاهد ونصفت پناه والاصدر بلذ
 مهاسب شاه لاذلک نحو ختمت من افوا الاقبال نایره وما برحت بدور
 دولته فی بروج السعادة دایرة اوتاد شرف وغزيلة محدود وامداد
 واسعاد توفیق ومیمنت الیه موفور ونامحدود برتو افاض شوکت وانوار
 ماهتاب معد لتدري لامع ودرخشان وساطع وتابان اولاً

عالم حضرت کدودن سطوت خورشید طلعت جمشید خصلت بالان منزلت
 داد ادرايت کسري سیرت برجیس سعادت کیقباد بخت فرویدون
 تخت شاه سریر ختمت وکامکاری ماه منیر سپهر بختیاری رافع اعلام
 العز والاجلال باسط بساط الرقة والاعتدال مطلع کواکب مناقب
 منبع شریف مراتب جامع مکارم الاخلاق ومفاخر الشیم حاوی مراسم
 الاشفاق وماثر اللهم المنظور بوفور الطاف الوهاب الکريم المحفوف
 بصوف عواطف الرحيم التواب جم جاهد دولت پناه طهماسب شاه

لا زال استنفاً من افاضه اثار الهدايه و مستنيراً من اشعة انوار العناية
بدايع دعوات **دکتر سلطان بلگرامی بخارا خانی بر محمد خان**
والاجناب امارت مآب عزت نصاب رفعت مناب سعادت التاسیسات
انتساب مالک فواص الملل ساک اقامی الدول صاحب دلائل الاقبال صاحب
ازیال الاجلال حاوی ماثر مفاخر السعادات بکارم الاخلاق حایز
العزة فی اعلام مراتب الغایات بالاستحقاق المحفوف بصوف عواطف
الملك المنان بر محمد خان ادام الله تعالی لادامه مراسم الدین اعلام السلطنة
اعلی حضرت کردون بستی **دکتر** فک رفعت ملک خصلت ماه ماهیت عطار
فطنت ناهید عشرت خورشید منزلت بهرام صولت بر جیس سعادت
کیوان سقوط سیار سپاه سماء سیادت اختر فیروز جهان افروز
آسمان امارت قطب فلک دولت و معالی خلاصه ایام ولیای مہر بہر
عزت و جلال بہر عالی قدر افر سعادت و اقبال بجمہ ہجہ پادشاہی
جو ضیاء بخشای ملک شاہی مشرق انوار مکنت دنیاری مطلع اثار ابالت
و تاجداری نجابت نژاد و بناہت نہاد اسکندر فطنت کسری معدلت
کی خسرو کاوس شوکت قیصر فریدون ابہت مسند ارای حشمت و شہریاری
رینت افزای اوزنک کامکاری متم بکارم اخلاق الینہ مکمل اوصاف
الملکیہ حاوی محاسن منقبت ناشر مناسر محمدت دولت مدار نصفت خمار
الموید بتاید الله الحوفق بتوفیق الله اققاب اوج مکنت و جاہ مہیشہ **دکتر**

اعلی حضرت و الاربتت کردون رفعت عطار د فطنت نیر طارم ابہت
فص خاتم معدلت خورشید مشارق شہریاری جمشید مرادق تاجداری

داورد ارای فریدون ملک ارای کیخسرو دهر نریمان عصر مزین
 سریر سلطنت و شاهی مبین آیین خلافت و شاهنشاهی صاحب ازیال
 الماثر صاحب اعلام المفاخر قره باصره الاباله غرق ناصیه الساله
 المحفوف بصوف و رایت المواهب من فضل الله الواهب مغز الدولة
 والاقبال لهما بستانه

جناب معالی مآب فارس شهبان فریدان نواری حارس فریدان عراق و فارس
 داود ارایت داود کیکیاست دلاری کیکیاست اقتباس عباس شاه همای
 اقنا دکتر تانار خان جابانه

جناب امارت مآب دولت آکتاب عزت نصاب پسندیده خاندان خانی
 کوئیه نسل المحبانی استان سعادت ترک خیر خواهی منظور اقطار الهی حالا
 قمر خانی اولان خان کوای خان دام منظور بالطف والاحسان

دکتر
 جناب دولت مآب رفعت نصاب سلطنت قیاب حشمت مناب شوکت
 انتساب حایز کمالات صوری و معنوی جامع سعادات دین و دنیوی
 سالک سالک عدل و انصاف دافع مهالک ظلم و اعتساف منظر الطاف
 خجی و جلی نامر منزه حنفی حافظ بلاد توران باسط بیاض امن و امان
 المختص بفرید عواطف رب الارباب المؤید بتائید الله ائی عبد الله
 اتانی الکتاب دامت معالیه الی يوم الحشر والحساب صوبه ادعیه

دکتر
 قاصد خجسته مقاصد خلاص و برید فرخنده نوید خامر ابله
 مسند ارای اورنگ شاهی و افسر پیرای کسور نباهی

تاجدار ملک عجم رواج مدار نفع جم جگران افلم ایران فرمان
روای غزویں و سفاهان نشینند مقر کیان نشاندۀ اشرکیان
استوار کنندۀ اساس ستیناس شاه عباس وفق بمراضی رب الناس
حضور بر جیور لدینہ

دگر

جناب امارت مآب ایالت نصاب دولت الکتاب ذوالقدر الائم
والفخر الاشتم المختص بمزید الملک المتعال قمرم خانی غازی کرای خان دامت
معالیہ بجناب عنبر ارشادند نصکرو

دگر

جناب سلطت ایاب خدمت نصاب شوکت مآب عزت انتساب سعادت
الکتاب غرہ صبح بختیاری قرہ عنبر کامکاری فوزندۀ رعیت پرور عب
فوزندۀ رأیت مہتری عزالدولہ القاہرہ مؤید الملہ الزاہرہ نور
دیدہ امید چراغ دودمان اہل تائید اختر نورانی مطلع خاقانی
ایت رحمت دجانی سلالہ خاںان جنت مکان نتیجہ ہیجہ عدل و احسان
خان عالیشان کشورستان محمد کرای خان لازالت رأیت عزتہ
خافقہ وغنیات الحق لہ مرافقہ حضور باہر النور لرینہ بجات سکیہ

دگر

عالیجناب سلطت مآب امارت نصاب ایالت الکتاب سعادت
انتساب ملکی الذات ملکي الصفات زاہب مذاہب المجد والا
فضال سالک مسالک العز والاقبال المشہر بمکارم الاخلاق
المنتصر من عند الملک الخلاق ناشر العدل والاحسان باسط الامن
والامان المستغنی عن التوصیف والبيان المحفوف بصوف عواطف

الملك المنان حاكم شهر وزير حاكم سلطان نواغاتاي خان
ايين الله تعالى وابتدء الى انقراض الزمان اضاف نجبات صافيات

دكر

خياب امارت ماب ايلت نصاب سعادت آكتاب دولت انتساب ذوالقدر
الاثم والفخر الانتم المحفوظ بصفوف الملك المستعان بغير صورت حكاي جيبخان
ادم الله معاليه توفيق رفيع عايدون ورحمهم الله ملوم اولاد

دكر

خياب امارت ماب سعادت قباب دولت نصاب خير آكتاب صاحب ايات العز
والاجلال ناصب ايات الدولة والاقبال واسطه عهد انصار ورابطه عقد
امصار المكرم في العصر المعزز بالبصر المؤيد بتأييد الملك المنان حالاً مطر في
العصر حكاي حضرت خير بيك كامران احسن الله له بالخير في كل ساعة وواوان الي
انقراض الدهور والان مان تخف نجبات وافره

دكر

خياب امارت نياي شهامت دستكاه شرف انتساب دوكت آكتاب مؤتمن
الدولة العلية الخاقانية معتمد السدة النبوية السلطانية الامير الجليل
شرف خان لا ذال منظوراً بانظار اللطف والاحسان توفيق رفيع

دكر

مادامكه مستند نشين طادم چارمين وفرمان فرماي خطه خاور زمين
بيرق براق صبح تابدار و سپاه زرین قباي اشعه وانوار ايله
فضاي فرخ فراي عالم علوي ترك وتاز و قهر دشمنان ايجون دست
تطاويل دراز ايدوب فرقه سبك كاران شام و شيعه ظلت شعاران
ملك ظلاي ميان ميدان دلاور ديد پامال وعوضه جنك وداور ديد
پریشان حال ايله هميشه اول شهر بار جهان غطاء مالک الرقاب و تاجدار

واجب الاتباع آسمان جناب که هیکل شمشیرها نگیزی صبح نخست طلوع عالم
 اجلال و سپر زرین طغر قرینی مهر جها تاج سپهر اقبال کلاله نوح بر فرو
 شان زده مشاطه کامکاری و نعل رایت نصرت ایقی اب خورده
 بختیاری در **ر** ان صفدری که انهب زرین تمام چرخ چون نب زکود ابله
 کوار ثواد هیست **ر** ماه سپهر شریانی کنون خم تیغ چون افتاب کشور خاور ملک
 اعنی حضرت خان غرت قرین و خاقان سعادت دهین مربع نشین
 مند شهر یاری معلما مکان محفل تاجداری نور خرقه سعادت نور
 عدالت سلیمان حشم فریدون علم دارا کشور سکندر طغر بعضی حشام
 رسم انتقام قهرمان نجاعت نوسروان عدالت خداوند کار سپهر است
 ابوالغازی عبدالله یهادر خان خلد الله ملاذ الانام الحقیام الساعه و
 القیام حضرت لرنیک ذات نجته سمات و وجود فرخنده صفات لری پیرایه بخت
 اورنگ خایه و رونق افروز افسر کیانی اولوب رای عالم ارالری ناظر
 مهمات دین و دولت و تبع کشور کشالری حاسم ملات ملک و ملت اولمعا
 ظل ظلیل حمایت لری مغارق مسلین اوزر محدود و دامن سایان عز و
 رفعت لری طناب خلود ایل او تاد بخومه مشدود اول **ر**
 ناید با شاهی در سریر کنگکان **ر** بر سریر پادشاهی کامبخش و کامر **ر**
 جاه و حشمت بر عین و نارنجت بریار **ر** فتح و نصرت در عنان و بخت و دولت **ر**
 ابن اوفات و اسعد ساعت رسول غرت شعار لری کلوب

دور القا

عالم حضرت کرد و ن بسطت فلک رفعت ملک خصلت ماه ماهیت
 عطار د فطنت ناهید عشرت خورشید منزلت بهرام صولت
 برجیس سعادت کیوان سطوت ستار سیتار سماء سیادت
 اختر فیروز جهان افروز آسمان امارت قطب فلک دولت
 و معالی خلاصہ ایام و لیالی مهر سپهر غرت و جلال بدر عالی قدر
 افق سعادت و اقبال بهجہ مہجہ پادشاهی صبح ضیائینشاهی ملک تاجی
 مشرق انوار مکرمت دنداری مطلع انار ایالت و ناحداری نجابت
 بنجاد و نباهت نهاد اسکندر فطرت کسری معدلت کینسر و کاس
 شوکت قیصر فریدون ابہت مسندارای خیمت و تاجدار ب
 زینت اقزای اورنگ کامکاری متمم مکارم الاحلاق السنت
 مکمل مبایمن اوصاف المملکۃ الملکیہ حاروی محاسن منقبت نازنین
 محمدت دولت مدار نصفت شمار الموبد بنایید الله الموفق
 بنوفیق الله اکتاب اوج مکت و جاہ طہاسپ شاه لا ذالت طلوع
 عزت من مطالع السعاده مضیہ شادقہ و ما برحت بخم خشمہ فی برج
 السیادۃ لامعۃ بارقہ

ساجی بعد از کمال کیسندون بار لایۃ نامہ مک دیباچہ
 فلطیل جتر آسمان ساجی عرش فرمای عقاب سیمای عالم ساجی خدایگان عالم
 سلطان سلاطین بخت بنمکین دارا و این بخت شاه سکندر خرم خدیو مالک ایران
 فرمان فرمای اقبال جهان دد درج صنوف و کامرانی در بی برج نصفت و
 جہان بینی کوہ درج سعادت اختر برج شرف در دریای خلافت شہر یار نامہ

ساجی

مردود و مخله و مهره و مؤید اولی و دعالی و طغ و دوز و شب و فریضه قبل
و قلاب قلوب مرابع تواضع و افتقار اقامت و احیا و لوازم نزع و انکسار
مرعی و مؤداف و قدر و مذکر **دکر** او ذیک خانی عید خانه جواب نامه در

والاحباب امارت مآب دولت قباب رفعت مناب سعادت کتاب
سیادت انتساب ملک الزات ملک الصفات ملک القرامت مالک الزمان
الملل سالک افاضی لدول ناصب دایات الحشمة الزاهر علی قننه القبة
الخضراء رافع الویة العظيمة الباهر علی ذروة المجد والاعتلاء باسط
الامن والایمان ناشر العدل والاحسان المستغنی عن التوفیق والتعزیر
والیسان المختص بصفوف عواطف ملک المستعان جلال الدولة والذکر
خضره اخوت مرتبت عید خان **۶** دام من والایه فی مجد نبی
عم من عاده فی غم ریدی شمامه طیبه کلزار قدسی و کلدسته حدیق
فردوسی یعنی کتاب مشکین نقاب محبت غنی و مودت فزون بلغت
نصاب فصاحت استیعاب نور حدیقه روح نور حدیقه فتوح و سیر
تعارف ادبی و منبئی اتحاد لم یزلی که موکد قواعد مخالفت و منبئی سیادت
اخلاص و مصادقت در سید السادات و سند العز و السعادت مستجمع
الخصال الحمیده سید بر که خان در وقت سلامه و ساطعی ایل و وصول ببلد
انواع اغزاز و اکرام یل اقبال ایدوب **۶** فقلت له اهلاً و سهلاً و مرحباً
بخبیر کتاب جاء من خیر مرسل منوف تحیات وافیه والوف تسلیمات شافیه
ایله که صفای صحایف ضایعی رقوم و داد ایله مرقوم و مفهوم محصلی
استعارات لایقه و عبارات رایقه اتحاد ایله محلی و موسوم
مقابل ایدوب مکنونات مضامین کلمات مرتبه و ترکیب مرتبه و عبارات

بلمدي واستعدادات ارجمندي مبين و ظاهر و لوب الفاظ مرثية و معاني
منقهي منطوي اولدوغي قزلباشي اوياش ايله مابين ده واقع اولان احوال
وماجر مفصلا روشن و ظاهر اولدي

دگر

هواره نمال اقبال و كلين جاه و جلال جناب سلطنت شمار عدالت انساب
جلالت انتساب دو حه دوضه خلافت وجهان باني غره نجر سلطنت و
كامراني دري اوج خمنت و كامراني در ديج شوكت و شهر ياري
المظفور بانظار من لا اله سواد عضد الدولة و الدين سلطان سليم شاه
اطال الله تعالى اعمار دولته و اعوام سعادتته في ظل خلافة والده العظيم
الناس از جو پيار عنايات ايلي خرم و شاداب و از امطار سحاب سعادات
لم يري فرخنده و سيراب كودد

تيمور مرقدن سلطان باين ديخانه كامرانه

دگر

جلال السلطة و الخلافة و الدنيا و الدين سلطان باين دي بهادر
بعا لجناب سلطنت ماب خلافت پناه شوكت دستگاه عدالت شمار
نصفت دنار اعدل القياسه اكل الكوسه مالك رقاب سلاطين الام
موجب ملوك العرب و العجم بدر نظام عطمت و جلال شهر خمنت و اقبال
ناصر رايات الدين و الدول رافع ايات الملك و الملل حاجي بلاد الاسلام
و الامان ما حي ظلام الكفر و الظفیان سلطان الغرات و المجاهدين
فاطع الكفرة و المشركين الذي فاز من بين سلاطين الزمان بشرف كثرة
الغزو و الجهاد و اعلا الواد العزة و العلا في خير البلاد

دگر

ابن خطاب مستطاب از جناب جلالت ماب ماكه قائل الكفرة و المشركين قانع

اعداد الدين مرغم انوف الفراعيني معقر بخان الخوافين سلطان العراف
والجهاهد بن فريدون فرسكندر در كهنه و عدل و داد سلطان سليم شاه
بن بابا بن بدخان **ديگر**

بادشاه ربع مكنون صاحب قران ظفر مقرون كاسر الاكابر و قام القياصر
وقهرمان القوم سلطان العرب والعجم والروم حاجي حوزة الاسلام
ماحي ماثر الكفر عن صفحات الايام حافظ المسلمين قهرمان الماء والطين
بت ملك تواسعت الملوك اعزمه و اطاعه الاقيال والاقبال
جوانخت كردون سرين سكندر در جها نكبر بابي مهابي جها نيايي
افتاب علمنا بكتور ستاني و خسرو خورشيد رايه داو و حميد فر
سرور كردون شكوه اسكندر داد انشان و اكبريون برو حكن چين و خسرو
و انكه دور افكنده عدلتي رخ زابروي كان و سلطان فلک قدر كردون و قار
خاقان عاليشان سپهر اقتدار مظهر ايت كريمة **و ديگر بخليق مايتا و ختار**
قيصر و الاضر كردون سرين حميد خورشيد حشمت و سكندر نظير
السلطان الاعظم الامجد السلطان محمد خان لادالت سلطنة
متسلطنة الجاخر الزمان **سم** در اين مرقع مينافام چون خود كفته اي ها و نام
ايد از هر كي بجاي صدا خلد الله ملكه ابد و اول بادشاه عاليجاه
بر عاليناه سعادت دستگاه و دكه اقلام البينه و النة اقلام
مدا الدهور و الاعوام صحايف شهور و اعوامه مدايح ذات شوق
صفا لري ايله طويجي كيبي كويا و تفحات صفحات صفات معالي
سمالري سام مشام صبح و شامه كل كي بوي او مشدر

عنوان جبرئیل اخبار و دیباچه صحیفه اسماء بومنوال اوزر تحریر و تسطیر
اولمشدر که اعدل سلاطین زمان و اکمل خواقین جهان اولاده نوشتر و ان
که دینت زکا و فطنت ایله محلی و حلیت نقاء سریرت برله مطلی بر شاه
عادل قوی دل ایدی که کرم و احسان وجود و کمال عدل و حسن خلق
زائده موجود اولوب ظل خلیل عظیم العدیالی خاص و عام اوزر
اقتاب عالمتاب کی مبسوط و واسع و جناح لطف و شفقتی هر پیر و جوانه
مفتوح و شایع اولمقین صحایف روی زمین زیر نگیں نواب عدالت
قرینی اولمشیدی افاضه عدل و احسان که کزیده اعمال پادشاه خلیل
الشاندر آمده بر مرتبه ده ایدی توفیق اشاعه عدل و داد و تابیدن
معاش و معاد عامه عباد و بلاد اول ایدر وجیهه نظیر و تشبیه
مشهود ابصار جهان بین و منصور اعیان معتکفان روی زمین و آسمان
دکل ایدی **نظم** نوشین روانکه طمطمه عدل داد او تا باشد از جهان به جاد استانی
هرگز رواند است که بدصل سفله را **د** بهیج کشفه ری قلم اندر بنیان بود
بالجملة کیفیت محاسن شمایی و کسیت مباحث خصایلی چون حساب اعداد
حذر عددن زیاد و ضایف عواطفی جمیع طوائفه شامل و متناول
ایدی مثلا اکمل علماء اعصار و افضل حکماء ادا و اردن نجه موالی
و اهالی دایما مجلس عالی درنده علی التوای خالی اولیوب شاه پرانتباه

نام پراقتباه هراعت فریفته محاسن حکایت و شیفته بیامز موعظت
اولوب همیشه مسایل اخلاف و اسلاف مذکورند و خزان قلوب
ملوک کنوزندن استفسار و استخبار ابله عالمند خبردار اولوب
استماع وعظ و نصیحت لریه و اصفای نیند و موعظت لریه طالب و لغب
ایدی زیرا اندرک جواهر کلم مشهور و نواد رحلم ماثوره لریه بسطت
لسان وجودت بیانه مجاری زبانندین جاری اولان نصیحه فصیحی
فهرست صحیفه مقاض عنوان جریده مائش قلوب انکسپی پندرسودند
من کل الباب مدار قلوب اولوب اشخاص عوام و خواصک استنفاعه
و دولت و سعادت کمال ارتفاعه سبب کلی در دیو تشیر صحایف
فضایل و تشریح لطایف خصایل ایچون دیر نیکو تقریر اولدره سلک محضر
کنور ملکه امرایدر لرایدی تاکه تطاول از منده ده متداول السنه اولادیر
ایدی **دیوان شاه نوین دیوان** حضرت پادشاه عالیجاه برحکام

سرب سعادت مصر شهر باری ده ادام و تخت عالیجناب کامکاری ده
نیام ایروب دیوان رفیع ابوانته ادیاب ازغان که هریری ملوک
خطه عرفان بلکه سلاطین عرصه ایقان ایدی بوللو بولنج جمع و
وبر بر لر نیک اعمال و افعاله ناطرا ولوب حضرت پادشاه نیکو خصلتک
منظر عالی محضرنه مرتبه استحقاق لریه کوره حرمت و منزلت بولور
لرایدی جمله دن مقرب **حضرت اولادیندین بری عالمک زندی حکیم هندی**
ایدی که منبع عمان حکمت منشأ خلیجان فضیلت اولوب هرباره که مخرج
و کلید کجینه سینه معارف دافینه سناچسه و در در غر لطایف

و سعادت فی سلک نظام و در شسته انتظامه چکوب نیز باز در ورکارده
 مبصران دکان عرفانه و صیرفیان چادر سویی بدیع و بیانه عرض ایلیمه
 هر بری نقد جانله خریدار و کوشواره کوش هوش فلان منت دار
 اولور لر ایدی **در وصف موبد فرس** و حضرت شاه مجاهدک
 رکاب کامیابنده ذوالقدر اولان صاحب صدر رک بری دخی فادری
 فرس ره فرسای فراست راکب مراکب سبکبار کیاست موبد فرس
 دن بر صاحب دراست ایدی که میدان عرفانک فارسی یکدانی اولو
 رختن مراد بخش فضایل و سمند و ندر خصایلی بروجه اهتمام
 کند و به رام ایدرب عرضه بلا غتده کیت فصاحتیه جولان کوش
 کوی مقصود و مرانی چوکان جالاک و اقدام ابله بر طربن ابله الکه کور
 ایدی که خبول نیز کام عقول کردن نبرده ابرمک امر محال و محض خیال
 ایدی یوناه عالی جاه اول طرف میسنده اولان حکیم امینه التفات شامل
 قلوب پور دبلر که ای مخزن کوز حکمت وی محیط رموز معرفت سنگ
 مجموع دیال فضایل و جامع فنون خصایل سن و کمارم اخلاق ابله
 صدر مجلس استحقاق و مشار بالبنان افاق سن ذات قدیمی صفات کلان
 مطلوب و مراد و مرغوب فواد بود که خلق عالمه مذکور نفوس ناسیه
 و منور قلوب قاسیه الفاظ نصایح که موجب اصلاح مصالح در
 جمیع منافعی جامع بر وعظ نافع ابدی نر که اول پند سودمند غاص و علمه
 فایده مندا اوله یس حکیم حازق هندی حضور خداوندی ده قبله زمین
 خدمتی سجد کاه قبله تجودیت قلوب بساط شرف انبساطه بوظایف نظام

ایله ایتار و نادر ایندیکه ای مالک مالک نیکوکاری و بی والی ولایت
پسندید کورداری ناطقه نفس ایله معزز و فراست صادق ایله عین
گزیده اخلاف و اسلاف بر پادشاه عالمپناه سن که رای مینک کوه کشتی
نبرد مشکلات و فکر رد نیک انگشت غای حل معضلات در جمله اتار
ماتوره و اخبار مستوره ضمیر لهمام پذیر که مخفی دکلر لکن المام و
معدور بعد ترک تطویل زبده مقاصد ماقبل بود که حکماء سلف
امراء خلف همچون ترتیب و ترکیب تیر و کلری نصیحه فصیح لریز و قوه
کلام بو وجهله انتظام بولمیشدر که **من استعمل العدل حصن الله مملکته**
و من استعمل الظلم عجز الله عجله یعنی شهر باران نیکو خصلت و کامکا
ران ستوده سیرت عدل و داده معتاد اولمق طراز سکوت مهری
و تار بود خلعت سروری اولور چنکه اطراف مالک و اکناف مالک
عدل و داد ایله استوار اولور اینیه با جوج فتن و محن دن هر دیار
سدا سکندر و اراهنین حصار اولور **من احسن المملکه امن من المملکه**
فلاجرم انقاس اشخاص ناس فشر دعای دولت ایله مطیب و خیام
ایام سعادت الطناب الطناب محبت ایله مطیب اولور و بو حالت سبب
امتداد سایه دولت و بواله باغت اعتداد پیرایه صحت اولوب بالجم
عدالت عادل بی معادله نسبت موجب قبال دولت دنیا و مستوجب نجوم
قلوب رعایا و برایا اولوب بلکه مکفر دنوب و خطایا و مستحب رضای
خالق البرایا اولور بیهرا د شاه پیدار بخت و فیر و زروز و شهر یار
رعیت نواز و ظالم سوز که تحت غالی بخت شاهیه زیور عدل و داد ایله
ارایش ویره و سریر عدالت مصر شهنشاهی به رعیت اوامرو نواهی ایلا سایش ویر
مظاہرت لطف ازل و معاضدت فیض لم یزل ایله دایما هم سعادت اهد فرمادند سید
اولور

حالا بعون الملك المتعال بوسال فرخنده قال ميمنت ماله مالک محرومه سلا
 دن حج بيت الله الحرام و زيارت روضه مطهره حضرت سيد الانام عليه
 افضل التحية والسلام توجه تام ايدين حجاج مسلمين و خاك بال احرم صاب
 لولا كه بوز سوريك سعادته نایل اولمغ قیام تام اوزر اولان نور
 موحدين بعون الملك المعين قطع منازل و طحرا حل ايروب منازلحي
 ميين و مبسط روح الامين اولان حرمين شريفين و مقامين محترمين ساد
 واصل و ضعاي خاطر ايله كلام مكين ختام و اتحق الحج والعمرة لله داعيه
 سعي و اهتمام ايدرك وجود دولته نایل اولوب اول بيت خداي اكرم كه
 مطاف معظم و مكرم در عرصه عزتته دوي نيازي سايبه و زرخ غيو
 ديتي ماين قلعه هزيري مانند شاه جهان منتهر و صاحب غول و المنظر
 ايكزن انواع خضوع و ذلله پياده لركي كسوت نخوتدن مجرد و ساد
 حريم احتراميله زار و كريان برهنه و عريان عزيمت ايدوب اول بارگاه
 اعلامه رفاد حال و فراغ بال ايله دوام دولت ابدانصال مزاجتون
 ادعیه اجابت ماله مداومت و اشتغال اوزره اولمرتبه سامي اولوب
 و ميتراب شريفه ميان بند لازم التكريمينك محله وضع و اختيافي خصوص
 كلي مظاهرت اولوب خاصه علمای ابرار و اشراف و اخبار و صلحا
 امت حضرت رسول مختار و اطال اهل اسلام و عامه عباد الله ايله علي
 الدوام امكده و متبركه عليه ده و مقامات متمنه سنيه ده فرقان كرم و
 قران عظيم تلاوت و ختم و درگاه جاد سازدن انواع تصرع و ثيان
 ايله برا و بحر اخنود ظفر غود مك غلبه و انتصاري و اعدي ليامك خور

وانكاري ايجون دعالیه و تنابه مواظبت و لنوب و محروم منظر فلهذا
اولان غلال خيرات و مبرات حسنات عزت سما تزدن معین اولان نذر
و صدقات جده و منبع اسكله لرینه و اصل اولدوقه دو لرا له ملكه ملكه
و مدینه منوره یه نقل و ایصاله بزل همت و فخری حرمین شریفینك
حسن انتظام احواله بیل دقت و لند و غنی جانب جناب و الار تبخردن اول
خدمت خیر خاتمه تعین و لنوب حقندن من جمیع الوجوه حسن اعتماد شریف
او غیله مكارم علیه فردن حال احسنی كلن یكلكی عنایت اولنان امیر الامراء
الكرام حسن دام اقباله طرفندن عرض و انما اولد و خندن غیری وجه
مشروح اوزر ذكر اولناه ترمیم بیت شریفك تمشیت و تنجی باندن مجذوعی
و دایما اسلاف بزرگوار لکوزدن زیاده رضای عن اقتضا مری مرایی
اولد و غلن اول اطراف و اتحاد اولان حکام با احترام طرفندن عرض و انما
اولنا غین ملك ظهور کتور یلان مساعی جمیل کون مسامع علیه مره القا و محاکمه
صور حقایق اشیا اولان مرات الصغای خور سید المعانزه صورت نما
اولوب خیر ظهور و نفازه پیوسته اولان خدمات موفوره و مضامرات
مشکوره کون غر حضور قابض النور مزده مستوجب دافت غیر محصور واقع و انما
مستدام عمر و دولت و شرف و بر خردار امارت و سیادت اولوب علیه ایما
سنن اباء بزرگوار ایلمکدن و دایما دولت علیه مره خیر خواهلقد
قدم برله الاذ الطاف شامله الاکتاف نهر یار نما و مقتدر خالی اولمیه
و حقارده انواع عنایات علیه مره ظاهرا و لوب خلع فاخره سینه فردن بوسید
سموره قابلو بر توب خلعت مورث الهجت سلطان و بر توب دخی خاصه خلعت
کسوت موجب الحشرت جهانباز عنایت و ارزانی قلبوب نامه عابونه الیه
دركاه معدلت بنا غر حاشیکر لوزدن قدوة الامجد و الکارم مصطفی دام بحد

ملتغ شفا کرام و مزدحم جباه اعلام اولان سده سنیه عالمقام و عینه
علیه عزت غلام حرم الله الی یوم البقام تراب دولت مای حجه فرامنه
دعایی که از غایت احترام و تکرده دالتی برای سلام ابله غند نصکر
سامع خدام ذوی الإختصاصه و ساست برید خلاص یله اعلام اولنور که

دکتر

مکر

سده سده تمکین که دستگیر دلباز دولت و دین و عطا بخش لاوران
روی زمین در عرض بنده مکتوب بود که

دکتر

مکر

موقف رفیع فضایل کس و مقرر مع افاضل پرور لا زال ملجا لفضل الله
و مابرح ملاذ العلم العصر ترابنه روی غمز و نیازي سوده قلند نصکر
معروض بل بود که

دکتر وزیرای کوم حضور به یاز لور

مکر

ذروه ایوان عز و اعتلا لری بروج آسمانه برابر و نین سعادت قبه زرنش
طاق آسمان اوزر بالا ترا و لوق ادعیه لری خلوص حیان و خصوص یقان ابله
فی سایر الا زمان مودی و موظف قلند قد نصکر

دکتر مفتی افندی حضوره باد لشور

مکر

استان راستان استیان فلک مفدار و ایوان بلند عنوان سیم اعتبار
که توتیای عیارین هر شب نجوم رخشان آسمان سر مردان فلک گردان
میل زیر اندود شهاب فروزان ابله الکحال و هر سحر که سلطان هر
سپهر استان سر برده شدند غایبان اولوب اوزنک چارمین چرخ
برین ده مسند نشین و کارن اولدچی ساحه سما ساحه و باجه
دریا ساحه لرین رویال وضع جبین اشتغال ایدر جواهر ادعیه

فاخره خلوص نمای در بیه الناکه مرصع ساز حواشی بساط انبساط
وز و اعرائیه و اخره خصوص نمای بر بیه الضاکه بر تواند از کائنات
اصحاب و ذواختصاص اولوب تعداد اعدادی و بیان کمیت افرادی
خارج ضبط مفرد و مبسر و تعیین بهای ابدالی حیرت ده عقل
حادی عشر در بلکه بی الحقیقه لای ابدال اصداف بخار در ذوق کان
امکان ده پرورده **تألیفات** اولان هر کوهن کوثر غایه تابدار آما
نسبتله خوف پاره چند بمقدار در و سنگ ریزه بی قدر و اعتبار در
نماده طباق اوراق اولوب دست اعزاز و اجل الیه بر داشته
و علم صدق و نیاز عرصه دولت منصفه لو نون افراشته اولمقدار
مربوع رای ملک رای عقد کتبی اولدیر که **دکتر مفتی افندی حضور بندر**

شیخ علی سلام علیکم و العهود بحالها و جاوزت الاشواق حد کمالها
نقود در بار بسیار خاندان عالم بالا هفت خزان جرج و الاده مودع و مخزون
ایستاد لالو و جواهر ادینه پشمار که صیفیان چاد سویی فلک طلسمه تصحیح
مقرئ شده موضوع و مکون قلار اول بازار فضل و بلاعتک ناقد بصیری و خاز
سوی فهم و در آیتک جوهر شنای خیری مجلس و الای فضایل جزایه نک مرتب
نشیخی محفل اعلای خصال جلیله نک صدر کونی حاوی کمالات فضل و شایسته
و دای روایات علم و قضاوت شمع طبع و قادی الخن افروز کائنات بلا
و خواجه زهن نقادی مایه اندوز بازار فصاحت اولان افندی حضرت
مجلس رفیع رفیع کردار و محفل سیف منبع متبع الآثار لویه تبار و فضل
انباء مجلس مودت پسند اولدیر که

دل بی غلی مطلع طالع اسرار کرد کار . و سینه آینه خضایی ملمع انوار انوار ملک
مالک لطف عظیم . سالک سالک فضل جسیم . سخی ماصدق و فدینا به بذج عظیم
اولان دو وجه جسیم . و خلق کالتسیم . لطف خصال و حسن جماله رشک انداز
جان ملک . مظهر اثر خیر الایاء من علیک . استاد کوم نهاد فرادیب ریب فضل
اعتقاد فر خضر نرینک مجلس کماله فخره . و منبع سعادت دنیا و آخره اولان
ندی ندی ندرا . و نادنی محروس عن الردي لربنه هوار غلوس و نایب لوازم عبودیت
اهدی سندن فصره منهای دایمی مودت آنها اولودکه

دیگر

هـ

مقبل و مقبل انام اولان . انامل شرف التیام لی عزتله داب ادب و نر
تقییل و التثام . قلند قد فصره عرضه عرضه عا لبقام . لزالته قائمه لبقامه
قواعد الاحسان و الانعام الی قیام قوایم یوم القیام بودرکه

دیگر

هـ

مردم جباه اصحاب عز و جاه اولان بیاط سعادت مناط سبهر انبساط لرب
تقییل و آیات دعوات دوام عز و احترام لرب تلاوت و ترتیل اولوب
الکمال غبار کیمیا عباد استان کودون اعتبار لرب مباهات و استبهاج و خج
الشفاف منظر الما لمدن سکوک بی تلوک اخلاص صمیمی و عبودیت قدیمی بر لبه
تسک و احتیاج قلند فصره غنیه عالی غنیمت نیاه فلک استباه لربنه محروص علی
بودرکه

دیگر

واسطه عقد علی و رابطه سطر سعدا قطب ابره السعود غوث شاهرة الوجود
مظهر انوار التنزیل کشف اسرار التاویل مقتدای فاضل عالم بی ریای و لای فضل
حضر نرینک مجلس رفیع و الی پناه و موقف رفیع عالی دستگاه لربنه و ضایف غلوس
وداد و طرایف خصوص اتحاد تقدیمند فصره

فانها عكس القيد
مختورة دگر

استان عالي موقور المعالي . که انداز شرایع شرع مبین . و مطلع انوار الوامع فضل
و یقین . و ملاذ و موایل افاضل اقطار عالم . و معاز و ملجأ اماثل بنی آدم
در همت ملتئم شفاء از باب فضل و فضال . و مزدحم جیاد اصحاب عن و اجلال
اولا . مخاض سعادت و اقل سده سدره مقام الازال عبارها کلام لعیون اعیان
الانام جانبند عرفین مستهام بود که

دگر

اول مظهر لطاف ربانیه . و مظهر اعطاف سبحانیه که بمجمع خصال سربیه . و منبع
فعال عبقریه . و بحر فضایل و افضال . و مرات جمال یا کمال از باب استکمال در
مجاوس شریف سانی . و محفل فضیلت الیف کوا میالربیه . بطوئدن ظهور ایدن تعلق
فایق . و صدور دین صدر ایدن تعلق رائق . نتیجہ صفای نیت بلکه وجود عبادی
لازم ماهیت در هزاران هزار . بیان و عجز و افتقار بوله ایتار و ثنا قلند

دگر

نادی رفیع عظمت پناه . و محفل منبع فضیلت دستگاه که منبع فیض لطیف
فضل اله . افق عزت جلالت و جاه در علی الرسم القدیم . اجلال و تکریم
اولنوب معروض بند قدیم بود که

دگر

ضیا افروز مهر و ماه . و عالم و عالیانه ملاذ و امیدگاه اولان عبار قوتیا
عیان سده سینه سعادت پناه . و تراب عتبه علیه عدالت دستگاه که
ملتئم شفاء افاضل زوی الانتباه در اکمال دین رمد دیده رجاسی از روی
بند دیرینه کینه اولدی عرض عرصه عزت قلند قد نصکر

صم

نادی رفیع سیادت مقرر و محفل منبع سعادت انز که اندر هوزر ملتزاسان
فضل و هنر مهرانور در لطایف ادعیه دلاویز محبت انگیز و ضرایف
اثنیہ کھر ریز مودت بینایہ تعظیم و اجلال بروج کمال مؤدی قلندرقصم

دگر

صم

بساط عدالت مناطہ لا ذال مورد اللجور والنشاط قبلہ کہ قبلہ اقبال
و وجهہ امال در مراسم عبودیت و لوازم رقیق ادعیه مستجایہ
و اثنیہ مستطایہ ایلم مؤدی قلوب رسوم آداب برلہ جہہ اشتیاق
و ناصیہ ضراعت تراب جناب سدرہ مثالہ وضع اولند قد نصم
بندہ بی منت اولد کہ

دگر

ساحہ عز و اجلال ثوران غبار مفریدن خالی و چہرہ مجد و اقبال لمعا
شعاع سرت ایلمہ حالی اولوب پایہ دولت علو بہجت مساوی سما
و بساط سعادت سمو نہت موازی زرو افلاک اولد در دعوی
مستجایہ و زواہر سدرجات مستطایہ کہ سرمایہ مقاصد و جہانی خلا
فتوح و اما نیندر بدرقہ اخلاص و دعا و مرحلہ اختصار و شامحل
تحفوف لمعالی و مجلس قایض النذی و العوالی قلند قد نصم مرفوع
خبر بی نظیر فضایل سیم و معروف خاظر عطار دینبر اولد کہ

دگر

فیوض فضایل ربانیہ دن ساکنان بسیط غیرا و متوطنان بساط خضرایہ
نازل و اصل اولان عواطف علیہ و عوارف جلیہ اولحضرت عالی منزلت
و معالی منقبت کہ بروج اوصافہ عروجین قلم زبان قاصر و سپر غوثیہ

صعود دن زبان قلم عاجز و قاصد در زیور جریں دولت و جلوه صحیفه
سعادتی که او از مکارم و ماث و صیت مناقب و مغازی ماسمع
بجامع سکان ارضیه طین صالمشدر و افاضه جود بی امتنان و اشاعه
احسان فراوان در مزارع بال ذمه مخلصینی و مراع حال فرقه مختصینی
رنگ نکارخانه چین و غیرت محافل فلک این قلوب مواهب بی
اندر بی لری نام حاجی طی المشرور و ذبیحیت انار لریه ایتار و نتار
قلوب ادعیه استغفار و تضرع مرفوع منبر بر تاب که ناسخ رونق
افتاب در اولدیر که

دگر ایمان دولت و ارکان عزت حضور لرزه

اول قاید المیزان صاحب فضل و افضال و مقدمه الجینار باب جاه و جلال اولان
علم افراز میدان عز و علا و صفای مضار عن سلطانم حضرت لریک صبر کنه سخن و شکر
لرینه که مشاطه زیبا عروس عدل و انصاف در محاط حیطه شعور و لاله

دگر کوهکان شرف در دریای معرفت قطب فلک کرامت مرکز دایره ولایت جوهر دکان
معادف صبر بی بازار شرایع لطایف سلطانم حضرت لریک خاکبای کیمیا سالار و عویندگی
دگر قاضی عسکر افندی لرزه

منبع عنایات دجبالانام مطلع اشراقات انوار اسلام عنصر جهان افاضل
کوهکان فضایل سلطان العلماء المتأخرین وارث علوم الانبیاء و المرسلین
معدن میزان المعقول و المسقول مدقق دقائق الفروع و الاصول مفتی
الفریقین مقنن الحافقین المختص بعنایات الملک المعین معدن الحق و المله
والدین حضرت لریک خاکبای شریع لرزه

اگر اول ذات بزرگوار جلیل المقدار که ذات نخبه صفاتند مرکوز اولان
 مکارم اخلاقه حمیده و نشان معالی نشانند مرکوز اولان مراحم اشفاق مقتضای
 جو کل بخت در اید لب لبال ز نشاط اکر کلمات لطفت و زد نسیم شکر وفا
 نفق رجال ارباب صدق و صفا و فصول مهر و وفا به مرام مصافات
 و مصادقت اجتناب و معالیم موالاة و موافقت و دایم یورق بخیرین یورق
 اگر جانب مجتهد دولخواه و مخلصان بی اشتباه احوالند انتباه مقصود اولور

اگر بر مقتضای فحوی و من عادات السادات ان یتفقروا اصاغرهم و الکلمات مصاد
 هر صباح و رواح تنسم دباح لطف موجب الإرتیاح لوی دریای احسان لری غوج
 و سیلاب فضل بحساب لوی ایل اول قلم بیکران تیج اولوب اولد دریای عدیم
 الاستهادان لابی متلای الطاف لطف تخریج اولما غله رقیه شانه مدراج
 غلابه ترقیه و تدریج اولوب غنان تفقد کو غایه لری جانب اخلص دوستانه
 توجیه ایل ترقیه و آرزین احوال مزایرین لطف تیز طبع باتیز لریله تعویبه اولور

اگر بر مقتضای عاده ساده مرام معتاده اعاده و طریقه لطف و کرم پیش نهاد اولور
 عالم کون خفاده اولان صور بدیع السور الطاف لطف فضایی ظهور و انجلا
 برقع کشاده اولوب ستیجار صبر لری و استفسار حال بال پیشو بر یورق لری

و بعد ذلک نوادی غم سالک و نوادی المدها لک اولان مخلص هوادار
 و محب و فاشعار حالند استفسار اولور و دبلیلی که جل شد بوستان ادری

دیکر

اگر خاطر خطیر واقفا الضایر و منین مین کاشف السرائر لویه بو مخلص فی استیسا
و محبت ثناخوان لری طرفه عنان عنایت منعطف و عطاء عاطفت منصرف
قلوب استطلاع ماری ساعات و استکشاف مجاری اوقات جریان
و سران ایدرسد

دیکر

اگر اول ذات خجسته صفاتک نمادند نماده اولان مکارم اخلاق علیه
و مراسم اشفاق جلیه لری مستعد عاقله بودای قدیم و ساکوی سقیم
لری طرفدن نفوذ شریف یور یلور لیه

دیکر

اگر بحار رافت جویبار لری توج ایدوب بو محبت ثناکار و مخلص هودار
لری کیفیت احوال الذن امر استخبار تجوین یور یلور لیه

دیکر

اگر قاعده حسن کرم لری مقتضا سینه قلزم اعطاف و الطاف لری جوش و
خروش ایدوب بود و لشواء فی اشتباه صوبدن ذره استخاره استعان
النفات علیه لری اولور

دیکر

اگر این مکرمت سازی بجهان صداقت نشان و قوانین بند نوازی
مخلصان صفا کیشان اوزر اصداق الطاف طبایع بحر بی کران لری کوه
نشان اولوب بو محبت فکند خالص الجنان احوال الذن استفسار یور یلور لیه

دیکر

اگر سنت سینه بزرگوار و عادت بهیه کامکاری مقتضای اوزر بودی
بی اختیار افاضه اشعه انوار استفسار سعادت انار شرف کودار بدله مشرق
یور یلور لیه

و قست ای بر کرم موجی بدر با افکشی خاشاک دور افتاده ز با اندر بدر با افکشی
 فحاشی دستور العمل و داعی بر شریکان بی خلل ایدوب محض غطوت
 و بند پروری و کمال شفقت و مهر کسوفی سمندون مقتضای مصدوقه
 مایه لا اری الهدهن بوزره بوجود و قطره نابود که کیفین حال سکنه بالی
 تفقد بوزر مغه عطف غنان مرحت و مد ظلال عنایت پور بلور لب

اگر اول ذات خجسته ضغاک تضا عفا لطف و ترادف اعطافه معتاد
 اولش بند دعا کوی و حقیر رضا جوی حقین مساعدی بی غایه صدور
 و ملاطفه بی نمایه ظهور ایدوب تفقد حال و تجسس احوال پور بلور لب

اگر بر موجب لطف عیم و شان کریم بود ای قدیم و بخت مستدیم که سخن سرائی سینه بی
 کینه سی تاب مهر و محبتله منور و جاردیوار قصر فکر و خیالی نقوش جمال و صورت
 وصال جناب سعادت مال ایله منقش و مصور در احوال یاران صفایه تقید و تدکر
 اولمقدور بوبه طرفی تفقد پور بلور لب

اگر بگوید اب قادم اسواق کشتی نکسته کردان بچار و هر کردان و تند باد صحرای
 اشتیاق ایله حس و خاشاک و اری و سامان اولان عبد پریشان احوال ذی سوله
 چشم القاتری نکران اولور سه

اگر بر مقتضای عاده ساده مراسم معتاده اعاده و طریق لطف و کرم بشن نماده
 اولوب عالم کون و خفاده اولان صور بدیعه السور الطاف لطف فضایی ظهور
 و انجلاده برقع کتده اولوب استیجار ضمیمه کدپر و استفسار حال بال بر تقویر
 پور بلور لب

دلم
اگر اینه بال زی بالذری بوجب حلوص مالک صورت حاتم بلکه متوجم او کور
و کونی هوش بی مثالی ذری بودی بی حالک استماع حزن و ملاله نخل تلور

دلم
اگر تنم نسیم عاطفت نمل شفقت و عاطفت کنی بوسینه زار پیر مرده وار کلد
خورده تحت بی شمار اولان فقیر بقدر حال نون استفسار مایل اولور

دلم
اگر بوجهای اجبایی صفا و نظر حقار تلکین عین و قابلمکله شهره دنیا اولان
و طریق صداقت و جان و باقی ترکیبی لازمه انسانیت یکن مخلص حال البالک
استماع تفصیل احوالی باعث ملال طبع بی مثال اولان لب

دلم
اگر بوبنده عتیق غرتخواه و چاکر صدیق بی استباهک استقصای صورت حال
مرات قلب بی مثالی جلوه کاه ایدرسه بعنایه الله الملک الباری الام جسمانیه
عاری اولوب خلاصه اوقات و ازمان دعای عمر و دولتری بله کدران و ختم
ارتفاع آفتاب سعاد تلری جانبیه نکران ایکن مهربان عالم بالا

دلم
اگر صبا ی فرح فزای همدلریه مبتهجم و دریای فح الارجای غنای تلری متوج اولان
استفسار حال فقیر بقدر کوشه خاطر عطرده جایگزین اولور لب

دلم
پت
کمی زحسته دلان یادی توان کردن بدین مهربانه دی شاد میتوان کردن مفهوم اوز
حال زاردن استخبار خاطر عطرده کزار ایدرسه هشتیم خیال تو اسوده دم
کین و صالیت که در پی غم هجران نیست صحبت دلگشایله کدران ایدن اوقات شه
بیت قصیده عمر و شجره مقدمات حیات اولوب بر دم اولماز که اول ایام نجات
اثار که ذکر ی صدر هزاج حسرت ایله تکرار اولخیم رعی الله لیلای تقضت بقرکم
قصارا و حیاتها الحیا و سقاها فراقیت ایه بعد ها المسلمین من الناس
الا قال قلبی اها

بارور اولوب مخلص غرقبوي بي ولا لري احوالندن استفسار سور بلور 159

اگر این مکرمت سازی بجهان صداقت نشان و قوانین بنده نوازی
مخلصان صفا کیشان اوزر امداد الطاف طبایع بحری کوانداری کوه
فنان اولوب بوجها فکند خالص جانان لری احوالندن استفسار سور
بلور لب

اگر موت معتاده سایه لری روز بنده رخلص بر لری احوالندن استفسار
سور بلور لب بغایت الله تعالی عدل الیاد شاه کایام نشر معدن لکرنه عامه
فقراء و دلالت ممریه اسوده حال و مرفه الباله و نواجی مالک محمود امدان
اولوب حمت عای نعمت لکرنه عامه مالک و مضافاتند انا رخیر و برکت پیدا
و جمله مزارع و فلو اتند شمار نصارت هویدا اولمغبله جمله و فقراء عامه
علما و صلحا طبخاطر و صفای ضمیر ایل دست ضراعت و تنای صوب سمایه افراشته
و ایادی مسالت و دعای بارگاه اعلایه برداشته ایدرب قیام دولت علیه
و دوام نظام حلافت سینه اورادینه در و در روز اول و قاری علم و فای خالوت
شامل و هویدا سور لب

سیاس بی قیاس درگاه ملک الناس که هنوز طوطی روح روان شکرستان ممرتنه
توغ کنان اولوب متجلب رضای خدای غقاد اولان شرع نریف رسول مختار
علیه السلام الله الملك الجبار افضاخ سر و علان و خلوت و انجمن قضاء قضایا
فقراء و ضعفا ایلوب قیام قیام عمر و دولت پناه ظل الله ابقاه الله تعالی
خائب الدهر و مشرماه انجمن استغلاب دعای خیر و لغو مقدماتند دقیقه
قوت اولن

اگر اسرار غیبیه کاشانه اولان ضمیر منبر اینه نصیر عالیشان صورت احوال
فقراء جلوه کرو عکس پزیر اولور

الکرات مکرمات صفاتکندن بمجول اولان آثار حسنه و اطوار مستحسنه لری
اوزره بود و لخواه دیرینه لری احوالکندن سوال سور لری باینده الطاف بی
در بغلرندن شمه منقسم بر وزده حلوه کرا و لور لب

اگر مقتضای اوصای جمیله و لازمه الطاف جزیه لری اولان محسن اخلاق شامه
و مکادم اشفاق کامله لری قوتندن فصله و نیتندن غله کنور یلوب بوزاویه صدق
و اخلاصه ثابت قدم و منیع عبودیت و اختصاصه مرغی قدم اولان محبت بی ریا
و عید رانج اولو لری احوالکندن تفقد اولحق باینده نوعا تقید سور یلوب لب

اگر موقوفو سلطان حضرتلر نیک لازمه ذات مکرمات ایات و مقتضای اوصاف اصنی
صفات لری اوزره نبع عبودیتده خالص دم و رتبه اختصاص و صداقتده مرغی
قدم اولان عباد خالص القواد لری احوالی استقصا سور لردقه بو عید و دانتما
لری دخی خاطر فیض مظاهر لریه خطور ایتیک ایله کیفیت احوال مافی الیالمز دن استعلا
سور یلوب لب

اگر موقوفو سلطان حضرتلر نیک کان جواهر سارغینه و مراتب جور امور خفیه اولان
طبع اشرف قدسیه لری مقتضای سجا وزره بود بار احوالکندن برده کت و بند بی ریا
لری اعمالی استقصا سور لری نرا کور یلوب لب

اگر تفقد احوال محبتان بی ریب و توصد اطوار غریب و صاف دل سور لردقه فاضل
اعطاف مکادم سید و قواد الطاف مزاج اش لری ظهور کلوب بو محبت دیرینه لری
دخی خاطر عطر دن گذر و مراتب یال بر تنویر لرنده جلوه کرا و واقع اولوب جانب محض
مذاقت کستر لری احوالکندن استخبار سور یلوب لب

اگر ذات حقیقت تصاف لری مقتضای سجا وزره تفقد احوال دوستان قدم و تعهد
مافی الیال محبتان عن صمیم قاعده سی بود فعه دخی مرغی اولوب جانب و اتق القواد
لری احوالکندن استخبار سور یلوب لب

۱۲ اگر شمار و داد خلوص دبرینه و انار اتحاد خصوص قدیه مقدماتی در کار و لو ۵۲
بوجانیک احوالندن استفسار اول نور لب

۱۳ اگر ذات مکرمیت صفات لرزه نمایان اولان انار اشفاق بی غایه شعایر مصافقا
قدیمه ملاصق و متقارن اول طغیله نیده دبرینه لرزه احوالندن استقصا اولحق
تجوین سوریلور لب

۱۴ اگر بود فعه دخی و لایب مصریه ده فرمان خالق قضا و قدر و اراده علیه امو خیر
ایله خیایای کونیه منصفه بروز و ظهورده صورت غا و جلو کمر اولان احوال و حوادث
سوال سوریلور لب

۱۵ اگر تلام امواج و اعطاف فراوانندن رنجه و اشعه مهره دختشان الطاف فیضان
لرزه زلزله طهوره کلوب قطرات باران نیسان اشتعال لرزه نوا اول ایله اصداف اذان
و اتق البال بر لال سوریلور لب

۱۶ اگر بود محکما احوالندن سوال شریف اول نور لب حمد علی الاله و شکر علی نعماته مرکز وجود
دایره مضمون موجود اولوب و ارقام عمره فاقه عافیه معدود اولوب و دروب
مراد و اتق و رجاء صادق بودر که

۱۷ اگر تلام امواج عمان لطف پایا ندرن قطره و اشعه آفتاب درختان اعطاف کثیر العفیه
بروز زلزله طهوره کلوب قطرات امطار نیسانه تفقد لرزه اصداف اذان مخصوص صادق
الجنان لرزه پر لاله سوریلور لب

۱۸ عرض داشت بن بودر که کوی کدزم خاکی کانت غریب نیست خاکی کانت بر دره دیال کانت کانت
مهرجوی اوزر حال زار دن حوایی خاطر عاطر معجز اناره کدر ایله بلند پرواز اوج اغر
اولور سه

۱۹ کهنی زخته دلا ن یادی توان کردن بدین بهانه رنج نادیدی توان کردن مغریمی اوزر
حال زار دن لشجبار خاطر عاطر معجز اناره که جلوه گاه الهامات پرور دکار در کدر
ایدر سه

اگر بومخت کریت فرافله و بلای متاع ایله دولت وصالدن خاسر و
خایب اولان جانب مخلص دیا بجانلری ایله فی الجمله تقید پور بلور لب

اگر الطاف عالم مطاف لری مقتضا سنجیه بودای دولت و ساعی ساعی خدمت
مقتضای دلکشای خاطر نور و خورشید ضیا کسرت و حیرت جان فزای قصر
جنت سای لای نظیره چون شمات صفا و نجات مهر و وفا عبور و عبوباید
سوابق عهد اذی و لواحق عقود لم یزید سندن مژگور اولدی بومخت فی بر
طرفندن استعلام حال و استفهام مقال مافی البال پور بلور لب

فاعد کریم لری مقتضا سنجیه قلم الطاف و اعطاف لری یوش و خروش
ایدوب بود و لغواه فی لستباه صوبندن زده استجاده استعاره النقا
عبد لری اولور لب

مزید دولت دعالری ایله تنغیر ایدن مخلصان قدیم تذکر اولنقد بو
د و لجنوی یک دل و یک روی احوالند استخبار خاطر عاظمه دیا مقاطره
خطور ایدر مضمون صحت و کینه عافیتده از د باد عمر و دولت و اقبال و ارتفاع
قدر و شوکت و اجلال د عا سنده بالصدق و الاخلاص مدام ملاحظه حضور
عاج پور لب

اگر سلطان حضرت لریک کان جواهر اسرار غیبیه و مرات جور امور خفیه اولان طبع انرف
قدیم لری مقتضای اوزر بود بدار جلیل الاعترا که دقایق احوالند پرده کشا
و بند فی دیالری اعمالی استفسا پور لری سز اکر لری لب بکشم

اگر شغفه اثناب جهات لری بند نواز اولوب بوزر مقدار اولاده داعی فی قرار
مرفندن استخبار پور بلور لب

اگر دیبای کرم و سجاد لری بوزل بومخلص داعی و مستحق ساعی قلد قد بکرمه نوعاً
وادی فرافدن استفسار حال و قضای اشتیاقدن استخبار ملال پور بلور لب

مسط و اردات فبواله اولان نادې رفيع فضيلت پناه و موقوف منبع مكرت و شكاه
صوبه و سايل سايل دعوات صافيات اجابت ايات و ذرايع بدايع تجليات
سايات اصابت غايات كم و فرت خلوص و اختصاص و كشرت خصوص و اختصاص
برله مقرون اوله الخاف و اهدي فلذ قد نصكره

دگر مصر بكن بكينه و فاضيه نه نه سبده

نيل جود عيم اليه اب روي مصرخا و مينا رطب مستقيم اليه انكشت غاي زمره بلغا
اولان فضيلت و سلطان حضرت نيك هيت كشت زار وجود شامل البركاتي انمار
سرور و صفا اليه شاداب و خضر و هواره اغصان طرية كلزار حيا تاري اطار
توفيق خدائيه سرسبز و مطرا و لقا ادعيه بي تقديم و حردن افزون تعظيم و تكريم
اليه عننه عليه ربه بوز سوزمك لوازي تكبد و شيم اولنقد نصكره حال دل داد
بو وجهه ابراز و اظهار اولنورده

دگر

قبو اغاي حضوره بادشاه

جن مكرت و وفالكر سرور پاندي و انجن محبت و صفاك صدر ارجمندي و تكثر
معارفك طوي دلسندي حضرت عالیشان معالي شان و ده افندي لارا نعوته
كذلك صفحه برين و صحيفه زبرجدين ده كاه هيت پروين و قران نجوم سعداين
جمعيت اخوان روشن باله دال و صحبت خلان صفا خلاه شاهد حال و كاه صورت
بنات النعش پريشان نقش تفرق اجباي روشن نماده انوزج و مثال و تثبت
او داي خالص و داده غودار و تمثال اولدني قاطبه ياران و فاضلت و
دوستان صفا خصلتك يما اول ذات مكارم صفت و شان سامي ستمك صفا
خاطر اسمان مفاخر لرينه صعود معالي صعود اصناف بخت و انواع همت
نريامال و مانند اختران فرخ فال مجتمع و متواصل و نجوم نخوست رسوم دواي
غوم و غواي هم ستاره بر كشته بختان مثال منقص و اقل و مقلد عاقل و
خالي اوليه على ذلك الموالات از منه اسرار و ليال و امكنه اطلال و تلال و احويه اوديه و
جباله اشتداد او تاد خيام تاد ماني و استداد عضاد ايام كامراني لريون اوراد لازم

و معقدا و متحکم التکوار یحوز اولان ادعیه مکیه الشذاکه دایای بی دیای معاطر
 زواهره نلیت مجامع غیر مخافه طرخته چناندن فایح اولان عرف راحت نشان
 فرع بی اعتبار اولوب روح روان حور خیال نیر لطافت نشین منور
 و منشق اولور و انیم بدریه السناک لای شالی جواهر زواهره اضافت در
 دراری لویه سمای مرصع غاده اولان سنا و بها کاشها عند بدر لدی اولور
 اجیاد اغیاد قدر نشاندن شقه نور اوزر مشرق و مغرب و مناظر غوایی بهشتی
 مکان در بقعه حضور الیه متسق و متسق اولور حضور فی الجوز عرض فله در نظر کن
 انداخته خلاصه اولدر که

دیگر قبواغاسی غصفر اغا حضوریه باز کرد

مرآت کاتک کوهری و فتوت کوهرینک کانی سعادت سرینک عماد دولت حرمینک
 مواش الارکانی عرف خاتینک کواغایه بیکنی و خشت شبنمک مکی صاحب
 تکلیفی کجور کج سعادت و مرتبی نهال سلطنت منظر عین اله منظر تخلق باخلق
 الله جانین محسن دین و دنیا و فایز مفاخر اولی و اخیری فایده دولتم و بی نعم
 حضرت لرنیک شامل ایادی عیمه اولان انامل ایادی کریم لری بروج تعظیم نجیل و
 تقییل و لیتم قلوب هبار کرد غرزدین و هر ساعت اوزر مرصع عین اولان
 و ضایف ادعیه مستحبه نعمت بد نظر کرد

دیگر اعلی موالی حضوریه

مطلع اقباب فضل اله افق غرقت جلالت و جاه اولان نادای رفیع فضل نشان و مند
 منبع فواضل نشان صوبه که پناه بنه از ناب علم و عرفاندر مراسم دعا و خلوص نیاز
 بر سبیل اختصار و ایجاز انواع اجلال و تکریم داب ادب اوزر تمهید و تقدیم
 قلقد نظر کرد داعی مخلص نشان و راجی حصول اسباب التلاق بودر که

م

مرد فق مجوقه قوابل و در پاجه رساله کواصل و اقف مواقف عوارف
و عارف لطایف معارف تانی اشقین عبد الحمید و ثالث خواجہ جبرائیل و
مروارید حضرت لرنیک خاکی توتیا عمار لرنیک کل روشنای دین و چهر
رق و عبودیتی غبار اقدام کیمیا فاملرنیم مالیده فلقد نصکره

154

سده سدر مثال بارگاه فضل و افضال سینه خلوص بالله ادعیه دولت و اقبال
عرضدن صکره احوال پراحوال تققدی ایله تققد پور بلور لب

بوسه جای شفاء اصحاب جلال و جاه اولان غنیه سدر دستگاه لرنه جهرای
او اعلیٰ عرض عریضه عبودیت و لدرکه

سدر سدر اساس و غنیه لردون اساس نرا بنده عرض ای دعا استیجاب و درکه
ساحه برین مآرب خیمین و باجه سعادت قرین فضیلت و همین صوبه عرض
دای خلوص را غنی دبرین اولدرکه

موقع و قیوع و رفیع عز و اقبال و مرهبط و منار انوار فضل و افضال اولان
محفل فضل احتفال و مجلس مکارم اشتغال لرنیه که محط رحال امانت حال
و ملتئم و ملتئم ارباب امانی و آمال در غرض و دای عرض دای اولدرکه

از دیاد مجدد و اقبال و امتداد دولت و اجلال ادعیه - فی النهار و لیال
مخلص البال و الحال مداومت و اشتغال فلقد نصکره

م

ص ۵
دیکر

حاجی اکرم معنی الهم غارس نمل لطف و احسان مالک ملک علم و عرفان
اولان فضیلتو سلطانم حضرتالدینک خاکبای کیمیا عیار لوین کحل دیدار امید
و غبار تو تیا سبیلین سر مغاخرتمه سعادت جاوید پیلوب عرض بند کمتین
و جاویدیت این اولدرکه

دیکر

لای متلائی شوق و نیاز که بحر دل بی غلله بر آورده غواص سوز و کداز
ز و اهر آوایم و اعزاز که بطون خزان خاطر دن بروز یا فتنه دست خرنیه داران
راز اوله اول افسر زیور معارف و کمالات ایله سرفراز و صریفان جواهر
معانی میاننده مسلم کل و صاحب امتیاز اولان ذات لازم الاعزاز ک کوشور
کوش استحسان و منظور نظر حق قبول و از عاندی اولق رجا سیله طبق خلوص
نواد اوزر نماده و بشکاه مسند عزت استناد کمال عجز و قصور ابله عرض داده
فلند قد نصکره

دیکر

اسنان معالی طرازه تاج جواهر نیاز اولوب کحل الجواهر خاکبای بلند پایه لرعب
الکمالدن دیدار جانه جلای تازه و مصطفی فعل عند عاسیه لری رومالندن
اینیه درونه صفای پی اندازه ویرلر کدر نصکره

دیکر

وسيله نظر افرو و زریعه ظفر سعادت اش اولود اعینه فایحه استجابت قرین
و اثینه لایحه استطابت ضمین که قرین قبول بارگاه رب العالمین و جازب این
روح الامین اولاتوفیر توقیر ایله هدیه صوب سعادت مسیر قلوب انما فیها
استبها اولورکه

فلاهن داعیلری سرمایہ دوزکار و پیر یه لیل و ثلثین تقود پر سود علم و معرفت
صرف و رأی مال ماه و سالن استعده دانش و کماله بول ایغمله شایسته آفاضة بحال
لطف و نوال و مستحق نصاب بی حساب کوم و افضل داعیلریدر

دگر

باعت عرض عبودیت داعیلری حد زاننده اهل علم و صاحب علم هرفند بتمامه در کون
و فضلی کوم میجند پرورش بولمش تعبیر و تبیین احادیث و تفسیر قادی و سایر
علوم عقلیه و نقلیه دو ماهرا ولد و غند نکلر قطع نظر صالح و متدین و متودع
و دین دعا سندن استمداد و حسن همتنه اعتقاد ابدی چک داعیلری اولغین
حیایه پایه عزت کریمه عرض اولندی

دگر

و نور اخلاص و اخضا مایله نام و سحر خدمت دو جهان ندریه کمر بغلیان دعا کونکر
اکثر ندن خلوص عبودیت اخلاص و انهر اولوب بالفعل بی تر فانی لغدن متصل
اولان مولانا جیدر داعیلری مستحضر فنون علوم ادبیه اثنی عشر و عارف
مقایق دقایق حدیث افضل البشر اولد و غندن قطع نظر حد زاننده متدین
و مرغوب الییر و اجرای احکام شرع مطهر امرندن بی نفع ایچنده فضل و انصاف
و اعتدال دن مین و بر اولوب توفیق و رجا اولور که روضه آمالی رنجات
الطاف علیه ایله تازه و تر و دو حه امید ی نجات اعطاف جلیه بر له
منحصر و بی بر سیه ایله که وجوه کثیر ایله لایق حسن التفات و محبت ایدر و بی
کوندن این و اطهر و مستحق رعایت و عنایت اولد و بی ماه منور دن روشن تر

دگر

در مولانا بی مقوم حایر نقاب علوم و فایز عرایس
منطوق و مفهوم بلکه جمله صفات زبانه دن معصوم در حفاکه دین و دولته
لایق و شان سلطنته موافق اولان حقیقی ایفا و منصبند ابقاد و

مراتب جنانی غباد نقصان پاک و محلی و کودن و کون و حوز جانی حلی مخففه محلی اولوب
قلب صاف و طبع مو تکاف اهلی اولان کوره اشراق جمیله الاوصاف کفتاز و سر بلندی
مولانا حسن فندی

دکتر

منبع الفضائل مقبول الافاضل ارباب طبعک جانی معارف کافی کافی طبع باکی
و ذهن درای انواع فنون و علم کونا کون شامل خصوصاً فی بلاغت و فاشاده طرف
اعلایه و لعل و مرتبه قصویه و اصل در اوضاع و اطواری شایسته تکلفون عاری
قلبی ساده طبعی کشته فاخ مشرب مردانزاده در

دکتر

حامل جمال مخالفت و ناقل رسایل مراسلت بنی لری اقرا و امثال اینچند تعین
و امتیازی ظاهر و حیاض استعداد شایسته نقصدن ظاهر هر مرتبه محلیت
و مرحمت و سخنی عنایت و عاطفت دعا کو بگزور موجود که خیم عنایتی شضر
و لطف حمایتی منظر اولوب مکادم اخلاق جمیله کردن و محاسن اشفاق جمیله جن
برله منصور سوریه

دکتر

دارند و رقه دعا بن لری سپهر بلندی ماهیتی انوار علم و معارف ایله منور کلشن
دلپند طبیعتی ازهار علم و لطافت ایله انوار اولدوغندن ماعدل امور شرعیه
ماهر و فتنه افراقی نادر داعبکل و لغین

دکتر

ناقل رفعة دعا و حامل نفعه تا فخر السالکین و ذخر الناسکین شیخ طالب ذب
صلاح و قدر فلاحه استعداد دعایه صالح مرد صالح اولوب

دکتر

باعت عرض عبودیت مولانا داعبکلی بمحی الحسب و صریح النیب حلیه
علوم عقلیه ایله اراسته و زیور فتون تقلیه برله پیا استه اولوب تقابیر
واحادیث استخراجیه قادر و کتب دیشته و سایل شرعیه ده فی زمانتا
اطراف و اقطارده افراقی نادر فاضل فوق العاده اولدوغندن ماعدل

مرفوع ضمیر ضمیر خورشید شواغل موصول مکتوب دعا جمایل مولانا زین العابدین
 داعیاری جامع فنون معارف و فضایل حد ذاته متدین و مرغوب خصال
 بی زامتا اجرای احکام شرعیته ده اقربا بچند عذیم الحائل هر چه شدن علیاه
 عامل اولوب تحصیل شرف تقبیل انا مل قلدرن کاده انا مه شامل اولان انعام کامل
 لوندن مرغود که حصول مقاصد و ماردن عدم صن توجہ لری حاجب و حایل اولید

دکتر

مرجع اعیان زمان و زمین و معین کافه اغنیاء و سائین اولاد سلطام
 حضرت لریک خاکبای عزت تمکین لرنیه که کحل عین خور العین در معروضه
 صدقانی رافع رفعة عبودیت دهبی مولانا بدر الدین داعیاری تحصیل علوم
 عالیده افنای عمر نازنین ایتکین اکثر فضل و معارفه متحضر و متین و
 فنون مختلفه ده صور شتی الیه تخریر و انشاده بدو طو لایه مالک اولان فضل
 متحریندن اولدوغندن غیری اجرای شریع سید المرسلین و نفع صلاح
 و رشادده خلوصه صلحای سالکین من جمیع الوجود رعایت و اغراضی
 درجه و جوبین اولان علمای عاملین دن اولوب الطاف مرحمت فرستارندن
 منو تقرر که حصول مقاصد بی بایند یا ورو معین اولوب بر فحوائص
 لا یضیع الله اجرا المحسنین حفظه طوبی ابدن احسان عند الله الملك المعین
 ضایع اولماز یا فی فرمان منور رای رزین در

دکتر

صلحای واجب الاحترامدن رافع رفعة عبودیت سند بنی احمد داعیاری
 فقیه الحال و کثیر العیال حسن عتقه اعتقاد و خیر دعا سندن استمداد
 اولنجی داعیاری المولعین

دیکر

ناقل صحیفه ثنا فخر باب الاقبال مولانا کمال داعیلری ذیور کمالان باهر
 وحلی معارف زاهر ایله مزین و محلی و قداح فضایلدن حایز قدح معلّا
 در شرف تقبیل نامل در بانوالالدین نایل اولق رحاسی ایله ارجای جود لری
 طوفان ساعی و حرم کرم لری زیارتی ادا بی مراعی اولوب صوب صواب عتاق
 عازم و دعا ی غنای جاه و جلال الدین ملازم اولشدر محمود الفضایل و موفور
 الفضایل نیکو شمایل داعیلر بدر شایسته نظر اکسین تا اثر لری بدر

دیکر کتب پند

مولانا داعیلری صفای طبعه غیوت صبح اور و سرعت فهم ایله مثال برق خشنود
 نقد باز ارتحصیلک صراحتی و اصحاب قیل و قالک موشکافی اخلاقی سنجید
 و اوضای پندینه علم نافع و عمل صالح ایله اراسته طینت پاک و لطف اداک
 بدله پیرا سنه اولعین زرقه مرقدن نازن بر مراد اولق امیدنه بر وفق مراد
 امید و ارا اولمشدر

دیکر

عرصه فضیلت مکنه عرض داعی که بود که ناقل صحیفه مناجات و فایله باقاضی الحاجات
 مولانا علی داعیلری صوف کیم است ایله موصوف و آلف فراست ایله تحفوف
 زهنی نیغه نما و عقلی دقیقه کتاهر وجهه بی مانند اولوب حایبار و بحال استا
 سعادت شالمردیه روانه اولمشدر

دیکر

کتاب ذوی الاداب دن لهدین لری کمال امانت و استقامت ایله اراسته
 و اعمال صیانت و صداقت ایله پیرا سته خصوصیات ادا قلم اتم قوت و قدرت
 و خدمات اقله مدن اتم عفت و دقتی اولان بدل لودن اولوب

دیکر

کتاب ذوی الاداب دن رافع رقعه دقین بد لری خدمات سامیه ادایی
 باینده کمال استقامت و راست کاری و تمام سداد و فرمان برداری اوزر
 تمام و تمام تام ادوب و دود و دغی دقت لری تمذیب و تنقیح

اقتاب خواص و مقرین سپهر بلند عز و تمکین ناموس اراد دولت عظمی قاسم بشار
سعادت علیا سروجین استغاثت عند لیب کلشن فصاحت نادره روزگار خلاصه
ادوار

دیگر

غایده و رفته غما ارباب دلت مقبول و دلپسندی بود ابدالینک تو بعد از مولانا
احمد افندی بنده لری حد زانده نقد عمر کو غایه سی کمالی علم و عرفانه مصروف
اولمش و عامه اوقات فضلی عالیشان خدمت دارند گذر از اینش ملاحظه
د قایقه تیر خیالی و اصل صوب صواب و ادراک حقایقه سرعت انتقالی
محیر ارباب الباب خصوصاً وادی شعر و تشاده مثال هلال انکشت غای دنیا
و سحت کتابت و املاده قلم مثال سرافراز و بی شمار

دیگر

ناقل ورقه مستندی مولانا احمد افندی بنده لری حد زانده عربی و فارسی ده ماهه
و ملاحظه دقایق علیمه ده مثلی نادر نکات شعر و تشابه واقف و امرار کتابت و املاده
عارف اولدوغندن ماعدا مثال حب و توقیری جان جنانه جای کبر و لوب هر حظه
حصول مرادی منتهای مایراد و اعانت و امدادی فرج فرای خاطر ناغاد اولمغین
شرف دامن بو ساری ایل مشرق اولدوقه نظر غیا بنلری ایل ارجند و توجه
شریفانندن بهر قدر اولوق امید نه ورقه عبودیت ایل قصد بعثت اولدوقه

خواججه افندیرون او یس با تشابه و انبساط

دیگر

اشبور ساند تجلیل جاودانی و غایده مقاله خلوصیت و تادمائی سادات
صبح النیب و امراء عالی حیدر سید خاقانی بنده لری جانب مخلصانینه
اتم امتساب ایل منسوب و اخلاص خاصه مخصوص من کل الوجوه فطره اصلی
و استعداد و همی و کبی حسیله جوهری قابل و ذات مندر رعایت
لایق و متحمل اولدوغندن ماعدا بقیقیات الهی قریب حالی و تائیدات نا
متناهی رهین امالی اولوب اشبوسنه مبارکه ده حسیله الله تعالی و طلبا
لر ضایعه الغلی مکه مشرقه شرفه الله تعالی زیارتنه قصد و عزیمت
دعوت

و هتایروب و من دخله کان آمناً سعادته فاین و ملق یحیی فرج البیت
 فلا جناح علیه مثوباتند بصر مند و مفهوم سرت لزوم الحاصل
 لیسنه الجزاء الی الجنة منافعدن سود مند و ملغ طالب اولوب اول
 صوب با صواب و ذات ملک صفاته و رقه خلوصی و سیله کافی و ملاقات
 اشرفه نقه خصوصیتی سبیل وافی ملاخطه اید و بندگی باعندن تسوید و تحریز
 اقدام و اهتمام اولندی است الله الاعز تغیل انامل واجبه التجیل و نلیم
 ایادی واجبه التجیل ابله مشرف اولق مبرر اولر فده ذات حمیده الصفات
 لرن مرکوز اولان مکارد اخلاق و مرام اشفاق فحوا سنجه او ذرن
 نظر رحمت کس و شفقت رعایت نر لری در یخی تجویز بیویوب واقع
 اولان مهمانک حصول و اغایی باینده صرف سعی جمیل نام و عطف لطف جزیل
 مالکلام لری مینول بیور مقدمه شو لکه مقتضای ذات سیادت صفات
 عالی نه لیه معرض بروز دده جلق کر بیور لیه

دک

دافع مکتوب و داید منوجه جناب قبله نصاب لری اولان مولانا لهر د اعتباری
 علم و عرفانه موصوف و فهم و از عالمه مشهور و معروف فضیله ظاهر بی ظاهر
 و کیفیت استعداد علیه بی باهر ناده الاقران مشار الیه بالینان داعی لری و لیا
 امت مدید و عهد نور و بعید در که بود داعی لری الی اساس استعدادی تائیس
 و تجرید و مبین استغاضه بی غمید و نشیدایدوب فنون عدید اکتسابه و
 کوشش بسیار و فواید کیده اقتضا صغطف غنان اخیار و اقدار ایش و کتب و
 علوم و نسخ کثیر و فحون مفهوم کور مش لایق رعایت و منحنی عاطفت داعی لری
 حال اغایت آملی قبله اقباله عنایت او ملغین حرم ادم کردار صوبه احرام و
 باغلیوب مشایخ الهمام لایق اقدام روانه قلمش در لوبی الوصول مامول لری
 موصول فلاق باین مرام مکارد بخدو بی مرتبه صدور و ظهور کور لکه غایت بیور لیه

شرف ارتباط ذات سعادت اختلاط ایله فریوریند لرینجی بریاب و بریند و بود
بین الاقران بالافدر و ارجمند قلعه هت سور که هم جانب منن لایحقی و هم نایل منیات
جنبه عظمی اویاق مقرر در چون لطیفه اعتضاد وفق المراد بلکه فوق مایراد در ترک
املا قلندی

دیگر

دارند غم و دعا آخر الصلوات امده داعیاری منظور نظر عاطفت او لماعه کمال
استحقاق ایله مستحق بلکه هر وجهه اکوام و اغراضه لایق اولد و عندن ماعدای
جانبه اولان او داندک جیبی سنه کمال انتقاسی او لماعین عامه ارباب کماله
شامل و کافه اصحاب فضل و افضاله متواصل اولان انعام عام کاملدن بجه
طبقه زیاده لر ایله نظر اولسه قابل در اهل و عیال و حالجه موجود اولان اثاب
و اتقال احوال اول جانبه اولوب یار فاقه طاقین طاق اتکیده احوال لازم
من نقله بحالی قالمشور امیدد که برینجی و ضیفه جک یله بریند او لماعه
حسرا حوال احسن حاله تبدیل اولن

سلطان رخسار بانو از حدیث اولی

بانیام ازادی مشهور
باعث تسخیر سطور و د موفور کجور معارف نامحصور نمدل سبز زار عرفان
و افضال کلین ازهار فضل و کمال فضایل باغندک سرویلندی یا شانزاده حبیبی
حسین افندی داعیاری قلم متاع الدنیا قلیل دلیل جلیلی مرشد سیل ایدوب
جاه جاهه دوشن دنیا طلبار و کرد ای حرص و ازدن ساحل حیرته اوشن
خشک لبر عدد ندن او مانک غایبانه سن و نعیم دنیا ناک ظلال زایلده سن
کوروب من اختیار العزله فالعزله فحواسی احتواسی اوزره فقر و فاقه
مناقبی حول تحول کجی اختیار ایدوب وسیله صون و عفاف اولجی
قدر کفاف ایله اتکفا کنان جانب جناب سکارم طناب لرینه التجا و برات
هایون ایله صدقه پیور لایق و طیفه و جرایه نک ایصالنه بلکه اصل امنیه
اولان و طیفه سی استبدالنه هت فسیحه الارجالرینه التجا و رجای ایدوب
بومجبت کم بضاعه دن ورقه شفاعت التماس ایندکلرند حقوق و دیکهن
از اولن اداغنه و فوق ایله من یشفع شفاعت حسته ایت کریمه سندن

159
بانیب اولق امیدی ایله اول الیش دنیا آریشندن تنزه و ترک عیش
و فضول و ترفه ایدن مخدوم صلاح پیشه اندیشه عیش ضلک ایله تشویه
دو شریب و غربت کربتن کو ستر محکمت پور که ثابت صالح نشاء
فی عبادۃ الله و عالم یعمل بعلمه فی رضاء مولاه زم سنیدن اولغی
منظم استباه اولمایوب اول زم نک دعا لری مستجاب ایدوکی محل
ار تیاب دکلدو خون عرض تحریک سلسله محارم جلوه مجلیه در سب
اکتفیان بدک المقدار صانک الله حاکم ابوقار **دک**

اشبق رافع رفعة رقیب پروری مولانا فقه داعی لری حد ذاتن خصال حمید
ایله معروف و زهد و تقوی ایله موصوف درونی معارف الهی ایله آراسته
و بیرونی صلاح نفسله پیراسته دیب و ریادن عاری و علایق دنیوی
دن بری اولوب کچ غزلتده و گوشه قناعتده منوی اولوب لکن
کثرت عیال و قلت منال اولغیله مدار معاشنده مضایقه اوزر
اولوب اخریردن وارداتی اولمایوب مزید عنایت یاد شاهی
یه لایق و استحقاق تامله مستحق دعا گو یلری اولماغین واقع حال در
دولت نصابه عرض اولدو **دیک**

رافع رفعة مودت پروری دیوان عدالت عنوان کابلندن محمد افندی بدو
باع علیک سر و مستقی و بحر عرفانک دریتی دریای معارفک شناوری
و بحر تفک غوام کوهری خوب داو خوش تعبیر نظم و انشاده فرید و لایق
شعری جلیل الاعتبار بیننده انکشت غای روزگار هر و حیله رعایت زوار
ذیل احسانکر منتشبت فدای دعا گو و متداحکن اولوب الطاف کامله لرین
موجود که شرف دستبوس سعادت مأنوس ایله مستعد اولدو منظوم انطا
اکسونا نار اولان دعا گو یان عدالدن معدود اولوب کفره نعم اولان سایر

اتراک قبله الادد که قیاس بیور میوب محصل المرام قلمه سی باشد. شولکه
مقتضای مکارم اخلاق حمیده در درج اینمیوب سعادت و آفتابی طفرای
غزای احسان بی کرانگی ایله معنون بیور ایله

دیگر

حایر و رفته و داد و نافر محیف اتحاد بر حسب دلخواه شرف و مولای مایل حصول اولدوقده
ما مؤلدر که حصول مؤلنده الطاف عالم غولدری بی درج و میدول بیور بیوب
اخبار احسان بی امتنا کن استماع ایله رشک حدائق جنازه اولمایی امورنده و فور
عم غیر محصور ظهور بی احسان بیور ایله

دیگر

غیر ذی باب دفع الجنا بایرند جاروب کش اولوب دانشوران زیر دستند
معدود اولمایی مقصود ایدرین مولانا حقیقی محمود اعتباری میدان نظم و
نثر که فارسی و پیضه بیضای شعر و انشایک جاروبی اولدوغندن ماعدل
کب اقلیم عقول و افهامدن بیرون معارف و فضایل کونا کو ایله درو
صدقت مکنونی ملو و مشحون اولوب پیرامن حدود مجلس عجم السعود
لرند و وضع حدود و حوالی محفل وافر المعالی ده رویی عجز و افتقار بی
مالیدن ایتک ایله رتبه عبود بیده صعود ایدن بند لری سلکند انتظام
اقتی مرایی و نفس الامرده صدمات فقر و فاقه ظهر اقتدار بی کسر
ایتمکین تصرع اولور که حرم عجم الکرملر بی دخول و معرض عرض حال
و مقام رجاء بر و نوال ده شول ایتد که انوار لطف بی قیاس لردن
اقتباس امرند سایر ناس کی معامله و تسویت امور و تحشیت
احوالند مسامحه و مساهله بیور میوب جبره قبول دفع مقبول ایله
مرفوم و صحیفه امایه عنوانه انتساب جناب معالی ماب ایله مرسوم
فیله که مدار افتخار داعی بی اعتبار در 24

استوار رفته اخلاصی صوب صواب مآیه ارساله داعی و طوف کعبه
مکارم و الطافه مجد و ساجی اولان داعیلری طریق سعادت رفیق
عالم قدری و سمن سعادت مدار لرنیک داعی عن صمیمی اولوب فانی
اولدوخی یرلرک خلقی کمد و دن راضی و شاکر جمله بی حسن سلوک
و سیرت محموده سنی ذاکر اولدوغندن ماعدان طاق اخلاص کنی
میان جاننده ایدوب باب سعادت مابکرک نیند خالص الفوادی
وداعی راسخ الاعتقادی اولان قوشافی زاده داعیلرنیک دامادی
اولمغله زمت همت عالیشانکده رعایت واجب و عهد کریکزه
تحصیل مالی لازم و لازب اولمغله اول عبدعزیزه قضاء و نزه
صدقه یور بلوب لکن قضاء مزبور بی حاصل و معین بومیبی غیر
واصل اولمغله فاقد صبر و ارام اولوب مخلص ازار و درکار ابله
روی حال با اختلاقی خراش و خطوط خطوط دنیویة صحیفه خاطر
نراش اولوب علت عقلیت و احتیاجه مرجع رحمت بی غایتکنز ابله
علاج ابدنه رفته عبودیت مال و غنمه خلوص اشتغال خاکدبی
کیما مثاله صوینه ارسال اولندی

در تعریف و تمجید قضاات

حایلا و لایت مصر قضا بی صدقه یور بلان صاحب جزا دب و حیا مولانا بی
افندی داعیلری حد ذاتده مشرب طبع پاک حرم و شره دن مبتلا و مشرع
زهن تابناکی عوارض خار و خس طبع ابله مکدر اولمده دن مغر اولوب کشور
وجودی مبانی عدالت و انصاف ابله معمر و زیل طبع لطیفی ذخارف فایده
تلو نندن مظهر جمله بود بارک موی واهی ادائی و اعالی سنگ ارا و اتفاقی

نیک او زرنه در که عهد بعد و مدت مدید در نبرد و بار مصریه ذات
ز شید لویه معادل و لطف و اخلاق و شمایل ده و خودی همتا لویه مثال بر
کرم اخصای افندی کما مشر را میزد که بوضو ال او ز رف رعایت سرخ احمد یزد
نابت قدم و راجح دم و لقا میسر و مقدر اوله

دگر

حد زاننده مومنا الیه فولد لری زیور مفاخر مهندیه ایله ارسته و جلیه فایز
مکتبه برله پیراسته و ذات قابلی نعوت خصایل حمیت ایله معنون
و وجود صداقت شایلی لطایف اخلاق سنجیده برله مزین اولوب
امور معظمه ده استخدام اولنغه قابلیتی و امثال و اقرا نندن زیاده
التفات ایله مظهر ضوف الطاف بی غایه لری لیا قتی اولان بند لردن
اولعین مطلع انوار مرام کافه انام و منبع حصول مقاصد خا صر و عوام
اولان خاکبای شریف جلیل الاحزان ملرینه ر و مال سعادتیه شاد کام
واصل احب مقام اولدقده و فور الطاف کامله لردن اثر سائیه
خورشید پرور و زره التفات رافت کستر لریله کامیاب و برتر
ور بورلق رجاسیله واقع حالی مرحلو سلطام خضر لریک خاکبای

دگر

شریف مکرمت مظهر لویه عرض اولندوب

رافع رفعة عبودیت مولانا اسمعيل اعلمی و صاحب علم صالح و مندرین و بین
الافراد فضل و معرفتیه متعین موالی عظام و مشایخ کرام خدمتگرنه علوم غفله و نقلیه
استغاثه ملازم هر وجهه افاده و استفاده به قادر و فوق متوعده ماهر متصل
عامه طلبیه حبیبی تعلیم علوم ایدوب و وجودی خیر محض نالیف و تصنیف مالک لک
حقه سالک مشاهیر مرثریندن یحه عزیز که خدمت شریفند مستفیض جد و سبیل
ظاهر باطن کامل مراتب علیایه و اصل دعا جیلاری اولعین مدرسه مزبورده
اون تبرای الیه موی الیه دعا جیلاریه صدفه بورلق رجاسته حب طای سائیه مرام بخت عور و مد

مولای نای مناز الیهک منرب پائی حرص و شزدن مبتدا و مشرع زهرا نیانی
خاد و خس طمع ابله مکده اولمدن معزا اولوب احقاق حقده اعلا و ادنا
ساوی و اجزای حکم شرع مطلقه علی الوجه الکمال طریق تساوی رعایت
ابد و ب بغضات الله تعالی عدالتد مریخ ثانی و ذاتی عدیلی و احذیلا
ثانی در حظام سریع الزوال ابلیه فریفته و زخارف ندامت برله شیفته
اولمدن دکلدن امیدد که خدال امتلا بو موال اوزر نایت قدم و سجده
شرع قویده رانج دم اوله

دکمر

اشبو رافع رفعه عبودیت مراد قولدی حدرا شده برار و شجاعت شعار افرازند
مختار اغورهایون خداوند کار دی ده قدیمی مکدار و برار اولر و اتل صقل صاحب
عسیرت و اهل غیرت من کل الوجوه علو غنایت یاد شاهی به احق و لوا و مزبور
حکومتیه مسخو بند لری اولمغین عواطف علیه خسرو انیدن لوا و مزبور موجی
الیه مراد قولدی غنایت و امر شریف عالیشان صدقه سیله بر مژد و بر مراد سیلین رجا
در دولت یاه نرانبه عرض و لندی

دیکر

باب رفیع الجناب لرنه جاد و کشت اولوب دانشوران زمره سندن معدود
اولمغی مقصود ایدن مولانا حقیق داعبلدی میدان نظم و نثر که فارسی
و بیضه بیضای شعر و نشانک خادسی اولر و غندن ما عدا کیسه اقلیه
عقول و افهامدن بیرون معارف و فضایل کونا کونا جمله درون صدق
مکونی ملو و مشحون اولوب پیرامن حدود مجلس عجم السعود لرنه وضع
حدود و حوالی محفل وافر المعالی لرنه رویال اینک الیه رتبه عبودتیه
صعود ایدن بنده لرسکند انتظام افضای حرای انوار لطیفی قباسدن

اقتباس امرند سایناس کی معاملہ و تسویت امور و تمشیت احوالند
سامع و ماسالہ نیور میوب جھوٹی قنوی دق مقبول ایلم مرقوم و صحیح
امالی عنوان انتساب جناب معالی مآب ایلم موسوم قلند کہ مدار افتخار
دایگی بی اعتبار در باقی

دکر

وحد ذاتند موجب الب قولند زبور مفاخر مہذبہ ایلم راستہ و حلیہ و فار ملکبہ
برلہ پیراستہ و ذات قابلی نعوت خصال حمیت ایلم معنون و وجود صدافت غالی
لطایف اخلاق بنجید برلہ مزین اولوب امور معظمہ دہ استخدام اولمغہ فابلیتی
وامثال وافراندن زیادہ التفات ایلم مفر صوف الطاف بی غایہ لری اولمغہ لیا نفی اولان
نیز نردن اولمغہ مطلق اوار مرام کافہ انا و منبع حصول مقاصد خواص و عوام اولان
شریف جلیل الاحترام لریہ دو مال سعادت لہ یاد کام اولردن و نور الطاف کامل نردن اثر
سایہ خورشید پرور و زردہ التفات دافت کس لریہ کامیاب و بہر و ربوہ لریہ رجائیک
واقع حالی حاکمی شریف مکرمت مفر لریہ عرض اولمغہ

دکر

حامل و تبقہ مودت بند کوز هر وجهہ فہم کذار و بستندید کار و کودار امور معظمہ
و مصالح مہمہ عہد سندن کلکہ قادر افراندن مانند ی نادراستخدامہ قابل لایق
مرحمت شفقت و مستحق دافت و عا طفت بند کوز اولدو غی مشاہد اولمغہ
ترقی و وصول الطاف جیسہ و اعطاف عیمہ کوز دن مستدعی در کہ مزبور بند کوز
زردہ وجودی اوزرہ مہر مرہنگر بر توان از اولوب ذوق نودہ دلندن
زردہ عزتہ ابرشدر ملکہ عنایت کرد ستیکر قلند

دکر

اولد کہ بوی کبری متواجہ ایلم لحد دلوزم سندن اولان کتخدا مر او غلی عہد
لری پیرایہ کمال و معرفت ایلم پیراستہ و علم کتایت ایلم راستہ ارباب عالم
دزم سندن بی اقران و اصحاب دق فرقہ سندن مشارک بالبنان هر خد متک عہد

باداميسر مرتوجون جرة في فتور بادامدار عمرتوجون دور في شمار

دكر

عالي جناب سلطنت ماب غطمت قباب شوكت نصاب كما لا للدولة
والسلطنة والعظمة والشوكة والعز والاقبال مهماسر بمدار خان
ابرت ايام غزه وسلطنة دعوات صافيات ثمانية انخافد بصركو

شريف مكة مكرمه بادلا الفارس

فهذا كتابنا الشريف السامي السلطاني وخطابنا المنيف الخاقاني لاذال
نا فذا مطاعا في الاطراف والاكناف ادسلناه الي جناب الكرم اميري
الكبير الكرمي الانجي الامجدى الارشدي الامكلى الاعلى النعمي
الذخري العوني الغوثي الوتدي العضدي الهامي المجاهد
الاصيلي العريق الحسيني النسيبي نسل السلالة الهاشمية فرع
الشجرة الزكية النبوية سند الملكة المحمدية طراز العصاة الهاشمية
العلوية سيد الامر الاشرف في العالمين نصر الغزاة والمجاهدين
ظهر الملوك والسلاطين نسيب من المؤمنين السيد الشريف زين الدين
بن الشريف محمد امير الملكة المشرفة المكرمة ادام الله تعالى سعده
وانح قصده ولا زال في ظل الله وكرمه ومهبط وجهه وحرمة
نهدى اليه سلا مائلا وتاجزلا

مدينة منورة طائفة

الي جناب الكرم الاميري الكبير العادي الناصري العضدي
الوتدي الذخري من العوني الاصيلي العريق الحسيني النسيبي نسل
السلالة الهاشمية فرع الشجرة الزكية طراز العصاة العلوية السيد

زیر الدین امیر المدينه المنوره ادام الله تعالى سعده سلاما
و ثناء بسانا و بوضوح لعلم الشریف
شريف ادریس **مکه شریف**

جباب امادت ماب سعادت نصاب سیادت کتاب ختمت قیاب قطب
دایرة الافلاک الحینه واسطه عقد العصاة الرهاشیم سلالة السلا
المحمدیة ثمره الدوحة النبویة افتخار اولاد الرسول مختار اخفاء التول
خلف اعظم الاسلاف شرف اشرف الاخلاف ذو الحسب الظاهر
والنسب الظاهر حای حویزه الحرم المحترم حاوی اجناس المحامد
والکرم الوضع من ثری الکرم صاحب النظر الانیس والقر الجلیس
والمجد الامیس مکه مکرمه شریفی سید ادریس ادام الله تعالی دولته
وسیادته حضرت یرینک عز حضور سعادت الیف سیادت ردیفه
درد دعوات صافیات محبت یات وغر شیمات وافیات مودت
غایات اتخافند نصکره ضمیر من خورشید نظر لرینه خفی و ستیز سیر ملک

سلطان یلم خان القابند بقید در

الموبد بالنایدات الجبله من عند الله الملك الوهاب والموفق بالتوفیق
العلیه من الله المعین المستعان اللهم عمر فی ظل طلیل حضرت والدماجد العظیم
المتان و متعه من مواید مواهب العلیه بمزید اللطف والاحسان و حب الله
ملکا عظیم لا ینبغی لاحد من بعده کما وهبت لسلیمان خضر لری حابند
کشت زار امید دوستان اوزره فایضا ولوب
بروش دیر دولت منوره زفر قشیر لیری دین افسر
جبش مطلع نور الی جرایغ افروز بنم شاهی

خُبابِ امارت مآبِ سعادتِ اَلْكِتابِ دولتِ نصابِ عزّتِ قِبابِ دولتِ
الظاهر والمحجب الظاهر صاحبِ العز والشرف خلفا بعد خلف نسل السلاطه
الهاشميه فرع النجره الزكيه النبويه طراز العصابه العلويه المحفوف بصوف
لطائف عواطف الملك ذوالمنن السيد شريف حسن دام سعه تجانب صافيات
عزب زار وسليمان وافيان بهر شار كه محض وفور مكرمت سلطاني دن
صدور بولور انحاف واهدي قلند قدر نكره ابناء واهدا ولسوره

دفعّت مآبِ عزّتِ نصابِ ممدقواعد الراي والتدبير بالعقل الكامل
مشيد مباني التحرير والتقريب بالفضل الشامل صاحب الراي الصايبه
بالافكار الناقبه ناصب رايات الوفاق في حين الشقاق بحسب راء الصايبه
مؤسس اساس الفوز والفلاح ممدقواعد بيان الصلح والصلاح حضرت الله
وبرن اغاخان دام في رضاء الملك المستعان حضور سعادت موفور لرينه شراف
تجانب صافيات ابلاغند نكره **خاتمه ودراسه دكر**

مغاخر الخواص والمقربين معتمد الملوك والسلاطين صواحي العز والتكليف
ذوي القدر الرفيع والعز المنيع مظاهر الطاف علمه شاهي مناظر انتظار
عيون رافت شهنشاهي اعنيهم سلطان جابري وخيل خان افتار لاذال قدر
العالي متعاليا في الايام واللبالي حصول مرادات كي فرع فزا ووصول سعادت كي
ترج زدا اولان رواج تحف دعوات مستجابيه وفوايح طرف تيلعات مستطايه مجاشع
قربلر ليه اهداد نكره **قدم خانه در دكر**

فارس ميدان شهامت غارس نهال نجاعت فروزنده عزت وختياري فزانده
اعلام شوكت وكامكادي نخل بر ومندر باض سعادت وكامراني غره شجره سر بلند باغ
فرمان رايي مظهر الطاف بزداني دام محفوظا بالمنن الصدي في حضرتك موقف

رفیع علی الشان و نادى منبع شامخ الابوالمزى قبله مراى تحیات خالصه که دیباچه
فاتحه سنه دفع اجابت کشید و لوازم تسلیات صالحه که خاتمه صادق سنه
انقبول مبدای رسیده اولامرعی و مودی فلندقد نصکه

دکتر مغرب بادشاهه

جائز سریر السلطنه الاعلی لا یس العدالة والتقوي حادث ثغر الاسلام
فارس هجاء الاعتصام الا وهو السلطان الاعظم والحقان الاعدل
الاکرم مفتوح ابواب البر علی الخلاق مفيض فیوضات الحکومه فی لغات
والمشارك اتقی السلاطین علماً وفضلاً اصح الحواقین قولاً وفعلاً ادام
الله ملکه و سلطانه واعز انصاره واعوانه کما اعلی شانه علی الدوام
والتخلید الی ان یرث الله الارض ومن علیها انه حمید مجید خباب خلافت
ما بالبره شراف فرید تحیات خلوص شعار اهدا وایناد اولیوب دای منیر
سپهر نظیر و پایه سریر فلک تانیر تریه معروض دولخوی و لدرکه

عجم شاهی عباس نامه در

عالی جناب معالی نصاب سلطنت قیاب دولت آیات رفعت انتساب
نوبین اعظم و شهریار مغظم مالک ملک عجم منند دای تخت کسری و جم
شاه فرید و زحشم پدر بر پدر خسر و ناجدار همه شهر کرد و همه شهریار
نیر بروج اوج جاه و جلال دره التاب افسر اقبال شهریار حمید بادگاه
شهنسوار خورشید کلاه عالی قدر سعادت دستکاه شاه عالچاه کیتی بنیاه
ابن الله و ابقاه و جعل آخره خیر من اولاه خضر نایک مجلس شریفی

قره الدرر فیه

افکار اعظم ضایده سیما مختار افانم مرجع ملت عیسا صاحب العز و
المجد والوقار صاحب ازیال الخشمة والافتخار یشوای ملوک الدیر و
الناقوس مقتدای اصحاب العز والناموس سعاد نوباد شاهک ماد و دینی
و نوکشی سبی و لوب قلاء معمره و بلاد و بعاک و دو ما شهر نیر باد غور سبی مایناش

نهاد دولت و کامرانی و غرض شجره شوکت و کینستایی فرزندان
ارجمند امجد و ارشد و اسعد محض لطف الله الاحد او علم محمد طول
الله عمره بالغ الموبد و المجد المختلده نوبع رفع حجابون و اهدار لولح

فرزند ارجمند امجد و ارشد مصباح صباح دولت و کامرانی و مفتاح افشاح
شوکت و کینستایی محض لطف الله الصمد او علم احمد طول الله عمره بالغ
نهاد باغ دولت ابدی و غرض شجره سعادت سرمدی نور حدقه کشورستانی
و نور حدیقہ کامرانی مباد ذال دولة و الدین محض لطف الله المصیر
او علم عبد الله طال بقاء و مال مناه نوبع رفیع حجابون

فرزند ارجمند امجد و اسعد و ارشد در درج سعادت و تاجداری
و درجی برب جلال و جبهان داری محض لطف الله الاحد عضد الدولة
و الدینا و الدین او علم محمد طول الله عمره بالغ الموبد و المجد المختلده نوبع

فرزند ارجمند امجد و ارشد و اسعد نور حدقه سلطنت و کشور کشانی و نور حدیقہ
خلافت و فرمان داری محض لطف الله الصمد عضد الدینا و الدین او علم سلیمان شاه
طال بقاء و مال مناه نوبع رفیع

فرزند ارجمند اسعد و ارشد امجد نور حدقه اجلال و سلطنت و شهر یاری
و نور حدیقہ کمال مملکت و تاجداری در درج یابی نصفت درجی او خ خلافت
المحقوف بصوف عواطف الملک له او علم سلیمان شاه قال بقاء

ناکه خسرو چاد بالش اسمان شاه کشورستان خراسان کی مالک چرخ
کودانی گشت و کزار و درخشش یاد پای کردون پهایله فرمان فرمای
فلم روی ایران کی سبر و سفر فلک دوار ایدوب فضل بمار نخسته
انارده ساکنان خطه چمنه عرض دیدار اینمکله ترهت آباد کلزار
نمودار جنات تجری من تحتها الانهار اولوب عند لیبان نغمه
پرداز دعا کو یان خوش اواز کی قدوم شرف لزومنه مدح و ثنیه
آغاز و فراش باده صبا دیبای خفرائی چمنی رخس جهان پها سینه
پای انداز ایلیم هواره اول کل کلنا کامرانی نندال بوستان خسروانی
تاجدار فریدون فر شهر یار بلند اختر زددیای دولت کون کوهی
ببرج سعادت بلند اختر کیوان مقام بهرام انتقام خورشید صولت
جمشید دولت خدایان ملوک جهانته دورا ذفر قاقدم اربین بربر
رسم تجاعت خاتم سخاوت نور حدقه تاجداری نور حدقه
کامکاری فرخنده اختراسان شاهی تابنده کوهرکان جهان نیایی
بلند اختر ایسمان پاییه درختنده در کواغایه غن چمن خسرو
شمع انجمن کسروی شاه جم اقبال اسکندر بریر باد دولت یار و غوث
حقیر لیلک تکاور بخت باور عز و اقبالی فضای رضای ملک زوالجلال
خلود کرد و وجود بهبود شرف مشهوری پیرایه بخشای تاج و افسر
وزینت افزای مسند جد و پدر اولوب اجرام تیز کام مجر کلام
فلک دام و صیدهای سعادت بخوم هلال چرخ مینافام دانه و دام
اوله تاشاه اسمان نشود فان غ از میر تاد و چرخ را بنود جهان قرار

[illegible]

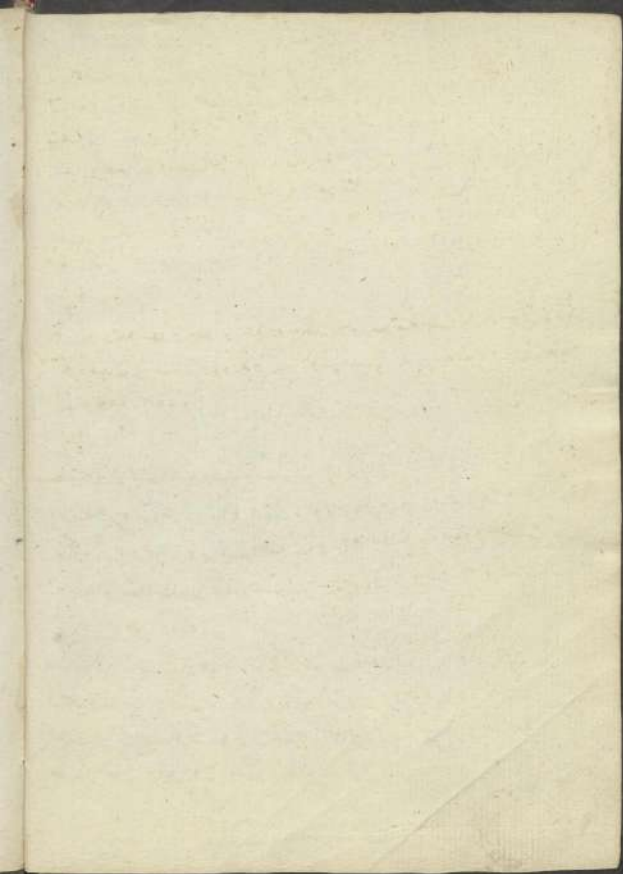
من المزمع

فرزند ارجمند سعد و ارشد نور حدقه سلطنت و نور حدیقہ فکلت نال باغ جوانی و غمر
 شجرہ جهان باقی مبارز الدولہ والذین او غلم مصطفیٰ اہل اللہ بقاہ و رزقنا عاجلا
 بقاہ نوبع رفیع عالم ادا
 کتاب خانوہ

حق سبحانه و تعالی دولتو وسعادتو باد شاکل اعلام فتح و نصر لبرین اوج و جود
بر نبیه عسر و بر و مجرده ساعی بالفساد اولان دین و دولت دشمنلرین خفض منزلت
خاک حقیر بر اید و برصیت و ضدای شوکت و اجلا لدریله سامع علییان بر
و دعای بغاء سلطنت و خلافتداری نیج عبید و حرا و لمقدن خایا و ملیه

رکاو و عیادہ

خوشبخت و تقوی سعادتمند باد خاتم که بانه سرخلاه قلندین بام اسمانه همسر
و منجوق رایت سلطنتی کنکره بره کبوانه برابر و وجود پر خود لری
بخت فرای صدر غرغرت و ذات مکرمت موجود لری انجمن آرای پیشگاه
مسند خست و خلافت اولمقدن خالی الیم امانت



نور بنفشه
شجاعت و مردانه گی

دگر

ساحت خاک جولانکه ابلق لیل و نهار اولی سپهر بر بونک گی
فارس میدان شجاعت معاینه ایتمه مشدر و خورشید
نیز دار و مترخ خنجر کنار فضای افلاکی حجاب قللی کوش
تیر بونچلین دلیز معرکه دارو کین بر ساهیا زین طیس شمشیر
کبرک اوصافنی شتا مشدر

ولیرا ده برده و ولاد و ده و شش کس قور زور بازو
و ضربین شمشیر کینه جو

دیگر

کلیه وین اعدا رس و مجاهدین اعدا رس اولیقله نصب بی جا نولرس
روز جور رس و ده خصمه بنس شمشیر و برور شمشیر و ده خصمه بنس
بیاه جان غیر قوش غن برکه وین منید او غورن بی شمشیر قول
و بالیستر لحن نکه لبره غزلرس لکزه اعدا رس و برور قورلرس و برکرس
تخصیله شمشیر وین لبره ده هر برین حبیب به الام کرم و سرور
و کفره لام و وزغ مقام رس و روه و رونه و روه و روه و روه و روه و روه
فره و ورور بر لغ با لبر رس شمشیر لاش تا ندر لبر و برور ایلرس نبر و
نبر لبر بوز و غاه و شمشیر لبر رس و سنه لبر رس خنجر پنا لبر رس ایل
غزل لونه چالشی و اعدا رس برن و ایل و برشوب لشی غرمین فرم
و اردو رس بر رزم لبر رس کوش کفر رس نوبش نیش باره افرام
مهازمین لبر کج بر لبر رس

دیگر

فلاد و لک

برین کوه شجاع و شمشیر و پنا شامت
دولور کین شمشیر کج سعدین قول رجالد و نامور رس و فریار رس
زیر بستغین

بر سرور سعادت و شگاه در که نفس از رف و انفسی لوح محفوظ کمالات انسانی 168
و ذات انور و اقدسی نخبه جامع کلمات نفسانی ذات جلالت سماوی
مهبط سبحات انوار ربانی و مجمع فیوضات اسرار سبحانی لفظ شریفی کبر
باری صدف شکاف در عدن و خلق کبری نافه کشای مسک خشنود

دیگر

اول سرور و الارقت و درونک منزلتک ظاهری بسیار و شعار صلاح و تقوی الیه
مطرز و مطرأ و باطنی مکارم اخلاق جز الیه الیه مزیّن و محلی جمال باکمالی
زبور احسن تقویم الیه ارسته و سیرت سریری زینت خلق عظیم الیه پیراسته

نجاعت و نهایی و ساحت و سخاوتی بر درجه دد که اکور زعم و غرایبی نرختند
 پهلونلق کو ستریم هزار رننگ استایه اندر وجود و سخاوتی و صفیک غاشده کو هر
 فتانلق ایلم نجه جانک دفر و دیوانی طی و لور مورچه شمیری نجه شیر پینه
 سلطنتی حرجاه دن فخر مندر و ذاع تبغی نجه نه باز اوج خلافتک کو تر
 روحن او چور مشدر هکام رزمده مثال شمیر سرفشان ایام نرمنده مانند
 خور سید زرافشان زبان تبغی نبع زبان کچی حلال مشکوه ظفر و بحر طبعی
 مانند طبع بحر فیاض نفایس کهر انش جمله بی جمله انش آساجها سوز و باران
 رحمتی بارانی کیتی افروز انش زهن و قادی منبع آب حیات و آب
 تیغ جهان کشایی انش خرمن مات الطاف عربض الاطراف ربع مسکونه شامل
 و اعطاف و اسع الاکفاف از ذاق عباده کافل و ای قطب المشرق خلق عالم
 نبوی منقسم از ذاق آدم و دلیل و ملازمی که بود ^{کرامت} ولایت و انرا یا غده اصل ولایت

دک

برد لاور صاحب و مبارک جبل التبت در که کر بند خلق تبغی جوهر تیغ
 نجاعت ابله محلی و آینه فطری صقل نهامت برله تجلی بر پلنگ نر خصلت
 زخم خند نک خونباری و همدن دُب اکبر و صفر برج اسوده نمان اولسند
 و بر نمک هیبتدر که چنگال ذوالفقار مردم نکاری همدن شیر کو دونک
 یورکی بر خفقان اولسند صحای و غاده تیغ بنی میغ خونبار در و دری
 هیجاده سنان خون بنی نمک مردم خوار در و خلافتن چهارده ذالفقار
 صان ایکی بانلو بر شعبان اولوردی و جلوب جوکان کبی السه الینه و
 نجه یک کلر غلطان اولوردی و

چون هز بران پشته شجاعت مغر مبارذی بیدار
 و نشان ایله اعدای برکافی دین مثال او زبته الدیلر و نمکانه خان
 جلادت جوشن نهامتی در بر قلوب در بای کادزاره طالری لار
 لشکر خواریم اولقدر نبر و نشان و تیغ اشرفشان اوردیگر که عرو
 جمعیتدین منقح و پریشان و ایوان نبات و مقارنتدین منهدم
 و ویران و خاکله یکن ایدوب سناه سعه فناء میان میدانده
 اولان ارباب طغیان زبانه اش بار دوزخدن و تاب عذاب بر
 زبان حالله خبر و یردی مسامع مجامع و ایای افلاک و صوامع
 جوامع خطه خاک صیت و صدای افرین و کلپانک تبارک و خدای
 اباه مال مال اولدی جیش بر کیشک طایر روح پی فتوح لری قفس بدین
 محبوس یکن رخنه شمشیر ایدار و ثقبه پیکان تابدار دن جوق
 اوج مکافاته و برج محاذاته و صول بولدی تیر تقدیر ربانی رفته
 تدبیر انسانی نافع و شمشیر قضای اسمانی دفعنه پیر خمر دافع
 اولمد و غی بالمحاینه مشاهد اولوب رای منحوس لری رایت منکوس لری
 کی معکوس اولدی هر بری امید حیات و سودای نباتدن محروم
 و مایوس اولوب نسیم عنایت ربانی مهت **والله یعد نصره من یشاء**
 دن متهرج اولوب اولیای دولت سرور و برخواهر مدد و معز
 اولدی **ایت** صبح طغیان مطلع امید بر آمد اصحاب غفر را شب بود ابرام

عاقبت اول فجار بد کردار طمع کرکس و عقاب و لغت سباع و زیبا
اولوب ابدان کشته دن روان اولان خونه خاک آغشته و میان
میدان جا بجا لاشه دن بسته ترا و لشکر **م** یلواندن غمک لایبی طاعتی
کشته لردن کازرا دک صحنی طاع ایتدیله و بقیه السوف اولاندر
اول ورطه هولناکدن بجم هلاک ایله اختیار فرار ایدوب **من خا بر سه**
فقد رج مضمونیه عمل ایدوب مناصوب اولدیله

دک

نجا عده یکتا و جلاد نه بی همتا صولتده شیر حد شده شیرین
ملک هستی فحمت میدان او **ه** کوی کردون درخ جوکان او ابر عینی بیکان
اهنین ایله عدویه تیر باران اولدقده و انزلنا الحدید فیهِ باس
شدید معنایی مشاهد اولوب سنان حدید اللسان دیر
جوشن دشمندن گذران اولدقده و لقد کشفنا عنک غطاوک
قبصرک الیوم حدید فحیسی معاینه اولور دی

دایگر

زات عالیدی طرفه مصالح دین و دولت ایچون بیک مقدا دی
دلاور که هر بری افتخام معار که بر ممالک ایله مالوف و احذ تبع
الالوف نیزه گذار و شمشیر دن نبردان و قبا آهن که هر نیک اب
تبغ قانی بر سم هلاکدر که بر قطره سی بحر عمانه دوشه غصه
نارده منقلب اولوب لم نون فم کانون اولیدی و بر رنجه سی جیل

هنگام بحره درگاه معلا ده حاضر بودند اول سخنونه محترابدی کرد
 زمره بشرا باق اوزر کلوب اسواق شهر مزاحمه نفوس نشردن مضطر
 طراقی و مرافق مصادمه دواب و خیلون مکرر اولسیدی سپاه
 ظفر نپاه مار جنبش دشمن کش و محله سوزن دل عدور باستین نوره
 اجدر زمان جان نشان سنان لکوتور و میدان وسیع دیوان دیوان
 دشمن ستان ایله مالامال اولوب تفنگ جنگ سرهنگ رزم آهنگ
 تیغ بند و شمشیر حمایل غضفر خوی و شیر خصایل نجق میان و تبردار
 و سپردوش زنبک انداز و حربه دست و آهن پوش شریا نظم و
 بروین جمع کواکب گروه و کافر قمع طیر سیر و باد شتاب و نسیم گذر
 کورک صولت هنر بر مهابت پلنگ پیکر نارفروز و آتش سوز و برق
 لمعه و ابر مرور و سحاب گروه و گرد صحابه بدرقه فتح و طلیعه
 نصر و پیک ظفر هجاء مدار و و غاکار صاحب کتوفراون ایکی یک
 نفر یکچهار بار و یمن ده ایکی صفا کرن اولوب ارالرن زین
 نشین باد سوار و رکاب ارتکاب آهن لباس و زرین قوتاس سحاب
 شتاب تیر کش بار و کماندار و نیون گزار مغفر فرق نمبر برق دشمن
 تکار دادا قدر و واداب صدر سراب خصلت سکندر صولت
 شیران مالک جنگ قتال پلنگان مهالک نبرد و جدال فادسان
 اچدر خوی و ببر روی و شیر آهنگ حادسان معرکه بوی و رزم خوی

ارد شیر جنگ نریان تنک ارد و اندر قهرمان شیر دیا ندر قغان ارسلان
پهلوان جنگ و ستیز ده مردانه لر رزم و قتاله ببر دمان لر دلیور
عدو کیر لر شیر نظیر دشمن فریب یعنی سپاهیار و سلجوق و علوفه
جیلر و غریب لر فوج فوج قوشون قوشون کرو و کرو ای ای
طلب طلب فرقه فرقه جمع جمع ضوصف نوع نوع صفار و الایدر
باغلیوب **ست** زهی عسکر زهی جیش مظفر جهان ملک یولر له بیت مستخر
سلیمان دمانک قولدرید **د** ظفر میدانتک شیر نر بدر **د** غراشک فارسی
محمد دیتک جادف لوید **د** سایر مار و وزا و کافه ارکان سد فتح
اشیان عامه متعینان عتبه ظفرشان دخی قوللو قولنده کدولر
مخصوصا سکف سر زربن کر مرصع تیغ و مجوهر خنجر صور غوج
تاج بهجت بهراج زیبا اندام و سرو قیام و الا قدر و بالا قدر
زربن زین و قوطاس اسب و سیمین سینه نیر جوانلر کامرانلر
هنرمند و ارجمند لر تیغ زن و دشمن شکن لر کافر کش و بهرام جیش لر
حضر صولت و علی هیبت لر نریا قوتلر جایطو رب فرمانه مظفر و الایدر
پیاض بورک و اسکف پوش بجر جنبان و دیاخوش سپید پیراهن
و دامن کشانه کمان دست و تیر میان مرو خرام و نازنین اندام و حیور
مقداری کزیده افاق جوان بخت صولا قدر قدوم سعادت لزومه نکه پناه

اکان دوت

سور عکس
بی

نسیم سیر و باد پا جهان نورد و زمین پیا پیاده و مرغ تقیر و صباد و
 عمر و پیر و پیک و صحای دیوانه شنگ و روبر و جولان ایدر لر
 سبب ~~بسیار~~ متالی مباد که چهر و سعادت بهر مرصع رکاب و مرصع
 لجام و مرصع زین زرین فام براق قدر و طیر روان سریع سیر و ضیاد و
 جوهر نین ابله دکلش لولو تن پین عبای لر یواقیت و لعل و زمرین و الماس
 و پیر و زه اکین سینه بند لر ناهانه مرصع سپر لاله مشحون و مزین
 یدر کلر چکوب و اعلام عالم کین و دنیستان و دایات ظفر نشان
 و نصرت رسان یدر عدد القون باشلو سنجاقدر آسمان عمر و برهنه سر
 فتح فروغ توغلر خاطر لوب شاه نین آسمانی یعنی اقتاب جهان تاب نورانی
 قلعه افق شرقی انتساب دن طلوع آیند و کی اتاده شاه جهانیان مائه انوار
 سایه رحمت ظل خدا مهر درخشان افتاب اوج جلال ماه منیر سپهر اقبال
 نکیس خان شاهجی مهری اخوان مان سلطان روم و عرب برهان عجم
 مغیر عثمانیان مالک ملک جم زبده تاج بخشای روی زمین عمده اصحاب
 تاج و نکیس سلیمان سلیمان مکان صاحب التملکین خلد الله ملکه الی یوم الدین
 باب دولت قریندن مهر سپهر چارمین مانند ی طلوع ایدر چک شتای
 چاوشان سروش و شان قبه افلاک خروش و یروب الله اکبر کین
 طبل خانه خسروانی چالوب علامه القادی سنجاقدر چو زلدری توغلر بور

یدر کلر
 روضه عالم

تفکیکشان قیامت نشان فتنه فتنه آتش نشان اولد قلندر خوف
کبند فیروزه کون کوردونه غلظه دوشوب کون و مکاتیب و الوله الیه
و روی جهان زلزله عارضه اولدی **سهم** جهان و یردی نرزه کوس و نورنا
سراییم اولوب هب شیخ و برنا صهل اسب و طای و هوئی مردان
اولدی عقل یوش و هوش ریزان اسواق مدینه استنبول نفوس متکاثره
ایله مالامال اولوب تنفسه مجال بوغیدی ایادی غزات کاتن اولن
رنگین نیره لردن نیستانه دونوب آل و کلکون و سیر بیرق لردن کلستان
شبه ابدی مشاهده کلرخسار پادشاه عالم مداد و شهریار نیر کواد
عدالت شعار ایله مشرف اولمغه جمهور مسلمان و کافه مؤمنین ایاق اوز
کلوب طاق و رواق پیوت و مرا اطفال و انات و اسار ایله ملویدی
حضرت خداوند کا دیار کمال و خباب شهریار ملک مدار و ملک احضال
خدیو غزا مال و جهاد افعال خسرو انجم لشکر و کواکب مثال صاحب
فران سعادت قرین و غنشین اقبال کامکار اقایم جاه و جلال تاج بخش
خضر نیرم و خیر مقال جم جاه شرع پناه مستقیم الاحوال خلقت خلعت
هزاران شوکت و اجلال ایله مروارید کمر بنجه السنه خاص و عام دعای
فوح انجامة ذاکر اولوب دوام دولت و ثبات سلطنته دعا لایزال
انواع سرور و جوار ایله ادرنه قیوس سندن یعقوب اوفاق کوردون
اشراق و وثاق شرف نطق اقبال اتفاق حلقه لوپکار دده نرول انجمن

سعاد و اقبال لاله اول جای شرف لوانی مشرق ایلدیلر اول وقت خسته
 روزگار زمان بهار و اوان لاله زار اولغین لطافت اطراف و
 آکناف باغ و رانغ ادمه جنتندن فراغ و برردی صغیه هامون و
 صحایه نقاش بهار شکوفه رنگین و ازهار نازنین ریاحین ایلله ^{نقش}
 غریب و تزیین عجیب بسط ایدوب فراش روزگار بسیط زمینه
 تازه فرش زمردین دوشیوب بساط سبز طلسم رنگ ایلدیلر یوزنی
 بهشت الین ایلشایدی هر جاده بر لطافت و هر پرده بر کونه نرخت
 و هر گوشه ده بر حالت قونلوب جهان کو یا بردلر باخوبه و عالم
 فرضا تازه محبوبه بکزیوب غنا سی خا هر کشا و غم زدا نگرانی
 صفایی فرح بختا و شادی فرا ایدی بلبلدرا فغان و نواده هزار
 دستا ندر ترانه و صفاده هر بری ناز و نیاز ده مرغان خوش اوان
 کونینده و سازنده کبک دری چندلر ده خرامان و نازنین لاله لر
 ناج کلکونله کردن فراز و فرخنده بنفشه لر قد خمیده ابله زار و افکنده
 نرکسدر چشم بیدار و عین اولوا ابصار ایلدیلر درخنده اب و انار
 بو حاله متحین و جوشان جویدر قدرت می الامواته متغلی و خروشان
 ایدی کونا کون او تاقلر و پادشاهانه و تاقلر و سر پرده لر کردون
 کودان مثال حویلر چوریلوب جترهاون قوریلوب و زرا و امرانک

خدام نوباً انتظامی و سایر عساکر بروین جمعک و کادنگ پرنفش و نیزنگ
 الوان عجیب و اطوار غریبه ابله محلی و معنون جاد و لری قوریلوب آورد
 هایون ترتیب بدیع ابله مرتب و داراسته اولمشایدی **مهم**
 ابروب شاهک قد و مندرن جوهرن بزندی جمله صحراد و نندی شهره
 نه شهر اولکم مزین باغنه د و نندی بری دیو لوبله او چغاغه د و نندی
 جملدر حالت افزا و نوح ریز **•** پچکل **•** غنیکلو و غنیرا مین **•**
 لوبای سبز دیکدی سرود لوبو **•** ضویر باغلدی صفا و لری یکسو
 نال شاخدر فالدر دی نینه سپاهدار کی جنگ و ستیزه
 کنار جوی و سین و سایه بید بز مکاه جم و باقصر جمشید
 غزایه نینایدوب هر کل تر طاقش خار دن نیتین خجسر
 قلیچلر چکدی سوسنلر نبرده سیر لوب و لری نر کسار نظرده
 چمن شو قبله نور و زایدی اولروز اولوب ازاده لوب غنیکلو پیروز
 دوام دولت شاه جهانه دعالر ایلدیر عاشقانه
 وقت سحر که هنگام ظهور آفتاب لامع انور در اطراف آسمان
 ششعه مهر منیر ابله ضیا بزیر اولوب شاه انجمن خنک کردون قائم
 اوزر سوار اولدی اول صباح فوز و فلاح ده عسکر طفر رفیق
 و فتح دلیل و بهادران عیدم العدیل و دلایوران دارا تمیل
 لوجب او از نغیر دن جهانه دهشت و طمراق جیش طفر و فاقد
 افاقد و جوش و طوره و حشت کلن ایدری حضرت یاد شاه قدم
 خسرو محمد خصال و عیسی دم خدیو فتوح انیس و طفر محرم شاه

شجاعند، یکنه جلا دند و بی همتا موافقه شیر خدند و ششیر ملک
 هستی فحمت میدان او کوی کردون درخ جوکان او ابر عینی پیکان اغین
 ایله غدویه تیر باران اولر قده و انزلنا الحدید فیه یأس شدید
 منافی مشاهده اولوب سنان حیدر اللسان دیدر جوشن دشمنان
 کدران اولر قده و لعل کشتن غنک غطاوک فبصرک الیوم حیدر
 فحواسی معاینه اولور

دگر

زان عالمباری دخی مصالح دین و دولت ایچون بیک مقداری دلاور
 که هر بری انتقام معارک بر مهالک ایله مالوف واحد یعد الیوف
 نین کذاران و ششیر زن نبرد از میان قبا اهن هنروران عرصه
 مرصاف جگر پروردان خم بند مغفر شکاف انتخاب و افراز و محل
 محاربه و مبارزه ده ابراز و نکیل الات حرب و قتال ایچون تحریک
 عسکر نصرت مال د نصکره احوال جنگ و هجاذن خبیر بر امیر کبر
 صایب المذیل و سال اولمن

دگر

بر غضف صولندر که معور و بحر و بر ششیر عدو تد میرنه سر اسر
 و کردن کشان جهان کند عدو بند نه مطیع و فرمان بر اولوب تبع
 تابدار شعله فروزی نایره قهر نون بر سر و طوب صاعقه کور
 دشمن سوزی اتش خشمند بر اثر در شمع شعله دار ششیر برق
 کوراری کادبان وادی عدمه دهما و نمل بر بار نیرنه جان سپار
 کثیره اصلها ثابت و فرعها فی السعاده در شاهی که نصرت خدای
 ختمت بر وجهانکشی و دیانی از کفر و میفش و دوزخ شرری و تاب میفش
 دمنش زحط سکاگد شده تیرش زحط کد شده

ملاک توکلری بر مرده دلاور و میں معین اوج نجاتده مرغ نامور
و سپهر صلابتد مهر زین سپهر هر برده قدی سرایه صلاح و هر ملکه قدری
پیر اینه فوز و فلاح اولمشدر

میدان نجاتک شیر ذیانی و عرصه کاه شهابتک غضفر نوافی ارباب
غزنک جم بزنی و اصحاب غیر تک کسرتهم رزنی دوزنبردک فردی دلاور
جوانمردی اودر میدان دزمک نره نیی اودر ایوان بزماک اردنی

یور بار احوالی استعلام یور اوردی صدر نشین بالاخانه و زادت غطفی پی برده
معراج صدارت کیری مظلوم نواز و ظالم کدان اصف جاه و زارت پناه
پاشای کایاب تر باخواب حضرت لری حضرت لری یک رکاب نظیر انتساب زاندر
هلال اساری ماه نوصفت افق میدان دار السلطنه دن نمایان اولوب
خروج اطلس و برنیان احسان پای انداز وزیر چاره ساز یکس نواز اولدغین
میشراقبال علی وجه الاستعجال مددکاری پیغام گذاری سرورش ایله رسانده
پیشگاه کوئی اولدقد برهمنی هنگامه بیدار کوان اولوب هر بری سطح
مسوی اوز ز مهر سیاح کبی اضطراب حاصل ایدوب مرات تدبیرده
صورت کرین ناکن یر کورنگین حال اغول بیابانله میخانه و غنای قاف
ایله هم استیانه اولمغین رعایای ستمدین اسوده ظل ظلیل سایان عدالت
اولمغله سر نهاده بالش اسایشی راحت اولمشدر در حق بودر که اول
قهرمان یلغار و نه عدل و داد طنین انداز طاس سرنگون افلاک و نقش دلکش
رشد و سداد پیرایه بخش باط بسیط خاک اولوب کیسوی نوع بر فروغ
سپهر سالار اعظم مانند جادوب رفت و دروب خسرو خاشاک الم عرصه خاکی پاک
ایدوب اتقظ افروز و خانه سوز اولان زبانیلر سوخته ساخته قهر پی امان اولق
ایستاد که هر ی بر سر و اخیره ندان اولوب حال اغلضله کلبانک دعای

جهان داورى اولمرتبه بيلد اهدك ارسندرله برده تير چنك حصار چرخ
اول بيلد آوزيه نسبت اهدت فو و ماكان كچي پست در

وصافى پهلوانان و درو

اول مدوح عالم و محمود بنى آدم اولان سرد آر بيلد اعتبار عاليتقام و شير
مشتري تر پير بهرام انتقام كه لوزه نمال نيزه سندن بر ك خزان كچي مهر و
لوزان و جنبش نهنك تشير ندن مايي در ياي فلک بر كوشه ده نهان اولو
هجوم قهر مانيسي انشا فكن خرس ضلال اولمشدر و طنطنه صاحب قرانيسي طبقات
اشتهادك غايتي بولمشدر اول سالادكتور اراجانبك كوس احشائي رعد
فتح و نصرت و ششعنه تبع انتقاي برق جهانتاب دين و دولت باران كچي
جهان دوزي سيلاب درخت افكن ضلال و صاعقه تنفك جهان سوزي
افت جانكدا زخم پریشان حال اولوب عواره ذات خسته صفات و وجود
فرخنده سمانكري رونق افزوز مسند كامراني و پيرايه بخشش اوان جهان يابى اوله
امين

كلمه دن اعلاچي و معاهد نيك اعلاچي اولغله نصاب بي حساب ثواب
روز جواب دن حصيه نيل ستنه ميل و سردار نجاعت شعار حشر نيك
خمرتنه ميان جانه غيرت فوشاخن بر ك و دين متين غورينه پست
ناكستري قبول و بالين استراحتي ترك ايدن غزات همچون اعداد پور
دقاري درلك تحصيلنه تشير ذيل ايدن لردن فلاة نام مرد نبرد كه هر بري
چشمنه الام كرم و سر و كفرة ليام دوزخ مغامك درون پر خونه درد
و معركه كار زارده فرد در لر بر باغ و ياكري تشير انشا تا نبر لوي
و بر رانلري و تبر و تبر لري و ربح و سنانلري و خنجر جان ستانلري ايله
غز اولونه چالشفاق و اعراي بد نهادله و بر شوب الشوق غنم چنم و اردو
بزم و رزم ايدب كوش كفاري تعريك نيشنه ياره اقداني مهان همت ايله

ایدوب عنان توچه لاری اول صوبه دوندردی و بزدن بدل صاحب
دولت حضرت لاریک حذو تنه کوندردی بجلو شریفه و صول و معوض
عبودیتد مشول میسر اولوب مقابله صفوف و مقارعه سیوف و تقابل
الوف دمنده دلاور لک لاری سنوح و مردانه لک لاری وضوح بولد فزجام
میراد فوش و خاطر لاری خوش ایندر لوب بلوک احصایه ایله احیا پورتن باین
عنایت بی غایه لاری مین و دل پورله

دگر

اول افتاب سپهر فرین و ماضیاب اوج عز و تمکین روح مصور صفدر بلند
اختیار بهرام دلاور خورشید شیر بیکر چنبد مهتاب پرور نهال خرم باغ
ارم و الاخیاب محترم خد متلری که کند شمع مانند و همدن غزاله
کردون گوگلریوزنده اواره و تیغ خونریزی اوچندن سپهر زر بیکر
ماه یاره پاره در بیکان زرنشانی دلکرمالقه دکن بهرمان و سنان
جان ستانی کلاه ماهی قیمته نین خورشید ایله همداندر نظم صوکی یار
فهرندن ار در برده روین تن صوکی قدرت کسه شرار غلی سندان
طوقسه شعله شمشیر نرم ایلا نری یانه سمن دروش سمن دی یانرا و دایم اتر کندی

سردار عکاز جلال محمد بابا و لشکر برادر

تا که سردار محمود الانار مهر نماید و سالار دوشن رای کشور آرای صبح سعادت
مدار سپه کش زرین جوشنان اشعه و افوار و تفرقه انداز ظلت شادان
خطه شب تار اولوب پای اقتدار پایه جهان داری به باصه و تیغ زرین
شمشیر قضا کی عرشا علیه اصه اول ممدوح عالم و محمود بنی ادم اولان
سردار بلند اعتبار عالیه مقام و شمشیر مشتري تدبیر بهرام انتقام که
لرزه نهال نین سندن بر کخزان کی مهر خاوری لوزان و جنبش
ننگ شمشیر ندن ماهی دد بای فلک بر کوشه ده نمان در هجوم بر لینی

داد ای شرق و غرب شمشاد بحرو بر کاوصاف بحر خودی از ابد از برتر است
خوردش بدیع زن که بیخ جهان غای از شرق تا به غرب جهانیش مستخر است 175
سکندر دولتی که مسحه زایت فتح و نصرتی یابنده هلال فلک بی اعتبار
و جوکان میدان ملکیت عزت نه طوبی خوردش بد برکوی زرنگار در
سرباز باید پرواز هفت کنگره ابوان هفت آسمان آشیان و سمنه
سعادتمند و ولته ابلق جرخ گردان همانند در **سمنه** بلندش بقطع مراحل
کند با ملکیت فلک همنانی که از جرخ اعلا شود ذراع کیوان بسد پایه برتر ز عالی مکانی
لجبا بهای سربار کاهش تواند زند لاف هم آشیانی **عضف** صولتی که معمور
بحر و بر شمشاد عد و تد میرینه سر بر مسخر و گردن کشان جهان کند عد و بند نه
مطیع و فرمان بر اولوب بیع نابد از شعله فروزی نایره قهرندن بر سر
و طوب صاعقه کردار دشمن سوزی آتش خشمندن بر آتش در تبع شعله
دار شمشاد برق کرداری کار بان عده به رهفا و نهال سربار نین جان
سیاری کشف اصلها ثابت و فرعها فی السامد **ناهی** که بنصرت خدایی
ختمت بر وجهان کنسانی دریاغی از کف چو میغش دوزخ شرری ز تاب تیغش
رهش ز خط سما کند شسته **تیرش** ز حدی خطا گذشته

فارس میدان شرامت غار **دگر** نهال شجاعت فروزنده شمع عزت و اختیار
فرازنده اعلام شوکت و کامکاری نخل برومند ریاض مهابت پرو
ثمره شجر سربلند باغ شجاعت گسری

عنان عزیمت شاهان که قربن فضا و قدر و همتی بی فتنه و ظفر در کفار بر کردارک
المنه و لایسته منصرف قلوب جماله فلا عندن ابنه بجای نام قلعه در اچند اول
کفره فخره تنب اموال تجار و سفک ماه مسافران بخار ایله اشهار بولمشای
امرا ایوب سیاه طفر بیه هر طرفدن مرکز و ارحاطه ایدوب اسباب حصو
و جدال و آلات جنگ و قتال مینا و ماده اولوب آخر اچای قلعه ناس
و حرمان حاصل اولوب دیون و محروم امان طلب ایدوب فلم غریزه فیه اولد

دگر

مفرقه عسکر ایله نیش اسباب مقابلیه اشتغال کوسر ووب معویت مسالک و رعوت
مدا رک ایله مشهور بحلی اختیار ایدوب مقابلیه عزیمت ایدجک مینا عیسی
توجه حیث شیت فاک منصور صداسی کوش کوش جانه ایشوب برخص
کوز ایدرمیوب طایفه شجاعت نصرت یناه که افتور دیکاهدن طلوع
ایلدی کورد بلرکه مخالف رماح اهدایه ازواجی ایشاهدن قفرق ایدوب
فلان سنان زوان سنان ایدرین جانلری قیواب و عساکر کردون مانر
کفار ارحاطه ایدوب علیهم دایرة السوء و غضب الله علیهم و لعنهم واعد لهم
جهنم و سابت مصرا مضمون اظهار ایدر اول فرقه ناسیاس مغلوب خوف و هراس
من بخایر اسه فقد ریح قولیه عامل اولدیلر

خلفاه مصر غوری شهرم فتح نامه

دگر

مصر سلطان و عسکر نیک دلاور لر بی فریق الی بیک اهن بوش دلاوران بر جوش ایلر
بغلیوب عسکر نصرت مانر مه مقابل اولوب مقابلیه مبارزت اولوب جنگ و شوق
اولا شوب تا اکنز و به دکن نوایز حرب و قتال اشتغال و ایلخ جنگ و جدال
استمرار بولوب ساکنان ملاده اعلی قالموش بعد بهم الله بایریم و بخنیم شیم
علیهم و یشف صد و رقوم مومنین اواز سیه سامع جنود ظفر رهبری یرقلای
جا بجا بنه لر لسان حاله الیه فشرح لک صدرک اینک تلوت ایدوب و زخم
تمشیر و تیر خصمه سلاح بر اقدروب و وضعنا عنک و زرک حالتی حکای
ایدوب ما بین ده اولان کشته لرا بچون ناخن فعال مطایادن زمین یوزن
بر توف حشم زره قان اغلدی و کورد سیاه معرکه دن جرم اسمان آفتاب

خلفاه مصر غوری شهرم فتح نامه

قبای نیلی الی مدف مدید اول تیران کارد ادا بله دلاوران طفر کاد
و سیران کارد زار و دیوان خنجر کذار هر طرف دن هجوم ایدوب طویلرک
دود و دخانی ابر صاعقه بار اولوب کومکره اغوب و تیر و تفنگ اوز
لرینه یغور کبی یاغدی و امطرنا علیهم مطرا فانظر کیف کان عاقبة المحرین
و شمیر انشرفشان و سنان تعبیر نشان قطعا کوز ایدر سیوب لن ینفعکم
الفرار یغافلر لسان حاله انشا ایلدی و ییانی بکان مهمام اینجا تگونیوا
یدرک کم الموت بیامر انما ایدوب اخر نیام فتح فیروز ی لقدر نصیرکم
الله فی مواطن کتیره مهندن تنسم ایدوب اول معرکه ده سلطان مصر و
واعیان ارکانک باشلی کسلوب سجاقلدی معکوس و اکثری مفید و محسوس
کلوب اقل قبل که باغ فالدی شهرم انکار و انصرام ابله بوم یضال من اخیه و
وایده اولوب اولر امانته نقاب توفیق یوردن کونر و ب اخذ الدین
ظلمو الصیحة فاصحوا فی دارهم جائن اوزمانه بور کوسندی الحمد لله
الذی هدانا لهذا هیت اعزای دین و دولت مقهور و اولیای عز و شوکت نظر
و منصور و اعلام اسلام ایچ بوم الشور منور و لا **ایرانیه ده اولان جنگی**
یاندیر ۵ دیگر
جنود مطرود اول ترتیب بد کلری خندق و مترسلرک اوکنه الالبدین باغلوب
جمله اهز بوش کلوب مغایل اولرقله عسکر طفر هیرم دخی فوج فوج مانند غما
بر موج جوش و خروش ایدوب جانین دن طویلر و تفنگر انکوب خنک و
اشوب اولشوب پرنقی و توفیقار لن ینفعکم الفرار ن فرستم خبر نر انبا
و شمیر باد فعل و آب شکل انش نهدا خاک نژاد و انزلنا الحدید فیه
باس سدید اینن تلاوت ایدوب طویلرینه و تفنگرینه باقا یوب کبی
صاحم خون اشام و کبی سنان تعبیر انشرفشان هجوم ایدوب و تیر و
تفنگ باران بی پایان کبی یاغوب طویلرک دودی عتیقه صعود ایدوب

و کرد معرکه کرد و ن گردنده این شوب خرو و ش جیو شدن طپور و چونک
هوئی کیدوب نابره حرب اشتعال بولوب عظم جنگ و لوب اخرا امر
بر مقتضای الا ان حزب الله مع الغالبون عسکر طفره یرم غالب و منصور
والمر مغلوب و مهور و لوب این المترکوبان فرار اختیار ابلدیر

دگر فتح مصر و عساکر شدن صومالی

عز و اجل الله علیه فریوزی احاطه و محاصره ایدوب عسکر جوار هر طرف
پین و یسار پیاده و سوار بوریوب تیر و تفنگ حواله ایدوب جایجا
کرن کاهلین بکلیوب ناله نای روین و صدای کوس کیکاوس این
دن دماغ فلک بر طین اولوب لشکر جوار هر طرف دن هجوم ایدوب
باران نصال و سهام و دندان قهر و انتقام اندک یوم یغشهم العذاب
من فوقهم و من تحت ارجلهم فخواست معاینه کوس و ستر و ب بصادق
خند قلدری و متر سدری و التجا اید کلری اولرک بعضی اوراق ایدوب
اچندن اولر عذاب الیم حرقه و قاجوب کبدنر بول بولیا یوب نیله
دو کلر ال فرعون کی بلای غرقه مبتلا اولوب عنایت خفله باخ فالین
جر کسکرک کر پیا ندری چنک چنکدن خلاص بولیا یوب سلطاندری ایله ایلو
دست بسته و کردن شکسته رکاب هابونه کلوب وصول بولشدر عرقلری
فقطعه دایر القوم الذین ظلموا و جنتهم منقطع اولوب فالک عربی فی قصور
منسوج و منیر اولشدر **شاه اسماعیل انبیا منه شهادت فریدن تبارک و تعالی**

وارد اولان منشور پر نور متوجیه المروک مغفور مرت شهنشاهان معلوم نموی
اولدی که نیغ ایداراتش قام و حسام خصام خون اشامله اسم اسمعیلی
وجود دن حک اینکله منوجه اولان ابو الفخ و الفخر بغنی پادشاه عمر سپاه
بی حد و حصیه نبیره این شد که انواع کید و حیلله عساکر رد پیل مانند

اصحاب قیل مقابلہ و مقابلہ بہ قصد اید بحکک بر موجب نعی تنزیل الخ
 نجعل کیدم فی تضلیل وغان خدنگ تشکیل لسان طوبی ایایل ضرب بکان
 ورجی سبیل ایلہ عساکر ملاحدی علی حد کعصف ماکول ایدوب مولت
 رایات طفرایات سلطانیدن جیش مخوس الاشر و معکوس الصور رایس
 رؤس الاجر کاتهم حر مستقره قرت منقوسه فی واسیخه قراری قرار دکنوب
 ہمای سلطنت خاقانہ وامن مالک عثمانی جروجہ عروج ایچ قصد ایدن اخوان
 شیاطین رجوم سهام جراح قرآح و صریہ حریدہ دماحدن فلاح و نجاح بولیو
 السنہ اسنہ مقال حال ایلہ و حفظنا ہم من کل شیطان ایتن بوزلرنہ اوقوت
 زمرہ فی رخاکار مفہور و مدبر و مردود شہسان معرکہ دہ فاع الدھر و نایا
 اولمئلند

سج نامہ بلغراد

قلعہ بلغراد کہ مقابلہ سندہ کی گردون دوزنہ نامی سبع نداد اولوب
 لم یخلق مثلہا فی البلاد انک صفت کاشفہ سیدر ہر برچی کویہ شاخ
 کی ثابت و رانخ فحتہ سپہر برنیہ مضای و رفعتہ آسمان ہفتاب
 مناوی و دخی سور منعی ملتسع برق اتش پای و رؤس فلک رفیع مخیم
 غام جہان پیای اولوب بنیادی ایہ امرش برچی سحابہ ایرش خدنگ
 مقری سملہ ہسر وقلہ سنک کلہ سی سماکہ برابر متانت بنیابی
 و حصانت ارکانی ایلہ جہانن مناد الیہ بالینان اولوب اباء کرام
 واجداد عظام فحتہ عاجز و استخلا ضدن تسخیر قلعہ سپہر والا
 و صید عنقا کی مایوس اولمئلند در بعون اللہ تعالی قلعہ نکہم فہدن
 اژدہا پیکر طوبلر قور بلوب و کرد اکر داحاطہ اولنوب و اول طوبلر کہ
 ہر بری اتلہ فی کوکلر کورلیوب ویرلر دترہ یوب اول برک حصار کیدنی
 سکہ خزان کی نوزان اولور دی و هوایی طوبلر دخی اژدہ را تش دم کی

د مادم اسمانه چکوب فلک بامدن شفق شامه د کين کوک یوزندن کفار خاکسار
باشنه طاش یا غردی و تغفلردنی هر طرفدن طولوکی یا غوب شاخسار
کفاری بی برک و بار ایدردی متع الا بواک نفرتم بموینله مو طرفندن وارشی
الما غلبه ایچدن اولان کفار قلعه نک بر قانده دچی منحصر ایدوب انش غصب
حسبت قرمان انفعال بولوب سنعذبهم مرتب ایچی مویخته نکدر ضاعقه کردار
طوبلر قور بولوب جیش غزات دچی بر بردن بور بوب صدای الله اکبر دن
کون و مکان غلبه ایله مال مال اولوب عسکر یولاد یوشک خوشدن زمین
و زمان خروشه کلوب لغلرک والوله سندن ان ذلزاله الساعده شتی عظیم
فلع نک بر جلدی برک گاه کی تار و مار ایدوب روز رختین و تگون الجبال
کالعهن المنقوش مثال بولوب نار و مار اولوب ایچدن اولان کفار هریری
نهنک جویبار کا دزار ایکن سوسماره بلکه مار ایکن موری مقداره دوب
دست سینه ده کا دزار قدرت و پای کزیده قراره طافت قالیوب فلعه نک
مغنا حارن نسیم ایدوب من بخا بر آسه فقد ریح مغر بمبله عامل اولوب
جانلرین خلاصه رایج اولغین بر دچی حکمت مرتضوی که اذا قدرت عدول
فاجعل العفو شکر القدره متصالحه بغه فالاندی مکارم جماله شاهانه ال
خط امان شریف احسان اولندی

فی نامه ردوس

استخلاص فلعه ردوس متغیر ایچون اسباب قتال و ابطال رجاله مالا
مال باد سیر و کود مثال سفاین و مرا کبله و زرم عطفو یا نامعدهم ارال
ایدوب توفیق رفیق و الدین جاهد و افینا لنهذیهم سلنا مرا ققتله
بر برده قرار ایچوب بور بوب مصطفی یا دچی فرمان جی باغ اوزر
دکر اولان کلبدر ایله بال اقبال و شهن طغری اجوب و جبرین بهم
بریح طیبه مویخته نفرتم باد نکا و کنه دو شوب اخر موافق

فی نامه ردوس

روزگار را به مجمع مخالف روزگار اولان جزیره قلعه مربوط به ^{صوب}
 بولوب نتیجه فتحک معدمانه نصب نفسا ایدوب غوم عسکر حصار
 قونادب اسباب کارزار و ادوات کیر و داری هر جانیدن قوروب
 و بالجه قلعه مزبور رود و سک صورت حصول تلکی نظر خیالده صفت اشاع
 و فرض محاله موصوب اولوب حصانت و متانتک کیفیت تعبیر بن عفو اعلا
 عاجز و مهیوت اولوب در و دیوار نکلول و عرضی تقدیر بن خرد خرده بین
 حکما قاهر در خد قنک غوری غیر تنهای عالم و دورین و جو سقنک دوری
 عبرت فنای جبرخ برین کننده بار و سی افسر قنایه عسر و قله سنگ کلاه
 منزل سماکه برابر اولوب بونجه ماه و سالدن برو بر پادشاه قلعه کشتا
 و کشور کیراینه ضمیر بن وجه شجری کوریک مبر اولوب بوحال الله حشر
 الملوک قالمشدر جمله اقطار و اطراف عسکر نصرت مقرون غله که تره یون
 عدو الله و عدو کم فصل ناطق دیر منجون اولوب هر جانیدن
 عسکر نصرت فوج دریا موج سوق اولوب بر بر صاعقه کردار
 طویل فوریلوب آوازه کیر و دار دروازه جرخ این ابریشوب
 هر طوب نره قبل بل صور اسرافیل کی آوازه شنیدند بچعلون
 اما بعهم فی اذانهم من الصواعق خدر الموت فحوا سبل احتیت فوت
 و برو و هوایی طویل درخی شاهین بلند پرواز کی اول ناکسار که
 سرنی دولنری اوزر بر صعود و بری هبوط ایدوب صبح و شام
 اسما ندن با شلیقه طاش یا غردی جنگ و آشوب سهندن و تفنگ
 طوب و هندن بر جلار و ستند بدن ندن غیری بر کاف باش قالدیر
 قادر دمل ابدی انواع جد و جهد و رحمت نصاکر عظیم لغزل قلوب او دور
 ان ذللة الساعة شی عظیم دنیا و اول برک حصار که بدنی بر کفر ان کی نرزان

۲۸
 اوج نرفعه او لان سرکش قلہ لری فجعلنا علیہا سافلها موحد توامع
 یلذ بوکوب محکم دیوار لری روز رستخیز و تگون الجبال کالغیر المنقوش
 بقلوب تار و مار اولدی اما کبر و داخلین اولان ملائین قوافر مرد
 نبرد و تکار عدد و عدد برله غرور لری زایل اولما یوب وظنوا
 انهم ما نعتم حصونهم غزاة کماة او زربنه سنگ و جوب و تفنگ و
 دن غیر ی کیری بولر غنی اوب ترم و تعدی ابد و ب لکن غنایلی
 اخلاص شاخسار دل مسرت حاصلده استعینوا ~~بالتقوی~~ بالله واصبروا
 ان الارض لله یورثها من یشاء ابتک مفهوم بنادت انشایی
 مترنم اولوب و ملهم طرق توفیق کریمه نصرت ضیمه یجبرهم
 جمیعا و قلوبهم شتی فوا سیله ضمیر روشن تدیری جل و کشف
 قلوب فاذا دخلتموه فانکم غالبون مرده سخی جمله عساکر نصرت القاء
 استماع ایندکن یوما فیوما تحریب و تعذی لا یخفف الله عنهم
 العذاب و لا هم یضررون مضمونه تصاعف قلوب و طوب و تفنگ
 جنود مجنده اینما تونوا یدرک الموت ولو کنتم فی بریج مشیده
 مفهومی کوشن یهوشلرینه متصل اولاشدروب و خندق کنارین
 از دها طویل املوب و دهلین لرایله خندقک اچندن دیوارنیک
 التنه کبرلوب غلندن قازیلوب بر برابر قلوب مفتح الابواب
 انا فتحنا لک فتحا مبینا معا و نبیله ابواب فتوح ابلوب هادی
 ادخلوها سلام امنین معا و نبیله هان بیوت و اسواقک اجه کبرلوب
 حصن حصین استقامه کر میجه پنجه فیه دن خلاص بولما دبلر

۵. سلطان سلیمان پسر قهرمان فرم خانی اولی سلطان
 دین و دولت او غورین ساجیل و جهاد نور سنده مراعیان و جاهلو
 فی سبیل الله فرماتنه فرمان برور غزائینه سنده تیر برور و دشمن فرسو
 سنده باش و جانه فالما یان ارور و هیچا دمنده از دور و غاکوشه
 دیو پیکرور کوم و رده دیوچی لر حرب در با سنگ نهنگری ضرب دملرنگ
 پلنگ لری او قلرین یرده دوشر میندر قرار دن عاراید پچیلر بنر کونلک
 بوله بر کچه ده ایلغار اید پچیلر تاناد صر مرکز ار میر و میرزاده لرینه
 و نامدار و زاده لرینه سلام سلامت غامری اولاسدر و باعلام
 ایدر نرکه سز لری قید جاتنه خان فرمان دان یلوب اغور مزده مفر و فاسندن
 و جنود اسلامه امداد و اعانته تدبیر دلدار کوه مطاوعت و رای دلبر
 موافقت ایدوب ارالرنده اخلاف اولایوب کاد و افکار لری خلاف
 ایتلاف اولایوب و قشهر نه تشویش لیر فایل قتلوق بر محل و سبع و جای
 متبع ده قتلایوب اردل ولایتی بنام تخمین ایدر بخ اول دیارده ناحیه
 ایدوب تکرار قهریم دیارندن سوار اولغه و مسافات بعید مروری فاشدن
 و انمار عظیم عبوری مخافاتندن بینار اولغه مودی ایتیموب جمله سی
 ال بیه و حسن موافقت اوزر تدبیر ایدوب اردل سنگر بر جای نهادن
 قنلا یوب اول بهارده دشمن مملکت لرنه فوشون فوشون الای الای سمیت
 ایلغار ایلدر و ملاغینه عسکر چل را بر شجیه کوزاچدر میوب گشت
 و گذار و گشت زار امید لرین کعصف ماکول ایدر لر ۷۷ حفظ الله
 سلطان سلیمان انکروس قرانی مغلوب ایدر کده سده سعادت و فام تمام ولا
 وزیر یا شایه ار سال ایلدی و صورت قیام نامه در
 چون ایات قدیمه ربانی و قصور سعادت بقصص مجاز تنزل عظیم و فرقا
 کوم ده قتال منزکین و تعذیب کافرن ایچون مسطور و معین اولمغین

ابا کرام واجداد عظام انار الله برهنه احرار متوبات عز و جهاد این
هدایت معتاده روی اولوب بغدادی ذات خلافت نصاب شایسته هر بار نصک
عنایتی ظهور و یاور و ریای جهان کنای خسروانم مقدارن فتح و ظفر در ذلک فضل
الله یوتیه مزیاء والله ذو الفضل العظیم بناء علی هذا حضرت و اهل العظام
در کاهنه روی مال ایدوب آیه فاذا اعزمت فوکل علی الله متفصلا عن غایت
بی غایت الهی تبحر نواله توکل و سالار رسل هادی سبل مقصود جزو کل حضرت
محمد مصطفی نیک صلوة الله علیه و سلام معجزات کثیره البرکاتنه توکل ایدوب
ان الله یحب الذین یفعلون فی سبیل الله صفا کانهن بنیان موصوف ابتک
فخوای سعادت ناسندن حصه دار و بهر مندر و جاهد و ابا موالکم و انفسکم
ذکم خیر لکم امرنه امتثال ایله دارینده متاب و ارجمند و ملق ایچون غرایه
عزم و نیت ایدوب کفار و تجار و طایفه اشراردن فرقه اندوس منحوس که
رسالت سید الکونین انکار ایله مانوس و ضلالت و طغیان ایله طریق هدایت
مایوس در مملکتی مله صق دیار اسلام اولغین عنان عزیمت ظفر قرقر اخروم
اندک اوز لرینه منصرف و منعطف اولوب متوکل علی الله العزیز الفتاح
دایان ظفر خجاج و الویه نصرت مفتاح ایچون عساکردن دیا جوش و حمان خروش
و جندیان جوشن چو شایله منازل بعید و مراحل عریده قطع ایدن بهادان
عد و شکار و دلیزان خنجر کزاردن روم ایلی عسکری بایلیک قله نهامت
بهر پشته تجاعت صفدر دین پرور رستم میدان ظفر شیر غزین دزم بهاندای
و در غین مجرد کامکاری المجاهد لوجه الله و زبر اعظم و روم ایلی کلز یکسی
ابراهم پاشا دام الله تعالی اجلاله فرمان شریف ایله برکون ایلدو عزیمت ایدوب
دار الفتح و النصر قلعه بلغراد اوکند جاری اولان صاوه صوبی اوزرند عبود
عزات نصرت قربن ایچون و مبارزان دزم این ایچون فرمان هابونم ایله ترتیب

اولان جراسوار و بنای ثابت القرار دن عساکر انجمن خارجیه بر سره کجوب
صحر و جبال پشته و تلال مجیم جا و جلال عساکر دیرامثال اولدقن مقبلرخیه
بنیادی اقبال و دولت ایله و شیران کوه و صفا و هزیران قلعه و غامشید منافی
دین و دولت مهاد ساس عز و رفعت وزیر لر معصطفی بانا و اباسی شادامت
معالیها و ابوالاهل اناطولی بکلر کیسی بهرام بانا و سایر قیوم قولدری و اناطولی
دلاور لری ایله عزیمت عالی نمیت اید و بجزیره مسفوره طلال دیات سادت
ایاله مستعد اولدقن انکروین یونس کفر اینک حصون حصینه و قلاع متینه سندن
قلع و اردین که حصانت بنیان بایدار و متانت ساسی استوار ایله استهار بولوب
بروج هوامکافی جو سمایه داخل و قلل ایمان اشیانی فلک البر وجه عامل درون مقر
عقارب و کفار بیام نثار خاکسار اولوب سنگ راه جهاد و بغین موی الیه وزیر دولت
مشیر فرمان قضایان ایله قلع و قمع ایچون عزیمت ایدر چک قلع نک باقی نومور نام بایک
شباطین استیناس عسکر بچر و ستاره فی قیاس نوحه انصرع قصد نه قلعه سی و کنده
کروه شقاوت شکوه جمع ایدوب خاطر ایکن علی بنیده الغزاهن پوش اولان
یلانیم خروش و دلبران دریا جوشک هجومی کوش بی هوشنه وصول بولدن
قراری قلایوب طونه ی کجوب مقابله سنده الایلرین باغلا یوب کی لری
کجور ملک سودا سیله عرب لر ایله طویلر و ضربن لر قوروب بوتانده بعضی
نعالی صویوز ندن دخی سکر یوز مقدار ی سفایز نصرت قراین ابطال
رجال و بهادران دزم و قتال ایله ایر شوب حوالی حصار بر و کجرا جنام
تربا نظام و فلک فلک قیام ایله مالامال اولوب سرعنیز فائقو الدین
لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر سامع جنود موحدینه لایح و سانح
اولدقن انبوه غازیان و زمره مبارزان معرکه کیرانله مشارالیه و ذیولم
قرو جانبدن حصار واروشینه و کبکرم دخی صویوز ندن کفار خاساک

طویلری و منور لری اوزرنه هجوم ایند و کلرنه دلاوران شبن جمله و پلنگ چک
 و بهادران بدر صدمت و هزیرا هنک جهنم داره جهان یوزین تار و تنک ایدوب
 حق سبحانه و تعالی تک غنایتی ایله واروشین فخر ایلوب ایچند بولنان مرده
 خاکساری تیغ اتشبار و ظفر کار ایلله طعمه کشمین بیلر ایدوب کیلوم چی
 بر بکادن کوزاچدر میوب صاعقه کردار و رعدا تار طویلر اتوب و جعلها
 رجوا للشیاطین مقتضای کفار ملاعین ابحار جان شکار ایلله رجم و نسکا
 ایدوب طویلرین ابطال و لایلرین تار و مار ایدوب بایاس و سوار توابع
 ناسیان ایلله این المضر کویان فرار اختیار ایدوب صویوزی کما هو المر دفع
 و کشاد بولردن قلعه ده اولان طایفه طفیان پیشه و عنده عصیان اندیشه
 و ظنوا انهم ما نعتهم حصونهم قلعه لرینک متاسنه اعتماد ایدوب احراز اوزر
 اولمغین جوانب دبعه دن طویلر قوریلوب بیل و نهار د و کیلوب قتل و برچی
 اهینن سنگ ایلله مانند کفگیر اولوب در و دیواری صدمه طوب قلعه کوب
 ایلله ویران و خراب و قلعه و بار و لری ضربه لغع بنیان اشوب ایلله تالان
 و پیاب قلوب غیرت اسلام و محبت دین سید الانام علیه الصلوة والسلام ایلله
 عزات نصرت فرجام و عنده مغانع الغیب لایعلمها الا هو صداسیله منعم
 و منعم و ربنا وثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین قولنی کویا اولو
 بهادران میدان عربین و جنگجویان مصاف و معرکه دعا بیستجاب ایلر
 سایه سعود ایدر کی حصاره هجوم ایدوب دامن کیر قلعه هواشیان اولدو
 ایچروده اولان ملاعین خاسرین کد و کلرده الات جنگ و جدال و اسباب
 حوب و قتال ایلله حاضر و مهیا اولوب غازیله طوب و تفنگچی دنگ و جت

لعه کین

ضرب اهنک و نفط و چوب و سنگ حواله ایدوب کشتن ضحوة کبریه و درجه
 طرف طرف جنگ و اشوب و لا اشوب طایفه مؤمنین کفارچی دینه سهام خون
 اشام و پکان اجل بام ایلله فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون پیغام آنها
 و شمیر دشمن کیر مرک تأثیرک سنان و تبع و تیر موت تدیری ایلله انشا
 تگو نواید رکلم الموت و لو کنتم فی بروج مشیده خبرین انبا الیدلر اما
 اول کون تقدیر چی لایزالیده فتح مقدر اولیا یوب استعینوا بالله واصبروا
 ایتک مفهوم سعادت منظومی خواطر غزات طفر مرآتة لایح اولغین توقف
 اولنوب ماه شو الک بدی کویچ بوم الجمعة در زکارد طویلر و لغزلر آشدر و بریو
 اول قلعه اسمان هسر فجعلنا علیها سافلها موجنه خاکه برار یعلوب هر خه
 فتح مدار و هر کوشه نصرت شمار ندن نصر من الله و فتح قریب علامتی
 روشن و پیدا و ظاهر و هویدا اولیحق کفار خاکسار و عب و عراس مستوی
 اولوب نیجه بی حسنت شمیر بران و هیبت تبع و سناندن سراسیمه و حیران
 اولوب عساکر جنگ جوی صاعقه خوی دچی بحال و بر میوب هر طرف قلعه
 قویولوب ملاعین خاسرینک زکور بن علف شمیر و اناس و اطغانی مجوس
 و اسیر ایتدکن قلعه نک بورقلا و سایر بنا ملری برقله نخصل بدوب ضباب
 جلالت مآبدن قرع باب استیجان ایتدکلرندن العفو ذکاة الطفر موجنه
 مزبور لرد امان شریف احسان اولنوب بوم مزبور ده مبشر فتح و اقبال
 انا فتحنا لک فتحاً مبیناً مشرد سنی کوشن هوش جهاننا ابر شد کن فجاج
 ذالمن تقدست الاوه د کاهنه حمد اولنوب قلعه مزبور اطراف و کتایه

منفوح و منحر اولوب كناس و معادي حوامع و مساجد اولوب و از ان
او قنوب جامع نرغنده اولكون جمه ناري قنوب كعبه منور منور ك قنوب
اولان ابلوق كه حصص عك بيان و باروي فلک اسنان در تهم نور استواري
مركوزا كه وصول هر فله كردون كله سي اوج هوادون كره افلا كه دخول ايدوب واري
خندق عجبني عبرت ناي ارباب عقول اولوب بنياد سنگين نماندن مهندسي ناي
چرخ بدايع و تنظيم بروج اسمان عروجنده استادان كامل صرف صنايع قلوب واري
ارباب كفر و نفاق و اصحاب صلات و شقاق ابله قلوب و لغين اولفله كردون
مقتانك دنجي غنايت حضرت ذوالجلال ايله تعالي سانه استخلاحي بچون مسار اليه وزير
اعظم جليل الشان فرمان لازم الاذعان اوزر بر جوانمندان خيام اسمان نشان و صو
طري دنجي سمايادان كيدان ابله محاصره قنوب از دها كردار و تعبان اتار انشقام
ودشمن شكار طوپلوق و ريلوب شب و روز نايه حرب و قتال ظهور و بروز ايدوب
انا فانا صدي زمزمه هيجان ايله كيند كردون پر خروش و ساعه ضاعه بخار خون دشمن
ودخان طوب و ضربن دن قبه خضر دود پوش اولوب چار ديوار ضلالت اتان
اينجده معذب و محصور اولان فرقه ضاله پيملون اصابعهم في اذانهم من الصواعق
حذر الموت حسب حال كيري اولفله اخلاص اعلام فتح پيام اهل ايمان و رايات
سعادت ايات نصرت نشانك اتار طفر ناي ايله كفر كراه ان چند ناله الم الغالبون
معنا سندن خيبر و اكاه اوليحق خلاصه اماندن غيري راه بوليوب موسي
اليه وزير مبادك ضميرك دامن شفاعت تقيت ايدوب دكاه نصرت پناه دن
استدعاي غنايت ورجاي شفقت ايتد كلرنه فاجعل العفو شكر المقدون
موجب قلعه مزبور اها البته امان شريف و بوليوب ماه فر بودك سكرنجي كوفي
دلبران دشمن بند و عساكرد دبا مانند قلعه دخول ايجون وارد قدر زمزمه فجار هزار

بریل و انکار ایله قلعه فیوض اویوب صدای غیبدن تلقین ادخلوها سلام
 امنیق کوش هوش مسلیمه ابر شوب حق بجاء و تعالی نک عنایتی ایله ابواب
 فتوح مفتوح اولوب قلعه لرینه دیانت نصرت سمات نصیب و لنوب ازان او
 اوقنوب صدای نافوس انرار کلبانک سعادت مانوس ابراره تبدیل اولدی
 و عزیمت عالی نهم کوش بی هوش لرینه واصل اولدقدن انکروس قرالی اولان
 لاوش قمرال کند و لایند و سایر مالکدن اولان فرقه و خاسرین بی دینی جمع اولد
 مهاع و بکله معروف صحرا ده کلوب اراء باطله و انکار عاطله لری منفسا سخ
 عسکر اسلام ایله مقایله ایدوب طوب و ضریر نکر و دروب اون بیکدن زیاده تنگ
 اندا زیاده سیله جنود موجودینه خاطر و ماده اولش ابدی بیخ دجایینه ضمیر خسروا ند که مدار
 الهامات دیاغ در چهره ظریفه عسیر یکم ان یه لک عدو کیم و یستخلفکم مشاهد و ظاهر
 و مرات خاطر عطرهما بنامد لقاء سعادت ادتفاع و اورشک ارضهم و دیارهم
 و اموالهم کون کی روشن و باهر و ملاغ عنایت خالی کونین و معجزان سید
 التقلین صاوة الله علیه النجا ایلیوب لشکر کوه و قار و عسکر مود شمار سیاره
 مقدار ایله زکو اولان صحرا ده مقایله اولنوب جانبین دن نوایر قتال اشغال
 بولدقدن مجاهدان دلاور و چالاک زمزمه نگیرو و تمیللی مسمع سبحان صوامع
 افلا که ایر شدروب صبح ساز و عدا و از طولرک مهابت و غریبوی اذاززلند
 الارض زلزلهها ایتک منهن منل شمار ایدوب شعله شمیر دشمن کین ایله شمع
 تبر و قوزان و نیزه جادستان لعل اشک کی درخشان اولد فی پر قو طوب و
 بکاد البرق یخطف ابصارهم موجیه جهنمه عذاب الیم و عقاب عظیم البلیق
 دستور دولت مشیر و زبر اعظم ابراهیم یاسا و سایر عسکر طفر کت سیوف ایدار
 جوشن کذا ایله عسکر غدار طعمه شمیر استیوار و نیزه شهادت انار ایله خود

و تیراهن منقار بله جنود فخاری جاکسار ایدوب کشته اعدان کوه و صحر
پشم و جبال و میدان معرکه و قتال جیف ایدان اهل ضلال ایله مال مال اولوب
اول جانیده صورت انزام مشاهده ایدوب کج مستفزة فرت منقورة
قرار کوسر بیک مهابت و انوب جنگدن بصری بصیرتیه دنیا جمع مورچی تنک
کورینوب و للبطل حوله مقتضایه هر چند که عسکر منصوره مقاومت ایلدی
یعنایت الله دیوان ببرافکن و غازیان صف شکن کفار لیامک حیاتدی خرمین
اشق فنا ایله کان لم یکن شیئا مذکور ایلوب اصحاب سقر و سیری جهنم یطوینها
فیس المصیر جانبیه ایصال ایلدی احوال امریخ فتح فیروز لقد نصرکم الله فی
مواطن کثیره مهیدن تسخ ایدوب نیم امیر اقبال این فتح و نصرتی سامع موجدیه
ایر سردر مکین قرال بد فعال من بخا نرا سه فقد ربح قولیده عامل اولوب اول
معرکه کاه ظفر د سکا هدن فرار ایدوب اول لشکرا بنوه شقاوت کوهی عسکر
سلین تعقیب ایدوب اکثر فی قلچدن کجوروب و بعضی توبه دو کوب ال فرعون
کی بلای غرقه مبتلا ایدوب باندرینک و سردار لرنیک باندری کلوب علق تندر
دشمن کبر و بیغیه السیوف اولدری محبوس و اسیر قلوب اول نحی کل کلبا علما
معکوس و مجلبات و برافندی و طوب و تفکیدی انوب کلبا اله کرندی طوب خیمبر
اهل منقار و لاشه لری لقمه مورد و مار اولندر الحمد لله تعالی اعلام اسلام مؤید
و منصور و اعدای دینی سید الانام مدقم و مقهور اولوب سلاطین بامدار
و خوافین ذوالاقداره میسر و لیسان فتوحات جمیه الهی حقک غایتی ایل احباب
جلالت مایه نصیب اولدی فقطع دایر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین
ایل اولم بوفتوحات کلبه نیک تاریخ سالی که کلام هدایت نظام **نصرة الاسلام**
ایل موافق دجهور اهل اسلام مسرور شادمان اولق ایچون دارند علم هابون ارسال اولدی
انشا الله الاقر تبلیع ابد بیک شکر ایلوب بواجار فوج اناری اعلام واقفا ایدوب

سندن مملکه قادر و هر شکل اولان امور استخدا منه قابل عنایت علیه بادشاه
محل و مستحق قدیمی امکدار و مزاولین موجود که لحدار لوکتابی صدقه و احسان
اولحق با بند و حسن معاونت مکمل الما ملرنیک مساعده و عین مظا هر نری ایله
معاضده و د سنکیر اولقا امید نه صحیفه استشفاع ایله صوب صواب اتقاریه
انما اولن دنی الطاف جسمیه و اعطاف عمیه لرندن التماس اولنور که وجه مسئول
حصوله موصول اولسنده سبی جمیلکن در بیغ اولنیه

دیکر

مزبور داعیلاری علمای عظام خدمت لایله کتاب بهبود و حلقه افاده لر نیه دخول
استیهاب وجود قلندر عتدن ماعد کنز و دخی بصاعه عمرین اضاعه ایتوب بحصل
عرفانه نقد حقن دایما معروف و مجربین علم و معرفت جانبیه عنان عزیمت هواز معظ
قلق اوزده درحقا که ذهن وجودی یان لعلی اسم بلکه وجود زهنی مثال معلوم
عالم در الحاله هذه نواله عاطفت شناسی به کای رجاسن اماده و نثار عطیه
خسروانی به دامن امیرن کشاده قلوب دارود یارندن دور و اهل و عیال لندن
مهیجور اولسدر شنایسته شهر یاری و بایسته قانون هرقت کاری باب عنایت
سمایه باز و خیبیت ایله رجوع ندن کما ینبغی احتراز قلمدر چونکه غرض اظهار
وفاق و زمره سابقینه قصد التحاق در بو مقدار ایله التماس اولن دیک

دین باطله دن خروج و دین و طریق توفیق دین محمدی به ولوج ایدن

خفیه ده

توفیق الهی رفاقی ایله طریق حقّه مقتدی و دوا ایمان محمدی ایله مرتدی اولو
کلوب محکمه محکمه دین متین ده نایبه اجبار و اگر هندن عاری و دین و شبه
دن پاک و اری اولد و یی حالده حلیه قبولدن عاطل اولان دین باطلدن خروج
و شرف پر شرف اسلامه عروج ایدوب شهد کلمه شهادت ایله عذب الیمان

ورطب اللسان ودين باطلدن يقوب دين اسلامه داخل اولدوغني

اعلان واعلام ايتشدرد

در نسله اجباب

دکتر

لنبو محضر شريف صفاعنوان املا سنه د احوالان عمده سالکين سخنيان علم و علم ايله
موصوف و دوع و زهد ايله معروف عالم رباني مريد مذهب نهايي د ايت مراتب فضل
و يقين حاوي فزاوي فزكو فان الذكر ي تنفع المؤمنين عالم معالي تقرب د احوال
تاويل كشاف معضلات تنقيح و صاف حقايق اصول و توضيح دقايق فروع و عن خاطر
تفسير و حديث نقله قادر كاشف مراد حقيقت منظر انوار طريقت فصيح اللسان
بديع البيان بر پر صالح واعظ و ناصح اولوب محب انوار الهي و مورد و ارجات
ناستاجي اولان مجلس و عضد خاطر ين مستعين اولان مؤمنك كلمات انسيه
و انفس قدسيه سيده د ما غلرين تعطين و قلبلرين تنوير ايدوب هر وجهه
مرشد سالکين و هالکين اولغه مستعد د ايعلري اولوب ساير صلحاء ابرار و شيخ
احرار د و عظم و نصيحتلري مقابله سنه مصادقه ايدن عواطف عليه يادناهيدين
مزبور د ايعلري حقنه دخي بر شمع ظهور ايدوب پير لك عالمنه علت فقر و فاقه
دن نوع افاقه بولوب حضور قلب و جمعيت خاطر ايله افاده و استغاده ايجون
خلف خلفاء الرحمن سلطان زمان خاقان اوان شرف سلفال عثمان حضرت نبيك
دوام دولتي و قيام عزتي د عالريه منحصل و ملق رجاسنه حسب حاجه درگاه معلاه
صوبه دفع اولديك

مولانا مصلي الدين حقنه يادلان محضر

دكتر جمله علماء ياد قلري صورت تعريف مضامير

ال حالي جليلة كرامت ايله آراسته و جهر اعمالي زيور سعادت بر له پير
دلايل تاثير رباني اخلاق حميده سند ظاهر و مخايل هدايت سبحاني
اشفاق بر كن يده سنه باهر د

نابین لرولده ارمنشاه داریخی لری باور و کلام
روشن و ضمیر حرکت اندوزد مبین اولاکه خصم من خورشید نظیر آینه که
منبع زلله معارف مباح و متکلاز (شور قیام معنی ناخ در و کلام)
مالک عالم من دفع و ششم جبهه عجم کوز منقضا شیم بوجای کفیفه اسوار
و کلیت اشغاف باینج سکر کلاز لولوا نظام منکر و رشتیم بیام عقو
ار تمام و تیر طر و طو

ملکه مکرمه معظمه شریفه بادشاه طر و طو
بارالان تعزیت نامه صورتی در

الحاله هذه ارادت ربانی و مثبت سجائی بر له بر موجب فوای سعادت اخوی
کل نفس زایقه الموت و الدماجد کوز دار جهانه نبات و خلود و بقا و بود
اولاد فی فهم الیکین لباس جانی نیاب ثمانه تبدیل الی یوب دار خور و دن اشغال
و ساری سروره ارتحال ایلدوکی سامع علیه یاد شاهان مرده وصول بولدی الحکم
لله العلی البکیر ناله وانا الیه راجعون حق سبحانه و تعالی زلزله غر طویل و بحر
خبرل میسر بدی بمنه و کرم حال اخلع لباس مایع ایچون خلع فاخره مزدن ایکی ثوب
خلعت مورت البیحه ارسال اولتدر کرکدر وصول بولتدر قدیم الیامدن اباء
گرام و اجدا دغطا مکرل اسنان عدالت نظام و دودمان سعادت ابلخول اولان
محبت و اخلاص و مودت و اخضا صری موججه ارسال اولان خلعت فاخره مری
انواع اعزاز و اکرام و اضاف جلال و احترام الیه استقبال الی یوب الوی کیوب
دخی کماکان جاد محبت و صدقتده نابین قدیم و شاهراه مودت و محال صدق و محرم
اولوب حمایت دین و دولت ابدی بود طرفین و رعایت امور جمهور سعادت جا بینند
کما فی الاول بذل مقدور الی یوب مساجی حمید وانا جلید کوز ظهور و بروز الیه عم

حج شریفه

اول دعا لکه زمزمه تسلیه محمدی کبی مقبول خدا و شول تالو که دیدید
کوی احمدی کبی مرشد راه هدایا اول آنحضرت حرم محترم و هدیه ذات
مکرم قلند قد نصکره انما بحمد محصل متاف و رفعتی اه برا شوق اول
حایا کتاب منکین دقاری وارد اولوب ^{للافتح} مفتوح تن من زار قبری
و جبت له شفاعتی بنارخ فحوا سجنه زیادت مرقه حضرت دسالت پنا
و طواف مشهد سلطان بی مع الله اردو سیله انک جنم زمزم ایدوب
احرام شوقی پرورش و بنادت حدیث شریف مذکوری کو تو هوشه منکون
ایدوب بی اختیار عزیمت دیاد کعبه و نیت یتریب و بطحا و طیبه ایدوب
خصوص واجبا حصولک وصوله ذوق و ضغایله سبی اینکچون استبدان اول
خدای رب العالمین دن مروجو و تمین دد که اول راه با ضغای محسن مک
خار مغیلا نی کل کلن ارا دم کبی خرم و ریک پیا بانی هر دم دینار و درم
کبی محترم کو سترو بوز اقلق لریله حجر الاسوده و بحال اینک میسر ایلم

حج شریفه اجازت

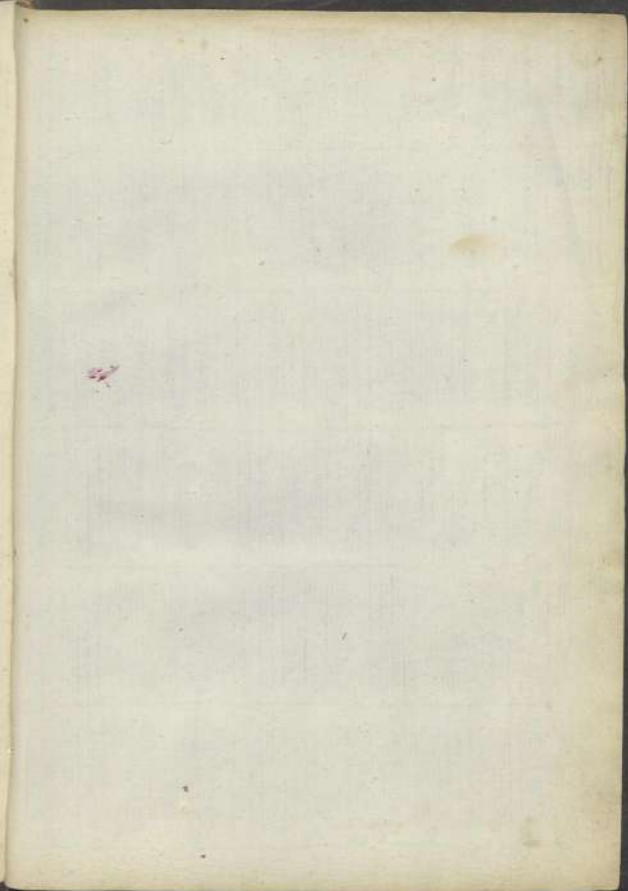
حاسبه بساط خلافت فباهره خلد الله ابامها الزاهره شفاء اجلال واعظام الله
تقبل اولند قد نصکره فنون ابتها و ضاعت الله عز و لنور که طواف بیت احرام
و زیارت روضه سید الانام علیه الصلو و السلام معظم ارکان دین خفیف
و غمد احکام شرع شریفه اولد و غمدن غیری اول منادل و جی بین و مهابط
حضرت روح الامین که مواضع قبول طاعات و مواقع اجابت دعوات در
تراب سعادت نصیبانیه یوز سوروب دوام دولت و زافزون ایچون
نصراع و مناجات اینک جمهور اهل اسلامه اهم مقاصد و اتح مارب و طغین
اول دیار جمیله الانار و اقطار جمیله الاقدار افنان و خشن نوجه و روانه
اولق بوضعیف نا توانه زمان مدید و عمر بعید در که اجل مطالب و اعز مایه

لكن تقدير رباني موجي اوزير استدعاء هايون بوزمانه مرهون باش
حالا قوت جسمانيه ضعف مبتدل وقدرت روحانيه عن مخول اولوب
اول مطالب عاليه دن حرمان خوني متولي ارفعين متوكلا على الله عز وجل
ازن هايون اميدنه صورت حال پايه سرير عالم ميسر رفع اولندي

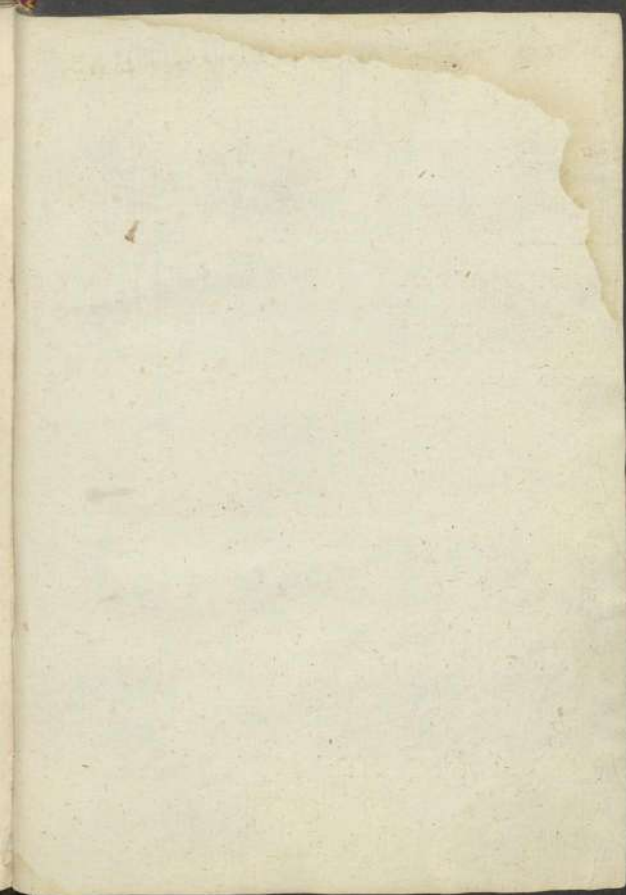
اول انرف ارباب مرقه ^{دکن} واکرم اصحاب قوت مسافر بنی البلد الحرام
لايس لباس الاحرام داخل باب حرم واصل مقام محترم زابر بيت الله العظيم
طائف الكعبه من و الحطيم لامر الحجر الاسود ومشاهد نور روضه محمد عليه السلام
راي روضه انبيا ساجي ساجي اوليا داعي مرابي اصفاء اوليا السائر بين
المروة والصفا الواقف موقف الاعظم في العرفه سالک مسالك المزدلفه
راي حجرة العقبه شارب ماء الزمزم كاسب انواع الخير والنعيم المشرف
بشرف المقامات الترفيع المغنم وبقنايم الخبرات في الامكنة اللطيفة جعل
حجه حجاب مبرورا وزنيه زينا مغفورا وسعيه سعيًا متكورا حالبا استماع
اولئك اول سفر مبارکه واروب تمام ابدوب نور و روضات انبيائي و منظر
مقامات اصفاء و اولياي مشاهد ايله نوزلر كن منور و دماغ جانکر معطر و اوب
كبر و امن و محنت ايله مكان اصلية كوزه وصول ميسر و لشرف سجاد و تعالي
محکري مبرور و جمل ذنوبي مغفور ابدوب ساير مومنين فرد سار كوره
دخي بوسفر سعادي ميسر و حسنا داسنه قيايي مقدر انيسر و لا امان

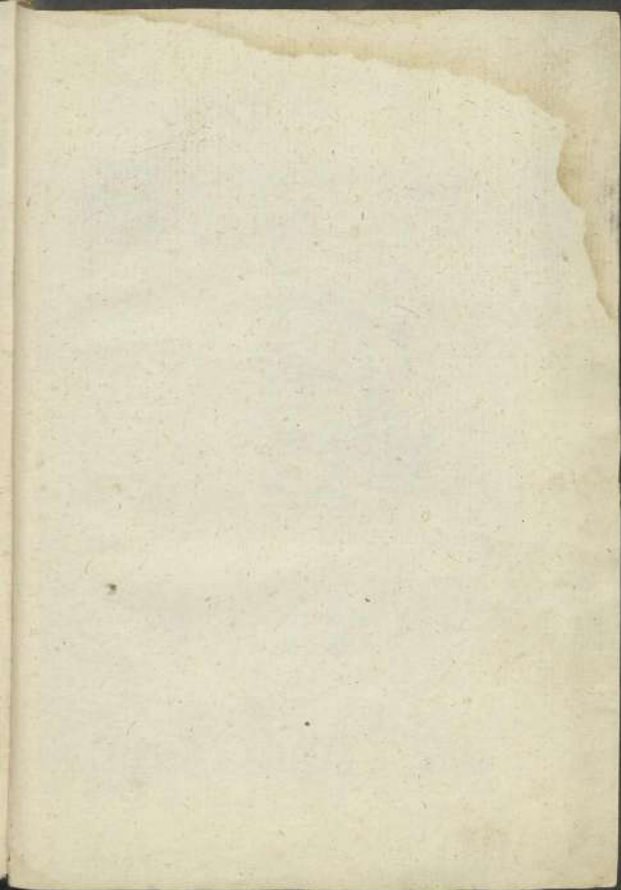
اول حيطم منيف اعالي مطاف ^{دکن} و حريم حنيف معالي طوافلر نيك سدا سرده
اوصاف و غننه عليه كعبه ايتلا فلر نه انما بي ريب خلوص تصاف اولدر كه

اول قبله اقبال اعظم و كعبه اجلال اكادرم و افانج اولان ذات لطيف
قدسي صفا تدري فرمان جهان مطاع **و لله حج البيت من استطاع اليه سبيلا**
مضمون هدايت پيشگاهه اقتفا و اتباع پيروي طليعه ره دو انان ملاه
اعلا و بدرقه صحرا پيمايان عالم بالا ايله الطفا و قات ميختن التمام و انرف
ساعات مخفرت انجام ده متوجه طواف مشعر الحرام و عازم زيارت روضه
منوره سيد الانام عليه افضل التحية والسلام اولدو غلظ استماع ايتد كن
شيب برين مرده كرجان فتاح دواست كه ابن مرده اياش جان ماست مهنوي
اوز دست توقع و رجاي جانب سمايه برداشته و ايادي تضرع و ثنای
درگاه عالم بالا يه افراشته ايدوب بويگه اول هاي شربلدي و تاهبا اقبال
استيا نه سعادتمندي بو حقير نكته بالگ مقام في ارامنه نزول ايله جا يگاه
امال و اما نيزي رفيع بلند و خصا بعض نزهتگاه بخت اقبال نيزي عطر ايتري و
كل و يا سمن ايدوب و يا اول صبح سپهر جاوداني و مهر نيز اسمان عنايت دباي
بو عز تجوي ارز و مند لري جانينه بر تو افكن و انا رغبنا راي سعادتمند لري
دين دل و جان منور و روشن ايله ديوعرض حاجات و رفع مناجات ده اكن
حكمت رباني سحاب نامرادي طلوع مهر اقبال نه هابل و خارستان حرمان و مهنوي
اول گلبن باغ سعادتك شجاع جبات افراسيله مهر ياب اولق شرف نه نايل اولما
دغمزدن خاطر اندوه كسه اولقن عوارض عرضه و غم حاصل اولمشد كه امداد
قلم و مداد ايله دايه تجربه و بيان دكلدر همان اول جناب الملك الودود ددن نیاز
و غنا اولور كه مدار تهور و اغوام ايله صحيفه عالمن وجود پر جود لري سماء اوه
دفعته پر خواند از محبتان صادق الجنان اينكدن حاج و دور انغم ايتري و كن
زياده تفصيل مقال موجب تصديق اولق اما ايله تركه قبول كلام قلندي



دوام دولت ابدی یونیدم روز افزونم ایچون دعایه اشغال کوسنه من خیرا ۱۲۱۵ هـ
۱۸۶





بنیاد الله تعالی و فله و خود را بفرستاد اولوب قبضه نصیر کسکین
 سلطان سلیمان خان کوندرکی کلمه فتح در

بسیر زمان دیدی انتظار بی و منتظر رویت جلال بجا بسته و کوشش میدی
 اشتیاقان اصغای نوبت بشارت نه طوبی طور در کماله مناسبت بتا شین
 نسیار علم غیبی طری غری قدر امضای ذلک الکمال لایب فیه و له
 بشیر سعادت مشیر وارد اولوب خبر کوندرکی و لی مصروف الی بل مقدر
 از پاتابرق بولاده عرق عسکر جزار و جسد کینه گذار ابله بادشاه فرستاد
 یوسف میریک کرب غراسه غلعل و حایز اولوبین رای عالم رای صاحب فانی
 و تدبیر جهان کنای قهرمانی بر مقتضای قول سند الانبیا رسند لاصفیا
 علیه من الخیات او فها من التسلیات ادکها حدت تریف الایمان یضع
 و تسبون شعبه اضلها لا اله الا الله و ادناها امامه الادی من طریق
 عنان غریبی لشکر صفر رهبری له لازالت منصوره الحیا فتح القیون و
 رایات فتح آیانی بولما بر حجت منشوره الی یوم العشق اولنجاری هیجاریه
 اوزرنه سوردی احوال امر زلیح جلدن رماح و زینر کله که و امیرنا علمیم
 السو آیه کریمه سنده مظهر در و طرب و تفنن بر که ترسیم بحجارت مجید
 المصدردر و سیوف اتش بار ابله که و ازلنا الحیدر فیه بالی شد در دن
 عبارت در و مصادمه کوز و شمشیر ملا عیده و تیغ و تبر که که فیه ظلمات
 و سعد و یوق اندا استعاره در مقابله و بغالتله اولوب تنور کارزار بر
 رجهل قزیه که نور زین و استمال ایلی صوردی و رماح تساح نهاده و رشا
 نقیاد فراد سیمجه مستغرق ایکنی نه دلا تشنه کمدن لیوت رضه دار و
 هزیر جان سبارکی دهان لردن زیاندن بر قارتی جقارون و خسته و شکسته
 یتر لردی آخر و کان حقا علینا نصر المؤمنین و کذلک نجری بحسین
 الا ان خرب الله هم لغالبون بخلی ایدرب تراکب کراکب شمارک غبار شاد نصرت

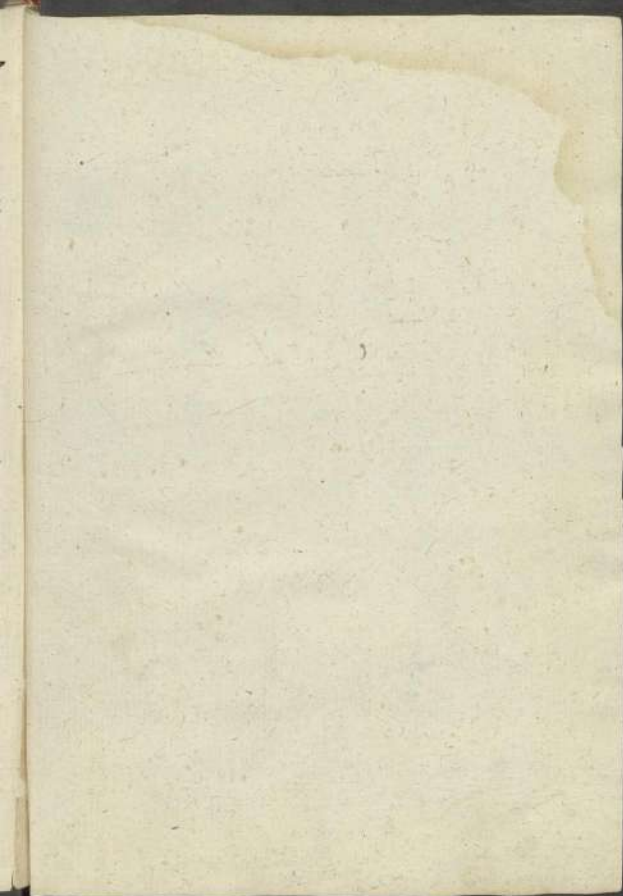
انجام
 فتح

کتابخانه خطی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تهران

انارندن اول قوم براد بارك روز روشی کوزلر شبتان رتیه جان شکان
بکی غلف غشیا شتبار و کچی اسیر کند اجد ها کوداد و سر و سرور لی ۹

~~پس هر زمانه در عهد انطاری بو انیتک روایت جمال اجابتنه و کوش
امیدی اشبو تقید که اصغای نوید بشاد شده صوب طور کن
ناگاه مناشیر تا شیر بجای علم الغیبیدن~~

۹ سر جمله خاکسار اولدوغی اخبار منسرت دنار سامع قطان محافل بان
و مجامع سکان صوامع اهتزازه ایر شوب پس سر رشته زبان فراید
در رسک و محامدایله منحن و هر دج دهان قوال بغیر انیم و مدح
مرهون اولوب یو سرور الیه اول طوطی لر تکلم و بوجبور الیه جان
قری لری ترغ ایدوب **ب** الیوم انجزت الایام ما وعدت
و اد زکه المجد اقصى ما یتناه **ه** الیوم اسفر وجه الملك مبتعاً **ه**
واقبلت برید السعد بشراه **ه** عواره اقبال هفت کشور و اقطار
واطراف فالک بحر و بر اول سلیمان زمانه مسخر اوله



حمد پدید و انشأ اول و اهدب مواهب الای لا یحیی خبائنه که جامه عفت
 در بر و عمامه عافیت بر سر و لوب لباج و ایامه احکام احکام سید الانام
 علیه لطایف الخیة و السلام میفتخ انعام مهمام فقر و ضعفاده قاع استجلا
 دعای دوام دولت بکلاه دین پناه سعی جمیلند ثابت و دایم او کور و صواب
 نکیل مهمات حریفین محترمین و تحصیل اموال پست المال سلطان البرین و البحرین
 انک امور خطیر لرینه تسخیر سوا عد اتمام و تقید و اقدام اولن و انناسند
 حکمت خدای علام باغت استحکام احکام اولان بکلاه ظل الله خلد الله مکه
 و ابقاه طرف سرفتن کلن خط هایون سعادت مقرون ایلا خلعت بهجت ایت
 کلم سبی بغایت محله مصادف اولوب انخ اعظام و تمجیل و احترام ایله
 اشتغال و لب ادب برله تقیل قلوب شرایط توقیر و اجلایه اکمال انفسکن

بیکایت الله تعالی و حسن توفیق هنوز شیخ وجود معمور و صحتده شعله حیث
 ایله انجمن افروز و قدیل ذات مخافت الود فقیله عافیت ایله بر توانند
 اولوب نب و روز بود یار میمنت پیروزده سعادت یو باد شاهزک پایه سر
 خلافت لری بام استانه هسر و منجوق دایت سلطنت لری کنکده برج کیوانه برابر
 اولوق دعواتنه مداومت و سلطانک وجود بر جود لری بهجت اقوی
 صدر عزت و ذات مکرمت موجود لری انجمن آرای پیشگاه خدمت
 اولمادن خالی اولماق اورادنه ملازمت اوزره ایکن بروقت بکلاه

بحمد الله الملک الودود روضه وجود نسیم عافیت و صحت ایله موجود اولوب
 دعاء دولت دوز افروز باد شاهجه اشتغال و بود یار جلیل الانعام

ماورد اولدو غمخیزنه عامه تحصیل و سبب استاء سعادت انبیاء کوندر لمی مقرر
اولان ارسلان تکیلی و سایر وجایه متفرع اولان مصالح علیک تک حسب المقدور
اداسته دقت و صرف محنت و اجباء صداقت پیمانک ارتفاع درجات عمر و دولت
و حصول مقاصد دنیا و آخرت لرینه بخلوص القلب مواظبت اوزره ایکن در دولت
سربو این پنج احتیام داود فولدری بیضا مود ممتا ایچون خط هما یون جلیل المقد
ایله برقی قطعا و امر علیا ایراد ایدوب انشاء الله تعالی اول بهار خجسته انارده سرخ
سرخ لالت شمار جانلرینه معمم اولان سفر نصرت دنارا ایچون سردار بلند اقتدار
حضرت لرینه مقرر اولردن بیک نصیر برار قولدو اسایه فرمان اولمغین بر موجب امر عالی
فرمان معایه لری جمله اهالی دیوان مجعده قرات اولنوب جمله بی سمع قبوله اصفا
و فرمان باد شاهیه سمعنا و اطعنا بدو کلندن صدکه زمره مزبور دن الان حسب
و قتلا قادر کار دهر و حیلک دما و اداء خدمت باد شاهیه سر اوار و توانا اولدر
دن برار و جماعت شعار کیمه لرا انتخاب اولنوب ارسلان اولمغین

بنایت الله الملک العلام وجود خجیف ناکام شمدیکی حالن کیم صحتده مقام و مرغ
روح و حشت انجام هنوز لانه عافیتده ارام اوزره اولوب صبح و شام دعاء
دولت روز افزون باد شاه عالمینا ه دوام سیما مر و لو سلطان حضرت لرینک
امتداد فرو شوکت صدارت انجام و غن قریب الایام قدوم سرت لزوم معد
انتظام لری ایله دیوان منبع الارکانه رشک سپهر میناقام و سایه مکرمت استقام
لرینه نیم فولدری کیم جاده اخلاصده قیام اوزره اولان عباد ناکاملدین سرور
المرام و شاد کام اینک رجاسنده ایکن حکمت جاذبه عبودیت و نتیجه شوق
نیردنی دپلدرین قریب حواری حکومتی اولان مضر فتر دار لغیه سوف ایتمکیل حالده
خزیننه عامه خدمتیه تمیید و سلطان حضرتک بوجانلرله متعلق اولان خدمات
عالیه لری تکلیفی الیه اساس میناقی عبودیت تمیز مشید اینک اوزر سنده اولوب
هر وجهه سجاده خدمتکارینه سر نهاده و جاده عبودیت و فرمان برداریه ابتداء
اولدو غمخیزنه عامه تحصیل و سبب استاء سعادت انبیاء کوندر لمی مقرر

اگر اول ذات خجسته صفاتک تصاعف الطاف و توافد اعطاف
معتاد اولش نقیذ دعا کوی و حقیر ضایعوی خفته ساعده
بی غایه صدور و ملاطف بی نمایه ظهور ابدی و محو خوال و خستار

الو میانی مکارم اخلاق و محاسن مراحم اشتقاق مقتضا سنجه
عواطف جليلة الشان ظهور و عوادف جزيلة الإحصار صدور
ایروب ^{دک} کهکالطاف کامله بنر کواری و اعطاف تمامه
نامداری مقتضا سنجه نفحات ازهار مکرمت قاج و لمعات انوار محبت
الایح اولوب ^{دک} و بعد ذلک بوادی غمہ سالک و بوادی المدهالک

اولان مخلص هوادار و محب و فاشعار حالذین استعمار اولور سه
چه نویسم که دل از درد جدایی چونت بی غدلیب که بوستاندن دور
و غریب که دوستاندن مهجور در غنچه صفت بورکی بر خون و برک
خزان دیدن کی حال دگرگون اولور ^{دک} اگر نیم محبت تحریک سلسله صداقت
ایروب بو محب فخلص و دعا کوی مخلص قبلندن فی الجمله تنقذ حال و نصرتی بال
بور بور لبه ^{دک} اگر سنت سینه خلت شعاران صفا حلال و عادت به
اخوت گذاران و فاضال اوزر بودای مکی و صدیق دین بنی طر فیذن نفیض
بور بور لبه ایام و لیالین از تکام صیات طیبات مجد و دول و انجام سجال
نبوضات فیاض ازل برله نهر فیاض ریاض امل عینہ جاری و مسلسل اولتی اشد
سنه اشتغال و ملخوس بور لبه نوادی بسرم الشوق ما کیم فایتکین قول المیاه کیم

دگر
اگر جانب عباد صدقت سماء التغات سعادت صفات لری میزول بور بور
بوقاضی صومعه خمول اولان جا کر اخلاص شمول طرفندن تقید تفقد خاطر
خاطر فضایل ماهو لری اولور **دگر** کبی خسته دلان یاد میتوان کردن
بدین بهانه دینی شاد میتوان کردن مہوی وزیر حال زاردن استعمار خاطر علم
معجز آثار که جلوہ گاہ الہامات پروردگار در گذر ایدر **دگر** الکو
کے کشتہ صحرائی محنت و کشتی شکستہ در بای ملا متک تفقد حال بر ملائی و قح
کیفیت مافی البالی لایحہ ضیر عالیشان و استیای خاطر دیانتان اولور

دگر
اگر خاطر خطیر واقف الضایر و ضمیر کاشف السرایر برین و مخلص فی اسبناہ
و محبت تناخواہ لری طرفہ عنان عنایت منعطف و عطاء عاطفت منصرف
قلوب استطلاع مساری ساعاٹ و استکشاف بحاری اوقات عزیزان جریان
و سریان ایدر **دگر**

دگر
اگر بحار در دریا با اشتیاق و عنان بی کران مکادم اخلاق لری منلاطم الامواج
و متراکم الافواج اولوب بوسر کشتہ کوراب حیرت و تحسیر ساحل تفکر و کنار
تذکرہ القا ایدر **دگر**

دگر
اگر مانند آفتاب عالمیاب پر توالتغات و اشفاق لری شمعہ انداز افطار و
افاق اولرچہ بو محنت کشتی بفرق طرفہ دخی کوشہ طاق استنطاق دن اشراق
ایدر **دگر**

دگر
اگر جانب عباد صدقت معاد مودت سماء التغات سعادت صفات لری میزول بور بور
بوقاضی صومعه خمول اولان جا کر اخلاص شمول طرفندن دینی تقید تفقد خاطر فضایل
ماہو لری اولور **دگر**

دگر
اگر دای لطیف و کرم و عنان خلق و شیم جوشہ کلویا شبو کوراب شفقہ سرگردان
و ساحل حیرت بی سرو سامان اولان مستعد ظرفی خاطر عطر خطور ایدر و کیفیت جلال
و کیمیت مافی البالی نقص بور بور

رفاضة نصاب و محمد بن رفاضة انتساب لولون فتوة و مروه
 ابله مداره : علوم نقلية و حواشي فتوة مرغية ابله مزاركي : معارف
 عقلية لبروب مطالب تصديقه بن نياي موهبي س افران
 و نبي بن خفيقه بن مقلد بن صحيح بن لشيخ ابله اقله طالب اولاد طلبة
 افاقه و تعلیم و لطفا لبردي و فہم لبروب اولاد انا رضى فضل
 قلوب سحران قول رفاضة و خواطر سحران نياي رياض
 قابض نور سوز اولد بالجملة لطائف اوقات باہي کاہ و سراف
 سعاد بمن سعاد کاہ اسرار تنزيل اولاد تا دسر ابله
 توضیح و نصيح لبروب مجمع اسراف کاہ نکات خفاياہ بن اولاد
 مفتر باب سواد و کاہ احاديث معارف و فہم بنوہ علم
 الاصول و النعم بن اسرار نکات و مرموزات مکتوبات نقاہ
 نقاہ رولہ تصديق و نبي لبروب اسلوب مرغوب اولاد نفي ابله کسب
 مجال زلالہ زعم و باغت نيل لافضال مکرم و

صورت مقام تعریف با دانشاه در تعریف ذات یاده

[illegible]

مصرف
 الخوارنما من دستفرا و بار کفایا نام و نویسی و این ممالک ~~الاول~~
 و مسطوف اولی کلدر محمد بن علی عرصه افاق علی الاطراف مساوی و بار
 شرق و مکتب جی و ده نابا و صاب و غیره نیز سحر شمره ها کلدر و قضا
 ناشرین اولون ~~س~~ عساع فوس قاهره لوزنه نیو قیامتیه قاصد
 سکه و تنغ زر خورانی ~~س~~ سکه کاغذی نیو جیا و جیا ~~س~~
 اولمقله رایس فیروزیه و دایمیه جی نلاری و کل خنن و زروه
 و غیره بر بنیادی و لولایه ساریه التواء سده باره و توکیه لویه ماه
 و پروینه هند اولمقله

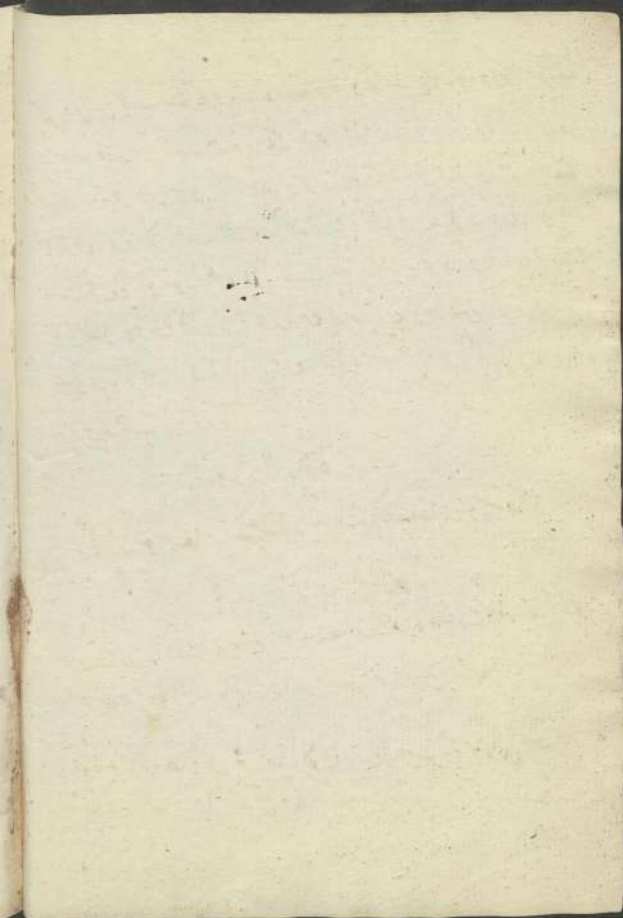
وزراء كجوه

سول از طومار علی محمد رستمی به زار مغازی و سفار

تعريف علما براى عفت

تاریخ علمای عراق
حاشاکه حاشاک طبع خام و لون بیل خطام زبل عصب و استقامت
ایرمن و انار حب مال خا درون صفا مقرونه کبر من اوله

جوه بوفل من صان من كبر جاني طوق وتين الربط مطوق وماض ومنفصل
مصاوير اللطف والشفاف المنة مستقر



واعظ ومفسر بوابات سر بقدار

صورت برباب واعظ ومفسر

چون که در حضرت مکی علیج اربعه در سیر برین بالکله و الموعظ الحی
شرفی نه و حکمت و وعظ و نصیحه عجم ظاهر الحی اولون مواری خوار
و جاء، نه که موعظه من ریکه موعظه نافه نضای جامعیت رندر و صوری
دارین باغش فوز و فوز منزلی ابرو کنه بر حافه باور الیه اولمدر ابرو طایفه
طوبی وین کون سالکانه ماهی حق الیقین اولنکه اقامه طایعات
و نه که مکاران خصوصیت عبادت بهد لری ده که در عقیقت فیه مندفه و عجم
کانه لری هم، لطیفانه مرتفع اولمکه فیه مندفه نفوسیه منور قلوبیه
اندر کیش الحیدر اکبر مندر ایات سر بر عالم شجر و اعظ و ناصح اجم و لایع و رکه
بجیع منافی جامع و غظ نافه ایل فیا و ع کرام افعاله بسببین، و لری خولص
و عواری اعمال و نه فیه ناصی اولون ارضاع ایاکین موعظین عجم ارضاع
انامک نور وین عجم ابرو کین تعلیم و تنه ایل ناکه قدیم لطیفی جاوه و بیانه وضو
ابرار تزلزل افاض تخلص مملکاته مانوه اولون نظارم شکوکه و زو هام و
مصفوه اوللار بنای عجم اهل مرعوم و مقنونه جمع الحافه نه خانه سکته ارضاع
عجم الحفای محرم و استنول و لری اوللره جامع و یقین یوم ابرو نور اجم و غظ
الیه و اعظ اوللره کس و اوللری لری عکره المفیدی زبده المذکور
کث فی خولص الاایان و السور مفتاح معضد اوللره شکله البقره عظم
انوار بیانه التزیل مظهر اسرار الاول بحقیق الاول صحت البصایح
البلیغ الجلیله نور و الموعظ الفصیح الجمیل خاوم العلم و النور
موز و ناصح ابرو عجم حصه رتبه بالجز و اوللره حافه و جیه عصر فبر و عجم

[illegible]

صورت برات میر میرانی جزایر نجیب الدین پاشا

نشان شریف عالیشان سلطانی و طغرای غرای کبیستان خافانی نغز بون
الربانی حکمی اولدر که جوز حضرت رب الارباب و جناب سبب الاسباب
جل شانہ و عم نوالہ و توالی کمال قدرت مشیت و نور موهبت و عطیاتی ایلہ
منشور پرنور سلطنت و خلافتی طغرای غرای **انا جعلناک خلیفۃ فی الارض**
ایلہ موقع و مویشی ایلوب خزانہ **واللہ یؤتی مملکۃ من یشاء بغير حساب**
دن ذات شریفی سهم اعلی و اولی و نصیب و فی و مستوفی ایلہ محفوظ و مرزوق
قلوب مغایج حل و عقد و قبض و بسط امور جمهور بر ایایی کف حکومت
وید سلطنته مفوض و مغایداحوال جهان و جہاتی قبضه اقتدار و حوز
اختیار مدہ مسلم قلدي **ذلک فضل یؤتی مملکۃ من یشاء واللہ ذو الفضل العظیم**
و غلو عنایت علیہ و سمو عاظمت سینه سندن قصر سطوت سلطنتی
متید و رفیع و بنیان شوکت و خشمی مہر و منبع ایدوب فرمان
قضا جریانی بسط زمیندہ مجری و مقضی ایتکیون عنوان احکامی **واولی**
الامر منکم ایلہ موقع و محلی ایلدی الحمد لله علی الایۃ انوار فیض فضل ربانی
هر روز صفحہ روز کار مدہ طالع و لامع و انار عون و انعام عام مجاہد
هر ساعت جہرہ ایتامدہ واضح و لایح و سعادت جاودانی قرن حال
و تابید سمانی رھین مال اولوب صفحات افاق صیت و صدای
جہان کشاملہ مغنیر و روضات اطراف و اکناف صوب دیاخ
عدل شامل و لطف کامل ایلہ مشور و معطر اولدی **وان تعدوا نعت اللہ**

و صورت پروات سلطان در
خير الدين ياشانك قيود النقي براتنك موريد

لا تحسوها لاجرم شکر علی نیک النعم الشکر يستحق المزيد ذقت
همت سينه شادانه واجب ولازم ونهت عليه ملوکانه لا بد و هم متعتم
اولدیکه اقبال دولت واداستانه عليه اسيان فتحته شرف التجا و اخلاص
ايدن ارباب عز و جاهک رياض فواد و اسالي نساج عنايات باد شاهانله
مخضر و حديق مردات و اعالي شجاع حجابات شهنشاهانله معطر و مزهر و لایناء
علي هذا دافع نوبع دفع خاقاني و حامل بر بوع بوع التبليغ کشور ستاني
امير الامراء العظام ظهر الكبرياء الفخام ذو القدر و الاحترام صاحب المجد
و العز و الاحتشام المحفوف بصفوف عواطف الملك القلبي المعين
جزاير يكي خير الدين دام اقباله جبلتد مرکوز اولان انا و صدقت
و خلقتد مفر و مرهون اولان سلامت فطرت مقنضايه ددگاه جهان
پناهه التجا و اطاعتی بر پایه عز و دولت و بادگاه معدلت دستکام
طرفه اتکا و مطاوعتي پيرايه رفعت و سعادت بلوب عبته عليه
رفيعة المقدر و سره سينه جهانداره کلوب خلوصيت و صفای
طوبت ياله عرض عبوديت البوب اقليم خلا فتمده جمله احوال سلطنت و جلاله
باني و کافه امور خلافت کشور ستان ضيا و وزارت ماب صدرات نصيب
دولت آسباب سعادت انتساب واسطة عقد الدولة الابدية
رابطة عقد السعادة السرمدية فايد جوش الاسلام صاحب العز
و الاحتشام الصادم الصمصام ضرغام يبلنک شقام اصف الزمان

ملاذ اهل ایمان حجة الرحمن علی الانسان مصدر الطاف فی اشها مظهر عواطف الله
 تعالی الذي تلاقوا من وجباته احواله نور اهدي وتبين من افق سعادة شمس الا
 غلغلة الغازی فی سبیل الله المجاهد لوجه الله مبارک الدولة والدینا والد
 نظام الملك فام مقام سلطنت سر عسکر سانی رتبت ووزیر اعظم جناب
 خلافت منقسم ابراهیم پاشا ادام الله اقباله و زاد جلاله نک ارای صایب
 اصابت قریند یزید مفوض اولغین وجه و مناسب کورد کلری اوزره
 بندخی انک باینده عواطف خسروانه و ابراز عوارف ملوکاته مختصر اولاده
 عموما طونفا کیلر مک خدماتن یلده یدی کمره یوز بیک فی حق حاصله الیق
 واحری کوردوب توجیه و تقلید و تقیین ایللیوب الله بوبرات سعادت
 ابائی و بهجت غایبانی و بردم و سیوردمک بعد الیوم جزا بر ولا یتک بکلر کی
 و دریایه متعلق اولان خواص عیون سعادت مفروغه مخصوص کیلر مک
 تصرفی المذره اولوب دارالنف و الفتح محمد د و وسن او توروب شولکه
 شرایط خدمات مبروره موفوره و ساعی مشکوره جزا بر منوره بکلر
 یکیلر کی در مودی قلوب و حفظ و حراست مملکت وضط و صیانت و نیت
 و رفاهیت و اسایش عباد و ارامن بلاد در انواع ساعی جمیل و اضاف
 خدمات جلیله ظهوره کنوردوب دقیقه فوت ایلیم و دار السلطنة العلیه
 فسططیه المحمده واقع و کلی بولیده اولان جمله کیلر مک ضبط و حراستی
 و دایرینک و اوده با شیلرینک و عز بلرک غزل و نصبی و ذکر اولسان کیلر
 نجس و نریبی و باجمل در یایه متفرع اولان جمله احوال موئی الیه اولوب وجه
 مناسب کورد و کبی اوزره عمل الیه و دریایوز نک حفظ و حراستی و کفاد اتق افوق
 دفع مفرغی ایچون دو تنایه احتیاج اولدقن وجه و مناسب کورد و کبی اوزره
 اول خصوص کوردوبه مفوض اولوب کند و رایله عمل الیه ۲۱ اخره ۶۶

غمان بانایه یوسف
ایالت یوسف
بازگشتند

اول فرج شاه سدرت نشانی نور سطلت در بر مکتلت و هفت بار از کین
مژدیر لدولر کمال سلام برین قدوح مدللیر لال و کافی و نافع جوی مدله
دلاصانین لیل و دلیر لدولر گنجینه یخوب جوده برقررت ازله لزلره و جو
لانی مایه حکمت لیکه گنجینه و نقاشی قدرت قلم دلایین دفع لیل صورت لکونی
نصیر لکیر لره برین قدرت بیانی لیل خلوص در دوز که جگر جود بر دوز لکونی
از خروان کن صحیفه و ناصیه سره مرقع لیردب لبر لوله قابلیت منتضاج
حکیم مورد نفع و قدرت نمود در اعلام لیل و قدوح بر لولر کافی و خدایین مرتبه
درین لیس در دوز تریکا صد در بلوغ لبر مقرر لدلین عین علی و یوسف
و عولان جلیه و یوزانی و جاسم و خود لانی و نبی بام و کفافی و نوری
بر برین لوله دارن مینوز و مکتوز و خلقت لطیفه و مکتوز و دوز لکونی
محاسن اشعافه اظهار دلکشی و قلی لجه لقلب و دشتی بر جسد نزه طلی لبر
در این بعد به یکه لوله و لوله جانیده عام و لبرین کفایت کف کفایت لکونی
قلندری لکونین کما عین سبج لوله و هدی و یاسین و صلا و صلا و صلا
ستف لکونین و برین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین
او لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین
حیات لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین
لدولر کفایت و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین
یوسف و لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین و یکه لکونین
مخوف جوی هادق لکونین از دوال بدولر جمیع لکونین و لکونین و لکونین و لکونین

اول فرج شاه سدرت نشانی نور سطلت در بر مکتلت و هفت بار از کین

حصص

[illegible]

مجلس حضور و غیاب

اوغلان سنت ایدیک
تخلیب اچو ندر

از این کتاب

[illegible]

آفودہ کی

بسم الله الرحمن الرحيم

و احسن در آله حبيب رفيع الدر و غير ذلك من ثمرات
 اهل حجاب كعبه في عليا و زمزم و ارباب برادر عوده و ثقف
 و ارباب **ديكي** حضرت باري البور يا نبيا في الوطاب و
 و الجود و خذاف الملك و الملكون جلد فرخ و القاهره
 و جنت حكمة الباهره و له فان ملك صفات جيلت سارن
 نوازده اصف تفرع از دوازده ارباب و ارباب برادر عوده و
 مفخر شمس و در دوازده ماز بزم و فخره سارن زبده و
 صوفى ملكان در **استعدا** و استجاب از دوازده تعاجيب
 جميل و فايض و اخاينى احكام جليله و در دوازده
 غيب و كونه ظهور و در دوازده ارباب افضا و عار و در دوازده
 اخذار و ارباب مدار و در دوازده رايحه و در دوازده ارباب
 قلوب و جواهر و در دوازده غلام و در دوازده ربه و در دوازده
 ارباب مطالع افضا و فيض و در دوازده ربه و در دوازده
 شوارق و در دوازده ارباب و در دوازده ربه و در دوازده
 زوارق و در دوازده ارباب و در دوازده ربه و در دوازده

نقشه نصب
 بود و در دوازده ارباب
 قدر جليل و فضيل و در دوازده
 و در دوازده ارباب و در دوازده
 و در دوازده ارباب و در دوازده

[illegible]

مجلس شریف فضایل شعار و محفل منیف افاضل قرار که مقسم ارراق قرار
لا زال ملاذ الکافه الانام و مصونا عن نواب الایام صوب صواب
انجامند در دروغ را نبه دایقه و زواهر دایقه ایبار فلند قد نصکند

مجلس شریف شرف انار و محفل منیف فضایل نگار صوبه هزاران هزار جواهر
زواهر دعا شمار و در دروغ را نبه دایقه ایبار فلند قد نصکند ضمیر عدم النظر انما
دایمی شمار بود که

ناله سینه خورشید فایض الانوار در بای اخضر فلک دوا داده ستار اول
و مادام که زورق زمین مطبق لجه عمان بی کواندن لنگر سکون و تمکین
ایله استقرار بولا اول معدن علم و فضیلت و صدق لای ایتقان مکرمت
اولان خداوند عالی همت حضرت لنگر گشتی وجود فایض الجود لری مساعد
شرطه نماید نردانی و موافقت هوای توفیق سبحان الاله بحار سعادت و کامرانی
ای یوم القرار ستار اول معدن خایه اولیه

رکاب اقباب نظیر و خاکبای اکثر باینه انواع تغلیم و اکرام و اوضاع
ادات و احترامه روی مایلین و جهر عبودیت ساینه فلند قد نصکند

مجلس شریف و عوفان بدر آسمان فضایل و ایتقان اولان افندی حضرت لنگر
حضور شریف اقدس و محفل منیف مقدس ساینه هزار قصور و افتقار ایله
روی مال اولند قد نصکند

مجلس شریف شریعت شمار و محفل منیف سعادت قرار شریف الله بنیان
دولت ای یوم القرار صوبه انواع اعزاز و اعتبار و اضاف اکرام و افتخار

بر له جواهر ذواهر در دعا محبت انار احتاف و اهدا قلند قد نصکره
نخبر بند آینه نظیره که مشکوه اسرار و مرات انوار در انما محب مخلص
بی اختیار بود که **دگر**

مجلس شریف خرم و نادی لطیف مکرم صوبه اکرام تام الله الوف
دعوات مسکینه اختارم اهدا سند نصکره غوث مخلص مستهام بود که

دولت افتخار با بام سعادتی بانای کامکار حضرت نکر
حضور مکرر شار لویه ورر اوعیه پشمار افکار بی تکرار رولند قد
صاکر انما مخلص صد رفیع کار رولور که **دگر**

فطب نلک هدایت و غوث اسمان نهایت ناسک مناسک سراری مع الله
و سالک سالک اینها تو لوقم وجه الله پیشوای اصحاب حقیقت مقتدای
ارباب طریقت مجمع الاخلاق الرضیه معدن التقوی الذکیه الفرید الوجیه
الموحد بالتوحید شجما و معتد الملة والطریقه والدين حضرت یک مجلس
ملایک مطاف و محفل منیف جهان طوافدین انواع ادعیه مستجاب که رواج
نجات مسکاسی معطر شام روحانیان و اصناف انیة مستطاب که فواج
روحان جانفزا سی منی دماغ کرق بیان اولای البلاغ و تقدیم قلند قد نصکره
مرفوع مخلص قد بود که **دگر**

مجلس رفیع فلک ارتفاع و محفل منیع ملک اجتماع لازال شرفه و مایع رفقه
مهر و ناب قبول الجباع حاله انواع ضیوع بر که ذات فایز الکمالی هجته
مسند نشین شریعت و مستند مسند حکومت اولی قد خای اولی ادعیه
کمال حقیق و ان مواظبت اولند قد نصکره انما دعا اولی که

عزیز فرزند این پادشاهی نیک خصلت و ساری فتوح حضرت نیک حضور شریف خجسته شما
و محاسن لطیف حقیقت انتمال بر این انواع ارزومندی و اخلاص پروری و افتخار
دلبندی و اختصاص کسری ایلادین دوام عز و اقبال و ائینه قیام مجد و اجلال
لریز ایلادین بال مال مال قلعه قد نصاکر معروض سعادتی بی اشتباه اولد که

دکتر

عنصر جهان دولت کو بر کاه سعادت اولان دولتی و مرقی و عامه نیکان
اخلاص نشانه شفق تو سلطان حضرت نیک خاکی سعادت افزای جلالت الشاهی
که مصباح و مرآت و مقنا و کلید جواهر مهمات در کمال عبودیت و اخلاص
و نهایت طواعت و اختصاص ایلادین مال قلعه قد نصاکر عرض نیک بیغیر و رفعت
حاکم و صداقت کار اولد که

دکتر

عزیز و سعادتی پادشاهی ملک خصلت حضرت نیک جناب فلک رفعت
و حضور ثریا منور لکرتی که مهرین آسمان اقبال و بدر عالم کین سما اجلال
همواره بساط مجلس رفیع المقدر لری قبله کاد کافه انام و بساط جناب بلند
اقتدار لری جای پناه خواص و عوام اولم و دعواتی و ضایفه فیما مد صکره
انماء و لخواه صداقت انجام اولد که

دکتر

دولت و مرقی و نلو سلطان حضرت نیک کشته بساط فضیلت مناط و باحه عزت ایلادی
دولت انبساط لری که سرچشمه فضایل و عرفان و منبع ذلاله افضال جود و احسان
و ماء معین زند و نوال و ناصر و مری اهل کمال در کمال خلوص و وضو زعت بکرتی
و تبجیل و مرید صداقت و ارادت ایلادین و تقییر اولد و فده صکره عرض داشت
بنده و اتق البال و صاف دل اولد که

مهر
دگر
غزلو قزداشم اغای حمید الحضال سعید الفعال حضرت نیک حضور مطبوع الاطوار
و خباب و الانصاب مدو و الی انار لری که مجمع شعایر اقبال و منبع قواعد جاه و
جلاله و رزاق مقدمات فخالصه کشتالایه نقاوه و عوارث طبایع صدر راقه
ایای و خلاصه تجلیات فخالصه غایات اهدار بسنده حال انهاء و ونحو خالص
الینیات (و لدر که) **دگر**

د و نلو و مزلو سلطان حضرت نیک مسند ارباب اقبال اولان خاکبای
جاه و جلالت لریه جبین سای و غبار نعال جلالت مثال لریه ناصیه فرسای اولان
لوازم اعزاز اوقات زولایه نظام قواعد احتشام و زرافرو نری دعوات
مرف مداومت و اشتغال د نصکره عرضه بند کمر خالص الیه لدر که معمور
مهریه نک و مضاف شدن اولان جین وین و حریمت جانبار کین و فانی شعاد و امور
لریه اطلاع جانر کور بلور لبه د بیاچه شرف نام سلطنت و کلزار حدیفه دین و
دولت افتاب اسمان جهان داری قطب دایره معدلت و کامکاری سایه امن و
امان عالمیان پیرایه مکرمت وجود و احسان د و لوق بلایه رایت دولت اید
پیوند لری محازی قبه و سپهر و اعلام نصرت سعادت محمد لری ملاصوح سر علم
ماه و مهر و املق او رادنه مواظبت د نصکره الی انشاء الدوران مسند
اصنی سلطان حضرت نیک وجود پر وجود لریه شرف یاب و دامن احسان
عاطفت غور لریه قبله کاه شفاه او و الی الیاب اولق دعواته مداومت
صکره بالعدو و الاصل مامور و لدر و غز امور **دگر**

د و نلو و مزلو سلطان حضرت نیک مبارک با شفق لری ترانیه انواع خلوص نری
بر له بوز سور دگر نصکره داع الاوقات بوار فی جلیله سلطان حضرت نیک زولایه
عمر و دولتی و نظر بهجت اثر بلا هیدن مقبولیت لری کوندن گونه درجه اعتبار

206 ونبولند ترقی اتمک اورادنه خصوصاً دولتو وعدالتو یادشهرک و شکوفه
باغ سلطان اولان شهرادکان سعادت نشانیکن هر برین علم حده دعالر
ایندر مکر نصکره عمر کزرن بو خدمت بر میمنت دن بران خایه اولمادخی
علم عالم ارا ربه ظاهر و هویدا یورله **دکر**

ص **دکر** دولتو ورتلو سلطان خضرلرنیک خاکبای کیمیا خصلت و عیار اقدام توبیا
خاصیتلرینه که کل دیده عیون اعیان و نور باصره چشم عالمیاندر ناصیه
باز و افتقار جاده اخلاص و عبودیتده نهاده وجهه ضراعت و انکار استیجاده
اختصاص و صداقتده ساییده قلوب لوازم دعاء دولت روز افزون
لری بالغدو و الاصال مداومت و اشتغالدن صکره عرضه نیده و اتق البال
بودرکه **ص** **دکر**

دولتو و سعادتلو و لی نعمت بابام خضرلرنیک خاکبای سعادت اختصاص لری
انواع صدق و صفا و اخلاص و اصناف حب و لای خاص ابله مراسم قواعد و
روز افزون و لوازم مقدمات حسنات مقرون دعوی که لازمه اوقات
شام و سحر و وظیفه نظیفه احیان و سهر در مداومت و مکرر قلند قد
علو و سعادتلو سلطان خضرلرنیک خاکبای منبع بلند مقدار و حباب و الانصاب رفیع
لریه هزار عبودیت و افتقار و انواع اشتیاق و انکار برله موکر مبانی صداقت قدیم
و شید معانی مخالفت صمیمه اولان لوازم اخلاص و ادب و مندی و مراسم اختصاص و بلند
برله و ضایف اوقات صحیح و شام و عادت معتاده لیالی و ایام اولان از دیاد شوق
و اقبال لری دعالرینه و امتداد طبقات فرو احتشام لری ثنالی ربه دوام و نصکره انماء
دولتو و صداقت بیام اولدرکه

○ **صبا** **دکتر**

دولت و سعادت و سلطانی حضرت نیک خاکی بای دولت مایلند که مرجع کاف
ارباب اقبال و حصول مثال اصحاب مجدد و معال در کمال نصرت و استیصال
بر له دو مال قلند قد نصکره عرض بنده خالص البال اولدر که

○ **صبا** **دکتر**

دولت و و دولت و سلطانی بابام آغا حضرت نیک خاکی بای سعادت موفور و حضور
عزت محصور لرین فرید نکریم و اشتیاق و کمال تجلیل و اتقان بر له بود سوری
خلاصه امال و نتیجه اعمال اولان از دیاد دولت و اقبال و امتداد فر و اجلا لک
دعواتینم وجود پر جود نفع رساند یکم و اما ما ینفع الناس فیما یمکن فی الارض
موجبتی الی یوم الدین اول در دولت قرین ده رکن دکن و مرجع کافه مقر
و مدار عامه ارباب تمکین اولماری دعواته جبین ضراعت زمین عبودیت
موضوع و نهاده و جمله اوقات مستجاب ده بور جا مک حین قبوله وصوله
دست دعای مرفوع و آماده ایتمدن خالی اولماد غیر علوم دقایق مفهوم لرین
روشن و اشکار پور یله غیب ذی

○ **دکتر**

○ **صبا** **دکتر**
تسکوه افر صدارت نیک خاتم سیادت دولت و مروت و سلطانی حضرت نیک خاکی
معدلت امین لرین که تو بنای دیر عالمیان و کل جلای عبودیت و جانیان در عواره
طباب جیام مجد و اقتدار لرین اوتاد دولت ابد به ابد منین و محکم و سبز زار
رباض شوکت و قار لرین ابر بهار الطاف عنایت صدارت به ابد داع الاوقات طری
و برنخ اولق و عالری و طیفه او را د اسرار قلند قد نصکره عرض بنده فی ربای
و اتق البال اولدر که **صبا**
علو و مروت و سلطانی حضرت نیک ساحه پینکاه مجد و افضال و باده نزهتگاه جاه
رجلا ل اولان مجلس رفیع سبهرسا و محفل فردوس انتال لرین روی ضراعت و نیاز

207
خال عبودیت و اخلاص برد ازین موضوع و تماده قلوب عوار باب دولت ملکی
کلبه کلبه و زادات و قفل خزانه مال و مینات اولوب غنیه علیه فضایل مقامی
الجبوم البقام مرجع ضا بدنام و مجمع امجد و کرام اولوق دعالری نقد میند بقره
عرضه و لایحوی خلوص رسام اولد که **دکتر وزیر اعظم**

دولت و سعادت و رفعت و سلطان خضر یک حکایای شریف تر از الری که
کل الجواهر عیون ایمان در دیده امید محلی و محل و لوازم بندگی مؤدی و کل
قلند قد نصکره معروض بند و نخواه بود که بوندر خالص لیل و جویید جاه
جلال الری نجه ماه و سال دن برو بلند اقبال عظیم النوال اولان غزلو سلطان خضر
نهاد عبودیت و اراد تلری حدیقه بال صداقت نشاند و تیر دعای ابدی لا
تصال لرین اوج فلک جایته رسانیده قلوب پر تو تصرف و تدبیر لری ایله
مجدد کا شانه احوال عالیمان مستحی و منیر و شفا بخش رای حکمت ر الری
ایله علل امراض دهر پر تشویر منافع و علاج پزیر اولوق اروزنی درون دل
تمنی و تصحیح و صحیفه خاطر فائزده ترسیم و ترقیم ایدوب ظهور و بروز نه منظر
و مترقب و متوجه الطاف و اهلب المواهب یکن بعون الله الملک المتعال شجره
توقع و مال بادور و غل از وی بال میوه اور و ثمره مراد فواده دست تمنی
رسیده و شاهد مقصود جلوه غای اینده دیده اولوب دست جواد لر یله زمان
قلیل ده اسایش عباد و ارامش بلاده سایه و قدوم یمینت لر و ملر دن عامه
عباد الاهی سرور دلشاد اولوق میسر اولد و عندن ماعدا اواز عدل و داد
و مکارم و رافتی پیش نهاد لر ی شیع و خلاصه تنجه کار و اصل مقصود صفار
و کبار اولان وجود پر جود و ذات سعادت موجود لر ی دایما منظور خالق عالم
و منظر توجه قلوب انام اوله لر ی دولتی و فوج بولد و قد بوخبر سر تکر
ورودی سرور انداز کوش مستمعان و فرج پردان قلوب مستظران اولد و
انفاده محمد یک قول لر ی یدندن طرف عین الشرف صدرات پناهیلر دن سوره کتاب

امثال و مفاد مکرمت بخش واجب الامتثال لری و دود بولوب

دگر

حق سبحانه و تعالی دوتلو پادشاه عالیشان ابد الله و انباء حضرت لربنیک وجود
برجود معدلت مدار لربنیک که سانه امن و امان عالیشان و مایه حیات ساکنان زمین
و زمانذر الی انقراض الدوران سر بر سلطنت و جهان بنایند برقرار ایلوب
طلخلیل عدالت و رافت لربنیک کافه بندر کان اخلاص پیشه لری اوزرنده
خایه و زایل ایلیم این بالیق الا مین

دگر وزیر محمد شاد قبودان پاشا

دوتلو و مرزگو سلطان حضرت لربنیک حضور بر نور مهر اخلاص و جناب و الانصاب
سهر اعتلا لوب که جهان مجد و سعادتک بدر منوری و فلک مجد و سعادتک
بدر منوری در همواره در یای پنهانی مجد و اقتدار لربنیک کشتی هلال بر
زورق مکرر و ستون سفینه نصرت اعتبار لری اوج چرخ نیلکونه برابر
اولوب بخار زخار جود و افضال لری بی کنار و رشحات شهاب بی شهاب
برونوا لری دریا بار املق و عا لری و طیفه نظیفه بیل و بهار قلوب فوافل
ضیاء بهار و رواحل صبا بهار بر له کف مجلس بهشتی مدار و هدیه محفل فردوسی
شمار قلند قدنضکره غرض بند بی ربا و خلوص اعتبار اولد که خیلی از منه و او نه
دن برو دوضه ارنضه دل و جاه جو بار اخبار ذات فایض الا نار لربنیک
دار اولما معیله نهایت مرتبه پتر مرده و گیاه مزروع روح روان افاضه نساء
اطوار ملکی شمار لربنیک نغمه کذار اولاد و غندن بی رونق و قسوده اولما
ایکن ناکاه رنجه عمامه الطاف بی غایه لربنیک نیشان احسان عواطف فوق
العاده لری متفاطر و طعنه زن ابر بهاری اولان باران لطافت شمیم لری
متواتر اولمعینه فوجی باشی و سفا غاذیه مجدید ندن نامه مسکین خنامه
لری صادر و متبادر اولوب

انجی زاده افندی سلطان محمد خان

الا لاسنه یاز دخی تهنیه جلوس سلطنت

در

هر بار

تا که عزیر مصر سامان و یوسف کفنان خاوردستان تاج زر کارایم رونق افروز
 تحت سلطانی و تیغ تابدارایم افشانند از عسکر طلمانی اولوب بجش دست
 افضلندن جیب و دامن کاینایه پر زر و ضرب شمشیر جلاندن افطار
 سوات و رخصتی تحت حکمده سخرایلیه هیته اول عزیر مصر جهانیانی بلکه
 یوسف صدیق تاج اولان وزیر عالمگیر عالیجناب و مشیر مشیری تدبیر هالک
 الرقاب که طلعت هایوفی اقباب جهاتاب سهر اقبال و بین میمنت مغربی
 دریای فیح الارجای خطه افضل اولوب برکات نیل شمشیر جهانگیرند
 اقالیم معموره عالم غرقه بر و نوال و قطرات قصبه لشکر کلک دلنیزند
 قوالب قلوب بنی آدم سکر لطف ایله مالامال و بیخیش زده های کند عدو
 بندندن شیر پشته زار علوی پر خذر و جنبش تند باد سمند دلپسندن
 اوراق خزان کی طبقات آسمان زیر و زبر و خیمه مهر خاوری لرزان
 اولسه عجب دکل که دایما مایه سنان جان ستایه دایماد و نند جلوه کرد
 و انشیانم هاله ده بیضه ماهه نقصان ایرسه بعید اولماز که تکرک پیکان
 قضا جریانندن شکست و ملا سبی مقرر لازال کاسمه الشریف الایمن الامین
 الی انقسام سلسله المبادی و الایام خضر لربیک ذات نخبه صفات محمد و خود
 فرخنده سمان مسعود لری حوز حمایت الهی ده هر لحظه معون و استجاب دولت
 روز افزون ایله عوان فرخنده و هایون اولوب دستیار ی عدل و داد ایلم
 خواب دنیا معور و انوار نصفت و رشاد ایلم زیر و بالاسنی پر نور
 ایتمکه احراز فضل الهی و تحمیل اجزای متناهی سوره لر و هژاد عا و لایم
 لانه اذاماد عونا امتنه الملائک غیب ذابو کوشه ننبی زاویه حرمان
 و خاک نشین بادیه هوان اولان داعی مخلصه نایوان احوالندن سوال بور اولم

ص ۵ دیکی

مجلس شریف کعبه نظام و محفل لطیف طیبه احترام اولاد غبار ساحه واجب
الاعظام لرینه که قوتیای دینه ادبای تحقیق و ماصدق نقی پرتوفیق
یاتین من کل فج عینق در اهداء لوازم خلوص و اداء مرام نیاز و ارز مندی
وظایفمن قیامدن صکره عرضه داشت دولخواه پی ربیب و ربای اولدر که

دیگر

مجلس شریف اعالی مجمع و محفل منیف اعالی منبع صوبه که مهرنبر ایمان فضایل و در
بی نظیر عماد لطف شمایل در عوارده غرقات ایوان سپهر اقترا لندی قواعد جاه
و جلال ابله سر بلند و رفیع و شرفات بنیان راسخ الارکان لندی اساس سعادت و
اقبال ابله ارجمند و مرتفع اولوق دعوائی صحیفه خاطر مخالفت میکن ده مرقوم
و فهرست و پیانج صداقت ضمیر ده مرسوم اولدر قد نصکره انماء محبت صداقت استقامت
بود در کم

دیکی

ص ۵
سمع غیبات رب الانام مطلع اشرفات انوار اسلام عنصر جهان افاضل کوه کبریا
فضایل سلطان العلماء المتأخرین وارث علوم الانبیاء والمرسلین معذل میزان
المعقول والمنقول منقح دقایق الفروع والاصول امام العلامة والمجرب الغریب
مغنی الفریقین مقنن الحافقین المختص بعبایه الملک المعین معدن الحق والملة
والذین حضرت لربنک خاکبای شریف کیمیا خالصت لربنک دو مال ایدوب غبار عبیر انار
لوندن متاع جاذ و دلمز معطر و قوتیای عیون ذوی البصار لوندن دینه بنیای
انظار فرمون قلقد نصکره عرضه داشت دولخواه صداقت شعار اولدر که

دیکی

مطلع اقبال روز افزونه و منبع جاه و جلال سعادت مقرب افاضل مدار اولاد مجلس شریف
برجین احتشام و نادید سپهر احترا لندی بیک محطه رجال کافه انام و حصول مرام
جمهور خواص و عوام در انواع جواهر دعوات طیبات لای نظام و اضاف زواهر

تجیات ذکیات معالی انتظام اخاف و اهدا اولند قد نصکر

دکتر
 ناله ارباب حاجات کعبه اصحاب مناجات در عمان کرامت قبل خان هدایت
 کل جلای دین اهل حقیقت توتیای دوشنای دوندگان طریقت سرخشیه
 زلال تحقیق منبع عیون سلسال توفیق ترجمان اسرار ملکوت هم زبان ساکنان
 استار جبروت مجای فیض و ارشاد و خمای ساکنان جاده صلاح و سداد
 مهر و فایز صفا عزلو افندی حضرت لریک حضور شریف شرف اقرالربنه که مجمع اشرف نام
 و مرجع کافه خاص و عام در روی ارادت و جبهه توجیه و متابعت مقام اخلاص
 و نیاز ده نموده اولند قد نصکر

دکتر
 منبع خلق جمیل معدن لطف فی عدلی عزلو سلطانی حضرت لریک پاشای آصفی
 روشن دل حضرت لریک حضور پر نور صفا افزا و غم کسل لرینه انواع خلوص و رزق
 مندی و اضاف خصوص نیاز مندی برله عرض دعوات نامتناهات اخلاص
 شمایل نصکر انما و دلخواه بی ریا و صاف دل اولدر که

دکتر
 هر عای دولت و اقبال که دست انتقال دامنهای نندن دور و هر تنای غربت و احتلال
 که دین اختلال پیرامین میوندن هزار مرتبه بعید و مجبور اوله اول نادری رفیع حرالت
 مرار و محفل منبع فضیلت شمار و در دریای مکرم عرفان و کوه و الای عمان احصاء
 جو پار زلال دولت جاوید بر تو اقبال اقباب صبح امید حضرت لریک آستان آسمان اسات
 که مطلع انوار عنایت بزدانی و منبع انوار هدایت سجای در میخ در دولت مایلری قبله
 شفاء اصحاب فضل و افضال و محراب ابواب فیض انتصاباری قبله جباه ارباب انیفات
 و مایلر اولو دعا لری و طیفه نطفه و دلجوی خالص البال و اوراد معینه ثنا کوی
 صادق المقال قلند قد نصکر

مجلد رفیع جلالت مدار و محفل منیف فضیلت دناد اسس الله تعالی قواعد و کما
 الی یوم القرار حضرت لریک صوب عالمیدینه که ساحه جناب و الایحی و ج کیوانه برام
 و باخه قباب کودون اساس برج اسمانه محسوس رعلی لدوام ملتئم شفاه اصحاب
 فضل و افضال و فر دج جباه عرفان کمال و لوب همواره جناب رفیع القدر لری
 مرجع اهلی و اعلی و مجمع ادبی و اقایی و لمقدن خالی او طامق دعائینه دوام
 اشتغال که اغزاوقات ارباب دانش و انرف ساعات اصحاب پیشش در اختیار
 مجلس بلندعالی متشقلند قد فضله انما بحسب داعی الاعتقاد خیر انرفش بود که

دکتر

مطلع اقبال روز افزون فضایل عیار و شمع جاه و جلال سعادت مقرون افضل
 مدار اولان مجلس شریف برجیست ختام و نادی سبها احترام لری که محط رحال
 کافه انام و حصول مرام جمهو خواص و عوام در انواع جواهر دعوات طیبات
 لای نظام و اصناف ذواهر تحیات ذکیات معالی انتظام اتخاف و اهد
 اولن قد بضره

دکتر

دوام دولت ابد اتصال و قیام رفعت جاه و جلال لایزال دعالی قرین قبول
 درگاه ملک متعال و رهین بادکاه اجابت ذی الجلال اولن امالیله اورد ایام
 و لیال و انکار غرق وصال قلند قد فضله انما دینخی خالص لایال اولد که
 هر سال محیه مصریه نزهت اشتمالدن ستر سینه واجبات امتثالیه ارسالی سعادت اولان
 خزینه یمینت اتصال بوسال فرخنده نواله دخی دمعنا قدوم اوزر جمع و تحویل
 و اكمال اولنوب بران یمینت استقبالد محیه مصریه دن جغار بلوب امراء و لایب مزبور
 دن قدوة ارباب الاقبال دنفرد ارساوحامی محمد بک ایلد دگاه فلک مثال ترانیه
 ارسال اولمشدر اشا الله الملك المتعال طی براری و قطع جبال ایدوب سلامت
 حال و فراغ بال ایلله نقطه دایره جاه و جلال اولان ظلال ابالت معدلت

اشتمال الدربة واصل اول رقبه الطاق كامله بركمال لریدن اقصاي آمال و لكن
 مزيد لطف به علن لریدن خزانة عامر نك اسباب خط و تر حال و لوازم
 مهمه انتقاله اول جانبیه و در بنجه مهمات لازمه لوتيك متوجه اولان
 نقصان لرین ایفا و ادا ده صرف امداد بی اجمال یورد فلریدن ما عدا
 مرحله مزجور دن استعمال اوزر انتقال ایندیرمه لری یابنده حسن ساعده
 بی دریغ یورلق جانبی مخلص صداقت مال لرینه امتنان کجی اولدو بی

دکتر و الدوله سلطان حضوره بادکمی

صفیه الصفات ملکته الملكات منبع الخيرات معدن البر والحسنات حدیجه دودان
 عایتیه زمان غرلو و سعادت لو قادن خضر لرینک حضور شریف لرین تعظیمات لایقه و
 تکریمات فایقه بر له بچند و بی احصا اولان دعوات خالصات صداقت اتقا و تحیات
 واقیات مودت اتها اهدا سند نصکره

نمونه صدراقت عظمی و جواب مطلوب سادات با

منه در ای صدر جاه و جلال اصفایم فرشته خصال غنایم ایلمه متعال
ایرمیه ظل دولینه دوال ساحت فیح المساحة عز و قباله توفیر و توفیر اجلال
ایلمه انما مخلص صباغ البال بود که بوکیم خمول معتکفی اولان دولتی اهلین دای
ادای توح زدای قره فرای مشتمل مشرق لطایف احتوائله یاد پیور و ب انواع
اکرام و فوازی سر و دانه ایلمه مراغ بر کواری فوق المامول یرینه کتور ملت
و محکم اخلاق مرضیه لری ظهوره کتور یلوب دنوا زانه و کرم پردازانه معالیه
اولنق ادعیه صلحه و اثبته فایحه ایلمه مقابله اولندی اول مقام والای
سزا کوردن موی رضا سته اسب و اولای اولانه موافق اولق علای شاهی
اولنقده در خلوص نیت لری و علو عمت و فسحت صدر لری و رفعت قدر
لری اما را تندر الی الان هر وضع محمود لردن راضی و خوشود اولوب
امتداد ایام عز و قباله لری اعن امان لردن و خیر اندیشه دعای درویش
صالح اعمال لردن اولوب هراصل و اعمال لری رضای باری اوزره جاری و المعالیه
کجه برکت عباد بلاد اوزره ساری اولماسن خواهان اید و کمر نهان دکلدن
و نهال حب و داد لری حدیقه فواد مهر اعتیاده بر و حجله متغرس در که
تند باد غواصف قلعه ندن مصون و صر حوادث ایلمه صر صلا دن ماموند
نمونه و جب لا یغیرن البلی محال ان یغیرن العدول بس کو مابین ده قصه
ایلمه سلک نصاب دن تباعد اید لره بر کلیه سو نقل ایدوب افترایه اجنای ایدر که
بومامون القایله مخلص لریه حسن خلق لری حایلیه اولمغله سی سعایه بی طایل
اولق توفیر اولنور فطر غلیظ القلب اولماد غن ماملر که علم بر شمع لری اوله
ارجای علم ریح اخلاق زکیه ثمرة الفرج لردن مطیب و معطر لکن بن شباه
مختل الذراع اولمغه قایل دکلوذ باع ازهار طیب لردن تنسم ایدن نیام لطیفه دن

استغفار حظه ایتمور و هر یک اتحاد و صفای فواد نعمتی ال و بر من اکن قدری
 بلبه و زجاده و فاقده بر خطوه عد و لمن و نفاق قبول و غلامی مولد که
 ضمیر روشن تدبیر لویه لایح اولی صفا و محبت سیری و خلوص دوتله زعم نه
 روزگار که فقیر شیری اید و کمر متور او بلبه مرجع و متشار اولغه حر صفا
 تغلیات دهر بوقلون مشاهداتی و اعطای رهنمون اولسندر اغراض دن اعراض
 و حق کوک موقعه اشتیاق اقل قلبه مبسرا و لور شرارت شرت اشرار دن سلامت
 عرض خیلی هنر اولسندر هر کس حدندن زیاده هوس ایدر احتساب ایدر بیجا
 تعدی و ایدن تجاوزه تصدی ایدر لولا جرم کوشه انزاده ارتقای غلبه
 دعا ده اولق البقا و یلوب کمال خلوص بالاله موقف نشر محامد و مکرم لورن نایت
 قدم و رانج دم داعی لویوز هر وجه کوکل المسند در قطعا بو طبقه ریاء
 نصیح بوقدر نضا عفا لطف لری خود از دیاد و داده علت نامه در
 صن خلیفه چون کوکل لور اول ملک خصله کوکلی قالور قله داع مغر زانی خداه
 ایتمه مسندندن انی جدا

دیگر

محس نربف فضیلت مدار و موقف بنیف سعادت قرار لازال موبدا الج بوم القار
 صوب عالی الدینه هر وجه دعای دولت و اقبال که برک و باران تجاری اسبب صفا
 وز والدن سالم و هر روضه تنای سعادت و احلال که لطافت انعام و ازهار ی
 تمییب عارضه خزان اختلا لدن عاصم اوله اول در مکرم دریای عرفان کوهر
 پی بهای عثمان احسان نور چشم علماء دین مردم دین فضلی دور بین غلبه
 افتدی خضر لرنیک حضور فضایل اشمال الدینه اهری واد سال قلندر خلق انباء
 کینه خالص لبال بود که

صفية الصفات

بوسنامه لروحوم خواجه اقدس نكده

منظر غز و اقبال و مقر جاه و جلال و منظر ملك متعال اولان خياب مكارم
مال و باب مجده و نوال قبله انواع ضارعت و استهال و اقتدار و اضاف
اطاعت و انكار ايله خلوص عبوديت و صفاي طويت عرضند نكده

دكر

نتائج مولجات مصونت عن الريا و ثمرات مصافات باهر اليضا اولان ادعيه
مودت افزا و اتينه و اقيه فايجه مرت افضا مجلس شريف و محفل ميف
مكارم اليق صوبه طي تكلفات عاديه ايله اهلا اولند قد نكده

دكر

تحيات محبت سمات كه طيب نفحات هر نفس منك خسته خطاطوته و رايجه
فايجه سي دماغ جانده دوته تو اب مكارم ما بلرينه عرض داغي صداقت
انتساب اولدر كه ظل اقبالي و لا پاينده دولت او لا خلق جو نيره
انا را لله طلعت سريعا و بلغه امانيه جميعا

سجاده

دكر

عزير مصر شرف مصير مجده و اقبال و مسند نشيد جاه و جلال و دستكبر طالبا
فضل و نوال اوله لري دعاسنه بالغدو و الاصال اشتغال نكده انما و محبي
و انباء مخلصي اولدر كه

دكر

دعا و سلام كه نعم بهشتي كي جانفزا و تحيت و پيام كه نيم ارد بهشتي كي دلگ
اولا مجلس شريعت شعار و محفل فضيلت مدار لري صوبه بالغدو و الاصال
اهدي و اتخاف فلند قدر نكده

سخایف دعوات که رقوم مجتبه خلل سرطون ندن باهر و شرافت نجات
که حروف مودت مطاوی کلمات ندن ظاهر در **دک**

صحیفه اخلاص که مجتبه قومیه مرقوم و دیباچه اختصاص که مودت سومیه
مرسوم در **دک** مراسم طبیبی دستگاه فضایل پناه لازال انخوف
بعون الاله غم الاله لبادب ایله مؤدی قلوب اول مقام عالیه روی نیاز
مالیه قلند قدر نصکره سامع خدام کرام سدره مقامه عرض داشتند کی
بود که **دک** سخایف دعوات اجابت بیقات و لطایف نجات سانی
درجات که ورد ملائک را یکل فلال و هفتس قبول سجانی و فرزند مائز سع الثانی
اولوب بالصدق والصفاء اهدی واتحاف قلند قدر نصکره انما فی حب دعاوی
فرین بختاب رفیع القدر دولت هشتین اوله که **دک**

جواهر ذره نجات صایفات شمیه النعاع که سایسته خور کو اعجب حور عین
ولای غوی سلیمان و ایات قرآنیه الالتعاع که زبور سینه و صدور ربیب
قصور عیالین اوله ساحه دولت و باحه عزلمرینه باشند قلند قدر نصکره

دک جواهر دعوات صایفات تعظیم آیات که چون صفات معراجی لمعات خورشید
تابان برله مطهر و منور و ذره نجات ذاکیات تکویم غایات که روایح
راحت بخشدن مشام ارواح طیبیه مطیب و معطر اوله قافله و داد وحدت
و رحله مواد محبت برله اخلاص فراوانه مقرون و اختصاص پی پایان مشحون
در اول جناب عالیشان مکرم نشانه اتحاف و اهداد نصکره خاطر خطایق
و ضمیمه منیه که پوشیده بپوشیده

اولوف دعوات مستجابہ اخلاص شعار و صوف تسلیمات مستطابہ اخلاص شعار
 کہ محض خلوص طوبی و فرط حسن عقیدتدن فایض و منبعث اولور قوافل اشواق
 و رواحل اشتیاق برله اول ذات مکرمت مقرون و سعادت مشحون جانبہ اشواق
 و اهدی قلند قد نصکره

دیکر

اوراد ادعیه خالصہ اجابت و رود و از کارانینہ صادقہ استجابت مشہود کہ
 ایراد مکررہ ملائکہ قدری الشہود واسطہ سیلہ قبول درگاه واجب الوجود و مقبول
 بارگاه مفیض الخیر و الوجود قافله درود نامعدود برله احتاف حضور غوث مندود
 قلند قد نصکره انما و رای مسعود و انباء ضمیمہ من حکمت منضود بودر کہ

دیکر

دعوات اجابت قرین و مداخلات استجابت رهین کہ مستوجب ارتفاع دولت
 ابدی و مستوجب امتداد سعادت سرمدی اولاف قوافل صدق و وفا و رواحل
 مهر و وفای برله استان سعادت اسبانہ کہ کعبہ ارباب اکرام و اجلال و مطاف
 طوائف اصحاب

دیکر

جستند صوف و برکات اولان ساعات واجبہ المراجعة حضرت نیک مند آد
 رات سعادت التقاری دعا سنہ تخصیص و تعیین و تاج و تارک دعوات
 و کورن و کوش تضرعات یواقیت اخلاص و عقود نقود خواص برله تنزیلین
 اولند و فی فضیللو سلطانک بنہ دار جمال جنات تجری من تحتها الانهار اولان
 عرش عرش اعتبار ساحه غنیرین غبار لری صوبنہ انما و اشعار اولند و دن
 صکره غوده بندہ اخلاص شعار بودر کہ

دیکر

لطائف جنات صافیات محبت آیات کہ خلوص طوبیدن ناشی و شرافت تسلیمات وافیات
 مودت غایات کہ فرط حسن عقیدتدن متلاخی اوله فوافل اغوان و اکرام و رواحل نکریم

تکرم واحترام بوله تحفه مجلس شریف و هدیه محفل شریف قلند قد نصکره

دیگر

صمم ولده رجا و مواصله متعلق اولاده و عوارض مستجاب و خلوص چنانچه کشته عای ملاقات
مشوع اولاده تجان مستطاب روح مهو و روز فلح خالص بوله ساکن فلهو و کلین

دیگر

غیر دعوات صافیات غیر نفع و در دستبلمات طبیات بعین شمع که محض حقیقه جوان و عین
روضه رضوانه فایض و مبعوث اولور

دیگر

عالی هم را کرم اعجاز اغا و محترم حضر النوبک حضور سامیلینیه دعوات مستجاب
و مدحیات مستطاب احتاف قد نصکره اعلام خیر خالص و حاد بود که

دیگر

تهنید بیان دولت اقبال و تشید ارکان سعادت و اجلال ابدان اقبال
دعوات خلوص چنان و خصوصاً بقای اهل عرض و اند قد نصکره انباء و تجانه بود که

دیگر

در رد دعاء دولت که سبب غریب کامرانی و ثناء رفعت که موجب عزت جاودانی قاعد
اخلاص و رسم اختصاصاً بآله جناب نعم المایه اعتراف و هدیه و اند قد نصکره انباء
محبت مصادقت مشهود بود که حضرت سلطام نواب قد قدم سعادت فرمایند

دیگر

دیگر

عرض عبد عبودیت بنجام اولیده که
دعای استقامت عز و اقبال و ثناء استکانت جاه و جلالتی خلوص چنان ابله مدد
و اشتغال و ذر و لذتی عرض قد نصکره انباء و خلاصه بود که

دیگر

د فائز خواطر صفا مانده رفو و طواف صابیده و رسوم اولاده دعوات غیر نفع و مدحیات
بشهرین اشکال حضور شریف واجب الشریف ایتار قلند قد نصکره

دگر

اوراد ادعیه خالصه اجابت ورود و از کار انبیه صادق استجابت منسوب که آید
ملایکه قدسی الشهود واسطه سیاه قبول درگاه واجب الوجود و مقبول بارگاه مقصود
القدس الوجود با قافله درود نامعدود اخاف حضور عزت منسوب قلند قدسکرم انباء
زای معبود و انباء ضمیر حرکت منسوب بود که

دگر

روایح اولوف بحبات عجز بن فحاش و صوف نواج تسلیمات بمرز بن فوحات که معطر شام ملایکه سبع
سموات و منور رخسار ثواب و سیارات در قوافل قدوسیة الحار و روح کویان
از کار برله محف و مهدی قلند قدسکرم

دگر

دعوات صافی بنیم سج و غنچه کشی و مدحیات وافی که نیم باد شمال کی روح تنجیدی اولای
حضور زریف و اجب التزییف نثار اولند قدسکرم اعلام مجید بر ملال بود که

دگر

دعوات اجابت قرین و مدحیات استجابت رهین که موجب ارتفاع دولتی اید
و مستوجب شاد سعادت سرمدی اولای فوافل صدق و صفا و روحل هر و قافله
استاد سعادت استیانه که کعبه اعزاز و اکرام ادب عز و اجلالدر و بطاف
طوایف کرام اصحاب مجدد و قبایل معروض حقیر اولد که

دگر

در دعا و دولت که قرین اجابت حق و عز و ثناء عزت که زمین استجابت قیاض
مطلق در اول جنی ادای باغ دولت شامل و حاصل اولند قدسکرم معروض بدی کی
بود که

دگر

مراسم عز و قبایل کامرانی و لوازم مجدد و قبایل جاودانی ادعیه که جالب غایات بر دانی
و جازب حمایت سبحانی اوله قاعده اخلاص و رسم اختصاص و زر و مر و امت و اشتغال
اولند و بی عرضده صکر مرفوع مجتبی و بخوبی اولد که

دگر

مراسم از کار سعادت نثار المعنوی و الیکبار بل علی النواهی و الاستمرار تذکار
و تکرار قلند قدسکرم انباء مخلص صداقت کار و حقیقت دثار بود که

انواع دعوات صایفات عزت فنون و اضافت سلیمات و ایفات دولت فنون
که بنوع ذلال کاشی جان و چشمه ساد روان و جان زن روان اولور فواقل
اشتیاق و محبت و درواحل اشواق و مودت بر له فی الصبح و المساء رسال
و اهدی اولور قدر نصکره

دعوات صایفات محبت اساس و تسلیمات و ایفات مودت بلامی که ان الله
لذو فضل علی الناس موردنن اقتباس اولوب فواقل تعضیمات لایقه و درواحل
تغنیجات فایقه بر له اتحاد و اهداد نصکره انما ینخالص استیناس بودر که

ادعیه صالحه نورانی و اثنیه فایحه روحانی که جالب لطف و کرم سجانی و
جاذب فضل و فیض یردانی بر له فواقل و داد قلابی و درواحل اتحاد لاریبی
اتحاد اهدی قلند قدر نصکره

هر رد عای دولت و اقبال و هر جوهر تنای عزت و اجلال که مغز خن بن ملک متعال
و مکنون معادن قادر ذوالجلال اول اول ذوالافضال صاحب لقن و الحقال
حضر تکریم فواقل موردنن قدر و خصال و درواحل سبحان انش مثال بر له تحفه
مجلس عالی و هدیه سعای قلند قدر نصکره

مخایف دعوات که رقوم محبت خلال سطور ندن باهر و شرایف تجلیات که حروف
مودت مطایب کلمات تمدن ظاهر در

شرایف مخایف دعوات فایجات و طرایف لطایف مدرجات لایجات قافله اشواق
و راحله اشواق قافله نسیم اسرار و راحله نسیم بهار بر له تقدیم و ارسال و تفکر

قوافل و نیل باد صبا و درو اصل رسایل صبح و نما **دگر** قوافل مسجداً اسرار
و درو اصل موردان لیل و نهار **دگر** قوافل قبایل عزت و کامرانی و درو اصل
رسایل رفعت و شادمانی **دگر** قوافل شوق و صفا و درو اصل زوق
و صفا مخف بجلس محمدرت مقرون و هدیه محفل مکرمت مخون فلند قد نصکره
قوافل اخلاص و عبودیت و درو اصل اختصاص و رقیب ایتار مجلس شریف و
نما در محفل منیف فلند قد نصکره **دگر**

در در دعای دوام دولت جان و غیر ثنای قیام رفعت دوزاقون که و ضایف
محمده اخلاص غون در نما در مجلس شریف واجب التعلیم و ایتار محفل منیف لازم
الکرم فلند قد نصکره **دگر**

نبار نوتیا عیار استان احسان اعتبار لری لیل و نهار ده غرر در دعای دولت ایدار
و جواهر و اهر قیام سعادت استوار عصمت نباه حساب پور در کار دن ایتار
و نثار فلند و بی اشعار و اظهار در نصکره **دگر**

مراحم اذکار سعادت نگار بالعننی و الایکار بل علی التوالی و الاستمرار تکرار و تکرار
فلند قد نصکره انشاء مخلص صدقت کار و حقیقت ایتار بود در که **دگر**

سلطان حضرت تکریم کارگاه معدلت عالم عالمیان مجدد فضیلت اولاد نادیدنی نشا
بر مع الثانی نادیدنی صوبه هزارد و ستاداری و نیان و صد گونه احترام و اعزاز
بر که دعوات طیبات ملائیک پرواز اهدا سند نصکره **دگر**

صاحب سعی جمیل و مصدر زنده بی جمیل سعی حضرت خلیل دام فی حفظ استقل
التنزیل حضور نیکم و تجمیل ایدوب دعای محبت ایتا و تنای مودت
احنه اهدا سله انشاء مخلص بی را بود در که **دگر**

ادعیه مستجابیه محبت فزون و اثبته واقیه مستطابیه مودت غوث که چون
تلبیه خجاج سعادت نتاج بیت الحرام مقبول رب العالمین و مانند تلبیه
زوار و وضعه خیر الانام پذیرفته سید المرسلین اوله محض و واد قديم و عین
اتحاد مستقیم دن صدور و ظهور و ولور همراه قافله لبیک محراب و راجله سقد
حاجیان متحف و مهدی قلند قد نصکره معروض خاص باهر الولا اولدر که

دگر

جواهر مدحت و نیاز که اصدا ف عثمان اخلاص و صفاده نمفته و زوهر خدمت
و اغوا که اطراف بوستان اخصای و ولاده شکفته در درگاه برگاه که کوا
خلاق و بارگاه اجابت پناه آهزار کار علی الاطلاق دن منور عذره علی
احسن الوجوه و الاحوال جمیع امانی و اعمال بانقام میسر و مقدر و لا

دگر

و عال که دواج از هاری سبب تطبیح بحال اس و نالو که فواج دواج
انواری موجب تطبیح محافل قدس در واسطه قلم مصادقت و رابطه
رقم محالست بر له تحفه مجلس محبت مقرون و هدیه محفل مکرمت متحی قلند
قد نصکره

و برادر

دگر

تحفه خلوص درون ایله ملو و متحی سفاین ادعیه فر و ان که ایمان قبول ایرد مستطابیه
نکدر کران قلا و هدیه اشتیاق روز افزونه همراه و مقرون قافله اثبته بی بایا
که ساحه استجابیه خدیجه دجانه خیمه زنان اوله اول در بای محاسن کران
و معدن جواهر علم و عرفان اولان سید بید پرور که حضور فضیلت مقرریه موافقا
نیمات فضل ربانی ایله روان و مراققات عنایات سبحانی ایله توجیه و منجمع
العنان قلند قد نصکره

دگر

دعای تکلف انشای عادت پرستان زمانه سرمایه صدق و پیرایه خلوص دن
سکانه اولمغنی قدم قلم ایله اول وادی طی اولنوب برین نجسته نوید صبا ایله

تختات تحیات حیات احتوا البرغ و اهری اولند قدر نضکر خاکبای قوتی
مثال دریه صد هزا رنج و نیاز و آسرهال ایله عرض بند بریشان احوال اولور

دیگر

بنیان مرصوب و ذو خلوص و برهان منصوص عهد مخصوص حکامنه باعث دعای
قواعد الفت قدیم و معاهد محبت قویه اوزر بنا اولند در تأسیس مرآ
مصافات ابحون دعا نامه قصر بیقصور موالات قلوب انما اولور که

دیگر

تضاعف اسباب عز و اقبال و ترادف امداد جاه و جلال ادعیه سی وظیفه
نظیفه غدق اصال ایدوکی انما اولوب انما مخلصانه بود که

دیگر

سعادت ملاقات ایله استعداد آیای یاد و بیداد بعد الذن فیراد در نضکر تمهید
مهاده صفای فواد و تاکید بنیاد خلوص اتحاد ایله مسند سعادت استناد لویه
دام مراد لار باب المراد امداد قلم و مراد ایله انما اولور که

دیگر

ترایف لطایف دعا و خدمت و وظایف نظایف ثنا و مدحت که اول کان بجا
فضایل و اسمان دیرای و فواضلک رتبه مقامینه لایق و مطلب و مرآنه
موافق اولو مجلس شریف فضایل فیضان و ماوای نضیف معالی عنوان
مهدا و نمود اقلند قدر نضکر مرفوع ثنا خوان بی رب و ریا اولور که

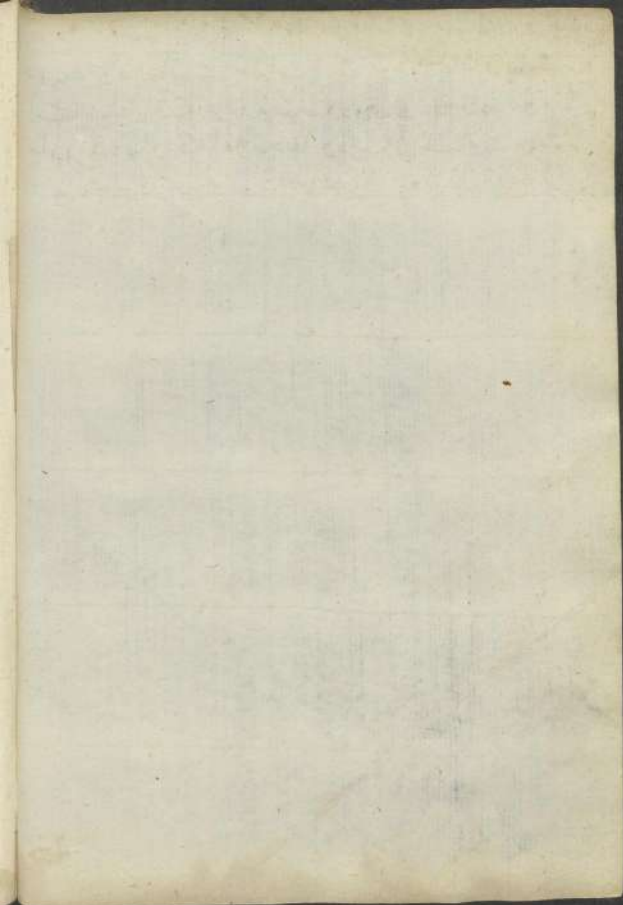
دیگر

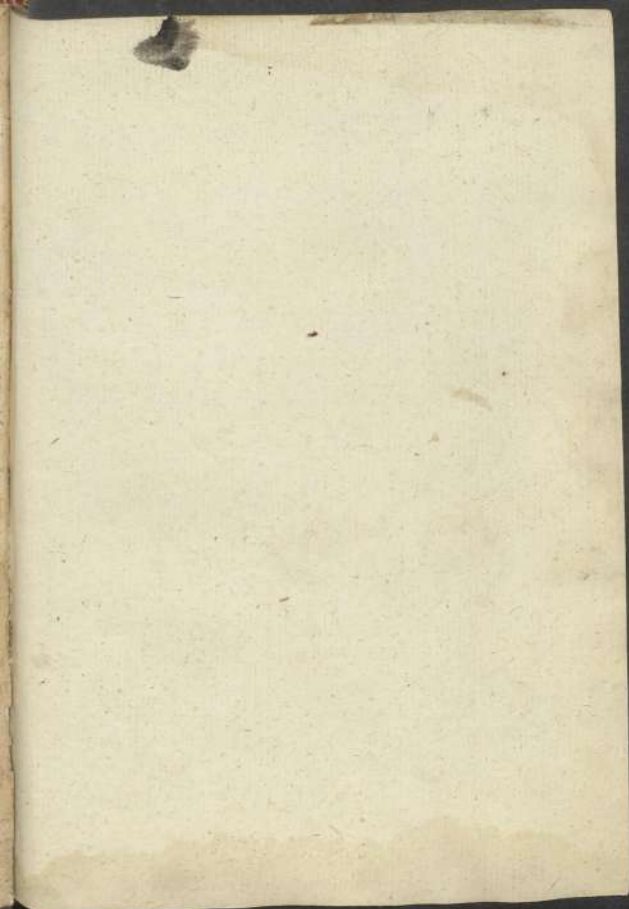
مراسم رقیه و اخلاص و لوازم عبودیت و اختصاص با بند ترک تعریف
و تصلف و اظهار تعلق بی تعلق مناسب کور یوب انا و اتقیاء امتی برا
من التکلف موجب عمل مستحسن کور لدی بعد حامل بحال عبودیت

دیگر

استحکام بیانی دولت و کامرانی و اشتداد معاهد سعادت جاودانی
دعای ربی فی اناء اللیل و اطراف النهار بالصدق و الاخلاص بخیر و ترک کار
و تمهید و تکرار قلند قدر نضکر انما خیر الخیر قدیم و مخلص مستقیم اولور که

در دعوات صافیات استجابات آیات و غیر تعلیمات و اقیانیت
 استطابیت عایات که سرمایه مقاصد و وجهانی و خلاصه فتوح
 جاودانی در بدرقه اخلاص دعا و مرحله اختصاص تنابریله نثار
 و ایشاد مجلس فایض العالی و محفل محفوف المعالی قلند قد بصران





٧
هداه الله طريق الصلاح وسقاه بلطفه رحيق الفلاح

الحمد لله والمنة هم سعادت نمونگی ایله ریاح عون و عنایت بن دانی بخار نقد برات ربانی
مشتهای مشتهای سفن امال و آمانی اوزره سایر و ساری و میاه لطف هدایت بخار
ریاض اقصای مرادیت ارادت اوزره من منانی اوزره دائیں و جاری اولوب
سرای محترم جالس و قبای بقای هنوز لایس اولوب دوام دولت ابدتقا و بقای
خسنت فلک ارتقاد عالیه مداوم و نقای طویتله ملازم ملاحظه عاجز بوریا

دکتر

الحمد لله شد یک ضرر وجود استیلای فراغت امراض و استقامدن محضون و محصور
و جویان نیل صحت ایله شاداب و معور اولوب اوقات مبارک سوز و کداز
و موضع مقبر که کویه و نازده خصوصاً علمای دین و مشایخ کزین زیارتلرین
حضرت حق جمیع امور ده خیر موفق قلوب دین و دنیا لری معور و هر حاله وفق
امال لری اوزره سرور و پر حور ملق ادعیه سه متغول ملاحظه عاجز بوریا

دکتر

المفت لله بولک صحت بر مینت لری ایله شد یک جمله ابتاع و عامه استیلا ایله دولت
صحت ایله مغز و مکرم و غنیمت سلامت ایله مشرف و مغنم اولوب پای طمع بیای
امل صحای عمر کوی ده در کوفته و حل و تدبر و جان شکار شاهین اجل اولدن
بفضل الله الاجل مصون و محفوظ معلوم و ملحوظ بوریا

دکتر

کویه مزاج صحت امتزاج صحت صورتیه ایله پر سرور و ابتهاج اولوب هنوز عرض
اعراض اسقام و امراض ایله محتاج علاج اولماستدر لکن

دکتر

هر چند که کوبان صحت و دامن راحت سرخیه امراض و استقامدن و فادان از شداید
والامدن و درد را اما اول محذورم پی عنانک صحت دلکش لری ایله گذران
ایتمین اوقات و زمان عمر و ایام جیاتدن معدود اولق ایله دل صوره سوره

صد و حمله دوردرد دیگر
بحمد الله تعالى مزاج ضعیف متزاج دغدغه
احتیاج علاج در دور و اشرف اوقات و احسن حالات دعای بقای عمر و دولتی
مقصود در دیگر

بحمد الله الملك المتعال بالغدق و الامال غنیم البال دعای دوام دولتی استغفار
او زره ملاخصه و خیال پوریه دیگر

بحمد الله تعالی شمد یلک مستغرق نعم صحت و قرین حسن عافیت اولوب هر حال
مقصود احتیاجیه هر مطابق و مطلب دوستانه موافق اولوب اکثر اوقات
و از زمان ده ذکر جمیل لری ایله رطب اللسان و مصاحبت دلکش لری ایله
گذرایدن ایامک مزاکره سی ورد زبان اولوق اوزره معلوم تر نیقلری
اوله غبذا دیگر

الحمد لله تعالی هنوز فانوس کالبد انسانی شمع روحه برده دار و قیل نفس ناطقه
روغن حیات مستعار برله شعله دار اولوب خلاصه اوقات بت مکارم جمیل
ونت الطاف جنیل ایله کفران و دیدن امنیه عن قریب جمال فرخنده خصال
مشاهد سی خصوصی چون درگاه منانه نگراندر دیگر

الحمد لله والمتموجب من و راحت و مایه اقبال و دولت اولان سایه سعادت و علو
همت لری برکات ندره صبح و سالم و مقام خدمت عبودیتده علی قدر الوسع و الطاقه قایم
و عهد عبودیت نمره واجب و متحتم اولان بقاء عمر و دولت و اعتلاء درجات دنیا و آخرت
لری دعا لرنیه اعقاب صلوة و اوقات خلوات ده مدارم و ملازم اولدغرض من سید
پوریه دیگر

الحمد لله الملك الباری سفینه تن بر یمن تند یاد حوادث روزگار دن عاری
و در یای بی پایان لطف الهی ده و فوق هر اد اوزره جاری اولوب لکن بر دم
و ملازم

بجز پشمار لری بر کاشنه دامن تحت دست تعرض عوارض جسمانیه دن مصون 220
و جامه وجود شقوقی ^{بنفای} امراض نفسانیه دن مامون و مصون اولوب عدالتو بادشاهی
ربع مکنون حضرت نرینک دوام ایام روز افزون و قیام منکام فر و سلطنت هایون
دعواته مداوم معلوم حضور موقت رسوم پوریه

بنایت الله العلی الاکبر عمامه عافیت بر سر و جامه صحت در بر اولوب
جن را وجود بی علتم استماع جو بیار اخبار سلامت لری ایله ترو تاز
و شکوفه زار ضمیر اخوت القدر نسیم اتار ذات بامیخت لری ایله
رونق بی اندازه بولوب بالعدو و الاصل دیاخ اما لری مقتضای
جنان صفاتشان اوزر و زان و سمند مجد و اقبال لری میدان سرف
و شادمانیده زیر ران اولوق دعالری نه مداومت اوزر

بنایت لله الملک المغفور کلمه تاریک وجود پرتق انوار تحت ایله پرنور
و مقصوده دل غم الود قواعد مبانی امن و عافیت برله معجور اولوب
بود یار میمنت اتارده اوقات دهور و از منته سنین و شهر و غری
سعادتلق یاد شاه اسلام حضرت نرینک ایام سعادت و خلافت لری الیوم
المنشور برقرار و ارقام منشور سلطنت لری اید الیاد صحایف بلبل و
نماده مسطور و پایدار اولوق دعواته محصور و لد و عددن ماعد
اول صدر ارای محامل جلالت و مهتری و قدر افزای مجامع علو برتری
اعنی سلطام حضرت نرینک دخی وجود پر جود لری که زینت بخشایوان
صدارت و اجلال و ماهیجه رایت احتشام و اقبال در الی انقراض
الدوران طراز کارگاه دولت عظمی و ستون بادگاه سلطنت کبری
اولوق اوراد نه لستغال اوزر ملخوط علی پوریه

بجهد و دلکشی القطار نقطه وجود صحت الود دایره عافیت و مرکز دار
سلامت اوزر ثابت و برقرار اولوب هر نام و اسما در اوزر
قدر و مرتبت و عمر و طولی و عوارضه مولد طبع اوزر ملاخصه حضور
معاینه مدار سپوریه

بمعاینه العلی الاکبر حمامه عافیت بر سر و حمامه صحت در بر اولوب
چهار وجودی علمت استماع جویبار اخبار سلامت الی الیه ترو تان و تکلف
زار صبر (خون) الیو شایع از افراتر با میمنت الی الیه رونق در اندر رخ بود
بالغز و الاصله ریاضه امال الی مقتضای جهان صفات اوزر و وزان
و سینه چرخ و قبالتی میده سر و شاو ما به زیر دره اولوب و عافیه مدار
اوزر در لکن

بمعاینه الله الملك الغفور کلمه تاریک وجود بر توانا صحت الیه بر نور
و مقصود دل مع الود قواعد مبانی امن و عافیت بر له معمر اولوب بودیدار
میمنت شعا دره اوقات دهور و از منه سنین و شهر و زمی سعادت و نوری
پادشاه اسلام حفز نرنیک ایام حلافت و شوکت الی الیه یوم النور برقرار
و ارقام منشور سلطنت الی الیه الی اباد صحایف لبس و نهاره مسطور و باید
اولق دعواته محصور ایتد و کن دن غیر الی اول صدر رای محافل خلافت
و متهری و قدر افزای مجامع علو و برتری اعنی سلطان حفز نرنیک دخی
وجود بر وجود لرنیک زینت بخش ایوان صدر و اجلال و ما به رایت اختشاه
و اقبال در ای انقراض الدوران طراز کارگاه دولت عظمی و ستون بارگاه
سلطنت کبری اولق او رادنه امتغال اوزر اولد و غن عالم الارزیه
خفی و مستور سپوریه

جانب کوا میگردن کلن نامه نای و کتاب نیکنای که منشیان خوشترم
و دیران خجسته دم دست یاری یراع ابداع و رشک پروین
و نثره اولان نظم و نثری اول درج در پایه قلم اختراع ایله ابداع
ایدوب رشک ماء حیات اولان عبارات پر بنارات و غنطه
عذب فرات اولان استعارات ایله تحریر و احسن صور ایله
تصویر ایتشدر و رشحات زلال مقال ایله تخیل روضه و داد
و تمیز و وجه اتحاد ایتشدر معانی و الفاظ که مانند عرایس
ساحره اللحاظ اول مجله جلیله ده جلوه کرد در متصرفان
نقود براعت بصریه و جوهریان در رضاعت نظریه نمایند
صور روح بیکر ملائک و مرات صفای حور و شاه متکلی فیها علی
الارائک اولشدر و عذوبت الفاظی طبع کواب زلال و لطافت
ترکیبی غیرت سحر حلال و طراوت خضر فصل بهار گلزار حیو بیاردن
خوشتن و رشحات کلاک صفحات ازهار اوزن قطرات انهار
دن دلکش و تر نمل وجودی ریاض جود شاهی ده نشو نما و فرات
سنوده صفای تریه علیه شهنشاهی ده انما یولوب مخایل ادب
و قار جبین دولت قرینند اشکار اولاه محمد سلما بدندن

در کتابت خود فروز

اول حطیم اعلیٰ مطاف و حرم معالی اوصاف و مقام خیف الاطراف
 و موقف فایض الاطافک سَدَن سَدَن سَدَن سَدَن سَدَن سَدَن سَدَن سَدَن
 عتبه کعبه احترام دین غرض عرض داعی بی داعی و ثانی بی ثانی
 ساعی اولدر که اول ذات سپهر ارتفاع و مهر التماع حکم جهان مطاع
 و لله حج البیت من استطاع الیه سبیلا مضمونه امتثال و اتباع
 پیور و ب بمن و اقبال و سعادت و اجلال الیه منوجه بیت الحرام
 اولدن ای الان دد کاه عظمت پناه رب ب چون جلت سر دقات جلالت
 عز ان نیانها ایدی الافکار و الظنون حضرتلرنیک استار جناب فریغ
 دست تضرع و ابتهال الیه تثبت و مواظبت استکانت و ضراعت تلبت
 ایدوب اول قبله قبیلہ جلایل شمایل و کعبه فوافل محاسن خصایل
 حضرتلرنیک وجود بر جود لری افات و عاها تن مصون و ربیب
 منون و مکاره دهر بوقلون دین مأمون اولوب باقر التائب مقرر
 سعادت مستقر لربند راجع و ایب اولق ادعیه من ورد زبان و زکر
 خیابان ایدوب **ب** دارم استبد بدین اشک جو باران که دکر بر قد و لیت
 که برفت از نظرم باز اید مضمون میمون سمیر لیل و طلیعه امانی
 قلوب استماع اخبار قدوم مسرت اخبار لرنیه ترقب و انتظار و
 اکر مهینان انا رجور ایتار فرحت اتقا و مهینان انباء سرور انباء
 سمع جان و صاخ جنانه بو معنای رعنا ی مسرت انبای القابلد

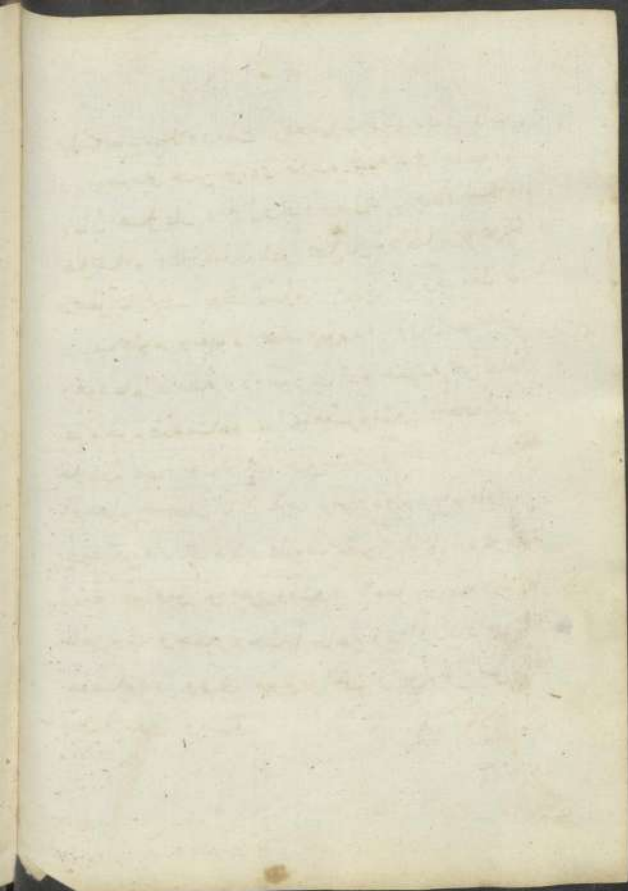
اول شمس سماء عز و سعادت و اول نور دیرة دولت و نور خله
كان امنيا امتنا و صدقنا مفهومه ما صدق واقع اولان بیت
الحرمة داخل و مقبل هر مقبل اولان حجر واجب التقیلی مستل و مقبل
و اثار اُتاه و زلاتی اب میراب مغفرت ایله غافل و بازار مناء
مُناده امتعه عقبه و سعه دار بقای مشتری و محصل و بر
موجب کلام بی اشتباه ان الصفا و المروة من شعایر الله تکیل
مساعی بر و ز ایله مروه و صفای مکمل اولد قدر نضکد لحي
نهامه و قطع فیانی ایدوب مختد اصیلدرینه

دیگر

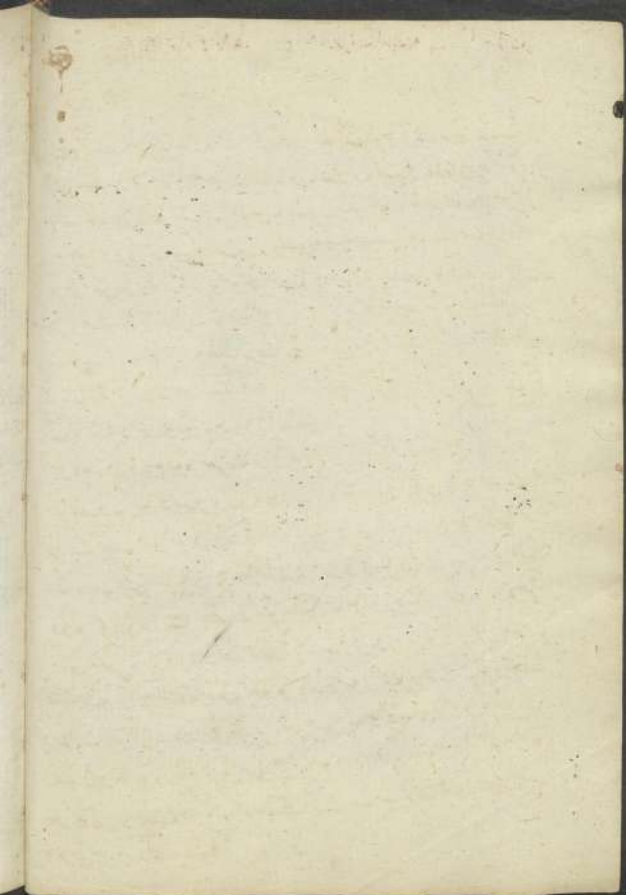
نفحات مسرت سمات دعوات و اصوات بهجت غایات که موجب
راحت صدور و باعث سرور و جوار ارباب ذوق و حضور
اولا صدای خوش ادا ایله ابنا و نغمه سوز ناک ایله مجامع اهل
ادد که اصفا و نضکده انماء محضه بود که بود بار جلیل الاعتداله
اصحاب غار و نیاز نیک بالاتفاق کعبه القشانی و ارباب سوز
و کداز که قبله حجاز و عراقی منباء سند اولان جامع سالخان محمد
خان موزنی اولان ملاک مؤذنان تیر اهنک فریدی و نغمه
سرایان پرفرهنک و حیدری اولوب حال اهدایت ربانی قربی
حالی و غنایت صمدی رهین امالی اولوب ملهم عقل فعال دن
ندای مبشر اقبال و از ن فی الناس بالبح اولازة دلنوازی

دیکر

امهات بقاع اسلام وملت و معظمت ديار دين و دولت
 اولان حرمين محترمين دن مدينه ميمنه كه في الحقيقه دار
 الامان اهل ايمان و منزل وحي و نزول قران و دار السلام
 اهل اسلام اولدوغندن ماعدا محل كمال نور كامل السرور محمد
 و محفل جمال ظهور ابدى الصدور احمدي ايدوكي معلوم
 ار باب علوم و مفهوم اصحاب فهم در اول واسطه فيض
 وجود عالم رابطه بود و غود بني ادم حضرت هجرت مجاهد
 عزم جزم قبه مشاهدت انده ميترو مقدر اولغين اول
 خلاصه كاف و نون كوين ندرم خلوت سراي قاب قوسين خدشه
تاج معراج سبحان الذي اسري برسرو دواج د پياج فاوحي
الي عبده ما اوحى در بر قلوب مقبول باد كاه الله محمد حريم
 لي مع الله اولق انزه مقرر اولشد در بالفعل روضه رضيه
 طاهر لري و حظيره خطيره طاهر لري اول دار الهجرة
 المفضله ده ايدوكي اظهر و من الشمس و ابين و من الاس ايدوكي
 بيتن و سعين اولشد در



اشهر سائده تجمل جاودانی و غانیده مغاله خلوص و شادمانی سادات
 معجز النب و امراء عالی حسبیدن ایاس پائنازاده سید خاقانی بندگی
 جانب مخلصانیه ام انتساب الیه منسوب و اخص اختصاصا له مخصوص ممل
 الوجود فطره اصالی و استعداد و هی و کسی حبیب الیه جوهری قابل وزن
 کاملی مزید رعایت لایق و تمجید اولاد و غندن ماعدا نوافیات الهی
 قرین عالی و تاییدات نامتناهی رهین مالی و لوب و نبوسنه مبارکه
 ده حسیه لله تعالی و طلبا لرضاته العلی مکله مشرفه شرفه الله تعالی
 زیارتنه قصد و عزیمت و صرف همت ایدوب **و من دخله کان منا**
 سعادتیه فایز اولق ایچون **فخرج البیت فلا جناح علیه** متو باشدن
 بهره مند و مفهوم مسرت لزوم **الحج المبرور لیسوله الجزاء الاله**
 متافعدن سود مند اولغه طالب اولوب اول صوب با صواب و
 ذات ملک صفاته و رفته حلوصیتی و سیله کافی و ملاقات اشرفه
 نغمه خصوصیتی سبیل وافی ملاحظه ایندوکی باعدن تسویر و تحریر
 اقدام اولدوکی انشا الله الاعز قلیل انا مل و اجنه التجمل الیه شرف
 اولق میسر اولدوکی ذات حمیده الصفا ندرنده مرکوز اولان مکارم
 اخلاق و مرام اشفاق خواستجه اوزرندن نظر محبت کسرت و شفقت
 رعایت اترلری درینجی تجویر سور میسوب واقع اولان مهملکدنیک
 حصول و اتمامی باینده صرف سچی جمیل نام و عطف لطف جزیل مالکلامر
 مبرور سور لمقدن سوکله مقتضای ذات سیادت صفا عالی نه لب
 معرض برو زده جلوه کر سوریه

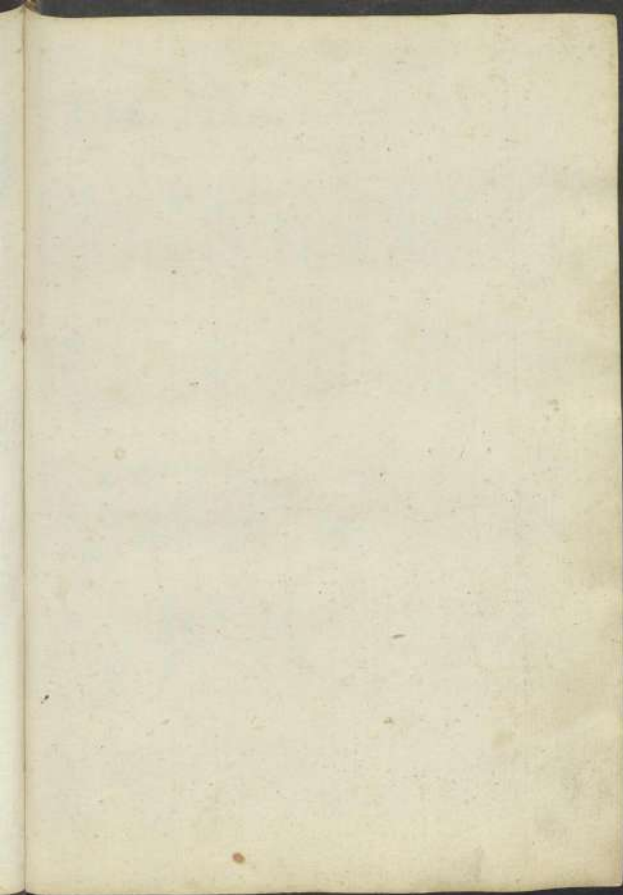


فصل در آئین الهادی

فصل
در عرض عبادت و عرض دعا و دولت
در عرض خود نیز و خلوص و دعا و دولت

الحمد لله والمنة بمن هم عالى نعمته كذا ايله شجاع غنايه به غايه بزداني منتها
 امال و مرام او زك و زان و امطار بحاب في حساب عاطفت صمداني
 مزارع و بوستانه خاھر في اراغ و متقاطر و يارنده اولمغيله
 رياض وجود مختصر شجاع امن و عافيت ايله سر سبز و تر و حديق ذات
 نا بود و بي برك و بار سلامت و صحت بر له مختصر اولوب شجاع اخبار
 غير انا ز لري را نجهيله سامع دل و جان معطر و نفايح دلا و بز مسكي
 شمار لوي قواي كجلا كام روح دوان منجر اولوب في الصبح و المساء دوام
 دولت ابد بقا و قيام رفعت سپهر ارتقا دعالر به صفاي نت ايلدريم
 و نفاي طويت بر له ملازم اولد و غم ملاخصه ذات باهر الحكارم بر له

Handwritten text in a cursive script, likely a letter or a page from a manuscript. The text is written in a dark ink on aged, slightly yellowed paper. The script is dense and fills the upper portion of the page, with some lines appearing to be underlined or more prominent than others. The handwriting is characteristic of a historical cursive style, possibly from the 16th or 17th century. The text is written in a single column, starting from the top left and moving downwards. The ink is dark, and the paper shows signs of age, including some discoloration and faint smudges. The overall appearance is that of a well-preserved but aged historical document.



فصل اول

در بیان احوال

کاینکه قرار و ثباتی اولیایوب دایما انقلاب و اضطراب او زده اید و کینه واقف و
وضوح میامن تدریس صایب و محاسن فکر ثاقب ایله متصف لود لایق و زوایا
بود که سنگ حوادث دهر پر زلت ایله جام جھان غای خاطر عطره کدر و بر مویب
مفهوم تعز من تشاء و نزل من مشاء است کونیم سن و ورد زبان و جز جنان اید
بس پرده تقدیر بی تغییر ده اولان لطایف اعطاف خفیه دیا بی نلک صدق
منز صد اولالرو د رکاه و هاب بی عوض و عنایت قیاض بی غرض منصرف
لعل الله یحدث بعد ذلک امراً مضمون مسرت غوننه بناء عروس مقصود و مراد
فرحت نما منصه غیبیدن عن قریب جلو و صورت نما اوله
ان مع العسکه یسر شرفاست شاد براغ که کلام خدایت مبرویم مامولر که
عن قریب کما کان صدر سعادته کامران اولوب غنچه اقبال لری کشاده و خندان
اولغیله جمله خلایق و فائز لری شاد و سرور ایله کل کی خندان و بدخواه
دولت اولان لیام بی دین دایما خوار و حزین و غمگین اوله دن خایه اولیم لرایق

دگر

اعلام محبت هوادار بود که و داد اذنی به بنیاء کتاب شریف دلکش کون ایله بر فحش
بی دیا کوزی یاد بپریش و صوبی ایله کوشه دلکش کی شاد و روشن اولوب
باعث مزین و داد اتحاد اولمشد رحمت دنواز احباب و سلی پر داز اصحاب
اولمقدن خایه اولیم نریغ سبب سعادتم فقیر مودت پزیر کنز اول اصل کاندن متساو
حرب و دنیا اولان لایعقل لردن دکل که فی الجملة الم عالم ایله متالم اولوب عالمی
عینیه الم دنیا و ما فیها نلک برینیه قدر یا غن قدری اولماد غی علم عالم بین درین غی
اولیم کوجه کرد الود فقرم شرم باد از همت کوبه اب چشمه خورشید دامن ترکم
بو کوشه بی توشه ی اختیار ایتکله خلقک موده مساوی اولان مساوی لیزدن
دور اولوب فور تلام صندم میسر اولمیری و ما احدثن السنن الناس سالماً

ولوا ان ذاك النبي المظهر . فان كان صوماً وبالليل فليماً . يقولون زرقا يراي و
زيوا اجلا ف اراسنده اولان تنافرو تنافرو بلاسي ازي اولوب قالوبلا ده
تغدير و تخبر و لمعين تبديل و تغيري قابل دكلدر البتد هر اهل برنا اهل
وهر احمد برا بوجهل بولينور چون ارباب نفاق واصحاب شقاق ايله وفاق
و اتفاق ميسر دكلدر چا زسي اندري حق نماي حضرتنه حواله ايدوب الماين
اولوم ملاحظه سيلاه دفع ايلك ويه در ننه كم بو خصوصه امام رازي خفي
رحمة الله عليه پور مشكور **لهم** اكر دشمن سازد با تو اي دوست .
تو بي بايد كه بادشمن سازي . پس انكه يك دور وزي صبر فرما .
نه او ماند نه تونه فخر رازي .

مجلس معارف جلیس با احترام و محفل عوارف انیس با الخام برینه که
قبله شفاء کرام و مروه مروت انعام و انتظام دد اهداء تقدیم
با احترام قلندر منکره ضمیر منیر خیر و خاطر خطیر حی و خفی اولیه که
ظاهر و باهر دکه اوان و زمان روزگار و درجات ساعات لیل
و نهار چون آب چشم چشمه سار و جویبار انداز نهار هیئت گذران
و دوران روزگار لیل و نهار کج و کاست اوزره برقرار در پس
عقل و جارم فهم و زهد پاک و طبع دزاک مستقیمه لازم و لازب اولاد
بود که فرصت وقت صحیح غنیمت و عمر عزیز با قیمتی دولت
عدا یدوب هر روز بر کوشه فرخ بخش و ترخ و خوش و هرب
بر کاشانه سرور نقش و کلش جور بخش ده یاران صفا و خلان وفا
ایله حشر اولوب مصاحبت فرخ و فزا و ملا طفت ترخ ز دایله صحن
سما و دلدن غم غم غموم دافع و رنگ زنگ ملال و کلال رسوم
هموم دافع اوله حالا اشبو فصل الخطاب و ایام مرور مرغوب
و محبوبه که نسیم نسیم جان بخش هر چه شدن و زان و فوایح و رایح
علیمی دم طرفندن دوان و نزهت و طراوت هوا و نطفات و لطا
سمایله جهات ست عالم کلش والوان ازهار و انوار ایله هر جانب
ملون و اغار انجار ایله بوستان زمین و زمان مزین در رفقا
و اصدقا و احبا ایله چمن بحر که سهم شعاع و مغر و طی جانب فوق
شرعه مایل و آب چشم آتش تا ایله دیده لردن غبار خواب زایل
اوله بر جای خوش و ماوای دلکش و منزل فرخ بخش ترخ زخه

که مرغزاری فی نظایر و عین چشمه ساری دلپذیر اب کوثر روح پرور
کجی هر جانبی جاری و عین سلسیل و ادر هر طرفه سلسال و ساری
روان چشمه سی چون اب حیوان چراغ لاله هر جانب فروزان در
خاک باکی مسک و عبیر و ادر معطر و کل و سوسن و سنبل و حن زار و معبر
از هار برانواری کونا کون و انوار اشجاری نونا لون اوله صبا
سحر و شفقان و حیران و سیل جو بار کجی خروشان و جوشان جمله
باران و زمره اخوان ایله روان و روان و ارمق رای اولندی اکو
قابل و امکان دایره امتناعده اولوب اخوانی مشرف اینکله در مان
و ارایه رفیق و هدم جان و انیس و محرم دان رندان کاینکامکان
ایله بوجانی نشریف عین احسان و موجب امتناهی کوان اید و کینه
ریب و کمان یور لیه که ذات شریف ایله هر خلک تقیمی بر و عنصر
لطیف ایله هر ذلک ترمیمی مقرر در باد و مطرب و کل جمله مهتات و لی
عیشی یار میسر نشود یار کجاست نان مجبول علی اکرم و طبع مطبوع
علی الشیم دن مرجو و مامولدر که ماضی نک قبالی محال و امر مستقبل مجبول
الحال اید و کی تفکر و تدبیر و لنوب زمان حال عیش و عشرت یار
و زوق و صفای خلایق ایله کنایه اینکله لطف و احسان و کرم یا
امتنان یور لیه که عنایت عظیم و احیای عظام ربیم در در بانی
اینه طبع باک خفرت جز صورت لطف کی نماید

ارسال او نمند بر دي الوصول كو كدر جبلت كرده مر كوز و نهد سعادت معنا كرده
 مرموز اولان و نور غيبت و صداقت و ابا عن جد و دمان عليه مرموز ابد
 كلكار كمال اهتمام و متابعت موجب بوبان نام دقت و اهتمام ايله تقيد
 سايي و احسان اولتان خلع فاخره مزي انواع تعظيم و اكرام ايله در بر قلوب
 فرمان شريفه و زره لوح شريف سعادته جاي رفيع الدرجاته وضع و
 استحكام و تبركا حفظ همچون منبر با غني حضور شريفه ارساله اهتمام
 اولنوب عادت مرضيه كوز او زره اشرف علما و عامه و صلحا ايله اول
 اماكن مشتركه ده ادعيت دوام دولت روز افزون و ثنيه ثبات سلطنت
 عزت متعزز مدوامت و اشتغال سايي و غشيت احوال حرمين شريفين
 صرف اهتمام اولنغله رضاي عمن اقتضا مزي مراعي اولوب جبلت كرده
 مر كوز اولان انا را صداقت و كمال متابعت مقتضا پنج حفظ و حراست
 ملكت و بسط و صانت رعيت و انتظام احوال و ولايت با اينه ماسي
 جمله كوز ظهور كنوز مر كه فوق الحد منظور نظر اكرام و ملحوظ خلصات
 احترام اولما كوز مقرر بلا خطه اولنه

صورت اجازت نامه خج بفرستادن

چاوي با بفرستادن

نشان شريف عاليتان المحكمي اولدرلدركه شمدكي حالده دارند مثال عاليتان
 قدوة الامثال والاقران و لله ذين قدره بك توفيق رباني و هدايت صديقي
 عزيز حاجي و رهين مالي اولوب نيت و عزيمت تدريك مكه شريفه شرفها
 الله و عظمها به واروب **و من دخله كان آمنا** سعادته فايز اولوب
ان الصفا المروة من شعاب الله احرامن دنار ايرنوب **رب اجعل هذا**
البلد آمنا وارزق اهله من الثمرات منافعتدن متمتع اولوب

فمن الحج البيت او اعتمر فله جناح عليّه متو باني ديوان اعمالند مسطور
اولا لا جرم بويابدين درگاه عالمينا حمدن استيندان واستيخان انكلمان
بندنجي حسن اجازت ويروب سوزد مكه واروب طواف بيت الله و
وزيادت نثره رسالت پناه آيدوب پنج مبرور و ثواب نامحسوس
تحصيل ايره بولن وايژده مراحل و منازل واروب كلنجه مذكور و سياه
اولان ادمرينه كسنه مانع و عائق اوليم و دخل و تعرض قلوب انانين
اولاغ اليه الحق استين لوي منع و دفع اين لوز باده عناد ابدني باذنه
بگذرد سبله بگذرد

دگر

اولا طيبه طيبه سنيه مقدسه نبويه كه مهبط فيوض وحي رباني و محط
موكب مواهب سجاني اولوب مطلع نور لامع الظهور جمال محمددي
و منبع حو پيار كوثر اتا دكمال احمدي علي ساكنها افضل الصلوة
و التحية ماتعاقب المغذاة والعشيه جوار عزت مردانده اولان
بقاع فلک ارتفاعدن نشانه ساحت عالم ملكوت و ارامگاه محمدا
اسرار خلوت سراي جبروت غوثه روضات جنات برين
بقيع رفيع سرده آيين ده اولان مشاهد ايمه عظام و مرقد
اجله كرامك هر بري رهبران مسالك دين و سروران مالک
يقين در رضوان الله عليهم اجمعين

دروازه سمعته رسیده و من دخیله کان آمنا صدای روح
 انرا بنی شنیده و اتق الحج والعمرة ایله مخاطب و ملق زمره
 اولق امیدیه سفر حج مغفرت اثره توجه ایدوب قافله حجاج
 سادف استهای ایله قطع بیان ایتمله کعبه امن و امانه ایرشوب
 طواف مطافه روز و شب با پرده ادب از کار مناجاتک
 نوا ساز لویه ادوار مقاماتک نغمه پرداز لویه هم نضر و هم
 اواز لغم تصیم و غنیمت و قصد و نیت ایلشد و مولا
 بولدقده مولدکه رعایت و احساننده اهتمام بوردله

بهراد طبع بحرف ابله نقش و تصویر و یادی خامه و متکاف ابله ترحیب و تحویر و اونی
 شهنامه حب و ولا یعنی نامه صدق و وفا قصرت صحایف بلاغت و محاسن
 اغوزج کارگاه مانی سرمایه فوز و شاد مانی که کلمات لطایف سماتیدن ماه الحیوة
 صداقت چکیده و حسن سیاق بلاغت اتساق بحد و محبت آئینه سواد حروف
 معانی صروف شب مشکین نقاب کجی رام بخش و طرب افرا و بیاض رعنا بی
 شعاع خورشید جها کتاب کپی نو دافقان و عالم اداد

دکد

اول معاوضه محرفین و محبت نامه معجزین که سراپا مهر و وفاد ستانی عالی
 و نقوش محبت کونا کون ابله صفحه انکلیون محاکی اولوب الفاظ مرصع حکمت
 مالی فقرات جیاد نثر اللالی کبی کونید و کلمات حیرت فراسندن انکت منضیا
 فن انشا اسنان تعجب و اسخسان ابله کزیده در جواهر حروف نور انسی نقش و افاق
 عالم وفاق تنویر و خواص مزایای تو کپی کل ترکی دماغ منتشقان بنیم بختی
 تعظیم یدوب متکوی عبارات مشکوبیدن جوی شیر لطافت جریان و طالع
 کلمات پر نکاتندن فاعادف منها ایتلف معانی لانمة الامعانی لمعان الیک
 ورق پر عبر و رقی معتبره امر از نظر اولدیه سکر مکر الفاظ حله و ت
 رسانی مذاق جانه جاشنی تازه و لذت بی اندازه و یروب مطالع طاعت
 ملالت زدا سندن بزیدک و جمه حسنا اذا ما زدتہ نظر الحالی مشاهد معاین
 و سواد مداد مشک ساسندن هو المسک مکررته یتضوع مدلولی ظاهر و لک

دست قلم مشکین رقم چهره مخدنه عرشه عریضه اخلاصندن بو وجهه دفع نقاب
 و شامه خامه مشکین عامه رخساره عروس ضریح اختصا صندن بو طریقه

کشف جلیاب ایدر که صباح بخاح ایله هنام اولان وقت شام مینت
انجام ده نام نامیلری واصل و اضاف جور حاصل سطور فایض النور
طرح خور و لولوی منشور کی منتظم و مسلل و عقد سرتا و سطح جور ای
مرصع و مکمل و خاوی دلکش و معانی روح افزا سی چشمه ذلال
و سحر حلال ایله تو امان وید بیضا و دم میجا ایله رضیع البیان
اولان مشرقه شریف و ملاطفه لطیف لری اصداری ایله بوکین
اخلاص میکند افسر مباحی فرق فرقد آه ایله عسر و کلاه آتیه
و افتخاری ذروه آسمان ایله برابر فلوب

دوصف نامه

الف اعیان و اشرف ازمانه انزخانه مکی الختام اعنی محفیه لطیفه غیرنی
ارقاملری وارد اولوب مضمون نخته فام و خاوی لطیف برعت انجانه
نظر و لذقه مطالعه خاوی دلکش و ملاحضه معانی فرح بختند دل
مهیور تحریر و تعبیر دن بیرون زیاده جور و مرتبه توصیف و تقریر دن
افزون مرت نامحصور حاصل و ملشد

ذهبی مکتوب بدیع الاسلوب که لیلۃ القدر سواد جمعات کتابت ایله نور افشان
و صبیحه العید بیاضی مطلع سعادت خند زنان و دامن کشان خوش طوبار
فضایل شعار که مجلس دوستانه بر نای خوشنود که انفس محبت اساسی
طرازند کوش هلال و دیدن دو شمنانه بر اجد های موسی در که درون بحر
نوفی حیات الحبال سطور ایله مالامالدر

محفیه مختار و عبارات بار غه غیر بار دن چشم جان قریب و روش و عین
جان سرور و رفرو و فراوانه کلش و لوب کلاه مباحات و افتخار جانب

235 کسب ساده پرکاره انداخته و رایت شکر بی غایت بازوی اسطوخود
افراخته قلندی **بیت** مر آن حالت آمدن خط خوب که از پیش یوسف به یعقوب

دگر

کتاب مشکباده که جوهر الفاظه را داشته و خطاب غیر نادر که ذو امر معانی برله
پیش بسته اول ذات شریف و طبع لطیف و دین واصل اولوی انوار مطالعیه
تصویر معنا سندن و آثار مشاهده بی برله تفهیم خو سندن احوال سلا متکون
اطلاعیله روحه رواج سرور لایح اولوب مخلصان انواع بنارت برله شرف
قلندی

دگر

خفا که اول کتاب مستطاب مشکبایک عرایس بدایع خیالات و نکات منظومات
بریعۀ عباراتی دنگ حوز مقصورات فی الخیام التي لم یطهر من انس قلمهم و لاجا
و نفایس رواج معاهد منشورات بدیعة الاستعاراتی مصداق حوای کائنات
ایلیاف و المرجان **بیت** کتاب کعقد الدجودۀ نظمه **تکون** لسلک النطق و اسطه العقد

دگر

حقا که مشاطۀ عرایس خجسته فکریت اولان دبیان بدایع نکار کلوته حروف و نقط
براعت ایله ذیب و فری بر دگر ای اکار افکار که لم یطهر من انس قلمهم و لاجان
ایمانجه پیرامن دامنلر یله ناخرم ای این مش و غوصان بحار بلاغت اولان
منشیان نادر کار کائنات الیاف و المرجان مقتضای سلا بیان کتور دگر
در دغیر معانی بر فرد که الیه کبر مش در اول نامه ناونک کلزار منظومند
روان اولان جوی تلطف و تعطف طراوت بخشای بوستان دل و دستان
اول ملطفه کرامینک دیار مغر و مند و دان اولان بوی اتی لاجدرج یوسف
عطریای مقام جان مخلصان اولوب عبیر عمارات مشکبایک نون حیات تاز وادی
غز دای دلا ویزندن سرور بی انداز واصل اولدی

دیگر مکرر

دعای مکتوب بدیع الاسلوب که لیلة المقدس وادی لمعات کتابه ذرافشان
و صیحة العید پیاضی مطلع سعادتین خنده زمان و دامن کشان خوشا
طومار فضایل شعار که مجلس و ستانه بر نای خوشنود که انفس بحبت
اساسی طراز نیکو شلال و دینه دشمنانه بر احوال های موسی در که
درون سحر غویی حیات الجبال ایله مالامال در

دیگر

صبح سعید یوم عید ده بر مکتوب سحر اسلوبی و ارد او لعله عبد مرصاف اولو
بر مرتبه سرت رسان خاطر غمگین و لشدر که زبان خامه نغمه نغمه لال در
از هر صفا قلم مزج ده دلفروست حقا که اول طومار معجز انار دینه تحت دین
نظر اطفال ده حلال شوالدن مستحسن کورینوب هر سطر موزون دلگشی میل کل
الجواهر کی کوزدن کجده کج و فت شکفتنی و کلفشانی مست معنوی ایله ترانه پردان
اولدق

دیگر

حاصل کلمات انجاسات و منهن التفات بحبت صفات اولان ملطفه لطیف لری
که بیاض تار بود بلا غشله منسوج براق براق قطیف و سواد دشته فضا حمله
دوخته بر سیاه نیغه منیغه در احسن انان فیض فشان مثال ایت نور ظلت
در ای خانه دل مکور اولوب کائناته بال غلغله نشاط ایله برو حمله مالامال اولدکه
هر گوشه بی کی با و طرب برای سرور و سوز و لری فقر به عینی و قبله فی
و دق به عینی و اشرق اخلاقی حقا که اول منشور عزت مضاهات مدق العر
سرمایه ابتهاج و مباهات اولمشدر

دیگر

بر وقت شرف انارده مکتوب تریف در تدار لری وارد اولوب ساحه دلدن عیار
نجوم احزانی طارده اولدو چی معلوم خیر منیر لری اوله

دیگر

استغاثه یاکمه حمامه نامه سعادت انهام لری برف بال اقبال ایله پروان

بغداد دکن آباد حفظ و حراستی فرمان اولش بزرگ بآب قهر سلیم و اصحاب
طبع مستقیم اولدر قضایه رضا و امر امتداد غیر تدبیر موجب نشوین
اید و کی نهان بپوریه معلوم رای انور در که اخلاق عجیب جفتندن خلافت
اهلان تنافرو تناکا بلا سی ازل ازاله تقدیرا و لنوب تبدیل و تغیری
مکن تغییر دکلدر بالفعل جناب عالی لوی مبتلا اولدو غی مرض دایما بزم استیلا
در آنک چون هر و نک در دندان ادمک بغیری خون و کوز لری با نخی جیو تد
هر اهله بر نا اصل و هرا حو بر اوجصل و هر مرده بر نامرد و هر موسی به بر قرون
بولور ارباب نفاق و اصحاب شقاق ایله وفاق میرد کلدر ننه کم امام تخرای
پوردر اگر دشمن سازد با تو ای دوست توجی باید که باشو سبازی
پس آنکه یک دور و زری صبر فرمای نه او ماندن تونه خیر رازی همان شان شریف
سراولان بودر که قبای صبری شعار ایدینوب جامه تسلیمی دنار ایدینه نری

دگر

بوفلائی سعادلو سلطانک ادعیه غر و سعادت لری اورادینی تکرار و تذکارده اولو
محت اجبار ذات سنوده احوار لری استماعنه انتظارده ایکن اقتضای راده
سجاده و مقتضای منیت یزدای ایله تعالیب احوال لیل و نهار و تعاقب افعال
روزگار و زور کار ایله مرات ضعیف تا ثن لریه نوعا انفعال عارض و لمغیله
برق کون آمدن شد از دحام انامدن دامن کش و لوب کوشه انزو و فراتندن
مکین و کینه اختفا و غزلند تمکن اولدولری اخباری کوش و هوش اجبای اخلاص
قرینه نایل خصوصاً بنده اختصاص صمیم و اصل اولدوقده خاطر بر فتور فوق الحد
حزن و ملال و نهایت درجه انقباض و انفعال بادی اولوب و لکن چون
روضه اریضه دنیا تک کلی خار قرین و کینه مار یقین فنا سی صورت عنا و عکس

لله الحمد هم عليا لري مقادير تبليه كوشه صحنه برقرار اولوب عليا سترار
رات نجه صفا تدبیر ترا واراولان دعوات دولت اياته مداوت
ومواضيت اولدوغنه لشباه بنور ليه

حق سبحانه ونعالي عليم وعلازم وباري عز وعلی مطلع مالاکلام در
دعای دوام ذات سعادت انجام وثناء بقاء مخدوم واجب الا
حزام هر مسکن ومقام ده اوراد جمع وشام **یت** بینام تاذن نام
کو حاضر مکرغایم . داغ خدمت بر جبین و ذکر حضرت بر زبانه

عین و سبحانه ونعالي هوز جوهر و روح کان بدیند میکن و ذرداری اصل
حیات پرفوج اصداق تند کوشه نیتین اولوب فی کل الاوقات و
الجبین احوال و اشغال مسالمتی یاده دوی زین خلقت خلافت الیوم
الدین حضرت بزرگ دبیره کوس شوکت لری کوشه هوش جهانیا پر خدر اینک
دعوانی مکرر فلد قد نصکره جناب فضایل مایلرینک دخی وجود پر جود
لری که حیات افراي جمهور انام وعقد کتای شکلات کافه خاموشم
در الی انهاء الزمان مسند تقوا و صدر عز و علاهده مؤید و بردوام
اولق اوراد فی وظیفه شام و سحر اینکدن خالی اولاد غن علوم دقایق
مهم لریه روشن و هویدا بنور لیه

بنیابت الملك الفقار هوز عند لیب روح پرفوج قفس بدیند الحان
دعای دولندری ایلله سترغ و طوطی روان پرانده ادای اوراد غزوف
سعادت لریه تکلم اوزره اولدوغندن غیری سایر اوقات و ساعات

ماورد اولدوغر خد مات بار شاهین تحصیل اموال میری به بین و ل

دگر

مجد الله الملك المنان في كل ساعة واوان عن جميع الجان بقدر الوسع والامانة
اول مجمع فضل وافضالك ومرجع قبایل اقبالک از دیاد ظل طلیل دولت
وخشنلری دعواته مرغوب و ملازم و امتداد سایه غرور فضلری نشانی
مواظب و ملازم و مداوم اولوب

دگر

الحمد لله رب العالمین سلطانک بمنحت علیا لری ایلله وجود خاک الود
هنوز دایره مخدوم موجود اولوب اعتراف اوقات و اشرف ساعات
سلطانک قوام دولت ایزی و قیام نظام سعادت سرمدی لوی دعا
صرف اولوب ددگاه عزت و بادگاه احدیتدن عنی جمع القیام المال
تضرع و استیصال اولور که قبل حلول الاجل بادگاه سعادت اقبالک خاک
استانه مراد بخشیم یوز لور سرک مبسر و مقدر اوله ایلین

دگر

الحمد لله نهای قوام دولت بای و سایه سعادت شهنشاهی هنوز وجود خاک الود
محتج اولوب و ارام لدر و سارنلو و شوکتو بایده فوی شاه و سلطه عالینا غر
عمو و دولتی برقرار و فر و شوکت سلطانلری ثابت و استوار اولوب
برخور بار بختور و حقیق و تدبیر اولوب و عورتی مدر و مع روز و روز
و کلای دولتی کمال احترام و احتشام ایلای قوام غرایی غریز و کمال اعتبار
ثابت قدح اولمالری ثنا کسم مدر خبیر روز و روز و روز ملا خط غر و سوب

دگر

مجد الله نهای مقصدمه وصول و مسکنه دخول مبسر اولوب همان رجاء صادق
مشاهده جمال خلیل و مطالعة دیدار عظیم العبد لیکن در بوجه اجمال و طریق

وکر

اسهل مبسر و مقدر اولای امن

بنیات الحی المذم حالم و جود سلیم مخفی صحت و مستعد عافیت و منعم اولاد
سعادت و معدن لویا د شاهزادای هفت اقلیم حضرت لریک تواعتد
باهر و اساس مبانی سلطنت زاهر الحی انقضای ایام صحابا ابامین باقی
باقی و دایم و اجزاء صداقت کین خبر انشیک دخی دعای خیرام سعاد
جلیاله الاختتام لری شهر و انعامن پایدار و قائم اولاد و اوراد نه معلوم
اولد و عن علم عالم شمول لری پوشید و حی پور لریه

وکر

بنیات الله الملك القديم شهریک حاله پیغوله صحت مقيم و بادیه
عافیت و ادعیه روز افزون دارای هفت اقلیم حضرت لریه مداوم
اولد و غمزدن دایماد دگاه کار ساز و بارگاه بلند و بی نیاز حضرت
رجا و نیاز اولور که وجود پر جود واجب الانفراد لری سعاد
و تمکین ایله بی انبار و نشین صدر عزت مکین ده متمکن و سرفراز
ایلیوب هواره جامه قامت قابیل لری طراز صحت ایله مطر و خامه
ذات پر میمنت لری عمامه عزت و عافیت ایله معزز قلوب کافه اوقات
میمنت سمائل لری صدور بر و حسنه منبع و عامه ساعات نجسته ایال لری
ظهور انوار صبح سعادته مطلع ایته دن خالی اولیه بمنه وجوده

دکر

بنیات الله الملك الخفار جو فول لری هنوز نشین صحت قرار و پیغوله
عافیت پایدار اولوب بالعن و الامکار باد شاه کردون و قار حضرت
تواعتد سلطنت و احتشام لری ایوم القرار برقرار اولود عالریه مداوم
و جناب شرف شمار لریک قوت و اقتدار لری یو بافی و اذ دیار و اتمار

اوزده آفرین منوجه اولدوقلری برلرده اعدای سیه روی
وتنه روزگار لری منفصل ونکونسا راولن دعواتنه فایع اولدورن
علم عالم ادرینه واضع وهویلا یوریه **دکتر**

مقارنت هسته مر تا پیر لری برکاتبله بنایت الله الملک القدیر مقام محبت و عافیه
کوشه کیو اولوب سعادتلو پادشاه کودون سریر حضرتینک دوام سلطنت اهر
وقیام خلافت ذهر لری دعواتنه مداوم اولوب ومامور اولدورن و غمز اوزده
نظام احوال رعایا و انقیام امور فقر ایله سرمایه دولت و دین و دین و دین
حربین محترمین مهمانی و حجاج فیض منهاجک ترتیب خواجه و مقتضای و محصل
وسایر منوجباه ایله مقید اولوب و لکن قول طایفه سنک کیفیت حالی زمان قدیم
اولدورنجی کی ملت اولمایوب ضبط و ربط لری امر عیس و تدارک عظیمه محتاج و شد
حق جل و علائک بنایت بی غایتنه توکل و رجال اللهک هست فیض ایتلرینه توسل اید
ملک اولدورنجی اوزده کاه رفق و ملائمت جانلرینه سلوک و احسان لازمه مقتضای
ریاست اولان حکومت طرفلرین سلوک طوقب جناب هدایت دسانلرینک حسن
فیض قنار لری برکاتند احوال رعایا و بلدان سایر زمانلردن نهم مرتبه معهود اید
وامن و امان اوزده اولوب لکن **ت** کادنه اینکیر کیدانه **ت** هر کج کجست مردان کید
مقتضای اوزده الطاف ذات ستوده صفاتلرین مامورلرکه داوینه کوشه فراغ
و انزوا ده عامه فقر ایله اجابت دعا اولان اوقات متبرکه و ساعات مستطانه
ده مظهر فیوضات الهی و مصدر فتوحات نامتناهی اولان عثمان خاطر ارشاد بسیار
فراموش و منشی پور رفته هست والا نملری بی ددیغ بورور

دکتر
بنایت الله الملک المنان شمدیکی حالده مقصوده صحت ساکن و معوره عافیه
متوطن و کوشه نشین اولوب بی کل وقت و حین واسطه اسایش زمان و زمین
وفرمان فرمای خطم ارضین سعادتلو و عظمتلو پادشاه سلیمان لکین حضرتینک

از هار دیاض خلافت لری الی انقضاء الدوران سربز و خرم و نو بهار
 حدائق سلطنت لری الی انتهای الاذمان شبنم عنایت نردانی بوله طری ورم
 اولق و عالمی نگار ایند کد نصکره اول اسمان فضل و عرفانک نیر تنامی
 و سپهر کمالات و از عانک بدر کاملی مرآت جمال علوم و حکم و شکوه کمال
 لطایف و شیم حضرت لرنیک دخی وجود ملک سمات و ذات قدسی صفات لری
 الی بوم الدین قمر یوان عافیتد ماکین و صدر صفه صفا و مستند مسند
 نشین اولق و عالمی اوراد اوقات بهترین و از کار ساعات خالصتین ^{نیم}
 اولدوغی علم شریف دقایق بیندیرنه واضح و بین بود بله عان مرآت و سلطام
 حضرت لرنیک کان حقیقت و وفا و معدن صدقات و صفا اولان الطاف
 بی انتهای لردن امید و چرا و نور که بومحبت خیر اندیش راسخ الی لاری خاطر
 نریغ لردن بالکلمه دوریور میوب بوحقیق باهر القصور لری دخی محبتان
 صدقات نشان لری صفند تمکین ایندیر ملک یله داعایید کد لری اوزره
 توا ترجو پیار الطاف بی غایه لری یله ^{نیم} صمیم لفت ضیمتر ضیمتر خلوص و اعتقاد
 لری انبات و حدیقه خاطر صدقات رهیمترده سربز اولان ریاحین
 و ثوق و دادی بروجه ایله ابقا و ثبات پور لکه اید الی اباد دم در حودا
 پردرد ایله برک و بارنه کرد و شکوفه و ازهار نه الام خزان اخزانند
 مصون و پی درد اولمقدن خالی اولیه

د مکر

عنایت الله الملك الجلیل وجود نجیف علیل تنمد کی حاله نعمت محبت به عدل
 ایله منتعم اولوب جناب نریغ لرنیک از دیاد سعادت فی معاد لری و ارد

مداوم و مشتغل اولد و غمزه علم عالم ادا المریه واضح و هویدا بود بیلله بنیامید

دکتر

بنیامین الحی القدرم حالبا وجود سقیم صحت و سندر عافیتده میقم اولوب
سعادتلو پادشاه دارای هفت اقلیم حضرتلرنیک قواعد خلافت باهرم و
سلطنت زاهر لری الحی انقراض الدوران صحایف ظهور و اعوامن پایدار وقایع
اولقا و رادنه مداوم و اجنایه خیر اندیش صداقت کیشک عواره دعای سعاد
جلیل الاحتشام لری صغایر روزگارده باقی و دایم اولقا ادعیه مستملازم
اولد و غمزه علم عالم شمولد لریه پوسیدن و نمان پور لیم بنیامید

سکندر

دکتر

بنیامین الله الملک القدیم شد کی حالده بیحواله صحتده میقم و بیادیه عافیتدن
ادعیه روز افزون دارای هفت اقلیم حضرتلرنه مداوم اولد و غمزه
دایماد رکاه کارسان و بارگاه بلند و حی نیاز حضرتلرندن رجاونیاز
اولیور که وجود پر جود واجب الاغزاز لرن سعاد و تمکین ایله بی
انبار و نشیمن صدر عزت مکین ده ممکن و مرفران الیوب

دکتر

بنیامین الله الملک المتعال طا بر روح صداقت مال پر وبال صحت و سعاد
ایله خوش حال و مرفه الیال اولوب بالغد و الاصال سعادتلو و
یادشاه حضرتلرنیک دوام خیام فر و شوکت و بقاء قطام قواعد سلطنت
اورادنه اشتغال اولد و غمزه ضمیمه اخلاص شمولد لریه حقی و پوسیدن
پور لیم غبتنا

دکتر

بنیامین الله تعالی روزان و شبان سایه امن و امان عالمیان و راحت
رسان کافه انش و جان اولان سعادتلو و شوکتلو پادشاه ک ذات

دردان پادشاه

پوشیده

وقت و قدر تلدي ملاحق بام چرخ بلند و عساکر منصوره دغنی شکله
 دایما خیم افکن و عدد و بند و لوب متوجه و عازم اولد فلری بر رده
 انوار فتح و طفرایه بوز لری اف و شمشیر جهانگیر مالک تخنیر لری برند
 و براق اولوق دعواتنه اشتعال اوزر ایکن انبوسال فرخ فالک ماه
 صفر المظفر نیک واسطنده فدوق الاماجد والاکارم داود اغانا دام مجد
 فولدی برندن خط هایون سعادت مقرون باد شاهی وارد اولوب
 مضمون عالیشان قدر توانند بنمای مالک الفقار غفوان بهار خنده
 انارده ترف جانلرینه صم اولان سفرهایون طفراندا راجون فرار
 عالیقدر حضرتلرینه ولایت مصریه دن بر مقدار قول دایلی فرمان
 سور لمقبله هر چند حد زانند دیار مصره ولایت جنس و بمن خصوص
 حرمین محترمین شرف الله فی الدارین جانلر نیک کلیدی و سد سدی
 مقامنده اولوب هر بار تغور مزبوره امور ضروریه لوند بوجانک
 امداد نه محتاج و بر نواب معظمه وقوعنده ایفاء مهمات و مایحتاج
 بولایتک استمداد نه ضروری الاحتیاج اولوب لابد اولد اراضی
 مبارکه نیک سایش و نظای و اها لیسنگ صفای عیش و انتطای بولایت
 معموره تضاعفا قنار و احتشامنه منوط اولوب فی نفس الامر عساکر
 حصنه ایچ بوسر حد لکه ضبط و حراستنه وجوانب دبعه سنده اولد
 اولان تغور معبزه نیک ضبط و صیانتنه و فایادب مع هذا مزبور لو
 دایما بومقوله خدمات جلیله ده استخدام اولمقدن خالی اولم لریله

زبور لک بو مقامات جلیله ده مواظبت ایند کالری خبر دعا لری ایله کتفا
 اولغی من وجه احری ایکن لکن فرمان جلیل الغدیر بلا صبه متابعت و سادگی
 سردار شوکت مدار حضرت لربیک رضای بمن اقتضای غن لری ایفا سته سار
 اولوب جماعت فرورده دن امور دین و دنیا و جماعت و جلاد تره اتمه
 سلاح پیتدن انکت نما اولندری دفتر و دفتر نضین مکت و اقتدار و ات
 و خدمتکار صاحب لری اولوب بری دورت بنو نقر برابر اولند دن بنو نقر
 نغین و مقبره ایدوب کم من فیله قلیله غلبت فیته کثیره باز الله عز و شرفی
 مزبور لره بار و رهبر و امره محافضین دن حسن تدبیر و راب صایب ایله
 نامور و دقایق ندادک لایز مه دن باخبر اولان عمریک دام علوق مزبور لره
 سردار و پیشرو نغین اولوب عادت معتاده لری کور لوب غلور سردار
 شوکت مدار حضرت لریه ارسال اولنمدر امید در که احزان و فاند و وصول
 و رضای بمن اقتضای لری اوزر باغت تحسین و قبول اولاجی خدمت لری
 ظهور ملک مبر و مقدر اولا

دیگر

بحمد الله و دود عر چند حدیقه وجود نابود عوا صف غوم عجران ایله پرمرد و برک و بار خست
 دل غم فرسود حزن اخوان دوری ایله ریزان و از رده اولمه دن خالی و یاق
 و لکن نسیم الطاف خلان و فاکیشان و زان و نسیم اخبار رحمان صفا اندیشان
 مقام دل و جان هرازان اولغیله غنجه دل منسوب ضمیر کلمه کشفه خندان و سیمای بیکش
 جاودانی و پرتو آفتاب صبح نورانی اولان نامه حمامه مودت

بحمد الله و الله او دنک صحت و حضور ده برقرار و ارایک عافیت و جهور ده
 استوار اولوب کاهی مطالیعه کتب و اشعار و کاه هرا کیه صید و شکار ایله
 کشت و کذا رایدوب ذکر ماثر بهیمه و نشر مناقب سینه کوز و معذب البیان

و رطب اللسان ملاحظه اوله

الحمد لله والمنة هم سعادت نمشکون ایله دیاج عون عنایت نیردانی بحار
تقدیرات ربانی ده نشرهای مشتها سفن و مال و امالی اوزره سائر و
ساری و میاه لطف و هدایت سبحانی رباض اقصای مرادات اوزره
من متانی ایله دایر و جاری اولوب ساری صحنه جالی و قیای بقای
لابس اولوب دوام دولت ابد بقا و بقای حشمت فلک ارتقا دعالوینه
ضغای نیت ایله مداوم و نقای طویت ایله ملازم ملاحظه یور ایله

لله الحمد و سغنیه وجود حال الود تند باد علل و اعراض دن عاری و سجا رکی کنار
لطف الحی ده وفق مراد اوزره جاری اولوب

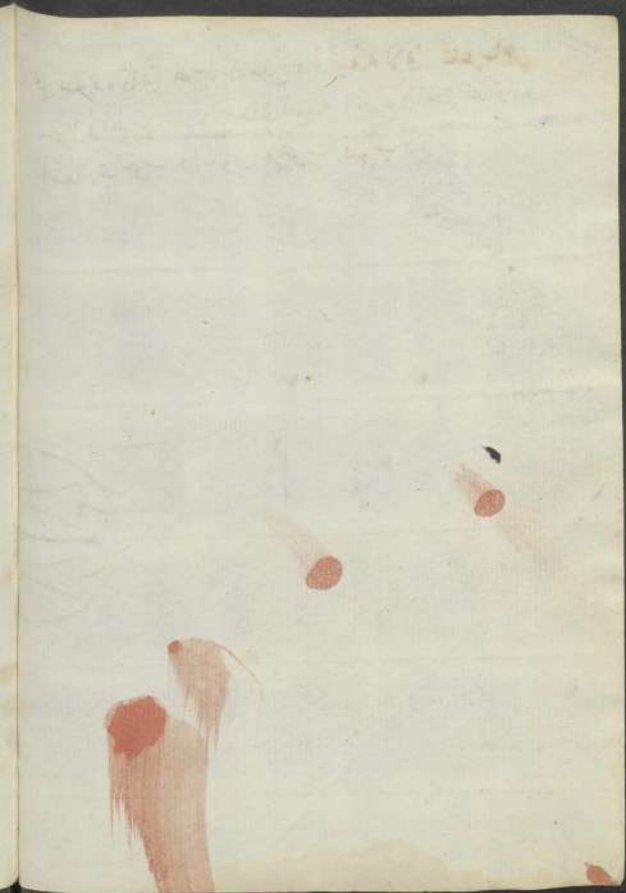
عنه سبحانه و نقای هنور جوهر روح کان بیرنه میکن و دراری حیات
برفتوح اصداق تنه کوشه نشین اولوب فی کل الاوقات و المین اعمال
و اشغال مز سعادت تلو باد شاه روی زمین حفرتلر نیک دین به کوس هوش
جهایابی بر حذر اینک دعوائی مکررا ایند کردن صکره جناب فضایل
مالرینیک داخی وجود پر جود لری حیات اقزای جمهور انام و عقد
کشی مشکلات خواص و عوام

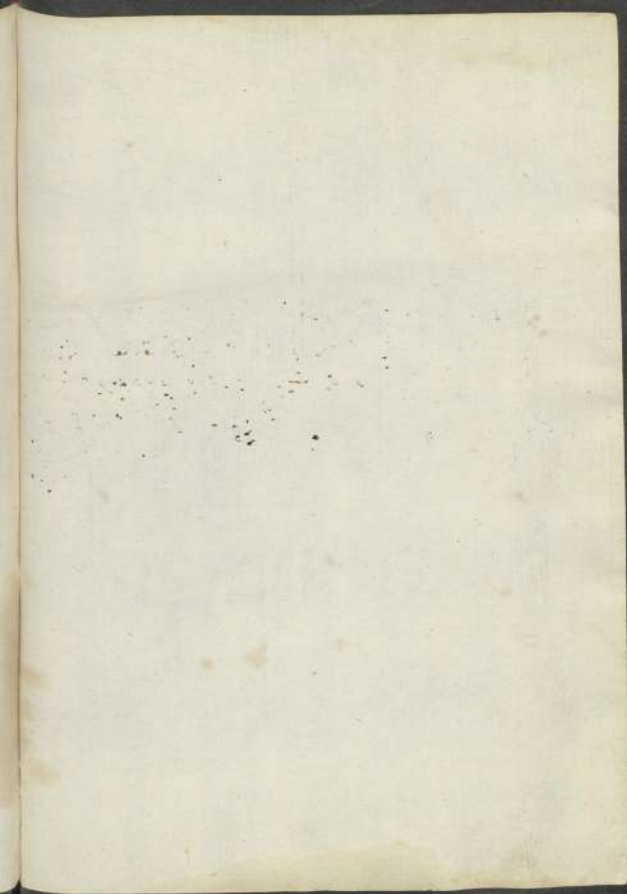
Handwritten text in a cursive script, likely a letter or a page from a manuscript. The text is written in a dark ink on aged, slightly yellowed paper. The handwriting is fluid and characteristic of the 17th or 18th century.

Handwritten text, possibly a signature or a heading, located in the middle section of the page. It appears to be a single line of text, possibly a name or a title.

Handwritten text, possibly a signature or a heading, located in the lower section of the page. It appears to be a single line of text, possibly a name or a title.

242 فن شعده فائق هر چه هست مدح و توصیفه لایق شاعر ساهر
عزیز و نظیری نادر معانی لطیفه ابداع و اختراع قادر
اشعاری خوب و مایه غیب و غوب قلوب در





مفسر دد شکر گزینی مکتوب در این اوقات

لطف و در حضور نشانی

عقل و وسادتلو بیام اغای اصف رای دولت ارای حضرتنیک مجمع علوم
و منبع ینایع جود و کرم اولان ساحه جناب معالی شملرینه محیفه خاطر صداقت
استیاس ده مخر و مرسوم اولان سرنامه دعوات خالصات عبودیت منحن
و رساله ضمیر مخالفت اقتباس ده مستطرو مرسوم اولان د پیاچه نجات مصالح
مصادقت مفرون اهدا سند نصکر انما دولخواه پی دیای ضای درون اولد

دکتر محمد شادان وزیر اعظم حضورده

دولت و وسادتلو سلطان حضرتنیک خاکبای شریف لرینه لازمه خلوص و صداقت
کاری و شیم عبودیت و خدمت کذاری اولان و طیفه نظیفه دولخواه و شکار
دعواته مساو اسحار ده خلوص مال صداقت مال ایله مدراومت و اشتعال
صکره عرصه حرم کرم شمار و ساحه فیج ارم اعتبار اولان جناب معالی
نصاب رفیع المقدار لرینه عرض بنده اخلاص کزار اولد که

دکتر محمد شادان روم ابلی کلر کی سنه

عزمت و قدرناغ یاشای جلیل القدر و الاحتمام حضرتنیک حضور و الامتعالیه
مرام خلوص دعوات طیبات صداقت نظام و سکادم نجات مخالفت نظام
اتحاد نصکر انما محبت دیرینه خلوص بیام اولد که

دکتر محمد شادان سحر راغایه بارلدی

عزمت و قدرناغ یاشای باهرا لافال حضرتنیک حضور بر نور منجیب السور
لرینه انواع ادعیه خالصه مودت پرواز و اضاف انتم صالحه صداقت امتیاز
که ناد یازان بلند پروازان اماکن قدس و سج طرازان ذوایای ساکن ان
وضایف خلوصیتی د پیاچه او را د اسحار و عنوان و ضایف بدل و نمار قلور
اتحاد و اهدا اولد قدر نصکر انما محبت صداقت کار اولد که

عزیز و قریب دایم یا شای عالمقدار بلند اقتدار حضرت بزرگ مجلس شریف رفیع
 الاطوار و نادیدنی لطیف منبع الآثار لرینه و نور دعوات طیبات تنقیحات
 شمار و شعور تحیات زاکیات تنقیحات دینار که درون دلی غلغل
 صادر و خلاصه ضمیر صداقت نمایان مبادر اولور واسطه فافله
 ملا اعلی و رابطہ داخلہ عالم بالبر لہ اهد اجناب سماویما و اتخاف
 بارگاه فردوس ساقی قد نصکره انما بحبت صداقت جوی بی ریا
 اولد که

استان فلک استیادند که مقبل شفاہ اکاسرہ عالم و مضرب جہاد جہاد بی
 ادمدر عرضہ دعادہ عرضہ داعی حقیر بود کہ شول زمانکہ اول جناب
 عدالت نکاہ و سلطنت دستکاد اظال الله بقاء و رزقنا الخیر لبقیہ
 حضرتلرنیک غبار بارکاد عاطفت نباهلندینہ دوعیال ایتمکله آئینہ امان
 هر وجهہ صورت حسن حال جلوہ کر اولوب واللہ علی ما قول شہید کہ زمر
 عبید درم خریدہ لرندن اولوب سب و روز محبوب دایات عزت لری
 همسر افلاک و برتران سماک اولمغنون روی تصرع و نیاز صوب اسمانہ
 طوئلق ایدی خصوصاً بندہ فی دیالربن نظر خسروانہ لرلہ یاد پیوروب
 وصول احسان لرلہ بلش و یاد ایچندہ کوکبا قبل لری اقبابہ همسر و فخر
 ستارہ سنی کیوانہ برابر پیور معین فی اختیار دعا و ثنائرنہ لبل و نمار
 در کار اولوب بوکلام ضراعت پیام ایله عرض مرام قلندی **س**
 شاہا جتہ سلطنتک بردوام ولا کردون قیگد امرکہ جا کر غلام اول
 قہرکہ دستکد ایتیوہ اولو کوسترہ اطفکله هر نفس فرج و شاد کام اول
 باخ امر و فہارہ و لطف و احسان سن کیوان ایوانکدر

دیکر

د و تلور و قلو سلطان حضرتلرنیک خاکبای سعادندینہ کہ عرض جهان دولت
 جاوید و کوهرکان امان و امید در انواع صداقت و دلستہ کی و اضاف
 عبودیت و پیوستہ کی برلہ تاکید مرام اخلاص و خضوع و عہد لازم
 نیاز مندی و خضوع و ظایفتم قیامد نصکرہ **د**

د و تلور و سعادتی سلطان حضرتلرنیک خاکبای کیمیا اسرارہ کہ نوحدہ دولت
 و نور حدیقہ مسند سعادت در امتوارہ طرب سراپ عزت و کامرانی مربع نشین

و جناب جلال الشکور دولت رهبر لری که جناب بخانه عنده مطالب و تحفه
و شایسته مقصد و مایه افاضه درون و انواع و در روز افزون
الیه مقرر اولان و فور دعوات صالحات اجابت مرهون و مشعور تحفه
طیبات استطابت شحون اهدا شدن مکرر انعام محبت صدقت عنون اولان

دکتر

دولت و مرویات سلطانی حضرت لری که خاکبای سعادت انعام و فضیلت انعام لری که
حسنت قزای برای مجد و اقبال و ملجای کافه ارباب امافی و امال در نادی
رفع سعادت مثال و موقف منبع مکرمات اشغال لری خلاصه رسائل دعوات
صافیة السمات و نقاوه و سایل سامیه الصفات که بنیم سکیه الفوحات خلاصه
مختر شام ساکنان ملا و اعلی و رواج غیریة النخعات اختصاصی معطر کام
متکلمان عالم بالادد انواع نکیمات فی انتمها و اضاف تعضیمات فالایحصا
ایله ساحه جناب والا و مجلس شریف سما سیمالریه اتحاف و اهدا اولند و در فکر
انهای عزتجوی صدقت انعام اولدر که

دکتر

دولت و مرویات سلطانی حضرت لری که خاکبای شریف باهر الاحتشام لری که نور دیده
بنیای اقام و کحل و شمای حدقه اشرف انام دد فرید تجلیل و اعطام الیه قبول
و التیام درضکره عرض بنده خلوص انتظام اولدر که انبوه ماه ذی الحرام و اسطوره
درگاه سیمرا احتشام جاشیکور لری که ناله یدنون منشور و اجبالر و اقبال و تحفه
بهجت مافی و امال اولان دولت و سلطانی حضرت لری که بو عید کتب البالد لری که انکی قطع
مکتوب مرغوب لری وارد اولوب فحوی غرای عزت مقرر و نذر و لایست مصریه
یعنی و جنس جاشیکور لری که سدر مدید و قفل حدیدی منابه سنده ایکن ذکر اولان
مرحله اول باقول سنوح و ظهوریدن احوال لری که عرض و اعلا فی جمله لوازم
دین و دلتون اولمغیر اول مقوله و افعالتک تفصیل و انما فی بابنه و غیرین هر

د ولسو و مروتلو سلطان حضرت لړنیک حضور دیو نور مهر ارجلا و خباب و الانصاب
 سپهر اعتلا لوبه که جهان بجد و سعادتک بدر منویری و فلک علو و سیادتک
 مهر انویری در هواره د دیای پنهانی بجد و اقتدار لرونه کشتی هلال بر زو
 ملکن و ستون سفینه نصرت اعتبار لوی اوج چرخ نیلکونه برابر اولوب بچار
 زخار جود و افضا لری بی کنار و دشحات سحاب بحساب برو نوالری
 د دیابار اولق د عالی و طیفه نظیفه لیل و نهار قلوب قوافل ضیا نهار
 و درواحل صبا بهار بر لیه تحفه مجلس بهشتی مدار و هدیه محفل فردوسی
 شعار قلعه فرسکره عرض بند پی ریا خلوص اعتبار اولدر که

د مکر

عزلو و سعادتو سلطان حضرت لړنیک خاکبای کیمیا لرینه که نور حدقه
 دیده دولت و نور حدیقه مسند سعادت در هواره طرب سرائی عزت
 و کامراندی مربع نشین و کاشانه نزهت فزای د فعتده اصناف مسرت
 و شادمانی ایله متمکن اولوب غرات طبع صفای یفندی انوار عنایت
 اذلیه ایله مجله و مرچشمه خاطر کوثر ردیف لری غبار غنادر کدو
 معرا اولق د عالی و ضلایق تقدیمند نصکره

د مکر

د ولسو و مروتلو سلطان حضرت لړنیک خاکبای کیمیا انار لړنیک توبای دین
 ایمان و نور افزای چشم دور بینان در چشم دل و جان اکتفا لدر نصکره
 عرض بند صادق الجنان اولدر که اسنامه فلک شیانند فدوة الاما حد
 و الایمان خندان اعا یدرن بوفولریه خطایا خطایا بون سعادت مقرون الم
 معنون امر شریف عالیتان وارد اولوب مضمون یتوننده بغایت الم الملک
 المنان اول بهار مینت عنوانه سرخ سر ضلالت نشان جانینه صم اولان
 سفرهایون نصرت اقتدران امجون مرقولدرن بانام و نشان بیک نفر
 دلاوران غنایان تعین و ارسال اولوب منوکلای الرحمن صوب صواب
 نشان لریه روان اولدر

مادامکه عروس مهر زهر در کلبه و عذار ماه رخسار زهر جبین انواع
 تیغ و خرام و اصفاف نفاخ و قیام برله مطلع افق جزخ جنبی و ما
 و رای تقوی غریبیدن شقه جاد رال و معجز کلبر مثال ایله عرض جمال ابد
 سپیده فلق و کلاونه شفق ایله دین عالیهایی منور و شام جهانیانی
 معطر فلوب خلعت فاحره نبلو فری و قیای دبیای ذرا اندود خاور
 ایله افشار فسون سحر سامری و ابداء فنون کیمیا کوی ابدوب تابند
 انوار فانیض الاثادندن دست و دامان میکن و مکان بر زر و حبیب
 و کربیان زمین و زمان معدن نعل و کهروله اول اقیاب آسمان
 ملائک و شمشه ایوان پش طاق شمایل قدر اقزای قهر نه طاق فتوی
 صدر ارای دیوان عالی رواق تقوی پسندیده مجامع انام سنجیده
 طبایع بجزه خاص و عام قبله انام کعبه اسلام حضرت لرنیک وجود پرست
 لری که مهرینر افاضه پرتو پر انوار لریندن ذره و شعله شمع زکا
 مستدیر انور زکاء ادا و تاید لریندن بر لمع در عوار مغارق
 رؤس عالمیانه ضیا انداز و کاشانه ضایر جهانیانه سایه پرداز او
 دعوتانه مداومت و اشتغال د نضکره انماء و دلخواه صداقت
 شعور اولدر که

دیکر

محفل اعلاهی عالی مرتبت غوایل دهر بر فخر دن امین اولمچون
 ارغیه ماثوره غیر محصور جناح طایر زرین پیضم صباح و بال
 فریب زانغ روح ایله اهدا اولوب ضمیر صاف مونکاف لقا
 اتصاف لرینه عرض اولور که درگاه مقعال و بارگاه و اهب
 الامال دن اقصی مارب بال بر ملال مراقی عز و اقبال و مدار

جاه و جلال ايله علوجاه و سمو دلخواه ايله ارتقار بن و سوت
سعادتي في غاياته التقالري در سهام مهم هدف اجابته
اصابت ابد و هذا دعاء للبرية نافع

حقي احقاق و باطلی از هاق ايله شمره افان اولوب
بالک تحقراق صدر سعادته جالسی و حوزة عدل و دادی
دست تعرض اصحاب جور و فساد دن حارس اولان سلطان
حضرتالربنک مجلس نفیس فضایل انیس افاضل جلیس لری صوبه
معروض داعی دولخواه بی آشنیاه بود رک

ملجای افاضل عالم ملتقای مجار جود و کرم اولان محفل جمیل و موئل جلیل
عدم العدل لری صوبه که فی الحقیقه اصناف زیور خصایل افاضل ایل
ارکته و انواع عوارف ارباب معارف ایل پیراسته در صوف
تعظیم و اجلال ایل و طیفه نفیقه غدر و اصال قلنان ادعیه خالصا
مال و ائینه صالحه صداقت خصال قافل سالار نسیم شمال فواج اشمال
بمله ابلاغ و ارسال و اهدا قلند و نجی سیاقند انما اولنور که مهبط
انوار سبحانیه و محط اسرار صمدانیه اولاده خاطر عطر قدسی ماثرونه
تغیر نفید جانب حقیر جلوه کرو جایکرا ولور سه سپاس بی قیاس

منبع الفضایل و الاحسان معدن الجود و العرفان حضرت سلطان
ابقاه الله تعالی بالسعادة الجلیة و الفضيلة العلیة الی اخر
الزمان انامل دریا نواللری سفاه اعظام و اجلال ایل تقبیل

وایات دعوات مجدد و اقبال لدی غده و اصاله السنه ضاعت و استمال
البه تلاوت و ترتیل اولنقد نصکره عرض بند اخلاص شمایل اولد

دگر

لوازم و عوارض خالصانه لبرتی روزتصال و مراسم تبلیغات سلیمات
مسلوب المثال که ینابیع فرط تعلی و روز و سر حیمه عین و وصفاء
دریا و ده جاری و لور و یر نسیم و یر مهر و وفا به صوب صواب
انتقارینه استخاف و اهدار و اولد نصکره مخلصانه انمار و نوزکر

دگر

مجلس زینب برجیل احتشام و نادای لطف سپهر احترام ایدالله قواعد
ارکانه الیوم القیام حضرتک نیک صوب با صواب اعالی خرام و حیث
والانصاف امانی مقام لربنه که مزدحم جباه خواصی انام و منال مال
کافه خواص و عام در انواع نبطیم و اکرام شامل و اصناف تجمل و احترام
شتمل اولان خلاصه دعوات صداقت ایات و نقا و تحیات
طبیات غایات فاتحه صحیفه اوراد صبح و شام و وظیفه نظیفه
لیالی و ایام قلمند نصکره انما و دلجوئی مصافات انتظام اولد

دگر

عز و ولو و قلوبا بام بانای سلیم البال و کرم الحضال حضرتک یک حضور بر نور
کثیر الرفضال و جناب والانصاف محموده الفعال لویه ضمیر اخلاص نظر
دن صادر و خاطر اختصاصی یا شردن متبادر خلاصه دعوات مصافات
مودت مشاعر و نقا و طبیات اخوت مصادر استخافند نصکره انما
محب و دلجوئی و تقصیر بودر کم

دگر

موقف شریف غرا و نادای لطیف ضیایضایه که حطیم طواف فضلای نام
و حریم مطاف مجاهیر خواص و عوام در انواع تکریم و اعظام و اصاف و تحیم

واحترام ایلله ایلدغ سلامت انجام و اتخاف پیام مخالفت انجام نفلن
انتهاء مخلص صدقت نظام اولدرکه **دک**

حق سبحانه و تعالی دولتی و عدالتی پادشاهک ذات مقدس وجود نفلن
اقدس لری کدورات امراض جسمانیة و روحانیة دن حرز غایت ازلیة سندن
محفوظ و مأمون و اعداء مالک محمد لری کوفتار بلیات دوزافرو ایلدغ
عرض نفلن ودرکه **دک**

دولتی و مروتی سلطان خضر لریک خاکبای دولت مالمی که مرجع کافه
ارباب اقبال و حصول منال اصحاب مال در کمال تغیر و استیصال برله دوال
قلقد نصکره عرض نفلن خالص الیال اولدرکه **دک**

حق سبحانه و تعالی دولتی و عدالتی پادشاه دین پناه خضر لریک و جی
هایون ملک فطرت و ذات معدلت مقرون کروی خصلت لری دایما
نظر غایت لری ایلله منظور و رایت مالکستان و جهان کتار لری متوجه
و عازم اولدو قلدی برلده منظر و منصور و مخالفان دین و دولت
اولان بی دین لری علی الروام ذلیل و مقهور ایلله امین بالنبی الامین
عرض نفلن بمقدار اولدرکه بوعید خاکسار لری مأمور اولدوغ اوزر
معوره مالک مصرته داخل اولدوغ کوندن برو دایما سعی و دقم رضای
هایون پادشاهی اوزر حرکت ایتمکه مقصور اولدوغ غنه بنای بغایت
الله الملك الغفور مقدورم اولان مرتبه دن زیاده حفظ و حراست
مملکت و تسلیت خواطر فقرا و رعیت ایلله تعبد باینده قصورم اولما
نتیجه بی داعی موقع ظهور کلوب و لایتنک معور و آباد انخی تمدنی
حالت بود بار جلیل الاعتبارده اولان اوجوزلق نیمه شهر و سینی دن برو
اولا مشدر لکن بوجه عدالتی پادشاهک خیرد عالی برکاتله اولدوغی فی شهاد

مجلس شریف عالی رتبت و محفل شریف کوفی بانی منزلت لری که ملاحق فردوس برین و غیرت
فرای مقام علیین در انواع صداقت و ارذ و مندی و اصناف نجاست و نیاز مندی
بر که تقدیم قواعد مصافات این صکره اگر مابیند مرتبط اولان انار حبت و ولا
و شعار اتحادی دیا اوزره جانب دولخواه مصافات انتقاری احوالندون مستعلام
و استقصا و اتفق مرات خواطر صفا افزا الرنزه جلوه نما و اولدرکه

مجلس شریف سپهر ادتفاع و نادای لطیف مهر التماع ابدالله قواعد قدر
الیوم الانتزاع حضرت نیک صوب صواب اتباعا لرینه مزید اتحاد خلوص
انجام و امتداد و داد صداقت انسجام و نصکره انماء و دلجوی موالان
اد تمام اولدرکه

مجلس شریف فضیلت مدار و محفل شریف سعادت قرار لا ذال علوقدر هالیوم
القرار صوب عالی لرینه انماء و دلخواه صداقت کاد اولدرکه

عنوان صحایف جاه و جلال و فهرست لطایف مجد و افضال اولان خاکبای توتیا
عبار لرینه رومال و غبار پای یکجا اعتبار لرندن دین و دل و جانه اکتحال قلنوا
و ضایف رعبه دولت و اقبال لرعبه اورد معتاده ایام و لیال و از کار لازمه
عد و اصل قلند قدر نصکره انماء بند و خالص لبال بودرکه

دعوات صالحات عمیریة الفوجات و تحیات فایحات عمریة النجات که آثار
بوی دلجویی دل اجبایی صفات شایع معطر و مشام خلدان خلوص قترانی مجرایدر
انواع دقایق قواعد و داد و اضاف و رابط خلوص اتحاد ایلله اتخاف و اهدا
قلند قدر نصکره انماء مجبانه اولنانه اولدرکه

د مکر

نهمید بنیان عز و دولت و تشدید ایگان مجد و رفعت و مقاصد دنیا و آخرت
لربی ادعیه لرین بخداید و تکرار قلند قد نصکم الله محبت محلی در دیاود

د مکر

منع الفضل والإحسان معدن الجود والإعزاز حضرتان بیک حضرت سلطام
ایناه الله تعالی ذاته السیئة بالسعادة الجلیة والفضیلة العلیة الخاض
الزمان انامل دریا نوال کری شفاه اجلال واعظام ایل تقبیل و آیات
دعوات عز و اقبال الله ضاعت و انهمال ایل تلاوت و ترتیل اولدرد
صکره

د مکر رکاب عابونه باد مستور

پادشاهک

حق سبحانه و تعالی عدالتو شوکت و سلطنت لرین بوما فیوما زیاده و انوار
اقتاب خلافت لرین الی اخر الدوران مفارق کافه شره کان اوزر تا بند
و در خشنده ایل به امین بالنی الامین عرض بند بمقدار بودر که

د مکر

رکاب سلطنته باد لری

حق سبحانه و تعالی دولتو و سعادتو پادشاهک اعلام فتح و نصرت لرین اوج
جبرخ برینه همسر و بر و مجرده ساعی بالقضاء اولان دین و دولت دشمن لرین
خضیض منزلته خاک خقیره برابر ایدوب صیت و صدای شوکت و اجلال لرینه
مسامع عالیمان پر و دعاء بقاء سلطنت و خلافت لرین تسبیح عبید و خرا و خلد
خالی اولیم امین یارب العالمین عرض بند بمقدار بودر که

د مکر

رکاب پادشاه سلیمان باد کاهه بار لری

حق سبحانه و تعالی دولتو و عدالتو پادشاهک صل الله حضرتانک وجود بر وجود لرین
مدار ایاش خلق عالم و باعث رفاه حال کافه ام در الی انشاء الدوران سر بر
سلطنت عظمی ده بایدار و تحت خلافت کبراد بر اقرار امین یارب العالمین عرض
بند بمقدار اولدرد که

خوشحانه و تعالی دولو وعدالتو پادشاه دوی زمین و سایه اله العالمین خصلتیک
وجودهایون فلک فطرت و ذاتی مقرون کروی خصلتکری داغما نظر عین غایتیله
منظور و رایت مالک سنان جهانکشا کری متوجه و عازم اولدوقلری برورده
منظور و منصور و مخالف دیند و لشکری علی الدوام زینل و مقهور ایلده مابین
الامین عرض بنده پتقدار اولدرکه

دگر

دکاب پادشاه ربع مکتوبه

خوشحانه و تعالی دولو وعدالتو پادشاهک اساس سلطنت باهر لون
قواعد دولت اید پیوند ایلده مشددود و او تاد خیام خلافتکری بنضای ملت
سرمدیه ایلده مربوط ایلوب ایام اقتدار و شوکتکری بومافیه مسعود و مایه
چترهایونلری دامن آخر الزمانه دک مفادق کافه امم اوزر مدود ایتکدن
خایه اولیم عینه وجوده عرض بنده پتقدار بودرکه

دگر فایم مقام اولان محمد باب

حضرت سلطان اعلی الله شانه و صانه عثاننه حضرت محبت و اهب الامالی منت
و جناب فیض التوال فی علک ذات رفیع القدر عالی رتبتکری کعبه المال ارباب
امنیت و قبله اقبال اصحاب استعداد و قابلیت ایلوب همه دستجات بحایب
افضل الدین زمین امال خواص انام فیض بزیرو لمعان بر تواقبات بی
زواللر نه ضایر قلوب جمهور خواص و عوام بر تنوبر اولوب عبثه علیه دولت
مصلحتی ابد الابد عامه بندکان اخلاص شانه مرجع و مصل و سن سینه
هر تاثیر لری افتاده کان فقر و بی ثمانه معین و ظبر اولوب ابواب حسانلری
ارباب مراده کشته و مواید بر فواید فضایل و عرفانلری طالبان مطالب
ممامه اماده اولتوق دعالری صباح و مساده و ضیفه ایام معتاده فلذ قدن
صکره عرض حرم کرم و سده سیدین ارباب ارم تواملر نه عرض بنده
اخلاص شیم اولدرکه

دوانلو و مرزولو سلطان حضرت لایک ساهه جناب جلیل الاحترام و باحه
والانصاب باهر الاحتشام لرکه نور دین کافه ملک و ملت و قرة عیون
ایمان دین و دولت در مقتضای مرام عبودیت صمیم و مبتغای لوازم
صداقت غیمه اولان مقدمات خضوع و اخلاص بروری و دیباچه مرسله
اختصاص کستری اوزر بقاء قواعد جاه و جلال سپهر انتظام و دوام ام
مجد و اقبال کردن التیام لرینه لاین اجابت بارگاه احدی و نرایی قبول
درگاه صمدی اولان جواهر دعوات طبیقات صداقت نظام و زوایا
زایکات مخالفت ابتسام تقدیمه قیام اوزر اولوب و دایم الاوقات
اول سرختمه ینابیع فضل و کمال و دیباچه مجموعه مجد و افضال سابق
میدان جلالت و مهتری و صدر نشینی ایوان علو و برتری ده وجود پر جو
لری زیر و قایه عنایت ابدیده مصون و پایدار و ابد الابد تحت حمایت
عاطفت جناب سرمدیه عوارض افات و الام مکدرات امراض و اسقام
مأمون اولوق دعالرینه بخلوص لبال دوام و اشتغال در صکره اول مجمع
مکارم برو نوال و دریای مرام جود و افضال اولان بحاب الطاف و بخشش
نیسان مکرمات و عاطفت لری صدف وجود نابود فر باران و شبنم کرم
بی علت لری غنچه ضمیر انقباض مظاهر فزی شکفته و خندان ایدوب فی الجمه
مخلص ناتوان و دولجوی صادق الجنان لری احوالندن سوال اولوق بانند
فرمان جلیل الشان لری که افتاب سمان جود و احسان در طالع و درخشان اولوق

هواره ساحه ایوان کیوان التیاماری ستف سمایه محازی و باحه
 نرخت نمایی برجیس خنشا ماری بام سپهر لعلایه مساوی قلوب
 آوازه لطف و عدل و داد لریام مع عالمیان پر و تعداد شمایل
 سداداد و رشاد لری اوراد عبید و جز اولوب ذلت قدری صفا
 و عنبر ملک حسنا لری کجیه امال ارباب حاجات و قبله اقبال کافیه
 اصحاب مناجات اولق دعا لریکه وظیفه اعترافات و لازمه الطف
 احیان و ساعات در کمال خلوص طویت و نقای صفای عقیدت
 بر له لست تقال و مداومت اولوب قوافل اشواق صبا بهار و راحل
 اتواق ضیانههار بر له اهداء مجلس بلبل جلاله شعار قلند قدر نصکره
 انماء قولش واه صرافت کار اولدرکه

ناله

۲۵۳
 عزت و سعادت و بانی صفا را ی دولت آری حضرت یک جمع علو هم و منبع یا بیع
 جود و کرم اولان ساجه جناب معالی شیلرینه صیغه خاطر صداقت استیلا س ده
 محروم و مرقوم اولان سرنامه دعوات خالصات عبودیت مستحق و رساله ضمیمه
 مخالفت اقتباسه مسطور و مرسوم اولان دیباچه نجات صالحات مصادقت
 مقروءه اهدا سند نصکده انما دولتخواه پی ریای صافی درود اولدیرکه

دگر

دوام ایام عمر و دولت و نظام قیام فو و خمت و انتظام مقاصد دنیا و آخرت
 ادعیه خلوصیت و صدق طویت برله مداومت قلند قد نصکده معروفی
 پی عقلت بودرکه

دگر

اولاده سیرد دولت و اقبال و اقاب اسمان سعادت و اجلال حضرت لکرت نیک
 ذات عالیشان مکارم نشان و شان رفیع المکان مکرمت عنوان لریب
 خلعت عزت و دولت و ذیور انواع رفعت و سعادت له مزین و راسته
 و بجلی و پیراسته اولوب مدی الایام و الیالی ملجا اکابر و اعالی و المقد
 خانی اولحق دعوات صافیات اجابت انار و تحیات و اقیات استطابت
 دتاره مداومت و اشتغال و ملازمت و امتثال اولند و بی ساجه عز و اجلاله
 نغذیم و تقیم قلند قد نصکده انما و بحید سعادت خواه و بیا و محقق فی شبهه بودرکه

دگر

استحکام مبانی دولت کاهری و اشتداد مقاصد سعادت جاودانی دعا لری
 فی ناء الیل و اطراف النهار تجدد و تکرار و تمهید و تکرار قلند قد نصکده انما
 بحید قدیم و مخلوق مستقیم اولدیرکه

سلطان خضر لربنک مجلس رفیع سیم بر انتساب و موقف منبع سدر قباب لری صوبه کله
ملاذاریاب علم و کمال و معاذ اصحاب فضل و افضال در الو فخر و انکسار و
ذل و افتقار ایله در در غریبیات مخالفت نظام و جواهر ذواهر ثنات سنیات
مصادقت انتظام اینار و تثار فلذ قدر نضکر نه بر فطرت پرور و خاطر خطای
مکرمت کسرت لربنکه مانند افتاب رخشان نور بخش جاده در افتاد ای قلیل المثل
بودر که

دگر

اول سفاین استواق که کالای اشتیاق برله مالی و اول امواج و لاکه خس و خاشاک ریادن
خالی در هوای مجتله برین رفیق راه و ساحل دریای عاطفت لربن قوارگاه فلق و وزر
اولد قلری عرض و لنور فنی النفس من وجدی الیک صابیه و فی القلب من شوقی الیک صدوق
شیم تحیت و درود که دست و یز نیم خجسته و رود در معروض مجلس پای و مرفوع محفل کوی
قلند قدر نضکره

دگر

حقیقتلو و فضللو سلطان خضر لربنک داد النعمه انشوران دوران و جلوه گاه
مخدرات فضل و عرفان اولان اسنان آسمان منشی و سدره غایت لربن برسم
قدیم خدمت گذاری عرض عبودیت و خاکساری ضمنده لازمه اعتقاید صلوات
و همه جلوات و خلوات اولان ایند دعوات مثال جواهر منضوده و مانند بواقیت
مسروده دست و یز صبا و قبول و بر کزار و افدان زهاب و قفول قلوب اهل
اولد قدر نضکره عرضه داشت بند پی ریا و اقل و ذابودر که

دگر

کرم الشان عظیم الاحسان کرم کار و است گفتار خیر اندیش کامل چراغ
افوز پی معادل سلطان خضر لربنک خاکبای اکبر و ثالمدرسه عرض حال بند
بودر که

254 جاکو فراز خاطر نواز همچو آن کرم بردان سلطان حضرت لرنیک خاکبای
 شریف شرف امتیاز لرنیک که ملتغم نغاه اهل یان و مزدحم جباه افتخاران
 در ریح حاصل مهام الانام فیها و کمل سهام المرام منها مادامه الایام دایره
 ولایا لهما عرض حال داعی بر سوز و کداز اولدر که

دیکر

معروف القدر موصوف الصدر سلطان حضرت لرنیک جناب اعلیٰ لرنیک
 در دنیایش بنده کانه و غرر تحیات چاکوانه راه اور دی بهانه قلند
 صکره معروض تماکا د اولدر که

دیکر

سبحی القدر رفیع الصدر عتوب سلطان حضرت لرنیک ساحة فلک ساحه لرنیک
 که قبله آباء اصحاب جلال و کعبه امانی و آمال ارباب اقبال این بنده کی
 اوزره وضع جبین ملت اولن قدر نساکن معروض عبدی منت اولدر که

دیکر

سلطان حضرت لرنیک غبار کیمیا عیار سده سنیه سده مدار و خاک پاک قوتیا انار
 عبته سنیه اعلیٰ قرار لرنیک که جالب النور دیده اولو الابصار و سالب القوتون چشم
 ذوی الانظار در عرض عرض داعی پی داعی خاکسار و ثانی پی ثانی کم اعتبار
 اولدر که

دیکر

عتوب سلطان حضرت لرنیک خاکبای شریف مکرمت شعور لرنیک که کوهر کان و بحر
 و لالی اصداف دهور در کمال خج و قصور بندگی و اصفاف مخالف و جوی
 افکنده کی برله رومالیده قلند نساکن عرض بند صدق محصور اولدر که

سلطان حضرت لوریک آینه بال ذی بال ذی زک حزن و ملالین ساد و هو
نمال وجود با اعتدال ذی کمال طراوت الیه حفظ و امان خداده اولوب
مقدمات اعمالی منج خیر و صواب و براهین الطوار و انصافی مسلم شیخ و ثانی
اولق ادعیه سی تقدیمند نضکره

سلطان حضرت لوریک نجلت ده فردوس برین اولان نادنی کاردم قرینای
که وصف کان سایی مکان ماصدق مضمون شرف غون ان المتقین
فی ظلال و عیون و فواکه مما یشترون اول مقام کریم سر جنبان
هزار خشوع و اداب برله بوسه جای شفاه جفون و اهداب قلند
صکره معروض دای بی اریاب بود که

حریم کعبه منلی بوسه کاه انس و جان و حطیم عز و اقبالی مطاف افاضل
دوران اولان فضیلت و سلطان حضرت لوریک انواع تعظیم و تکریم
ایله عتبه علیه لورینه یوز سورمک لواز می تکبیل و تقیم اولوب همیشه
نخچه قلب شریف لری حرم کعبه علیاده جانب سمایه بالا فلنان دست
دعا کی کشاده و هواره مزاج لطیف لری و اصل بیت خدا اولق ایله
غموم دهر فراموش قلان حاجی پوصفانک دل پی ریاسی کی کدر دن
ازاده اولق ادعیه سی تقدیمند نضکره

کره کنای خیالات دقیقه و مبدع تصرفات انیقه اولان مخدوم
کریم الشان و ذات کامل العرفان حضرت که همیشه مقدمات اعمالی منج
سعادات دین و دنیا و هواره حرکات که یک اقبالی باعث ارتفاع اقبال

عز و علای او لوب رتبه فضل و کمالی محیتر مهندسان و هم و خیال
اولدو غی کپی مرتبه جاه و جلای محسود اقران و امتثال اولوق ادعیه
تقدیمد فضا که مجلس و الارینه عرضه داشت مخلص دیا اولدو که

نرخ رشحات افلاک طراوت بخش کنار علم و عرفان و تنسم نبات
انعامی حیات افزای مسمومان بادیه حرمان اولان مخدوم عادل
و فاضل بی معادلک نادیدنی فلک عنوان و استان جلیل الشان
صوبه جواهر اجل و اکرام و در در تعظیم و احترام نثار ندن صکر
مقام خاطر مستهام بی وجهله عرض و اعلام اول نور که

فی الحقیقه صدر مجالودین وجود شریفی ایلہ ترین اولنان محمد و مکرین
و فاضل صاحب تمکین حضرتانینک عیثہ غنیہ اقبالالدین سمات الطاف
ملک متعال ایلہ خندان و کستاده و هواریه کلین اجله لدی کمال طراوت
ایلہ حفظ و امان خداده اولوب کلزار معارف رشحات قلندرین
ترو تازہ و کوش فلک صدای عبداللہننن پرا وازہ اولوق ادعیه سی
تقدیمند نصکره اول مہبط انوار فضل و افضال و مطلع خورشید علم و کمال
اولان ساعہ بہشت مثال و استان کودون منوال صوبہ اعظم مرام بال
یو و جہلہ اعلام حال اولور کہ

مطالع افتاب دین و دولت و مہبط انوار مجید و سعادت اولان نادری
فکر رفعت و استان کور و ن منزلت لوی تو ابدہ کہ فی الحقیقہ دیدہ اولی الایمان

کل اجواهر الیه برابو بلکه هر زره کنوی اقباب عالمتابه همسر در صد هزار
عجز و نیاز و انکسار الیه جسته افتقار وضع

دگر

عزت و سعادت تو یاشای اصف دای دولت ارای حضرت لرنیک مجمع علوم
و منبع نیایع جود و کرم اولان سازه جناب معالی شیملرینه بحیفه خاطر
صداقت استیاس ده محروم و مرقوم اولان سر نامه دعوات خالصات عبودیت
مشحون و رساله ضمیر مخالفت اقتباس ده مستقر و مرسوم اولان دیباجه
تجلیات صالحات مصادقت مقرون اهدی سند نصکره انماء دولخواه
پی ریای صافی درون اولدر که

دگر

عزت و سعادت تو یاشای ملک خصلت حضرت لرنیک جناب فلک رفعتاره و حضور
منزلت لرنیه که مهر منیر احسان اقبال و بدر عالمکین سماه اجلا در همواره باده
مجلس رفیع المقدار لری قبله کاه کافه انام و بسیط جناب بلند اقتدار
لری جای پناه خواص عوام اولحق دعواتی و ضایضه قیامدن صکره انماء
دولخواه صداقت انجام اولدر که

دگر

دوام ایام عمر و دولت و نظام قیام فروخت و انتظام مقاصد دنیا و آخرت
ادعیه سینه خلوص نیت و صدق طویت برله مداومت قلند قد نصکره معروض
دای پی علت بود که

دگر

اول غنیه و الا که بوسه جای ارباب نیاز اولحق دتیه سندن اغلا در غبار
توتیا عیار دین دینه امید تکمیل و مراسم عبودیت هر نه لیه تکمیل اولود ستودها
خدمت دعا ده تو امان اولدی عرض نصکره

دانش
 اخوت مایا مخلص نوازا ادا مکمل المولی فی الجود والعلی حضور عالی در تبه
 منقص قبول سجائی و فریز سبع المسائی اولان تجبات صفا صفات و
 مکیه الفوجات طبق عبودیتیه نماده قلوب اول استان عزت استاده
 عرض بنده پیوجو بود که

دکتر

کوه نفیس کان عرفان و ریس رباب فضل و ایقان بالانسین امجا
 معرفت کاد فرمای دیوان فضیلت اولان سلطام حضرت لرنیک جا کیا ی
 یکجا عیار جواهر انار لرنیک کل دین امید و فرق سره جا وید
 پیلوب عرض بنده مکتی و جا کرا حق بود که

دکتر

حضرت سلطان عالی شان مفتاح باب اظهار انار و لا اولان ادعیه جمل
 الادا و اثینه جلیل الیها که واسطه العقد قلاده صدور صحائف لطائف
 اولدو غی اجلدن مقبول العقول صحیفه محبت نسیم گلشن ارم مودت الیه
 حضور مجبور اهدی اولند قد نصکره

دکتر

بخشنده ضوف فیض و برکات اولان ساعات واجبه المراتب سلطام حضرت لرنیک
 حضرت لرنیک امتداد بقای ذات سعادت التقاری دعاست تخصیص و تعین و تاج
 تارک دعوات و کودن و کوشن تضرعات یواقیت اخلاص و عقود نقود خواص برله
 تزیین اولند غی فضیلتو سلطانک اینیته دار جمال جنات تجوی من تحتها الانهار
 اولان فرشر عرش اعتبار ساحه غنیرین قبار لوی صوبیه انما و اشعار اولند قد نصکره
 غوده بنده اخلاص شعار اولدو که

سلطان حضرت لرنیک موقوفه سانی رفیع المقدار و محصل کرای افاضل قرین
صوب سعادت او بنه ادعیه و افزه مکتبه الفوحات و ادعیه متکاثره عشریه
النفات الخاف و اهدا اولند قد نصکره معروض مخلص دعا کوی حصی بود که

سپا

برورده نعم فراوانی و شرمند دست احسانی اولدغم فضیلو و مرقلو سلطان
حضرت لرنیک مجمع خصال حمید و منبع فضایل پسندیده اولان استان جلیل الشان
معروضه بقوان اولدر که

عزتلو و فضیللو سلطان حضرت لرنیک غنیه علیه لرنیه دویمال اولوق خدمتی که فی الحقیقه
بایه دولت و سر بایه سعادت در هزار شرم و حیا ایله ادا اولوب غنیه نهال
ذات بی همالری زینت فزای گلستان حیات و بقا و هوایه استان والا
لری مجمع سالکان راه هدای اولوق دعا لری بچون دست رجا مرفوع عالم بالا
قلند قد نصکره عرض و انما اولور که

و بجای نعم باعث عزتم عزتلو و فضیللو سلطان حضرت لرنیک دوشنبای بخشودید
جان اولان خاک لری تو بیاغی لری اکنال و حصول دنیوی و اخروی به لری
ادعیه سی و ورد غز و اصال اولری غیا اولند قد نصکره بو وجهله اعلام حال اولور که

سلطان حضرت لرنیک نخل ده فرم و س برین اولان نادای مکارم فرین لری که
وصف سکان سانی مکان ماصدق مضمون شرف غون ان المنقین فی ظلال و عین
وفو که نایضه یون اول مقام کرم سدره جناب هنر خضوع و ادب برله بوسه
جای شفاء جفون و اهداب قلند قد نصکره

عزتلو و فضیللو سلطان حضرت لرنیک مبطل انوار صلاح و دین و مجمع خوش طبعان دوی دمای

اولان نادی عزت مکین و عتبه فلک تکینلری تراپی که فی الحقیقه کل
الجواهر کمالان آنک یا نند خاک سیاه بلکه روشنای دین جان اکا
نظری اب و تاب اولدوغنه عقل دور بین و حدیث ارباب یقین
ایکی گوهر هزار ابتهاال ایله دین جانیه اکتالدن مکره عرضه داشت
بنده پایمال اولدرکه **دکر**

عزلی و شفقتمو - سلطام حضرتلرنیک مجمع روشن ضمیران بسیط غبار و محو
انجنارایان عالم بالا اولان ساحه بهشت اما و عتبه فلک فرالری تریه
که قیمت شکن مسک و غیر بلکه حیات بخش غمزدکان اولق ایله جوهر حانه
برابر در شرایط اکوام و اعزاز ایله وضع روی نیاز دتصکره عرضه مانه
بو وجهله اغاز اولنورکه **دکر**

عزلی و فضیلتو سلطام حضرتلرنیک عتبه علیه لرنیه دو مال خدمتی که
فی الحقیقه پاینده دولت و سرمایه سعاتر در هزار شرم و حیا ایله ادا اولد
همیشه نمال ذات پی هتالری زینت فزای کلستان حیات و بقا و هوای
استان و الالری مجمع ساکنان راه هدا اولق اچون دست در جمار فوع
عالم بالا قلند قدتصکره عرض و اندا اولنورکه **دکر**

ست نه ان جهان بقای توکنتم شتاق که وصفان بزبان و لم قلم گفت
اشنای بحر فضایل اولان مخدوم در پادل جنابنده صدف سینیه پی کینه ده
پرورش بولان لالی مدح و ثنا و ساحل دریای دل پی سکینه ده دست
خلوص ایله چید اولان غیر ساری دعا هزار شرم و حیا ایله اتخاف
واهدی اولنوب عرض و انما اولنورکه **دکر**

دگر
مطلع افتاب صلاح و تقوی و مشرع جو پادار شد و هدی اولیایه رنگ
سپهر معلو و غیرت اقزای جنت الماوی اولان مجلس والای صوبه
خواهر عای مصفاکه بریق و لمعانده مانند خورشید انور و در صف
وصفاکه مثال دراری نور بخش و خوشتر در احتاف و اهدا و لوب
اعلام و انما اولنور که

دگر
دولتدیکتا و سعادتدین عتای عتدای نظیر و کومده بی تقصیر اولان
سلطانم حضرت لرنیک خاکبای کیمیا مثا لرنیه رو مال قلند قدن صکره عص
نبدی دیا و جا کوی خرابودر که

دگر
حایز محاسن دین و دنیا و فایز مفاخر اولی و اخیری اولان مرقلو سلطانم
حضرت لرنیک سده سینه و عینه علیه لرنیه صدره رنج و انکسار برله بون
سور دگر منکره عرض بند کما بودر که

دگر
توتیای عین عالم بلکه جوهر اکسیر اعظم اولان عباد کیمیا عیار سده سعادت
مدار لرنیه هزاران هزار تخضع و اقتدار و ندلل و اختصار ایلد یوز سور
دکدن صکره عرض بند بمقدار و رفع زره خاکسار اولدر که

دگر
هواره حضرت باری نک جبل ثانه و جلی برهانه دژ مدبر در دری انوار در دیا
باری اول بزرگوار عالی مقدار ک مجاری کلن ار عمر کرمیلرنده جاری اول
کلزار نامی ده نامی اولان نهال وجود پر جود لرنیک سعادت برکی و رفعت
باری در میان قوا سنده میران جان کبی ساری اولای بخت تعالی

دگر
بنیان مروض و د و خلوص و برهان منصوص عهد مخصوص حکامنه باعث دعا لرنیک
قواعد الفت قدیم و معاهد محبت قویع اوزر بنا اولمشدر تاسیس مراسم مصفا

ایچون دعا نامه نصیر بقصور موالات قلوب انما اولور که

دیکر

دولتو و سعادتلو سلطانم حضرت لرنیک مجلس رفیع بپهلتساب و موقف
منیع سدره قباب لری صوبه که ملاذار باب علم و کمال و سعادت اصحاب فضل و
افضال در الوف عجز و انکسار و صوف ذل و افتقار ایله در رفیع طریقات مخالفت
نظام و جواهر زو اهرنیات سنیات مصادقت انتظام اینار و نثار قلندر فکرت

دیکر

سعادتلو و ساحتلو سلطانم حضرت لرنیک حرم محترم پرکوم ارم نظیر سعادت
مصر عظمه سمیر لری که ذلال برونوال الهی و قطرات امطار ناهشیانیان
لری الهی سین در مهبت نسیم لطف عیم خدای کریم و مصیبت فیض عظیم ابن ذوقیم
اولغله خاک پاک عنصر تانیانکی رشک مشک و عبیر املافده خارج دایره
تعبیر در معرض نقیر ادبی من النقیس بود که

دیکر

نراوار اغزاز و اکرام اولان مجلس فضایل احراز و محافل محامد ابراز مننه
فوافل نیاز و در واصل سوز و کداز ایله معروض مخلص بی نیاز بود که

دیکر

ماد امکه عاکفان کعبه علیا و ساکنان یثرب و بطحا اماکن حرم محترم
و موطن طیبه ماکرمه ده بجا هدیه تام و سعی مالاکرام برله درگاه
باری تعالی و بارگاه ملک اعلایه قرب روحانی حاصل ایله لر هوان
اول ذات بی مثال وجود عظیم المنال سالک مالک خدا اولاد انعال
اولیه

دیکر

هوانه ساحه ایوان الشانلری سقف سایه محازی و بیاحه نهضت
نای برجیس حشاملری یام شیر اعلایه مساوی قلوب اولارده

عدل و داد لری ایله مسامع علییان پر و تعداد شمایل سردار و تاد
لری اوراد عبید و حر اولوب ذات قدسی صفات و غنصر ملکی
حسینا لری کعبه امان ارباب حاجات و قبله اقبال کافه اصحاب
امنیات اولوق دعالو ریکه وظیفه اعزازات و لازمه الطفا حیات
و ساعات در کمال خلوص طوبیت و نقای صفای عقیدت بر له
اشتغال و مداومت اولوب قوافل استواق صبا یی یار و برادر
اتواق ضیانهار بر له اهداء مجلس لیلذ جلاله شمار قلند قد نصکره

عزولو و سعادتلو سلطان حق لر یک مصرع و عدالت و داد انصراجاه جلالت
و جلالت اولان ساحه فبح الإفطار و جلیل المقدار لری صوب عزت و
انفاس قدسیه و برکات انبیاء متضمن دعوات مبارکات اخلاص طراز و
نخست ایات شرف پرداز هزار عبودیت و خلوص طوبیت ایله مصحح برید جلالت
و دست اوینر قاصد عزت و اقبال قلند قد نصکره معروض داعی خالص الیال و مکره

دکر

بانای بکر خصلت و سابی منزلت حضور شریف نجسته سما و مجلس لطیف حقیقت اتقان

دکر

عنواد صحایف جاه و جلالت فخر سوطایف فجر و معال بحکوم بر لری حشید و جلالت غنصر کعبه
شوکر و سعادت رعنی (صفی) زلف زلفی عالی منزلت مرونلو و مرفو سلطان حق لر یک
حاکما بی کجما شالارینه دویمال و غبار لدرم حاشا لریه وضع ناهیه ضرورت و رتبه الیه وظایف
ارویم قول و اقبال لری زور و مسافه رباع و لیاله و رکار لازم و ضرور صالح
قلند قد نصکره

و بسبب ایسا بدن منتظر عدد که عز فریب دخول مجلس دلفریب میسر
و الی ابد الابد خدمت شریفه ایله استعداد مقرر اوله ایمن یامعین

د عالم که صبح انور کی ملک سامانه سحق زر چکوب نور نصیر کی بوسه برده
زر نشاندن ساحه قصر قبوله برانده کز ایلیمه هفته اول شین
صفر بر وصولت بر له کمان سرکشی میداننده ماه نوکنار چکلیش
و تیر دلکشی نشان کور و ب شهاب فلک بر یلکس اوق کی بیانه
اتلش **نیمه قدری سلا حیدر بی همتا** و غاده و الدی خالدر کی نظیر و
حرمه الله عز و رب المنون الی یوم یبعثون حضرت لرنیک رکاب همایون
سعادت مقرون لرینه اهدا اولوب انما اولور که

ماد امکه نیر عالی حو الی عالم علی التو الی دایر و قیته زرفشان آسمان
اوزر فی الایام و الیلالی سایر اوله اول خورشید اوج اقبال
و جمشید بزم اجلاک وجود پر جودی عموما جهان و جهانیان اوزر
ضیاء بخش و نور افشان اولمقدن خالی اولیه امین در راعیه دوز افزون
که دزی صدف ابگون کی اوج صفاده تابان و برج مهر و وفاده فروزان
اوله طیق ورق سیمین اوزر ترتیب و تزیین ایدوب اول مجلس بر عالی
که قبله گاه عالی و جلوه گاه انوار تجلی در تشار اولوب انما اولور که

حکیم حق افشده
بلاد دار السلام بغداد عتلیو سلطان حضرت لرنیک عدل و دادی و نصفت و
تعدادی ایله دشکارم ذات العباد و غیرت کلزار سبع شهاد اولر فی
شرفات قصور دولت خداداد لری فرق فرقه دانر محاسن و ارکان بنیان
ایوان نخت مادر زاد لری اطباق نه رواق افلاک کی محکم الاساس

و از منته عمر و بقای وجود فایض الوجود لری خارج جیط و هم و قیاس
و ایام امتداد نبات ذات قدسی صفات لری ما فوق احاطه محدس
و احساس او لماق دعا لری و رد زبان شکر و سپاس و شکر لسان
قوی و حواس قلوب اکسیر خاکبای نوینا خاصیت لری نه چهره ورق و
ضرعتی مالیدن و غبار اقدام کیمیا فامالین کحل روشنای نور افزاید
دیدید قلمقدنضکره عرضید زره وجود و کمترین چاکران خاک الوه
اول زدرکه حکمی مدی

دوام ایام سعادت انجام و قیام خدام عز و احتشام لری ادعیه سجا
و شام و طیفه نظیفه قلوب مراسم اخلاص و لوازم اختصاص تقدیم
اولند قدنضکره دکر

دوست صادق و یار موافق اینس خلوت جلیس سلوت شمع شهادت
و تعویذ تنهائ کربت محرم راحت و مرهم جراحات غمده اخوان وفا
و زین اخوان صفا شفیق رفیق و صدیق حقیق حبیب پی ریا منبع
مرآت و حیا برادر جان بر حضورین دکر

اغتن الایمان امجد الاثران اشرف ابناء الزمان بال التزام الفضل والاله
صاحب المآثر العلیة جامع المفایر البهیه دکر

دین الزمان نور عیون الایمان الواقف عن اصلاح الامور المطمع
علی مصالح الجمهور غارس اشجار النعم حارث اطوار الکرم دکر
صدر الزمان مؤئل الاخوان نقارت الامثال الموصوف بحلال التخیال
مرجع اشتواق الانصاف مؤسس دکان محاسن الاوصاف

انفا و طبیه صلحا کی مرقح روح اولور دعالر ورشدر مال علما
کی و سبله فتوح اولان ثنا کر صدر اعلا ی اصفی حیف بالطف
الخفی صوبه اهدا اولوب اناء ضراحت استها بود دکه

دگر

رسخات اقلام شکرین دیران فصیح اللسان و فقرات ارقام
سحرانگین منشیان بدیع البیان ایله امور عباد و بلاد و مهات
عالم کون و فساد نظم و نسق و زیب و رونق بولدقجه و قطرة
غمامه خامه مشکین غمامه و نفحات غالیه کلک عنبرین شامه
کتاب براعت نصاب ایله مزارع قلوب اصحاب جهام و مشام جا
ارباب مرام منقر و معطر اولدقجه

دگر در بر مرثیای

موقف شریف غرا و نادی لطیف ضیا یضایه که حطیم طواف فضلالی انام
و حرم مطاف مجاهد خواص و عام در انواع نکریم و اعظام و اضاف
تغیم و احتمام ایله ایلوغ سلام سلامت انجام و اتخاف پیام مخالفت
الستحکام و نصکره اناء فخلص صرافت انتظام اولدرکه

دگر

موقف رفیع سعادت قرین و محفل منبع عزت رهین لویه که منبع
میان علیة و مجمع محاسن جليلة در کمال صدق و صفا و خلوص و دعا
ایله جواهر جلال و تعظیم و لایق توقیر و تغیم تقدم اولوب مرام
دعا و اخلاص و لوازم ثنا و اختصاص بنیم اولدر قد نصکره اناء
نخاص قدیم و ثنا کوی غنیم بود دکه

دگر

و مجمع علوم ربانی منبع عنایات صدای قبله اقبال علمای عظام کعبه
اجلال فضله ی فحام علی الهمم جلّی الشیم عزلو سلطانم حضرت نیک
مجلس شریف سایی رتبت و محفل شریف کزانی منزلت دینیه انواع
دقایق تعظیم و اکرام و اصناف مقدمات نوقیر و احترام و رضایفه
دوام و قیام در صکره انباء محب صداقت انتظام بود در که

دگر

دولت و سعادت لو بابام با نای کامکار نیک خصلت و ملک محبت
حضرت نیک حضور سایی رتبت و عالی منقبت لایه مرام و دعوات طیبات
مخالصت ایات و لوازم تحیات ذاکیات مصادقت عنایات که محض
نیام صدق و صفاد ن منشم و شرط شایع شعار حب و ولاد ن عطف
نسیم ایدر انحاء حضور پر نور سعادت تنسم قلند قد نصکره انباء محب قدیم
و فخر محض صمیم بود در که

دگر

سعادت لو سلطانم حضرت نیک خاکی شریفی که چشم غنی دمک دوشنایی
و عین علماء اعلام مک کحل جلاهی در دعوات پی گران و نا محدود
برله تعفیر جباه و خدود فلقد نصکره عرض فخر نایب و نابود بود در که

دگر

مجلس شریف شریعت شعار و محفل شریف سعادت مدار سبدر الله بیانه
ای بوم القرار صوبه انواع اعزاز و اعتبار و اصناف اکرام و افتخار برله
جواهر و اهر در بار محبت انار اعاف و اهدا قلند قد نصکره

دگر

سایح بوادی عالم تجرد سایح بچار کشف و توجید مقصدای ارباب طریقت
و پیشوای اصحاب حقیقت اولاد خداوند صاحب بیت حضرت نیک غر

حضور ترغیبیه سلام مصادقت انجام و پیام مخالفت اختتام ادا
 سند نیکو آعلام مجامه بود در که **دگر**

مجمع حقایق فضایل و حکم و منبع فضایل و حسن شیم اولان موفق رفیع
 تربیت غرا و نادی لطیف نیای بیضا لوبنه که مسند نشین صفت بلاغت
 و دانشوری و انجمن رای محافل هنر پروری در همواره خاک کاخ
 احتشام لری روی مال انام و پایانه قدر و اخترا ملری ذریعه
 حصول مال خواص و عام اولی و دعا لری و طیفه لیای و ایام قلند
 قلند قدر نیکو اناء و مخلص مصادقت انتظام اولدر که

مجلس تریف فضایل الیف و محفل منیف معالی ردیف صوب غرت
 اوینه خجانات صافیان فایقه و سلیمات و ایفات رایقم که مخلص محبت
 و فرط مودت در صادر و ظاهر و نمایان و متبادر و اولد فوافل و داد
 و در و اصل اتحاد بر له اهدی قلند قدر نیکو اناء و مخلص سینه صاف
 اولدر که **دگر**

عزیز و سعادتو بابام پاشای سلم المال کرم الحصال حضرت لریک حضور
 بر نور کثیر الاضلال لوبنه و خجانات و الانصاف ممد و الفعالت الدینیه
 ضمیر اخلاص مظاهر در صادر و خاطر اخلاص مآثر در متبادر خلاصه
 دعوات صافیات مودت مشاعی و نقاوه طیبات اخوت مصادد
 احتیافه مکره اناء یجب د و لحتوی فی تقضیر اولدر که **دگر**

مادامکه حاکم دوران بحکمه زمانه و زمانه شاهدان مهر و ماد و مزکیاء
 نجوم عدالت گواه بر له فصل خصوم و فصول و اصلاح فروع و اصول
 انجمله اسود کی اولاد و نبات و خوشحالی ابا و امهات پاید و فصل کاد

احکام شریعه ده ذات عدالت انجاملری فیصل و مسندگاه مسند
مسایل مصطفوی ده جوهر نظام فرجامری فیصل اصیل و ملقذ نجات
اولیه ای غایت الامد و نهایت المرد **دگر** فیصل حق و باطل اولدی
دایم اول مسند سعادده **دگر** اوج رفعت سکا مکان اولسون
ثابت اول تختگاه عزتده

کرم کار هم شعار عاطفت انار سلطام خضر لرنیک خاکبای سعاد
کودار لرنیک ملاذ کبار و صفار و مدار مراد و شناسان اخبار در
در دعوانه بندگانه اعانند نکره عرض دایم بوجود و ثنایا را بود بود

حضرت سلطام لازال ملجأ لارباب الحاجات الی یوم الحشر والعرض
تمهید مباح سعاد **دگر** و کامرانی و تشید قواعد جلالت و شادمانی دایم
سند انواع لوازم تعظیم و اصناف مراسم تکریم برله مداومت اولد
صکره معروفین حقیق بودر که

اول عزیز مصر افضل اولان اخ اعز یوسف مثال بدیع الجمال کنش
الکمال حضرت لرنیک مثال حال سعادت مالی بجمال لطف و نوال ملک
متعال جل غن الاستباه و الامتال ایله دیان و غنچه ایمانی و مالی
نسیم لطف عیم ملک رحیم و شمع عالم مثال برتر کریم ایله شکفته و
خندان اولق دعا لرنیکه غن صمیم الجنان فی کل حین و ان مواضت
و مداومت ایله رطب اللسان و عذب البیان اولوب عرصه
عز و اقبال لرنیکه عرض دایم خالص الیال بودر که

مبانی محبت مؤکد و مجدد و مشید و مهد قاقوب شرع شوق و غرام
ترجمان لسان اقلام مودت ارقام ایله افهام و اعلام د نکره
انند عید ناکام اولدر که

مظهر فضل لا يزال و منظر لطف ملک متعال اولان محفل عز و اقبال
و مسند سعادت و اجلال صوبه خرمات لایقه اعزاز مال و
مدرجات فایقه نیازا اشمال عرضدن صکره

طغرائی دیوان سلطانیه

مادامکه منشی دیوان قضا و طغرائی مضمون یفعل الله ما یشاء
منه بیاض نهار و خط سیاه شب تار او زه نشان عالیناه مهی
درخشان و طغرائی غرای ماهتاب توقیع رفیع احکام گردون
عنوان مناشیر چرخ یو قلون ایدوب حکم هایون اذ اقصی امرا
فانما یقول له کن فیکون و فرمان واجب الازعان و من احسن
من الله حکما القوم یوقنون ایله کار ساز امور جهان و فرمان
روای زمین و آسمان اولاهوار اول یکا کد و وزکار و بر
کزیله و مایشاء و یختار سرمایه سعادت فهرست احشام
د پاجه مروت و عنوان احترام مانند طغرائی شاهی و منال توقیع
باد شاهی جلوه مناصب جلوه ایله مزین در لوح کاینات افلام ذوال
مسطور یاد دام لک العز و البقا استاده آسمان اسا و خاکبای فلک
فرسارینم جسته خدمت او روبرو مهر عبودیت سوده قلند قدن
صکره

دکتر

دعای الیکم و اشتیاقی کما مضی و من فحبت الیهم ان ضاق لی الغمی
فارجو من الرحمن جل جلاله بقاء بخیر و التقاء علی الرضی
دست یاری دوستی و یاری دیرینه بر له مهر کهن تجدید و نیروی
تعلق اکید ایله اساس استیناس قدیم تمهید اولنوب عزت دارین

وسيله سي اولان محفل رفيع الشان صفا نشانه انماء و دوستانه و
درويشانه بود در كه **وزیر و در شاهان شاه در دگر**

بنارت فتح و ظفر كي نوید پر تاثیر دي سبب شاد ماني اولان دعالر و آثار
عز و اقبال او فر كي پیام نجسته انجايي وسيله كامراني اولان تنال
بريد صبا ايله اول محفل عز و اکرامه ابلاغ اولنوب دوام اعتلای
لواي محمد التوای سرداري دعالري و ضایفنگ استدامتی و زره
جاري اولوب صحت و عافیت و بی شمار غنیمت ايله دار الحلافة
بالخير مراجعت حصوله ترقی اوزره اولوب یاد شاه دین پناه خضر
تدریک اغور هابونلرند سعي و جهاد ایدن عساکر نصرت مقنات
نصرهم الله علی الاعداء محفوظ حفظ الهي و ملحوظ عنايات نامتاهي
اولق دعالرینه اشتغال اوزره اولدوغر ضمیرین ابلاغ اولندقدنا
مکرمه انباء دایمانه بود در كه **وزیر و در**

تاکه سلطان چار بالشی کردون سریر ملک نیلگون و تخشاه سپهر بوقلونه
جلوه ایزوب انوار دیدار و اشعه رخسار تابداري اطراف و اکفاف
وعیون ایمان نیی امدن ضلام دچوری دور و فتوری نیی نوری
مهور ایزوب دل و دیده مار و مور و جان ستم کشید مردم خوش
و بطوری روشن و پرنور و فرخناک و مسرور ایلکيه حضرت فالق
الاصباح اول ماهتاب دولت و اقبال و اقتاب جهات تاب عزت
و اجلالی اوج رفعتده طالع و لامع ایزوب دایم صدر سعادت
برقرار و مستند عزتین دایم و استوار ایلکوب معمار خانه ازل و ابد
و نقاش کار نامه دوام سرمد بانی میانی عزت و طرح افکن مینای
دولتک عماد احسان و عدالت و اساس همت و عنایتلاری ايله مرایا

حمیه مالک عثمانی بکله طولاً و عرضاً اقالیم جهانی معهود و اعدای
دشمن و دولتمدارین مقهور و اعوان قدر و شوقدارین منظر و منظور
ایلیوب کشف حمایت و سایه دولت لرزه نوع انسانی و افراد عالمی
اسوده و خواب راحت و غنوده ایلیه

امداد جلالت و کامرانی و انقیاد سعادت و شادمانی ادعیه بی کله
جالب عنایت ربانی و جازب حمایت سبحانی اوله مقتضای اخلاص
قدیم اوزر مداومت اولنوب معروف بحسب عزم بودر که
میدان فضیلتک لوا افزای و علمای دهر کس مسلم کل و صاحب امتیاز
اولان عزیزی و مرقیو سلطانی حضرت لرنیک نغایس خدمات و افیه
که شهد صفای بال ایله مرچی و شهد و شکر در اصنی و احلی در
اطباق اوراق ایله صفره فضیلت و کمال و سباط جاه و جلال
اولان مجلس شریف و محفل منیفه چکال کدنضکره

دکتر
رکاب آفتاب نظیر و خاکبای لکب تا نیل انواع تعظیم و اکرام و اصناف
ادات و احترام ایله روی مالین و جهره عبودیت ساییده فلذقد
صکره معروض بن خاکسار و جاگر فرمان بردار بودر که

دکتر
مجلس شریف فضایل الیف و قفل منیف معالی ددیف صوب غرت اوئیه
تجلیات صافیات فایقه و تسلیات و اقیات رایتیه که محض محبت و
فرط مودت در صادر و ظاهراً و غایبان و متبادر اولور قوافل و در

و در اهل اتحاد برله اهری فلذ قد نصکوه انما فی کل صاف اولی

ختلو قنداشم اغای کریم الحضال حضرت لربیک قاید و فور اقبال و صاید
های او و اجلال او لان حضور بر نور سعادت اشتغال لربیه انواع
خلوص بال ایلله تقدیم دعوات خالصات مودت مالد نصکوه انما
دولخواه صانق الاقوال بود رک

غتلو و سعادنگو بابام پانای سلیم البال کریم الحضال حضرت لربیک حضور بر
نور کبری الافضال لربیه و جناب و الانضاب مدو و الفعالت لربیه منیر و خلاص
مطایر و مصلر و خاطر اختصاص مافی و قوه متعال و خلاصه و عورت و صافیات
مور و مصلر و تقا و طبیات (فوت مصلر) رعا فیه صکان انما یحی و یفوی
به تقیال اولو رک

نمهد بنیان عز و دولت و نشید ارکان مجد و رفعت و مقاصد
دنیا و اخوت لرب ادعیه بی تجدید و تکرار فلذ قد نصکوه انما فی کل
چریا بود رک

بدل خواستخواه گلستان اش و طوطی شکر خای شکرستان قدس جوهر شناس
چار سوی معارف چایک سوار عرصه مناقب ترکس باغچه اهل دلان
لله باغ کمال عرفان اغی فضیلتو سلطام حضرت لربیک ضمیمه نکته
موشکا فلربیه که مشاطه زیبا عروس فضل و کمال در حیط علم عالم ارا اولاکه
دولتم و سعادت اغای کامکار حضرت لربیه مدد الله تعالی ضباب عمر هم مدد
و جعل بینهم و بین الحوادث سدا دوام عز و دولت کامرانی

و بنام جاه و شوکت و شادمانی ادعیه می آنا اللیل و اطراف النهار
تکرار و تذکار قیلوب کما ینبغی مراسم اعزاز و اجلال مؤدی
فلند قد نصکره معروض داعی بیهزار بوور کر

دگر
صحبۀ ضمایر ارباب بصائر و صفیٰ خواطر اصحاب مآثر که مراتب مجلا
صدق و صفا و مشکوٰۃ مصفاي خلوص و فادر حبور اخلاص شرف
خدمت و نقوش اختصاص صدق و حقیقت بر له بحر و مصور
د فینه دل تعلق حاصله مرموز و کجینه خاطر علو خصایله مکنون
اولان غمر در رخسار لایقه و جواهر زواهر مدجات فایقه
اتخافند نصکره

دگر
مقتدای ارباب دین پیشوای اهل یقین الموبد یضایت الله المعین
شیخ صدر الدین دینه ارشاد نیک حضور کرامت موفور لر نیه کمال ارادت
ناجی و لور دعوات صدافت ایبر اتخافند نصکره

دگر
مرشد ارباب ارادات دلیل اصحاب درایت راه نمای ساکنان
راه طریقت و پیشوای مالکان ملک حقیقت منظر الطاف الله مولانا
شیخ فتح الله زید ارشاده نیک مجلس عالی دارین انفس طیبه اولیای کبار
مانندی تحیات نامصور و هم رجال جلیل الانار کبی سلیمان موفور که محض
خلوص ارادت ن صادر و فطر خصوص ستمداد همدون متبادر اولور
واهدا فلند قد نصکره

دگر
سر حلقه اصحاب هدایت خواجۀ مکتب علوم دنیا و اخرت بالانشین دیوان خانۀ
شرع نبوی کار فرمای مالک شریعت مصطفوی المحفوف بصوف عواطف الملک

المدنیج محمد دام محفوظا فی حفظ الملک الاحد حضور قابض

سعادتمند و غلبو سلطان حضرت بزرگ ماه جها تاج بزرگ پیر اعظم کی کاشانه
و سپهر اقبال داری تابانات سعادت بخت ایله پیراسته اولوب مسند آرای
دولت و اقبال و کار فرمای دیوان عزت و اجلال اولمقدن خالی اولمیه

حضرت خدای عز و جل و خداوند لایزال غایب فعل عریلو سلطان حضرت کرم خود
شریف بزرگ خطا بردن امین و جمله احوال گذشته طهر و معین اولوب نام نیکو کن
مشهور جهان و اوصاف جمیل کن ضرب المثل السنه هر پیر و جوان و کافه ادیان
اولمقدن خالی اولمیه

سلطان حضرت بزرگ کوشه بساط فضیلت مناس و باحه عزت ساری دولت
انبساط لویه که چشمه فضا بل و عرفان و منبع زلال افضال خود و احسان
و ماء معین رشد و نوال و ناصر و مرئی اهل کمال در کمال خلوص و طراقت
برله تلیثم و تجمل و فرید صداقت و ارادت ایله تکریم و تقبیل اولمقدن
صکره عرض داشت بند و وفق البال و صاف دل اولدر که

ملخای افاض عالم ملتقای مجار خود و کرم اولان محفل جمیل و مول جلیل
عبد المعبود لری صوبینه که فی الحقیقه اصناف زیور فضایل افاض ایله
اراسته و انواع عوارف و معارف ایله پیراسته در صوف تعظیم و
اجلا لدری ایله و وظیفه نظیفه غد و اصال قلنان ادعیه خالص اجابت مال
و انیة صالحه صداقت خصال قافله سالار نیم شمال فواج اشمال
ایله البلاغ و اهدی قلندری سیاقنده انما و نور که مهبط انوار سجایه
و محیط اسرار صدایه اولان خاطر عاطر قدسی ماثر نفقد تقید جانب حقیر

جلوه کرد و جایگزین او لودلبه **دکتر**

حقا که اول فاضل قدسی فطرت و کامل ترویجی جبلتک فضایل جبلیه
و مکام درم حلیه لری حد و احصا و کتب و املا ده محاسب خیال حیدران
و سرکردان و همکار و خامه بلاغت مال نالان و کربان چاک در
لاجرم ادهم قلم اول و دیدن نسیم اما طفله گذار و کالزار اختصاص
مدون اولان لای نجات صافیات صافی صفات و اب زلال تسلیمات
سلیمات حیات سمات که سلک مواضبت بام شامه انتظام بولش و لا
برید نسیم مسکی اختتام برله مهر سپهر فضایل و اقبال و بدر منازل جاده
و جلال اولان ملکی الصفات و فلکی لدرجاتک مجلس فضایل انیس
و محفل افاضل جلیس لرنیه ایتار و اهدی قلوب انما فی خاص فی ریا
بود که

دکتر

سطح انوار دقایق علوم و منبع اسرار حقایق رسوم جنی پدای کلتیان
افاضل ترهت رای بوستان فضایل نور دیده مقبلان سرور سینه
صاحب دلان چراغ افروز محافل هنر وری لراز کارگاه سخن پروری
طراوت بخشای ریاحین عرفان لطافت غای حقایق ازعان و ایقان
کیمیای خاک ارباب توفیق فوتیای دیدن اصحاب تحقیق کونر خیمه اقبال
کوه پرنایه اجلال که صحایب الفاظ در درباری بارنده لای دره
الناب معانی و اصداف خواهر دراری ^{تبار لری} ضد و نقیض جواهر کوشایک
زبور مفاخر علم و ادب و حلیه ماثر سموحیب و نسب جامع فضایل

کلمات کبی مستمع خصایل فیضی و هی اولان غزلو سلطان خضر
حضور پر نور والا کھر و مظهر فیض سعد اکبر اولان جناب مشربی
اثر لریه کمال خلوص دل و صفای نقای خاطر بی غلطن صادر اولان
خلاصه تسلیمات سلامت هدم و نقا و نجیبات صداقت معلم که
رابطه اتحاد و یکپختی ایله توأم اوله اتخاف و یاد کاه ثریا علم
فلند قد نصکره **دکر**

دعوات صالحات اجابت قرین که مخیر مضمون مناشیر تباشیر صبح سعادت
و تجنات صالحات دقات اصابت رهین که مقرر اشارات بشارت عین
محبت اولوب حیطة دکات ادب فہم و ادراکدن افزون و دایره
احصادن حرکات افلاک کبی بیرون اولان قلم و قلم زبان تقریر ندره قاص
و مندر لکه جامع الحسابی ضطنده حساب نکته یاب عاجز و حاسر در صوب
جناب سایی و مجلس کرایه که مرکز دایره عز جاردانی و مطرح اشعه
قدر و کامرانی در تبلیغ و توجیه اولوب انما فی خور سید تاثیر و انباء
خاطر خطین خفاق سفیر اولدر که **دکر**

دولتم و سعادت و باعث دفعتم **ع** خداوندی غلظت عزم مدافع
بیشهم و بین الحوادث سدا دوام عز و دولت کامرانی و قیام جاء و شوکت
و شادمانی ادعیه بی اناء الیل و اطراف النهار تکرار و تکرار در نصرت کامرانی
مقام اغزاز و اجلال مؤدی فلند قد نصکره معروض دای بیقرار بودر که

توغ بر فروغ غزای ثواب افزا شانه زده **دکر** پیغمبر احد و ماسی ادعیه
سہابی هدف اجابتہ اصابت بالعد بادر کاه واجب الحمد دن سوال اولوب
جند جہاد ایله حفظ رب العباد کنفندہ محفوظ و امداد و اہیل الماد

ایله ایوآد قزاققدن مخطوط اولاری دعا لریم موأبت ده قصور
 صورتی بال صفا مال خطور ایتمد وکی حضور مو فور الحور لریم بزمید
 الاکرام والتعظیم انما و تقدیم قلوب انما و محبت داعی صداقت مرعی
 بودر که کف ضاعت طرف سماء استجاب دعا یه انتظار ایله کنشاده
 و بارگاه موهبت بخشاده دوی نیاز نماده اولوب اول وکی
 الخلافة من کل مخافة امین ولینصر الله من ینصره کفالتی اقتضایه
 امداد الی اول سردار یلند مقدار ایله غزایه و اراده و باشلرین تخلص
 صار ان سیاهی حفظ ضمیم اولما / استدعا سندن اوقات مسعوده
 و انات معهوده ده غفلت اولما مشد **دیگر**

هر سه سالت بدر بنیاد و رفعت و مودله تها مت فرو میراده باله نیوزده
 شجاعت سوار معلم عای رتبت لصف اعظم لصف فطنت صاحب شمع
 مکتب و وللو و سالتو با شای بالذمت خصال نالین عوده فرو شوکتور شمع
 واری و توله ای بوور کر تبت و روز لولیم خرم و وعایه موأطبت و رایت
 سالت غایت فتح مبین تاروت و جشم امید و به باده دره یشارت لیدوب
 تزه رساه منصور بی عسکر اسلای کوزلو و خبر خیر لورفتی و ظفری لوزلو
 لکن المنة لله نجات و نفس ده غونه نفس نفس لریم اولاده فتح نام و قلم
 نشی سحر و لوز لولیم تحریر اولاده ظفر خام و ماوش هافه زنام سایه لکلی
 و مطالع سیم و به لوروش اولوب نسا و لوروش لولیم لولیم و عای
 نورم اقبال لکینه لست تها لولیم

لو ازم دعوات خالصات لیدی الاتصال و مرام تعلیمات سلیمات مطلوب المثال
که بنایع فرط تعلق ولا و سر چشمه عین و د صفای بی دیادن جاری اولور
مزید بنیم بریدم رو و قابوله صوب صواب اتقارینه اتخاف و اهدا اولند
قد نضکره مخلصانه انما اولناه اولدر که

از هر قدر که در این

بسیار است و در این
صورت برات امیدوار خاقانی

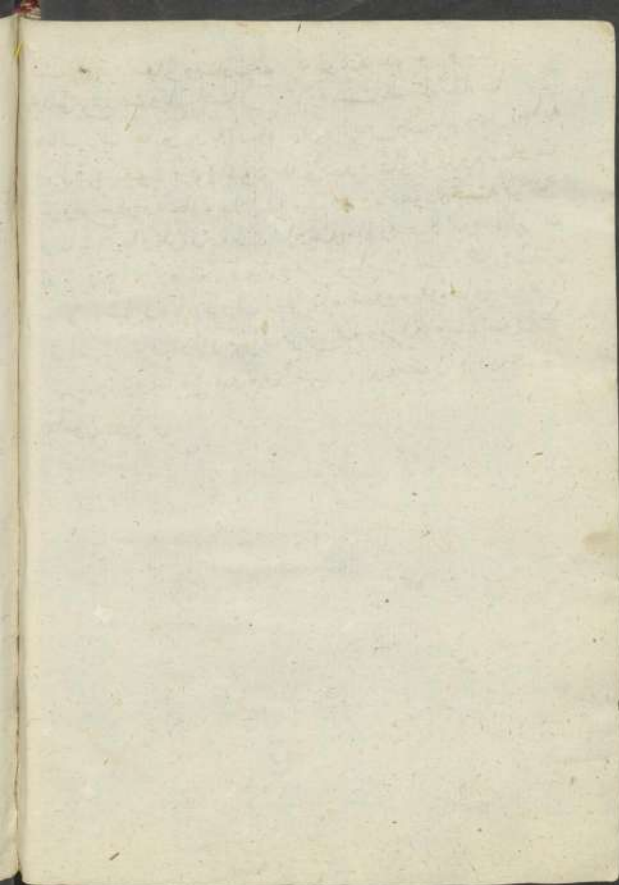
صورت برات امیدوار خاقانی

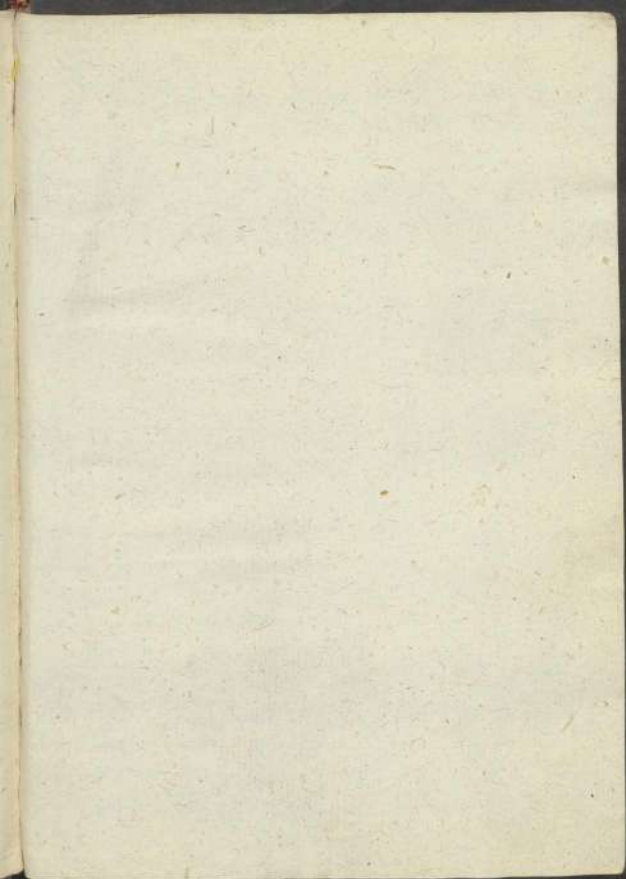
جناب مولانا و شکر ابا بی شمسور رخس مولی بخش سلطنت و کامکار
و نه یار نمند و وزیر عظمی و نجیب دین قلوب فضا و قدر دازم بر کامیابی کف
کف نیمه بند و اعنه جناب مادی برادر دوقه مسخر است که عیال دوزخ و نوس
دو زکار زور دانه از قدر دانه دلی و بی دوزخ فضا از دوزخ و نوس
از برون بر طریق لای از فضا عناه بکانه احاطه لایه که لایه نوز قار
کف و قور زبنا زدنکار هلاله لایه نوس و عیال تولای رخس از قباله سوزار دوزخ
ش ماهه فوین در دوزخ و ده هیو فرو و هیو احاطه بود از فضا و قلم فضا از فضا و بیابان
و عیال دوزخ و لایه و لایه بالجه طریقی بر احاطه بود از فضا و قلم فضا از فضا و بیابان
خیول تیر کام عقول دوزخ عیال از فضا و لایه و عیال دوزخ و لایه و عیال دوزخ و لایه
کرم کرم از برون دوزخ و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
نقد زین تیر دوزخ و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
و تضاعف نموده و از فضا و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
قبضه تصرف نموده و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
از برون دوزخ و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
بغایت از لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
از دوزخ و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه
بمکروب و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه و لایه

خداوند و در این طوطی هزاره کوه دل را غنای شریف و کمال لطیف و لایع
منعطف قلعه عیان کن بر این طوطی و در این کوه که در الحقیقه فارس
فرس ده فرسای فارس و در کتب مورکب میاوی که سند اولوب رکات
کامیاب و غناه غایت مانده هفت غایت و غیرتاری بر و شش و خلع
طاعت و در این بر کوشی قلوب را منطبق علی سبب خدیجه لازم به ظاهر سند
بالجمله مانور اولوب و غنی قریب تمام مجرب و مقدم در این اولوب مورکب
اصول کس و نوکس طبع و طایف و برینوت هو محو اثر برین بر
ایلیوت و غنی قریب هفت رکاب غریبه خوب نازبان و اولوب و اتمام الیه کند باور
میداده سارده سور و بالانند و در سبب مد و وجهه غنای (تشریح
جول و نیز کام زیاده که و هاه و در کتاب مورکب و بیانش قاصد و متف صر
در جرم سبب رکاب های ده روز افزون در ده خدیج و سبب و اتمام
کتاب ایجاب برین که مورکب مورکب درین رکاب غنای غایت مانده اولوب
چنانچه منصرف و منعطف اولوب

۶۶۷
 رفقاء زلال عدل و دلاور ایلست و این و سواران فلز قدح روین و سواران
 روزه اعدایین وین هله طرقتی عجم اوفان و ظهور طوفان حاونان و قه اهر
 رمانه امل و لاله اولوب طایفه جانج و تجار و صغار و کب که زور و
 نیکو روین حیات این صاحب ارض و بخت ایزد شمس لویه تربیت و نهان اولده
 سفای طغوفان عالم و بریان منیر و ماه بر بار کاروانه قبوله نصیب و تنفی
 خاطر و بریا مقاطره خجانه استملک حاکم و رکاه و بریا حفله و دایر مدار وین
 قیوچین بی اودده دافیه و ابرار و دلا ایل شمس و بریای شمس بایلم و علم
 اقبال و الحقیقه غولان عمارت شمس و مودانه که سباج کاشیای مدینه و نور کاشی
 ابرو کشته عالم کاشیای و کاشی اوله این ایل و حقنه کار و خرافات مله
 و غلام انعام متناوله رشتان غنائت عجمه الکوکات منشی و منواری
 و قطار عظیمه کربعه الکوکات متناوله اولون عمارت غرق و وریای
 نغایب تنقوت فلوت فلایر و کلو بیکله لایق قبوله این احسانه ابروین
 حاصل ایزد و بر و دهم و کور و کشته اولور و دهم و کور و کشته اولور
 سفایب مهتاب قرانیه قبوله اولون شوکد و ظریف خدای ایل و یقین قبوله این
 کما هو حق اوله ایل و ایل و بریای بر اهل کس ایل و لاله ناطر و حفر اولون و بر
 و قیوچین جانیه اولور و کاشیای حور و منور و دلا و ایل و کور و کشته اولور
 اوله این و لاله و بریا اول و دلا و دلا و کس ایل و بر و کشته اولور
 رعیت و کشته اول و کس و بریا و کشته اول و کس ایل و بر و کشته اولور
 بحر ایل و بر و کشته اول و کس و بریا و کشته اول و کس ایل و بر و کشته اولور
 باله ایل و کشته اول و کس و بریا و کشته اول و کس ایل و بر و کشته اولور
 و کشته اول و کس و بریا و کشته اول و کس ایل و بر و کشته اولور

کشته اند برج معالی و سعادت تالعه کو کی انته الله نور و سنا
 بجالتون حمد و دولت و باغ اقبال تازه کشت انته الله نباتا حستا
 جناب رب العالمین بدیدارند آسمان و زمین تعالی شانه و پیر برهانه
 اول قره العیون و قوه المنون طلیعه مجد و اقبال و قدوم سعادت
 لزوم مقدمه جاه و جلال ایدوب و درود سعود و نجسته و محود
 و سایه ازهار گلزار سلطنت ایل فرخنده حال و سعود اید و حفظهم الله
 تعالی فی ظل الوالد و الحد و وقایع من شرح اسد از احسد هو ان ساد علی
 جاه و شهزاده کان دولت پناه سایه سنده نو پا و حانی و یا کور
 ریاض شاد مانی اولان شهزاده لرین منع و بریلید و باغ امید و عمر دن
 پیر متد ایدوب باغ امید لرین اسیب زوالدن مصون و افت علی الملک الد
 مامون اولالر





علم تزیل به حق سور بلبل که جبار و احد را لایه و سفینه انجور و النواله جبر عن النعم و الهاله
حضرتی ازل ازل بر احرکه استخفاف و استعلا و زاریه سه کون غیب و تقدیر
ازد و که حصه و نصیبی بایه منضم و جو و و جوی که و زاریه کاینه و عکس غا و مقصور
و علامه فجاءه محاله و ریس اوله و زریه ستود خصاله و جناب عیض فعا و حضرت بلبل
و زریه مکارم استخالات موع و مکرور اوله و کس صفای عیض و مکارم و حلال
جلبله مقتضی علو و رجا و مستغنی خصوصه و زاریه اوله و حضرت بلبل که کوه
سبز و نهر یار سلیمان نظی و زریه عایه نقیضی عامه عیض غایب مقتضی مایه اینه
مفخر و ممتاز و سربلند و زاریه زاریه کوه اوله و زریه عایه به ارتباط و انتظامی
کجوز و زاریه و قیامی سلطنت و کایه و زریه و زریه نامیه خلاف و همراه زاریه
اوله و زاریه عالیه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
خافیه و مخصوص عایه جلبله سلطانی سور و بلبل و جبار و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
و مینوه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
و خیاب جلبله که کوه اید و کایه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
و کایه هر که بو خصوصه و قوغده و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
عالم مخصوص بوحید و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
تعیل و تقریبی خار و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
خافیه کایه علی حسن انصوری و مقدر اوله و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه
شاه سور ماکز لوه تقدیر از بلبل مسطور و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه و زاریه

اولد که حالیا ادا دت خالق زمان و رازق اسرو جان اقضا ابلد که
 بو ادا فی غیواده اولان عباد رحمت معتاد سایه عدالتده و ساحه عنایتدن
 منتظم الحال و مرفه المال اولالار و الیه متتالیاتنک شکون و نغواء متوالیاتنک
 حمدن بقدر الاستطاعه ادا ایدر و وعاده الله ده بوانتظامه سبب خلفا
 عاد لین و امراء اهل یقین و وزراء صاحب فرست و امراء ارباب کیاست
 صادق الولا معارفی و انلرک تدبیر مستحسنه لری برکاتیله اولو کلوب
 پس بو عادت جمیله مقتضا سنجه فی زماننا بو کمالات حمیده و فرست پسندین
 سلطانک ذات شریفی جامع و انوار سعادت طلعت منیر لرزه لامع اولدی
 سپدن بادی بصیر احوال انام و خیر مال کرام بر موجب قوله تعالی بحسب
 ریک صدر و زارته سلطانی اختیار و الله یؤید بنصره فحی سنجه ذات
 عالیشان لرین نصر عزتله مؤید و مختار ایدوب صدر عالیقدر و زار
 و سریر معلا ی و کالت سلطانک وجود پر جود فرخنده فالی ابله منین و راسته
 و جمال باکمال و ملک خصلی ابله مزین و پیراسته اولوب حدیفه سین زار
 و زارت و روضه کذار صدارت عام دونق و طراوت و امور سلطنت
 احسن نظام ابله انتظام و احوال فاکلک و انام علمی وفق المرام عام التیام بوکل
 لله الحمد سوق دینی ابله ملک العتقانی غیرت ملک سلطانی اولوب بو صدای
 پریمای مفرح القلوب ابله اذان انراق علما و کافه اخلاف و فضلا مملو
 اولوب قلوب عالم جوهر سرور ابله سرور اویچی دمر انامدن اهله و محله
 زمزمه سی شریابه ابرندی **یت** ایجه تمنای ما و اهل زمان بود
 کشت میتر فیض فضل اله الحمد لله الذی صدقنا وعده و اوزننا الارض تنقیو
 من اجنته حیث نشاء ابنی دلون تکرار اولوب اول مختار عامه ماهیات

و مبدع جملة محسوسات جنائنه فوجیه روی نیاز اولنوب توقع واستدعا اولنوب
بومرتبه علیه و درجه سیمه اولجناب عظم الشانه مبادک و میون و خصار و
طل الله مقرون بالله آمین